انتشارات کتابخانه مسجد سید
اصفهان - ایران

بیان المفاخر

در

احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و مآثر

حاج سید محمد باقر حجة الاسلام شفتی

بیدآبادی

جلد ۲-۱

تألیف

سید مصلح الدین مهدوی

بسم الله الرحمن الرحیم

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

نویسنده:

مصلح الدین مهدوی

ناشر چاپی:

کتابخانه مسجد سید اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بیان المفاخر: در احوالات عالم جلیل صاحب مناقب و اثر حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۳۷۴ - ۱۲۹۴

عنوان و نام پدیدآور : بیان المفاخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر : اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.عکس

فروست : (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان ۹)

شابک : ۴۰۰۰ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

موضوع : شفتی بیدآبادی، محمدباقربن محمدتقی، ۱۱۷۵؟ - ۱۲۶۰ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۵/۴۵۵/م ۹ب ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۸-۱۶۲۷

ص: ۱

جلد ۱

اشاره

تصویر



آثار مولف کتاب

اشاره

از اینرو کتابهای زیر را در رابطه با این موضوع تالیف نموده و تاکنون بچاپ رسیده است :

۱- ارمغان اصفهان با شرح حال حضرت آیت الله مرحوم حاج میر سید علی بهبهانی رحمه الله علیه .

۲- تاریخ سامرا مختصر به ضمیمه زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی . ۳- تاریخچه محله خواجوی اصفهان و نام برخی از علماء منسوب بدانجا ۴ - تاریخچه مختصری از زندگانی امامین همامین عسکریین علیهما السلام

ص: ۱۰

ضمیمه تاریخ سامراء.

- دانشمندان و بزرگان اصفهان .

- رجال اصفهان با حواشی و ملحقات بر تذکره القبور مرحوم مولی عبد الکریم گزی علیه الرحمه .

۷- زندگینامه مرحوم آیت الله بروجردی رضوان الله علیه .

۸- زندگینامه علامه مولی محمد باقر مجلسی و پدر بزرگوارش علیهما الرحمه در دو مجلد .

و - شعرای معاصر اصفهان . ۱۰- غایه الأمال و الأمانی در شرح حال علامه سید هاشم بحرانی .

۱۱ - فهرست اجمالی از مدارس دینی اصفهان از اولین دوره تا کنون بضمیمه کتاب و محیط ادب » بچاپ رسیده است.)

و برای عده ای از بزرگان علماء وغیره نیز تألیفی نوشته ام که هنوز چاپ نرسیده است از آنجمله :

ا- تاریخچه امامزاده های اصفهان و توابع .

۲ - تاریخچه مدارس دینی اصفهان مفصل بنام : اصفهان با دار العلم شرق.

۳- شرح حال آنا باقر خوراسگانی و جمعی از علمای معاصر او در اصفهان . ۴ - شرح حال مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری . و به شرح حال خجندیان اصفهان از علماء قرن پنجم و ششم .

- شرح حال اجمالی از سادات دست غیب شیراز

۷- شرح حال علماء مسجد شاهی اصفهان بنام: « بیان سبل الهدایه فی ذکر اعقاب صاحب الهدایه .

۸- شرح حال علامه سید هاشم بحرانی مفصل .

و مردان نامی اصفهان (قریب ده هزار نفر که متأسفانه هنوز پاکنویس نشده است).

و با این خدمت ناچیز گمان میرود که تا اندازه ای بو ظیفه خود عمل کرده باشم ، انشاء الله تبارک وتعالی مورد قبول درگاه احدیت وصاحب شریعت واقع گردد .

(تذکر):

پس از چاپ و انتشار کتابهای نامبرده جمعی از بزرگان اهل علم و دانش از نظر ذره پروری و لطف و عنایت نویسنده را مورد محبت و تفقد قرار داده و بصورتهای مختلف مورد تشویق قرار دادند و او را در خدمات آینده دلگرم نموده وراهنمائی های سودمند فرمودند که اینک از الطاف همه آنان سپاسگزاری نموده و از خداوند منان برای آنان توفیق می طلبم .

جمعی از اهل مطالعه و تحقیق نیز پس از بررسی کتابها به نکاتی و خطاهائی برخوردند که آنهارا کتباً ویا شفاهاً مرا بدانها واقف ساخته و در این جا از لطف بیکران وعنایت آنان تشکر می کنم و امیدوارم که این لطف و محبت مستدام باشد اما

اما عده ای نیز تنگ نظرو کور چشم اند نه خودکاری انجام می کنند و فقط هنر آنان عیب جوئی است ، کتابها را دیده یا ندیده زبان بیاوه سرائی گشاده که چرا فلان کس را نام برده و به دلیل مطلبی را از کتابی که از معایب خاندان ما در آنست نقل کرده است.

گاهی که با آنان روبرو میشدم نه تنها از این مقولات سخنی بمیان نمی آوردند بلکه احیانا وبدروغ وریا تعریف و ستایش نیز مینمودند لکن از سیمای آنان آثار دوروئی و نفاق ظاهر و آشکار بود،

درخواست نویسنده):

ای خواننده عزیز از شما که فرد مسلمان و پای بند به اصول اخلاقی اسلامی میباشی درخواست می کنم و انتظار دارم که :

اولا قبل از مطالعه کتاب درباره آن قضاوت و داوری نفرمائید .

ثانیاً موارد نقص و خطای آنرا بدون پروا به شخص من بنویسید و تذکر دهید ویا تلفن کنید .

ثالثا از نقل اشتباهات در مجالس و در حضور جمع حتی المقدور بپرهیزید و متذکر باشید که یکی از وظائف افراد مسلمان و (حفظ الغیب)، است.

رابعا اشتباهاتی که ممکن است مربوط به چاپ باشد را خود اصلاح فرمائید و خطاهای دیگر را چشم پوشی فرموده و فقط نویسنده را خبر دهید که : اخوک من صدقک من صدقک.

شرط دوستی علم و اهل علم همین نگاهداری آنان از خطای در موضوعات علمی و تاریخی است. ما

نادیده گرفتن خطای کوچکتران و عدم تذکر به آنان موجب تکرار خطا و اشتباه است.

دوست باید که همچو آئینه

عیبها جمله روبرو گوید

نه که چون شانه پشت سررفته

نکته ها جمله مو بمو گرید

پیشگفتار مولف

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وبه ثقتی ورجالی

الحمد لله الذی فضل مداد العلماء علی دماء الشهداء وجعلهم ورثه الأنبیاء علیهم السلام .

وارثان انبیایند اهل علم ***رشحه اقلام ایشان کیمیاست

نوتبای دیده اهل یقین ***خاک پای وارثان انبیاست

والصلاه والسلام علی رسول الله وعلی آله وعترته الی الله ، ولاسیما علی بقیه الله فی الأرضین وحجته علی الخلق اجمعین الحجه بن الحسن العسکری الامام الغائب المنتظر الذی به یملا الله الأرض قسطا وعدلا بعد ما ملئت ظلما وجورا ، واللعن الدائم علی أعدائهم ومخالفیهم الی قیام یوم الدین.

از حدود یک قرن پیش تاکنون قلم هائی علیه شیعه و بزرگان آن در گوشه

و کنار ممالک اسلامی بکار افتاده وهریک بگونه ای بر دوستان خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام تاخته اند، برخی به اصول اعتقادات آنها وعده ای در مسائل فروع انتقاد و اعتراض نمودند . یکی نوشت اصلا شبعه باین صورت ساخته شاه اسماعیل صفوی است و قبل از او بدین نام و نشان فرقه ای در اسلام نیست از اینرو شیوه علوی و شیعه صفوی آنها را نامید . دیگری گفت فرقه شیعه قبل از صفویه عالم ودانشمندی نداشته و عموم مردمی جاهل و نادان و بیسواد بوده اند . سومین پا را از این حد فراتر نهاده و صریحا در جزوهای نوشت و بچاپ رسانید که :

واقعاً شیعه جز چند آخوند درباری هیچ کس و هیچ چیز دیگر ندارد.

من هر وقت این عبارت نویسنده فوق را بخاطر می آورم برخود می لرزم . اگر برخی از نویسندگان مطالب قبلی از اهل سنت بودند نوشته آنان را بغرض ورزی و کینه توزی و تعصب بیش از حد و عناد و دشمنی حمل می کردیم و نمی گفتیم که آنها از طرف کسی ودولتی ماموریت دارند، بین این دو فرقه از مسلمین نفاق واختلاف ایجاد کنند و به آتش این اختلافات دامن بزنند تا افروخته تر شود و در دنیایی که همه مسلمین احتیاج به اتحاد و همبستگی دارند مشکلی بر مشکلات آنان بیفزایند و مانع وجلو گیر اتفاق آنان در برابر دشمنان خارجی و ایادی داخلیشان شوند تا استعمارگران بیش از پیش بر آنان مسلط شوند. این دیگر مدعی تشیع است.

من از بیگانگان هرگز ننالم ***که هر چه کرد با من آشنا کرد

من گاهی فکر می کنم که :

آیا این نویسنده حقا از تاریخ پر افتخار شیعه و بزرگان آن آگهی ندارد و آنچه نوشته است از روی عدم اطلاع است و با این نیز مامور است و خود را در آنچه می گوید معذور می داند .

آیا آنهمه محدثین و مجتهدین ومؤلفین وحکماء وفلاسفه و مترجمین و شعراء

و مفسرین که در طول دوازده قرن (پس از غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در شیعه بوده اند و عالمی رابنور علم و دانش خودروشن کرده اند هیچ است .

من تصور نمی کنم که فرد مسلمان و شیعه ای یافت شود که نام کتاب شریف کافی و مؤلف بزرگوار آن مرحوم ثقه الاسلام کلینی را نشنیده باشد این شخص خواه فردی درس خوانده باشد و یا شخصی عامی و بیسواد .

آیا باور کردنی است که شخصی باشد و با یکی از کتب حدیث فارسی یا عربی سروکار داشته باشد و نامی از جناب صدوق المحدثین ابن بابویه نشنیده باشد .

آیا این آقای نویسنده محقق نام بزرگانی همچون کلینی - شیخ مفید - شیخ صدوق - شیخ طوسی سید رضی و سید مرتضی را نشنیده است و آنهمه تألیفانشان را با همه کثرت و اهمیت به هیچ می شمارد.

آیا ابن سینا و بیرونی و فارابی و زکریای رازی و ملا صدرای شیرازی که عالم فلسفه و پزشکی بوجود آنان افتخار می کنند هم هیچ اند .

آیا محقق حلی و علامه حلی و مقدس اردبیلی و شیخ انصاری و دهها بلکه صدها عالم وفقیه ومجتهد همچون آنان همه بنظر آقای نویسنده آخوند درباری هستند با هیچ کس نیستند و آنهمه آثار علمی که از آن بزرگواران بجای مانده هیچ است و قابل اعتناء نمی باشد.

چقدر خوب بود که این نویسنده محترم که متاسفانه عده ای از جوانان از همه چیز اسلام بی خبر اورا پذیرفته و حرفهایش را بی چون و چرا باور دارند اندکی بخود زحمت میداد واقلا از یکی دو سه نفر از اطرافیان خود نام کتابها و مؤلفین آنها را می پرسید .

اگر او کتاب تأسیس الشیعه الکرام الفنون الإسلام ویا کتاب الشیعه وفنون الاسلام تألیف علامه بزرگوار آقا سید حسن صدر الدین موسوی کاظمینی وبا ترجمه کتاب (الشیعه وفنون الاسلام) را بنام شیعه یا پدید آورندگان علوم وفنون اسلام را دیده و یا خوانده بود می دید که شیعه در تمام علوم و فنون بر جمیع فرق اسلامی در تالیف و تصنیف مقدمند ، باز هم می گفت : شیعه هیچ چیز ندارد .

اگر به ۲۷ مجلد کتاب و الذریعه إلی تصانیف الشیعه » تالیف علامه جلیل محقق مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی مراجعه کرده بود که در آن هزارها

کتاب از تألیفات علماء و بزرگان شیعه و موضوع آن و تاریخ تالین و برخی دیگر از خصوصیات کتابشناسی را تذکر داده اند و الحق و الانصاف منشی بزرگی بر اهل مطالعه و تحقیق و تألیف ثابت فرموده اند باز هم می گفت شیعه هیچ چیز ندارد

آیا ایشان نام کتاب و طبقات اعلام الشیعه ، تألیف علامه متتبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی را شنیده اند و میدانند که چندین مجلد آن حاوی نام هزاران دانشمند شیعه تا کنون بچاپ رسیده است . آیا اینها همه هیچ اند و یا آخوند درباری.

اگر ایشان ۵۶ جلد کتاب «اعیان الشیعه» تالیف علامه محقق مرحوم حاج سید محسن امین عاملی که در آن نام دهها هزار تن از علمای شیعه جمع آوری نموده است را دیده اند آیا باز هم می گویند شیعه هیچ کس را ندارد .

از ذکر دهها کتاب دیگر همچون امل الأمل - روضات الجنات - ریاض العلماء - الفهرست و غیره خود داری می کنیم برای آنکه گفته نشود اسامی این افراد تکرار است

ایا تمام این افراد آخوند درباری هستند و یا بنظر ایشان درباری بودن فی حد ذاته جرم است . چقدر از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام باذن آنان در

دستگاه خلفای اموی و عباسی مصدر امور بودند و عملشان مورد تأیید ائمه علیهم

السلام بود .

آیا مشار الیه نام جناب عبدالله نجاشی والی اهواز از طرف منصور دوانیقی را شنیده است که از ثفات اصحاب حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بود و آنحضرت رساله اهواز به را در طرز حکومت کردن بنام وی مرقوم فرموده

من پس از سالها مطالعه در کتابها باین نتیجه رسیده ام که :

اسلام و مسلمین هر چه دارند (که همه چیز دارند لکن خود آنرا نمی شناسند وقدرندارند) از بر کت وجود علماء بزرگوار وروحانیون عالیمقدار بوده است . آنها تمام مشقات وزحمات را تحمل کردند . رنجهادیدند . سختیها و ناکامیها چشیدند بزندانها رفتند کشته شدند و از راه مستقیم منحرف نشدند و آثاری گرانبها بنام کتب علمی و فلسفی - تفسیر وحدیث رقه و اصول و شعر وادب از خود بجای گذاشتند . امروز بطورقطع و یقین میتوان گفت : غنی ترین ملتها از حیث گنجینه های علمی مسلمین هستند و شاهد آن فهرست کتب کتابخانه های بزرگ دنیا می باشد.

سبب تالیف این کتاب

اشاره

سبب تالیف کتاب : انگیزه من در تألیف این کتاب دو چیز بوده است : ۱- فردی ۲ - اجتماعی

ص : ۱۳

الف : فردی خانه پدری من در مرحله بیدآباد در نزدیکی مسجد سید حجه الاسلام قرار دارد ، از زمان کودکی و دوران جوانی جهت درک نماز جماعت ونبض ثواب قراءت فاتحه در سر مقبره مرحوم سید حجه الاسلام به این مسجد میرفتم و در حقیقت اهل بیداباد که منهم فردی از آنها می باشم ، با این مسجد مانوس می باشند و عده ای از آنها موقع بیکاری خود را در مسجد می گذرانند . این مسجد محل ملاقاتها و دید و بازدیدها و عبادتها ... بوده و می باشد .

از کودکی بمن و تمام بچه های محله آموخته بودند که هر موقع از برابر مقبره مرحوم سید حجه الاسلام عبور کردیم ایستاده و فاتحه بخوانیم و این کار را مثل کارهای واجب انجام میدادیم . همین موضوع اولین انگیزه ای بود که بدانیم این مقبره از کیست و بانی این مسجد باعظمت کیست

در سالهائیکه دوست دانشمندم جناب آقای دکتر لطف الله هنرفرکتاب نفیس و ارزشمند « گنجینه آثار تاریخی اصفهان »، را تالیف مینمود ، مکرر در مکرر باتفاق ایشان و گاهی از اوقات عده ای از فضلاء جهت خواندن کتیبه ها و مشاهده طرز ساختمان و بنا به مسجد سید می آمدیم اما ورود من به مسجد و مشاهده در و دیوار آن بادفعات قبل بسیار تفاوت داشت، در آن روزگار فقط مشاهده بود اما اکنون اعجاب آمیخته با تحقیق.

در سالهای انقلاب و از آن پس که بیشتر اجتماعات مردم اصفهان در این مسجد بود من نیز جهت شرکت در اجتماعات و شنیدن سخنرانیها با انبوه مردم بمسجد می آمدم لکن به کیفیتی غیر از دفعات قبل .

گاه می شد که سخنرانی شروع میگردید و من به کتیبه یا شعری نظر داشتم آنقدر از خود بی خبر بودم که یکوقت متوجه میشدم سخن رانی تمام شده و مردم متفرق میشوند و من هنوز اندر خم یک کوچه ام » .

ص : ۱۴

در این سالهانه تنها من بلکه بیشتر مردمی که در این مسجد گرد آمده بودند مایل بودند بانی مسجد را بیشتر بشناسند بخصوص که گاهگاه درباره مرحوم سید حجه الاسلام و اجرای حدود شرعیه بدست مبارک ایشان مطالبی کم و بیش گفته می شد.

. ب : اجتماعی بیشتر دوستان و آشنایان من از طرز فکر و مطالعائم خبرداشتند و میدانستند که درباره سرگذشت علماء اسلام و شیعه و بخصوص آنها که مربوط به اصفهان است چیزهائی شنیده و دانسته ام از این رو در این موقع ، یعنی در موقع اجتماعات در مسجد سید بنزد من آمده و سوالاتی میکردند و بدانها پاسخ میدادم و چون برخی مطالب تازه میشنیدم آنرایاد داشت می کردم و خود برای آنکه بهتر بدانم وبیشتر بتوانم جوابگوی پرسشها باشم بمطالعاتی بیشتر و عمیق تر پرداختم .

برخی از دوستان بطور پیشنهاد و اعتراض اظهار می داشتند که چرا در باره حجه الاسلام کتابی مستقل تألیف نمی کنی و آنرا منتشر نمی سازی تا اهل مطالعه وتحقیق و بخصوص اصفهانیان بهتر و بیشتر از حالات ایشان آگاه شوند و بدانند که علماء اسلام چه فداکاریها کرده اند و چگونه در برابر ظلم و ظالم ایستادگی و مقاومت نموده اند و ضمنا جوابگوی برخی از نوشته های نویسنده های مخالف علماء باشد.

اخیرا از طرف نواده مرحوم سید حجه الاسلام یعنی حجه الاسلام زاده عزیز وفاضل ومتنی آقای حاج آقا مهدی شفتی فرزند برومند عالم جلیل مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه اقدام ب چاپ کتاب (مطالع الأنوار)، شده و تاکنون بحمدالله چهار مجلد آن از چاپ خارج گردیده است ایشان بر آن شدند که شرح حال نسبتا جامع و مفصلی از مرحوم سید حجه الاسلام بفارسی نوشته و چاپ کنند.

آقای شفنی انجام این مهم را از بنده کمترین خواستند من نیز با وجود گرفتاریهای مختلف و ابتلاء بامراض گوناگون بالاخص بیماری و ضعف چشم مسئول ایشان را بدون چون و چرا پذیرفتم .

اینک بخواست خداوند متعال وفضل و کرم بی نهایت او و یاری و استعانت از ارواح مقدسه بزرگان دین و توجه از حضرت ولی الله الاعظم امام العصر والزمان روحی و ارواح العالمین له الفداء کتاب حاضر را در شرح حال وخدمات یکی از نواب عام و سربازان و سنگر داران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یعنی یکی از مفاخر اسلام و شیعه عالمی بزرگوار و محققی پرهیزکار که چشم روزگار همانند او را کمتر دیده و گوش اهل زمان نام ورفتارش نشنیده یعنی حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی اصفهانی بیدابادی تألیف نموده و نام آنرا «بیان المفاخر در شرح حال حاج سید محمد باقر » نهاد م و امید است که در محضر مقدس حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه مورد قبول افتد .

من الله التوفیق وعلیه التکلان

سید مصلح الدین مهدوی

ص : ۱۶

علماء شیعه در دو سنگر مبارزه کرده اند

علماء بزرگوار اسلام بالاخص شیعه مبارزات خویش را در دو جبهه و در دو سنگر انجام دادند :

۱- برابری در مقابل خلفاء و سلاطین و حکام (شیعه حق حکومت و سلطنت را مخصوص خداوند متعال ورسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و در زمان غیبت مجتهدین واجد شرایط میداند وغیر از آنها تمام پادشاهان وخلفاء را غاصب میشمارد) گاهی بصورت موافقت ظاهری (مبارزه منفی) و گاهی مخالفت علنی (مبارزه مثبت) رزمانی اعراض و گوشه نشینی که آن نیز خود جزو مبارزات منفی بشمار میرود .

۲- تربیت دانشجویان و طالبان علم و دانش و تألیف و تصنیف کتب علمی و دینی

ص: ۹

یعنی تهیه سربازان و مبارزین بعد از خود و تهیه اسلحه علمی برای آنان .

بطور خلاـصه بایـد گفت وصریحا اذعان کرد که ملت شیعه هر چه دارد از علماء دارد و هر کس نسبت بـدانها جسارت کرد یا از روی عـدم بصیرت است و با از عدم ایمان واقعی .

همانگونه که قبلا گفتیم عـده زیادی از مردم و بخصوص جوانان چون از سر گـذشت علماء شیعه بی خبر بودنـد نوشته این نویسندگان علیه دانشـمندان در بین آنان اثری شـگرف نموده بود و آنهارا نسبت به روحانیون بدبین کرده و فاصـله ای بین مردم و طبقه علمی دینی ایجاد شده بـود. من خود در تهران از یکی از مقدسین اداری که حق مرد دینـداری بود لکن در اثر مطـالعه اینگونه نوشته هـا عقایـد انحرافی نیز داشت ، شنیـدم که می گفت : مـدتی است کسـی را میخواهم که جهت بیـان مسائل هفته ای یکبار بمنزل من بیایـد و تا کنون نیافته ام . چنـد نفر را باو معرفی کردم در جواب گفت : حقیقت را اگر خواسته باشی میخواهم معمم نباشد زیرا..

آنچه بایـد ولاـزم بود بار تـذکر دادم ونصیحتش کردم ظاهرا پـذیرفت ولی عملا قبول نکرد. بعـد از مشاهـده این اوضاع و طرز تفکر برخی از جوانان ورسوخ انـدیشه های انحرافی بـدانها من بر خود لازم بلکه واجب دانسـتم که در شـناساندن علماء شـیعه بجامعه یقدر وسع وطاقت خود کاری انجام دهم.

بخش اول: نام ونسب ومولد

اشاره

من النبی صلی الله علیه وآله وسلم ؛

کل سبب ونسب وصهر منقطع الأنسبی ومهری لاله المان یوم القیامه یشفعان لصاحبهماء

(عمده الطالب)

ص : ۱۷

تقسیم بندی

برای آنکه بهتر بتوان بشرح حال مرحوم سید حجه الاسلام آگهی یافت لازم است دوران زندگی او را بچهار دوره ممتاز تقسیم نمود :

۱- از تولد تا مهاجرت به نجف اشرف. ۲- دوران تحصیل در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وقم و کاشان . ۲- ورود به اصفهان تا مرگ فتح علیشاه قاجار .

- از مرگ فتحعلیشاه تا هنگام وفات . الف : دوره اول از ۱۱۷۵ شروع به ۱۱۹۲ خاتمه می یابد یعنی ۱۷ سال . ب : دوره دوم از ۱۱۹۲ شروع و به ۱۲۱۶ ختم میشود یعنی۲۴سال . ج: دوره سوم از ۱۲۱۶ شروع و به ۱۲۵۰ ختم میشود یعنی ۳۴ سال .

د: دوره چهارم یعنی آخرین دوره زندگانی مرحوم سید حجه الاسلام از ۱۲۵۰ شروع و به ۱۲۶۰ ختم میشود مدت ده سال جمعا ۸۵ سال.

ابنک هر یک از دوار چهار گانه را در فصولی چند شرح خواهیم داد .

در خاتمه کتاب نیز فصلی مخصوص راجع به زندگانی مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی نظر به اهمیت او از هر جهت (فردی - اجتماعی) وخدمات و آثار او بیان خواهیم کرد.

فصل اول: (نام ونسب)

نسب شریف سید حجه الاسلام شفتی

نام ونسب:

عالم وفقیه کامل محقق مدقق علامه متبحر جامع معقول و منقول وحصاری فروع واصول مجتهد خبیر وبصیر ، کسیکه در علم وریاست و قدرت و مکنت و بسط بر همه علماء زمان خود بلکه بر بیشتر زمانها تفوق داشت ، زاهد عابد تقی بلکه ازهد واعبد واتقای علمای عصر حجه الإسلام علی الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر چرزی طارمی شفتی اصفهانی بید آبادی اعلی الله مقامه الشریف .

نسب شریف :

نسب شریف آن بزرگوار بطوریکه خود در مقدمه مطالع الانوار فرموده است بدینقرار است : سید محمد باقر بن محمد نقی (به نون) ابن سید محمد زکی ابن محمد تقی بن شاه قاسم بن میر اشرف بن شاه قاسم بن شاه هدایت بن امیر هاشم بن سلطان سید علی قاضی بن سید علی بن محمد بن علی بن محمد بن موسی بن جعفر بن اسماعیل بن احمد امیر جه بن محمد المجدور بن أحمد المجدور بن محمد الاعرابی بن ابومحمد قاسم (ابی القاسم) الأعرابی بن ابوالقاسم حمزه بن

ص : ۲۰

الامام الهمام موسی الکاظم علیه الصلاه والسلام .

جناب ابوالقاسم حمزه فرزنـد امام موسـی کاظم علیه السـلام و مادرش ام ولـد بوده و آنجناب وجناب محمد مدفون در شـیراز از یک مادر می باشـند و خود سـیدی جلیل القدر والمنزله ، درعمده الطالب (ص ۲۲۸ چـاپ نجف) ویرا کوفی وصف نموده (یعنی سـاکن کوفه) و اعقاب در ایران از دو فرزندش قاسم وحمزه می باشند در محل دفن جناب حمزه اختلاف است و آنرا در چندین موضع نوشته اند :

ا- در جنب مرقد مطهر حضرت عبد العظیم حسنی در شهر ری .

۲- در سوسفید ترشیز . مؤلف منتخب التواریخ (ص ۴۶۹ چاپ اصفهان) می نویسد: احتمال میرود قبریکه درسو سفید است قبر حمزه بن حمزه بن موسی بن

جعفر علیهما السلام باشد چون در عمده الطالب دارد که حمزه بن حمزه رفت بخراسان .

۲- در سیرجان کرمان چنانکه در بدایع الانساب نوشته .

۴ - محدث قمی در منتهی الامال می نویسد : از صاحب نجدی نقل شده است که حمزه بن موسی علیه السلام قبرش در اصطخر شیراز معروف و مشهور و محل زیارت نزدیک و دور است.

۵- محـدث قمی رضوان الله علیه از عـالم آراء عباسـی در منتهی الامال نقل می کنـد که : مـدفن آن امامزاده در قریه ای از قرای شـیراز است و سلاطین صفویه برای وی قبه عالیه بنا نموده اند .

نویسنده گوید : در عالم آراء عباسی (ص ۹ چاپ دوم) می نویسد :

یقول أصح در سوسفید ترشیز مدفون و مرقد شریفش مطاف مردم آن ولایت است.

. همچنین محدث قمی علیه الرحمه در منتهی الاما می نویسد : در قم مزاری

است

معروف به شاهزاده حمزه که از تاریخ قم مستفاد میشود که وی جناب حمزه ابن موسی الکاظم علیه السلام است.

نویسنده گوید : دانشمند و محقق معاصر آقای حاج میرزا عباس فیض در انجم فروزان (ص ۱۹۰) می نویسد در جوار مدفن شاهزاده اسماعیل(اسماعیل بن احمد بن حسین بن احمد بن حسین بن احمد بن علی العریضی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام) امامزاده حمزه که از احفاد حضرت امام موسی الکاظم علیه السلام است نیز بخاک سپرده شده است (انتهی).

مرحوم میرزا مهدیخان بدایع نگار لامونی در بدایع الانساب (ص ۲۸) از عبارت مرحوم قاضی نور الله شوشتری در مجالس المؤمنین که میفرماید : سید حمزه موسوی چنین فهمیده است که نباید مدفون در شهر ری در جنب مرقد مطهر حضرت عبدالعظیم اولاد بلاواسطه باشد . وسپس می نویسد که ممکن است وی حمزه بن حمزه ویا حمزه بن محمد بن عبید الله بن الامام موسی الکاظم علیه السلام باشد .

در بین افوال ششگانه فوق آنچه معتبر بنظر میرسد و قرائن نیز مؤید آنست قول اول می باشد همانگونه که علامه مجلسی رضوان الله تعالی علیه فرموده است .

وأما ابو محمد قاسم که او را به اعرابی وصف کرده اند نیز سیدی جلیل و پرهیز گار بوده و مادرش ام ولد بوده است . در مشاهد العتره (ص ۱۲) بنقل از تحفه الأزهار تألیف ابن شد قم می نویسد : احمد بن محمد معتصم عباسی دستور قتل آن بزرگوار را داد وی به اصفهان فرار نموده و مأمورین خلیفه ویرا تعقیب کردند او را و برادر زاده اش حمزه را در قریه اشترجان از بلوک لنجان اصفهان در حال خواب دیدند هر دورا شهید کردند و قبرشان در آنجا معروفست

ص : ۲۲

وسال ۲۵۰ سال شهادت آندو بزرگوار است .

واما فرزند او جناب محمد که ویرا نیز به اعرابی وصف نموده اند از بزرگان سادات زمان خود بوده و همچون پدر دارای اولاد و اعقاب زیادی می باشد. .

(فائده) : نسب سلاطین صفویه سادات ملاباشی شیراز (معروف به سادات حکیم سلمانی) وسادات کلانتری اصفهان به جناب احمد فرزند ابو محمد قاسم الاعرابی برادر جناب محمد الاعرابی منتهی میشود . . .

واما جناب احمد المجدور فرزند محمد الأعرابی از سادات بزرگوار بوده و دارای فرزندانی چند است از آنجمله : اسماعیل – محمد المجاور – موسیو ..

درعمده الطالب (ص۲۲۸) می نویسد : از برای اولاد جناب احمد المجدور اعقابی است که جمله آنها نقباء طوس وسادات آنجا می باشند و نام ابو جعفر بن موسی بن احمد المجدور را ذکر نموده و گوید نقیب طوس و سیدی جلیل و شاعری ممدوح بوده است . در منتقله الطالبیه (ص ۲۲۱) گوید ذریه او از فرزندش ابوالقاسم حمزه می باشد، و گوید که ابوالفتح بستی و بدیع الزمان همدانی ابوجعفر محمد بن موسی بن محمد المجذوررا ستایش نموده اند .

واما محمد المجدور نیز سیدی جلیل القدر بوده و ظاهرا در خراسان سکونت داشته است.

اجداد مرحوم سید حجه الاسلام عموما از علمائ محل خود بوده و کلمه قاضی در دنباله نام یکی از آنها نشانه مقام و منزلت ظاهری مشارالیه است که ظاهرا در حدود قرن دهم و اوائل حکومت وسلطنت پادشاهان صفوی میزیسته است

پدر مرحوم سید حجه الإسلام : مرحوم سید محمد نقی در یکی از دهات زنجان پیشوای مردم آن سامان بوده و از جزئیات زندگانی او هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه احتمالا قبل از سال۱۱۹۲ در شفت وفات یافته است و فرزندی

از او بغیر از مرحوم سید حجه الاسلام تاکنون نمی شناسیم . اما برادر زادگان و بنی اعمامش همچنانکه در قریه چرزه ساکن و برخی از آنها نیز باصفهان مهاجرت نموده و در حال حاضر به نام خانوادگی موسوی - کابلی شهرت دارند .

مرحوم دولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل اصفهانی در خاتمه مجلدات مطالع الانوار که در زمان حیات مرحوم سید ححجه الاسلام و پس از فوت ایشان

کتابت نموده در ضمن معرفی مؤلف بزرگرازویرا به نتیجه الفقهاء وصف می کند واین کلمه بیانگر آنست که پدرانش از علماء فقهاء بوده اند.
.

تولد سید بید ابادی

تولد:

بنـابر آنچه خود مرحوم سـید حجه الاسـلام در برخی از اجـازاتی که جهت بعضـی از شاگردان و مجازینش مرقوم فرموده و بنظر علامه طهرانی مرحوم حاج شـیخ آقا بزرگ طهرانی رسیده است در سال ۱۹۹۲ در سن هفـده سالگی به عتبات مقدسه ائمه عراق علیهم السـلام جهت ادامه و تکمیل تحصیلات مهاجرت نموده است. بنابر این تولد ایشان در سال ۱۱۷۰ خواهد بود و جمعی کثیر از نویسندگان شرح حال ایشان بآن اشاره کرده اند .

در برخی از کتابها تولـد ایشان را در سال ۱۹۸۰ و در برخی دیگر در سالهای دیگری نقل گردیـده که تماماغلط وهمه از روی حـدس و گمان بوده و تاریخ صحیح همان سال ۱۹۷۰ می باشد اگر چه در کتابی معتبر بصراحت و از روی دلیلی قاطع این تاریخ تایید نشده است.

علامه صاحب روضات الجنات مینویسـد در حدود سال ۱۹۹۷ در سن شانزده با هفده سالگی بعثبات مشـرف گردیده است بنابراین تولد ایشان را حدود ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ میداند . والله أعلم .

ص : ۲۴

محل تولد

اشاره

مرحوم سید حجه الاسلام در قریه ای از قرای طارم علیا بنام چرزه که در حدود پنجاه کیلومتری شهر زنجان و شصت کیلومتری شفت واقع است در یک خانواده متوسط و روحانی و اصیل متولد گردید ، و تا سن قریب به هفت سالگی در آنجا مقیم بوده و دوره صباوت او همچون عموم اطفال خانواده های علمی ودینی گذشته است سپس در حدود سال ۱۱۸۲ باتفاق خانواده و پدر و مادر به شفت که در جنوب غربی شهر رشت واقع است مهاجرت نموده است . علت این مهاجرت بطور قطع معلوم نیست اما ظاهرا بنا بدعوت مردم شفت از مرحوم آقا سید محمد نقی برای سرپرستی امور دینی و امامت جماعت و پیشوائی بوده است.

مرحوم سید حجه الاسلام در شفت تا سال ۱۹۹۲ یعنی تقریبا مدت نه سال توقف داشته و بنا بگفته مؤلف روضات الجنات تا حدود سال ۱۹۹۷) در این فاصله از زمان مقدمات علوم عربی و ادبیات عرب و صرف و نحو و دیگر علوم مقدماتی را نزد فضلاء این سامان که نامشان غیر معین و نا معلوم است بخوبی فرا

گرفت .

مؤلف تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) در کتاب نامبرده و همچنین مؤلف کتاب فهرست مشاهیر علماء زنجان (ص ۱۱۴ چاپ اول) می نویسند که :

بنی اعمام تنی مرحوم سید حجه الاسلام در قریه رزه موجودند و این مطلب را که تولد آنجناب در قریه نامبرده بوده است ، مرحوم شیخ جواد طارمی (۱)

ص : ۲۵

۱- شیخ محمد جواد بن محرم علی بن کلب قاسم طارمی عالم فاضل محقق متولد سال ۱۲۶۳ و متوفی در سال۱۳۲۵ مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : ۱ - اثنی عشریه ۲ - اصول الجعفریه بنارسی مطبوع ۳ - افضل المجا لس در مقتل ۴ - تکمیل الایمان در اثبات وجود حضرت صاحب الزمان علیه السلام بفارسی مطبوع و حاشیه بر قوانین ۶- ربیع المتهجدین ۷- رساله در ارث ۸- رساله در دیات - مشکل الرجال ۱۰- منتخب العلوم وغیره .

در کتاب : اثنی عشریه (اصول الجعفریه) اثبات نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره را در مولد خود و سپس در شفت و احتمالا در قزوین و رشت از اساتید وقت وعلماء زمان بخوبی فرا گرفت اما از کیفیت تحصیل و نام مدرسین ایشان در این دوره هیچگونه اطلاعی در دست نیست جز آنکه از روی قرائن میتوان حدس زد که یکی از این معلمین پدر فاضل وعالم ایشان بوده است . و احتمال دیگر اینکه در سالهای قبل از مهاجرت به اعتاب مقدسه پدر ایشان در شفت و یا غیر آن وفات یافته است :

مرحوم سید حجه الاسلام پس از آنکه مقدمات علوم و سطوح فقه و اصول را بخوبی فرا گرفت جهت ادامه تحصیل رهسپار اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردید (سال ۱۱۹۲ یا ۱۱۹۷) که در آن اماکن مقدسه هم از فیوضات معنوی از ارواح مقدسه اولیاء دین و هم از علوم بزرگان مجتهدین که در آن شهرها ساکن بوده و بدرس و بحث و تربیت طلاب و دانشجویان اشتغال داشتند بهره مند شود .

در آن عهد وزمان عده ای از بزرگان فنها ومجتهدین و مراجع در شهرهای کربلا و نجف و کاظمین علیهماالسلام هریک حوزه های علمی داشته و عده ای از طالبان علم و دانش از هر طبقه و شهری در خدمتشان کامیاب می شدند و از طرف دیگر در داخل ایران هنوز آثار شوم فتنه افغان بر سر مردم این سامان بالاخص علماء و دانشمندان سایه افکنده بود و از مدرسین طراز اول تقریبا خالی مینمود و ضمنا عدم توجه

نادر شاه و جانشینان او و کریم خان زند نیز به علم و علماء سبب شده بود که طالبان علم وعلماء از ایران متوجه نجف و کربلا یعنی مهد علم و دانش شوند.

سید حجه الاسلام نیز مانند دیگر طالبان علم جهت وصول بمراتب عالیه و کمال مطلوب بدانصوب حرکت فرمود .

فصل دوم: (اقوال بزرگان و مولفین درباره سید حجه الاسلام)

اشاره

سخن پایه قدرش نمیرساند و هم

که همچو عرش بلند است و همچو شرع متین

اقوال بزرگان ومؤلفین

مقدمه این فصل

در باره مرحوم سید حجه الاسلام بید آبادی (مقدمه):

یکی از راههای شناسائی مردان بزرگ مطالعه نظرات و عقاید دیگرانست در باره ایشان ، باید بنوشته های موافق و مخالف با دقت و موشکانی توجه کرد و از آن میان حب و بغض هارا تشخیص داده آنچه اغراق و مبالغه است را کنار نهاد چون کمتر کتابی است که درباره شخص معینی نوشته شود و خالی از نظر خاص نباشد ، این خواننده است که باید با هوشیاری کامل در بین این گفتارها حق را از باطل جدا کند و مطلب را همانگونه که در حقیقت ونفس الأمر می باشد بشناسد

هیچ فردی در جامعه یافت نمیشود که موافق و مخالف نداشته باشد از مردم

ص : ۲۸

عادی کوچه و بازار گرفته تا علماء و بردگان و مصادر امور و اندیشمندان هیچ کس از این قاعده کلی مستثنی نیست.

کسی از دست جور زبانها نرست

اگر خودنمایست و گر حق پرست

بکوشش توان دجله را پیش بست

نشاید زبان بد اندیش بست

البته هر قدر مقام و شخصیت انسانی بالاتر و موقعیت اجتماعی آن والاتر مخالفان او نیز قویتر وبیشتر . دوستان عموما خود را از اظهار نظر دوستانه بی نیاز میدانند لکن مخالفین حق را بصورت باطل جلوه داده و بر شخص میتازند.

در این فصل فقط بنام و نظریه ده نفر از کسانیکه مرحوم سید حجه الاسلام را بادیده حتی بین مشاهده کرده اشاره می کنیم و بعد نیز عقیده مخالفین را می نویسیم.

۱- مرحوم علامه محقق متتبع حاج سید محسن امین عاملی در کتاب اعیان الشیعه (ص ۱۱۱ جلد چهل و چهارم) درباره مرحوم سید حجه الاسلام مینویسد :

الفقیه الإمام الرئیس .... کان رئیسا میسوط الید فی اصفهان وسائر ایران یقیم الحدود الشرعیه وله آثار فخمه لایشیدها الا الملوک مثل مسجده فی شق بید آباد الذی بناه سنه ۱۲۴۵ وکان فی جمعه الدین والدنیا مصداق قوله علیه السلام وقد یجمعهما الله لأقوام . اجتمع فیه من الخصال الحمیده : از علم وفضل وتقوی وسخاوت واهتمام در امور مسلمانها و مقام ارجمند و کوشش در نشر احکام و شرایع وتعظیم شعائر اسلام و اقامه حدود و هیبت و عظمت در دلهای حکام و پادشاهان چیزهائیکه در هیچ یک از علماء بدینگونه جمع نشده است ... -

۲- تکمله أمل الآمل در باره آنجناب (بنا بنقل فوائد الرضویه (ص ۴۲۹دوم) می نویسد: کان عالم ربانیا روحانیا ممن عرف حلال آل محمد صلی الله علیه و آله وحرامهم وشید أحکامهم وخالف هواه واتبع امر مولاه کان دائم المراقبه

لربه لایشغله شیء حسن الحضور والمراقبه.

۳- علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب شریف روضات الجنات (ص۱۲۴) درباره آنجناب میفرماید :

العجب العجاب واعجب الاعجاب وحیره اولی الألباب وذخیره الله العزیز الوهاب وسید حجاج بیت الله المستطاب مولانا حاجی سید محمد باقر....کان رحمه الله تعالی علی روحه المنور و مرقده المعطر ارفع ان یصفه الواصفون فی امثال هذا الکتاب أو یخرج عن عهده شیء من ثنائه ألسنه أرباب الخطاب حیث انه اجتمع فیه مکارم اخلاق الأنبیاء العشره الکامله وانتزع عنه من یوم خلقه الله اثر صفات الخلق الغیر العادله.

دنباله بیانات مرحوم صاحب روضات نقل از ترجمه روضات(ص۲۸۹دوم)

(۱)" [ص ۲۸۹ دوم]:

حجه الاسلام را خردمندترین مردم روزگارش دیدم و او بحقیقت مردمک چشم انسان بلکه انسان عین کلیه افران و معاصرانش بشمار می آمد.

حجه الاسلام دیندار بتمام معنی بود چنانچه کلیه متدینان و حافظان و خزینه داران دین در برابر دیانت أو تسلیم بودند بلکه میتوان گفت ایمان کلیه مردم جزئی از ایمان حقیقی او بود .

من معتقدم در اثبات حقایق علمی و براهین عقلی و نقلی کسی همتای او نبوده

۱- مترجم دانشمند گرانقدر حجه الاسلام حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ربیع الاول ۱۳۴۶ در مشهد مقدس متولد گردیده و در نزد علماء آن سامان وطهران وقم بهره های علمی برده و کتابهای زیادی ترجمه و تالیف نموده که برخی از آنها بچاپ رسیده است ، از آن جمله : ۱- ترجمه ارشاد مفید ۲ - ترجمه التحصین ابن فهد حلی ۳- ترجمه تا حقایق فیض دو مجلد ۴- ترجمه رظات الجنات در هشت جلد ۵- ترجمه سفینه البحار

و مانند او بدقایق علمی لسان گویائی نداشته .

مرحوم صاحب روضات پس از آن بنقل برخی از صفات حمیده آن بزرگوار از قبیل علم - حلم - صبر-صله رحم - جود و سخاوت و نیکوکاری وشکر پرداخته واز آثار خیریه او مسجد سید را نام میبرد .

۴ - مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضه البهیه (ص ۱۹) در باره آنجناب می نویسد :

السید السند والرکن المعتمد الامام الأجل الأعظم النحریر الذاخر والسحاب الماطر الفائق علی الأوائل والاواخر الحاج السید محمد باقر بن محمد تقی الرشتی الشفتی.. وکان الأهداهل زمانه واعیدهم واسماهم فلذا افبلت له الدنیا بحیث انتهت الریاسه الدینیه والدنیویه الیه ویعاون الطلاب ویعطی کل واحد منهم بقدر مؤنته بل ازید ویعطی الفقراء بل الاغنیاء والرؤساء کثیرا ، وکل المحتاجین یرجمون الیه ولا یحرمهم بل یعطی کلا منهم علی حسب حاجته

۵- مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی (۱)در ریحانه الادب (ص۴۱۲ بکم) درباره او می نویسد : فقیه اصولی ادیب نحوی رجالی ریاضی بوده و در فقه و اصول ورجال و درایت و هیئت وعلوم ادبیه وفنون عربیه از مشاهیر زمان و در مراحل اخلاقیه وحید روز گارودر عبادات و مناجات و سخاوت و عطایا و اقامه حدود واوراد ونوافل او ، نوادر بسیاری منقول وفوائدی که از وی بسادات وفقراء وطلاب علوم دینیه عاید می گردیده خارج از حد احصاء می باشد.

ص : ۳۱

۱- ۱) مرحوم آقا میرزا محمد علی بن محمد طاهر مدرس تبریزی عالم فاضل محقق مورخ رجالی متولد در سال۱۲۹۶ ومتو فی درغره شعبان ۱۳۷۳ صاحب مؤلفات کثیره از آنجمله؛ أ- فرهنگ نوبهار دو مجلد ۲ - فرهنگ بهارستان ۳ - دیوان المعصومین ۴ - ریحانه الأدب در شش مجلد و ۷ - کتاب دیگر .

۶- محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص ۴۲۶دوم) در باره او می نویسد :

السید الأجل وحید الایام و مقتدی الانام سید العلماء الاعلام المدعو بحجه الإسلام، کان عطر الله مرقده فی جمعه الدنیا والاخره مصداقا لکلام جده الصادق علیه السلام : (قد یجمعهما الله لأقوام)، وقد جمع الله فیه من الخصال النفسانیه من العلم والفضل والتقوی والخشیه والقوه فی الدین والسخاء والاهتمام بأمور المسلمین والجاه العظیم ونشر الشرائع والاحکام و تعظیم شعائر الاسلام و اجراء الحدود الالهیه فی الأنام والهیبه فی قلوب السلاطین والحکام مالم یجمع فی احد من اقرانه ...

۷- مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵ چاپ اصفهان) در باره مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

وحید ایام و مقتدای انام و در علم عربیت وهیئت وفقه ورجال و درایه از مهره اعلام وحذفه علماء کرام عالم عامل و بارع وفاضل وعلیم وباذل استاد اکامل افاضل در زهد وورع و تقوی اورا ثانی وتالی نبوده ...

نویسنده گوید : مرحوم صاحب روضات و سید جاپلقی و تنکابنی هر سه از شاگردان مرحوم حجه الاسلام می باشند و هر یک سالها در محضر آنجناب را نموده ، بالاخص مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی که از تلامذه ممتاز و مورد توجه و عنایت استاد بوده و هر سه در کتابهای خود سید را به بهترین عبارت ستوده اند در این بین مرحوم تنکابنی نکاتی از زندگانی استاد نقل می کند که بعدا بدانها اشاره میشود .

۸- مرحوم محدث قمی در الکنی والالقاب (ص ۱۵۵ دوم) درباره سید حجه الاسلام می نویسد:

السید العلامه ... الذی کان امره فی العلم والتحقیق والتدقیق والدیانه والجلاله و مکارم الاخلاق اشهر من أن یذکر واجل من أن یسطر ..

همچنین در هدیه الأحباب (م ۱۷۴) می نویسد : حجه الاسلام اطلاق میشود در نزد خاصه بر؛

سید اجل وحید الأیام ومقتدی الانام سید العلماء العظام آقا سید محمد باقر ... سپس شرحی که تقریبا ترجمه عبارات فوائد الرضویه خدود ایشائست را مرقوم میدارد .

۹- مرحوم مولی حبیب الله کاشانی ((۱))۱ در لباب الألقاب (ص ۷۰) در باره او می نویسد :

... الملقب بحجه الاسلام المعروف بین الخواص والعوام ولو قیل انه کان آیه من آیات الله لما کان کذبا فی الکلام فهو السید السند والرکن المعتمد والمؤید من الله الصمد الذی لایحیط بفضائله وفواضله عدد ولاینتهی دکره الی امد الاقه الأوثق الإعلام المعروف بالمعروف والکرم باسط الایادی وناشر النعم محیی سنه جده اشرف اولاد آدم ، بالجمله هو المشهور بین العرب العجم وقد عجز عن تحریر مدایحه لسان القلم ...

۱۰ - مرحوم مولی عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) چهارمین شاگرد سیدحجه الاسلام (۱- مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی ۲ - مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی ۳- مرحوم آقا میرزا محمد تنکابنی) در آخر هر یک از مجلدات مطالع الانوار که بخط زیبای خود نوشته و خود آنرا جدول کشی وتذهیب نموده استاد بزرگوار را بگونه ای وصف نموده است از آن جمله در آخر مجلد

۱- مولی حبیب الله بن ملا علی مدد کاشانی عالم فاضل فقیه زاهد صاحب تالیفات کثیره قریب یکصد و چهل مجلد کتاب و رساله متوفی در ۲۳ ج ۲ سال ۱۳۶۰ در کاشان .

اول می نویسد :

قدتم المجد الأول من کتاب الصلاه من مطالع الانوار الذی صنفه :

سیدی و سندی و استادی و مولای و مقتدای ، السید الأول والامام الافضل ، زبده العلماء والمحققین ، وقدوه الفضلاء والمدققین ، وافضل الفقهاء والمتبحرین واکمل المحدثین والمجتهدین ، وارث علوم الانبیاء والمرساین ، برهان الاسلام والمسلمین مقتدی اصحاب المعرفه والإیمان ، مالک ممالک التحقیق والعرفان ، جامع المعقول والمنقول حاوی الفروع والأصول ، صاحب الفضائل و الفواضل ، کاشف معضلات المسائل، المرتضی المجتبی الاورع الأکرم، المخصوص بمراضی الاخلاق و مفاخر الشیم ، جامع العلوم الالهیه ، وحاوی الصفات الملکیه ، حافظ مراسم الشریعه ، کاشف الأسرار الخفیه ، قبله طلاب الهدایه ، کعبه ارباب الدرایه واضح سفینه النجاه ، سابق اصحاب الدرجات، منبع العزو السعادات ، صاحب الکرامات والمقامات ، قطب فلک الحقیقه والکمال ، حادی الخلائن عن مهالک الضلال ، صاحب النفس القدسیه ، جامع الأوصاف الأنسیه ، نجمه لاهتداء المریدین ، وربما للشیاطین المریدین ، المتخلق بأخلاق الله ، والمؤید من عند الله ، سلاله العتره الطاهره النبویه ،ک□ف الذریه الشریفه العلویه ، فخرالمحققین والمجتهدین ، سراج المله والدین، قدره السادات وجامع انواع السعادات العالم العامل العادل ، النحریر الفاضل الکامل ، المتجلی بانوار الحقائق اللاهوتیه المتخلی عن العلائق الناسونیه ، السید الأعظم ، والمولی المعظم ، علامه العلماء ، نتیجه الفقهاء، افضل المتقدمین والمتأخرین، نخبه الفضلاء والمتبحرین ، طائف بیت الله الحرام ، وزائر ائمه الانام ، ملاذ السادات المصطفویه ، ومعاذ الذریه المرتضویه ، مروج الشریعه المحمدیه، وناشر طریقه الاحمدیه، وارث سیدالانس والجان، نائب امام العصر والزمان، علیهما صلوات الله الملک المنان ، سمی الإمام الخامس من

ذریه حبیب اله العالمین محمد علیه و آله افضل صلوات المصلین ، والمنسوب الی الأمام السابع و النور الساطع ، من الأئمه المعصومین صلوات الله علیهم أجمعین ..

تـا اینجا گفتار ده نفر از بزرگان علم وقامت ودانش را در باره آن مرحوم نقل نمودیم که تلک عشره کامله . این ده گفتار برای صاحب فهم و در این کافی است و آنان که بیشتر از این بخواهند باید بکتابهای دیگری مراجعه کنند از آنجمله :

۱- آثار ملی اصفهان : تالیف آقای ابوالقاسم رفیعی مهرآبادی ۲- استاد المصفی : تألیف علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۳ - تاریخ اصفهان : مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری ۴ - تاریخ اصفهان وری : مرحوم حاج حسن خان جابری ۵- تاریخ زنجان : مرحوم حاج سید محمد ابراهیم زنجانی ۶- تاریخ علماء و شعرای گیلان : مرحوم حاج شیخ حسن شمس گیلانی ۷- تذکره القبور : مرحوم آقا ملا عبدالکریم جزی اصفهانی ۸- تکمله نجوم السماء : مرحوم آقا میرزا محمد مهدی لکهوی کشمیری

۹- خاتمه جلد سوم مستدرک الوسائل تألیف محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری . ۱۰- دانشمندان و بزرگان اصفهان تالیف سید مصلح الدین مهدوی . ۱۱ - الذریعه تألیف علامه فقید حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۲ - رجال اصفهان تالیف سید مصلح الدین مهدوی. ۱۳ - روضه الصفا ناصری جلد دهم تألیف رضا قلیخان هدایت . ۱۴ - زندگانی چهارده مصوم علیهم السلام تألیف حاج شیخ حسین جلالی

ص : ۳۵

شاهرودی -

۱۵ - شـمس التواریخ تألیف مرحوم آقا شیخ اسد الله ایزد گشسب . ۱۶- فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی - مشهد ۱۷ - فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگـانی - قم ۱۸ - فهرست کتابخـانه مجلس شورای ملی (اسـلامی) تهران . ۱۹ - فهرست کتابخـانه آیت الله مرعشـی - قم ۲۰ - فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران . ۲۱ - فهرست مشاهیر علماء زنجان تألیف حاج شیخ موسی زنجانی . ۲۲- فهرست مؤلفین کتب چاپی عربی و فارسی تالیف مرحوم خانبابامشار.

۲۳- الکرام البرره (طبقات اعلام الشیعه) تالیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی . و

۲۴ - گنجینه آثار تاریخی اصفهان تالیف آقای دکتر لطف الله هنرفر . ۲۵ - گنجینه دانشمندان تالیف عالم محقق حاج شیخ محمد رازی . ۲۶- مصفی المقال تألیف علامه محقق حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی .

۲۷ - معارف الرجال تالیف علامه فتبه مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین نجفی .

۲۸- معجم رجال الفکر والأدب تالیف دانشمند محترم آقای محمد هادی امینی .

۲۹ - مقتبس الأثر تألیف علامه مرحوم آقا شـیخ محمد حسین اعلمی. ۳۰ - مکارم الاثار تألیف محقق جلیل مرحوم آقا میرزا محمـد علی معلم حبیب

آبادی

۳۱- منتظم ناصری تألیف محمد حسن خان اعتماد السلطنه .

ص : ۳۶

۳۲- وفیات علماء تالیف حاج شیخ حسین جلالی واعظ شاهرودی . ۳۳ - هدیه العارفین تالیف اسماعیل پاشا بغدادی .

وده ها کتاب و رساله و مجله دیگر که شرح حال مرحوم سید حجه الإسلام در آنها یا مستقلا نوشته شده استه ویا بمناسبتی ذکری از ایشان شده و اشاره اجمالی به احوالات ایشان گردیده است .

(فائده): بطوریکه در عبارات بزرگان در شأن مرحوم سید حجه الاسلام مشاهده گردید برخی از آنان لفظ و امام » را جزو نعوت و ستایش ها ذکر نموده بودند در این جا بی مناسبت نیست که در باره این کلمه مختصر توضیحی داده شود .

معنی امام : کلمه امام (یکسر همزه) در لغت بمعنی : پیشوا - پیشرو - خلیفه - جانشین -کسی یا چیزی که مردمان ازوی پیروی کنند خواه انسان باشد یا کتاب حق باشد یا باطل رئیس باشد یا جز آن - راه - متولی امر- قرآن - پیغمبر - فرمانده لشکر - مدل ونمونه - ریسمانیکه بناها برای راست بودن دیوار از آن استفاده می کنند (شاقول) - کنار زمین و غیره می باشد .

استعمال کلمه امام در نوشته ها

کلمه امام جمع است بلفظ واحد و امامان تثنیه و ائمه جمع آنست.

امام در قرآن : حبیش (۱)را در کتاب و جوه قرآن (ص ۲۸) ودامغانی (۲)در کتاب : اصلاح الوجوه والنظائر (ص ۴۴) می گویند :

) ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام ۲۸ کتاب ورساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .

۲) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال ۷۸ مجری مؤلف : ۱ - الزوائد والنظائر ۲- شوق العروس واتس النفوس ۳ - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص ۳۱ پنجم هدیه العارفین).

۱-) ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی ادیب لغوی طبیب مصنف کتب دیده از علماء شیعه در قرن ششم هجری است ، در مقدمه کتاب و جوه قرآن نام ۲۸ کتاب ورساله از تألیفات او ذکر شده است مطالبین مراجعه نمایند .
۲- ۲) ابوعبدالله حسین بن محمد بن ابراهیم دامغانی از علماء قرن پنجم هجری معرون به فقه حنفی متوفی بسال ۷۸ مجری مؤلف : ۱ - الزوائد والنظائر ۲- شوق العروس واتس النفوس ۳ - فوائد البصائر که به الوجوه والنظائر نیز نامیده شده است (ص ۳۱ پنجم هدیه العارفین).

کلمه امام در قرآن مجید به پنج معنی استعمال گردیده است ؛ ا- پیشوای خیر و پیشرو : انی جاعلک للناس اماما (سوره البقره آیه ۱۲۶) ۲- کتاب و نامه : بوم ندعوا کل اناس بأمامهم (سوره بنی اسرائیل آیه

۷۱).

راغب اصفهانی در کتاب مفردات درباره این آیه شریفه می نویسد :

بدان کسی که به او اقتداء کردند و گفته شده است به کتاب آنان . وحدیث حضرت صادق علیه السلام مؤید قول اول است (ص ۴۰۹ جلد یکم اصول کافی حدیث ۱۷).

۳- لوح محفوظ : و کل شیء احصیناه فی امام مبین (سوره یس آیه ۱۲) فائده تفسیری) : در معنی و مفهوم کلمه امام در آیه فوق مفسرین آنرا گاهی

۱- لوح محفوظ و برخی به : ایران بسیاری ۲- نامه عمل انسان تفسیر فرموده اند

۳- و در برخی از تفاسیر بزرگان شیعه طبق روایات منقوله از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم السلام آنرا به وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام تفسیر فرموده اند ، بطور مثال :

الف : در احتجاج (ص ۷۴۷ سوم تفسیر شریف لاهیجی) از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : هیچ عملی نیست مگر آنکه خداوند تبارک وتعالی آنرا بمن آموخت و من آنرا بعلی علیه السلام یاد دادم، تا آخر خبر.

ب –علی بن ابراهیم قمی در تفسیر این آیه (ص ۵۴۹) می نویسد :

ابن عباس از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

اما والله الإمام المبین این الحق من الباطل ورثه من رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم

ج: در معانی الاخبار (ص ۷۴۷ سوم تفسیر شریف رازی) از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت می کند که فرمود این آیه شریفه بر پیغمبر اکرم نازل گردید و آنرا بر مردم قراءت فرمود) ابوبکر و عمر از جای خود برخاسته و عرض کردند یا رسول الله (این امام مبین) تورات است؟ حضرت فرمودنه گفتند انجیل است حضرت فرمود نه (عرض کردند قر آنست حضرت فرمود نه) در این وقت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پیش آمد، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند : این است آن امام مبین او امامی است که خداوند تبارک و تعالی تمام علوم را در نزدش برشمرده و حفظ نموده است.

- تورات : ومن قبله کتاب موسی اماما (سوره هود آیه ۱۱)

و راه روشن : وانهما لب امام مبین (سوره الحجر آیه ۷۹) در شان حضرت هود و حضرت صالح علیهما السلام

(تقسیم بندی) : از نظر کلی امام بر دو گونه است :

- امام حق یا امام هدایت ۲- امام باطل یا امام ضلالت و گمراهی

امام حق خواه معصوم باشد (پیغمبران و اوصیاء آنان علیهم السلام) وخواه غیر معصومین مأمومین و مقتدایان خود را بسوی خداوندتبارک و تعالی و حق و حقیقت رهبری می کند و از فساد و تباهی بر حذر میدارند . خداوند عزوجل درباره پیغمبران میفرماید : وجعلناهم أئمه یهدون بأمرنا (سوره انبیاء آیه ۲۷). اما در مقابل

امـام و پیشوای غیر حق و باطـل تـابعین و پیروان خود را از راه مسـتقیم دین ودیـانت واسـلام منحرف سـاخته آنانرا بفساد و تباهی و ضـلالت و گمراهی واعمال نکوهیده وأقوال ناشایسته راهبری می کند، در حقیقت اینان حزب شیطان هستند همانگونه

که گروه اول حزب الرحمن و به اصـطلاح قرآن حزب الله نامیـده میشونـد . در باره پیشوایان باطل قرآن میفرمایـد : وجعلناهم أئمه یـدعون إلی النار (سوره القصص آیه ۴۱)

در کتب تراجم رجال گاهی اوقات بعضی از علمام بزرگوار را از نظر موقعیت اجتماعی و شخصیت علمی و دینی با کلمه امام وصف کرده اند . این کلمه در بین سنیان بسیار رواج داشته و دارد و لکن در بین شیعه تا قرن سوم بغیر از ائمه معصومین علیهم السلام و برخی از مدعیان امامت از خانـدان عترت که اصـحاب و یارانشان به امامت آنان معتقد بودند به دیگری گفته نمیشد لکن بعد از این تاریخ در بین شـیعه نیز گاهگاه به این لقب برخورد می کنیم گاهی بطور اطلاق و زمانی به اضافه مانند : امام الریاضیین - امام اللغه - امام النحو وغیره .

علامه طهرانی در نوابغ الرواه فی رابعه المات (ص ۲۳۰) بنقل از تذکره الحفاظ (ص ۴ جلد ۳) می نویسد : محمد بن ابراهیم بن حبون الامام الحافظ الحجاری من وادی الحجاره مدینه بالأندلس من کبار حفاظ عصـره لکنه فیه تشـیع توفی ۴۰۰ . در این قرن عـده ای دیگر از بزرگان را نیز بقی. د (امام) وصف نموده انـد از آنجمله است : ابو عروبه السـلمی الحسـین بن محمد بن ابی محشـر مودود الحافظ الامام مؤلف: التاریخ . ابن عساکر درباره اش گوید : کان خالیا فی التشیع ، تاریخ وفاتش را بسال ۲۱۸ می نویسند (ص ۱۲۱ نوابغ الرواه)

در این قرن علامه طهرانی جمعا هشت نفر را در کتاب : طبقات اعلام الشیعه (نوابغ الرواه فی رابعه المات) بوصف امام ذکر می نماید لکن در قرن پنجم

عـده بیشتری از دانشـمندان بـدین وصف ذکر شـده انـد از آنجمله است: محمد بن احمد المعموری الفیلسوف الأمام مقدم الحکماء فی عصـره مؤلف کتاب : المخروطات مقتول در سال ۴۸۵ بجرم فلسفه و تشیع (ص ۱۵۲ طبقات اعلام الشیعه . النابس فی القرن الخامس). علامه طهرانی در کتاب : طبقات اعلام الشیعه در این قرن قریب۱۶ نفر را بوصف امام ذکر نموده اند .

در قرن شـشم این لقب وعنوان عمومیت بیشتری بـافته بطوریکه علامـه طهرانی در کتـاب: طبقـات اعلام الشـیعه (ص ۲۴ - الثقـات العیون فی سادس القرون) نام چهل و هشت نفر از بزرگان شـیعه را ذکر فرموده انـد که بوصف امام سـتوده شـده انـد و آنها غیر از کسانی هسـتند که در جاهای دیگر خود ایشان و با مؤلفین دیگر آنان را بوصف امام خوانده اند بطور مثال :

حسـین بن محمد بن الفضل بن محمد الشیخ الامام ابو القاسم الأصفهانی المشهور بالراغب المتوفی سنه ۵۰۲. بنابراین وی از بزرگان علماء قرن پنجم است که فقط دو سال از این قرن را درک نموده است

این قطعه شعر را در کتابها باو نسبت داده اند (ص ۶۶ دوم ریحانه الارب) زصد هزار محمد که در جهان آمد یکی بمنزله جاه مصـطفی نشود اگر چه عرصه عالم پر از علی گردد یکی بعلم وسـخاوت چو مرتضـی نشود جهان اگر چه زموسی و چوب خالی نیست یکی کلیم نگردد یکی عصا نشود

ذکر حدیثی شریف) : در کتاب شریف اصول کافی (ص ۴۱۷) باب : ان الأئمه فی کتاب الله امامان در اینکه قرآن مجید دو طبقه از پیشوایان را معرفی نموده می نویسد :

از حضـرت باقر علیه السـلام روایت شـده است که فرمودند چون این آیه : یوم ندعواکل اناس بامامهم ، نازل گردید مسـلمین به رسولخدا علیه السلام عرض

کردند : آیا شما امام و پیشوای همه مسلمانها نیستید ؟ حضرت فرمودند :

من رسولخدا و فرستاده او بر تمام مردمان میباشم لکن پس از من پیشوایان وامامان از هل بیت من خواهند بود . برخی از پیشوایان کفر و گمراهی و پیروان آنان آنها را تکذیب کنند و بدانها ستم روا دارند .

کسیکه آنها را دوست بدارد (ائمه از اهل بیت علیهم السلام) و گواهی آنان کند و از آنان پیروی نماید از من و با من است و مرا ملاقات خواهد کرد و آنکس که آنان را تکذیب کند و بر آنها ستم روا دارد از من نیست (ازامت من نیست و با من در قیامت) نمی باشد و من از او بیزارم .

سید حجه الاسلام مجدد قرن : مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری(۱) در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۵) در ذکر مساجد اصفهان آنجا که از مسجد سید حجه الاسلام سخن می گوید می نویسد : و آن بنای بزرگی از همت بلند مرحوم حجه الاسلام مجدد قرن دوازدهم (باید قرن سیزدهم مینوشت و مسلما سهو القلم است) حاج سید محمد باقر شفتی رشتی شد.

حدیث مجددین : شیخ بهائی علیه الرحمه در مقدمه کتاب درایه الحدیث (الوجیزه) لؤلؤه البحرین (ص ۳۹۲ چاپ نجف) از جامع الأصول تألیف ابن اثیر نقل می کند که : یکی از خواص شیعه آنست که در هر صد سال کسی یافته شده که قواعد و احکام اورا تجدید می کند و مجدد مذهب در قرن دوم حضرت رضا علیه السلام را می نویسد .

۱- مرحوم حاج میرزا حسن خان فرزند حاج میرزا علی انصاری ادیب شاعر مورخ نویسنده ومحقق معاصر صاحب تألیفات کثیره مطبوعه متولد ۸ رجب ۱۲۸۷ و متوفی در ۵ جمادی الثانیه ۱۳۷۵ مدفون در بقعه تکیه ها بابا رکن الدین در تخت فولاد اصفهان .

محدث نوری در مستدرک الوسائل حدیث فوق را از جامع الأصول بدینگونه نقل می کند که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند :

ان الله تبارک وتعالی یبعث لهذا الأمه فی (علی) رأس کل مائه سنه من یجلد لها دینها ، این حدیث را بطوریکه علامه بحاثه جلیل مرحوم سید عبدالحسین شرف الدین (ص ۵۸ شیخ آقا بزرگ تهرانی تألیف دانشمند محترم آقای محمد رضا حکیمی خراسانی) می فرماید در میان مسلمین معروفست و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در جامع الأصول نقل می کنند و برخی از مجددین شیعه را نیز نام میبرد .

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۴۴۰ یکم) در پاورقی شرح حال میرزای شیرازی پس از نقل مطالبی راجع به مجددین وذکر اسامی برخی از آنان می فرماید:

موضوع حدیث مجددین از امورثابته و کلی حتی در نزد اهل سنت می باشد و آنرا ابوداود در صحیح خود وابن اثیر در کتاب نبوت از کتاب جامع الاصول نقل می کنند و عده زیادی از محدثین ما (یعنی شیعه) که مشکل است که نام آنان را احصاء نمود آنرا نقل نموده اند . بنابر آنچه نقل گردید این حدیث مورد قبول بزرگان از علماء شیعه و سنی در طول زمان قرار گرفته است و بنا بمدلول آن برای هر صد سالی (هر قرنی) مجددی ذکر نموده اند و مجدد مذهب را منحصر به علماء وفقهاء ومحدثین بزرگوار ندانسته اند بلکه از عرفا و صوفیه و حکماء وفلاسفه و پادشاهان از هر طبقه و کشور و فرقه ای را بعنوان مجدد قرن معرفی نموده اند .

در پاورقی کتاب : میرزای شیرازی (ص ۲۰) که ترجمه کتاب « هدیه الرازی الی الامام المجدد الشیرازی ، تألیف علامه جلیل مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مترجم اداره پژوهش و نگارش وزارت ارشاد اسلامی) بمناسبت اینکه

مرحوم میرزای شیرازی بعنوان مجدد شهرت یافته بخلاصه واندک تغییر واضافه می نویسد :

۱- مبنای این سخن حدیثی است که در سنن ابوداود از ابو هریره روایت می کند و باز گشت تمام کتب حدیث در نقل این روایت بهمن مأخذ و مصدر منتهی میگردد و در کتب حدیث شیعه چنین روایتی از هیچ یک از معصومین علیهم السلام روایت نشده است (به نوشته مرحوم طهرانی در نقباء البشر توجه شود).

راوی این حدیث یعنی ابوهریره نه تنها از نظر محدثین شیعه بلکه از دیدگاه ستیان نیز غیر معتبر و در برخی از کتب ویرا دروغزن وجمال ووضاع الحدیث معرفی نموده اند بنابراین حدیث از نظر سند ضعیف و غیر قابل قبول است

۲- بر فرض قبول این حدیث و اینکه آنرا صحیح بدانیم بزرگان از علماء و محققین وفقهاء و مجتهدین که در طول چهارده قرن اسلامی در کلیه فرق اسلام و بالاخص شیعه پدید آمده اند چه وضع و حالتی دارند . آیا حضرت سید الشهداء علیه السلام با قیام خود تجدید روح اسلام و قوانین آن که بوسیله خلفاء و بالاخص معاویه ویزید جانشین او دچار ضعف و فراموشی شده بود مجدد شمرده نمیشود. مگر نه آنست که بیشتر احادیث مربوط به احکام و عبادت و اصول اعتقادات و مبانی اخلاقی شیعه از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است و فرقه شیعه امامیه را بهمین لحاظ بنام مبارک آنحضرت فرقه جعفری و مذهب ما را مذهب جعفری می نامند ، آیا حضرت صادق علیه السلام مروج ومجدد مذهب شمرده نمیشود . آیا این قول قابل قبول است.

۳- در حدیث فوق می گوید : در سر هر صد سال، پس تکلیف بزرگانیکه در رأس مائه قرار نگرفته اند چه خواهد بود، گذشته از اینکه بسیاری از کسانیرا که مجله مذهب ذکر کرده اند باین بیان نمیتوانند مجدد محسوب شوند مثلاجناب

شیخ مفید را که مجدد قرن چهارم می نویسند در سال ۳۵۵ متولد شده و بسال ۴۳۲ وفات یافته است و زمان در قرن چهارم و پنجم را درک نموده و عمده شهرت وعنوان او در قرن پنجم می باشد و نام جناب شیخ الطائفه ابی جعفر محمد بن حسن طوسی صاحب دو کتاب از امهات کتب شیعه یعنی کتابهای : استبصار وتهذیب از کتب چهار گانه محمدین سه گانه اوائل را چون در سال ۳۸۵ تولد یافته و در سال ۴۶۰ رحلت نموده بعنوان مجدد قرن ذکر نکرده اند و حال آنکه شهرت اجتماعی و مقام علمی وخدمات آن بزرگوار به شیعه و اینکه وی اول کسی است که شهر نجف اشرف را مرکز علم و دانش شیعه ومجمع علماء و مجتهدین وطلاب ومشتغلین قرار داده و تاکنون بحمد الله در طول یکهزار سال این حوزه مقدسه علمیه بوجود علمای بزرگ و مراجع مزین و مفتخر است .

همچنین است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی که دو قرن را درک نموده یعنی یک ربع از قرن دوازدهم ومدت شصت سال از قرن سیزدهم را زنده بوده بیشتر مؤلفین به غیر از مرحوم انصاری (و شاید عده ای دیگر که فعلا نامشان بر نویسنده مجهول است) ویرا مجدد قرن نشناخته اند .

همچنین مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۸۸) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

از ارکان شریعت و مجدد قرن سیزدهم در مذهب شیعه.

مرحوم شیخ جعفر بن شیخ باقر آل محبوبه نجفی در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص ۷۴ یکم) در ضمن بیان مساجد نجف می نویسد :

مسجد شیخ صاحب الجواهر در سال ۱۲۶۴ در زمان علامه مشهور مجدد مذهب در قرن سیزدهم آقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام تأسیس گردید .

ص : ۴۵

(خلاصه و نتیجه کلام) : با توجه به مطالب فوق چنین نتیجه می گیریم که حدیث فوق از لحاظ :

ا- سند ضعیف است. ۲- از نظر محتوا و مصادیق خارجی نیز مردود وغیر قابل قبول است.

حدیثی از امام ششم علیه السلام : ثقه الاسلام کلینی در کتاب اصول کافی (ص ۶۰ جلد یکم باب صفه العلم وفضله، وفضل العلماء حدیث ۲) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

ان العلماء ورثه الأنبیاء .... انما اورثوا احادیث من أحادیثهم ، فمن اخـذ بشیء منها فقد اخذ حظا وافرا فانظرواعلمکم هذا ممن تأخذونه فان فینا اهل البیت فی کل خلف عدولا ینفون عنه تحریف الغالین وانتحال المبطلین وتاویل الجاهلین.

دانشمند بزرگوار محقق متتبع آقای شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در مقدمه کتاب و مقتضب الأثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر » تألیف محدث جلیل شیخ احمد بن محمد جوهری بنقل از الصواعق ص ۱۶۸ و چندین کتاب دیگر حدیث فوق را بدینگونه روایت می کند :

قوله صلی الله علیه وآله وسلم : فی کل خلف من امتی عدول من اهل بیتی ینفون عن هذا الدین تحریف الضالین وانتحال المبطلین وتأویل الجاهلین، الأوان امتکم وفدکم إلی الله عزوجل فانظروا من توفدون .

دانشمندان و ارث پیغمبرانند ... بدرستی که ارث نهادند احادیثی از حدیث های خود را، پس هر کس چیزی از آنها را فراگرفت به تحقیق که بهره فراوانی گرفته است . پس نگاه کنید که علم خود را از که می گیرید پس بدرستی که در بین ماخاندان در هردوره و زمان جانشینی عادل می باشد که تحریف هائی که بوسیله غلوکنندگان در دین پدید آمده و نسبت های دروغی که مبطلین ومخربین در دین می دهند و همچنین

تغییرات و تأویلاتی که از طرف مردم نادان در دین میشود را از بین میبرند .

خلاصه فرمایش امام علیه السلام آنکه در هر عصری مردمان عادل وعالم و آگاهی در بین شیعیان ما می باشند که از صراط المستقیم حق و حقیقت منحرف نگشته و علاوه بر آنکه خود در راهند دیگران را نیز که به طریقی از راه برگشته اند براه راست هدایت می کنند ، این گمراهان بر سه گونه اند :

۱ غلو کنندگان می باشند همچون کسانیکه در باره ائمه طاهرین علیهم السلام غلو نموده و آنها را خدا میدانند و یا قائل به حلول و اتحاد شدند .

۲- بیهوده گویانی که حقایق دین را تحریف نموده و به گونه ای دیگر بیان می کنند مانند آنها که با جعل اخبار مخالف واقع نظر عده ای از مردم را از دیانت برگردانده و در عقاید آنها رخنه می کنند مانند آنها که در ثواب قراءت برخی از سوره های قرآن و یا ادعیه از پیش خود حدیث ساختند و آنرا به معصومین نسبت دادند.

۳- گروه سوم مردمان نادانی می باشند که احادیث را به سلیقه و نظریه خود تأویل می کنند و قرآن را بدلخواه خود تفسیر می نمایند مانند کلیه فرقه های انحرافی که خود را به اسلام نسبت میدهند .

تذکر) : مرحوم شیخ علی بن محمد سبط شهید ثانی در کتاب : الدر المنثور من الماثور وغیر المأثور (ص ۱۵ دوم) حدیث فوق رانقل نموده و آنجا تحریف الغافلین بجای تحریف الغالین می نویسد .

مخالفین سید حجه الاسلام

در زمان حیات مرحوم سید حجه الإسلام وهمچنین بعد از وفات ایشان تا زمان حاضر عده ای با آن مرحوم مخالف بلکه معاند بودند و بروی و اعمالش اعتراض

و انتقاد میکردند ، یکی به ثروت او خرده میگرفت و دیگری اجرای حدودش را نمی پسندید . سعدی می گوید:

اگر در جهان از جهان رسته ای است در از خلق بر خویشتن بسته ایست اگر بر پری چون ملک ز آسمان بدامن در آویزدت بدگمان بکوشش توان دجله را پیش بست نشاید زبان بد اندیش بست فراهم نشینند تر دامنان که این زهد خشک است و آن دام نان

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) می نویسد:

حاج شیخ محمد رفیع جیلانی ((۱)که فاضل و از شاگردان بحر العلوم بود وشرحی بر معالم نوشته اما شهرتی نداشت و سید را به او میلی نبود و حاج شیخ محمد رفیع همیشه در مقام تشنیع حجه الاسلام بود . مانند اینکه شیخ گفت:

ما زمانیکه در نجف بودیم ، در خدمت بحر العلوم بودیم آقا سید محمد باقر یک خوشه انگور از بازار گرفت و پس از یک هفته یا بیشتر بمنزل او رفتم همان یک خوشه انگور در آنجا بود و هیچ از آن نخورده بود، گفتم چرا از آن انگور اکل نمی نمائی جواب داد که خواستم خلاف نفس کنم . اکنون صاحب آلاف از اموال دنیویست و یوما قیوما در تزاید است و خلاف نفس نمی کند.

۱- ۱) حاج شیخ محمد رفیع بن محمدرفیع گیلانی (محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد ربیع تولمی) از علماء ساکن اصفهان بوده تالیفات زیادی دارد از آن جمله : ۱- اصل الاصول در شرح معالم ۲- جواهر الأصول حاشیه بر معالم تا آخر تعادل و تراجیح ۳ - رساله در جمعه ۴ - حواشی بر دره مرحوم سید بحر العلوم استادش ۵ - شرع بهجه المرضیه ۶ - عقد الجواهر ۷- کشف المدارک حاشیه بر مدارک ۸ - اللیالی الثمینه در شرح نهج البلاغه وغیره (تراجم الرجال ص ۲۰۱ - دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۲۴۱ - الکرام البرره ص ۵۷۷ - الذریعه) وفات مشار الیه را در الذریعه حدود سال ۱۲۲۵ می نویسد لکن در تراجم الرجال در سال ۱۲۳۷ نوشته است

نویسنده گوید : مرحوم حاج شیخ محمد رفیع توجه نفرموده اند که آن زهد در حال فقر و تسلط بر نفس موجب گردید که خداوند تبارک و تعالی به مشیت و اراده کامله خود و بر اصاحب الان از اموال نمود و از دست کرم و سخاوت گشود و فیض جودش به کلیه طبقات از علماء وسادات وفقراوایتام و طلاب و مستضعفین رسید . واین جود و کرم و ایثار نیز خود نوعی خلاف نفس محسوب میشود .

دیگر از مخالفین مرحوم سید حجه الاسلام : حضرت صادق علیه السلام میفرماید : بغض الفجار للابرار زین للابرار .

دشمنی و عداوت مردم بدکار وفاجر نسبت به نیکان موجب زینت نیکوکاران

است .

یکی از مسلمات است که مردم بدکاره هیچگاه از مردمان مؤمن و دیندار خوششان نمی آید آنها بمناسبت سنخیت مردم منافق و دو رو و ستمکار و بدرفتار را می پسندند و از مؤمنین واقعی و دیندار بهرگونه که باشد بدگوئی می کنند . اینان سخن بر حسب موقعیت زمان و مکان می گویند با فاسق و منافق طبق دلخواه او می گویند و با مؤمنین نیز دم از اسلام می زنند و برای آن دلسوزی می کنند و خویشتن را مؤمن واقعی و مسلمان راستین می شناسانند .

ذیلا بنام چند تن از مخالفین مرحوم سید حجه الاسلام اشاره میشود :

۱- ادوارد برون انگلیسی به قول طرفدارانش ادیب ایرانشناس وعاشق دلباخته ایران در کتاب : تاریخ ادبیات ایران (ص۲۶۲ و ۲۶۸ و ۲۸۵ جلد چهارم) در ضمن بیان مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها ذکری از مرحوم سید حجه الاسلام نموده و گوید : شخصا چندین نفر را بجرم زندقه و معاصی مختلفه بقتل رسانیده است

در جای دیگر (ص ۲۶۸) ضمن بیان کتابهای علمای شیعه نام کتاب سؤال

وجواب ایشان را برده و در ضمن معرفی ایشان می نویسد : که شرح سخت گیری او را نسبت بحدود شرعیه و اجرای حکم قتل درباره مقصرین واشخاص هدورالدم سابقاً ذکر نمودیم.

ودر (ص ۲۸۵) در ضمن بیان شرح حال اسامی روحانیون عهد صفویه و پس از آن گوید :

۲۲ – سید محمد باقر بن سید محمد نقی رشتی ملقب به حجه الاسلام که پیش از این ذکرش گذشت و سخت گیری او در اجرای حدود نسبت باشخاصی که نقش شریعت کرده بودند مذکور افتاد ...

نویسنده گوید : بطوریکه ملاحظه شد در هر سه جا انتقاد راجع به اجرای حدود شرعیه و سخت گیری در انجام آن می باشد. البته ادوارد برون و دیگران حق دارند به یک مجتهد ایراد کنند که چرا قوانین اسلام را در مملکت اسلامی اجرا می کند راز مقررات ممالک خارجی پیروی نمی نماید . در انگلستان که زنای محصنه ولواط و دیگر معاصی از امور عادی وجائز است نویسنده انگلیسی بخود حق میدهد که بنویسد : چرا چنین عاملینی را می کشند و چرا عالمی بقتل آنها فتوی میدهد وحتی خود آنرا اجرا می کند.

ادوارد برون انگلیسی با همه شهرت و عنوان او یکی از چهره های مرموز وناشناخته است که اینگونه که باید معرفی شود تا کنون شناسانده نشده است در این جا فقط متذکر می شویم که وی گاهی خود را عارف وصوفی معرفی می کند و در نوشته های خود خویشتن را مظهر علی به نام میبرد (ص ۱۰۶۴ جزء سوم مجلد نهم الذریعه).

۲ – مرحوم غلامرضا رشید یاسمی کرمانشاهی در پاورقی تاریخ ادبیات ایران تألیف ادوارد برون که ترجمه نموده (ص ۲۸۵) می نویسد :

سیـد محمـد بـاقر رشتی از حیث اهمیت در درجه سوم بـا چهـارم است و ملاـ احمـد نراقی در مرتبه دوم و اشـخاص ذیل که از قلم افتاده خیلی مهمترند : ۱آقای بهبهانی ۲- شـیخ جعفر عرب ۳- شـیخ محمـد حسن صاحب جواهر الکلام ۴- شـیخ مرتضی الأنصاری ۵ - آقا شـیخ هادی طهرانی .

نویسـنده گوید : با اعتراف و اذعان بمقام والای عموم مجتهدین وبالاخص پنج نفر عالم نامبرده بالا معلوم نیست که مرحوم رشـید یاسمی روی چه پایه و اساسـی مرحوم سـید حجه الاسلام را در درجه سوم و یا چهارم قرار داده است . البته ادوارد برون نام بسیاری از بزرگان علماء وفقهاء بزرگوار شـیعه را که در این قرون میزیسـته را ذکر ننموده و ظـاهرا عـدم ذکر اسـامی شـریف آنـان برای اختصـار نمودن مطلب بوده و ذکر نام مبارک مرحوم سـید حجه الاسلام برای بیان اهتمام آنجناب در امر بمعروف و نهی از منکر که مرحوم رشید باسمی بطور کلی از آن غافل بوده و هم بجهت بیان قدرت و نفوذ علماء شیعه در اجتماع مردم شیعه مذهب بوده است.

برای بسـیاری م- حـاج زین العابـدین شـیروانی از مشایـخ واقطـاب صوفیه ملقب به مست علیشـاه نیز همچون دیگر عرفـاء و صوفیه که عموما با علماء اسلام مخالفند وی نیز با سید حجه الاسلام مخالفت مینموده است .

در کتاب بسـتان السیاحه نام هر شهر و قریه ای را که ذکر می کند آنرا بیدی باد می نماید می نویسد مخالف صوفیانند واصل درخوبی و بدی را تصرف وخدمت بصوفیان ویا مخالفت با آنان میداند .

در زمان مرحوم سـید حجه الاسـلام صوفیه در اصفهان نسبتا کر وفری داشتند : سید رضا نانی هندی (فوت ۱۲۲۲) وشیخ زاهد ثانی گیلانی (فوت ۱۲۲۲) و آقا محمد کاظم واله شاعر (فوت ۱۲۲۹) و از همه مهمتر حسینعلیشاه اصفهانی

(فوت ۱۲۳۴) و جمعی دیگر از صوفیه در این زمان در اصفهان میزیسته و مردم را به تصوف میخواندند، حکیمی بزرگوار وفیلسوفی عالیقدر از اساتید سبد حجه الاسلام و موبدان آن بزرگوار یعنی حاج ملا علی نوری اصفهانی با آنان مخالف بود (شرح مخالفت اویا صوفیه بعدا بطور اجمال گفته میشود) مرحوم سید حجه الاسلام گر چه علنا با صوفیه مخالفت نمیکرد لکن با آنان موافق نبود و هیچ یک از آنان را بخود راه نمیداد از اینرو حاج زین العابدین شیروانی با سید حجه الاسلام موافق نبوده است

۴ - دیگر از این مخالفین عباس اقبال آشتیانی است که در آخرین شماره مجله یادگار (ص ۲۸ تا ۴۳ شماره دهم سال پنجم از مجله یادگار) شرحی راجع بزندگانی آن مرحوم نوشته است.

در ابتدای مقاله خود شرحی از وضع ناگوار عهد نادر و کریمخان نوشته و سپس بدوره قاجاریه پرداخته و در ضمن بخلاصه می نویسد :

علماء امامیه دوره قاجاریه چنان نفوذ یافتند که باید قدرت خود را برابر یا بالاتر از قدرت سلاطین و اولیای امور گذاشتند و بنام ترویج احکام و اجرای حدود و نیابت از امام غائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بسیاری موارد سلاطین وحکام را مطیع اوامر واحکام خود کردند ...

سپس بشرح حال و گزارش زندگانی مرحوم حجه الاسلام پرداخته و هر کجا بمناسبت مقام ویرا بگونه ای قدح نموده و بروی خرده گرفته است یک جا از ثروتش سخن می گوید و جای دیگر از اجرای حدود ..

گاهی ویرا متکبر ومتفرعن میخواند وجائی مال دوست و شهرت طلب اما جائیکه از علم و عبادت او سخن می گوید ناچار بمقام والای او اعتراف نموده وزهد و عبادتش را ستوده است . برخی از مطالب آنرا بعدابمناسبت مقام ذکر

خواهیم کرد . آیا او نمیداند زهد و عبادت با تکبر ومال دوستی مباینت دارد ؟

و یکی دیگر از مخالفین مهدی بامداد است در شرح حال رجال ایران (ص ۳۰۴ سوم) شرح حال سید حجه الاسلام را عینا از مجله یادگار وقصص العلماء ، با اندکی تغییر در عبارات نقل نموده و همچون اقبال تهمت ها به مرحوم حجه الاسلام زده و همان بیانات را بگونه ای دیگر تکرار کرده است.

در حقیقت مهدی بامداد مطلبی از خود ندارد بلکه گفته ها و خطاهای اقبال آشتیانی را بازگو و باز نویس نموده است.

ایندو نفر یعنی اقبال آشتیانی و مهدی بامداد اجرای حدود احکام الهی را قساوت قلب می نامند آنها حق دارند زیرا اگر در شناسنامه آنها مذهبشان را اسلام نوشته باشند از اسلام فقط پنج حرف (اسلام) را می شناسند نه از حقایق این دین خبر دارند و نه از تاریخ آن گرچه هر دو را مورخ می نویسند آنها اسلام را از دیدگاه خارجیان می بینند نه از نظر مسلمانان.

خواننده عزیز توجه دارد که مأخذ و مصدر نوشته های این دو تن و دیگران از موافق و مخالف نوشته های شاگردان و معاصرین ایشان بالاخص میرزا محمد تنکابنی مؤلف قصص العلماء می باشد چه خوب می فرماید سعدی شیرازی :

دوکس بر حدیثی گمارند گوش از این تا بدان زاهر من تا سروش یکی پند گیرد دگر ناپسند هنر دارد از حر فگیری به پند فرومانده در کنج تاریک جای چه در یابد از جام گیتی نمای مپندار اگر شیر وگر روبهی کز اینسان بمردی وحیلت رهی

قضاوت بین دو اندیشه و گفتار موافق و مخالف با توجه به نویسندگان آنها و طرز فکرشان بعهده خوانندگان عزیز وبی نظر میباشد .

آیا عقل وخرد قبول می کند که انسان نوشته های عالمی بزرگوار و فقیهی دیندار

ومؤلفی مطلع و آگاه که عموم نویسندگان بعظمت مقام علمی و احاطه او بـدقائق و نکات زنـدگانی بزرگان دین و همچنین زهد و تقوای کم نظیر او معرفنـدیعنی مرحوم آقـا میرزا محمـد باقر چهارسوقی عالم محقق مـدقق متتبع رجالی مؤلف کتاب شـریف روضات الجنات را که سالها خدمت مرحوم سید حجه الاسلام تلمذ وشاگردی نموده و آنجناب را از نزدیک دیده و با او معاشرت داشته است را که در باره آن مرحوم می نویسد : از تمام صـفات ناشایسته عاری می باشد . ویا در جای دیگر مینویسد تمام معارف و اخلاق رادارا بوده و از کلیه مدارج مکارم و آداب برخوردار بود .. را قبول نکرده و نوشته های بی اصل و مغرضانه عباس اقبال آشتیانی را بپذیرد.

آنچه علامه محقق رجالی آقا سـید محمد شـفیع جاپانی شاگرد دیگر آنجناب و یا میرزا محمد تنکابنی را که اولی در روضه البهیه و دومین در قصـص العلماء از اخلاق و ملکات سید حجه الاسلام بحث نموده اند و آنرا به بهترین وجه ستوده اند را رها کنیم و یاوه سراییهای مهدی بامداد را در برابر بپذیریم .

برای آشنائی بطرز فکر و میزان دینداری با مداد کافی است خواننده عزیز در کتاب أو اندکی میقانه مطالعه کند و مثلا شرح حال قره العین بابیه مشهوره را بخواند آنوقت متوجه می شود که این نویسنده تا چه حد و اندازه از معارف اسلامی بیگانه است.

ص : ۵۴

بخش دوم: زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

زندگانی (مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

اشاره

سید حجه الاسلام بید آبادی

مهاجرت تحصیلات - اساتید

ص : ۶۱

مهاجرت سید حجه الاسلام به اعتاب مقدسه جهت تکمیل تحصیلات

مرحوم سید حجه الاسلام بطوریکه خود در برخی از اجازاتی که جهت شاگردانش مرقوم فرموده می نویسد در سال ۱۱۹۲ بسن هفده سالگی (درروضات الجنات - ۱۱۹۷ می نویسد) جهت ادامه تحصیل از ایران به عراق مهاجرت فرموده است ،

در روضات الجنات می نویسد مدت زمان توقف آنجناب در اعتاب مقدسه کربلا نجف - کاظمین جمعا هشت سال بوده ، بنابراین مراجعت به ایران باید سال ۱۲۰۰ یا ۱۲۰۵ باشد.)

در کربلا در خدمت وحید بهبهانی و آقا سید علی طباطبائی صاحب ریاض المسائل ودر نجف خدمت علامه بحر العلوم طباطبائی و کاشف الغطاء ودر کاظمین در خدمت آقا سید محسن اعرجی تلمذ نموده است.

فقر سید در اعتاب مقدسه

اشاره

فقر سید در اعتاب مقدسه : مرحوم سید حجه الاسلام مانند بسیاری دیگر از بزرگان علماء دوره تحصیل

بسیار فقیر وبی چیز بوده بطوریکه در قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد :

در زمانیکه سید حجه الاسلام نزد سید علی صاحب ریاض المسائل درس میخواند بقدری فقیر بود که نعلین پایش پاشنه نداشته و پاشنه آنهم از کهنگی و کثرت استعمال در رفته بود و برای معاشی بومیه یکسر معطل وفاقد وعادم بود .

مرحوم سید نعمت الله جزاثری در شرح حال خود مینویسد: در دوره تحصیل قدرت خرید روغن جهت چراغ و روشنائی نداشتم و شبها از نور مهتاب و یاچراغ حوضخانه استفاده میکردم .

آری نتیجه تحمل آنهمه رنجها در تحصیل علم و دانش و صبر و شکیبائی در فقر رسیدن بمقامات عالیه علم و ریاست کلی دنیا و آخرت میباشد .

تدریس در ضمن تحصیل

در بین محصلین علوم دینی رسم است که معمولا هر طلبه ای علاوه بر دروسیکه در خدمت استاد تحصیل می کند و بعدا با سایر طلبه ها مباحثه می کند ، کتابها و درسهائیرا که قبلا خوانده است به دیگران می آموزد بنابراین هر طلبه ای علاوه بر آنکه دانشجو و طالب علم است استاد و معلم نیز می باشد. در اثر این رویه پسندیده علماء اسلام در تمام ادوار تحصیل و تدریس آنچه را خوانده اند حاضر الذهن می باشند .

فاضل محترم آقای حاج شیخ علی دوانی در کتاب شرح زندگانی حضرت آیت الله العظمی مرحوم حاج سید علی بهبهانی (۱)رحمه الله علیه می نویسد:

سالیکه ایشان به نجف تشریف آوردند بجهت اقامت ، من و چند نفر طلبه دیگر دوره مقدمات میخواندیم . ایشان از مراجع تقلید و در ردیف علمائیکه شبهه اعلمیت در باره آنها میرفت قرار داشتند، هرگاه بمدرسه تشریف می آوردند اگرما در ساختن صیغه فعلها واینگونه مطالب دچار مشکلی بودیم از ایشان میپرسیدیم و ایشان با کمال عطوفت و مهربانی همچون پدری مشفق در کنار می نشستند و مشکلات ما را جواب میفرمودند و حال آنکه سؤال ما راجع به مقدمات بود و ایشان در حد مراجع بزرگ قرار داشتند .

مرحوم سید حجه الاسلام در سالهائیکه در نجف اشرف تحصیل مینمودند عده ای در خدمتشان سیوطی میخوانده اند که از اسم و رسم آنها بی خبریم . همینقدر میدانیم که مرحوم سید حجه الاسلام بخواهش یکی از آنها حواشی بر کتاب سیوطی بنام « الحلیه اللامعه ، مرقوم فرموده و در سالیکه بمناسبت ابتلا بمرض حریه البول به بغداد مسافرت فرموده بود و مدت چهار ماه در آنجا بمداوا و معالجه مشغول بود کتاب نامبرده را از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال ۱۲۰۴ بوده است.

بنابر این مرحوم حجه الاسلام تا این سال یعنی مدت ۱۲ سال یقیناً در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بوده و بعدا به ایران معاودت نموده است.

سید وحاجی کلباسی در نجف

آشنائی مرحوم حجه الاسلام با حاجی کلباسی از نجف در محضر درس مرحوم سید بحر العلوم شروع شده و بعدا این آشنائی به دوستی ووداد و به اتحاد ویگانگی تبدیل گردیده است هر دو مجتهد و بزرگوار عادل ومتقی و پرهیزکارو...

در قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد:

در زمانیکه در نجف اشرف در خدمت مرحوم سید بحرالعلوم تلمذ مینمود میان او و حاجی کلباسی مراوده و مصادفه بسیار بود ، روزی حاجی بدیدن سید بحجره ایشان میرود و مشاهده می کند که سید در حال اغما بر زمین افتاده است ومعلوم میشود که از شدت گرسنگی غش کرده است . پس حاجی فوراً ببازار رفته وغذای مناسبی تهیه نموده و در حجره بسیدمی خوراند و سید بهوش می آید.

پدر مرحوم حاجی کلباسی یعنی حاج محمد حسن از نظر مادی در رفاه و آسایش بوده و دارای ثروت و مکنتی فراوان ، از اینرو حاجی کلباسی در مدت

۱- نویسنده رساله مستقلی بنام « ارمغان اصفهان در شرح حال علامه بهبهانی ، در شرح حال و گزارش زندگانی ایشان تألیف نموده و بچاپ رسیده است.

تحصیل در رفاهیت نسبی بسر می برده و با خیال آسوده به تحصیل مشغول بوده اما برخلاف او مرحوم سید حجه الاسلام در این موقع که درنجف و کربلا تحصیل میکرده یا قبلا پدرش فوت شده بوده و اگر هم زنده بوده وضع مالی چندان خوبی نداشته که بتواند بفرزند طالب علم خود در خارج از ایران کمک نماید .

سید حجه الاسلام و علامه بحر العلوم

بطوری که مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام اوایل تحصیل در امر طهارت و نجاست زیاد احتیاط داشته است و حوض آبی در بیرونی منزل استادش سید بحرالعلوم بوده که سبد حجه الاسلام اغلب جهت تطهیر وتجدید وضو بدان خانه میرفته است و تطهیر می نموده مرحوم بحرالعلوم از وضع فقروناداری شاگرد مطلع گردیده و به او اظهار میفرماید که : باید در اوقات ظهر و شب جهت صرف نهار و شام بنزد من بیائی و در این باب اصرار می کند شاگرد منبع الطبع و بزرگوار از روی مناعت واستغناء انگار می کند و هر چند استاد در این باره اصرار می نماید وی برانکار خود می افزاید تا آخر الامر سید به مرحوم بحر العلوم عرض می کند :

اگر بیشتر از این اصرار بفرمائید از نجف بیرون میروم و اگر میخواهید که در نجف باشم و از درس شما استفاده کنم از این تکلیف دیگر نفرمائید. مرحوم بحرالعلوم بعلت علاقه ای که به مرحوم سید داشته و آتیه درخشانی که در او بچشم حقیقت بین مشاهده میفرموده دیگر سکوت می نماید و از آن پیشنهاد و تکلیف صرفنظر میفرماید .

سید حجه الاسلام و صاحب ریاض المسائل

در ایامی که مرحوم حجه الاسلام در کربلا در خدمت صاحب ریاض المسائل

یعنی آقا سید علی طباطبائی تحصیل می نموده چون استاد به وضع زندگی شاگرد آگاهی حاصل می کند کسیرا مامور می نماید که روزانه دو قرص نان یکی جهت ظهر و دیگر برای شب سید حجه الاسلام میبرده است.

خلاصه آنکه مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۰) می نویسد : فقروفاقه سید حجه الاسلام بنحوی بوده که گویا به تصور در نیاید .

استجازه از اساتید

در روضات الجنات (ص ۲۹۱ دوم ترجمه) می نویسد :

حجه الاسلام بمن فرمود در آن روزگار که به کسب کمال می پرداختم رغبتی به استجازه از اساتید نداشتم و مانند دیگران که خواهان ریاست بودند در این اندیشه شب را بروز نمی آوردم با آنکه رویه اساتید با من طوری بود که متوقع بودند من از آنان استجازه نمایم و آنها بلافاصله و به محض اظهار من خواسته مرا اجابت کند .

به همین مناسبت از اجازه روایتی مروج بهبهانی و سایر اعلام که در طبقه او بودند محروم ماندم ، ای کاش چنان استغنائی را در خود احساس نمی کردم و این رویه راسیره خود قرار نداده بودم تا امروز اینگونه محرومیت نصیب من نمیشد .

اساتید و مشایخ اجازه

در فصل آینده اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام را بتفصیل خواهیم نوشت در این جا نیازی بتکرار آن نیست

سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه

عموم اجازات علماء معاصر وفقهاء ومجتهدین بزرگوار و کسانی که اجازه

روایتی دارند بیشتر به یکی از علماء زیر منتهی میشود :

۱- علامه محقق متتبع مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی علیه الرحمه .

۲- علامه جلیل فقیه زاهد آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی علیه الرحمه .

۳- محدث جلیل مرحوم حاج میرزا حسین نوری علیه الرحمه .

۴- علامه فقیه آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی علیه الرحمه .

وجز اینان که به واسطه یا بی واسطه به این بزرگواران منتهی میگردد .

واما مرحوم حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی در کتاب استاد المصطفی هشت نفر از مشایخ اجازه خود رانام میبرد که سه نفر آنان اجازاتشان به مرحوم سید حجه الاسلام مرسد:

ا- مرحوم حاج میرزا حسین محدث نوری (۱۳۲۰ - ۱۲۵۴) و او از حاج شیخ عبد الحسین طهرانی (فوت۱۲۸۶) واو از حاج سید شفیع جاپلقی (فوت ۱۲۸۰) وار از سید حجه الاسلام .

۲- حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی اصفهان معروف به شیخ الشریعه و آقای شریعت اصفهانی (۱۳۲۹ - ۱۲۶۶) واو از آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی واو از سید حجه الإسلام.

۳- آقا سید مرتضی بن سید مهدی بن کرم الله بن حبیب الله بن مهدی بن سید رضا رضوی کشمیری واو از آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی واز از سید حجه الاسلام .

ومرحوم سید حجه الاسلام روایت می کند از : ۱- میرزا ابوالقاسم قمی (میرزای قمی). ۲- شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمینی . ۲- سید محسن اعرجی کاظمینی .

ص : ۶۷

۴- آقا میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی کربلائی .

وسلسله سند این بزرگوار تا ائمه معصومین علیهم السلام در کتب مضبوط است .

اجازه نقل حدیث

درباره اهمیت اجازه نقل احادیث از رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام و شرایطی که باید مجاز داشته باشد علماء بزرگوار اسلام در کتابهای خود بیاناتی فرموده اند که طالبین باید به آنها مراجعه فرمایند ، در این جا بذکر چند حدیث از کتاب شریف کافی قناعت می کنیم :

ثقه الاسلام کلینی در کتاب کافی : باب روایه الکتب والحدیث از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند : حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود : اذا حدثتم بحدیث فأسندوه الی الذی حدثکم فان کان حقا فلکم وان کان کذبا فعلیه (ص ۹۰ حدیث ۷).

۲- حضرت صادق علیه السلام در معنی آیه شریفه الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه ، (سوره الزمر آیه ۱۸) میفرماید :

و آن کسی است که حدیثی را می شنود و آنراهمانگونه که شنیده است روایت می کند و در آن چیزی زیاد و کم نمی نماید .

۳- احمد بن عمر حلال گوید : که بحضرت رضا علیه السلام عرض کردم: کسی از اصحاب ماکنایی بمن میدهد و میگوید که از من روابت کن ، آیا جایز است که من آنرا از او روایت کنم ؟ حضرت فرمودند : وقتی که بدانی کتاب تألیف ونوشته اوست روایت کن از او .

۴- محمـد بن حسن بن ابی خالـد شـینوله از حضـرت جواد علیه السـلام روایت می کنـد که به آن حضـرت عرض کردم: فدایت شوم مشایخ و بزرگان ما احادیثی از حضـرت باقر وحضـرت صادق علیهما السـلام روایت کردند و چون زمان تقیه سخت بود کتابهای خود را پنهان داشتند و کسـی از آنان (آن کتابها را روایت ننمود) چون مرگ آنان در رسید کتاب هایشان بدست ما رسید (آیا آنهارا) روایت کنیم یا نه ؟ حضرت در جواب فرمودند : آنها را روایت کنید که آنها درست وحق است.

نتیجه : از این اخبار ودیگر اخبار در این باب و موضوع نتیجه گرفته میشود

۱- هر خبری که نقل می شود باید مصدر ومأخذ آن نیز نقل گردد •

۲- در نقـل اخبار هیـچ گونه تصرفی از کم و زیاد کردن انجام نگیرد لکن نقل بمعنی وعبارت دیگر مانعی نـدارد (اخبار آن در همین باب از کتاب اصول کانی نقل شده است).

۲- کتابهائیکه مؤلفین آنها معین و معلوم می باشند روایت آنها احتیاج به اجازه ندارد .

فائده : اجازه دهنده را مجبر و اجازه گیرنده را مجاز گویند و علمای علم درایه برای هر یک از آنان شرایطی قائل شده اند از آنجمله :

۱- آشـنا بودن بعلم رجال ورایه جهت تشـخیص انواع احادیث . ۲- قابل بودن بر تشـخیص انواع احادیث • ۲- قابل بردن جهت درک معنی و مفهوم حدیث . ۴ - تقوای در نقل حدیث وغیره .

دانشـمند بزرگوار حجه الاسـلام آقای حاج سـید ضیاء الدین علامه اصفهانی در کتاب : ضیاء الدرایه (ص ۰۹) در بـاب هفتم در طرق تحمل حدیث و سخن درباره شایستگی تحمل آن می نویسد:

۱- عقل و تمیز برای آنکه حدیث را می شنود (از راه سماع اخذ می کند) معتبر است .

۲- اسـلام و ایمان و عدالت و تکلیف در صحت تحمل حدیث به انواع مختلف آن (سماع- قراءت - اجازه - مناوله - کتابت - اعلام - وصیت - وجاده) معتبر نیست .

۳- در آنکه از او روایت می کنند بزرگتر بودن از حیث سن و مقام وعلم شرط نیست بلکه ممکن است بزرگی از کوچکتر از خود روایت کند .

برای اگهی بیشتر در موضوع اجازه و انواع آن طالبین به کتاب نامبرده ودیگر کتب در این موضوع مراجعه نمایند .

نویسـنده محقق آقای محمـد رضا حکیمی در کتاب : شـیخ آقا بزرگ طهرانی (ص۹) در تحت عنوان : اجازه نقل حـدیث ، مطالبی سودمنـد و تذکراتی بمورد مرقوم داشته است . خوانندگان محترم را بمطالعه و دقت در آن دعوت می کنیم.

فصل سوم: (شهرت و لقب مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید ابادی)

شهرت و لقب مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بیدآبادی

در بین علماء شیعه اول کسی که به لقب « حجه الاسلام ، معروف شد مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی بود و تا کنون کسی را بدین لقب و شهرت در بین علماء سلف سراغ نداریم.

مرحوم شفتی در زمان حیات و پس از وفات باین لقب در بین علماء معروف می باشد و ایشانرا گاهی بطور اطلاق حجه الاسلام و برخی مواقع حجه الاسلام شفتی - حجه الاسلام اصفهانی - حجه الاسلام بیدآبادی نیز گفته و نوشته اند .

در قرن سیزدهم چند نفر دیگر نیز باین لقب معروف شده اند لکن هیچکدام اهمیت و شهرت و مقام مرحوم سید حجه الاسلام را نداشته اند . در زمان حاضر این کلمه از معنی اصلی خود خارج شده و جزء تعارفات معمول زمان جهت متلبسین بلباس روحانیت گردیده و هر شرح امثله خوانی را نیز حجه الاسلام می نویسند و با این حرف او را فریب داده تصور شخصیت برای خود می کند.

همین حالت را دارد سایر القابیکه در زمانهای قدیم اختصاص به بزرگان اهل علم و دانش و مجتهدین و مراجع بزرگ داشت ، از قبیل آیت الله که قبلا در بین علماء بزرگوار شیعه لقب و شهرت جناب علامه حلی رضوان الله علیه بود و هر کجا بطور اطلاق می نوشتند : آیت الله مراد و مقصود ایشان بود بعدا در قرون اخیره

ص : ۵۵

اختصاص به مراجع تقلید یافته و آنانرا آیت الله گفتند و در کتابها نوشته اما در زمان ما هر طالب علمی را آیت الله می گویند.

یکی از فضلاء و دانشمندان معاصر کتابی در هشت مجلد در شرح حال علماء معاصر ایران تالیف نموده و آنرا بچاپ رسانیده والحق در راه تالیف آن زحمت بسیار کشیده و خدمت شایسته ای انجام داده و متنی بر اهل علم و تحقیق اثر خود ثابت نموده است لکن متأسفانه در این کتاب رعایت مراتب علمی اشخاص نشده است هم مجتهد مرجع تقلید و هم طلبه صرف میرخوان را آیت الله نوشته و از این بابت خود و کتابش را مورد انتقاد شدید قرارداده است و حال آنکه کتاب نامبرده صرفنظر از القاب وتعریفات بی جا که گاهی از افراد شده رو بهمرفته کتابی است ارزنده و قابل استفاده گرچه نام بسیاری از علمای معاصر و آثارشان ذکر نشده است و از این جهت ایرادی به مؤلف بزرگوار وفاضل خدمتگزار آن وارد نیست .

بعضی از معروفین به حجه الاسلام

برخی از معروفین به حجه الاسلام از علماء بزرگوار شیعه : ۱- مرحوم حاج ملا اسد الله بن عبد الله بروجردی فوت ۱۲۷۰. ۲ - مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی معروف به حجه الاسلام ثانی فوت۱۲۹۰

۳- مرحوم مولی محمد تقی بن مولی محمد ممقانی تبریزی فوت ۱۳۱۷ •

مهدی بامداد در تاریخ رجال ایران (ص ۴۱ ششم) می نویسد : در این خانواده چهار نفر به حجه الاسلام مشهور شدند : آخوند ملا محمد میرزاحسین - میرزا محمد تقی - میرزا اسماعیل ، این سه نفر پسران مولی محمد ممقانی می باشند .

- مولی محمد حسین کاشانی متوفی بعد از ۱۳۰۶ . و - مولی قربانعلی بن علی عسکر زنجانی فوت ۱۳۲۸ .

ص :۵۶

۹- حاج ملا محمد بن مولی احمد نراقی کاشانی (فوت ۱۲۹۷).

و شاید عده ای دیگر لکن همگان مربوط به نیمه دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم هجری می باشند .

فائده ۱: در بین علماء اهل سنت لقب حجه الاسلام به غزالی داده شده و او زین الدین ابو حامد محمد بن محمد بن محمد بن احمد شافعی طوسی معروف به غزالی (به تشدید راه منقوطه) مؤلف کتب عدیده از آنجمله : احیاء علوم الدین وکیمیای سعادت متولد سال ۴۴۹، ومتوفای سال ۵۰۵ می باشد. مرحوم سعید نفیسی در کتاب سرچشمه تصرف در ایران (ص ۱۰۸) می نویسد : وی اول کسی است که خواست مطالب اهل طریقت را با شریعت وفق دهد.

فائده ۲: از اواخر قرن چهارم هجری القاب مختوم به : الاسلام، در بین علماء رواج یافته است.

مرحوم بدیع الزمان فروزانفر در مقدمه ترجمه رساله قشیریه (ص۱۴) بخلاصه می نویسد که :

القابی که با (الاسلام) رواج یافته

این نوع القاب از اواخر قرن چهارم هجری متداول شده و برخی از آنها بدین قرار است :

۱- جمال الاسلام : لقب ابو محمد هبه الله بن محمد بسطامی فوت ۴۴۰ ۲- حجه الاسلام : لقب غزالی ۳- رکن الاسلام : لقب ابوعمر محمد بن حسین بسطامی فوت ۴۰۷ -۴۰۸

۴ - زین الاسلام : لقب ابوالقاسم عبد الکریم قشیری (۴۶۵ -۳۸۶) ۵- شمس الاسلام : لقب ابوالطیف سهل بن محمد صلوکی فوت ۴۰۴

۶- شیخ الاسلام : لقب اسماعیل بن عبدالرحمن صابونی (۴۴۹ - ۳۷۳)

۷ – عماد الإسلام : لقب ابوالعلاء صاعد بن محمد (۴۳۱- ۳۴۳) ۸- فخر الاسلام : لقب امام الحرمین جوینی فوت ۴۷۸

نویسنده گوید : همانگونه که در زندگینامه علامه مجلسی رضوان الله علیه (ص ۲۷۶ یکم) متذکر شدیم قبل از ابوعثمان صابونی کسان دیگری نیز لقب شیخ الاسلام داشته اند از آنجمله :

۱- ابو العباس احمد بن حسن سرخسی فوت ۴۰۹ و جز او کسان دیگری .

فائده ۳ : آنچه از مقدمه ترجمه رساله قشیریه نقل شد مربوط به علماء سنی مذهب بود اما آنچه مربوط به علماء بزرگوار شیعه می باشد :

۱- امین الاسلام : لقب ابوعلی طبرسی صاحب تفسیر مجمع البیان فوت ۵۴۸ یا ۵۵۲

۲- ثقه الاسلام : لقب ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی فوت ۳۲۹ ۳ – جمال الاسلام : لقب حسن بن محمد از علماء قرن هفتم . ۴ – رکن الاسلام : لقب نجم الدین حسن بن علی طبری از علماء قرن

هفتم •

۵ – زین الاسلام : لقب جمال الدین علی بن محمد از علماء قرن هفتم . ۶- شرف الإسلام : لقب سید حیدر بن محمد از علماء قرن هفتم .

۷- شمس الاسلام : لقب ابومحمد حسن بن محمد قمی معروف به حسکا از محدثین قرن پنجم .

علامه طهرانی لقب اورا گاهی شیخ الاسلام (ص ۱۳۳ نوابغ الراوه) و گاهی شمس الاسلام (در الذریعه در ضمن اسامی تألیفات او) ذکر می کند .

و از اینگونه القاب است : سید الاسلام – صدر الاسلام – ظهیر الاسلام –

عماد الاسلام – قوام الإسلام – معین الاسلام – ملاذ الأسلام – ناظم الاسلام ووحید الاسلام وغیره .

فائده ۴: علماء بزرگوار گذشته تاکسی را شایسته ولایق لقبی و منقبتی نمی دیدند ویرا بدان صفت نمی ستودند و در این راه نهایت احتیاط و دقت داشتند. یعنی هر لقبی را که به یکی از بزرگان اهل علم داده اند از روی حق و انصاف و شایستگی بوده و اگر کسی از روی دقت و توجه به اجازاتیکه علما برای شاگردان خود ویا مجازین نوشته اند نظر کند آنوقت می فهمد که تفاوت عبارات مربوط به اختلاف مقامات آنها می باشد.

القاب گروهی از علما شیعه بزرگ شیعه

ذیلا به برخی از این القاب و نعوت که عده ای از علماء بدان مشهورند اشاره میشود : ۱-آیت الله : لقب و شهرت علامه حلی رضوان الله علیه . ۲ – استاد البشر : لقب خواجه نصیرالدین طوسی .۳- بحر العلوم : حاج سید محمد مهدی طباطبائی بروجردی نجفی

۴- رئیس المحدثین : شیخ صدوق : ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی .

۵- شیخ الرئیس : ابوعلی سینا . ۶- شیخ الطائفه : شیخ طوسی ابو جعفر محمد بن حسن طوسی • ۷- صدوق : محمد بن علی بن بابویه قمی

۸- علامه : حسن بن یوسف حلی . ۹- علم الهدی : سید مرتضی موسوی . ۱۰ – فاضل : محمد بن حسن اصفهانی (فاضل هندی) . ۱۱- کافی الکفاه : صاحب بن عباد .

ص :۵۹

۱۲ – محقق : جعفر بن حسن حلی مؤلف کتاب شرایع . ۱۳ – مدقق : ملامیرزا شیروانی اصفهانی • ۱۴ – مفید : محمد بن نعمان بغدادی ۱۵– مقدس : احمد بن محمد اردبیلی . ۱۶ – مؤسس : آقا باقر وحید بهبهانی . ۱۷ – مجلد : میرزا محمد حسن شیرازی و غیره راجع به کلمه (امام) قبلا تذکراتی داده شد.

قابل توجه ودقت :

پس از رحلت علامه بزرگوار مرحوم آیت الله آقا میرزا محمد حسن شیرازی از طرف ناصر الدینشاه تلگرافهای تسلیتی به علمای ولایات مخابره شد از آنجمله تلگرافی به مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسونی اصفهانی مخابره گردید که در عنوان آن نوشته بود :

حجه الاسلام میر محمد هاشم – آن مرحوم پس از وصول تلگراف نامبرده نامه ای جهت شاه نوشت و پس از تشکر از مراحم شاهانه مرقوم فرموده بود:

پس از وفات مرحوم حاج سید محمدباقر شفتی معروف به حجه الاسلام شایسته نیست کسی را دیگر باین عنوان مخاطب سازند .

خواننده عزیز در این عبارت که نویسنده ای بزرگوار عالم و محقق و مدقق که حقا از بسیاری جهات بر بیشتر علمای زمان خود امتیاز داشته بلکه بسیاری ویرا اعلم علمای زمان میدانسته اند خوب دقت نما و آنوقت متوجه باش که مبادا در ستایش افراد کلمه ای گفته شود که شایسته آن نباشد و بدانجهت همه در نزد خداوند در روز واپسین مسئول و مأخوذ باشیم .

ص : ۶۰

فصل چهارم: (اساتید و مشایخ حجه الاسلم در عراق و ایران)

اشاره

اسامی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام . در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام

و در ایران در ذکر اسامی و شرح حال اجمالی اساتید و مشایخ اجازه مرحوم سید حجه الاسلام شفتی.

مقدمه این فصل

مقدمه:

مرحوم سید حجه الاسلام در موطن خود مقدمات علوم را بخوبی فرا گرفت لکن متأسفانه از اسید او در این زمان هیچگونه اطلاعی نداریم. سپس برای تکمیل فضائل و علوم خویش رهسپار عتبات عالیات گردید (شاید قبلا به قزوین نیز رفته باشد لکن در این موردهم اطلاع دقیقی در دست نیست) سال مهاجرت مرحوم سیدبه اعتاب مقدسه ۱۱۱۲ بنی سن هفده سالگی ایشان می باشد.

مشارالیه در کربلا و نجف و کاظمین و سپس قم کاشان در نزد اساتید بزرگوار ومجتهدین عالیمقدار که اسامی شریف ، آنان زینت بخش این اوراق می شود تحمیل نمود تا بدرجات عالیه علم واجتهاد رسید سپس به اصفهان مهاجرت نمود در این

شهر نیز پس از مدت قلیلی که خدمت برخی از بزرگان علم و فقاهت رسید خویشتن را بی نیاز یافته بدرس و بحث و تالیف و تصنیف و ترویج دین و امربمعروف و نهی از منکر پرداخت و بخواست خداوند متعال هر روز بر شهرت و عظمت او افزده گشت تا جائیکه حکم او در تمام ممالک و شهرهای شیعه نشین رواج یافته ونفود یافت و تقریبا مرجع مطلق شیعه گردید .

ذیلا بنام اساتید و مشایخ اجازه او اشاره میشود .

دوره های تحصیل

بطوری که قبلا گفتیم مرحوم سید حجه الاسلام در سال ۱۱۷۰ متولد گردید و تا سال ۱۹۸۷ در مولد خویش می زیست در این سال به شفت مهاجرت کرده و ظاهراً این مهاجرت بعلت بدی اوضاع وسختی معیشت خانواده آنها بوده و در این محل آن مرحوم شروع بدرس خواندن نزد فضلاء وعلماء نمود .

در سن ۱۷ سالگی یعنی سال ۱۹۹۲ به عتبات مهاجرت فرمود ومدت یک سال در کربلابدرس اساتید حاضر می شد در سال ۱۹۹۳ به نجف اشرف مهاجرت نموده و تا سال ۱۲۰ در آن ارض مقدس در خدمت اساتید بسر برد ، در این سال بعلت ابتلاء بمرض حرقه البول برای معالجه به بغداد و سپس کاظمین مهاجرت نمود و ظاهرا بیشتر از یک سال در آن شهر نزیست و در سال ۱۲۰۰ یعنی سال فوت استادش مرحوم آقا باقروحید بهبهانی به ایران مراجعت نموده و نخست مدت شش ماه در قم نزد میرزای قمی تلمذ نموده سپس به کاشان رفته و پس از مدتی که طول آن معلوم نیست بقم مراجعت نموده و تا سال ۱۲۱۰ یعنی سالیکه مرحوم میرزای قمی جهت سید حجه الاسلام اجازه مرقوم داشته در قم بوده و سپس در ۱۷۱۱ به اصفهان منتقل گردیده و تا آخر عمر یعنی سال ۱۲۹۰ در اصفهان مقیم

بوده و ظاهراً در این مدت غیر از سفر مکه معظمه مسافرتی دیگر نکرده است .

در برخی از کتاب ها انتقال مرحوم سیدحجه الاسلام را به اصفهان در سال ۱۲۰۹ یا ۱۲۰۷ می نویسند و ظاهرا اشتباه و همان ۱۲۱۹ صحیح است ، رقم عشرات در موقع نوشتن جابجا شده است .

این اسامی مشایخ و اساتید مرحوم سید حجه الاسلام بر حسب حروف تهجی :

لازم بذکر است که احتمالا پدر ایشان یعنی سید محمد نقی نیز جزو اساتید مرحوم سید حجه الاسلام می باشد لکن چون دلیلی قاطع برای آن در دست نیست وضمناً اطلاع از وضع علمی ایشان نیز نداریم همین اندازه اشاره اکتفامی کنیم .

۱– حاج میرزا ابوالقاسم بن ملا محمد حسن گیلانی

شفتی معروف به میرزای قمی و محقق قمی . از اکابر علماء و مجتهدین عالم فاضل فقیه کامل محقق مدقق زاهد عابد در سال۱۱۰۰ یا ۱۱۰۲ در قریه دره باغ از قرای جاپلق از دختر میرزا هدایت الله اصفهانی که از علماء وفضلاء اصفهان بوده و بجهت تبلیغ و ترویج دین بدان قریه مهاجرت نموده بود متولد گردید. نخست نزد پدرش که از فضلاء و علماء و از تحصیل کرده های حوزه علمیه اصفهان بود و مؤلف کتابی بنام کاس السالکین نظیر کشکول (ص ۲۳۲ هفدهم الذریعه) تألیف نموده مقدمات علوم وادبیات عرب را آموخت بعداً به خونسار مهاجرت نموده و در نزد آقا سید

حسین موسوی خونساری جد صاحب روضات الجنات اصول وفقه را آموخت وخواهر استاد را نیز بزوجیت اختیار نمود پس از آن به عتبات عالیات مشرف شده و در کربلا- نزد وحید بهبهانی و آقا محمد باقر هزارجریبی و مولی مودی فتونی و پس از کسب اجازه از اساتید خود بموطن خویش باز گشت و مدتی در آن حدود ساکن

بوده سپس به اصفهان و بعدا به شیراز مهاجرت نموده سرانجام قم راجهت سکونت دائمی خویش اختیار نمود و از این وقت عنوان علمیت و شخصیت دینی او ظاهر شده طلاب از گوشه و کنار به محضرش حاضر گردیدند تا جائیکه نم یکی از مراکز عمده تحصیلات دینی گردید . سرانجام در سال ۱۲۴۱ درقم وفات یافته در قبرستان شیخان مدفون گردید و قبرش در آن مزار متبرک در قطعه ای کوچک محل زیارت می باشد . ماده تاریخ وفاتش و از این جهان بجنان صاحب قوانین رفت .

کتب زیر از تالیفات اوست: ۱- اجوبه المسائل باسؤال وجواب درسه مجلد ۲- اصول دین فارسی مطبوع ۳-ساله در بیع فضولی ۴ - رساله دربع معاطاه ۵- ترجمه قصیده نونیه سید محمد خادم ، قسمتی از آن که به خط مرحوم میرزای قمی است در ریحانه الادب (ص ۱۲۹ چهارم) کلیشه شده است و ترجمه به شعر فارسی است ۶- تسامح در ادله سنن ۷ - جامع الشتات مطبوع ۸- رساله در جزیه ۹ - حاشیه بر تهذیب الاصول ۱۰-حاشیه بر زبده الاصول ۱۱ - حاشیه بر شرح مختصر عضدی ۱۲ - رساله در حبوه ۱۳ - رساله در حکم مدرسه مجهول البانی ۱۴ - دیوان اشعار عربی و فارسی قریب پنج هزار بیت ۱۵- رساله در ربا ۱۶ - الرد علی الصوفیه ۱۷ - رساله در طلاق ۱۸- رساله در عموم لاضرر ۱۹- عین العین ۲۰ - غنائم الایام در فقه مطبوع ۲۱ - رساله در فرائض ومواریث ۲۲ - القضاء والشهادات ۲۳ - قوانین الاصول معروف ترین تالیفات مرحوم میرزای قمی ۲۴ - مرشد العوام ۲۵ - معین الخواص۲۶ - مناهج الحکام درفقه ۲۷ - رسالهای در منطق ۲۸ - منظومه ای در بدیع ۱۴۰ بیت ۲۹ - منظومه ای در بیان ۱۲۰ بیت ۳۰- رساله ای دروقف وغیره ، در قصص العلماء و مکارم الاثار و کتب دیگر شرح حال او بطور اجمال و تفصیل نوشته شده طالبین مراجعه کنند.

ص : ۷۴

۲– آقاباقر (محمد باقر) بن مولی محمد اکمل اصفهانی

معروف به بهبهانی و وحید بهبهانی ورد بهبهانی ومؤسس بهبهانی .

در کتاب دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص ۴۷ یکم) بخلاصه و اندک تغییر می نویسد :

شهر بهبهان از شهرهای قدیمی ایران و قبل از تسلط اعراب یکی از پنج قسمت ناحیه شیراز بنام {کوره قباد}، موسوم بوده و حکومت نشین آن{ اره کان یا اره جان ویا ارغوان } می نامیدند ارتفاعش از سطح دریا ۲ متر وجمعیتش حدود ۲۶ هزار نفر وهوایش گرم بطوریکه حداکثر درجه حرارت ۵۰ و حداقل صفر آب مشروب شهر لوله کشی و از رودخانه کارون است . در قدیم جزو استان فارس بوده و اکنون جزو استان خوزستان می باشد .

نسب مرحوم وحید بهبهانی به ۱۴ واسطه به شیخ ابوعبدالله محمد بن نعمان معروف به شیخ مفید می پیوندد .

پدرش مولی محمد اکمل از علماء اواخر عهد صفویه و از مجازین از علامه مولی محمد باقر مجلسی وخود داماد آقا نور الدین محمد بن مولی محمد صالح مازندرانی داماد مجلسی اول می باشد از این رو مرحوم وحید بهبهانی در کتب خود از مجلسی اول به جد و از مجلسی دوم به خال (دائی) تعبیر می کند . پدرش در فتنه افاغنه از اصفهان مهاجرت نموده و چندی در بهبهان سکونت نموده از اینرو صاحب عنوان به بهبهانی شهرت یافته است . مرحوم آقا باقر در سال ۱۱۱۷ یا ۱۱۱۸ در اصفهان متولد و مقدمات علوم را در این شهر نزد پدر و دیگران آموخت و بعدا در بهبهان و سپس در اعتاب مقدسه در کربلا بدرس شیخ یوسف بحرینی و آقا سید صدرالدین رضوی نمی شارح وافیه متوفی بعد از سال ۱۴۰۰ هجری در نجف

حاضـر گردیده تا خود عالمی محقق و فقهی مدقق گردید و ترویج فقهاء اصولی نموده واز قدرت اخباری ها که در این ایام در اعتاب مقدسـه قدرت و نفوذی بافته بودند کاست و در اثر ترویجات وخدمات او بدین و شریعت ویرا مجدد قرن دوازدهم ومؤسس بهبهانی لقب دادند .

مرحوم معلم حبیب آبـادی در مکـارم الاثار (ص ۲۳۱ یکم) اسـامی چهـل نفر از شـاگردان و مجازین از اورا ذکر نموده لکن نام مرحوم سـید حجه الاسـلام را نیـاورده . همچنین در جلـد پنجم در ضـمن احوالات خود سـید حجه الاسـلام بشاگردی ایشان نزد صاحب عنوان اشاره نکرده است .

لکن در الکرام البرره (ص ۱۹۲ یکم) وریحـانه الأدب (ص ۲۱۲ یکم) و معـارف الرجال (ص ۱۹۹ دوم) به شاگردی مرحوم حجه الاسـلام نزدار اشاره شده و مدت آنرا یک سال نوشته اند .

مرحوم وحیـد بهبهـانی تألیفـات زیادی دارد ، در مکارم الاثار نام چهل و هفت کتاب و رساله را ذکر می کنـد که از آن جمله است: ۱- اجوبه المسائل ۲ - التحفه الحسینیه نام رساله عملیه ایشانست ۳- تعلیقه بر کتاب منهج المقال ۴ - رساله ای در اجتهاد واخبار در رد اخباریه ه - رساله در خمس و زکوه وغیره

دانشـمند معاصـر آقای حاج شـیخ علی دوانی از مدرسـین حوزه علمیه قم کتابی در شـرح حال و هیـد بهبهانی وخانـدان او بنام «وحید بهبهانی» تـألیف فرموده و آنچه راجع به این علامه جلیـل گفتنی بوده است را شـرح داده، مطـالبین برای اطلاع بیشتر از شـرح حال مرحوم آقای بهبهانی بدان کتاب و دیگر مواضع مراجعه کنند.

۳- حاج شیخ اسد الله بن اسماعیل دزفولی

کاظمینی فرزند ملامحسن بن مجد الدین دزفولی . عالم فاضل محقق مدقق بصیر مجتهد

خبیر ، در حدود سال ۱۹۸۹ در دزفول متولد گردیده و در نجف و کربلا در نزد علماء بزرگی همچون آقاباقر وحید بهبهانی وشیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء وسید بحرالعلوم و میرزا مهدی شهرستانی اصفهانی حائری تلمذ نموده تا بدرجات عالیه علم و اجتهاد رسیده سپس بدرس و مباحثه و تالیف و تصنیف پرداخته و از مؤسس بهبهانی رسید بحرالعلوم وصاحب ریاض وشیخ احمد احسائی و آقا میرزا مهدی شهرستانی اجازه روایت داشته است .

در مکارم الاثار (ص ۱۷۸ سوم) ویراعنوان نموده و از تألیفاتش نوزده کتاب ورساله نام برده، کتب زیر از اوست :۱- البحر المسجوریا لامعه الطورویا اللؤلؤ المسجور در معنی طهور ۲ - تحفه الراغب در ترجمه بغیه الطالب از عربی فارسی و آن رساله عملیه استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد ۳- رساله در قاعده من ملك با مبلغ النظر و یا رساله در قبول اقرار زوج ۴ - کشف القناع عن وجوه حجیه الاجماع مطبوع ۵ - مجموعه الأدعیه والأخبار ۶- مستطرفات من الکلام ۷- مقابس الانوار در احکام نبی مختار صلی الله علیه و آله و سلم و این کتاب معروف ترین تالیفات اوست و بطبع رسیده است و آنرا مقابیس نیز گفته اند ۸ - منهج التحقیق در توسعه و تضییق تاریخ فراغت شوال ۱۲۹۰ در موقع تألیف این کتاب صاحب عنوان بیست و پنج سال نداشته و مجتهد بوده است بطوری که در اجازه و تقریظی که استادش شیخ جعفر کاشف الغطاء در سال ۱۲۱۱ بر این کتاب نوشته اشاره نموده

فوت صاحب عنوان را برخی ۱۲۲۰ وعدهای ۱۳۲۴ و ۱۲۳۴ و ۱۲۳۷ و حتی ۱۲۶۰ نوشته اند و آنچه بنظر مؤلف مکارم الاثار بحقیقت نزدیک است ۱۲۳۴و مؤلف الذریعه ۱۲۳۷ نوشته است .

ص : ۷۷

در هیچ یک از کتب تراجم رجال به استادی و یاشیخ روایت بودن او جهت سید حجه الاسلام اشاره نشده است جز آنکه در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۱) ویرا از اساتید مرحوم حجه الاسلام می شمارد والطم عندالله .

در فوائد الرضویه (ص ۶۲ دوم) در ضمن بیان شرح حال اوذکری از فرزندش شیخ باقر نموده و گوید : وهو اول من سن اللطم علی الصدور فی الصحن الشریف .

در معارف الرجال (م ۹۴ یکم) میرزای قمی را نیز در جزو مشایخ اجازه اونام میبرد .

در موسوعه العتبات المقدسه : قسم الکاظمین علیهما السلام (ص ۸۰ سوم) می نویسد نسب آنان به جناب جابر بن عبدالله انصاری صحابی میرسد .

۳ -

۴-شیخ جعفر بن خضر جناجی

نجفی فرزند یحیی بن سیف الدین جناجیه ای علی نجفی .

جناجیه بفتح جیم اول و کسر جیم دوم دیهی است از اعمال عذارا از حله که اهل آن همه از اعقاب جناب مالک اشتر نخعی از بزرگان تابعین وياوران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بوده و در سال ۳۸ هجری به وسیله عسل مسموم بشهادت رسید و همانست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام عهد نامه معروف را جهت دستور حکومت بنام او مرقوم فرمود و پس از شهادتش فرمود : کان لی کما کنت الرسول الله صلی الله علیه و آله وسلم . اعقاب جناب مالک در حوالی حله بنام آل علی شهرت دارند .

پدرش شیخ خضر از بزرگان علماء زمان خود بوده و کراماتی از او نقل شده

ص : ۷۸

جناب شیخ جعفر در سال ۱۱۵۴ (ص۱۵۰ یکم معارف الرجال) و با ۱۱۵۶ در نجف متولد گردیده مقدمات علوم را نزد پدر خود فرا گرفت و به محضر علماء بزرگ عصر همچون شیخ محمد مهدی فتونی و شیخ محمد تقی دورنی و سیدصادق لحام و وحید بهبهانی رسید بحرالعلوم تلمذ نموده تا به اعلی درجه علم وفقاهت رسیده و حوزه درس و تدریس نهاده و عده کثیری از بزرگان در خدمت او تلمذ نموده اند .

مرحوم شیخ جعفر بمناسبت اختلافات واقعه بین عشایر نجف مجبور بمهاجرت از آن ارض مقدس شده به ایران آمده و در اصفهان مدتی سکونت داشته سپس به نجف اشرف معاودت فرموده و در آنجا در روز چهار شنبه (۲۲ یا ۲۶) ماه رجب سال ۱۲۲۸ (در معارف الرجال ۱۲۲۷ می نویسد) وفات یافته در مقبره مخصوصی که یکی از اطاقهای مدرسه او باشد دفن گردید و بر اوقبه عالیه بنا کردند .

در معارف الرجال (ص ۱۵۴ یکم) می نویسد : در سفر بمکه معظمه مشرف شد در سالهای ۱۱۸۶, ۱۱۹۹ و در این سفر جمعی از علماء در خدمت او بودند از آنجمله : آقاسید محسن اعرجی و سید محمد جواد عاملی و شیخ محمد علی اعسم می باشند .

کتابهای زیر از تالیفات اوست : بغیه الطالب فی معرفه المفروض والواجب و آن رساله عملیه ایشانست ۲ - الحق المبین فی تصویب المجتهدین ونخطه جهال الاخباریین و آنرا در اصفهان تالیف فرموده و در آنجا گوید : هردودسته در اصول دین متحدند و مرجع هر دو در فروع دین اخبار روایت شده از ائمه طاهرین علیهم السلام می باشد بنابر این مجتهدین اخباری واخبارها مجتهد می باشند و فضلاء هردو دسته اهل نجات و ایراد کنندگان بدانها اهمل ملاکند . کتاب بچاپ رسیده است ۴ سغایه المأمول در علم اصوله - غایه المراد فی احکام الجهاد در الذریعه (ص ۱۹

شانزدهم) می نویسد : در نسـخه کتابخانه سپهسالار آنرا: الحسام البتار فی قتال الکفار نامیده استاد القواعد الجعفریه در شرح بر کتاب بیع قواعد علام۷ – القواعد السـنه عشرور آنهاراحفید او شیخ موسی بن محمد رضا بن موسی بن جعفر در سال ۱۳۰۵ جمع آوری نموده و به کتاب الحق المبین او افزوده و بچاپ رسانیـده اسـت۸ – کـاشف الغطـاء عن معـایب عـدو العلماء در ردمیرزا محمـد اخباری ۹- کشف الغطـاء عن خفیات مبهمات الشـریعه الغراء در فقه معروفترین تألیفات او و بهمین جهت خود شـیخ را شـیخ جعفر کاشف الغطاء واعقاب اورا آل کاشف الغطاء می گویند ۱۰ – مجموعه فقهیه ۱۱ – مختصر کشف الغطاء ۱۲ – مشکاه المصابیح در شرح مشکاه الهدایه بحر العلوم ۱۳ – مناسک حج ۱۴ – منهج الرشاد در رد وهابیه مطبوع ۱۵ – میزان المقادیر مطبوع و غیره .

مرحوم شیخ جعفر پس از وفات چهار پسر و پنج دختر بدین شرح از خود بجای گذاشت :

۱- شیخ موسی فوت ۱۲۴۱ برای بسیاری ۲ – شیخ علی فوت ۱۲۵۳ ۳- شیخ حسن ۱۲۶۲ – ۱۲۰۱ ۴ – شیخ محمد فوت ۱۲۴۷

۵- نسمه خاتون زوجه شیخ محمد تقی رازی اصفهانی جد آقایان نجفی مسجد شاهی در اصفهان .

۶- زوجه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهان . ۷- زوجه آقا محمد علی نجفی هزارجریبی اصفهانی . ۸- زوجه شیخ اسدالله کاظمینی .

۹- زوجه شیخ محمد از بنی اعمام خود او .

۵– شیخ سلیمان بن معتوق عاملی کاظمیشی

عـالم فاضـل فقیه کامل . در جبل عامل در خـدمت آقای سـید محمـد بن ابراهیم موسوی جلال شـرف الـدین تلمـذ نموده و به اجازه روایتی از ایشان مفتخر گردیده سـپس در سال ۱۱۹۷ پس از فتنه احمد پاشاجزار باتفاق سـید صالح فرزند اسـتاد وشـریک درس خود به عراق فرار نموده ودر کاظمین سکونت نمود و از شیخ بوسف بحرانی در کربلا و همچنین میرزای قمی و غیره به اخذ اجازه روایتی مفتخر گردید.

سپس در کربلا بدرس و بحث اشـتغال جسـته و عده ای از بزرگان همچون سـید عبدالله شبر و آقا سـید صدرالدین موسوی و آقای سید محسن اعرجی نزد او تلمذ نموده و جمعی نیز همچون سید حجه الاسلام از وی باخذ اجازه مفتخر شده اند .

مرحوم سید حجه الاسلام در اجازه حاج آقا محمد کلباسی ویرابعنوان : شیخنا المعظم الشیخ سلیمان بن الشیخ المعتوق العاملی می نویسد.

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۹۱۲ دوم) وفـات او را در مـاه رمضان سال ۱۲۲۷ در کاظمین می نویسـد و گویـد رپرا تالیفائی بوده که ظاهرا از بین رفته است رومی اوسید عبدالله شبر بوده و طسم وروحانیت تاسالها در خاندان اور باقی بوده است

در موسوعه العتبات المقـدمه : قسم الکاظمین (ص۱۱۰ سوم) در ضـمن خاندانهای کاظمین می نویسد : بیت معتوق از اولاد شـیخ محمد متوفی سال ۱۳۲۰ فرزند شیخ جواد در سال ۱۳۵۴ زنده بوده فرزند شیخ علی فرزند شیخ سلیمان بن معتوق می باشند .

ص : ۸۱

۶– آخوند ملاعلی بن جمشید نوری مازندرانی اصفهانی

از اعاظم حکماء متشرعین وفلاسفه الهیین حکیم عارف زاهد متقی شاعرادیب متخلص به نور. مقدمات علوم را در مازندران و قزوین نزد آقا سید حسین قزوینی بخوبی فراگرفته سپس جهت تکمیل علوم خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد مرحوم آقا محمد بیدآبادی و آقا میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی و جمعی دیگر به تحصیلات خویش ادامه داده و ضمناً در خدمت درویش عبدالمجید طالقانی اصفهانی از اساتید فن خط بالاخص خط شکسته خط نویسی را آموخت بطوری که وی را از خوش نویسان خط شکسته باید دانست.

بالجمله مرحوم نوری پس از وصول بمقامات عالیه علم وحکمت بتدریس وتصنیف پرداخته و در آن شهرت و عنوانی بافت بطوریکه تدریس فلسفه و حکمت در زمان او در تمام ایران بار منحصر گردید و عده زیادی شاگردتربیت کرد که هر کدام حکیمی بزرگوار وفیلسوفی نامبردار شدند . مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۲۶۷ چهارم) نام مشت نفر از شاگردان او را ذکر نموده و نویسنده در جزوهای مخصوص بنام سی و سه نفر از آنان اشاره نموده ام .

مرحوم آخوند ملاـ علی نوری با میرزای قمی کمال صداقت و ارادت داشته و در اصفهان بحاجی کلباسی و سید حجه الاسلام ارادت می ورزیده و پس از فوت میرزای نمی تقلید از سید حجه الاسلام میکرده . وی صوفیه را تکفیر مینموده و اهتمامش در این مورد بیشتر از فقهاء بوده. در طرائق الحقایق (ص۱۰۰ جلد سوم) شرحی در این موضوع نوشته و هم در قصص العلماء (ص ۱۵۱) داستانی در این باره نقل می کند طالبین مراجعه کنند .

وی در رجب سال ۱۲۶۹ بسن شیخوخیت در اصفهان وفات یافته رسید

حجه الاسلام بر او نماز خواند . وقبل از دفن به نجف اشرف منتقل شده در عتبه مقدسه رواق مطهر مدفون گردید ، رحمه الله علیه .

در فوائد الرضویه (ص ۲۳۹ یکم) در موضوع دفن او کرامتی ازوی نقل می کند. مطالبین بدانجا مراجعه نمایند . کتب زیر از تألیفات اوست :

۱- اجوبه المسائل وان ۳۴ سوال است که میرزای قمی از او نموده و او بدانها پاسخ داده است نسخه ضمن مجموعه شماره (۱۲۱۲) کتابخانه الهیات و معارف اسلامی مشهد مقدس (ص ۲۴۷ دوم فهرست کتابخانه).

۲- تفسیر سور اخلاص زیاده بر سه هزار بیت ۳- جواب سوالات میرزا ابوالحسن بن محمد کاظم (ص ۲۴۶دوازدهم الذریعه) ۴ - جواب سوالات آقا محمد خان قاجار ۵- جواب المسائل العرفانیه ۶- حاشیه بر اسفار ۷-حاشیه بر شرح فوائد حاج شیخ احمد احسائی ۸- حاشیه بر شواهد الربوبیه ۹-حاشیه بر مشاعر آخوند ملا صدرا ۱۰- حاشیه بر مفاتیح الغیب ۱۱ - حواشی بر اسرار الایات ۱۲-حواشی بر شرح الاصول ملاصدرا ۱۳ - حجه الاسلام در رد کتاب میزان الحق پادری نصرانی ۱۴-دیوان اشعار ۱۵ - رساله در بقای روح پاسخ چندین پرسش است (ص ۱۷۱۵ دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) احتمالاً همان کتاب اجوبه المسائل است ۱۶ - الرقیمه النوریه ۱۷ - سؤال وجواب در معارف شاید همان اجوبه المسائل است ۱۸ - شرح حدیث زینب عماره منقول از حضرت صادق علیه السلام در روضه کافی (ص ۱۴۴۳ دوم از مجلد نهم فهرست کتابخانه مجلس شورای ملی) ۱۹ - شرح حدیث هل رأیت رجلا وغیره .

نمونه اشعار او را در کتابهای تذکره اختر (ص ۲۱۱) ریاضی العارفین

(ص ۵۸۱) مجمع الفصحاء (ص ۴۹ دوم) و دیگر مواضع نقل نموده اند از اشعار

اوست :

حقاً که علی ولی مطلق باشد حقیت او چو حق محقق باشد هرکس که کند حق علی را انکار از حق مگذر که منکر حق باشد

در کتب متداوله اشاره ای به استادی آخوند ملاـ علی نوری نکرده اند جز آنکه مؤلف قصص العلماء (م ۱۰۰) می نویسد : سید و حاجی کلباسی در سوابق ایام در خدمت آخوند درس خوانده بودند .

۷– میر سید علی بن محمدعلی

یا محمد بن علی بن ابو المعالی صغیر

فرزندابوالمعالی کبیر اصفهانی برادر سید عبدالکریم جدعلامه سید بحرالعلوم طباطبائی عالم فاضل محقق مدقق از اکابر علماء ومجتهدین و اعاظم فقهاء متبحرین عالم زاهد خواهرزاده و داماد وحید بهبهانی، در ۱۲ ربیع الاول ۱۱۶۱ در کاظمین متولد و در محرم ۱۲۳۱ در کربلا وفات یافته و در روان مطهر نزدیک قبور شهدا در جنب وحید بهبهانی مدفون گردید تاریخ فوت او { بموت علی مات علم محمد}می باشد .

در اعیان الشیعه است که آنچه از سید بحر العلوم نقل شده است که فرموده است : فوت عمویم سید علی در سال ۱۲۰۱ بوده و آنچه صاحب روضات الجنات (ص۴۱۵) می نویسد در حدود ۱۲۰۱ فوت شده و در هر در مورد علی سی از قلم افتاده است.

در قضیه وهابیه در سال ۱۲۱۶ مورد تهاجم وغارت آن فرقه قرار گرفته وقصد کشتن اوراداشتند لکن خواست خداوند تبارک وتعالی غیر از آن بود وری از آن مهلکه نجات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱– رسالهای دور اجماع واستصحاب

۲- رساله در اختصاص خطاب شفاهی بحاضر در مجلس خطاب ۳ - رساله در اصالت براءت ذمه زوج از مهر ۴ - رساله در اصول این ۵ - رساله در تثلیث تسبیحات اربعه ۶- رساله در تحقیق در حجیت مفهوم موافقت ۷. تحقیق در حکم استظهار حائض ۸ - ترجمه اصول دین وحید بهبهانی از فارسی عربی ۹- جواز اکتفاء بریک ضربت در تیمم ۱۰ - حاشیه بر معالم غیر مدون ۱۱- حجیت شهرت ۱۲ - حلیت نظر کردن به اجنبی فی الجمله ۱۳ - حواشی بر الحدائق الناضره استادش شیخ یوسف بحرینی ۱۴ - حواشی بر مدارک ۱۵ - ریاض المسائل شرح بر مختصر النافع در دو مجلد معروف به شرح کبیر ۱۶ - شرح مبادی الاصول تالیف علامه حلی ۱۷ - شرح مختصر النافع و آن شرح صغیر است بخلاف ریاض المسائل که شرح کبیر است ۱۸ - شرح مفاتیح ۱۹ - رساله در مکلف بودن کفار بفروع ۲۰- رساله در اینکه آیا منجزات مریض از ثلث است یا از باشد، ما ترک وغیره :

فائده ۱: نسب مرحوم آقا سید علی صاحب ریاض از چندین راه به علامه مجلسی منتهی میشود :

- مادرش دختر مولی محمد اکمل اصفهانی بوده و اوداماد ملا نور الدین محمد بن ملا محمد صالح مازندرانی اصفهانی داماد مجلسی اول می باشد .

۲- زوجه میرابوالمعالی کبیر دختر مولی صالح مازندرانی بوده است .

فائد ۲: در فصص العلماء (ص ۱۲۹) گوید : مرحوم میرزای قمی فقهش بر اصول برتری داشت و آنا سید علی اصولش بر فقه او رجحان داشت و از قضایا اتفاقیه آنکه کتابهای آن در برخلاف شهرت یافت یعنی قوانین الاصول میرزای

قمی وریاض المسائل انا سید علی در بین علماء معروف و مشهور و مقبول قرار گرفت.

فائده ۳: آقای سید علی در علم مناظره وجدل بغایت توانا بود بر خلاف میرزای نمی که در میدان مناظره در انظار مردم از وی عجزداشته (ص ۹۰۲ سوم مکارم الاثار).

فائده ۴: در عصر آقا سید علی دانشمندی معروف بنام میرزا محمد اخباری که جامع علوم عقلی و نقلیه و علوم غریبه بود با علماء اصول مخالفت و معاندت می نمود و کتابهای زیادی در رد آنها و تقویت اخبار ها تالیف نموده تنها کسی که توانست در برابر او مقاومت و پایداری کند و گفتار او را با دله عقلی و نقلیه رد کند آقاسید علی بود .

فائده ۵: اساتید او را قبلا ذکر کردیم اما مشایخ اجازه او طبق نوشته اعیان الشیعه (ص ۴۷ چهل و دوم) عبارتند از : ۱- وحید بهبهانی ۲- میر عبدالباقی امام جمعه اصفهان ۳ - شیخ یوسف بحرینی رحمه الله علیهم أجمعین وعلی جمیع علمائنا الماضین .

۸- سید محسن بن حسن بن مرتضی اعرجی کاظمینی

معروف به محقق اعرجی و مقدس اعرجی . عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد ادیب شاعر ، از علماء بزرگوار و محققین ومتتبعین ومراجع تقلید در زمان خود بوده . در سال ۱۱۳۰ متولد گردیده و مطابق آنچه در اعیان الشیعه (ص ۱۷۳ چهل و سوم) می نویسد تا سن چهل سالگی به تجارت مشغول بوده سپس به نجف جهت تحصیل علم رفته و در آنجا در خدمت وحید بهبهانی و شیخ جعفر نجفی

و سید بحرالعلوم تحصیل نموده سپس به کاظمین معاودت کرده و به تالیف و تصنیف و تدریس پرداخته و عده ای از بزرگان اهل علم در خدمتش تلمذ نموده اند از آن جمله : حاجی کلاسی – شیخ عبد الحسین أعسم – سید عبدالله شبره شیخ محمد علی بلاغی – سید صدرالدین عاملی – سید محمد علی بن محسن فرزندش رسید محمد کاظم بن محمد علی فرزند زاده اش وسید حجه الاسلام شفتی و غیره. و از شیخ جعفر وشیخ سلیمان بن معتوق عاملی مجاز بوده و در سال ۱۱۹۹در خدمت شیخ جعفر نجفی به مکه مشرف گردیده است .

کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- ارجوزه ای در فقه در اشباه و نظایر ۲-اصاله البرائه ۳ – تلخیص الاستبصار ۴ – حاشیه مصباح المنیر (مصباح المنیر تألیف أحمد بن محمد بن علی فیومی مصری) ۵ – حاشیه مقدمه الحدائق الناضره تالیف شیخ یوسف بحرانی۶ – حاشیه وافی ملا محسن فیض کاشانی ۷- حاشیه وافیه الاصول تألیف شیخ عبدالله بن محمد بشروئی خراسانی کرمانشاهی ۸- دیوان اشعار ۹- سلاله الاجتهاد (منظومه در اشباه و نظایر و نام دیگرش الفقهیه المستطرفه می باشد و این همان شماره یکم است و بطبع رسیده است) ۱۰ – کتاب الصلاه ۱۱- کتابی در رجال دراعیان الشیعه (ص۱۷۶ چهل و سوم) میفرماید نسخه آن در نزد من موجود است ۱۲ – غرر الفرائد در فروع فقهبه ۱۳ – الغرر والدرر کتابی است کشکول مانند در بیست هزار بیت و همان غرر الفرائد است ۴\۱ – متاجر ۱۵ – المحصول در شرح وافی الأصول ۱۶ – مختصر وسائل الشیعه ۱۷- الوانی –۱۸وسائل الشیعه در فقه این کتاب بترتیب کتب فقهی که در بین فقهاء متداول است تالیف نشده است و بنا بگفته مؤلف ریحانه الادب کتاب قضای آن بهترین کتابی است که در این موضوع تالیف شده است.

مرحوم مقدس اعرجی در سال ۱۲۲۷ در کاظمین وفات یافته و در خانه خود

مدفون گردید .

در اعیان الشیعه ومعارف الرجال (ص ۱۷۱ دوم) نمونه هایی از اشعارش نقل گردیده طالبین مراجعه نمایند .

در موسوعه العتبات المقدسه (ص ۸۰ جزء سوم قسم الکاظمین) در ضمن خاندانهای شهر مقدس کاظمین می نویسد:

بیت الاعرجی از ذراری سید محسن رسید راضی اعرجی فرزندان سید حسن ابن سعید مرتضی که در سال ۱۱۶۵ مجری به بغداد منتقل گردید (انتهی).

۹ – آقا سید محمد بن امیر سیدعلی طباطبائی حائری اصفهانی

معروف به مجاهد از اعاظم علماء و مجتهدین ورؤساء فقهاء و اصولیین عابد زاهد مجاهد فی سبیل الله . در حدود سال ۱۱۸۰ در کربلا از دختر آقا باقر وحید بهبهانی متولد گردید و در خدمت پدر بزرگوار خودو سید بحرالعلوم و دیگر بزرگان تلمذ نموده تا بدرجات عالیه علم واجتهاد نائل گشته سپس به تدریس وتصنیف پرداخته و پس از واقعه هائله وهابی ها در سال ۱۳۱۶ به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر رحل اقامت افکنده و بدرس و بحث اشتغال جسته و جمع کثیر از بزرگان علماء و فضلاء در خدمتش کسب فیوضات علمی نموده و پس از فوت پدر بزرگوارش در سال ۱۲۳۱ به عتبات مماردت نموده وریاست فرقه امامیه بعد از هدرباو منتهی شده و در نزد کلیه طبقات خاصه علماء و بزرگان معزز و محترم بوده تا سال ۱۲۴۱ بر حسب وظیفه شرعی دفاع از حریم مملکت اسلامی و ضمنا دعوت فتحعلی شاه و عباس میرزا از ایشان جهت حضور در جنگ به عنوان تیمن و تبرک وهم بعنوان استظهار و پشت گرمی قشون و افراد داوطلب به جنگی روسیه رفته لکن تقدیر الهی و علل ظاهری موجب شکست ایران شده و آن عالم جلیل از این جهت

خسته و ملول گشته در مهاودت از جنگ در قزوین در ۱۳ جمادی الأخره سال ۱۲۴۲ بمرض اسهال وفات یافته جنازه به کربلا منتقل و در بازار بین الحرمین در طرف راست کسی که از حرم حضرت عباس علیه السلام جهت حرم شریف حسینی علیه السلام میرود مدفون گردید و اکنون قبر شریف او آنجا در زیر گنبدی قرار دارد و قبور جمعی از اولاد و اعقابش نیز در اطراف او می باشد .

کتب زیر از تالیفات اوست: ۱- الاستصحاب - اصلاح العمل نام اصلی کتاب الاصلاح است ۲ - اغلاط مشهوره ۴ - جامع العبایر ه - جامع المسائل یا سؤال وجواب فارسی ۶ - الجهاد ۷- حاشیه بر معالم الأصول ۸ - حجیه الشهره -۹حجیه المظنه ۱۰ - مصابیح در فقه ۱۱ - مفاتیح الاصول و آنرا در اصفهان تالیف نموده و هنگام تدریس شاگردان آنرا جزه جزء می نوشته اند ۱۲ - مناهل در فقه معروفترین تالیفات ایشانست ۱۳ - نهایه المرام در شرح مفاتیح الکلام ۱۴ - الوسائل الحائریه با الوسائل إلی النجاه دراصول فقه وغیره .

در کتب تراجم ورجال اشاره ای به شاگردی مرحوم حجه الاسلام نزد سید محمد مجاهد و یا اجازه داشتن ایشان از وی نشده است فقط آقا سید شفیع چاپلقی در روضه البهیه در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام وذکر اسامی اساتید ایشان می نویسد :

وعلی السید الاستاد آقا سید محمد از این عبارت تلمذ مرحوم حجه الاسلام نزد صاحب عنوان استنباط میشود. فائده ۱ : در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه می نویسد : کسانیکه حکم جهاد باروسیه را دادند بدی قرار می باشند : ۱- حاج ملا احمد نراقی کاشانی .

- حاج شیخ جعفر کاشف الغطاء نجفی

۳- میرزا ابوالقاسم میرزای قمی ۴- میر محمد حسین سلطان العلماء امام جمعه اصفهان .

۵- آقا سید علی طباطبائی اصفهانی حائری .

۶- مولی علی اکبر اصفهانی (احتمالا اژه ای). و دیگر علماء در یک رساله نوشتند و امضاء کردند باین عبارت :

مجادله و مقابله با روسیه جهاد فی سبیل الله است و بر کوچک و بزرگ راجب است که برای حفظ دین و نگاهداری سرحدات ممالک مسلمین خودداری نکنند وروسیان را از مداخلت در حدود ایران دفع نمایند .

فائده ۲: در موقع حرکت مرحوم آقا سید محمد از کربلا بجهت جهاد عدهای از علماء و مجتهدین وطلاب (قریب پانصد نفر) در خدمت او بودند و بعدا نیز جمعی دیگر از علماء ایران به آنها پیوستند ذیلا بنام عده ای از آنها اشاره می شود :

۱- سید ابراهیم قزوینی ۲- مولی احمد بن مصطفی خمینی (ص ۱۱۶ یکم الکرام البرره) ۳- حاج ملا احمد فراقی . ۴- حاج ملا محمد تقی برغانی . ٥ - حاج سید محمله تنی قزوینی . ۶- حاج ملا محمد جعفر شریعتمدار استر آبادی . ۷- آقا سید حسین بن آقا سید محمد مجاهد .

۸- سید خیر الدین فرزند میر خیر الله موسوی جد آل خیرالدین در عراق (ص ۹- اسلام در چهارده قرن).

- حاج ملا رضا خوئی . ۱۰ - ملا محمد شفیع خوئی .

ص : ۹۰

۱۱ – حاج ملا صالح برغانی ۱۲– حاج ملا عبدالوهاب قزوینی . ۱۳– سید عزیزالله مجتهد طالشی . ۱۴– ملا علی بن محمد ولی قاینی خراشادی . ۱۵ – آقا سید نصر الله استر آبادی • فائده ۳ : داستانی عبرت آمیز در بیوفائی مردم دنیا .

در تواریخ وتراجم رجال در ضمن شرح حال مرحوم آقا سید محمد مجاهد می نویسند :

چون آن بزرگوار به شهر قزوین رسید و جهت نماز از حوض مسجد وضو ساخت مردم قزوین بعنوان تیمن و تبرک آب حوض را تا قطره آخر بودنـد و این در سـال ۱۲۴۱ بود چنـد مـاه از این قضـیه نگذشـته بود که جنگه بضـرر ایران خـانمه بـافت و آن سـید بزرگوار در حال مرض در مراجعت بهمین شهر وارد شد. مردم آنجا نسبت به آن بزرگوار توهین ها کردند و دشنام ها دادند حتی برخی از آنان که گستاخ تر و بی حیاتر بودند مشافهه بأن سید جلیل جسارت ها کردند و اعمالی انجام دادند که روی تاریخ و خود را برای همیشه سیاه کردند .

فائده ۴ : علل و موجبات شکست را در این جنگ اولا باید از متخصصین نظامی پرسید ، ثانیاً آنچه بنظر میرسد؛

ا– برابر نبودن نیروهای طرفین . ۲– خیانت نمودن برخی از حکام ولایات و سران قشون .

۳– نارضایتی ارامنه گرجستان از حکومت مرکزی ایران بخصوص پس از کشتار آقا محمد خان .

۴– رشوه گرفتن عباس میرزا . معروف است که چون آقا سید محمداز این

ماجرا آگاه شد و برا نفرین کرد که جوانمرگ شود او مرد و به سلطنت ترسیل أما روسها سلطنت ایران را در اولاد او تضمین کرده بودند.

ه – غرور عباس میرزا که چند مرتبه پیشنهاد صلح شد و نپذیرفت .

۶- اختلاف بین برخی از بزرگان و روحانیون آذربایجان در ادامه دادن جنگ ویاصلح .

۷- در این بین سیاست انگلیس را هم نباید فراموش کرد .

۱۰–حاج ملا مهدی بن ابی ذر بن حاج محمد نرالی کاشانی

نراق بروزن اراک از اعمال کاشان . شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۷۸) نرسل :

قریه ای است قصبه مانند و محلی است خاطرپسند از توابع کاشان آبش کم و باغاتش فراوان آن قریه در دامن کوه اتفاق افتاده و سه طرفش فی الجمله گرفته وسمن مغربش بایت گشاده است (انتهی).

مرحوم نراقی از بزرگان علماء وفقهاء واجله حکماء و متکلمین فقیه اصولی وحکیم متکلم جامع معقول و منقول وحاری فروع واصول در علوم ریاضی و هیئت و اخلاق و علوم ادبیه از اساتید بشمار میرود و در ایاب الألقاب (ص۹۲) وریحانه الادب گوید که در برخی از کتب متأخرین و براخائم المجتهدین ولسان الفقهاء والمتکلمین خوانده اند . عمده تحصیلات او در اصفهان در خدمت ملااسماعیل خواجوئی (قوت ۱۱ شعبان۱۱۷۳) بوده در ریحانه الادب (ص۱۸۶ چهارم) ولباب الالقاب مدت تلمذ او را در نزد خواجوئی سی سال نوشته اند و هم در خده من ملامهدی هرندی و حاج شیخ محمد کاشانی و میرزا نصیر درس خوانده سپس به عتبات مهاجرت نموده و آنجا مدنی از محضر آقا باقر وحید بهبهانی وشیخ یوسف بحرینی استفاده علمی کرده

و پس از وصول به مقامات عالیه به کاشان معاودت نموده و در آنجا سکونت اختیار نموده و بتألیف وتدریس وافاده و افاضه اشتغال جسته ، عده زیادی از بزرگان اهل علم و دانش در خدمت او تحصیل نموده و بمقامات عالیه علم و کمال و ریاست و شهرت رسیده اند که از آن جمله است سید حجه الاسلام شفنی .

قبل از ورود مشار الیه بشهر کاشان این شهر فی الجمله از وجود علماء بزرگ ومجتهدین نامدار و مدرسین خالی بود لکن بیرکت وجوداین عالم بزرگوار کاشان یکی از مراکز علمی شیمه گردیده وطالبین علم ودانش از گوشه و کنار روی بدان شر نمودند .

کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- اصول دین بفارسی ۲ - انیس التاجرین با انیس التجار در فروع تجارت رساله عملیه برای مقلدین بفارسی مطبوع ۳ - انیس الحکماء ۴ - انیس المجتهدین در اصول فقه ۵- انیس الموحدین بفارسی در اصول دین وهمان اصول دین است در الذریعه در دو محل نام برده (ص ۱۹۵ و۴۶۶دوم) ۶- التجرید با تجریدالاصول مطبوع ۷- التحفه الرضویه در مسائل دینیا ۸- توضیح الاشکال ۹- جامع الأفکار ۱۰ - جامع السعادات در اخلاق از معروفترین تألیفات او مطبوع ۱۱ - جامعه الأصول ۱۲- رسانه ای در بیان ۱۳ - رساله ای در حساب ۱۴ - رساله ای در عبادات ۱۵ - رساله ای در علم عقود فارسی ۱۶ - شرح شفا ۱۷ - الشهاب الثاقب در رد برخی از معاصرین او از علماء عامه ۱۸ - قره العیون در معنی وجود و ماهیت ۱۹ - الکلمات الوجیزه ۲۰ - کنز الرموز در برخی از آداب شرعی مطبوع ۲۱ - اللمعات ۲۲ - امهات الشرعیه ۲۳ - اللمعه الالهیه در حکمت متعالیه ۲۴ - لوامع الاحکام در فقه شریعت اسلام ۲۵ - محرق القلوب در مقتل مطبوع ۲۶ - المحصل در هیئت ۲۷ - المستقصی در هیئت ۲۸ - مشکلات العلوم فارسی ملمع مطبوع مانند کشکول شیخ بهائی

ص : ۹۳

۲۹. معتمد الشیعه فی احکام الشریعه ۳۰- معراج السماء در هشت ۳۱ - مناسک حج یا انیس الحجاج ۳۲ - نخبه البیان در استعاره و تشبیه فارسی مطبوع وغیره .

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۵ هفدهم) در ضمن شرح کتاب قره العیون گوید :

نسخه ای از آن در کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام موجود است و حواشی مختصری از استادش آقا محمد بیدآبادی بر آن نوشته شده. بنابر این مرحوم بیدآبادی نیز یکی دیگر از اساتید مشار الیه در اصفهان بوده است .

بدین ترتیب اساتید او در اصفهان عبارت شدند از :

۱- مولی اسماعیل خواجوئی ۲- آنا محمد بید آبادی ۳ - مولی محمدبن محمد زمان کاشانی ۴ مولی مهدی هرندی هم میرزا نصیر رحمه الله علیهم اجمعین.

۱۱- میرزا محمد مهدی بن ابوالقاسم موسوی شهرستانی

اصفهانی حائری . عالم عابد فقیه زاهد .

شهرستانی منسوب است به شهرستان و آن بنا بنوشته مکارم الاثار (ص ۶۱۳ دوم) نام چندین موضع است:

ا- شهرستان خراسان . ۲- شهرستان نام شهری در فارسی . ۳- فربه ای در بلوک خنج فارس (از بخش های شهرستان لار). ۴ - قربه ای در فارس از شهرستان فسا.۵- و شهرجی در اصفهان - شهر قدیم اصفهان .

مرحوم آقا میرزا محمد مهدی صاحب عنوان از شهرستان جی اصفهان بوده است . در وقایع السنین والاعوام (ص ۴۵۶) نسب سادات شهرستانی را از میرزا روح الله که در قرن یازدهم در اصفهان بوده تا حضرت موسی بن جعفر علیه

السلام نقل کرده است.

در حدود سال ۱۱۳۰ در اصفهان متولد گردیده و ظاهرا در فتنه افغان پالر و خانواده اش به عتبات مهاجرت کرده اند و او در آنجا در خدمت جمعی از بزرگان همچون مولی ابوالحسن شریف عاملی و آقا باقر بهبهانی و شیخ محمد مهدی فتونی وشیخ یوسف بحرینی تلمذ نموده و از شیخ یوسف بحرینی و مولی مهدی فتونی وآنا میر عبد الباقی امام جمعه اصفهان به اخذ اجازه مفتخر گردیده و جمعی کثیر از بزرگان علماء نیز در خدمت اور تحصیل نموده و با کسب اجازه نموده اند از آنجمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی (ص ۸۶ سوم معارف الرجال)

و از جمله کراماتی که جهت سید بحر العلوم نقل می کنند آنکه وی خبر داد که سید شهرستانی بر جنازه من نماز میخواند و حال آنکه وی در آن موقع یعنی در موقع احتضار بحر العلوم در کربلا بود و قضیه بهمین نحو انجام گردید.

وفات صاحب عنوان در سال ۱۲۱۶ در ماه صفر در کربلاـ اتفاق افتاده و دو پسر عالم فاضل از او بجای ماند : میرزا ابوالقاسم و میرزا محمد حسین متوفی در ۱۲۴۷ ، ودر همین سال فرقه وهابیه به کربلاـ حمله کرده و آنجا را غارت نموده و بسیاری از مردم آنجا را از زوار و مجاور کشتند .

مرحوم شهرستانی را تألیفاتی است از آنجمله : ۱- تفسیر برخی از سورههای قرآن ۲- حاشیه بر مفاتیح الشرایع فیض کاشانی ۳- فذالك در شرح مدارك ۴ - مصباح در فقه .

فائده : اولاد پسری و هم اعقاب دختری او که سادات حسینی می باشند. بعلت اهمیت و شخصیت او به شهرستانی معروف و مشهور می باشند.

ص : ۹۵

۱۲– حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی

فرزند آقا سید مرتضی بن سید محمد بروجردی .

مرحوم آقا سید محمد بن عبد الکریم از علماء اواخر زمان صفویه در اصفهان بوده و ظاهرا در فتنه افاغنه از این شهر مهاجرت کرده و در بروجرد متوطن شده است قبرش در آن شهر مزاری معروف است . پدرش مرحوم آقا سید مرتضی نیز از علماء و بزرگان بوده و در سال ۱۱۹۹ به نجف اشرف مهاجرت کرده و در آن ارض مقدس سکونت نموده و در سال ۱۲۰۴ هسم در آن شهر وفات یافته

است.

مرحوم بحر العلوم : الامام الهمام الذی لم تسمح بمثله الأیام سید العلماء الاعلام ومولی فضلاء الاسلام سید الفقهاء المتبحرین أمام المحدثین و المفسرین ... صاحب المقامات العالیه والکرامات الباهره (ص۶۷۶ دوم فوائد الرضویه).

مقامات علمی و شخصیت معنوی و روحانی این سید بزرگوار برتر از آنست که نویسنده ناتوانی همچون من و امثال من بتواند درباره او و مقامانش چیزی بنویسد و بهتر آنست که عجز و ناتوانی خود را وسیله پوزش مطلبی از ساحت مقدس آن بزرگوار قرار داده و به اختصار بپردازم .

وی در شب جمعه ماه شوال ۱۱۵۵ در کربلا متولد گردید و پس از دوران کودکی و رسیدن به سن تحصیل در نزد عده زیادی از معاریف علماء و مجتهدین تلمذ نموده و از جمعی از آنان به کسب اجازه مفتخر گردید سپس به تالیف وتصنیف و تدریس پرداخته عده کثیری از بزرگان در خدمت او بمقامات عالیه رسیدند .

در شرح حال او لازم است تذکر داده شود که تشرف او خدمت حضرت

ص : ۹۶

بقیه الله الاـعظم امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف از متواترات و مسـلمان در بین علماء و بزرگانست واحـدی در این باره شک و تردید ندارد .

و مقـام قـداست و بزرگواری او بحـدی بوده که مرحوم شـیخ جعفر نجفی گرد نعلین او را با تحت الحنک پاک مینموده اس . اساتیـد و مشایخ اجـازه اوبطوریکه در مکارم الاثار اسـتقصاء نموده عبارتنـد از: ۱- میرزا ابوالقاسم مـدرس خاتون آبادی اصـفهانی ۲- مولی محمدباقربن مولی محمد اکمل وحید بهبهانی ۳- آقا محمد باقر بن محمد باقر هزار جریبی ۴ - شیخ محمد تقی دورتی ۵ - آفا شیخ محمد جواد عاملی ۶- سید حسـین بن امیر ابراهیم قزوینی ۷ - آغاسـید حسین بن سید جعفر خونساری ۸- امیر عبدالباقی امام جمعه اصـفهان شیخ روایت تاریخ۱۱۹۲ .۹ - شیـخ عبـد النبی قزوینی ۱۰- سـیل قطب الـدین محمـد تـبریزی بر حسب آنچه در طرائق الحقـایق نوشـته ۱۱ - آقا سـید مرتضـی طباطبائی پدر بزرگوارش ۱۲ - آقا شیخ محمد مهدی فتونی ۱۳ - شیخ یوسف بحرینی رحمه الله علیهم أجمعین .

وعده کثیری در نزد او درس خوانده اند از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی است . ویرا تألیفات چندی است از آنجمله :۱- اثنی عشـریات و آن دوازده قصـیده در مرثیه حضـرت سیدالشـهداء علیه السلام می باشد ۲ - اجازات ۳- اجتمـاع الأمر والنهی ۴ - ارجوزه در جمل وعقود ۵ - ارجوزه درباره انار (القصیده الرمانیه) چهل وشش بیت ۶. ارجوزه در مرائی ۷- ارجوز در مناقب ومثالب ۸- أصاله البراءه ۹- تحفه الکرام تاریخ مکه و مسجد الحرام ۱۰ - دره و آن منظومه ای در فقه می باشـد ۱۱- دیوان اشعار ۱۲ - رساله در سیر و سلوک منسوب به سید بحر العلوم ۱۳ - شرح وافیه ۱۴ - فوائد اولیه و در آن ۴۵ فائده نقل فرموده است ۱۵ - فوائد رجالیه ۱۶ - قواعد الشکوک در شکیات نماز ۱۷- مبلغ النظر در حکم مسافر و آنرا بنامهای دیگری نیز در الذریعه ذکر فرموده

ص : ۹۷

است ۱۸ – مجموعه الأجازات ۱۹ – مشکوه درقه و آنرا مشکوه الهدایه ومصابیح نیز گویند . ۲۰ – مصابیح در فقه یا مصابیح الاحکام و آن غیر از مصابیح (مشکوه) می باشد در سه جلد ۲۱ – معرکه الخمیس و آن عبارت است از مکاتبات ومراسلات شعری بین پنج نفر از شعراء که یکی از آنان سید بحر العلوم است و آنرا بحر العلوم باین نام ممد می گردانیده است ۲۲ – منظومه ای در رد اخباریه وغیره .

توضیح و تکمیل :

انتساب کتاب سیر وسلوک به مرحوم سید بحر العلوم مورد شک و تردید علماء بزرگوار بوده و عموما آنرا نفی کرده اند گرچه اخیرا بنام ایشان بچاپ رسیده است . چند دلیل از ادله نفی :

۱- اول کسی که این کتاب را به مرحوم سید بحر العلوم نسبت داده مؤلف طرائق الحقایق است. ل

۲- اول نسخه ای که از این کتاب تا کنون دیده شده مورخ بسال ۱۲۵۱ می باشد قریب چهل سال پس از فوت او .

۳- خاندان مرحوم سید بحر العلوم انتساب این کتاب را به جد امجد خود انگار دارند. ۴- هیچ یک از ارباب تراجم نام آنرا در ضمن تألیفات آن مرحوم ننوشته اند

۵-تمام مؤلفات مرحوم بحر العلوم عربی است چه شده که این رساله بفارسی در آمده .

۶- کتاب به دیگران نیز نسبت داده شده و هیچ یک ثابت نیست. : رده ها دلیل دیگر انتساب کتاب را به مرحوم بحر العلوم نفی می کند .

فائده : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۲۱۶ دوم) می نویسد :

در ذکری المحسنین(۱) می فرمایـد که مرحوم میرزا محمـد مهـدی شـهید ویرا بـدین کلمه (بحر العلوم) ملقب کرد و آن از نظر کثرت احاطه بعلوم اسلامیه وشدت تضلع بفنون فلسفه الهیه و طبیعیه و تبحر در مسائل عقلیّ و نقلیه بود که ملقب به بحرالعلوم گردید .

و در روضات الجنات (ص) می فرماید: دونبالت و بزرگواری او همین بس که بدون شـرکت غیر ملقب به بحرالعلوم گشـته (انتهی) یعنی پیش از وی کسی دیگر بدین کلمه ملقب نشده است (انتهی).

نویسـنده گویـد : از یـک قرن قبـل و بخصوص در زمـان معاصـر این لقب مانـده سایر القاب علماء : آیت الله – ثقه الاسـلام – حجه الاسـلام – شریعت مـدار و غیره در بین علماء متـداول گشـته بطوری که در این زمان بهر طالب علمی یکی از القاب و عناوین را می گویند و می نویسـند واو خود باور کرده و هیچ اظهار ناراحتی نمی کند .

(تنبیه و ارشاد) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۱۶ دوم) پس از شرحی که درباره عظمت و بزرگی و بزرگواری مرحوم سید بحرالعلوم مرقوم فرموده گوید :

بلکه خود آقای بهبهانی نیز در اواخر چون پیر شده بود و احتمال زوال ملکه اجتهاد در خود میداد ، در مسائل فرعیه بنای تقلید از او نهاد .

توجه خواننـده محترم را بمطلب فوق جلب می کنیم . می نویسـد مرحوم آقا باقر وحیـد بهبهانی با آنهمه عظمت و مقام علمی که او را مؤسـس بهبهانی ومجدد قرن خواندند در آخر عمر به اجتهاد خود عمل ننموده بلکه از مرحوم سید بحرالعلوم

۱) کتاب ذکری المحسـنین در ترجمه حالات آقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال ۱۲۲۷ تالیف علامه مرحوم سیدابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (۱۲۷۲–۱۳۵۴) می باشد و چاپ رسیده است .

۱– کتاب ذکری المحسـنین در ترجمه حالات اقا سید محسن بن حسن اعرجی کاظمینی متوفای سال ۱۲۲۷تالیف علامه مرحوم سید ابی محمد حسن صدر الدین کاظمینی (۱۳۵۴–۱۲۷۲) می باشد و بچاپ رسیده است .

تقلید می کرد .

در قصه العلماء (ص ۱۲۵) در ضمن شرح حال آنقا سید محمد مجاهد می نویسد :

آقا سید محمد وارد قم شد فاضل نمی صاحب قوانین بسیار معمر شده بود شبی آقا سید محمد و علماء دیگر را ضیافت کرد و با ایشان صحبت علمی داشت از آن پس گفت : غرض از احضار شما در این شب و مکالمه آنست که سن شیخوخیت نوای مراتحلیل برده ندانستم که ملکه اجتهاد وجواز افتاء در من باقیمانده یا نه خواستم با شما قدری صحبت داشته باشم که شما ملاحظه کنید که آیا ملکه استنباط در من باقی است یا نه . مرحوم آقا سید محمد عرض کرد که اگر ملکه مستنبطه اینست که بالفعل شما دارید پس من و امثال من را ملکه مستنبطه نیست .

ص : ۱۰۰

بخش سوم: (مهاجرت سید حجه الاسلام بید ابادی به اصفهان)

اشاره

مهاجرت سید حجه الاسلام بید آبادی به اصفهان

ص : ۱۰۱

فصل پنجم: (مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

اشاره

مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی پس از تکمیل تحصیلات خود در کربلا - نجف - کاظمین - قم و کاشان ونیل به مقامات عالیه علم واجتهاد واخذ اجازات بقصد توطن به اصفهان ، یعنی مهد علم ودانش و مجمع علماء وحکماء وفقهاء و مجتهدین، یعنی دار العلم شرق مهاجرت نمود و تا پایان عمر ظاهراً به غیر از سفر مکه معظمه ومدینه طیبه واعتاب مقدم أثمه عراق علیهم السلام دیگر از این شهر خارج نگردید .

سال ورود به اصفهان

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص۱۶۱۵ پنجم) می نویسد : در سال ۱۲۰۶ بدون هیچ شهرت و ثروتی باصفهان آمد.

نویسنده گوید :درست است که مرحوم حجه الاسلام در سال ورود به اصفهان و شاید تا چندین سال بعد میچگونه ثروت مادی نداشت اما گنجی بود مملو از جواهرات علوم متنوعه و خزانه ای از دانشهای گوناگون مقرون به نفری وزهد وملکات نفسانی و سجایای اخلاقی.

ص : ۱۰۲

در الکرام البرره (ص ۱۹۳ یکم) نیز ورود مرحوم سید حجه الاسلام را به اصفهان در سال ۱۲۰۶ می نویسد، لکن علامه صاحب روضات الجنات (ص۱۲۵) مهاجرت ویرا باصفهان در حدود سال ۱۲۱۷ ,۱۲۱۶ می نویسد و قول او در این موارد حجت است چون وی معاصر با ایشان و از تلامذه و مجازین از او می باشد .

سکونت در مدرسه چهار باغ

مرحوم حجه الاسلام در بدو ورود به اصفهان در مدرسه چهار باغ سکونت نمود و شروع به بحث و تدریس نمود .

بیان شیوا و اطلاعات و معلومات کامل ووافر وحسن معاشرت موجب گردید که طلاب و دانشجویان در اطرافش گرد آمدند و بطوریکه می نویسند متولی ومدرس مدرسه نامبرده از این پیش آمد ناراحت و ناراضی گردید و چون مرحوم سید حجه الاسلام متوجه عدم رضایت متولی گردید بلا فاصله تغییر محل داد ، وظاهراً بطوری که برخی از مطلعین اظهار می داشتند ابتداء در مدرسه شفیعیه واقع در محله در دشت و بعداً به مدرسه میرزا حسین واقع در بازار بید آباد منتقل گردید حجره مرحوم سیدحجه الاسلام در مدرسه میرزا حسین معلوم و معین و معروفست.

مدرس مدرسه چهار باغ

در زمان ورود مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان و سکونت ایشان در مدرسه چهار باغ متولی مدرسه نامبرده مرحوم آقا میرزا محمد رضا فرزند علامه محقق آقا میرزا ابوالقاسم مدرس میباشد .

مرحوم آقا میرزا محمد رضا مدرس خاتون آبادی از جمله علماء اصفهان وامام جماعت مسجد شاه و مدرس مدرسه چهارباغ بوده و در ماه رجب سال ۱۲۳۸

شش ساعت پس از تحویل آفتاب ببرج حمل وفات یافته ابتداء در اصفهان مدفون وسپس استخوان های ویرا به نجف اشرف حمل کردند و در آن ارض مقدس بخاک سپردند (ص ۱۰۵۴ چهارم مکارم الاثار).

علت خروج مرحوم حجه الاسلام از مدرسه چهار باغ

بطوری که گفتیم مرحوم حجه الاسلام در بدو ورود خود در مدرسه سلطانی معروف به مدرسه چهار باغ حجره گرفته و بتدریس شروع نمود و طلاب پروانه وار گرد شمع وجودش جمع شدند . اکنون متولی مدرسه نامبرده با حریفی جوان وعالمتر از خود روبرو شده ودیگر طالبین علم بدرس او کمتر حاضر میشوند و قلباً از این موضوع نگران و ناراضی شد.

چون مرحوم حجه الاسلام نگرانی و نارضایتی او را احساس فرمود، بدون اظهار هیچ هیچ گونه عکس لعملی خود به اختیار واز روی میل نه اجبار از مدرسه خارج گردید.

مرحوم سید حجه الاسلام بخاطر خداوند تحصیل کرده بود و آن همه رنج ومشقت را بر خویشتن هموار ساخته و در شهرهای مختلف بنزد اساتید شتافته بود اکنون نیز بخاطر خداوند به اصفهان یعنی مهد علم ودانش روی آورده که بهتر بتواند به علم و علماء خدمت کند حال نیز تدریس او بجهت رضا و خشنودی اوست و چون می داند شرعاً متولی هر مدرسه ای در ساکن بودن و نبودن طلاب مدرسه صاحب نظر است و احساس می کند که متولی مدرسه نامبرده از سکونت او در آنجا قلباً ناراضی است و شاید این عدم رضایت خود را بزبان نیز رانده باشد ، توقف خود را در آن مدرسه غیر مشروع ومعصیت میداند و بدون درنگ از آنجا نقل مکان مینماید .

بنابر این گفتار مؤلف قصص العلماء که می نویسد (ص ۱۴۳) : متولی مدرسه امر بخروج او کرد مبالغه و از روی مسامحه است.

منزل مرحوم سید حجه الاسلام

پس از آنکه وضع زندگانی مرحوم حجه الاسلام در اصفهان سر و سامانی گرفت و عنوان وشهرتی یافت و وجوهات بربه از خمس وسهم مبارک امام علیه السلام وزکوه دیگر وجوه واجبه ومستحبه بنزدش می آوردند در صدد تهیه منزل جهت سکونت خود و خانواده خویش بر آمده و در محله قبله دما خانه ای خرید که تا آخر عمر در آنجا ساکن بود و بعد نیز اولادوامقابش آنرامالک بوده و سکونت می نمودند و در سالهای اخیر فروخته شد.

منزلی که مرحوم سید حجه الاسلام در محله قبله دعا خرید قبلا- متعلق به عالم زاهد مرحوم آقا محمد بیدآبادی بوده و مقابل آن فضائی و محوطه ای کوچک بود که شاید قبلا قبرستان بزرگی بوده و بعداً متروک مانده و تا این اواخر بصورت قبرستانی نیمه خراب باقی بود که در سالهای اخیر به سرنوشت دیگر گورستانهای اصفهان دچار گردیده و بصورت خانه مسکونی در آمد .

کرامتی از اقا محمد بیدآبادی

عالم جلیل مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین در کتاب معارف الرجال (ص ۳۶۸ دوم) از قول هده ای از مردم اصفهان و آنان از قول بزرگان و مشایخ نقل می کند که ؛

درب خانه آقامحمد بیدآبادی کوچک و کوتاه بود روزی درباره بزرگ کردن آن با ایشان مذاکره کردند آن مرحوم در جواب فرمود :

بزرگ کردن در خانه مربوط به کسی است که بعد از من مالک این خانه خواهد شد و او آنرا انجام خواهد داد (مفهوم ظاهری این حرف آنست که فرزندانم این کار را خواهند کرد) بعدا فرموده آن کس سید محمد باقر می باشد .

حاضرین به احترام شخصیت مرحوم آقا محمد وهم بعلت اطمینان بگفته های او که از روی علم و آگاهی پیشگوئی می کند ساکت شدند . صدق این گفتار پس از سالها بعد از مرگ آقا محمد آشکار گردید .

آقامحمدبید آبادی: حکیم فیلسوف متأله عالم عارف فقیه زاهد متشرع مرحوم آقا محمد فرزند ملا محمد رفیع گیلانی از اجله حکماء وفلاسفه مشاء وزنده کننده فلسفه و عقاید فلسفی مرحوم آخوند ملا صدرا شیرازی که آنرا به شاگرد ممتازخود مرحوم آخوند ملا علی نوری اصفهانی آموخت و او آنرا به حاج ملا هادی سبزواری انتقال داده و مرحوم حاجی سبزواری آن را به بهترین وضع واسلوب شرح و بیان فرمود. مرحوم بود آبادی در اصفهان متولد گردید. در رستم التواریخ (ص ۴۰۶)مولد آن جناب را مازندران می نویسد.

در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون ملا اسماعیل خواجوئی و آقا میرزا محمد تقی مجلسی معروف به الماسی تلمذ نموده و عده ای از معاریف فضلاء در خدمت او تحصیل معارف و کمالات نموده اند و بمقامات عالیه علم و عرفان رسیده اند.

مرحوم آقا محمد بیدآبادی در حکمت و عرفان سر آمد علمای زمان و معروفست که علم کیمیا میدانسته و در این مورد حکایتی نقل می کنند . بر بسیاری از کنب حکمت حواشی داشته و از وی در کیمیا و عرفان و تفسیر جزواتی موجود است . برخی از آثار او بدی قرار است :

۱- بندی در عمل کیمیا بفارسی (ضمن مجموعه شماره ۱۲۵۲، دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد)

۲- تفسیر (ضمن مجموعه شمارد و ۳۳۶۰ ، مجلس شورای ملی)

۳- تفسیر منتخب از تفسیر نیشابوری که در موقع تدریس و مباحثه در مدرسه حکیم در تاریخ ۳ شنبه ۱۴ رجب سال ۱۱۷۳ نوشته است (شماره ۱۸۵۴ » کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۴- رساله ای در توحید بفارسی (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)۵ - جنگی در کیمیا و علوم غریبه (شماره ۳۵۴کتابخانه مسجد گوهر شاد مشهد)

۶- رساله ای در سلوک (ضمن مجموعه شماره ۳۷۸۴۰ ، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ل

۷- رساله ای در سیر و سلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

۸- شعرهائی در کیمیا (ضمن مجموعه شماره (۳۷۷۸، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران)

۹- نامه ای در سیر و سلوک جواب میرزای قمی (ص ۴۸۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۰- نامهای فارسی جواب آقا سید حسین قزوینی در مسیر وسلوک (ضمن مجموعه مجلس شورای اسلامی)

۱۱ - نامه هائی به اشخاصی که نام آنها در فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ذکر نشده است.

در رستم التواریخ در باره آقا محمد بیدآبادی (ص ۴۰۷) پس از شرحی

که راجع به دیدن علی مراد خان زند از ایشان و بازدید ننمودن از وی می نویسد گوید :

مرحوم آقا محمـد بیـدآبادی بنفس نفیس خود بدر وکان خباز و بقال ونصاب وعلاف وعصار و سبزی فروش می آمد و آذوقه و مایحتاج خود وعیـال خود را بر دوش خود گرفته و بـدامان خود نهـاده وبخـانه میبرد و در این بـاب اعـانت از کسـی قبول نمیکرد و جـامه هـای بی کرباس و پشـمینه کم بهاه بود و به کسب تکمه چینی اشـتغال داشت و خط شکسـته را خوب می نوشـته و چنـد دسـتگاه شـعربانی هم داشت وقـدری هم زراعت مینمود .

مرحوم آقا محمـد بیـدآبادی در قبل از ظهر روز نهم محرم الحرام (تاسوعا) سال ۱۱۹۸ در اصـفهان وفات یافته در تخت فولاد در قسمت شرقی تکه آقاحسـین خونساری نزدیک قبر پـدر بزرگوار خود مدفون گردید و آنچه مؤلفین در تاریخ فوت او نوشـته اندکه سال ۱۱۹۷ بوده مسامحه می باشـد که نه روز اول سال رابحساب نیاورده انـد ، ماده تاریخ فوت او را هم که مرحوم آقا محمد کاظم واله شاعرعارف سـروده همین حال را دارد .

فائده : در این جا به مناسبت نیست اسامی برخی از شاگردان انامحمدم بیدآبادی را یاد آور شویم :

۱- حاج محمد ابراهیم کلباسی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). ۲- میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (ص ۱۳۱ یکم مکارم الاثار) . ۳- سید اسماعیل جزائری (ص ۱۲۷ یکم الکرام البرره).

۴ - سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجوئی (ص ۲۱۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان).

ص : ۱۰۸

۵- شیخ جعفر شیخ الاسلام لاهجی (ص۲۳۹ طبقات اعلام الشیعه - الکرام البرره).

۶- سید محمد حسین قزوینی (نامه به مرحوم بید آبادی نوشته و آن مرحوم بدان پاسخ داده است)

۷- ملا عبدالکریم اشراق بیرجندی (ص ۲۷۷ بهارستان آینی). ۸- سید عبدالله دزفولی (م ۷۷۰ دوم الکرام البرره).

۹- میر سید علی بن محمد باقر حسینی (م ۲۷۶ سوم مکارم الاثار). ۱۰- حاج ملا علی نوری (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). از ۱۱- مولی علی اکبر اژه ای (ص ۹۴۵ سوم مکارم الاثار). ۱۲ - میرزا محمد علی بن میرزا مظفر (ص ۶۱ رجال اصفهانی). ۱۳ - مولی محراب گیلانی (ص ۹ - البدر التمام). ۱۴ - سید صدرالدین دزفولی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار). ۱۵ - مولی مهدی بن ابی ذر نراقی (ص ۷۵ هفدهم الذریعه) . ۱۶ - میرزا محمد مهدی شهید موسوی (ص ۶۸ یکم مکارم الاثار) .

قبله دعا وجماله

در یکی از کتابهای مرحوم آقا سید محمود کلیشادی معروف به مفتی که مجموعه ای از یادداشت ها و مطالب متنوعه از مباحث علمی و غیره بود و در تصرف مرحوم آقا شیخ محمد رضا الهی فرزند حاج مولی محمد طاهر شهر کی اصفهانی بود و بعداً به کتابخانه مرحوم حاج آقا محمد مقدم و سپس به کتابخانه مسجد اعظم قم منتقل گردید بخلاصه نوشته بود:

در یکی از مسافرتهای فتح علیشاه باصفهان و دیدار شاه از مرحوم سید حجه

الاسلام روزی آن مرحوم باتفاق جمعی از علماء به بازدید شاه تشریف بردند .

ضمن صحبت های گوناگون شاه از حاج محمد جعفر آبادهای یکی از همراهان مرحوم سید حجه الاسلام پر سید منزل شما در کدام محلت از محلات اصفهانست حاجی فرمودند در محله جماله کله . شاهرا این نام خوش نیامد و روی در هم کشید پس از مدتی همین سؤال را از مرحوم حجه الاسلام کرد ایشان در جواب فرمودند در محله و قبله دعا .

شاه این نام را بفال نیک گرفته و آنرا به مبارکی و میمنت تلقی کرده و اظهار بشاشت و خوشحالی کرده

امامت جماعت

مرحوم سید حجه الاسلام پس از سکونت در اصفهان و از موقعی که عنوان و شهرتی بالنسبه یافت ابتداء در مسجد حاج طالب واقع در محله دروازه نو نزدیک سنبلستان که در آن زمان تا این اواخر به چملان (به ضم اول و سکون دوم) معروف بود، اقامه جماعت و سپس بذا بتقاضای اهالی بید آباد در مسجد میرزاباقر امامت می نمود و ظاهراً این در موقعی است که مرحوم سید حجه الاسلام در مدرسه میرزا حسین حجره گرفته و بتدریس مشغول گردیده است.

مرحوم سید پس از آنکه بنیان مسجد خود را در محله بیدآباد برپا داشت در آنجا اقامه جماعت نموده و یکی از بهترین شاگردان خود یعنی مولی علی اکبر خونساری را به امامت آنجا معین فرمود .

برخی از ائمه جماعت مسجد میرزا باقر

علما زیر پس از مرحوم سید حجه الاسلام بترتیب در ان مسجد اقامه جماعت

نموده اند:

۱- مولی علی اکبر خوانساری . ۲- مولی محمد شفیع خوئی . ۳- مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری • ۴- آقا کمال الدین بن مولی محمد حسین و۵- حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین خونساری متولی سال

۱۳۴۸.

۶- آقا سید محمد باقر نحوی داماد مرحوم آقا کمال الدین مدت زمان اندکی صبحها (فوت ۱۳۵۰).

۷- حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمدحسین و با فوت مشار الیه در اوایل ذی الحجه سال ۱۳۹۱ علم و روحانیت از خاندان مولی علی اکبر خونساری به انتهاه رسید .

مسجد میرزا باقر : مزایای کار ایران ساری شاردن در سفر نامه خود می نویسد :

یکی از رسوم بزرگان ایرانی آنست که چون تمکن مالی یافتند در جنب منزل خود مسجد وحمام و بازارچه و گاهی کاروانسرائی بنا می کنند و برای بقاء و تعمیرات مسجد و احیانا مدرسه احدائی خود موقوفاتی معین می کنند.

سه نفر بنام محمد باقر هر یک حمام و مسجد و بازارچه بنا کردند که در امتداد یک کوچه قرار دارد :

۱- میرزا باقر منجم . ۲- مولی محمد باقر شیخ الاسلام . ۳- میرزا محمد باقر یزدی دانشمند ریاضی .

ص : ۱۱۱

نویسنده گوید : مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر منجم در محله نیم آورد واقع و تاریخ بنای حمام (صحت و عافیت ۱۰۶۵) می باشد و هنوز بنام حمام باقر معروفست و مسجد آنهم بنام مسجد سرنیم آورد شهرت دارد .

مسجد وحمام و بازارچه مولی محمد باقر شیخ الاسلام بهمین اسم در جنب منازل شیخ الاسلام در محله سینه پائینی واقع و بهمین نام مشهور است .

مسجد وحمام و بازارچه میرزا باقر در محله بیدآباد واقع و مسجد آن از حیث وسعت بزرگتر از آن دو مسجد می باشد و اخیرا نام حمام را عوض کرده و بنام

گلستان نامیده اند.

امام مسجد میرزا باقر در زمان حیات آنا محمد بیدآبادی با مشارالیه بوده و پس از فوت ایشان ظاهراً (احتمالا) یکی از دو فرزند پسر ایشان : حاج محمد صادق و آقا شیخ حسن در آنحا امامت مینموده اند .

فائده : در محله جویباره اصفهان نیز مسجدی بنام مسجد میرزا باقر وجود دارد و همچنین در محله چهار سوق شیراز بها مسجد علامه فقیه آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی مؤلف کتاب روضات الجنات موجود است .

پیشنهاد امام جمعی

در قصص العلماء (ص ۱۴۳) می نویسد :

موقعی که فتح علیشاه در طهران مسجدشاه را بنا کرد نامهای به مرحوم میرزای نمی نوشت و از ایشان در خواست کرد که عالمی را که شایسته باشد معرفی کنند که امامت مسجد مزبور رانموده و خود شاه نیز گامی بجماعتش حاضر شود . مرحوم میرزا در جواب نوشتند که :

آقا سید محمد باقر شفتی رشتی اکنون در اصفهان ساکن است و او قابل

است و من بهتر از او نشان ندادم ، شاه بحاکم اصفهان نامه ای نوشت که وسائل حرکت سیدرا بطهران فراهم نموده و ایشان را روانه انجا کند . حاکم از علماء شهر از حال آقا سید محمد باقر شفتی پرسید (چون در آن موقع هنوز مرحوم حجه الاسلام شهرت وعنوانی نداشتند) پس از معرفت بر احوال ایشان کسی بنزدش فرستاده و پیغام فرستاد که شاه در طهران شما را خواسته است و من در صدد تهیه وسائل حرکت شما می باشم آماده و مهیا باشید. مرحوم سید جواب رد داده وامتناع نمود و اصرار حاکم در این باره بجائی نرسید ، حاکم شخصا خدمت ایشان رسیده و اظهار داشت که اطاعت امر پاد شاه بر عموم افراد مملکت لازم است و کسیحی مخالفت ندارد ایشان فرمودند: من به اختیار خود نمیروم حاکم از زهد ایشان تعجب کرده و مایوسانه از خدمتشان بیرون رفت و مراتب را بعرض شاه رسانید و بعدا آقا میر محمد مهدی خاتون آبادی جهت این کار معین گردید . ابتدای تاریخ بنای مسجد سال ۱۲۲۴ می باشد.

اولین نهی از منکر و گرفتاری

در قصص العلماء (ص۱۴۴) در تحت عنوان : امر بمعروف و نهی از منکر داستان زیر را می نویسد :

در زمانیکه سید حجه الاسلام تازه باصفهان تشریف آورده بود و هنوز شهرت وعنوانی نداشت روزی از کوچه ای عبور میکرد، عده ای از اوباش و اشرار و لهو ولعب وساز و دف زدن مشغول بودند ، سید از آنجا که وظیفه شرعی در نهی از منکر بأوحکم میکرد و آنان را ابتداء نصیحت نموده کار به تغیر کشید و قصد زدن آنان را کرد تا شاید متفرق شوند . اشرار سیدراگرنته وحبس کردند خبر بطلاب مدرسه ای که وی در آنجا ساکن بود رسیده و آنان جریان را به امام جمعه گزارش

نمودند . مرحوم امام جمعه کسی فرستاد و آن سید بزرگوار را از زندان آنان نجات داد .

نویسنده گوید : امام جمعه اصفهان در این موقع مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء خاتون آبادی متولد در سال ۱۱۵۸ و متونی شب دو شنبه

۶ماه صفر ۱۲۴۲ در اصفهان می باشد وی از رؤساء علماء وفقهاء این شهروصاحب تالیفات چندی است (ص ۹۵۹ سوم مکارم الأثار).

اولین قتل : معروف آنست که در اوایل ورود مرحوم سید حجه الاسلام که بسیاری از مردم این شهر حتی خواص و اهل علم ایشان را نمی شناختند ر□ی بمقامات علمی وی نبرده بودند، روزی جهت خریدن نان بدکان خبازی میروند ، یکی از کارگران دکان مزبور با رفیق خود صحبت میداشته و در ضمن گفتگو اقرار به انجام معصینی می کنند که طبق موازین شرعی حکم آن قتل بوده است . مرحوم سید حجه الاسلام که در این موقع بنظر طلبه ای ساده میرسیده است و برا موعظه می کند و می فرماید : از تو که یک فرد مسلمان می باشی چنین عمل قبیحی هرگز صادر نشده است و شاید خواب دیده ای و اکنون خواب خود را نقل می کنی و آنهم جایز نیستد ، کار گر نامبرده با کمال بی اعتنائی می گوید : خبر آقا سید من در بیداری چنین و چنان کردم و در باره اقرار می نماید دیگر بار مرحوم حجه الاسلام می فرماید : تو که مسلمان و دیندار مسنی مسلماً چنین معصیتی مرتکب نشده ای و حالا ـ با رفیقت شوخی می کنی و جایز نیست اولا ـ چنین شوخیها ثانیاً در حضور مشتریان، و از این نوع فرمایشات وی با کمال گستاخی ریشرمی ضمن کلمه های اهانت آمیزیه مرحوم سید و شاید ... برای دفعه سوم در حضور جمعی از مشتریان اقرار به معصیت می کند. مرحوم سید حجه الاسلام بدون اظهار هیچ نوع عکس العملی از دهان خارج گردیده وفوراً به حجره مدرسه تشریف برده و شمشیر خودرا

برداشته وزیر عبا پنهان داشته به دکان دارد و ناگهان بر فرق کارگر معصیت کار می گوید که او بر زمین افتاده و هماندم می میرد.

ماجرا شروع میشود و کار به حاکم و مجتهد و امام جمعه میرسد و عنوان سید از همین وقت شروع می گردد .

گرفتاری مرحوم سید :

مسلم است که در این وقت مأمورین دولت و صاحبان دم مرحوم سیدرا مأخوذ داشته بنزد حاکم میبرند .

از ایشان علت قتل را می پرسند در جواب میفرماید : مجتهده بودم ودرحضورم سه بار اقرار کرد قتل در باره او واجب گردید و خود آنرا اجرا نمودم . مسئله صورت دیگری بخود گرفت اولا باید اجتهاد ایشان ثابت میشد تا بعداً به حکم قتل رسیدگی شود .

سؤال از آقا سید محمد . این پیش آمد مربوط به سالهائی است که علامه فقیه آقا سید محمد کربلائی که بعداً به مجاهد معروف گردید در اصفهان و مرجع امورات شرقی این شهر بوده است می باشد، در قصص العلماء (ص ۱۴۳) می نویسد :

از آقا سید محمد پرسیدند که آقاسید محمد باقر مجتهد است یا نه؟ آن جناب در جواب فرمود :

مقام آقا سید محمد باقر بالاتر از اینهاست، از اجتهاد او از من سؤال نکنید بلکه از ایشان بپرسید که سید محمد مجتهد است یانه .

همین جواب که مرحوم آقا سید محمد فرموده بود موجب رفع گرفتاری از سید حجه الاسلام شده و سبب شهرت و عنوان وی گردید . .

ص : ۱۱۵

فصل ششم: (موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

اشاره

(موجبات شـهرت) در موقعی که مرحوم سید حجه الاسلام وارد اصفهان شد عالمی فقیر و گمنام بود ، سرمایه او فقط علم ودانش و تقوا بود ، و کسانی که او را می شـناختند غیر از اساتیدش جمعی از علماء و بزرگان بودند که با ایشان در حوزه های علمی آشـنائی داشـتند و تعداد آنها زیاد نبود. از وسائل مادی هیـچ چیز در اختیار نداشت و بطوریکه نوشـته اند فقط یک سـفره ثان ویک جلد کتاب مدارک همراه داشت. اما در عوض دریائی از علم و دانش بود که آرام و ساکن بنظر میرسید و کمتر موجی کافی بود که اورا متلاطم سازد .

در این وقت اصـفهان مرکز علمـای بزرگ و دانشـمندانی بنام بود که هریک از آنها در آسـمان علم و دانش سـتاره ای درخشان و خورشـیدی فروزان و ماهی تابان بودنـد و کمتر کسـی می توانست باور کنند که طلبه ای گمنام دارد دارالعلم شـرق شود وتمام اقمار علم و دانش را تحت الشعاع خود قرار دهد.

اما مشـیت واراده خداوندی بر این قرار گرفته بود که پرچم پر افتخار زعامت و ریاست مسـلمین بدست قائدی توانا و بیشوانی دانا قرار گیرد که بتواند قدرت از دست رفته علمای اسـلام و بخصوص شـیعه را تجدید کند. این ظهور مشیت خداوندی احتیاج به اسباب ظاهری داشت همچنان که حضرت صادق علیه السلام میفرماید:

ص : ۱۱۶

أبی الله أن یجری الأشیاء الا بالأسباب (تا آخر حدیث نقل از مستدرک سفینه البحار ص۵۴ جلد دوم).

بنابراین

علل و موجبات ظاهری ترقی

و بیش رفت مرحوم سید حجه الاسلام را میتوان پس از اراده حضرت احدیت جل وعلا در این چند موضوع خلاصه کرد :

۱- شخصیت بارز وعلم وافروزهد کامل و قلب مطمئن وتصلب به امر دین وامر بمعروف و نهی از منکر که در این راه از هیچ چیز نمی هراسید و به کمال قدرت و شهامت در برابر منهبات از هر کس و بهر نوع سر میزد ایستادگی و دفع میفرمود .

۲- حالات و صفات نفسانی از جود و سخاوت وحلم وصبر و دیگر ملکات وخصائلی که در ایشان وجود داشت سبب گردید که مردم از هر طبقه و دسته بایشان متمایل گردیده و او را از جان و دل دوست میداشتند .

۳- ترویج و تقویت علماء و مجتهدین معروف زمان از ایشان از آن جمله :

۱- میرزای قمی بطوری که قبلا اشاره شد .

۲- آقا سید محمد مجاهد بطوریکه قبلا اشاره شد.

۳- حاج ملاـ علی نوری از اجلای حکماء متألهین و استاد جمعی کثیر از بزرگان اهل علم و دانش در عموم شهرهای ایران بخصوص در اصفهان .

۴- تقویت کردن حاجی کلباسی از ایشان وارجاع مراجعین و مقلدین خودرا آن بزرگوار . مرحوم حاجی کلباسی بسیار محتاط بود و در این باره حکایات زیادی از اعتباط ایشان نقل می کنند بدین جهت وجهات دیگر بسیاری از مراجعین خود را در مسائل مورد اختلاف در بین نقاه به ایشان احاله مینمود .

مؤلف قصص العلماء (ص) می نویسد : من خود از حاجی کلباسی شنیدم که در بالای منبر میفرمود :

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر حسب ظاهر زنده بودند و میخواستند کسی را جهت حکومت وقضاوت شرعی به اصفهان بفرستند آن کس سید حجه الاسلام بود ، ومسلم است که این سخن از گوینده ای همچون حاجی کلباسی که از هد واعبد واتقای علمای زمان و در علم و فضیلت و تقوی پیشوای همگان بود چه اثری در اجتماع خواهد داشت.

احترامی که داچی کلباسی و آخوند ملا علی نوری در اجتماعات نسبت به سید حجه الاسلام رعایت مینمودند و بخصوص حاجی که هیج موقع در راه رفتن از او جلو نمی افتاد و حال آنکه از نظر سن بر او مقدم بود گرچه سید حجه الاسلام نیز متقابلاـ نسبت بحاجی کلباسی و بخصوص آخوند ملاـ علی نوری احترام زیاد قائل بود ، حاجی دوش بدوش و پشت سر آخوند از نظر مقام استادی او راه میرفت ، این طرز رفتار اندر بزرگوار علاوه بر آنکه حقوق یکدیگر را اداء کرده بودند موجب عظمت و شهرت وعلو درجه و مرتبت آنان در نظر عموم مردم بود. رحمه الله علیهما وعلی جمیع علمائنا الماضین .

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص ۳۰۵ سوم) می نویسد:

یکی از موجبات پیشرفت کار سید حجه الاسلام شکستن آلت موسیقی که در دست شخصی بوده است می باشد که مرحوم حجه الاسلام آنرا گرفته و در ملاعام خورد می کند و علناً مشغول نهی از منکر میشود .

دید و بازدید

مؤلف قصعی العلماء (ص) می نویسد :

مرحوم سید حجه الإسلام بدیدن هیچ یک از حکام و بزرگان نمیرفت و آنها از وی دیدن میکردند اما هر وقت پادشاه به اصفهان می آمد بدیدار او میرفت .

نویسنده گوید : علت دیدن کردن مرحوم سید حجه الاسلام ازحکام و مأمورین دولتی آشکار است اما علت آنکه بدیدن بزرگان شهر نمیرفت ظاهراً بـدان سـبب بود که این ملاقاتها موجب تکاف وزحمت برای میزبانان بود و آن مرحوم راضـی نمیشد که از ناحیه او بأحدی زیانی برسـد علاوه بر آنکه اوقات مرحوم سـید صـرف مطالعه - تألیف - تدریس - قضاوت و رسیدگی بأمور مردم میشد و اگر میخواست کار دیگری مثلا دید و بازدید ضمیمه آن کند نه وقتی برای آن داشت و نه میخواست از برنامه کار خود تخلف نموده باشد.

دیدار از فتح علیشاه

در فصص العلماء (۱۴۴) شرح یکی از دیدارهای سید از فتح علیشاه بخلاصه می نویسد :

در سالی فتح علیشاه باصـفهان آمد و سـید را بدیدن او بردند (سـید در ابتداء خود حاضـر نبود بدیدن او برود) پس از معارفه شاه به سید اظهار کرد که از من چیزی بخواهیـد، مرحوم سـید حجه الاسـلام فرمودنـد که : احتیاجی نـدارم شاه امرار کرد فرمودند: اکنون که در این باره اصـرار دارید مرا اسـتدعاء آنست که دسـتور دهید نقاره خانه را موقوف کنند. شاه سکوت کرد پس از برخاستن مرحوم سید وخارج شدن از مجلس ، شاه به امین الدوله گفت عجب سیدی است از من میخواهد

که نقاره خانه که علامت سلطنت و پادشاهی است راموقوف کنم امین الدوله معذرت خواست .

دیدار او در سال بعد : سال بعد مجددا فتح علیشاه به اصفهان آمده و پس از دید و بازدید از مرحوم سید حجه الاسلام به امین الدوله گفت؛

ابن سید آن سید سال قبل نیست اکنون بسیار زبرک شده است .

ص : ۱۱۹

دیدار فتح علیشاه از سید حجه الاسلام

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۴۹) در ضمن وقایع سال ۱۲۴۰ و مسافرت فتح علیشاه به اصفهان به خلاصه و اندک تصرف می نویسد :

روزی شاه بملاقات سید حجه الاسلام رفت ، در ضمن این دیدار اظهار کرد که : شما خود حکم میدهید و هم خودتان اجرا می کنید پس من در مملکت چه کاره ام (رسم این بوده است که مجتهدین به امور مردم رسیدگی نموده و در دعاوی وحدود ودیات وقصاص وغیره حکم میداده و انجام احکام مربوطه به قصاص بعهده حکام و فرمانروایان بوده است، و علماء و مجتهدین خود اقدام نمیکرده اند) .

مرحوم سید حجه الاسلام در جواب فرمود :

اجرای احکام خداوند تبارک وتعالی را نمیتوان به این عناوین تأخیر انداخت که : حکم مجتهد به شما برسد و یا نرسد ، شما دستور اجرای آنرا بدهید و یا ندهید ، پس از آن مأمورین حکومتی این حکم را اجراء کنند و یا نکنند. در هر حال تأخیر در اجرای احکام به هیچ عنوان و دلیلی جایز نبوده و باید بلافاصله اجراء گردد. شاه با شنیدن این جواب ساکت شد و دیگر حرفی نزد.

نویسنده گوید : مسافرت شاه در این سال به اصفهان ظاهراً جهت سرکوبی الوار بوده و باطناً برای مخالفت با مرحوم سید حجه الاسلام که در قسمت اول موفقیت حاصل کرد اما به مقام شامخ ووالای مرحوم سید حجه الاسلام زیانی وارد نشده بلکه بر هیبت و عظمت او افزود .

مسافرتهای فتح علیشاه به اصفهان

فتح علیشاه. در زمان مرحوم سید حجه الاسلام چندین دفعه باصفهان مسافرت

نموده است باین شرح

۱- در سال ۱۲۱۶ یعنی سال ورود مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان جهت رفیع غائله حسین قلی خان .

۲- در سال ۱۲۲۵ در این سفر معادل یکصد هزار تومان بقایای مالیات اصفهان را بخشید .

۳- در سال ۱۲۴۵ جهت سرکوبی الوار لنبان . ۴ - در سال ۱۲۴۵ جهت رفتن به شیراز ونظم آن مامان .

۵- در سال ۱۲۹۷ جهت رفتن به شهر کرد و بختیاری باتفاق عباس میرزا نایب السلطنه .

۶ - در سال ۱۲۵۰ و مرگ او در دوشنبه ۱۶ جمادی الثانیه بمرض سکته در عمارت هفت دست

(لطیفه) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۴۹) در ضمن وقایع ۱۲۴۰ می نویسد:

هاشم خان لرلنبانی (لنبان از محلات اصـفهانست) والوار تابع او به پشتیبانی امین الدوله شوهر خواهر خود در اصفهان شرارت مینمودند و مردم را اذیت و آزار میرسانیدنـد و سـیدی بی گناه را کشـتند فتح علیشاه خود شـخصاً جهت سـرکوبی آنان باصـفهان رفت و هاشم خان را دسـتگیر نموده و محمد خان پسر امین الدوله را عزل نموده و الوار را گرفته سیاست مینمود .

الوار از ترمی سیاست لباس خود را به لباس روستائیان تبدیل نموده و خود را دهانی معرفی میکردند هر یک از آنها را که می گرفتند در ضمن محاکمه به آنها می گفتند که بگویند :

خر - خور - خرما (خاء منقوطه) آنها می گفتند حر - حور - حرما . از این

تلفظ معلوم میشـد که تراست وروسـتائی نیست زیرا که الوار عموماً خاء منقوطه را داء مهمله تلفظ می کنند و مثلا خالو بمعنی دائی را هالو می گویند . فائده : لرهای ساکن اصفهان عموماً در سه محله سکونت دارند :

۱- در محله بیدآباد معروفند به شـیرانی . ۲- در محله لنبان اینان نیز به شـیرانی شهرت دارند . ۳- در محله مسـجد حکیم و در کوشک و اینان عموما به استکی شهرت دارند.

نکته قـاریخی) : یکی از وقایع سال ۱۲۴۰ قمری در مسافرت فتـح علیشاه به اصـفهان عزل مرحوم عبـدالله خان امین الدوله از حکومت اصـفهان است پس از برکناری او حکومت اصـفهان را به سلطان محمد میرزا ملقب به سیف الدوله سی و هشتمین پسر خود از تاج الدوله (طاوس خانم اصفهانی) که بچه ای سیزده ساله بوده و اگزار نموده و یوسف خان گرجی سپهدار را بوزارت او تعیین نمود .

حکومت تمام شهرهای ایران با پسران شاه بود و افرادی همچون یوسف گرجی وزارت آنان را داشتند .

(بیان حاجی شیروانی) : حاج زین العابدین شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۳۴ چاپ اصفهان) در ضمن برشمردن معاصی کبیره که یکی از آنها ظلم است گوید :

فقیر معروض میدارد که در اکثر معموره عالم گردیده و بخدمت بسـیاری ،لوک ترک وتاجیک وسلاطین دور و نزدیک رسیده در هیچ دیاری عشری از اعشار ظالم ایران ندیده بلکه بنیاد حکومت ایران بر ظلم است (انتهی).

نویسـنده گویـد: چرا چنین نباشـد حکام ولایات پسـرانشاه و وزرای ایشان مردمی ظالم و خودخواه هرچه می توانسـتند از ظلم و بیداد نسبت به افراد رعیت انجام

ص : ۱۲۲

میدادند و راه نجاتی هم برای آنان نبود .

سیف الدوله از ۱۲۴۰ تا ۱۲۵۰ حاکم اصفهان بود و در زمان سلطنت محمد شاه از کار برکنار شد. در سال ۱۲۴۶ دایه او موسوم به مریم در اصفهان مرد او وبرادر تخت فولاد دفن نمود. و مرحوم آقا شیخ محمد تقی رازی علامه فقیه زاهد بر حسب وصیت او برایش بقعه ای بنانمود و تکیهای ساخت که بنام تکیه مادر شاهزاده معروف و بعدا خود مرحوم آقا شیخ محمد تقی و مولی محمد صالح جویبارهای و آقا میرزا زین العابدین خونساری را در آن بقعه مدفون ساختند.

در سالهای اخیر عده ای از علمای اصفهان از خاندان مرحوم آقاشیخ محمد تقی را نیز در داخل و خارج بقعه نامبرده دفن نمودند . تکیه را گاهی بنام تکیه آقاشیخ محمد تقی نیز می خوانند. تاریخ فوت مادر شاهزاده را محمد اسماعیل ضیاء شاعر اصفهانی ضمن قطعه ای گویند:

ضیاءازبهر تاریخش رقم زد به حوران همنشینی کرده مریم

تخت طاووس در قصر گلستان تهران بنام طاووسی خانم اصفهانی عبال فتح علیشاه بابن اسم شهرت یافته است.

برخی از موجبات اختلاف شاه با سید حجه الاسلام

۱- بطوری که قبلاً گفته شدشاه از اینکه مرحوم حجه الاسلام بدون اعتناء بدستگاه حکومتی وحکام اصفهان خود به شخصه احکام شرعی را درباره مقصرین ومجرمین اجراء می کرد ناراضی بود و آنرابرای دستگاه سلطنت وهنی تصور میکرد و میکرد در مکرر این عدم رضایت خود را به وزراء و علماء و حتی به خود سیدحجه الاسلام اظهار داشته بود و مایل بود که ایشان احکام را بدست مامورین دولتی اجرا کنند.

۲- عمال دولتی و حکام شهرهای ایران که عموما اولاد و اعقاب ووابستگان

نزدیک شاه بودنـد نسـبت بمردم ظلم و آزار بی انـدازه میکردند و تنها پناهگاه آنها علماء و مجتهدین بودند شاه و وابسـتگانش این تکیه آنکه مردم را نمی پسـندیدند و مایـل بودنـد که در اعمـال خود آزاد بوده و کسـی از آنها جلوگیری نکنـد و علماء بزرگوار و بالاخص مرحوم سـید حجه الاسلام بر حسب وظیفه شرعی در برابر ستمگری های اینان ایستادگی میکردند و شاه از این بابت راضی نبود .

۳- قـدرت و نفود کلمه و محبوبیت مرحوم سـید حجه الاسـلام و مقبولیت عـامه و ثروت او مورد دلخواه فتـح علیشاه نبود. او عالمی فقیر را می پسـندید که بعلت فقر مادی از شاه ودر باریان و حکام طرفـداری کنـد و یا حداقل در برابر آنهمه سـتمگر بها ساکت بماند و مرحوم سـید حجه الاسلام نه تنها خود ساکت نمی نشست بلکه علماء دیگر شهرها را نیز تقویت مینمود.

۴ – هاشم خان لنبانی سـر کرده اشـرار (بقول مورخین دوره قاجاریه) برادر زن عبـدالله خان امین الـدوله بودر امین الدوله از وابسـتگان و مردان مرحوم سـید حجه الاسـلام بود و مامورین دولتی و درباریان در طهران اینطور وانمود کرده بودند که هاشم خان به پشتگرمی مرحوم سید حجه الاسلام مرتکب این اعمال خلاف میشود .

سفر حج

مرحوم سید حجه الاسلام در سال ۱۲۳۱ یا ۳۲ بنا بنقل علامه صاحب روضات الجنات از راه دریا سفر حج رفت.

در باره این سـفر و آثار مترتبه بر آن مطالب بسیاری نقل شده است از آنجمله : ا- در کتاب تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۳۱) می نویسد :

و زیارت حج ایشان معروفست که در مزار شیعه در رکابش بحج مشرف شدند .

۲- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۱ متن) ضمن تاریخچه بنای مسجد حاج محمد جعفر آباده ای می نویسد :

از اصحاب خاص مرحوم سید بزرگ بود (سید بزرگ در مقابل سید کو چک از اولین مرحوم سید حجه الاسلام و از دوم حاج سید اسد الله مراد می باشد) و در سفرحج که علمای عامه خواسته بودند با سید مباحثه و احتجاج نمایند و مسائلی را انتخاب نموده که مشکل باشد حاجی آبادهای خود را بشکل آشپزی در آورده وقتی علماء بیان سؤال نموده بودند سید فرموده بود :

جعفر آشپز بیا این مسائل را جواب بگو (اشاره به اینکه مسائل شما آنقدر ساده و سطحی است که حتی آشپز من قادر بجوابگوئی از آنها میباشد) حاجی با زنجیر آویزان و کارد مطبخی که به کمر زده بود آمد و نشست و همه آن سؤالات را جواب گفت مطابق فتاوای ائمه خودشان . ۳- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (۹۷) درضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد : در حج بیت الله علمای مذاهب اربعه تمکین مقام بزرگش را نمودند و میخهائی که برای تعیین حدود طواف بزمین نصب فرمودرا پذیرفتند و شیعه را در رکن شافعی متعرض نشدند.

۴- و هم در این سفر فدک را که حق حضرت زهراء سلام الله علیها بود ودر طول تاریخ غصب شده بود گرفته و به سادات مدینه واگذار فرمود .

تذکر: در زمان برخی از خلفاء فدورا ظاهراًبه بنی فاطمه علیه اسلام برگردانیدند لکن ائمه اطهار علیهم السلام آنرا قبول نفرمودند از آن جمله در زمان :

۱- عمر بن عبدالعزیز بن مروان .

ص : ۱۲۵

۲- ابو العباس سفاع اولین خلیفه بنی عباس . ۳- مامون الرشید .

۵ - در این سفر پس از زیارت حرمین شریفین به اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام مشرف شد. تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد :

در ایران حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز جماعت میکرد یکی از طلاب که در دوره تحصیل با مرحوم سید معاصر و معاشر وهمدری بود بعد از نماز عشاء به خدمت ایشان آمده و خواهش کرد که شب به حجره او جهت تعشی بروند مرحوم سید با کمال گشاده روئی قبول فرمودند و بحجره او رفته و پس از صرف شام فرمودند اگر قبل از نماز دعوت میکردی چون موجب تکلف وزحمت جهت شما بود نمی پذیرفتم اما اکنون با کمال میل آمدم چون کاشف از بی قیدی ودرویشی

است.

چند پیش آمد تاریخی

را در بسیاری از وقایع مهمه قابل ذکر در زمان مرحوم سید حجه الاسلام در این دوره :

۱- در سال ۱۲۳۷ بروز مرض وبا در صفهان و یزد و شیراز و دادن تلفات بسیار .

۲- در سال ۱۲۳۹ وقوع زلزله سخت در اصفهان و شکست برداشتن ابوان جنوبی مسجد شاه . .

۳- در سال ۱۲۴۱ صدور حکم جهاد از طرف مرحوم آقا سید محمد مجاهد .

۴- در سال ۱۲۴۴ مجددا بروز و شیوع مرض وبا در شهرهای ایران بالاخص اصفهان .

۵- در سال ۱۲۴۷ بروز نحطی و گرانی در اصفهان و بیشتر از شهرهای ایران که در سال بعد شدت یافت.

۶- در سال ۱۲۵۰ قحط وغلای سخت در اصفهان .

شروع ساختمان مسجد سید

مرحوم سید حجه الاسلام از سال ۱۲۴۵ شروع ساختمان مسجد بزرگ وجامعی در محله بیدآباد نزدیک منازل خود نمود تا هنگام وفات بآن اشتغال داشته و مسجد ناتمام از دنیا رحلت نمود لکن اساس مسجد ساخته شده بود و تزیینات آن ناتمام مانده بود.

شرح و کیفیت بنای این مسجد عظیم که بیانگر علو همت و معه نظر وقدرن مادی و معنوی مرحوم سید حجه الاسلام می باشد بعدا نوشته میشود .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) شروع ساختمان مسجد را بسال ۱۹۴۰ مینویسد و قول اول از علامه صاحب روضات الجناتست .

رد تقاضای فتح علیشاه

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

روزی فتح علیشاه با سید حجه الاسلام بتماشای مسجد رفتند . شاه از سید استدعا کرد که او را در ساختمان مسجد شریک گرداند . مرحوم سید حجه الاسلام تقاضای او را رد نموده وقبول نفرمودند .

فتح علیشاه به سید اظهار داشت که شما ندرن براندام و انجام آنرا ندارید. مرحوم سید در جواب فرمودند : دست من در خزینه خلاق عالم است (اشاره به اینکه هر مبلغ مخارج ساختمان باشد خداوند عالم بلطف و کرم خود حواله

فرموده و مردمان خیر و نیکوکار بدون هیچگونه توقع کمک خواهند کرد).

پناهندگی مشیر الملک شیرازی به سید حجه الاسلام :

مرحوم انصاری در ضمن وقایع سال ۱۲۴۸ در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۳) می نویسد :

میرزا محمد علی مشیر الملک شیرازی نظر بدشمنی حاج میرزا علی اکبر قوام الملک و ایلخانی فارسی از وزارت عزل و به عتبات رفته و پاصفهان برگشته به حجه الاسلام سید پناهنده شد.

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص ۴۵۶ سوم) به خلاصه می نویسد : میرزا محمد علی بن میرزا ابراهیم حسینی شیرازی در سال ۱۱۷۷ متولد و در ۱۲۴۳ بوزارت فارس در حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما انتخاب شده و در ۱۲۴۸ معزول گردید.

سرانجام در سال ۱۲۶۲ یا ۱۲۶۴ وفات یافت .

برای آگهی بیشتر از جریان زندگانی مشبر الملک شبرازی طالبین بکتاب : شرح حال رجال ایران و فارسنامه ناصری ودیگر کتب مربوطه مراجعه فرمایند .

فصل هفتم: (ثروت و دارایی مرحوم حجه الاسلام)

اشاره

(ثروت و دارائی مرحوم سید حجه الاسلام) یکی از موضوعاتی که از زمان حیات مرحوم سید حجه الاسلام تاکنون مورد بحث موافقین و مخالفین قرار گرفته است مربوط به ثروت و مکنت ایشانست

هر یک از دو دسته در این مورد مطالبی اظهار داشته و آنرا بگونه ای تعبیر کرده اند . مطالب مورد بحث قرار زیر است :

۱- منبع این ثروت از چه راهی بوده است ؟ ۲- مقدار آن چقدر بوده ؟ ۳- در چه راهی بکار میرفته است ؟ ایک بطور اختصار پشرح موارد بالا میپردازیم .

ثروتمندان از علما شیعه

(مقدمه) : در بین علماء بزرگوار شیعه چند تن به ثروتمندی و قدرت مالی مشهورند از آنجمله است :

سید مرتضی علم الهدی: ابوالقاسم علی بن ابو احمد حسین بن موسی بن محمد بن موسی بن ابراهیم بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام

درباره ثروت او مطالب زیادی نقل شده از آنجمله :

- کتابخانه أو دارای ۱۴۰ هزار جلد کتاب بوده .

۲- قیمت کتابخانه او را سی هزار دینار نوشته اند . (غیر از کتب نفیسه ونادره)

۳- کتابهای او را مفتصد شتر باید حمل میکردند . ۴- هشتاد هزار کتاب تالیفات ومحفوظاتش بوده است .

۵-و به عوائد املاکش سالیانه ۲۶ هزار دینار بوده . (دینار طلای هزار سال قبل)

۶- در سفر حج از بغداد تا مکه همه جا در ملک خود منزل کرده است . ۷- املاک او هشتاد تریه بوده .

در باره ثروت و دارائی اور مطالب بیشتری در کتب تراجم رجال نقل شده طالبین به آنجا مراجعه کنند. وی در رجب ۳۵۵ متولد و در یک شنبه ۲۵ ربیع الاول ۴۳۶ وفات یافته ، در خانه خود در بغداد و یا در کاظمین دفن شده سپس جنازه بکر بلا منتقل و در جوار قبر شریف حضرت سیدالشهداء علیه السلام مدفون گردید.

(تذکر) : خوانندگان محترم باید متوجه باشند که علماء اسلام و فقهاء بزرگوار شیعه هرگز کاری بر خلاف موازین شریعت مطهر انجام نداده و آنچه عمل کرده اند مطابق احکام دین وسنت حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم وأئمه طاهرین علیهم السلام بوده است. البته نمی گوئیم معصوم بوده اند لکن کار خلاف شریعت نیز انجام نداده اند.

اما اینکه این ثروتها از کجا بدست آمده است مطلبی است که پس از گذشت قرنها از زمان آن بزرگواران راه تحقیق آن بر ما بسته است . همه نویسندگان صاحبان آنها را بصفت عدالت ستوده اند بنابر این کاوش و تحقیق در باره منبع ثروت آنان لزوم ندارد .

ص : ۱۳۰

یکی دیگر از علماء بزرگوار شیعه که بداشتن ثروت زیاد معروف گردیده است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد .

نویسندگان کتب در باره ثروت ودارانی مرحوم سید حجه الاسلام داستانها و گزافه گوئیها کرده و هر یک بر حسب نوع فکر و اندیشه خود آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر نموده است .

افسانه ثروت

مرحوم تنکابنی اول کسی است که در باره ثروت و مکنت مالی مرحوم سید حجه الاسلام در قصص العلماء (ص ۱۴۱) سخن گفته است . مشار الیه در باره این موضوع بخلاصه می نویسد :

دولت آن بزرگوار از احصاء گویا گذشته است. او درباره این موضوع می نویسد :

۱- خانه اش مشتمل بود بر دور وبیوت بسیار . (منزل آنا محمد بیدآبادی)

۲- هفت پسر داشت هر یک اندرونی و بیرونی علیحده و مخارج ایشان جدا بود .

۳- فرزند اکبرش آقا میرزا زین العابدین در اصطبل خود هفده اسب بسته داشت.

۴ - شتر خانه و قاطر خانه داشت.

۵ - عیال حجه الاسلام قطع نظر از پسران وعیال ایشان میبد نفر بودند از غلامان و کنیزان وزنان .

۶- قراء وضیاع وعقار بی اندازه داشته ۷- در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشته.

۸- زیاده از دو هزار باب دکاکین داشت.

۹- یکی از قرای آن در اصفهان کروند بود که نهصد خروار برنج مقرری آنجا بود غیر از گندم و جو و سایر حبوبات .

۱۰ - یک باب آسیا در نجف آباد داشت که اجاره آن روزانه یک تومان بود . ۱۱ - املاکی در بروجرد داشت که در آمد سالیانه اش شش هزار تومان

۱۲ - املاکی در یزد داشت که در آمد سالیانه آنها دو هزار تومان بود . ۱۳ - دهانی در شیراز داشت که در آمد آنها سالیانه چند هزار تومان بوده ۱۴ - سالی هفده هزار تومان مالیات میداد .

۱۵ - پس از وفات کتابخانه او را مرحوم حاج سید اسد الله در سهم خود برداشت و بقیه املاکرا دیگران (م ۱۴ فصص العلماء)

۱۶- کتابخانه اورا پنجاه هزار تومان قیمت کردند (ص ۱۴۲ قصص)

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در اول بیان خود اظهار نظر کرده که ثروت ایشان از حد گذشته است و سپس خود آنرا احمداه نمود و مقدار آنرا معین کرد . حتی میزان مالیات آنرا نیز ذکر نمود .

آیا صورت ریز دارائی واملاک مرحوم سید حجه الاسلام و میزان در آمد آنها را چه کسی به مرحوم تنکابنی داده است. این عالم بزرگوار که مطابق آنچه همه مؤلفین کتب تراجم رجال درباره او نوشته اند فقیهی ساده لوح و زودباور بوده و هر چه را از هرکس می شنیده باور کرده و احتمال دروغ در باره آن نداده و آنرا عیناً در نوشته های خود متذکر میشده است. کتاب قصص العلماء از این نوع مطالب زیاد دارد

سید محمد علی جمال زاده کتاب قصه قصه ها را از کتاب قصص العلماء اقتباس

ص : ۱۳۲

نموده است.

واما آنچه راجع به خانه سید حجه الاسلام گفته ، تمام خانه های بزرگان راعیان و علماء و بازرگانان اصفهان و اغلب شهرهای ایران تا قبل از سالهای اخیر مشتمل بر بیرونی و اندرونی بود . بیرونی جهت دید و بازدیدها و مراجعین و اندرونی برای زن و فرزند صاحب خانه که در آنجا به آسودگی دور از چشم و نظر بیگانگان و نامحرمان بکارهای خود مشغول باشند.

مرحوم سید حجه الاسلام در موقع وفات دارای هفت فرزند پسر بوده که بعضی از آنها کوچك بوده وزن و فرزند نداشتند که احتیاج به خانه جدا گانه داشته باشند مانند مرحوم حاج سید جعفر متوفی در عاشورای سال ۱۳۲۰ قمری.

می نویسد در شهر اصفهان گویا چهار صد کاروانسرا داشت .

مرحوم حاج میر سید علی جناب اصفهانی (۱۲۸۷ - ۱۳۴۹) در کتاب : الأصفهان (ص ۵۶ وهفت مقدمه) در سال ۱۳۴۳ یعنی تقریبا هشتاد سال پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام جمعه در اصفهان ۱۷۲ کاروانسرا و تیمچه ذکر می کند معلوم نیست که ۲۲۷ کاروانسرای دیگر که مرحوم سید داشته کجا بوده و چه نام داشته و در این مدت هشتاد سال چه بر سر آنها آمده است. آیا غیر از این چهار صد کاروانسرا که او می نویسد باز هم در اصفهان کاروانسرائی وجود داشته است یا خیر .

همین حالت را دارد در هزار باب دکان که می نویسد مالك آنها مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

بر اساس تر از همه آنکه می نویسد : یکی از قرای ملکی ایشان کروند است .

مرحوم جناب در الأصفهان (ص ۱۶۱) و مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۸۰) در باره کرون بخلاصه می نویسنده : کرون از دو قسمت تشکیل یافته :

- کرون ۲- دهق.

بلوک کرون در مغرب اصفهان واقع است، ابتدای آن مفت فرسخ و انتهای آن ۲۴ یا ۲۲ فرسخ تا شهر فاصله دارد دارای حدود چهل و اندی قریه و مزرعه می باشد.

قراء معروف و معتبر آن عبارتند از : تبران (طهران) - اسفید واجان - بر پشت (ورپشت) - چاجا عسکران - کهریزجان - افجان - نسیم آباد- گنهران - احمد رضا.

قسمت دیگر کرون که به عربستان معروفست قراه مهم آن : دهن - علوی (علویجه) حسنی (به ضم اول) اشن (به فتح اول و دوم) - چاله سیاه وغیره .

اما در عرف محل قریه شیران را کرون می نامند و محصول عمده آنجا غلات است انگور و بادام آنجا معروفست و آب مزروعی بیشتر دهات از قنوات کم عمق و بی اعتبار است . سه چشمه در آنجا جاریست که آبش بمصرف زراعت میرسد.

برنج در بلوک کرون کشت نمیشود تا آنکه سهم مالکانه آن نهصد خروار باشد و این بیان از مؤلف قصص العلماء گزافه ای بیش نیست.

ظاهراً مرحوم سید حجه الاسلام از تمام بلوک کرون مالک مزرعه تندران (یا قسمتی از آن بوده) که گاهی از ایام در تابستان جهت هواخوری و استراحت بدانجا مسافرت مینموده و مرحوم تنکابنی تصور کرده است که بلوک کرون یعنی قریه بامزرعه تندران .

داستانی شنیدنی

یکی از علماء سماکن دمات اصفهان در زمان ریاست وزعامت وقدرت مرحوم

ص : ۱۳۴

حاج شیخ محمد تقی آقا نجفی مسجد شاهی (۱۲۶۲ - ۱۲۳۲) از طرف ایشان جهت رسیدگی به امور دینی مردم وفصل خصومات ودعاوی تعیین شده بود .

مردم قراء ودهات اطراف محل سکونت وی در کلیه کارها با مراجعه نموده و او با دقت تمام به کار آنها رسیدگی کرده و حکم شرعی صادر مینمود احکام را جهت تنفیذ واجراء بنزد مرحوم آقا نجفی آورده ایشان بدون تأمل امضاء می کردند .

وقتی مابین دو نفر از مالکین اختلاف شد و مبلغ ما به النزاع قریب یکصد هزار تومان بود عالم مزبور به اختلاف رسیدگی نموده و پس از بررسی های لازم در اسناد وشهود طرفین به نفع یکی از آنها حکمی نوشت. حکم را جهت امضاء بنزد آقا نجفی بردند مرحوم آقا نجفی پس از مطالعه با کمال آرامی و متانت حکم را زیر تشک قرارداد و فرمود (تابه بینم) و امضاء نکرد . خبر به عالم نامبرده رسید این عمل مرحوم آقای نجفی را توهین بخود و دلیل عدم توثیق دانسته فورا بشهر آمده و در مسجد شاه موقع درس شرفیاب شد و بدون رعایت آداب فریاد زد :

آقا مگر من مجتهد نیستم ؟ چرا شما مجتهد می باشید . مگر من عادل نیستم ؟ چرا، عدالت شما جای شبهه نیست. مگر مورد وثقون شما نیستم ؟ چرا.

با این وصف مگر من قابل حکومت کردن بین مردم نیستم؟ البته شما شایستگی دارید و بدون آنکه از داد و فریاد او ناراحت شده باشد با کمال آرامی و خوشروئی فرمود:

بی شما تا حدود بیست هزار تومان را میدانید چقدر است و در حکمی در باره آن بدهید صحیح و قابل اجرا می باشد اما شما هرگز صد هزار تومان را نمیدانید چرن تاکنون چنین پولی ندیده اید و فقط عدد آنرا شنیده اید و بنابر این هرحکمی

که بدهید قابل تأمل و دقت است چون ممکن است در صدور حکم تعجیل و یاغفلت شده باشد .

مرحوم تنکابنی با ساگی میزان ثروت مرحوم سید حجه الاسلام را نوشته است.

اما آنچه مسلم ویقینی است آنکه مرحوم سید حجه الاسلام دارای ثروتی سرشار بوده و پولهای زیادی بعناوین مختلفه نزد او جمع میشده و ایشان آنها را طبق موازین شرعی به مستحقین آن می پرداخته است.

منبع ثروت مرحوم سید حجه الاسلام

درباره منبع ثروت و دارائی مرحوم سید حجه الاسلام روایات و افسانه های زیادی گفته شده است از آنجمله :

۱- بنا بفرموده خود سید دست او در خزانه غیب خداوندی بوده است بعضی از افراد مفهوم این جمله کوتاه و پر معنی را درک نکرده اند که مقصود از بیان آن چیزی غیر از خواست خداوند و اراده حق تعالی عز شانه نبوده که در شش آبه از آیات قرآن کریم می فرماید « یبسط الرزق لمن یشاء ویقدر» و در سه آیه دیگر میفرماید و « پسط الرزق لمن یشاء من عباده ویقدر» وجمعاً در ته آیه گشاده روزی بودن و تنگ بودن روزی را خداوند بخود نسبت میدهد.

۲- ایشان علم قرطاس داشته یعنی کاغذ را می پیچیده و با انجام دادن اعمالی کاغذ تبدیل به ورقه طلا میشده که این خرافه ای بیش نیست .

۳- دارای علم کیمیا بوده که بوسیله آن مس را به طلا تبدیل می نموده و این نیز افسانه ای بیش نیست.

۴- در یکی از خانه های خود که قبلا متعلق به علامه جلیل حکیم بزرگوار

آقا محمد بیدآبادی بوده گنجی یافته است. ظاهراً این نیز توهمی وخیالی بیشتر نباشد .

و یکی از خوانین شفت مالی گزاف بنزد مرحوم سیدحجه الاسلام فرستاده و گفت قسمتی از آن متعلق به خود آن مرحوم باشد و بقیه را بمعامله داده نمود آن نیز متعلق به خود سید حجه الاسلام بوده و پس از فوت خان مزبور آن مبلغ در مصارف خبر به بکار برده شود . (آنچه یقینی است مقدمه ثروت مرحوم سید حجه الاسلام از همین جا شروع میشود).

۶- مرحوم سید حجه الاسلام از پولیکه از شفت رسیده بود و سهمیه خود آن جناب بود مزرعه ای خرید و زراعت کرد و در آمد زراعت را بهره ای صرف زندگی خود نموده و با ما زاد آن املاک دیگری خرید

۷- با پولی که قرار بود تجارت نماید آنرا بکار کسب و تجارت زده(مضاربه) و از این راه سودی سرشار بدست آورد و آنچه مربوط بخود ایشان بود بمصرف شخصی میرسانیدند.

۸- چون مرجعیت نامه یافت از اطراف وجوانب وشهرهای ایران و خارج از کشور مانند هند وافغانستان وجوهات شرعیه از خمس و زکوه وصدقات وسهم مبارک امام علیه السلام بنزد ایشان میآوردند و مرحوم سید آنرا طبق موازین شرعیه مصرف مینمود .

۹- چندین سال متوالی در ایران مرض وبا شیوع داشت و تلفات زیادی داد بطوری که در شهر رشت تنها در سال ۱۲۴۷ فریبا هفتاد هزار نفر مردند وعده زیادی از آنها وارثی نداشتند و ما ترک آنها طبق احکام اسلام به امام علیه السلام و در زمان غیبت آن حضرت به نواب عام آن حضرت میر سید . این اموال نزد سید حجه الاسلام جمع شده و ایشان آنهارا بمصارف شرعیه میرسانید .

۱۰- از طرف تجار ومالکین واعیان تحف وهدایائی خدمتشان تقدیم میشد. اینک به چهار داستان زیر توجه کنید : ۱- تنکابنی در فصم العلماء (ص ۱۴۲) می نویسد :

وقتی فتح علیشاه در اصفهان و در عمارت هشت دست منزل داشت دوربین انداخته از دور می بیند که فیلی را بار کرده اند می آورند ، به اطرافیان می گوید که فیلی با بار برای ما می آورند . پس از مدتی مشاهده می کنند که آنرا از روی پسل زاینده رود گذرانده بسمت شهر میبرند ، شاه میپرسد که این فیل از کیست و بارش چیست؟ در جواب می گویند فیل از تجار هندوستان است و بار آن وجوهات شرعیه است که نزد سید حجه الاسلام میبرند .

فتح علیشاه قلباً ناراضی میشود لکن بصورت ظاهر چیزی اظهار نمی کند . چون فیل و بار آنرا نزد مرحوم سید حجه الاسلام میبرند و داستان را نقل می کنند آن بزرگوار وجوهات را تصرف کرده و فیل را برای شاه می فرستد .

۲- حاجی شیروانی در بستان السیاحه (ص ۲۰۸) می نویسد :

فریب دوازده سال میشود (در سال ۱۲۴۷ نوشته است که در تمامت ایران من جمله ارض گیلان لشکر وبا و طاعون آمده گروه انبوه وقوم باشکوه در عرصه عدم گوشه گرفتند چنانکه در همین سال (یعنی سال ۱۲۴۷) از ریفه رشت که یکی از شهرهای گیلانست شصت هزار و بروایتی هفتاد هزار کس بعلت طاعون بعالم آخرت رفتند دیگر بلاد آنجارا از این قرار حساب کنید .

۳- در فصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

درسال طاعون در شهر رشت اموال بلا وارث ومالك بسپار جمع کرده بودند. فتح علیشاه بدیدن سید رفت و گفت :

پادشاه صاحب عیال و بسیار فقیر شده است شما از آن اموال که در رشت جمع

شده بمابرات کرده باشید. مرحوم سید حجه الاسلام بیست هزار تومان بشاه برات کرد که در رشت از آن اموال باو بدهند .

۴ - باز مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد :

در روز عید غدیر تجار اصفهان هر کسی بفراخور حال خود از صد تومان و دویست تومان و کمتر و بیشتر خدمت آنجناب میدادند که بفقراء بذل کند .

یک روز عید غدیر

مرحوم تنکابنی در دنباله گفتار بالا می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام در یک روز عید غدیر به مسجد رفته و بر منبر بر آمد و در اطراف او کیسه های وجوهات را گذارده بودند از طلا و نقره و مس . مرحوم سید حجه الاسلام حکم کرد که فقرا مقابل یکی از درهای مسجد جمع شده سپس یک یک آمده سهمیه خود را گرفته از در دیگر بیرون روند .

فقراء جمعیت کرده و هر کدام می آمدند مرحوم سید یک مشت از طلا و نقره بآنها میداد تاچه مبلغ باشد (یعنی نمیشمرد و میداد) در مدت یک ساعت تمام وجوهات را بفقراء داده بود حساب کردند مبلغ آن هیجده هزار تومان بود .

سخاوت سید

اکنون که خوانندگان محترم از میزان تقریبی ثروت مرحوم سید حجه الاسلام ومنبع آن اجمالا آگهی یافتند لازم است بدانند که سید حجه الاسلام این اموال خداداد را در چه راهی و چگونه مصرف می کرده است.

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات) در باره

این موضوع می نویسد :

حجه الاسلام در جود و بخشش بوایه ای بود که میتوان گفت همه موجودات در گرو احسان او بوده و او از علم و مال و مقام نسبت به هیچیک از نیازمندان دریغ نمیداشت

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۷) می نویسد :

سخاوت مرحوم سید حجه الاسلام بیشتر از توصیف واصفین است چه خود آن وجود مبارک بر اسم برمکیان و حاتم عربان خط محو کشید .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۹۶) می نویسد : فتوتش نام اسخیای جهان را بر طاق نسیان نهاد . ایک چند نمونه از سخاوت وفتوت آن بزرگوار :

۱- مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص ۹۷) می نویسد :

غالباً در تألیف قلوب سنیان عطایای گزاف دادی ، وقتی به شیخی کردستانی دو هزار تومان بخشید.

۲- در عموم کتب تراجم رجال در باره اعانت و رسیدگی او بحال علماء وطلاب مطالب زیادی نقل شده که بعداً بمناسپت ذکری از برخی از آنها میشود.

۳- هر ساله برای فقرای مدینه وجوهی میفرستاد .

۴ - غیر از فقراء که بحال آنان رسیدگی مینمود و علماء را که زندگانیشانرا اداره میکرد به تجار و کسبه و حتی اعیان و بزرگان شهر نیز اعانت و کمک مینمود چه بعنوان فرض و چه باسم بخشیدن .

۵- در قصص العلماء (ص ۱۴۷) از قول عالم جلیل مولی علی اکبر خونساری نقل می کند که: روزی در کتابخانه مرحرم حجه الاسلام وارد شدم دیدم انقدر پول طلا و نقره از بابت سهم مبارک امام علیه السلام ریخته اند که ایشان که

در آن طرف نشسته بود به سختی دیده میشد و آن وجره در بین من و ایشان حایل بود.

مرحوم سید حجه الاسلام برای من دستور قلیان داد گماشتگان سید قلیان را آورده و من مشغول کشیدن شدم. قرار سادات را خبر کردند و آنها بحالت جمعیت آمدند . مرحوم سید حجه الاسلام بهر یک از آنها باندازه یک مشت پول طلا و نقره میداد . هنوز قلیان کشیدن من تمام نشده بود که آن پول تمام شده بود .

مولی علی اکبر خونساری می گوید : من در حال تعجب و خوشحالی اظهار داشتم که :

شمارا در اموال امام علیه السلام زیاد تجری و بیباکی است. سید در جواب فرمودند : بلی پسر در مال پدر بیشتر از این تصرفات می کند .

۶- مؤلف قصص العلماء در کتاب نامبرده (ص ۱۴۷) می نویسد :

فقیر مؤلف کتاب روزی از منزل خود بمدرسه میرزا حسین (که در جنب مسجد سید و در بازارچه بید آباد قرار دارد) میرفتم در اثناء راه بکوچه جنب خانه سید حجه الاسلام گذارم افتاد جمعیت زیادی از فقرا و سادات را دیدم که بسمت خانه سید میرفتند. بطوری که از کثرت مده آنان عبور از کوچه سخت شده بود . علت را پرسیدم جواب دارند که معادل هشتصد تومان سهم مبارک امام علیه السلام از بروجرد آورده اند نزد سید حجه الاسلام و ایشان دستور فرموده اند فقراء سادات را خبر کنند تا آن وجه را بین ایشان تقسیم کند . پس از حضور سادات بهریک از آنان معادن یک دکله با بیشتر قلمکار و مقداری پول داد . و تمام آن وجوه را در نیم ساعت تقسیم نمود.

۷- در بازار چه بید آباد دو باب دکان یکی نانوائی و دیگری قصابی داشت

برای قراء که گنـدم نـانوائی از خود ایشـان بود و همچنین گوشت دکان قصابی (یعنی نان و گوشت از خود مرحوم سـید حجه الاسـلام بود) و بفقراء حواله مینمود که هر کـدام روزانه مقـدار معینی معادل مایحتاج آنها از آن دکانها نانو گوشت مجانا دریافت دارنـد و ظاهرا عده موظفین حدود هزار نفر بودند یا بیشتر (قصص العلماء ص ۱۴۹)

۸- مؤلف قصص العلماء (ص ۱۴۹) گوید :

شخصـی نقل کرد که موقعی گرفتار فقر شده بودم و چند روز بود که غذائی بدست نیاورده بودم ، یکی از شبها در حین عبور از کوچه به سید حجه الاسـلام بر خورد کردم . چون بمن رسـیدند بدون آنکه من بایشان اظهاری کرده باشم مقداری سـکه طلابمن عنایت نموده و گذشت، و این خود یکی از کرامات آنجنایست که از حال آن شخص مطلع گردید بدون آنکه کسی بایشان خبر داده باشد .

یک نمونه از بخشندگی و رسیدگی بامور طلاب

۹-داستان زیر را نویسنده از یکی از علماء اصفهان راجع به مرحوم سید حجه الاسلام شنیدم:

در یکی از شـبهای سرد زمستان که برف به شدت میارید طلبه فقیری از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی از مدرسه بمنزل میرود بارسیدن بمنزل مشاهده می کند :

۱- سقف اطاق مسکونی او خراب شده و نیمی از آن فرو ریخته است . ۲- عیال او در حال وضع حمل است.

۳- هیچ نوع وسیله ای برای گرم کردن اطاق و برای خود وعیالش غذا وخوراک و برای بچه لباس ندارد .

۴ – دکاندارهای محله در اثر سرما و بارندگی عموما بسته اند و ضمنا در اثر نسیه گرفتن ودبر پرداخت کردن وجه آن باو نسیه نمیدهند .

مطالبه نامبرده در حال اضطراب و تشویش به استاد خود مراجعه نموده و شرح حال و گزارش کار خود را کلا جهت ایشان نقل می کند .

مرحوم حاجی کلباسی که در مصرف وجوهات شرعیه نهایت احتیاط را میفرموده طبق معمول جهت کمک بأن بیچاره استخاره می کند و اتفاقا بد می آید، باکمال ناراحتی میفرماید : وضع ترا میدانم واز گرفتاری آگاه شدم و بدین جهت خیلی ناراحت می باشم لکن استخاره جهت کمک مادی به تو در این وقت بد آند شاید حکمتی در آن باشد.طلبه مزبور با کمال یأس و ناامیدی به مرحوم سید حجه الاسلام مراجعه می کند وقتی به آن جناب میرسد که ایشان از مسجد عازم منزل بوده اند در بین راه وضع نابسامانی خود را برای ایشان نقل می کند، مرحوم سید حجه الاسلام حرفهای اورا گوش داده و چیزی نمیفرماید فقط بپرسد خانه تو کجاست اونشائی منزل خود را داده در این وقت پدرسرای مرحوم سید رسیده بودند باتفاق وارد شده و با هم به اطاق داخل می شوند، سید به او میفرماید شما این جا زیر کرسی نشسته باشید تا من بیایم . بیچاره زیر کرسی می نشیند در اثر خستگی از یک طرف و گرمی کرسی خوابش میبرد ، پس از اندک زمانی سراسیمه و وحشت زده از خواب بیدار میشود مشاهده می کند که سید در گوشه اطاق ایستاده و بحال خود مشغول است و با دیدن او میفرماید :

آسوده باشید راحت باشید عیالتان بسلامتی فارغ شد و اکنون در اطاق مجاور خوابیده است اگر میخواهید بروید و او را ببینید مطالبه نام برده نمیداند که : آنچه می بیند و از سید حجه الاسلام می شود به بیداری است یا بخواب . با استجازه از

سیـد به اطاق مجاور رفته و مشاهـده می کنـد : اطاقی آراسـته و گرم کرسـی و بخاری ومنقل پر از آتش وعیال اوبا کودک خود در زیر لحاف کرسـی استراحت نموده اند به اطاق اولیه برمیگردد لکن دیگر سید حجه الاسلام تشریف ندارند . سرما و شدت برف همه چیز را از یاداومیبرد. اکنون اطاق مرتب و شام مهیا و خـدمتگزاران آماده فرمانبرداری دیگر از خانه خراب وزنـدگی بی سـروسامان خود بادی نمی کند مدتی قریب بکماه کمتر یا بیشتر می گذرد و هیچ بفکر خانه خود نیست روزها به جلسه درس مرحوم سید حجه الاسلام رفته و بعداً بخانه می آید.

پس از گذشتن تقریبا یک ماه روزی سید حجه الاسلام در اطاق بدیدارش تشریف می آورند و در ضمن احوال پرسی میفرمایند :

آقا . خانه و اطاقان ساخته شده است. اگر خواسته باشید تا موقعی که من حیات دارم در این جامی مانید و اگر بخواهید بمنزل خود میروید بسته بنظر خودتان است . اگر خواستید بروید آنچه از مایحتاج زندگی در این اطاقست متعلق به شما می باشد . هر ماه حقوق خودرا از نمایندگان ما دریافت دارید ، اگر وقتی کاری داشتید و نیازی پیدا کردید مسـتقیماً به خود من مراجعه کنید ، طلبه نامبرده با کمال مسـرت وخوشحالی ضمن دعـا کردن به آن بزرگوار اثـاث البیت را جمع آوری نموده و خود و عیالات بمنزل قـدیم خود که مخروبه بود و اکنون تعمیرات کافی در آن شده است نقل مکان می کنند.

پس از مدتی یک روز به مرحوم حاجی کلباسـی برخورد می کند ، حاجی میفرمایند : من در آن شب برای تو خیلی ناراحت شدم اما اسـتخاره بد آمد، تودر آن شب چه کردی ؟

طلبه نامبرده جریان کار خودرا من البدو الی الختم برای حاجی تعریف کرد

ص : ۱۴۴

و گفت سید مرا از گرفتاری و فقرنجات داده مرحوم حاجی فرمودند: اکنون متوجه سر بدآمدن استخاره در آن شبه شدم زیرا اگر من بتو کمک می کردم مبلغ خیلی

جزئی بود که شاید مخارج همان شب را نیز کفایت نمی کرد اما سید حجه الإسلام بعون الله تبارک وتعالی ونظر اجداد کبارش را از گرفتاری و مصیبت وهم غم فقر نجات داد . ۱۰ – ملاـ قربانعلی قزوینی شاعر متخلص به بیدل مداح و مرثیه سرای معروف وقتی خدمت سید حجه الاسلام رسید و از گرفتاری و فقر خود شکایت نمود ، آن مرحوم نقدا مبلغ یکصد تومان به او پرداخت و یکصد تومان دیگر نیز به تاجری در بروجرد حواله کرد و به تاجری دیگری نیز یکصد تومان دیگر برات فرمود که جمعه مبلغ سیصد تومان به وی پرداخت نمود . (قصص العلماء ص ۱۴۷).

ایثار

از قول مرحوم سید حجه الاسلام نقل شده است که فرموده بودند :

در اواخر دوران فقر و ناداری روزی قلیل وجهی رسید بیازار رفته و خواستم غذائی جهت خود و خانواده ام تهیه کنم ، از قصاب جگر بندی بعلت ارزانی آن خریدم و بسمت منزل روانه شدم در بین راه خرابهای بنظرم آمد در آنجا نگاه کرده سگی ماده و چندین توله سگ دیدم که دور مادر جمع شده بودند ، ماده سگ ضعیف ودر پستان هایش شبر نبود و بچه های او چون در پستان مادرشان شیر نبود مرتب زوزه می کشیدند، من بر حالت آن سگ و بچه هایش رقت آوردم و آنها را بر خود وعیالم مقدم دانستم .

جگر بند را نزد آنها انداخته آن حیوانات بی چاره و گرسنه یک باره بر آن حمله آورده و بیک آن آنرا خوردند . من ایستاده و تماشا میکردم. پس از

آنکه از خوردن فارغ شدند ماده سگ سر بر آسمان بلند کرده گویا دعا میکرد .

مرحوم سید حجه الاسلام فرموده بودند که پس از آن روز در های روزی بر من گشاده شد و دولت و مکنت و ثروت روی بمن آورد و هر روز در تزاید بود (ص ۱۴۰ قصص العماء)

کتابخانه مرحوم سید

مرحوم سید حجه الاسلام عشق و علاقه زیادی به کتاب و جمع آوری نسخ آن داشت ولی همچون عموم دانشمندان علاوه بر آنکه خود کتاب را وسیله مطالعه و تالیف و تصنیف میدانست برای حفظ و نگهداری آثار علمی گذشتگان از دستبرد زمان نهایت سعی و کوشش را مبذول میداشت.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۲) در این موضوع بشرح زیر داستانی نقل می کند:

مرحوم سید حجه الاسلام تا آخر عمر کتاب می خرید ، در همان سالی که فوت شد در ایام ماه مبارک رمضان به مسجد او رفتم و کسبه از هر صنف ، درمسجد او بساط انداخته بودند (این رسم تا حدود پنجاه سال قبل نیز در آن مسجد بر قرار بود) کتابفروشی هم در آنجا آمده بساط گسترده بود، روزی برای دیدن وخریدن کتاب نزد او رفته در میان کتابهای او چند کتاب برداشتم که یکی حاشیه شیخ محمد پسر صاحب معالم بود بر تهذیب شیخ طوسی و بعضی از کتب ریاضیه چون به قیمت پرداختم گران قیمت میکرد ...

روز آخر ماه مبارک شد پس از اداء نماز به سراغ کتابفروش رفتم و همان کتابها را برداشتم در میان گفتگو سید حجه الاسلام به آنجا آمد و نشست و فهرست

کتابها را دید و همان کتابها را که منظور نظر من بود برداشت قیمت کردکتابفروش آنهارا پنج تومان قیمت کرد ، سید مبلغ پنج تومان داده کتابها را به ملازمان خود سپرد که به کتابخانه اش ببرند .

(بیان مرحوم سید حجه الاسلام درباره کتابهای خود). مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۳) می نویسد که :

گویند سید فرموده بود که همه کتب در نزد من هست. بعداً مرحوم تنکابنی گوید : بنظر من این سخن یاخطاست یا مراد از کتب در فن خاصی و یا نوعی بخصوصی باشد والاحیازت کتب مؤلفه اسلامیه در این جزء از زمان گویا از محالات عادیه می باشد .

نویسنده گوید : اگر نقل این بیان از مرحوم سید حجه الاسلام درست باشد ظاهراً گفته ایشان را بدینگونه باید تعبیر کرد که از هر فنی از کلیه فنون کتابی در

نزد من می باشد .

(قیمت کتابخانه مرحوم سید) : همچنین مرحوم تنگابنی می نویسد : در سالی که سید حجه الاسلام بمکه مشرف می شد قیمت کتابخانه اورا پنجاه هزار تومان معین کردند، سپس بطور مثال می نویسد : مثلا شرح لمعه متعدد داشته از کاغذ ترمه وجلد طلا ووزیری ونیم ، ورقی وبغلی وغیره .

(بیانی خارج از حقیقت): مرحوم تنگابنی در دنباله مطالب خود راجع به کتابخانه مرحوم سید می نویسد :

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام بعد از وضع قروض آنجناب ترکه ایشان را چون خواستند تقسیم کنند مرحوم حاج سید اسدالله کتابخانه را در سهم خود قبول کرد و املاک دیگررا سایر ورثه برداشتند .

نویسنده گوید : این سخن کلامی است بیرون از تحقیق و حقیقت زیراکه :

اولا سایر ورثه مرحوم سید نیز همگان از اهل علم و دانش و اجتهاد بودند وعلاقه دانشمند به کتاب پیوندی ناگسستنی است و نمیتواند از آن چشم پوشی کند.

ثانیاً از بقایای کتب مرحوم سید حجه الاسلام تا کنون در بین اعقاب واحفاد مرحوم سید حجه الاسلام موجود است با وجودی که در طول زمان بسیاری از آنها با دیگران فروخته شده و یا بنحوی از انحاء دیگر از تصرف آنان خارج گردیده است.

مالیات املاک مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی از شاگردان مرحوم حجه الاسلام بوده سالها در اصفهان میزیسته و آنچه مربوط به مرحوم سید حجه الاسلام است با خود برأی العین دیده ویا شنیده است . البته در مسموعات او چون عالمی ساده لوح وزود باور بوده باید با گفته های دیگران تلفیق شده و نتیجه مطلوب را از آن حاصل نمود.

وی در قصص العلماء (ص ۱۴۱) می نویسد:

فتح علیشاه به مرحوم سید حجه الاسلام گفت: ما از مالیات دهات شما صرف نظر می کنیم . سید فرمودند : این مبلغ را از مالیات اصفهان کسر می کنید یا خیر گفت مالیات اصفهان ثابت است و این مبلغ سرشکن دهات دیگر می شود . سید فرمودند این ظلم است من راضی نمیشوم که مالیات املاک مرا دیگران بپردازند ومن خود پرداخت می کنم .

وهم مرحوم تکابنی می نویسد : مالیات املاک اصفهان او سالی هفده هزار تومان بود .

مهدی بامداد که او را باید از مخالفین کلی علماء وبالأخص مجتهدین صاحب قدرت و نفود دانست. در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام (می) می نویسد :

ص : ۱۴۸

مالیاتی که در حدود یک صد و پنجاه سال قبل از بابت املاک خود در سال پس از ملاحظات مأمورین دولت از او سالی هفتاد هزار تومان به دولت مالیات بدار ویدر آبادیها و خانه ها و میزان تقدینه او را بچ کس جز او نمیداست .

نویسنده گوید : این نوشته ها به افسانه بیشتر شباهت دارد تا بحقیقت و آقای بامداد که این مطالب را می نویسد نمی گوید از کجا و چه کسی نقل می کند . اگر مأخذ اوقصص العلماء می باشد که از مالیات را هفده هزار تومان نوشته عدد هفتاد هزار تومان از کجا آمده

از این گذشته این آبادی ها و خانه ها و نقدینه ها که هیچ کس میزان آنرا نمیدانند پس از مرگ او چه نند و کجا رفت و چرا به فرزندان و نواده ونبیرگانش نرسید که برخی از آنهارا سراغ داشتیم که در فقر و ناداری وقناعت زندگانی میکردند .

اما آنچه مسلم است مرحوم سید حجه الاسلام عالمی ثروتمند (نسبت ببرخی دیگر از علماء نه نسبت به اعیان و حکام وفرمانروایان) بوده است و آنچه از طریق شرعی بدست می آورده خود نگاهداری و اندوخته نمیکرده و آنها را بفقراء و نیازمندان و مستحقین شرعی آن بخصوص علماء وطلاب وارحام فقیر خود بذل مینموده و آنچه برای او باقیمانده نام نیک وافسانه ثروت است .

مرگ فتح علیشاه به نفرین سید حجه الاسلام

در سال ۱۲۵۰ یعنی سالیکه فتح علیشاه به اصفهان آمده و در آن وفات یافت در دیداری که از مرحوم سید حجه الاسلام نمود اظهار داشت که :

شما بحمدالله ثروتمند هستید و شاه دارای عیال و فرزند زیاد است ودر آمد ار جهت مخارجش کفایت نمی کند لازم است که به او کمک مالی کنید و به این

بهانه میخواست مقداری از اموال و دارائی سیدرا از تصرف او خارج گرداند .

مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند :

رعایت حال افراد مملکت بر پادشاه واجب است و من نیز یکی از افراد این مملکت می باشم ضمناً فقراء و نیازمندان و برخی از خاندانهای شریف و اصیل که راهی جهت اعاشه ندارندرا باید سرپرستی کنم و همچنین امور طلاب علوم وعلماء و مجتهدین در اصفهان و دیگر ولایات را باید حقوق بپردازم و محلی برای کمک به شاه ندارم . فتح علیشاه در خواهش خود اصرار کرد و برای آن مبلغی معین وجهت پرداخت مهلتی مقرر داشت که مرحوم سید حجه الاسلام بپردازد.

در روز مقرر مامورینی جهت وصول بدر خانه سید گسیل داشت و آن وقتی بود که جناب سید مشغول وضو گرفتن برای رفتن به مسجد بودند، مأمور وصول پول را تقاضا کرد سید در همان حال دست بدعا برداشته و فرمود : خدایا فتحعلی را با من چکار است دفع شر او بفرمادران استانی

مامورین توقف کردند تا مرحوم سید از مسجد مراجعت نمود اینان تقاضای خودرا تکرار کردند . سید فرمود : فرستادم برو به اردو و ببین چه خبر است. مأمور مراجعت کرده چون بنزدیک اردو رسید شنید که میگویند : شاه مرد. یقین حاصل کرد که برترین سید در همان حال بهدف اصابت کرده است.

(علت مرگ فتح علیشاه). در سبب مرگ فتح علیشاه اختلاف است و در آن دو قول ذکر شده است؛

۱- شاه بمرض سکته مرده است. . ۲- مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (م ۲۵۴) می نویسد : اورا مسموم کرده اند .

ص : ۱۵۰

فتح علیشاه در شب ۱۸ شوال ۱۱۸۵ تولد یافته و در عصر روز پنج شنبه۱۹ جمادی الثانیه ، ۱۲۵۰ در عمارت مفت دست اصفهان مرد و جنازه او بقم منتقل گردید و دفن شد. آثار قبرش را چند سال اخیر از بین بردند .

برای اطلاع بیشتر از جریان زندگی این پادشاه طالبین به کتب تاریخ مراجعه کنند.

ص : ۱۵۱

فصل نهم: (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام)

اشاره

فصل نهم (کیفیت مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام) مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۸) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد :

فراست سید در قضا و حل خصومات

احکام ایشان در نهایت انقان بود و در حکم دادن بسیار دقت میفرمود ومرافعات را طول میداد و گاهی اتفاق می افتاد که یک مرا به مدت یک سال با کمتر و بیشتر بطول می انجامید وتا یقین به حقیقت موضوعی حاصل نمیکرد حکم صادر نمی فرمود .

آن جناب در امر قضا و مرافعات فراست عجیب داشت چنانکه فقهاء رضوان الله علیهم در کتاب قضاوت نوشته اند که : قاضی باید فراست در امر مرافعات داشته باشد. چند نمونه از مرافعات مرحوم سید حجه الاسلام : ۱- در قصص العلماء (ص ۱۳۸) بخلاصه می نویسد :

(الف) زنی خدمت آن مرحوم عرض کرد که کدخدای فلان محل ملک صغار مرا غصب کرده است، چون ویرا حاضر کردند وی منکر شده و احکام چندی از علماء وقضاه اصفهان را نشان داد که همگی حکم به حقانیت کدخدا نموده و دعوی آن زرا مردود شناخته بودند . مرحوم حجه الاسلام پس از ملاحظه احکام فوق

رو بزن نـامبرده نموده و فرمود : کدخـدا مرد درستی است و حرف بیجـا نمی زنـد وطبق این اسـناد ملک متعلق به اوست. زن شـروع به گریه و زاری و آه و ناله نمود و اظهار داشت که وی حقیقت را بر علماء مشتبه نموده و آنان حکم بظاهر فرموده اند .

مرحوم سید به کارهای دیگران پرداخت و ظاهراً از کار آن زن و کدخدامنصرف شده در بین مرافعات رو به کدخدا فرمود و پرسید :

آیا این ملک را خریده ای ؟ جواب داد : خیر مگر شرط مالکیت خریدن است.

سید فرمودند : نه ممکن است از راههای دیگری نیز انسان مالک شود .

پس از این سؤال و جواب به کار دیگری شروع فرموده و پس از مدتی رو به کدخدا نموده و فرمود:

آیا این ملک از راه ارث بتو رسیده است؟ جواب داد: خیر مگر شرط مالکیت میراث است، آن جناب فرمودند : خیر من نیز املاکی دارم که به ارث به من منتقل نشده است .

پس از مدت زمانی برای سومین بار از کدخدا سؤال فرمودند : آیا این ملک را کسـی بتو صلح کرده و یا بخشیده است و جواب داد : خبر هیچ یک از این حرفها نیست مگر در مالکیت اینگونه حرفها شرط است . خلاصه در ضمن چند پرسش کلیه علل و موجباتی که ممکن است ملکی در تصـرف کسـی شرعاً در آید را سؤال فرمودند و او همه آنها را منکر شد. مرحوم سید حجه الاسلام در دفعه آخر فرمودند: پی به چه دلیل و سبب تو مالک ابن ملک شدی؟ وی در جواب گفت سیب نمیخواهد (آسمان سوراخ شد و این ماک بگردن من افتاد) سید فرمودند پس چرا برای من و دیگران سوراخ نمی شود ، و فرمودند که

تو غاصبی وفوراً ملک صغار این زن را به آنها رد کن و به کدخدای ریه مجاور مرقوم فرمودند که آن ملک را از تصرف او خارج نموده و در اختیار آن زن قرار دهد.

(ب) مرافعه دیگر : همچنین مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۹) می نویسد :

شخصی در باب یکی از فرای اصفهان سندی درست کرد و هر چند تن از علماء قدیم را بلطائف الحبل از وراث آنها گرفته آن سند را بدانها مهر نمود همچون علامه مجلسی و محقق خونساری و مرحوم آقاجمال خونساری و غیره (ویا مهر و امضای آنان را نیز جعلی کرده بود و با این سند مجعول با صاحبان اصلی قریه که پدر مالک وصاحب ید بودند و نسلا بعد نسل بمیراث به آنها منتقل شده بود بمرافعه برخواست.

این مرافعه چندین ماه در خدمت سید حجه الاسلام بطول انجامید ، مرحوم سید حجه الاسلام به ساختگی بودن سند متوجه شدند که خط و کاغذ نو و تازه است و آنرا کوپیه کرده اند. روزی مرحوم سید حجه الاسلام چند تن از کشیشان ارامنه جلفای اصفهان را احضار نموده و کاغذ اسناد را بدانها نشان داده و فرمودند تاریخ آنرا که در گوشه کاغذ است و چاپ شده است بخوانید.

چون خواندند معلوم شد تاریخ ساختن کاغذ سالها پس از وفات علماء نامبرده می باشد و بدین ترتیب مجعول و ساختگی بودن سند مهین شد و آن مرحوم آنرا پاره کرده و حکم به نفع صاحبان واقعی آن قربه صادر فرمودند .

(ج) نمونه دیگر خواندنی و شنیدنی :

مردی را در حضور آن جناب در محکمه مرافعات حاضر کرده و مدعیان اظهار داشتند که نام این شخص (حسن) می باشد و ما مبلغ چهار صد تومان از روی

طلب داریم . چون از وی سؤال شد که درباره ادعای اینان چه جواب می گویی کالا :

اینها از آنها حسن طلبکارند (طبق ادعای خودشان) ومرا بنام آقا حسن گرفته و مطالبه پول خود را می کنند و حال آنکه من آقا حسن نیستم .

مرحوم سید دیگر چیزی به او نفرمود و به کارهای دیگر مشغول شد و جمعیت گرم گفتگو وقیل وقال شده سر و صدا همه مجلس را فرا گرفته ، در این بین بناگاه مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند : آقا حسن . همان شخصی که می گفت من آقا حسن نیستم نا آگاهانه گفت : بله آقا . مرحوم سید حجه الاسلام فرمودند فوراً برخیز و برو و چهار صد تومان بدهی خود را بپردازد وی ناچار اطاعت نموده و از محکمه مرافعات با مدعیان خود خارج گردید.

(د)

یک نمونه دیگر از مرافعات نزد سید

فرج بعد از شدت انجات پس از نومیدی .

مقدمه : در قرن سیزدهم هجری در قریه فرادبته از قرای چهار محال بختیاری از بلوک گندمان در طائفه زندگی میکردند یکی بنام : زمانیها و دیگری رفیعی ها که طایفه دوم از حیث تعداد نفرات بر دسته اول برتری داشته و همیشه بین این دو طایفه اختلاف و نزاع وجود داشته است.

کدخدای فرادبنه بنام کاظم آقا از رفیعی ها مردی متنفذ ومقتدر و ثروتمند بود . و بطوری که نقل می کنند در سالی که فتح علیشاه با عده زیادی از پسران و اطرافیان خود به اصفهان مسافرت می کند و جهت گردش و تفریح بصفحات قهوه رخ (قهفرخ) و چهار محال میرود اطرافیان خود را بدهات وقصبات اطراف تقسیم می کند که همه از این ظلم شاهانه بهره ای داشته باشند) سهمیه قربه فراد بنه شصت نفر میشود . به منزل کدخدا وارد می شوند و او از آنان بخوبی پذیرائی می کند و هنگام شب جهت خوابیدن آنان کدخدا شصت دست رختخواب ترمه

می گسترد . سایر لوازم زندگی و تجملات او را بر همین گونه می توان قیاس نمود (تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل).

عمارت منزل کدخدا دوطبقه بوده و روی سردرب عمارت اطاق مخصوص کدخدا قرار داشته که خود در آنجا می نشسته و مراجعین پای دیوار در کوچه ایستاده و عرایض خود را می گفته اند و او جواب میداده است.

در همین زمانها مرد شجاع ودلیر و بی باکی بنام ابوالقاسم فرزند کریم (ابوالقاسم کریم) زندگی مینموده که راه معیشت او علاوه بر زراعت شکار نیز بود و در تیر اندازی مهارت کافی داشته است و کمتر میشده که بر او خطا رود ، در زراعت نیز استعداد و پشت کار لازم را داشته بطوری که شجاعت و زراعت او زبان زد خاص و عام بوده و در تمام بلوک گندمان بلکه چهار محال شهرت و عنوانی داشته است بطوری که ایل قشقائی که در موقع ییلاق و قشلاق که از مجاورت دهات عبور میکردند بدون آنکه دستبردی به اغنام واحشام واموال مردم بزننده نمی رفتند در موقع عبور از کنار فرادبنه به احترام او و تاترس از او از دزدی وقتل وغارت در آن حدود صرفنظر میکردند .

(اکنون اصل داستان): نقل نمود فاضل محترم آقای آقا سید مصطفی حسینی فرادبنه ای از فول پدر خود عالم فاضل مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی ادیب شاعر متخلص به نوائی امام جماعت و واعظ قربه مزبور که وقتی ما بین دو نفر از مردم قریه یکی از طایفه زمانی و دیگری رفیعی اختلاف و نزاعی روی داد وعده ای از هر طایفه بحمایت و جانب داری هم قبیله خود جمع شدند و بدرخانه کدخدا رفتند، ابوالقاسم کریم نیز که از طایفه زمانیها بود بطرفداری هم قبیلهای خودجزوعده شروع بداد و فریاد وقیل وقال نموده و تظلم می کند . کدخدا باحال

غضب ویرا مخاطب ساخته و با کلمات تند و زننده و با پرخاش ویرا امر بسکوت می کند . نزاع بین کدخدا و ابوالقاسم شروع میشود و جمعیت بنای داد و فریاد می گذارند، در این بین کدخدارا تهدید به قتل می کنند او با کمال بی اعتنائی می گوید: اگر مرد هستی بزن وی نیزتیری رها کرده و کدخدا را هدف قرار داده که بلافاصله جسد او از بالاخانه بزیر می افتد . تیراندازی از طرفین شروع شده و پس از مدتی متفرق میشوند.

خانواده کدخدا در اصفهان به محضر سید حجه الاسلام حاضر شده و شکایت می کنند و ابوالقاسم را قاتل معرفی می نمایند . مأمورین مرحوم سید حجه الاسلام به فرادبنه رفته ابوالقاسم را گرفته بشهر می آورند در محاکمات اقرار به قتل نمی کند و می گوید : دعوای ده داری بود و او کشته شد و معلوم نشد که به تیرچه کسی کشته شده است و من قاتل نیستم .

چون اقرار به قتل نمی کند و ضمناً قتل غیرعمد تشخیص میشود اررا بازداشت کرده و روزها در بیرون جلسه درس و محکمه قضاوت و محاکمات نگه میداشتند، خود ابوالقاسم جهت مرحوم آقا سید علی اکبر حسینی نقل کرده بود که روزی مرحوم سید حجه الاسلام در بین محاکمه عده ای دیگر ناگهان صدا زدند : ابوالقاسم قاتل . من که حواسم همه جا بود بغیر از محاکمه خودم بی اختیار از جا بلند شده و فریاد کردم : بله آقا .

جرم ثابت شد و این جواب مرا اقرار بقتل محسوب داشتند (شاید قبل و بعد از این قضیه نیز صریحاً یا بطور غیر صریح اقرار کرده باشد و خود متوجه نبوده است اما قتل غیر عمد بوده است) امین الدوله مالک قریه فرادینه دیه مفتول را بعهده میگیرد و بورثه مقتول میپردازد و ابوالقاسم رهامیشود و آزادانه به موطن خود

بر میگردد .

وی گفته بود: نمیدانم این حالت را چگونه تعریف کنم ، قتل واقع شده و من قاتل هستم و به قتل نیز اقرار نموده ام و یقین دارم که سید حجه الاسلام مرا در برابر آن خواهد کشت اکنون خود را آزاد می بینم .

ص : ۱۷۱

فصل هشتم: (قضاوت و اجرای حدود شرعیه و فصل خصومات)

اشاره

(قضاوت و اجرای حدود شرعیه وفصل خصومات) (مقدمه) : آنچه از نظر عقل و منطق بدیهی و قبول آن از نظر اسلام ضروری است آنکه :

احکام خداوند تبارک وتعالی تعطیل بردار نیست و باید تماماً اجرا گردد. لکن ممکن است در برخی از زمانها بنا بعلل و مقتضیاتی وبا بعلل سیاسی و بمناسبت وجود موانع یکی یا چند تا از این احکام بطور موقت اجرا نشود بطور مثال :

۱- وجوب حج از ضروریات دین اسلام است اما اگرراه ناامن بود و یا مابین در دولت اسلامی اختلافی بود که در اثر آن ممکن باشد به حجاج وزائرین حرمین شریفین زیان مالی و باجانی برسد در این حالت برای مدت زمانی که این اختلاف برطرف نشده و احتمال موجود است مجتهد میتواند دستور بدهد که حاجیان جهت حفظ جان و مال خود بمکه مشرف نشوند .

مثالی دیگر : استعمال تنباکو و دخانیات بطور کلی مباح و از نظر شرعی بلا اشکال است امارتنی مجتهد مرجع تقلید مشاهده می کند که تنباکووسیله استعمار شده و دست خارجیان یعنی دولت استعمارگروصاحب قدرتی در میانست و میخواهد از این راه نفوذ خود را در اجتماع مسلمین زیاد نموده و نتیجه این نفوذ اسارت مردم مسلمان و گرفتاری آنان به چنگ ظالمین وغاصبین خارجی و عاقبت الامر

استعمار و استثمار مملکت است حکم به حرمت آن میدهد .

اجرای حدوداسلام نیز همین حالت رادارد وقتی دولت غاصب و جابر و ظالم و مقتدری بر مردم حکومت می کند که تمام اختیارات را از علماء اسلام و مجتهدین گرفته و مردمانی نااهل و نادان به احکام و غیر مؤمن را بر آنان مسلط گردانیده خواه وناخواه احکام حدود و قصاص و دیات و کفارات اجرا نخواهد شد.

اما وقتی مجتهدی بزرگوار وقیهی مقتدر و میسوط الید در مملکت اسلامی صاحب قدرت و نفوذ گردید که می تواند احکام خداوند عزوجل را اجرا کند بر او واجب است که وظیفه شرعی خود عمل نماید.

این یکی از خصوصیات مذهب شیعه است که مجتهدین می توانند دولتی را روی کار بیاورند یا آنرا از کار بر کنار کنند زیرا وظیفه تمام شیعیان پیروی از اوامر مجتهد عادل است اما دولتها قدرت ندارند که مجتهدی را از مقام والای اجتهاد برکنار سازند. کم کاری در ساری

نظریه علماء شیعه درباره قضاوت

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند : مرافعه نزد علمای دین ببرید که من آنها را بر شما حاکم گردانیدم .

عن الصادق علیه السلام : من کان منکم ممن قدروی حدیثنا و نظر فی حلالنا وحرامنا وعرف احکامنا فلیرضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً . (مقبوله عمر بن حنظله).

در کافی و وسائل و دیگر کتب است که امام ششم علیه السلام در جواب سؤال عمر بن حنظله درضمن حدیثی دستور رجوع به محدثین بزرگوار شیعه فرمودند .

در مذهب شیعه حکومت مخصوص خداورسولخدا و ائمه طاهرین علیهم السلام

است زیرا خداونـد اطـاعت غیر معصوم یعنی کسـی که ممکن است دانسـته یا ندانسـته خطا و اشـتباه کنـدرا بر مردم واجب نفرموده است و آیه شریفه (اطیعوا الله واطیعوا الرسول و اولی الامر منکم)، اشاره بهمین موضوع است.

در دوره غیبت امام زمان علیه السـلام تا آنجا که در توقیع مبارک اجازه فرمودنـد (حوادث الواقعه) کارها بعهده محدثین بزرگوار و مجتهدین عالی مقدار می باشد .

برخی از مجتهدین معتقد می باشـند که در کلیه کارهائیکه ممکن است تأخیر انداخت، باید آنها را تأخیر انداخت همچون جهاد (البته دفاع در هر زمـانی که لازم باشـد واجب است و احکام آن غیر از جهاد است) وغیره لکن کارهائیکه تأخبر در آنها جائز نیست ماننـد : نصب قیم جهت حفظ اموال صـغار ومحجورین – رسـیدگی به دعاوی و اختلافات مردم به کیفر دادن به دزد و قاتل وجانی و غیره باید کسـی متصدی این امور شده و بکارهای اجتماعی مردم رسیدگی کند.

در دعاوی و مرافعات بین مردم چون هرچه قاضـی حکم کنـد بر حسب ادله ظاهر می باشـد و به هیچ حکمی نمیتواند علم واقعی و حقیقی پیدا کند ، از اینرو عده ای از فقهاء با داشـتن صـلاحیت از علم واجتهاد و عدالت و غیره که لازم قضاوت و جزو صفات قاضی شمرده میشود و بعدا به آنها بطور اجمال اشاره خواهیم کرداز روی احتیاط گرد قضاوت نگشـته و خود را از امور اجتماعی بدور نگاهداشته اند اگر قضاوت را برای مجتهـدین واجب کفائی بـدانیم وعـده ای که رفع نیاز اجتماع بوجود آنها میشود متصدی امر شدند آن وقت دیگران میتوانند با خیال آسوده به کارهای دیگری از تحصیل و تدریس و تألیف و عبارت که هر یک در مقام خود لازم و ضروری است بپردازند والا...

بنابر این عـده ای از علماء خود را از اجتماع مردم و نیاز منـدیهای آنها بر کنار داشـته و جمعی دیگر در بین اجتماع بوده و در رفع نیازمندیهای دینی و اجتماعی

آنان از قضاوت و حکومت شرعیه ودخالت در امور حسبیه ودیگر مواردیکه از وظائف مجتهدین است کوشیده اند .

این علماء بزرگوار پس از رسیدگی کامل به پیش آمدها از اختلافات ناشیه از جهت تقسیم میراث رسیدگی به شرابخوری و دیگر معاصی که در شرع مطهر جهت آن حد مقرر گردیده است مانند دزدی و غیره حکم صادر میکردند . برخی از علماء خود نیز احکام صادره را اجرا میکردند (غیر از قتل و بریدن دسته سارق) و برخی دیگر اجرای احکام را منوط به امضای مجتهدین مبسوط الید ومتنفذ شهر ما را میگذاشتند .

اهمیت قضاوت و مقام قاضی

قاضی وداور در حقیقت کسی است که از طرف خداوند متعال اختیار جان و مال و آبرو و حیثیت و ناموس مردم بدست او سپرده شده است . او می تواند با صدور یک حکم ناروا خاندانی را نابود سازد اموالی را هدر نماید خونهای ناحقی بریزد و خویشتن را مورد لعن و نفرین ابدی و عذاب الهی قرار دهد، و همچنین با صدور حکمی از روی عدالت و دادگری میتواندحقی بر گرداند و از مظلوم و ستمدیدهای رفع ستم کند ...

(قاضیان بر سه گونه اند): از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که بخلاصه فرمودند : قاضیها بر سه گونه اند . (ص ۴۲۷ دوم نهج الفصاحه) قاضیان فی النار وقان فی الجنه :۱- قاضی عرف الحق فقضی به فهو الجنه ، ۲- قاض عرف الحق فجار متعمدا، ۳- اور اسی بغیر علم فهما فی النار .

ص : ۱۵۵

۱- آن کس که حق را بشناسد و بدان حکم کند در بهشت باشد . ۲- آنکس که حق را بشناسد و دانسته بر خلاف حکم کند ۳ - یا بدون داشتن علم و تمیز حق از باطل حکم نماید ایندو در دوزخ باشند .

قضاه بر چهار گونه اند) : از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وهمچنین امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

القضاه أربعه ثلاثه فی النار وواحد فی الجنه :

۱- رجل قضی بجور وهو یعلم فهو فی النار، ۲- ورجل ففی بجور وهو لایعلم فهو فی النار ، ۳ - ورجل قضی بالحق وهو لایعلم فهو فی النار ۴- ورجل قضی بالحق وهو یعلم فهو فی الجنه .

یعنی: داوران بر چهار دسته اند سه گروه آنان در آتشند ویک فرقه در بهشت:

کسانی که حق را می شناسند و دانسته بر خلاف آن حکم می کنند یا ندانسته بر خلاف حکم می کنند و یا ندانسته یکم حقیقی و واقعی می دهند موسه دسته در آتشند و آنان که حق را میدانند و می شناسند و بدان از روی معرفت حکم می کنند در بهشت جای دارند.

قضاوت کار پیغمبران و اوصیای آنانست :

با توجه به اخبار مرویه از ناحیه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم وحضرات ائمه معصومین علیهم السلام قضاوت داوری در بین مردم کار بسیار مشکلی است که هر کس نمیتواند و نباید متصدی آن شود .

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به شریح قاضی فرمودند :

یا شریح قد جلست مجلساً لا یجلسه الا نبی اووصی نبی اوشقی. و همچنین روایت شده است که فرمودند : ان القاضی علی شفیر جهنم (قاضی در کنار جهنم قرار گرفته با کوچکترین غفلت و کمترین خطا اهل دوزخ خواهد بود .

وهمچنین از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم روایت شده است که فرمودند: من جعل قاضیاً فقد ذبح بغیر سکین: هر کس در مقام قضاوت و دادگری قرار گرفت کشته شده است بدون کارد .

در روایتی از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که : روزی به ابوموسی اشعری فرمودند:

آیا ناسخ و منسوخ را (در قرآن) از یکدیگر تمیز میدهی (یعنی آیا آیات ناسخ منسوخ را میدانی و بتو رسیده است که کدامیک از آیات منسوخ است و آیه ناسخ آن کدامست).

در جواب عرض کرد : نه (نمیدانم).

حضرت فرمودند : هم خودت در هلاکت هستی و هم دیگران را در ملاکت انداخته ای، پس از آن حضرت گوش ابو موسی را گرفته و فشار دادند و فرمودند:

تو داوری و قضاوت مکن (ص ۵۵ مقدمه جلد یکم ترجمه قرآن تألیف زبن العابدین رهنما).

قضاوت باید مطابق حکم خداوند متعال و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم باشد.

طبق نص صریح قرآن که میفرماید : فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله والرسول (سوره النساء آیه ۵۹) مصدر و منشا صدور احکام در فضاوت باید احکام قرآن مجید و روایات صادره از ناحیه مقدسه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام باشد و هر حکمی که بر خلاف ایندو صادر شود حاکم آن را خداوند متعال طاغوت خوانده و محاکمه نزد او را نهی فرموده است. است.

از رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند :

من حکم فی درهمین بحکم جورثم جبر علیه کان من اهل هذه الایه[ومن لم یحکم بما أنزل الله فأولئک هم الکافرون]

کسی که در دردرهم مطابق حکم پادشاه ظالم و قانون خلاف دبن حکم کند سپس محکوم را مجبور به اجرای آن حکم نماید از اهل این آیه است ...

راوی سؤال کرد که چگونه ویرا مجبور می کند؟ حضرت فرمودند: قاضی تازیانه و زندان در اختیار دارد و اگر محکوم راضی نشد او را شلاق میزند (شکنجه میدهد و محبوس وزندانی میگرداند (قاراضی شود).

وهم از امام ششم علیه السلام روایت شده است که فرمودند : من حکم فی درهمین بغیر ما انزل الله عز وجل فقد کفر (وسائل الشیعه). و در روایتی دیگر فرمودند :

من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله عزوجل ممن له سوط اوعصا نهو کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم (وسائل الشیعه).

زبان قاضی : این کار در ساری

در حدیث وارد شده است که : لسان القاضی بین جمرتین من نارحتی بقفی بین الناس فاما فی الجنه واما فی النار .

انواع قاضی : قاضی بر دو گونه است ؟

۱- قاضی منصوب از طرف پیغمبر با امام علیهم السلام وبا مجتهد جامع الشرابط مبسوط الید .

۲- قاضی منتخب که آنرا حکم (به فتح اول و دوم) گویند و برخی از شرائطی که برای قاضی گفته میشود چون اجتهاد و ایمان و برخی دیگر در این نوع از داوران معتبر نیست.

ص : ۱۵۸

در بیان شرایط و صفات قاضی :

علماء بزرگوار شیعه برای کسانی که منصب قضاوت را در بین مسلمین بدست میگیرند صفات و شرائمی مقرر فرموده اند که از آنجمله است :

۱- مکلف بودن (بلوغ). ۲ - مؤمن بودن . ۳- عاقل ورشید بودن . ۴ - عادل بودن . ۵ - حلال زاده بودن . ۶- مرد بودن . ۷ عالم بودن .

۸- صاحب نظر بودن (مجتهد باشد) و کافی نیست که قاضی بفتوای دیگران عمل کند. برخی از مجتهدین میفرمایند در صورتی که مجتهد واجد شرائط نباشد غیر مجتهد بدستور مجتهد واجد شرائط میتواند قضاوت کند.

۹- ضابط بودن یعنی دارای حافظه قوی باشد و قدرت حافظه خود را از دست نداده باشد و بتواند مداعیین وشهودرا در هر وقت بشناسد و آنان را با دیگری اشتباه نکند (نسیان بر او چیره نشده باشد).

۱۰ - امین و مورد اعتماد بودن و این شرط را میتوان جزو عدالت محسوب گردانید.

۱۱- در زمان پیغمبر و امام علیهم السلام منصوب از طرف آنان بودن و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه مرفقیهی که جامع جمیع صفات قاضی باشد میتواند در بین مردم قضاوت نماید و به امور عامه رسیدگی کند . در مقبوله

عمر بن حنظله است که : فاذا حکم بحکمنا فلم یقبله منه فانما استخف بحکم الله وعلینارالراد علینا الراد علی الله وهوعلی حدالشرک بالله (وسائل الشیعه - ابواب صفات القاضی).

برخی از علماء صفات و شرائط دیگری همچون :

۱- کورنبودن ۲- آزاد بودن (بنده نبودن) ۳- قدرت بر خواندن و نوشتن داشتن (و این خود شرط اساسی عالم ومجتهد بودن است) ۴- افضل واعلم از سایرین بودن را نیز ذکر کرده اند. البته مقصود افضل واعلم از کسانی است که رجوع بدانها در قضایای اتفاقیه ودعاوی ممکن باشد در شهری که حکم و قضاوت در آنجا انجام می گیرد.

(توضیح و تنبیه) : همان گونه که ذکر شد هر مجتهد عادلی که باقی شرائط ذکر شده در او باشد میتواند در بین مردم قضاوت کند و تا قبل از دوره مشروطیت و ایجاد دادگستری بصورت فعلی نیز کارها بهمین رو به انجام میگردید، اما پس از استقرار حکومت مشروطه و پیدایش وزارت دادگستری (علیه) برای آنکه کارها بصورت منظم واداری انجام گیرد کسانی را (که شاید بیشتر آنان شایستگی آنرا نداشتند) جهت قضاوت استخدام میکردند و بدین شغل خطیر می گماردند و عملا مجتهدین بزرگوار را از حق مشروع و وظیفه شرعی آنان محروم و ممنوع ساختند. امید است که بفضل و کرم حضرت حق جل وعلاـ در این دوره کلیه این نواقص برطرف گردیده و داوری بین مسلمین به علماء شایسته و فقهاء بزرگوار محول گردد ولیس ذلک علی الله یعزیز .

در وسائل الشیعه (أبواب صفات القاضی) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند :

اياكم أن يحاكم بعضكم بعضاً الى اهل الجور ولكن انظروا الى رجل منكم يعلم شيئا من قضايانا فاجعلوه بينكم فانی قد جعلته قاضياً فتحاكموا اليه .

برای آگهی بيشتر در موضوع قضاوت و كليه موضوعات مربوط به آن مطالبين بكتاب: وسائل الشيعه و كليه كتب فقهی كه مجتهدين بزرگوارمرقوم فرموده اندرجوع نمايند و در بين كتب فقهی فارسی به كتاب : جامع عباسی مراجعه نمايند . خداوند توفيق تحصيل علم وعمل بدان را بهمه ماها عنايت فرمايد . بمنه وكرمه .

نظريه حجه الاسلام راجع بوظائف مجتهدين در زمان غيبت

مرحوم سيد حجه الاسلام عقيده داشت كه اقامه حدود در زمان غيبت امام عليه السلام برمجتهدين واجب است و ميفرمود كه حكم مجتهد در اين قبيل موارد بعينه حكم امام عليه السلام می باشد و آنان بايد طبق موازين شرعی اجرای حدود نموده و هيچ حكمی از احكام خداوند عزوجل را مهمل وبلا اجرانگذارند و بهمين دليل خود در اجرای حدود اصرار داشت و هيچ مجرمی را بدون كيفرشرعی رها نميكرد .

آنها كه بايد تعزير شوند را تعزير ميفرمود. كسانی كه بايد حل بخورند را حد ميزد . دست سارق را پس از ثبوت دزدی ميبريد .

قاتل را حكم به قصاص ميفرمود و دستور كشتن ميداد . مجرمين ديگری كه طبق موازين شرعی بايد كشته ميشدند را نيز حكم به قتل ميفرمود ، و گاه ميشد كه خود شخصاً حكم را اجرا ميفرمود (بكك يا دو مرتبه ثابت است و بيشتر از آن شهرت دارد . ثبوت اين بكك يادو مرتبه نيز علی المشهور است).

تعداد محکومین به قتل

در بین نویسندگان در تعداد کسانی که به حکم مرحوم سید حجه الاسلام کشته شده اند اختلاف است و شماره آنرا از هشتاد نفر تایکصد و بیست نفر نوشته اند لکن هیچکدام از این دو عدد ثابت نیست و همگان از روی مظنه و تقریب نوشته اند.

(نماز گزاردن مرحوم سید بر مقتولین):

مرحوم سید حجه الاسلام به پیروی از جد بزرگوار خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که پس از جنگ نهروان بر کشته های دشمن نماز خواندند ایشان نیز بر مقتولین اهل معصیت و کبائر پس از کشته شدن نماز میخواند و در حال نماز حال خوشی داشت از راز و نیازوتوجه حضرت حق وطلب استغفار برای آنان و گاهی در بین نماز از شدت گریه غش میکرد.

عباس اقبال در مجله یادگار (ص ۴۲ شماره دهم سال پنجم) اجرای حدود الهی و قصاص را که مرحوم سید حجه الاسلام مطابق حکم خداوند متعال انجام میداده قساوت حیوانی و میرغضبی نام نهاده است ، او حق دارد زیرا با اسلام و احکام آن آشنا نیست . مهدی بامداد نیز به اجرای حدود از طرف آن مرحوم انتقاد می کند . خلاصه آنکه از زمان حیات آن بزرگوار تاکنون کلیه کسانی

که مرحوم سید حجه الاسلام را مورد ایراد و اعتراض قرار داده اند تکیه کلامشان وهدفشان فقط اجرای حدود بوسیله ایشان بوده است (وداشتن ثروت).

(محل دفن مقتولین) : در بین عوام و بلکه برخی از خواص ساکنین محله قبله دعا یعنی محل نماز خانه و سکونت مرحوم سید حجه الاسلام چنین شهرت داشت که قبرستان کوچکی که مقابل منزل آن مرحوم قرار داشت محل دفن اینگونه مقتولین می باشد . این قبرستان در سالهای اخیر مانند بسیاری دیگر از

قبرستانهای داخل و خارج شهر اصفهان که تعداد آنها نسبتاً زیاد بود در مرحله اول بوسیله شهرداری وقت و مردم تسطیح گردیده و سپس بصورت خانه و مغازه و غیره در آمد.

قضاوت و فصل خصومات

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۹) در ضمن بیان شرح احوال مرحوم حاجی کلباسی می نویسد :

من خود از حاجی شنیدم که در بالای منبر میفرمود:

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مدینه می برد واهل اصفهان از آن حضرت قاضی می خواستند آنحضرت آقا سید محمد باقر را بقضاوت نصب میکرد.

خواننده محترم در این جمله بیشتر دقت کن ، گوینده ای همچون حاجی کلباسی که مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۸) درباره او می نویسد:

هرگز مرافعه نکرد و من خود بر بالای منبر از او شنیدم که میفرمود : این مدت مرافعه نکردم و میخواستم رساله هم ننویسم لکن میرزای قمی رحمه الله علیه حکم کرد که رساله برای فتوی نوشته باش .

آن وقت حاجی کلباسی با آن همه احتیاط وزهد و تقوی میفرماید: اگررسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای اصفهان قاضی وحاکم شرع می فرستاد آن کس آقا سید محمد باقر بود .

اجرای حدود:

ادوارد برون انگلیسی در تاریخ ادبیات خود (ص ۲۶۲ جلد چهارم) در

تحت عنوان : مقام مجتهدین در زمان صفویه و جانشینان آنها می نویسد : در نظر سلاطین صفویه یک نفر مجتهد نایب امام منتظر بود (ادوارد برون گویا نمیدانند که این عقیده کلیه شیعیان در تمام ادوار بوده و منحصر بزمان صفویه نیست) امامی که هر وقت نام او برده میشود عبارت عجل الله فرجه را بر زبان میرانند ، مجتهد بر جان و تن مردم صاحب اختیار بود .

سپس ذکری از حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی و اجرای حدود بوسیله ایشان می کند که قبلا نوشته شده است .

همین نویسنده در همان کتاب (ص ۲۶۳) در تحت عنوان : فتوی می نویسد:

توقف علماء و مجتهدین در کربلا و نجف و خارج از قلمرو ایران بیشتر بر مصونیت آنها افزوده بود و آنها می توانستند احکام خداوند تبارک وتعالی را که عموماً برخلاف میل حکام وسلاطین بود به آزادی بنویسند و به مردم مسلمان ابلاغ کنند) درهم شکستن یا ضعیف ساختن آنها منظور و آمال بسیاری از سلاطین ایران قبل و بعد از صفویه بوده است اما اقدامات آنها کمتر به نتیجه مطلوبه رسید.

وهم او می نویسد که : مجتهدین در جمیع کارها و تکالیف انسان از کوچکترین اعمال طهارت شخصی تا بزرگترین امور سیاسی دخالت می کنند .

نویسنده گوید : ادوارد برون یقیناً نام مقبوله عمربن حنظله را شنیده است راز توابع مبارک ناحیه مقدسه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرمودند:

فأما الحوادث الواقعه فارجعوا فیها الی رواه احادیثنا فانهم حجتی علیکم وانا حجه الله را شنیده و خوانده است و می داند که علمای بزرگوارشیعه در کلیه زمانها نایبان عام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بوده و از همین رو بدانها نایب الامام خطاب میکرده اند .

شیعیان در زمان غیبت اطاعت اوامر و دستورات مجتهدین را واجب میدانسته و میدانند و معتقد بوده اند که : الراد علیهم کالراد علیهم علیهم السلام.

ص : ۱۶۴

بخش چهارم: (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل دهم: (مرگ فتحعلی شاه و روی کار امدن محمد شاه)

اشاره

(مرگ فتح علیشاه و روی کار آمدن محمد شاه)

طبق ماده هشتم عهدنامه ترکمن چای که ولایت عهدی ایران به عباس میرزا واعقاب او اختصاص داده شده بود (آیا این ماده چه ارتباطی با جنگ در مملکت داشته و آیا نمیتواند دلیلی بر خیانت امضاء کنندگان قرار داد باشد و بطور یقین این ماده قرار داد با موافقت لندن وبطرزبورک نوشته شده است) وچون عباس میرزا در شب دهم جمادی الثانیه سال ۱۲۴۹ در سن چهل و هفت سالگی در مشهد مرده بود سلطنت به فرزندش محمد میرزا رسید .

تعیین ولیعهد

فتح علیشاه پس از مرگ عباس میرزا در سال ۱۲۵۰ ولایت عهدی را به محمد میرزا واگذار نمود ، عده ای از بزرگان مملکت هر یک بعلتی به این امر راضی نبودند من جمله مرحوم میرزا عبدالله خان امین الدوله نظر بوصلتی که با فرمانفرما کرده بود راضی به این موضوع نبود و این خود منشأ بروز بسیاری از اختلافات بعد میباشد.

محمد شاه در هنگام مرگ فتح علیشاه در تبریز بود چون خبر مرگ شاه را

ص : ۱۷۴

شنید به حمایت میرزا ابوالقاسم قائم مقام وزیر با تدبیر و با کفایت خود به تخت سلطنت جلوس کرده و کلیه رقبای خود را با کشت و یازندانی و یـا تبعیـد کرده وقائم مقام که برای به سـلطنت رسانـدن محمـد شاه وسـیله آن همه جنایت شـده بود عاقبت الامر اجرت شاهانه دریافت نمود، یعنی بدستور شاه او را خفه کردند و به جای او صوفی بی کفایتی که روزی معلم شاه بوده یعنی حاج میرزا آقاسی همه کاره مملکت شد.

از کارهای محمـد میرزا که اکنون محمـد شاه و محمـد شاه غازی شـده است کور کردن جهانگیر میرزا وخسـرو میرزادو برادر زندانی خود در اردبیـل و همچنین کـور کردن حسـنعلی میرزاشـجاع السـلطنه برادر دیگر خود و خفه کردن میرزا ابوالقـاسم قـائم مقـام دوم یعنی کسـی که در بسلطنت رسانیدن او رنجها برده و سعیها پیوسته بود (در شب آخر ماه صفر ۱۲۵۱) را میتوان نام برد

واما محمدشاه پادشاهی سـست عنصـر وتحت تربیت وزیر بی تدبیرخودیعنی حاج میرزا آقاسـی صوفی مسـلك و معاشرت او با صوفیه بود، وی در اثر تلقینات صوفیان از یک طرف ودسـتور اربابان خارجی خود که قدرت علماء شیعه را دیده بودند با علماء اسلام شدیداً مخالف بود و در این زمان که مرحوم سید حجه الاسلام در رأس علماء شیعه و پشت و پناه مردم و جلوگیر ظلم وستم و بیداد بی حد و اندازه حکمرانان بود علنا مخالفت نموده و عناد میورزید.

در روضه الصفای ناصری (ص۱۶۳ دهم) در ضـمن فضائل ومحامـد مرحوم قائم مقام نامی از معاشـرین و مصاحبین محمد شاه میبرد و آنان را بدین گونه ذکر می کند : حاجی میرزا آقاسـی ایروانی و حاجی زین العابدین شیروانی و میرزا نصر الله اردبیلی و میرزا مسلم خوئی و میرزا نظر علی حکیم باشی. - این کسانی را که ذکر نموده همه از اصحاب خانقاه و مخالفین علماء یمنی

صاحبان مسجد و محرابند ، ضمناً محمد شاه نسبت به حاج میرزا آقاسی بی حل علاقمند بود . در ناسخ التواریخ جلد قاجاریه (ص ۴۰ جلد دوم) می نویسد : پادشاه او را قطب فلک شریعت و طریقت میدانست ... ومصدر کشف و کرامت میشمرد ، اما چون حاجی میرزا آقاسی روزگار خویش را به تعلیم و تعلم گذرانیده بود از اسرار سلطنت ورموز ملک داری بی خبر بود .

مخالفت شاه ووزیر او باعلماء

یکی از آثار شوم انتخاب حاجی میرزا آقاسی بصدارت مخالفت نمودن شاه است با قاطبه علماء اسلام خصوصاً آنانکه قدرت و ریاستی داشتند و شاید در این قسمت رضایت و اشاره روسیه نیز در کار بوده است.

در اصفهان نیز بدستور شاه وصدر اعظم دستگاه حکومتی بنای مخالفت با سید حجه الاسلام را گذارده و هر روز پیش آمدی تازه ایجاد میکردند و آنرا به علماء وبالاخص به مرحوم سید حجه الاسلام مربوط می نمودند.

پناهندگی امین الدوله

عبد الله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر با ولیعهدی وسلطنت محمد شاه مخالف بود و علت آنرا سروسر داشتن با فرمانفر میدانند.

در ناسخ التواریخ (ص ۲۶ جلد دوم قاجاریه) در این باره می نویسد :

امین الدوله با سلطنت محمد شاه چه در زمان ولیعهدی وچه پس از مرگ فتح علیشاه و برای روی کار آوردن و به سلطنت نشاندن حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارسی فعالیت زیاد می کرد . وقتی که کار سلطنت محمد شاه تمام شد و او رسماً در طهران

تاجگذاری کرد و ظل السلطان که بزرگترین خان او بود تسلیم شد ، عبدالله خان نزد محمد میرزا سیف الدوله (حاکم اصفهان) فرستاد و پیغام کرد که :

اکنون که پادشاه ایران معین شده است مرا دیگر در امور این مملکت (این شهر) مداخلت نخواهد بود . این پیغام را نزد حاکم فرستاد و خود از ترس جان ومال بخانه حاج سید محمد باقر حجه الاسلام پناهنده شد و در آنجا جای گرفت

محمد شاه محمد رحیم پیش خدمت خاصه خودرا درشوال ۱۲۵۱ به اصفهان فرستاده و امین الدوله را پیغام کرد که : توقف تو در اصفهان موجب اختلال حکمرانان است با خیالی آسوده و مطمئن رابطهران بیا و یا در قم ساکن باش وهروقت از ما آسوده خاطر شدی بطهران بیا ، امین الدوله رحیم خان را مدت شش ماه (تا ربیع الأول ۱۲۵۲) در اصفهان نگه داشت و سپس بوسیله سفارت انگلیس خواستار مسافرت بعتبات شد ورخصت یافته بدانجا مهاجرت نمود و در آنجا بود تاوفات یافت.

و هم در ناسخ التواریخ گوید (ص ۴۱ دوم قاجاریه) مخفیانه به عتبات عالیات سفر نمود.

نویسنده گوید : اگر امین الدوله را شاه رخصت سفر به عتبات داده بود پس دیگر چرا مخفیانه سفر کرد و اگر سفارت انگلیس در کنار آنها بوده پس این حرفها دیگر معنی ندارد .

عباس اقبال آشتیانی در مجله یادگار (صفحه ۳۷ شماره دهم سال پنجم) پس از شرح بست نشستن امین الدوله در خانه سید حجه الاسلام می نویسد :

او شهرت داد که دیگر در امور مملکت مداخله نخواهد کرد، اما این ادعا حقیقت نداشت و او به پشت گرمی مرحوم حجه الاسلام و شفاعت او مشغول توطئه و زمینه سازی بود ، خبر این دسیسه های او در طهرات بقائم مقام میرسید . عاقبت

قائم مقام از قول شاه نامه ذیل را در جواب وساطت حجه الاسلام به او نوشت.

نامه قائم مقام به سید حجه الاسلام

متن نامه قائم مقام به نقل از مجله یاد گار :

مسطورات آن جناب بنظر اصابت رسید و چون وصول مکاتبات بقاعده مشهوره بدلی از حصول ملاقات میتواند شد خاطر مهر مظاهر را که در هوای شوق دیدار بود زاید الوعن مسرور وسبتهج ساخت.

سابقاً در باب مقرب الخاقان امین الدوله اظهاری کرده بودند و بروفق خواهش آن جناب مقرر شد که اگر مصلحت خود را در تقلد اشغال دنیوی میداند باستانه قدس شتابد و اگر باقتضای سن و التزام تشرع راغب اعمال اخروی است به عتبات مالیات عرش درجات عازم شود و در هر حال بعد از فضل خدا بواسطه آن جناب در کنف رأفت و توجه ما باشد لیکن بعد از آن طور توسط آن جناب و اینگونه تفقد ما چندی گذشت که بهیچ یک از این دو کار اقدام نکرد و در میان دنیا و آخرت معطل بود وبتواتر وشیاع رسید که در این ظرف مدت بیکار نبوده و بی سبب تعطیل جایز نداشته بر آن جناب مستطاب بهتر معلوم است که تا حال چه مبلغ مال مردم دراصفهان تلف شده و چقدردماه ونفوس در خارج و داخل آن ولایت بر باد فنارفته اگر سخن مردم در حق او صدقات واجب است که از آن ولایت اعراض کند و اگر مبنی بر اغراض است چه لازم است که در میان دارالخلافه و فارس بنشیند و غرض سهام تهمت گردد بالجمله باز آنچه در باب مصلحت مملکت و آسودگی او بخاطر میرسد همین است که بخدمت ما در طهران با بطاعت خدا در عتبات بپردازد و تا زود است به یکی از این دو کار اقدام کنند و در هر صورت آن جناب مادون است که بوکالت نواب همایون مشار الیه را اطمینان دهد اما هر گاه از این مصلحت

دیـد ما که محض خیر خواهی خلق ورافت درباره اوست تخلف کنـد از آن جناب خواهش داریم که اورا در جوار خودراه ندهـد و من بعد هر گونه خواهشی که باشد اظهار کند که معتقدانه در مقام انجام بر آئیم . (انتهی).

پس از کشته شدن قائم مقام در زمان صدارت حاج میرزا آقاسی (میرزا عباس بن مسلم بن عباس ایروانی) بطوری که گفته شد محمد رحیم خان به اصفهان آمد وبدون موفقیت مراجعت نمود و سر انجام امین الدوله به کمک و یاری وزیر مختار انگلیسی در ایران (مستر مکنیل) از محمد شاه تأمین جانی گرفته و عتبات رفت .

امین الـدوله بهتر از هر کسی میـدانست که تـامین جانی شاه و هر دو صـدر اعظم و همچنین دعوت او بکار خـدمه ای برای گرفتاری او بوده و منظورشان خارج ساختن او از بست و گرفتاری وی و کشتن او می باشد بنابر این راضی به هیچکدام نمی شد.

علل و موجبات مخالفت شاه با سید حجه الاسلام

همانگونه که قبلا متـذکر شـدیم : شاه مردی ضـعیف النفس وسـست اراده وصوفی مسلک بود و صدراعظم یعنی حاج میرزا آقاسی مردی بی کفایت و بی تدبیر وضمناً مرشد و مربی و معلم شاه به وزیر از نظر صوفیگری با قاطبه علماء مخالف بود وشاه را مطابق میل خود رهبری مینمود .

امین الـدوله مخـالف شـاه بود و در ظل حمایت مرحوم سـید حجه الاسـلام، این مورد نیز یکی از موجبات عناد و دشـمنی دام و وزیر او با سـبد حجه الاسلام بود .

دیگر از موجبات عناد داستان زیر می باشد؛

یکی از وابستگان حکومت در کاشان که از منسوبین شاه بود مرتکب معصیتی شد که حکم شرعی آن قتل بود . علماء کاشان مجرم راگرفته نزد سید حجه الاسلام

فرستادند تا پس از ثبوت شرعی حکم خداوندرا درباره او اجرا نماید .

از طرف شاه و وزیر سفارشنامه ای بعنوان سید حجه الاسلام آمد که به پاس احترام مقام سلطنت حد شرعی در باره این شخص اجرا نشود . اما احکام خداوند تبارک و تعالی باید اجراء شود و در آن شاه و گدا تفاوت ندارند. مرحوم سید حجه الاسلام چند تن از علماء اصفهان را خواسته و در حضور آنان از مجرم قرار گرفت و او صریحاً به جرم خود اعتراف نمود و شرعاً حدبر او ثابت گردید. بلافاصله حکم صادر و بموقع اجرا در آمد.

چون خبر بطهران رسیدشاه بی نهایت خشمگین شده و وزیر بیشتر او را تحریک کرد بقصد انتقام جوئی باعدهای سرباز بطرف اصفهان حرکت کرد. برخی از علماء این شهر از این جریان خبر یافته و در صدد اصطلاح ذات البین بر آمدند لکن شاه حاضر نبود مطیع امر خداوند و دستورات شرع مطهر بوده و از تصمیم خود چشم پوشی کند . با خود مرحوم سیدحجه الاسلام در این باره مشورت کردند ایشان با کمال اطمینان قلب فرمودند : شاه نمیتواند هیچ کاری بکند چون حکم خداوند بوده که اجرا شده و من نیز بخاطر رضا و خشنودی او عمل کرده ام . محمد شاه به اصفهان آمد و چند روزی در این شهر مانده و نتوانست کمترین اذیت و آزاری به مرحوم سید حجه الاسلام برساند.

البته در این میان حاجی کلباسی شاه را از عواقب سوء تصمیم او آگاه ساخته و با پند و اندرز و موعظه ونصیحت ویرا از مقابله و خصومت باحجه الاسلام برحذر داشت . محمد شاه پس از چند روزخائباً خاسراً بطهران مراجعت نمود . اما این موضوع عندهای شده در خاطر شاه و وزیر او در هر موقع قصد انتقامجوئی داشتند و با سید مخالفت مینمودند.

مسافرت حاجی کلباسی بطهران

مرحوم حاج میرزا ابوالهدی (کمال الدین) کلباسی در رساله : البدر التمام (ص ۱۳) در ضمن شرح حال حاجی کلباسی می نویسد :

غیور در امور دینی و ساعی در دفع بدنها و آنچه که موجب اهانت بدین وشریعت باشد میبرد . سپس می نویسد :

در ابتدای سلطنت محمد شاه صوفیه قدرتی یافتند و مردم نادان بدانها توجهی پیدا کردند و بیشتر مردم را گمان آن بود که پادشاه نیز بآنها میلی و نظری دارد، مرحوم حاجی ترسید که مبادا همین حرفها موجب توجه بیشتر مردم به صوفیه شود. یک سال از ابتدای سلطنت محمد شاه گذشته بود و در این مدت مکرر از ایشان خواسته بود که بطهران مسافرت کند بجهت تهنیت جلوس .

در این موقعیت مرحوم حاجی کلباسی لازم دانستند که سفری بطهران نموده و شام را از عواقب این امور برحذر دارند . مرحوم حاجی با عده ای از علماء بسمت طهران حرکت نموده و در بین راه بدرس و بحث و مباحثه اشتغال داشتند زیرا آن مرحوم تحصیل را واجب عینی می دانست ،

سپس شرح مبسوطی از استقبال مردم طهران خصوصاً علماء و بزرگان از آنجناب نوشته و میفرماید :

در منزل شیخ المشایخ العظام قدوه العلماء الفخام سمی ثا من الائمه (۱)علیه

۱- ا ظاهراً مراد از این عالم جلیل مرحوم آنا شیخ محمد رضا بن مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی طهرانی است، مشار الیه از علماء معروف ومراجع طهران بوده و خانه اش مهمانسرای علماء و دانشمندان وخود ملجا وملاد خاص و عام بوده و در پنجم رمضان المبارک ۱۲۷۷در طهران وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف حمل و در وادی السلام در مقبره هود و صالح دفن گردید .

آلاف التحیه والسلام وارد شد . پس از چند روز که از دید و باز دید علماء وتجار و اعیان و مردم اندکی کاسته شد محمد شاه بزیارت و دیدار حاجی رفته پس از اداء تعارفات رسمیه حاجی خطاب به شاه فرمودند :

مبادا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام از شما ملول و دلتنگ باشد . محمد شاه معنی این بیان را درک ننمود وحشت زده گفت : من الاسم نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام در حد کمالست. حاجی کلباسی در جواب فرمودند :

به اعتقاد من تاکنون عالمی همچون سید الطائفه (مقصودشان سید حجه الاسلام بوده است نیامده است و او امروز مانند جد بزرگوارش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام می باشد بجز اینکه آن حضرت معصوم بودند و ایشان معصوم نیستند . بعدا در ادامه سخن خود فرمود:

کسی که سید حجه الاسلام را اذیت کند حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را اذیت کرده و آن کس که باید دشمنی کند با آن حضرت دشمنی کرده است .

امین الدوله کیست

نوشتیم که امین الدوله طرف توجه و عنایت مرحوم سید حجه الاسلام بوده و این موضوع یکی از علل مخالفت شاه با آن بزرگوار می باشد . این اجمال شرح حال امین الدوله :

عبدالله خان امین الدوله پسر بزرگ و ارشد مرحوم حاج محمد حسین خان

ص : ۱۸۲

صدر اصفهانی در کتاب صدر الثواریخ (ص ۱۰۸) درباره او می نویسد:

مروج شریعت سید المرسلین که مرحوم شیخ جعفر نجفی وشیخ موسی و حاج سید باقر رشتی اصلی الله مقامهم او را علی بن یقطین خطاب می کردند درزهد وورع بی عدیل و در جلالت قدر بی بدیل .

و در صفحه (۱۰۵) همان کتاب است که :

مرحوم عبدالله خان امین الدوله در جلالت قدر بی نظیر و همیشه مصدر خدمات دولتی بود و در سنه ۱۲۶۸ درگذشت ، تاریخ وفات آن مرحوم این است :

ثم با قصر العز تاریخه جنه عدن از لفت بالامین نویسنده گوید : مرحوم امین الدوله از مردان خبر و خدمتگزار و متدین و حقأ ویرا باید خبرالظلمه دانست ، آثار زیر از او در نجف اشرف بجای مانده است :

۱- ترمیم قناتی در نجف ۲ - اتمام سورنجف که پدرش شروع به ساختمان آن کرده بود ۳- ساختن دو باب حمام بزرگی در نجف ۴ - ایجاد چندباب دکان ووقف کردن آن در نجف و ۵- ایجاد کاروانسرائی در نجف ووقف آن بر مدرسه صدر وغیره . در سال ۱۱۹۳ متولد و در پنجشنبه ۲۵ شعبان ۱۲۶۳ وفات یافته و در مقبره خانوادگی در مدرسه صدر نجف مدفون گردید (ص ۲۰۲ دانشمندان و بزرگان اصفهان).

شرح حالش در کتاب شرح حال رجال ایران (ص۲۷۸ جلد دوم) مذکوراست.

شورش مردم اصفهان

یکی از وقایع تاریخی در سال ۱۲۵۵ در شهر اصفهان شورش و قیام مردم این شهر است علیه حاکم جابر و ظالم خود خسروخان گرجی. هریک از نویسندگان کتب تاریخ ورجال آنرا بگونه ای تفسیر و تعبیر کرده اند .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۶) ضمن وقایع سال ۱۲۵۳ می نویسد :

شورش مردم اصفهان بر خسروخان گرجی که در عمارت هفت رست محصور شد و نصب فضلعلی خان به حکومت اصفهان . سپس در ضمن وقایع سال ۱۲۵۵ می نویسد : نهضت شاه (محمد شاه با قشون بسیار باصفهان ظاهراً به تأدیب اشرار و باطناً بترهیب مرحوم حاج سید محمد باقر که هیبت الهی مرحوم سید قضیه را برگردانیده و سیاست شاه صد و پنجاه تن معاریف اشراررابعضی بچوبه دار و برخی به آوارگی دار بدیگر دیار سر دسته شان حاج غلامحسین (نوکر) امام جمعه بود. در آگهی شهان از کار جهان (ص ۳۱ جلد سوم) نیز مرحوم انصاری همین مطالب را مختصرا نقل می کند

در روضه الصفای ناصری (ص ۲۰۳ جلد دهم) بخلاصه می نویسد :

محمد شاه در ۲۲ ذی الحجه ۱۲۵۵ بشهر اصفهان با قشون بسیار وارد ودر عمارت هفته دست منزل کرد و در محرم سال ۱۲۵۶ هفتاد نفر را گرفته برخی را کشته و جمعی را زندان کرده و برخی را بطهران بردند و حکومت اصفهان را به معتمد الدوله گرجی داده و در رجب ۱۲۵۶ بطهران مراجعت نمودند .

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص۱۰۰ جلددوم چاپ امیر کبیر) می نویسد:

شهریار غازی (مراد محمد شاه است) روز ۲۵ شهر ذی حجه (سال ۱۲۵۵) وارد اصفهان گشت و نصرالله خان کشیکچی باشی را مأمور ساخت تا اشرار در هرجا باشند ماخود دارد. یک صد و پنجاه تن از مردم شریر بیدین در مدت اقامت شهریار در آن دیار دستگیر شد و بیشتر عرضه دمار گشته و برخی را مأمور بتوقف اردبیل فرمودند و چنان آن عرصه امن گشت که بسیار شب بحکم معتمدالدوله (منوچهر خان کرجی) امل حرفت دکاکین را در نمی بستند و بخانه های خویش

می شدند و آسوده می خفتند و هیچ وقت فلوسی از مال کسی نابودنگشت . (واکر گشت جرأت دم زدن نداشت).

در مقدمه این بیان (ص ۹۱) شرحی از فجایع اشرار در اصفهان نوشته مطالبین بدان کتاب مراجعه کنند . ضمناً می نویسد : در کاشان قریب پنجاه نفر را که بشرارت شهرت یافته بودند گرفته و به استراباد تبعید کرد.

اکنون توجه خوانندگان محترم را بنوشته مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران (ص ۱۰۹ جلد سوم) جلب می کنیم .

وی در ضمن بیان شرح حال فضلعلی خان قراباغی می نویسد :

شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۵۳ به تحریک حاج سید محمد باقر شفتی و علمای دیگر علیه خسروخان گرجی حاکم این شهر .

نویسنده گوید : چه خوب بود که نویسنده ای همچون مهدی بامداد در علل و موجبات شورش مردم اصفهان در این سال علیه حاکم جائر وظالمی همچون خسرو گرجی ارمنی مدعی اسلام بیشتر دقت و تحقیق مینمود و بعداً کتاب خودرا با اینگونه مطالب غرض آلود کم ارزش نمینمود.

آیا علت شورش ظلم بی حد و بی عدالتی دستگاه حکومتی نبوده ، آیا استبداد رای وزیر یعنی حاج میرزا آقاسی مردم را عاصی و نافرمان نساخته، آیا بی توجهی شخص شاه و اطمینان بیش از حدار به وزیر موجب ناراحتی مردم نشده که سرانجام بشورش وغوغا منتهی گردیده و گویا نویسنده گرامی نمیداند که علمام بزرگوار اسلام وظیفه حمایت و جانبداری از مظلوم و برابری باظالم ودفع ورفع شر اورا دارند و اگر در این دوره (و در تمام ادوار) علماء بداد ستمدیدگان نرسند چه کسی وچه مقامی در اندیشه آنان است.

آیا اگر سید حجه الاسلام میخواست خسرو گرجی حاکم دست نشانده حاج میرزا آقاسی را از شهر اخراج کند نمی توانست ؟ آری مرحوم حجه

الاسلام قدرت و توانائی آنرا داشت که او را با ذلت و خواری هر چه بیشتر از اصفهان بیرون کند.

اگر امین الدوله نمیخواهد و یا نمی تواند جلو الوار لنبانی و دیگر اشرار را بگیرد که وابستگان عیالش بودند چه ارتباطی به علمای بزرگوار دارد که مهدی بامداد و دیگران دامان اینان را لکه دار کنند.

آقای مهدی بامداد در کتاب خود (ص ۱۱۰ سوم) عین عبارات مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری را در آگهی شهان بدون ذکر مأخذ نقل می کند .

علمای شیعه همیشه باظالم مخالف بوده اند

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۰۱) در ضمن شرح حال ملاحسین یزدی مؤلف کتاب مهیج الاحزان شرحی راجع به اخراج حاکم بزد نوشته و گوید : محاکم از طرف فتح علیشاه حکومت میکرد و چون ظلم زیاد بر مردم روا داشت مرحوم آخوند ملاحسین حکم به اخراج او فرمود و مردم ویرا با انواع فضاحت ورسوائی از شهر بیرون کردند .

پس از شرحی که در این باره می دهد می گوید :

در بلاد ایران ستم بی اندازه و فراوانست بنحوی که در هیچ بادی از بلاد ربع مسکون چنین نیست و اگر رعایا و برایا عارض شوند امر را اعیان ووسایط بر سلطان مشتبه می سازند .

همچنین مرحوم تنکابنی در کتاب نامبرده در ضمن بیان شرح حال حاج ملا احمد نراقی (ص ۱۳۱) می نویسد :

در زمانی حاجی حاکم ظالمیرا از کاشان بیرون کرده و مکرر این قضیه اتفاق

افتاد .. دنباله مطلب را طالبین از کتاب نامبرده بخوانند.

با این اوصاف آیا عالمی مقتدر ومرجعی همچون سید حجه الاسلام و علمای دیگر اصفهان برای اخراج خسرو گرجی حاکم احتیاجی بشورش و تحریک مردم داشتند و با آنکه خود قدرت آنرا داشتند .

توجه : باید خوانندگان عزیز متذکرومتوجه باشند که :

اگر برخی از علمای بزرگوار باحکام وسلاطین مماشاه کرده اند آنهم از روی مصالحی بوده و حفظ منافع مسلمین در نظر بوده است و هیچگاه مقصودی جز اسلام و امور مسلمانها نداشته اند .

اکنون به حدیث زیر توجه فرمائید :

علامه مجلسی رضوان الله علیه در بحار الانوار نقل از کنز الفوائد کراچکی از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که :

والملوک حکام علی الناس والعلماء حکام علی الملوک . پادشاهان فرمانروا بر مردمانند و علماء و دانایان فرمانروایان بر پادشاهان .

داستانی از امیر کبیر

مرحوم جابری انصاری در آگهی شهان (ص ۵۶ سوم) داستانی از امیر کبیر میرزا تقی خان نقل می کند که خلاصه آن چنین است:

در وقتی مرحوم حاج میرزا ابوالقاسم امام جمعه طهران نامه توصیه ای جهت شخصی مرقوم داشته و نزد اتابک فرستاد . اتابک بفرستاده امام جمعه گفت : به آقا بگو : اگر دیگر چیزی نوشته ای اخراج بلدت می کنم . چون خبر به امام جمعه رسید نامه دیگری به اتابک نوشته و در آن نوشته : اگر من بعرض مظلومین نرسم بس مظلوم کجا رود و به چه کسی داد خواهی کند ؟ امیررا این جواب

پسند آمد و حضوراً از امام جمعه تقاضا کرد که هر کجا مظلومی دیدید بمن آگهی دهید رسیدگی می کنم (شرح داستان مفصل است طالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند)

نتیجه این بیانات آنکه علماء بزرگوار هستند که طبق وظیفه شرعی باید به امور مردم رسیدگی کنند و میکردند و اگر احیاناً در جائی سکوت کرده اند آنهم مطبق موازین شرعی و وظیفه آنها بوده است.

برای آگهی از طرز رفتار خسرو گرجی وفضلعلی خان قراباغی و منوچهر خان گرجی باید بکتب تاریخ مراجعه نمود . ضمناً کتاب آقای مهدی بامداد نیز اطلاعات فراوانی از این افراد و عملیاتشان در حکومتهای خود در بر دارد . من جمله می نویسد : در سال ۱۲۳۴ خسرو خان گرجی حاکم گیلان بود و گیلانیان از او شکایت کردند او را عزل کردند (ص۴۰۱ سوم) و در سال ۱۲۵۲ فضلعلی خان حاکم ساری بود و بواسطه تعدیاتش مردم شورش کردند وارک دولتی محل سکونت او را محاصره کردند دولت او را عزل کرد (ص ۸۱ سوم) لکن در هیچ بک از این موارد به شکایت مردم رسیدگی نشده و حکام ظالم مقامی والاتر یافتند.

مهدی بامداد پس از نقل شورش مردم مازندران در سال ۱۲۵۲ در پاورقی (ص۸۱ سوم) می نویسد :

شورش مردم مازندران در سال ۱۲۵۲ مانند شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۵۳ علیه خسروخان بود با این تفاوت که شورش اصفهان به واسطه رفتن محمد شاه به هرات دست بیگانگان نیز در این کار دخالت داشته (این است طرز قضاوت نویسنده کتاب شرح حال رجال ایران)

نامه وزیر مختار انگلیس به سید حجه الاسلام

مهدی بامداد در کتاب : شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر (ص ۲۵۹

ص : ۱۸۸

سوم) در ضـمن شـرح حال محمد شاه و لشگر کشـی او بهرات و اشکالات و موانعی که دولت انگلیس در این راه ایجاد نموده بود و سفر وزیر مختار آن مملکت (سر ژون ماکنیل) به زنجان پس از شرح مفصلی می نویسد :

وی از زنجان نامه ای به حاج سـید محمد باقر شـفتی معروف به حجه الاسـلام بزرگترین مجتهد و پیشوای تشیع در آن زمان نوشت و از وی در این باره کمک خواست.

جواب سید حجه الاسلام به نامه سفیر کبیر انگلستان :

مرحوم سـید حجه الاسـلام در جواب نامه فوق ضـمن تأییـد اقدامات دولت ایران (یعنی جنگ برای برگردانیدن افغانسـتان به ایران) تذکر داده بودنـد که در این قبیـل مسائل بهتر است با خود امنای دوات تماس گرفته شود (و پای علماء اسـلام را در آن داخل نکننـد که پس از گذشـت یکصد و پنجاه سال نویسنده ای در کتاب خود بنویسد شورش مردم علیه حاکم ظالم و جایر به تحریک علماء و دسیسه خارجیان بوده است).

(بازدیـد سـید حجه الاسـلام از محمـد شاه) : هر موقع فتحعلی شاه و محمـد شاه به اصـفهان می آمدنـد و چنـد روزی در این شـهر می ماندند بدیدار علماء این شهر میرفتند و آنان نیز از شاه بازدید میکردند . البته برخی از علماء نیز قبلا بدیدن شاه میرفتند لکن معمولا شاه بدیدن حاجی کلباسـی و سـید حجه الاسـلام و شایـد برخی دیگر از علماء میرفت و آنان از وی بازدید میکردند که فرمودند : مثل الامام والعالم کمثل الکعبه یؤتی الیها ولانأتی الیهم (ص ۷۸ منتخب الدعاء تألیف حاج شیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی (اصفهانی)

ص : ۱۸۹

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد (به خلاصه واندک تصرف):

در سالی که محمد شاه بقصد ارعاب و تهدید مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان آمد و به خواست و مشیت حتی جلا وعلا اوضاع دگرگون شد، روزی مرحوم سید بقصد بازدید از شاه سوار بر استر (قاطر) شده و با عده ای از علماء واصحاب خود از محله بیدآباد بقصد عمارات هفت دست در سمت جنوب زاینده رود حرکت فرمود .

سید علی نقی عرب بر حسب عادتش که همیشه در این گونه موارد در جلو سید سوار بر اسب قر آن میخواند با صدای بلند و آهنگ دلنواز تر آن میخواند ، در آن زمانها در دو طرف رودخانه تا زمین های زراعتی وبائر بود و مانعی از ساختمان و غیره برای تماشای اطراف وجود نداشت. شاه از دور تماشا میکرد و دستور داد که اطرافیانش از وزراء ورؤساء قشون حتی سربازان از مرحوم سید حجه الاسلام استقبال نکنند و نسبت به او احترام نمایند .

چون نزدیک عمارت مفت دست که محل سکونت شاه بود رسید سید علی نقی این آیت را قراءت کرد « قل اللهم مالك الملك تؤتی الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء»الخ.

محمد شاه گفت : یقین است که عزت منحصراً بدست خداوند قادر متعال است که به این مرد این اندازه قدرت داره ویرا عزیز و گرامی داشته است.

و چون بنزدیک چادرهای سربازان که گرداگرد عمارت هفته دست بودند رسید این آیت را تلاوت نمود و با ایها النمل ادخلوا مساکنکم لایحطمنکم سلیمان وجنوده ، الخ. با شنیدن این ایه تمام سربازان و فرماندهان از چادرها بیرون ریخته ودست

ص : ۱۹۰

و پای استر حامل مرحوم سید را می بوسیدند و در این کار بر یکدیگر سبقت فی جستند.

با دیدار این منظره بر حیرت شاه و وزیرش افزوده گشت. چون مرحوم سید حجه الاسلام به در سرای شاه رسید این آیت را قراءت نمود « انا ارسلنا الی فرعون رسولا نعصی فرعون الرسول »، الخ.

نویسنده گوید : تا کسی مؤید بتأییدات خداوندی نباشد و در آنچه انجام میدهد رضا و خشنودی خداوند را در نظر نداشته باشد ، این قلب نوی وایمان راسخ جهت او پیدا نمیشود . چنین کسی جز از خداوند تبارک وتمالی از هیچ کس و هیچ چیز نمی هراسد.

شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب صفات الشیعه (ص ۷۷ حدیث ۵۵) از قول حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

«ان المؤمن من یخافه کل شیء وذلک انه عزیز فی دین الله ولایخاف من شیء وهو علامه کل مؤمن ».

ابی العلاء گوید که امام ششم علیه السلام فرمودند :

مؤمن کسی است که همه از او باک دارند و حساب میبرند و این بدان جهت است که او در نزد خدا عزیز و گرامی و صاحب قدرت در دین خدا می باشد و از هیچ چیز (جز خداوند) نمیهراسد و این نترسیدن از چیزها نشانه همه مؤمنین است .

سید علی نقی مذکور از اهل کاظمین بوده و قرآن مجید را به آهنگ حجاز بسیار شیوا وزیبا میخوانده و صدائی رساو لهجه ای گیرا داشته است و نقل شده است که صبح ها که در مسجد سید اذان می گفته صدای او را تا فاصله زیادی دور از شهر می شنیده اند .

پناهندگی ملا محمد تقی اردکانی

مولی محمـد تقی بن ابیطـالب یزدی اردکانی متوفی بسال ۱۲۶۸ یکی از علمـاء اخبـار وصـلحاء روزگـار و عالم و فاضل و متقی و از شاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام شـفتی بوده و به مناسبتی مورد اتهام دستگاه حکومت و مأمورین محمد شاه واقع شده و آنان در صدد اذیت و آزار وی بر آمدند ، وی ناگزیر به اصفهان آمده و در خانه سبد حجه الاسلام متحصن گردید و به امید نجات در آنجا معتکف شد.

(گرفتـاری مرحوم اردکـانی بـدست مأمورین شاه) : در قصـص العلماء (ص ۱۶۷) بخلاصه می نویسـد : سالی که محمد شاه به اصـفهان آمد نسـبت بعموم علماء بالاخص مرحوم سـیدحجه الاسلام و وابستگان ایشان بسیار رفتار بدی داشت و نهایت سوء رفتار را مسلوک داشته و دستور داد که آخوند ملا محمد تقی (اردکانی) را از خانه سید بیرون آورده و محبوساً بطهران برند .

محمد حسن خان اعتماد السـلطنه در کتاب المآثر والاثار (ص ۱۴۵) در سـتون اول درضمن شرح حال مرحوم آخوند ملامحمد تقی اردکانی مدرس مدرسه فخریه طهران می نویسد :

در سال ۱۲۵۷ وقتی که غالب علماء ممالك محروسه را حاج میرزا آقاسـی صـدر اعظم محترماً بطهران حرکت میداد او را نیز آوردند (در نظر اعتماد السلطنه کسیرا که محبوساً بطهران بیرند یعنی محترماً بطهران برده اند).

مرحوم اردکـانی در برخی از تألیفـات خود اشـاره به زنـدانی بودن خود بـدون آنکه جرمی مرتکب شـده باشـد، می نمایـد . علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۷۰ پنجم پاورقی) می نویسد :

اما زمان حبس وعلت زندانی بودن او را نمیدانیم بغیر از آنکه احتمال داده

ص : ۱۹۲

میشود که علت آن علاقه او به حاجی میرزا آقاسی بوده و زمانش پس از مرگ محمد شاه یعنی بعد از شوال ۱۲۶۴ باشد.

نویسنده گوید : بطوری که ملاحظه میشود مرحوم تنکابنی که خود معاصر با علامه اردکانی بوده و احتمالا در موقع گرفتاری اور نیز در اصفهان بوده است پناهندگی و گرفتاری او را در سال ۱۲۵۷ می نویسد وعلامه طهرانی بطور احتمال در سال ۱۲۶۴ می نویسد و ظاهراً قول مرحوم تنکابنی بیشتر مورد اعتماد است .

طرز رفتار محمد شاه با مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۷) در ضمن بیان مسافرت شاه به اصفهان (در سال ۱۲۵۷) می نویسد :

محمد شاه به اصفهان آمد و زیاده از سی هزار تومان به آن جناب (یعنی مرحوم سید حجه الاسلام) ضرر وارد آورد.

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی در روضه البهیه (ص ۲۱) می نویسد :

سید حجه الاسلام در نزد جمیع طبقات از شاه و مردم محترم و معززو مقبول القول بود وقتی که فتح علیشاه مرد ومحمد شاه بجای او نشست... در این موقع از طرف شاه به تحریک وزیر او نسبت به سید بی احترامی شده و هتک حرمت او شد، برخی از نوکران او را گرفته و اذیت و آزار رسانیده و کسانی را که بوی پناهنده شده بودند ما خود داشته و حرمت بست او را شکسته از آن جمله ملامحمد تقی اردکانی است .

اموال زیادی از سید ماخوذ داشته (به بهانه های گوناگون)که مقدار آنرا حدود سی هزار تومان می نویسند .

پس از این اعمال شاه مدت اندکی زنده بود و وزیرش نیز به نکبت و بدبختی

در خارج مملکت مرد راقطع دابر القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین .

مرحوم رضا قلی خان هدایت در روضه الصفای ناصری (ص ۲۵۳ جلد دهم) طبق عادت مألوف خود همه بدرفتاری های شاه و وزیررا بعنوان تفقدی خام وصحبتی مخصوص باد نموده و گوید : عموماً (یعنی عموم علماء من جمله سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی رضوان الله علیهما) به حسن خلق وغور درک وعلو همت و سمورتبت شاهنشاه اسلام پناه متفق الکلمه گشتند ...

آثار باقیه محمد شاه

در ناسخ التواریخ (ص ۲۱۲ دوم قاجاریه) آمار زیر را از محمد شاه دکر می کند که همگان مربوط به صوفیه است :

۱- ساختن بقعه جهت شیخ محمود شبستری در تبریز .

۲- ساختن قبه و بارگاه جهت شیخ فرید الدین عطار در نیشابور . ۳- ساختن قبه برای شیخ ابوالحسن خرقانی در خرقان بسطام . ۴ - ساختن بقعه برای حاج محمد حسن نائینی در شهر نائین ۵- ساختن گنبد و بارگاه برای حاج ملارضا همدانی در شهر کرمان .

۶- تعمیر و ساختن بقعه ملا عباسعلی بنابی صوفی در مراغه (صفحه ۶۰۲ دوم مکارم الاثار).

معاشرین و معتمدین و مشاورین محمد شاه :

در روضه الصفای ناصری (ص ۱۶۳ جلد دهم) در ذکر علل و موجبات قتل میرزا ابوالقاسم قائم مقام می نویسد:

عـالی جنابان حاجی میرزا آقاسـی ایروانی و حاجی زین العابـدین شـیروانی و مبرزا نصـرالله اردبیلی و میرزا مسـلم خوئی و میرزا نظرعلی حکیم باشـی از ارباب حال واصـحاب کمال در رکاب اقدس از هر سوی اجتماع یافته بودند و در خلوت خاص بصـحبت ونصـیحت اختصاصی کامل داشتند و حضرت اقدس را همی از بازجوانی اعتمادی بدین طائفه و اعتقادی بدین طبقه بود وغالباً بحق تعلیم تقدیم بافته بودند ...

نتیجه این بیانات آنکه محمد شاه باصوفیه یعنی مخالفین علماء محشورو مأنوس بوده و در کارهای مملکت با آنان مشورت مینموده است .

علاوه بر اینهاوی طبق عهـدنامه نگین ترکمن چای و به حمایت روسـهابه سـلطنت ایران رسـید وروسـیان در جنگ های ده ساله خود با ایرانیان قـدرت علمـای بزرگوار شـیعه را از نزدیـک لمس کرده بودنـد گرچه بـدلیل خیـانت برخی از رؤسـای لشـکر وحکام ولایات و برخی دیگر از متنفـذین شـهر تبریز جنگ به نفع آنان وضـرر ایران تمام شـد اما آنها معتقـد بودند که این مرکز قدرت باید از بین برود . شاه که دست نشانده آنها و مشـهور است وزیر صوفی مسلک مخالف با علماء بود با علماء اسلام به مخالفت برخواسته جمعی را زندانی وعده ای را بعناوین مختلف بطهران کشانید .

وزیر بی تـدبیر و کم سواد امـا پرادعـا و بـانفوذی که در شـاه داشت هر کجـا لیـاقت واسـتعدادی می دیـد و با قـدرت و نفوذ کلمه و محبوبیتی مشاهـده میکرد درصـدد از بین بردن آن بود ، قتل قائم مقام بجرم لیاقت و شایسـتگی او بود و آنچه در این دوره با علماء اسـلام مخالفت شـده است همه به اشاره همین وزیر بوده است.و در پاورقی کتاب صدر التواریخ (ص ۱۵۶) نقل از سفر نامه رضا قلی میرزا نوه فتح علیشاه (صفحه ۳۰) می نویسد :

میرزا آقاسی ایروانی مردی دیوانه و شریر مطلقاً عقل در سرش جای نگرفته

ص : ۱۹۵

و بـا وجود عـدم عقـل افلاطون حکیم را طفـل دبسـتان خود ندانسـته و فاسـد العقیـدهای که به هیـچ وجه از مبـدأ و معـاد تصوری می نمود از عرفانیت فقط باسم تصوف قناعت ودعوی این مرحله را به قانون سوفسطائی کفایت میدانست در بدو حال از اوامر و اوباش ایروان محسوب می شد ...

این شـخص علاوه بر نادانی بسـیار متعصب بود خط مشـی و روش او نسبت به بیگانگان عبارت از یک سوء ظن شدید و عمیق بوده است (ص ۱۶۰ صدرالتواریخ نقل از تاریخ ایران تألیف سر پرسی سایکس).

اما چون حاجی میرزا آقاسـی روزگار خود را به تعلیم و تعلم بسـر برده بود از اسرار سلطنت ورموز مملکت داری بی خبر بود (ص۴۰ جلد دوم قاجاریه ناسخ التواریخ – ص ۱۶۰ صدر التواریخ).

حـاجی مرحوم درصـدارت خود مبغوض جمیع مردم بود جز چنـد نفری دیگر هیـچ کس به وزارت او راضـی نبود در پیش حـاجی سـعاه وخبر رسانان مطلوب بودند با او سـر بگوشـی سـخن می گفتند که دیشب فلان وفلان انجمن داشـتند و در عزل شـماهم داسـتان شدند به این واسـطه تقرب پیـدا میکردنـد ... به مردم فحش بسـیار میداد، هر کسـی از زخم زبان اور مجروح وهر دلی از تیر دشـنامش مشـروح بود ... حاجی به جز فحش کار دیگر نداشت.

در کتاب : حقایق اخبار ناصری (ص ۲۵۰ بنقل پاورقی صدر التواریخ ص ۱۵۹) می نویسد : صدارت عظمی به حاجی میرزا آقاسـی که سابقاً در آذربایجان به تعلیم امیرزادگان می پرداخت مفوض شد.

از این صدارت کار مملکت به خسارت رسید انورملکی مختل گشت و حقوق دیوانی لم یصل آمد.

در عهد حاجی در هر سال در کرور (به پول آن زمان) مخارج ایران بر مداخل

آن زیادتی پیدا میکرد .

در کتاب صدر التواریخ وروضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ ودیگر کتب مطالب مفصلی از فساد دستگاه حکومت و نابسامانیها و جنایتهای اطرافیان و وابستگان حاجی میرزا آقاسی نوشته اند که باید طالبین بدانها مراجعه نمایند. ضمناً از کارهای اساسی و مفید او تأسیس قورخانه و ریختن توپ وتهیه وسائل جنگی حفر قنوات را می نویسنده

در فصص العلماء (ص) می گوید که ملا قربانعلی قزوینی شاعر معروف به بیدل در هجوم میرزا آقاسی می گوید : نگذاشت برای شاه حاجی در می شدصرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه مزرع دولت را از آن چاه نمی نه خایه خصم را از آن توپ غمی

همچنین می نویسند که حاج میرزا آناسی در سال ۱۲۵۳ مجموع دهات و املاک و مستغلات خود را که یکهزار و چهارصد و سی و هشت قریه و مزرعه می باشد (از ترس مخالفین وطمع شاه) به محمد شاه بخشید .

توضیح آنکه حاجی میرزا آقاسی پس از قائم مقام که در شب شنبه آخر ماه صفر سال ۱۲۵۲ بدستور محمد شاه در باغ نگارستان خفه گردید بمقام صدارت رسید و تا هنگام مرگ محمد شاه یعنی۶شوال ۱۲۶۴ با کمال قدرت در منصب صدارت برقرار بود بنابراین واگذار کردن املاـکش به شاه در سال دوم صدارتش بوده و این همه املاک و مستغلات را در زمان معلمی ولیعهد و دیگران بدست آورده است و عملا حقیقت درویش مسلکی وصوفی منشی خود را ثابت نموده است .

در خاتمه این مقال گوئیم که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۹۱ دوم)

ص : ۱۹۷

بنا بنقل از سید مصطفی بن اسماعیل موسوی در کتاب : اللوامع المحمدیه در وصف حاجی مرقوم می نویسد :

آیه الله الاستاد الأفخم والفیلسوف الأعظم والبحر الخضم لسان العرب قدوه العلماء الراسخین معلم الحکماء الأساطین العالم العامل الورع الکامل الشیخ عباس بن مسلم الایروانی .

علامه طهرانی دنباله عبارات فوق می نویسند : ان المسموع من الثقات العارفین خلاف ذلک کله (انتهی).

(تألیفات حاجی) : کتب ورسائل زیر را به میرزا آقاسی نسبت میدهند و در مجمع الفصحاء (ص ۳۸۸ دوم) می نویسد بیشتر تألیفات او از بین رفته است . ۱- تفسیر آیه نور (مأخذ آنرا فراموش کرده ام که یادداشت نمایم . ۲- تفسیر بعضی از آیات مشکله (ص ۱۵۸ صدر التواریخ).

۳- چهل فصل سلطانی- شیم فرخی در عرفان تاریخ ختم رساله سوم جمادی الأولی ۱۲۴۶ پس از بازگشت از سفر حج در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات مشهد مقدس (ص ۲۵۸ دوم) شیم فرخی می نویسد لکن در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵ سوم) وبه پیروی از آن در مکارم الاثار (ص۷۶ یکم) شیم فخری مینویسد در هر حال رساله در طرائنی الحقایق بچاپ رسیده است .

۴ - ده فصل در حکمت، در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵ سوم) بچاپ رسیده است. ۵- دیوان اشعار در مجمع الفصحاء گوید جمع آوری نشده است ، تخلص نفری بمناسبت لقب استاد و مرشد او ملا فخر الدین عبد الصمد همدانی مفتول در روز عید غدیر سال ۱۲۱۶ در کربلا بدست فرقه وهابی . ۶- رد پادری ، در طرائق الحقایق (ص ۱۵۸ سوم) گوید : رد پادری

تألیف میرزا بزرگ قائم مقام به اعانت و همراهی حاجی میرزا اقاسی بوده است.

۷- رساله در اصول دین بطوری که دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد علی روضاتی نقل فرمودند نسخه ای از آن در کتابخانه مرحوم آقا میرزا ابوالحسن کتابی در اصفهان بوده است.

۸ - سهام عباسیه بفارسی در اوائل جنگ ایران و روس تالیف شده است نسخه ای از آن در کتابخانه آستانه رضویه موجود است (ص ۲۶۰ دوازدهم الذریعه).

* - شیم فخری همان چهل نسل است که مذکور گردید در طرائق الحقایق (ص ۱۳۵۰ سوم) گوید : مطالب مهمه شریعت و حقیقت را در نهایت وضوح واختصار بیان نموده است

۹- مصباح محمدی (ص ۱۵۸ صدر التواریخ) ودر الکرام البرره (ص ۶۹۲ دوم) بنام مصابیح محمدیه در اصول و فروع خوانده شده و گوید نسخه ای از آن در یکی از کتابخانه های بروجرد موجود است . .

نویسنده گوید: ممکن است رسانه در اصول دین و مصباح محمدی به کتاب باشد. .

۱۰- نگارنامه در جغرافیا (ص ۱۴۲ سوم) طرائق الحقایق .

(اولاد حاجی) مرحوم حاج میرزا آقاسی دارای دو فرزند پسر بنامهای ۱- شیخ محمد جعفر (ص ۱۶۲ کتاب المآثر والاثار) ۲ - میرزا عبدالوهاب مؤلف رساله در لغات گلستان (ص ۳۲۹ هیجدهم الذریعه) بوده است .

مرحوم حاجی در سال ۱۱۹۸ (ص ۷۸ یکم مکارم الاثار) متولد و در شب جمعه ۱۲ رمضان المبارك سال ۱۲۶۵ در اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

ص :۱۹۹

آوردن معتمد میرزا علی محمد باب را به اصفهان

یکی از قضایای قابل توجه در اواخر زندگانی مرحوم سید حجه الاسلام آوردن میرزا علی محمد باب است به اصفهان که منوچهر خان گرجی حاکم این شهر انجام داد .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۵۸) در ضمن وقایع ساله ۱۲۵۹ می نویسد :

شدت مرض نقرس محمد شاه ... وسیاست معتمد که در چنین فرصت با مرغ شاه و سخافت وزیر و بی صاحبی ایران بوسیله دعوی او شاید بتواند ایران مدار شود فرستاد اورا (میرزا علی محمد باب) از حبس شیراز آوردند و در برج چهل ستون پنهانش کردند خفای او از انظار موجب توهمات مو همه مردم ساده شد.

در ناسخ التواریخ (ص ۱۵۰ دوم قاجاریه) شرحی راجع به او نوشته و گرفتاریش را در شیراز و مباحثه ویرا با علمای آن شهر و زندانی شدنش را بیان داشته ، در آنجا که گوید :

منوچهرخان ایج آقاسی معتمد الدوله به گمان اینکه شاید ویرا در دین جاه و مقامی باشد و از ادعای او که می گفت من صاحب الامر هستم و کتابی بهتر از قرآن آورده ام (نعوذ بالله) بی خبر بوده کس فرستاد که اورا از زندان شیراز رهانیده به اصفهان بیاورد، اتفاقاً در این وقت بیماری وبا در شیراز شیوع یافته و کسی را پروای دیگری نبود. میرزا علی محمد را به اصفهان آورد و علمای این شهر را انجمن کرد و چون وی را علمی نبود که قدرت مباحثه داشته باشد خودرا به نوشتن مشغول داشت تا مجلس مباحثه ختم گردید سپس معتمد ویرا پوشیده از مردم نگاه داشت و چنین وانمود که اورا از اصفهان بیرون نموده است.

معتمد تازنده بود ویرا در اصفهان نگاه داشت و شبها عده ای را دعوت میکرد که ویرا دیده و سخن او را بشنوند و ظاهراً از این کار ترویج او و پیشرفت مقاصد خود را در نظر داشت و نظر خارجیان نیز در آن بی اثر نبود.

شرح مباحثه میرزا علی محمد با علمای اصفهان در ناسخ التواریخ ودیگر کتب مسطوراست طالبین بدانها مراجعه کنند. و اما انتقال میرزا علی محمد شیرازی از زندان شیراز به اصفهان و نگهداری او در تحت حمایت منوچهر خان گرجی ارمنی مدعی اسلام به هر اسم وعنوانی بوده بضرر اسلام و مسلمین و مملکت ایران بود وفتنه ها وزیانهای غیرقابل جبرانی در دنبال داشت که مجال ذکر آنها نیست.

شرح حال معتمد الدوله منوچهر خان خواجه ارمنی گرجی در بسیاری از کتب وتواریخ زمان قاجار به اختصار وتفصیل نقل گردیده و مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص ۱۵۹ تا ۱۶۳) مفصلا بیان داشته است مطالبین مراجعه

کنند.

مشار الیه در طول حکومتهای خود در ولایات مختلف مال وثروت فراوانی تحصیل نمود که پس از مرگش در سال ۱۲۶۳ دولت بعنوان خواجه بودن ووارث نداشتن همه را تصرف کرده.

در باره شقاوت وسنگدلی او درد گرزن در کتاب : ایران و مسأله ایران (ص ۲۱۹ جلد دوم) بنقل مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (صفحه ۱۶۲ چهارم) می نویسد :

معتمد الدوله منوچهر خان از حکم خونخوار ایران بوده ، در سال ۱۲۵۶ سیصد نفر را در نزدیکی شیراز زنده زنده گچ گرفت.

رضا

اشاره

سید حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام رفات

(۱۲۵۰ - ۱۲۶۰)

ص : ۱۷۳

فصل یازدهم: (عبادت و بندگی و خضوع مرحوم سید)

اشاره

عبادت و بندگی کردن وخضوع مرحوم حجه الاسلام)

مقدمه :

قال الله تبارك و تعالی : و انما يخشی الله من عباده العلماء ، (سوره فاطر آيه

۲۸)

خشيت و ترس از خدا

بمعنی ترس شديد و گاهی آميخته با تعظيم است ، در اين آيه خداوند متعال ميفرمايد : سركاری سياسی داروسازی

منحصراً دانشمندان از خداوند ميترسند (ترسی كه در اثر علم به عظمت مقام حضرت پروردگار و خردی خود حاصل گرديده، خويشتن را در مقام عبوديت كوچك می بينند و خداوند را بزرگ)

در كتاب كافی در ذيل تفسير اين آيه از حضرت صادق عليه السلام روايت می كند كه فرمود:

علماء كسانی هستند كه كردارشان مؤيد ومصدق گفتارشان باشد و اگر كسی خير آنچه می گويد عمل كند عالم نيست (اصول كافی باب صفه العلماء حديث۲).

از حضرت امير المؤمنين عليه السلام روايت شده كه فرمودند : بالعلم يطاع الله ويعبد وبالعلم يعرف الله ويوحد وبالعلم توصل الأرحام وبه

بعرف الحلال والحرام والعلم امام العقل والعقل تابعه ویلهمه الله السعداء ویحرمه الأشقیاء.

بوسیله علم خدا شناخته و پرستش می شود و بوسیله دانش خدا شناخته شده و جویندگان حق ازرا بوسیله علم می یابند ، بوسیله علم صله ارحام انجام میشود وحلال وحرام شناخته می گردد.

علم پیشوا و رهبر خرد است و خرد پیرو علم است ، خداوند سبحان علم را به بندگان سعادتمندالهام نموده و اشتباه و بدبختان را از آن محروم میگرداند. (الثالی الاخبار ص).

از ابن عباس روایت شده که می گفت :

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مکرر در مکرر از خوف خداوند متعال غش میکرد و بی هوش میشد اما در جهاد در راه خدا چون کوه ثابت و برقرار بود . راز واجبات فوق العاده مراقبت میفرمود و در تمام کارها رضای پرودگار را در نظر داشت ، و کسی بیشتر از آن حضرت با مشرکین قتال و کارزار نموده است

تفسیر جامع م ۴۴۱ پنجم).

نشانه های شیعه

شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب : صفات الشیعه (ص ۴۴) از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند :

شیعتنا اهل الورع والاجتهاد واهل الوفاء والأمانه واهل الزهد والعباده اصحاب احدی وخمسین رکبه فی الیوم واللیله القائمون باللیل الصائمون بالنهار بزکون اموالهم ویحجون البیت ویجتنبون کل محرم

حضرت صادق علیه السلام در این حدیث طبق روایت ابوبصیر از آنحضرت

دوازده صفت از صفات شیعیان را بدین شرح بیان می فرماید :

شیعیان آن حضرت کسانی هستند که : ۱ - مردمانی پرهیز کارند (از معاصی اجتناب می کنند). ۲- در امر عبادت و آنچه مربوط به دین است کوشا می باشند . ۳- بمهد و میثاق خود وفادارند. ۴- امانت پیشه اند و خیانت نمی کنند ه - نسبت به امور دنیائی بی اعتناء می باشند .۶- عبادت پیشه می باشند .

۷- در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز واجب وناقله آنها را بجا می آورند.

۸- در شبها بعبادت خداوند ایستاده اند ۹- روزها را روزه میدارند . ۱۰ - زکوه اموالشان رامیپردازند . ۱۱- حج خانه خدای بجای می آورند . ۱۲ - از هر کار حرام وناشایسته ای دوری می جویند .

نویسنده گوید : باید من و عموم کسانی که خود را پیرو آن حضرت میدانیم این حدیث و دیگر احادیثی را که در باره صفات شیعه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است را مطالعه کرده و با خود تطبیق دهیم و متوجه باشیم که تا چه حد در ادعای خودصادق می باشیم.

با مطالعه در شرح حال بیشتر علماء و بزرگان و بالاخص مرحوم سید حجه الاسلام می بینیم که آنها و آن مرحوم یکی از مصادیق واقعی شیعه بودند .

(حدیثی دیگر در نشانه های شیعه):

ص : ۲۰۴

شیخ صدرق رضوان الله علیه در کتاب صـفات الشیعه (ص۵۳ حدیث ۲۲) جابر جعفی از قول حضـرت باقر علیه السلام هنده صفت بدین شرح جهت شیعیان روایت می کند ؟

۱- از خداوند میترسند (واز معاصی میپرهیزند). ۲- اطاعت اوامر حق تعالی می کنند . ۳- بتواضع و فروتنی شناخته میشوند (وتکبر نمی کنند). ۴ - در برابر خداوند تبارك و تعالی خاشعند ۵- امانت پیشه اند .۶- همیشه بیاد خدا هستند (وذکر خدا زیاد می گویند) .

۷- زیاد نماز میخوانند ۸- روزه دار هستند .

۹- نسبت به پدر و مادر نیکی می کنند .۱۰ - نسـبت به همسایگان متعهدند (واز حال آنان بی خبر نیسـتند) . ۱۱- به حال قراء و درماندگان رسیدگی می کنند. ۱۲ — به قرض داران میرسند (وقرض آنان را اداه می کنند). ۱۳ - از یتیمان سر پرستی می کنند

۱۴- راستگو می باشند . ۱۵ - تلاوت قرآن می کنند . ۱۶ - زبان از عیب جوئی مردم می بندنـد و از آنها جز خوبی نمی گویند . ۱۷ - در بین خاندان وملت خود امین هستند .

(نکته قابـل توجه) : آنچه بیشتر از همه چیز در زنـدگانی مرحوم سـید حجه الاسـلام جـالب توجه است. موضوع عبادت وخضوع خشوع او در برابر حضرت

ص : ۲۰۵

حق جل وعلا می باشد .

مهمترین تألیفات اور کتاب : مطالع الانوار و تحفه الابرار است که فقط مربوط به نماز است و در سایر مباحث فقهی کتاب مستقلی تألیف نفرموده بخبر از رساله در دیات و آنچه از مباحث دیگر نقل کرده در این کتابها بمناسبت می باشد ویا در رساله (کتاب) سؤال و جواب در پاسخ پرسش مقلدین می باشد . بنابراین یکی از خصوصیات آن مرحوم موضوع عبادت و نماز وتهجد وزیارت و دعا می باشد.

عبادت مرحوم سید حجه الاسلام

علامه صاحب روضات در ضمن بیان صفات و ملکات مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید :

حجه الاسلام عالمی شاکر بود و این حقیقت را در برابر سپاسگذاری از عنایات خاصه حضرت پروردگار که نسبت به او ارزانی داشته بود بزبان و قلب وعمل ابراز می نمود (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات).

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) در این باره می نویسد :

اما عبادت حاجی سید محمد باقر پس فوق طاقت تحریر خامه قاصر است ووصف نماز او بشرح زیر است که در ضمن شرح حال علامه شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام (ص ۵۰۵) مرقوم داشته است.

نماز سید:

او (یعنی مرحوم سید حجه الاسلام) زمانی که تکبیره الإحرام قراءت میفرمودند مد میداد من از بعضی از تلامذه ارسوال کردم که لفظ جلاله (الله) جای ما نیست

ص : ۲۰۶

و چرا مد می دهند و در جواب گفت :

ما با ایشان این سخن را در میان نهاده ایم در جواب فرمودند که :

زمانیکه به کلمه مبارکه (الله) تکلم می کنم از حالت اختیار بیرون میروم و این مد دادن اختیاری نیست.

مرحوم سید حجه الاسلام همه نماز را با خضوع تمام و باحزن بلکه با گریه قرابت میکرد و بر هر شنوندهای واضح میشد که نماز او با نهایت حضور قلب است، در نوافل هم ذکر رکوع و سجودرا سه دفعه میخواند وزیر کفهای دسک هم مهر می گذاشت . مجملا نماز آن بزرگوار در حضور قلب و خضوع عدیل وبدیل نداشت بلکه مستمع را هم گریه غالب میشد.

در روایت وارد شده است که حضرت موسی علی نبینا وعلیه السلام مناجات کرد و در مناجات عرض نمود بارالها پاداش کسیکه از خوف تویگرید و اشکش جاری شود چیست؟حضرت حق جل وعلا فرمود : اقی وجهه من النار واومنه یوم الفزع الاکبر (مستدرک سفینه البحار ص ۳۲۶ دوم) وایضاً روایت شده است که : چشمی که از خوف خداوند بگرید در روز رستاخیز نمیگرید (سفینه البحار ص ۹۴ یکم) روایات درباره گریه از خوف خداوند و ثواب آن زیاد است طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه فرمایند .

محدث قمی علیه الرحمه در فوائد الرضویه (ص ۴۲۹ دوم) به نقل از کتاب تکمله امل الامل در شرح حال مرحوم حجه الاسلام می نویسد :

.آن بزرگوار عالمی ربانی و روحانی (بود) و از جمله کسانی بود که حلال وحرام آل محمد علیهم السلام را میدانست و احکام آن بزرگواران راه حکم نمود مخالف هوای نفس خود و مطیع اوامر ودستورات مولای خود بود و همیشه در حال

مراقبت و توجه بحضرت حق سبحانه و تعالی بود هیچ چیز مانع حضور قلب و مراقبه او نمیشد .

مؤلف تکمله از قول پدر خود نقل می کند که :

گوشه های چشم مرحوم سید حجه الاسلام در اثر کثرت گریه در نماز شب مجروح بود . حضرت سجاد علیه السلام در ضمن دعاو تضرع میفرماید : (ص۱۱۷ بند ۳۰ دمای ۱۶ چاپ فض الاسلام) با الهی لوبکیت الیک حتی تسقط اشفارعنی الی آخر الدعاء ، مرحوم سید حجه الاسلام به پیروی از اجداد بزرگوارخود آنقدر از خون خداوند گریست تا پلکهای چشمهای او مقروح گشت.

همچنین مؤلف تکمله از قول برخی از نزدیکان سید حجه الاسلام نقل می کند که :

با مرحوم سید به برخی از قراء ودهات رفتیم در بین راه جائی منزل کردیم هنگام شب مرا فرمود آیا نمی خوابی ؟ به رختخواب خود رفتم . پس از اندک زمانی سید حجه الاسلام تصور کرد که مرا خواب ربوده است ، از جای خود برخاست و بنماز ایستاد بخدا قسم دیدم که اعضاء و جوارحش می لرزید به کیفیتی که یک کلمه را چندین بار تکرار می نمود در اثر شدت حرکت نکین و آنقدر تکرار میکرد تا آن کلمه را صحیح اداء میکرد .

وهمچنین یکی از نزدیکان واشخاص مورد وثوق و اطمینان مرا گفت : مرحوم سید حجه الاسلام از شدت حضور قلب در برابر خداوند متعال تمام اعضاء و جوارحش می لرزید و چون مجلس او خالی می شد و مردمان از اطرافش متفرق می گشتند اشکش جاری می شد و او گفت من خود جاری شدن اشک هایش رادیدم همان موقعی که مردم از مجلس او خارج می گشتند بلافاصله .

ص :۲۰۸

نویسنده گوید : از حضرت سید الشهداء علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

من هیچگاه بر پدرم وارد نشدم جز آنکه ویراگریان دیدم (ص ۵۹۰ نمونه معارف اسلام دوم).

بیماری فتق

مرحوم تنکابنی در قمس العلماء (ص ۱۳۷) می نویسد :

سید حجت الاسـلام) در اواخر عمر آنقدر گریسته بود و به هایهای ناله و بیقراری و گریه و زاری کرده بود که او را باد فتق عارض شده بود و با فتق بنـد آنرا بسـته بود ، اطباء هرچه معالجه کردنـد مفیـد نیفتاد آخر الامر او را از گریه منع کردنـد و گفتنـد که گریه بر شـما حرام است چه گربه موجب زیادتی آن بیماری می شود .

پس هروقت مرحـوم سـیدبه مسـجد میرفت تـا مـوقعی که ایشـان نشسـته بود اکران به منـبر نمیرفتنـد مگر وقـتی که او از مسـجد بیرون میرفت و اگرذاکری بمنبر میرفت واو نشسته بود بر نمیخواست و شروع بگریستن می نمود .

مرحوم تنکابنی در دنباله این مطلب میفرماید : به این نحو گریستن کسی را نشان نمی دهند مگر فرزندش مرحوم حاج سید اسدالله وحاجی ملا محمد اشرفی و شهید ثالث (ملامحمد تقی برغانی).

اما عبادت این دو سه نفر را نسبت به عبادت سید حجه الاسلام نمیتوان داد .

مناجات خمسه عشر

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء گوید (ص ۱۳۷):

@@@

مرحوم سید حجه الاسلام در قنوت تمام نمازها و در همه اوقات این دعا را میخواند :

۲۹۰مرحوم سید حجه الاسلام مناجات خمسه عشر را در حفظ داشت و با گریه بر آن مداومت داشت ، وشهید ثالث نیز آنرا در حفظ داشت و در سجود نماز میخواند و در سجده مشغول خواندن مناجات ششم با حال گریه و زاری بود که او را شهید کردند (شنبه ۱۷ ذی القعده ۱۲۱۴).

در دنباله این موضوع مرحوم تنکابنی می نویسد : مرحوم حاج سید اسدالله فرزند مرحوم سید بدلیل اینکه این مناجاتها سند معتبر ندارد و علاوه بر آن صلوات بر محمد و آل محمد در آن مناجاتها نیست با آنکه عموما دعاهای منقوله از خاندان عترت و طهارت علیهم السلام صلوات در ضمن آنها می باشد مانع از فرامت او بود . سپس خودگوید که :

سابق بر این سندی برای این مناجات یافته بودم و از آن گذشته برخی دیگر از ادعیه منقوله هم صلوات ندارد و اگر کسی بقصد ورود نخواند قطعا اشکالی ندارد و اگر بقصد ورود هم بخواند مانعی ندارد و از ادعیه مرسله محسوب می گردد.

اما برای پرستاری محدث قمی در مفاتیح الجنان میفرماید :

علامه مجلسی رحمه الله علیه در بحار الانوار فرموده است که من یافتم این مناجات را مروی از حضرت سجاد علیه السلام در کتب بعضی از اصحاب رضوان الله علیهم .

قنوت :

مرحوم تنکابنی (ص ۱۲۷ أمم العلماء) می نویسد :

ص : ۲۱۰

اللهم اهدنا فیمن هدیت، وعافنا فیمن عافیت وتولنا فیمن تولیت وقنا شر ما فضیله وبارک لنا فمن اعطیت ،.

سپس گوید که مدت یکسال در خدمت حجه الاسلام بودم (واظب بنماز اور خصوصاً نماز صبح باوجود بعد مسافت منزلم تا مسجد سید حاضر میشدم) بغیر از این دعا در قنوت او نشنیدم چنانکه شیخ بهائی در قنوت نمازها غالبا این دعارا میخوانده است

اللهم اغفر لنا وارحمنا وعافنا واعف عنا فی الدنیا والاخره انک علی کل شی قدیر .

مرحوم آقا میرزا محمد تقی فقیه احمد آبادی عالم جلیل زاهد در کتاب : آداب الجمعات و ادعیه ای که ائمه معصومین علیهم السلام در قنوت نماز جمعه وغیره میخواندندرا نقل فرموده مطالبین بکتاب نامبرده مراجعه کنند. .

تهجد وشب بیداری

مرحوم سید حجه الاسلام شبها از حالت عادی خارج گردیده و از نیمه شب به بعد به نماز ودها اشتغال داشت و تا صبح به گریه و زاری و بیقراری مشغول بوده ودر صحن کتابخانه میگردید و بسرو سینه خود میزد و در حال گر بستن دعا میخواند ونرباد ناله اورا همسایگان می شنیدند .

دو حالت متضاد

مرحوم ننکابنی در قمع العلماء (ص ۱۳۸) در ضمن داستانی از تهجد وعبادت شبانه مرحوم حجه الاسلام می نویسد:

چون شب میشد آنجنامی دیوانه میشد وروزعاقل و کیفیت آن چنان بوده که:

ص : ۲۱۱

چون پاسی از شب می گذشته در صحن و سرای کتابخانه مانند دیوانگـان بر سر خود میزده و های های گریه میکرده و بهتر است ادعیه و مناجات و نماز مشغول می شد و چون صبح طالع می گردیده عمامه بر سر نهاده وعابر دوش گرفته مانند عقلاه و فرزانگان می نشسته ، این طرز رفتار تمام شبهای او بوده است.

سهو در نماز : در قصص العلماء (ص ۱۳۸) می نویسد :

گویند در مدتی که مرحوم سید حجه الاسلام در مسجد نماز جماعت میخواند (مسجد حاج طالب - مسجد میرزا باقر - مسجد سید) هرگز در نماز سهونکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود که در آن روز در نماز ظهر سهو کرد.

چراغ جهت روشنائی

همچنین در قصص العلماء می نویسد :

شبها مرحوم سید حجه الاسلام در کتابخانه تنها بود (نیمی از شبه مطالعه وتصنیف و نیمی عبادت می گذرانید و اندکی استراحت نموده و بخواب میرفت) چراغ او در فتیله داشت یکی کلفت و دیگری باریک هروقت بیدار بود فتیله کلفت را روشن میکرد و هنگام خواب فتیله باریک را . چون قرص خورشید پنهان میشد چراغ را روشن میکرد و چون آفتاب طلوع میکرد آنرا خاموش میفرمود . تنکابنی گوید که : گویند این اسم (روشن و خاموش کردن چراغ) مایه گشایش امور واتبال وروی آوردن دولت است.

حمام رفتن :

مرحوم سید حجه الاسلام جهت تنظیف روزهای چهار شنبه بحمام میرفت وحدیث نیز بهمین مضمون وارد است و معرو است که روز چهارشنبه سر تراشیدن باعث ازدیاد دولت میشود (قصص العلماء ص ۱۳۸).

قیافه و اندام سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد :

(مرحوم سید حجه الاسلام) نهایت قلیل الجثه و باریک اندام و کوتاه و ضعیف و نحیف بود.

در قریه چالشتر(چال شتر- چالش تر) واقع در نه کیلومتری غرب شهر کرد (دهکردسابق) عمارت سرپوشیده ای است که شرح آنرا دانشمند فرزانه آقای سید کریم نیک زاد امیر حسینی در کتابهای خود (ص ۱۴۳ جلداول جغرافیا و تاریخ چهارمحال و بختیاری و صفحه ۴۶۱ جلد دوم تاریخ و جغرافیای چهارمحال) بطور تفصیل مرقوم فرموده و خلاصه آن بدین قرار است : عمارت سرپوشیده تالار بزرگی

در وسط دارد به طول ۹/۵ متر وعرض ۵ متر وارتفاع حدود پنج متر سپس شرح مفصلی راجع به چگونگی بنا و کیفیت درهای آن وارسی ها و همچنین گچ بریها و بقاشی ها مرقوم داشته تا آنجا که می نویسد :

در طاقچه ها و طاقچه بلندهای آن صور بعضی از سلاطین مانند : نادر شاه

و کریم خان زند و آقا محمد خان وفتح علیشاه و محمد شاه و ناصر الدین شاه نقش شده به صورت ناصرالدین شا کمی جوانتر و گویا اوایل جلوس او که مصادف با (تاریخ) ساختمان این بنا بوده نقاشی کرده .

(همچنین) در طاقچه بلندهای آن صورت بعضی از عرفاء مانند : با یزید بسطامی از متقدمین ونور علیشاه از متأخرین و بسیاری دیگر را نقش کرده اند .

وازعلماء صورت شیخ بهائی و حاج سید محمد باقر رشنی و پسرش حاج سید اسداله وامام جمعه اصفهان (میر سید محمد حسین) نیز منقوش بوده است.

و عکس میرداماد و میرفندرسکی بینهایت جالب توجه بوده است .

سپس مؤلف محترم می نویسد: متأسفانه این ساختمان (با همه اهمیتش) مانند بسیاری دیگر از ساختمانهای قدیمی و قابل توجه در اثر بی دقتی و عدم توجه مالکین رو بخرابی نهاده و عکس ها نیز در شرف از بین رفتن است.

ص : ۲۱۴

فصل دوازدهم: (سید و برخی از معاصرین وی)

اشاره

سید حجه الاسلام و برخی از معاریف علماء و ادباء وحکام معاصر)

در این فصل فقط بذکر اسامی عده ای از علماء و بزرگان و کیفیت برخورد مرحوم سید حجه الإسلام با ایشان بطور اجمال بحث می کنیم .

۱- مرحوم آقا سید ابراهیم حسینی مختاری سبزواری ساوجی.

از علماء و فضلاء زمان و در ساوه سکونت داشته باصفهان مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت مرحوم سید حجه الاسلام واقع گردیده و مرحوم سید در جنب منازل خود جهت مشار الیه منزلی تهیه نموده که اعقاب واخلاق او تاکنون در آن محله و خانه سکونت دارند و به مناسبت مقام قدس وشوای او به مقام معروف بوده که خاندان او به همین شهرت تاکنون معروفند و آنرا نیز نام خانوادگی خود قرار داده اند .

۲- میرزا محمد ابراهیم بن محمدباقرجوهری هروی الاصل قزوینی المسکن اصفهانی المدفن

شاعر ادیب واعظ محدث مؤلف کتاب معروف : طوفان البکاء در مصائب حضرت سید الشهداء علیه السلام . در اواخر عمر به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام مرحوم سید حجه الاسلام قرار گرفته و مشارالیه آن مرحوم را مدح

و ستایش گفته سرانجام در سال ۱۲۰۳ در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید . در دوران اخیر که قبرستان راتسطیح نموده و تبدیل به خانه و مغازه و مدرسه و خیابان و میدان شد قبروی در گوشه مدرسه تبریزی قرار گرفت و به همت تاجر دیندار نیکوکار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی جهت او أطانی ساخته و به

کوچه مجاور مدرسه در گذاردند و از آن همه آثار وقبور بزرگان و علماء فقط همین یک نبر باقی ماند . اعقاب وأخلان او در اصفهان با نام خانوادگی جوهری از تجار و کسبه ومحترمین بشمار میروند .

۳- حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن حاج محمد قاسم کاخکی کرباسی (مشهور به حاجی کلباسی).

از اعاظم علماء و مجتهدین واکابر فهساء ورؤساء ملت ودین. آشنائی آن مرحوم با سید از زمان تحصیل در نجف اشرف بوده و این آشنائی ورفاقت به دوستی بلکه ارادت وبک جهنی و صمیمیت مبدل گردید بطوری که عموم نویسندگان کتب تراجم رجال در شرح حال آندو بزرگوار نوشته اند : کمتر دوعالم (وحتی غیر عالم)دیده و یا شنیده شده است که تا این حد متحد و یکدل بوده باشند هرکجا می خواستند بروند با یکدیگر وعده کرده و باتفاق تشریف میبردند در راه رفتن هر به دیگری را مقدم میداشته و هردوحاج ملاعلی نوری را مقدم بر خود می داشته اند معرو است که حاجی کلباسی در اصفهان احدی را غیر از سید حجه الاسلام مجهد نمی دانسته و خود با آن همه مقام وشخصیت به زواره رفته و جهت مرحوم سید عبال انتخاب نموده و بشهر می آورد .

۴- حاج ملا اسدالله بروجردی. عالم فاضل محقق مدقق معروف به حجه الاسلام.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۵) می نویسد :

مرحوم سید حجه الاسلام سه نفر از علماء عصر را تفسیق کرد. یکی حاج ملا اسد الله بروجردی بود . چند نفر از علماء بروجرد مانند آخوند ملا علی وغیره سیدرا هستند برفست او نموده پس سید ویرا تفسیق نرمود .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۴۲یکم) می نویسد :

اسد الله بن عبدالله بروجردی عالم فاضل کامل در فقه و اصول شاگرد صاحب قوانین و داماد او بود (وی همچنین شاگرد مرحوم آقاسید محمد مجاهد کربلائی نیز بوده است) بطوری که در کتاب : المآثر والأثار (صفحه ۱۴۰) می نویسد : مشارالیه در اواخرعمرادعاء اعلمیت نموده و باب علم رامفتوح میدانسته است . در تاریخ بروجرد (صفحه ۳۴۴ دوم) می فرماید : در دهه سوم سال ۱۲۷۱ در بروجرد وفات یافت . ویرا از زنان متعدد هفت فرزند پسر بهم رسیده است (ص۱۹۵۳ ششم مکارم الاثار).

نویسنده گوید : مقام علمی شخصیت والای مرحوم حاج ملاـ اسد الله خیلی بالاـتر از اینگونه اتهامات است که ویرا نعوذ بالله به فسق آلوده سازند ، بلکه اینگونه اتهامات بیشتر از ناحیه کسانی است که بر مقام و شخصیت او حسد میبردند و با فریب متظاهرین بدیانت را میخوردند.

۵–آقا محمد اسماعیل فرزند حاج محمد حسن عارف نائینی .

در طرائف الحقایق (صفحه ۳۵۱ سوم) و از آنجادر مکارم الاثار (صفحه ۲۰۲۵ ششم) شرحی راجع به او نوشته خلاصه آنکه :

وی عارف و صوفی بود و عده ای در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام شهادت بر کفر او دادند تا اینکه آنجناب حکم کفر و ارتداد وبالنتیجه حکم قتل اورا صادر فرمود، وی از اصفهان فرار کرد و سالها مخفیانه در مشهد مقدس میزیست و در زمان محمد شا صوفی که صوفیه کروفری یافتند و از مخفیگاه خود خارج

شـده به نائین رفت و در آنجا متأهل شـده و اولادانی یافته و بالاخره بسال ۱۲۷۲ در شـهر نائین فوت شده و در جنب پدر بخاک رفت. همچنین در طرائق و مکارم می نویسـند که پس از ثبوت ارتداد او زنش را به میرزا عبد الحسین شوهر دادند ومضحک تر آنکه می گویند شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ و کشته شدن میرزا عبدالحسین در اثر شامت این ازدواج بوده است .

علامه روضاتی حفظه الله که چاپ مجلدات شـش گانه مکارم الاثار بهمت رسـمی ایشان و زیر نظر مستقیم وتصحیحشان انجام یافته در پاورقی مطالب فوق (صفحه ۲۰۲۶ ششم) می نویسند؛

داستان تکفیر بنحوی که راوی آن ساخته و پرداخته است از حقیقت دور و گواه سوء نیت راوی (و نویسنده کتاب ط) وقصد اهانت بروحانیت و تحقیر مقام شامخ سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه بوده است کما لا یخفی (انتهی) .

نویسـنده گوید : اگرحقاً جمعی از مردم عادل و آگاه بر کفر و ارتداد اوشهادت داده باشند حکم مجتهد در این موردنافذاست مگر آنکه جرح شهود نموده و حکم نقض شود و بایـد محمـدشاه مدعی مسـلمانی وقتی بدو دست یافت اورا فوراً بقتل برساند نه آنکه ویرا آزاد بگذارد که به نائین رفته و در آنجا عده ای را گمراه گرداند .

ثانیاً عیال مرقد مطابق قوانین اسلام احتیاج به طلاق ندارد که نویسنده طرائق ومکارم بنویسند که زوجه او بی طلاق شوهر کرده

ثالثـاً آقا محمـد اسـماعیل صوفی مرتـد و کافرچه شخصـیتی است که فتنه اصـفهان در اثر شوهر کردن بـدون طلاق زن او باشـد بلکه اگر گفته بودند که فتنه اصفهان (البته شورش مردم اصفهان) در اثر انجام ندادن حکم خداوند درباره مرتد بوده است بهتر و شایسته تر بود .

با للعجب چه مهملاتی که باید از صوفیان بشنویم و چه مردم خوش باوری

ص : ۲۱۸

که نوشته صوفیان را در کتاب خود نقل می کنند، خداوند از تقصیرات همه ماها در گذرد انه غفور شکور.

۶- مرحوم آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی ایوان کیفی اصفهانی

عالم فاضل محقق مدقق فقیه اصولی صاحب حاشیه بر کتاب : معالم الأصول بنام « هدایه المسترشدین .

وی از شاگردان مرحوم شیخ جعفر نجفی معروف به کاشف الغطاء وهم داماد ایشان بوده و نزد جمعی دیگر از فحول علماء و مجتهدین نیز تلمذ فرموده و از حدود سال ۱۲۲۲ در اصفهان ساکن و در مسجد شاه امامت و تدریس مینموده

است .

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۱۷) در ضمن شرح حال او می نویسد :

حجه الاسلام به اور مالی نداشت و احکام او را امضاء نمیکرده

شیخ محمد تقی در ظهر جمعه ۱۵ شوال المکرم سال ۱۲۴۸ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مادر شاهزاده مدفون شد.

نویسنده گوید : مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه ۱۶) در ضمن شرح حال آقا سید ابراهیم قزوینی بمناسبتی می نویسد :

حاجی کلباسی را اعتقاد آن بود که اجتهاد در نهایت صعب است و آنانکه مدعی اجتهادند اکثر مجتهد نیستند و اگر کسی ادعای اجتهاد و مرافعه مینمود حاجی اورا تفسیق میکرد (انتهی).

بظن نویسنده بیشتر تفسیق ها که در آن زمان انجام گرفته روی همین اصل بوده است . و معروف آنست که حاجی مرحوم شیخ محمد تقی را نیز ....

۷- مولی محمد تقی بن علی محمد نوری مازندرانی

ص : ۲۱۹

عالم فاضل زاهد عابد از شاگردان حاجی کلباسی وحاج ملاعلی نوری و آنا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده است .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (صفحه ۱۴۵) پس از شرحی که درباره ایشان می نویسد گوید :

میرزای مزبور را فتاوای غریبه ای که خارج از قانون فقاهت است بسیار است لیکن در امر بمعروف و نهی از منکر اوحد زمان و نادره دوران بود .

جماعتی از امل نور در خدمت حجه الاسلام شهادت به فسق او دادند پس سید او را تفسیق نمود.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (صفحه ۱۱۸ یکم) می نویسد :

شاید مراد صاحب قصص از تفسیق سید صاحب عنوان را کلامی باشد که در و البدر التمام ، (صفحه ۲۱) از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید نقل کرده بدین عبارت : بدین عبارت : سر و کار دارای

و اما آنچه در این اوقات أستماع شده که در بلاد طبرستان کسی ادعا نموده که غلیان کشیدن در ماه مبارک رمضان جایز و بی عیب بلکه خود می کشد و ترغیب مردم در کشیدن آن می نماید، اگر اصل داشته باشد چنین کسی قابل تصرف در احکام خلاق جهان جلت عظمته نیست، بلکه چنین اشخاصی مخرب شریعت پیغمبر آخر الزمان و مطرود درگاه وهاب علی الاطلاق می باشند برکافه اهل ایمان اجتناب از ایشان بلکه امانت آنها لازم است و انتی .

نویسنده گوید : مسئله مفطر بودن و نبودن غلیان در روز ماه مبارک رمضان از مسائل خلافی بین فقهاء بزرگوار است که باید در حوزه های درس و مباحثه درباره آن سخن گفته شود و هر یک از طرفین در نفی و اثبات نظریه خود اقامه دلیل و برهان نمایند ، اما اینکه مسائل خلافی را در بین مردم عوام ترویج کردن مسلماً خارج

از قاعده فقهاه بزرگوار بوده و زیانهای غیر قابل جبرانی دارد

مرحوم آقا میرزا محمد تقی در شنبه ۱۱ شوال ۱۲۰۱ متولد و در ربیع المولود ۱۲۶۳ وفات یافته در نجف اشرف مدفون گردیده است و مقام او بالاتر از آنست که باین گونه تهمت ها آلوده گردد و این سخن ها از ناحیه کسانی است که میخواسته اند روحانیون بزرگوار همچون سید حجه الاسلام یا حاجی بروجردی و با صاحب عنوان را در نزد مردم کوچك و بی اعتبار کنند . والله متم نوره ولو کره المشرکون .

در مکارم الاثار (ص ۱۱۸ یکم) بنقل از دار السلام مرحوم محدث نوری فرزند مشار الیه بیست کتاب و رساله از تألیفات نامبرده را ذکر نموده است.

۸- میرزا سید جعفر فرزند میرزا محمد حسین بن میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی اصفهانی حائری نواده دختری آقا محمد علی بهبهانی متصدی موقوفات شهرستانها و موقوفات میرزا فضل الله شهرستانی.

چون از طرف مرحوم حجه الاسلام شبهاتی در باره موقوفات شهرستانی ها شد به اصفهان مهاجرت کرده و خدمت مرحوم حجه الاسلام شرفیاب گردیده و مباحثاتی انجام داد . ویرا تألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله در انساب وحید بهبهانی ۲- رساله در دفع شبهات وارده بر موقوفات میرزا فضل الله بعربی ۳-رساله دیگری در همین موضوع بفارسی ۴ - رساله در جواز تقلید میت ۵ - رساله در غیبت ۶- رساله در غذا ۷- رساله در حکم عصیر ۸ - رساله در حکم آب

گوشتی که در حال جوشیدن قطره خون در آن بیفتد (ظاهراً این دو رساله از افادات مرحوم سید حجه الاسلام و موضوع بحث آن بزرگوار بوده).

مرحوم میرزا سید جعفر در سال ۱۲۶۰ وفات یافته است (ص ۴۶۷ یکم الکرام البرره)،

۹– مرحوم میر محمد حسین بن میر عبد الباقی خاتون آبادی امام جمعه میفهان

در ضمن حالات مرحوم سید حجه الاسلام نوشتیم که در موقعی که هنوز عنوان وشهرتی نداشتند در حین عبور از کوچه ای به منکری از منکرات برخورد نموده بموجب تکلیف شرعی در مقام نهی بر آمده لکن جمعی از اشرار وولگردان و عاملین منکرویراگرفته و پس از اذیت و آزار حبس می کنند خبر به مرحوم امام جمعه رسیده نوکران خودرا فرستاده و ایشان را نجات میدهد . در کتبی که این جریان را نقل کرده اند نام امام جمعه ذکر نشده است لکن از روی قرائن همین بزرگوار می باشد .

مرحوم حاج میر محمد حسین سلطان العلماء در حدود سال ۱۱۵۸ متولد و در شب دوشنبه ششم ماه صفر ۱۲۳۳ وفات یافته و تالیفاتی نیز دارد (ص۹۵۹ سوم مکارم الاثار).

۱۰– ملا حسین بشر و بهای فرزند عبد الله

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (ص ۲۷۹ یکم) شرح دوران زندگی پر ماجرای اورا مفصلانوشته و گوید: از طرف میرزا علی محمد شیرازی مأمور شد که در اصفهان بنزد مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام برودلکن در باره این سفرو برخورد او با مرحوم سید حجه الاسلام چیزی ننوشته است و ناگفته پیداست که با جرأت ملاقات نیافته ویاخائباً خاسراً مراجعت نموده . تولدش ۱۲۲۷۹ و کشته شدن او ۱۲۶۵ می باشد.

۱۱ – حاج محمد حسین شیخ زین الدین معروف به حسینعلی شاه اصفهانی عارف از اقطاب صوفیه .

در قصص العلماء (ص ۱۵۱) بخلاصه می نویسد : وقتی از اوقات صوفی معروفیرا تکفیر کردند پس خدمت آخوند استفتاء

نمودند آخوند د ملا علی نوری شرح مفصلی در تکفیرش نوشت و گفت توای قتل با مجتهدین است، خدمت مرحوم سید حجه الإسلام رسیده که حکم به قتل کند مرحوم سید در این قبیل موارد بر حسب تکلیف شرعی مسامحه داشت (حکم قتل ننوشت و نوشته دیگران را نیز امضاء نفرمود) نوشته آخوند ملا علی را نزد او برده و ماجرا را نقل کردند مرحوم آخوند بسیار ناراحت شده و فرمود : من اهل خبره ایشانم و ایشان کافرند وحکم بقتل کردن تکلیف حاکم شرع است چرا باید مسامحه نمایند .

در طرائق الحقایق (ص ۱۰۰ جلد سوم) شرح این جریان را مفصلا نوشته لکن امضاء نفرمودن حکم را از طرف مرحوم سید حجه الاسلام ذکر ننموده است فقط می نویسد : چون حسینعلی شاه را بطهران بردند نمیدانم از جائی به پادشاه خبری رسید یا دل اورا اثری عارض گردید .

نویسنده گوید : ظاهراً علت تغییر وضع و اظهار محبت فتح علیشاه نسبت به حسینعلی شاه آن بوده که مرحوم سید حجه الاسلام با قتل او موافق نمی باشد وحکم قتلی که دیگران داده و نمیدانیم چه کسانی هستند را امضاء نفرموده است.

حسینعلی شاه در اصفهان ساکن و در مسجد علی آقا اقامه جماعت مینموده (ص ۱۰۱ سوم) و هم در آنجا موعظه و تدریس مینموده و در ۱۱ محرم ۱۲۳۴ در کربلا وفات یافته ، ویرا کتابی است در رد بادری نصرانی

شرح حال حسینعلی شاه در کتاب مکارم الاثار (ص ۹۷۲ سوم) ذکر شده است .

۱۲ – خسرو خان گرجی حاکم اصفهان .

مهدی بامداد در کتاب خود : شرح حال رجال ایران (م ۴۷۹ سیم) شرح حالی از او نوشته و گوید :

از میان حکام کسی بود که به شفاعت علماء اعتنائی نمی کرد (انتهی).

شورش اصفهان در سال ۱۲۵۳ در زمان حکومت او و علیه او بعلت ظلم وستم و بی عدالتی های او و نسبت بمردم رویداه است نه بتحریک علماء اسلام بلکه اگر پای علمام بزرگوار در این میان بوده عنوان هدایت و رهبری نداشته اند و وظیفه شرعی آنان در دفع ظلم وستم بوده است و آنرا نباید تحریک نام نهاد که بامداد می گوید .

اوتا سال ۱۲۶۳ زنده بوده و بعد از این تاریخ نمیدانیم چه وقت وکی مرده است.

۱۳ – عالم فاضل محقق شیخ خلف بن الحاج عسکر حائری

از مشاهیر شاگردان صاحب ریاض المسائل بوده و علامه صاحب روضات الجنات درباره او میفرماید (ص ۲۶۷ چاپ اول):

از کثرت تتبع سید همنام ما صاحب و (مطالع الانوار) در شگفتی و تحسین و ستایش بوده است،

(قل به معنی) در معارف الرجال (ص ۲۹۸ یکم) فوت او را در رای سال ۱۲۴۷ می نویسد ولکن صاحب روضات میفرماید در دهه پنجم بعد از هزار و دویست وفات یافته است.

۱۴ – حاج سید رضی مازندرانی ، حکیم و فیلسوف از مدرسین عالیمقام

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۱۹) در ضمن شرح حال حاجی کالباسی

می نویسد:

از قول آقا سید رضی مازندرانی نقل کردند که گفته است : علماء دین ندارند این خبر به مرحوم حاجی رسید او را خواسته فرمودند که از قول شما چنین می گویند ویکی از ملاها من هستم پس معلوم میشود دین تو غیر از دین من می باشد و من

مأمورم که هر که دینی غیر از دین من داشته باشد اورا بقتل برسانم ، سید بهانه ای آورد و طبی تصدیق بیماری او نمود حاجی از قتل او در گذشت و او را نفی بلد نمود ، مدت یک سال وی در نجف آباد ساکن بوده بعداً مرحوم سید حجه الاسلام از او شفاعت کرده بشهر بازش گردانید .

نویسنده گوید : آنچه معروفست مرحوم حاجی کلباسی در این قبیل موارد ساکن بوده و حکم قتل نمیداد . والله اعلم .

مرحوم حاج سید رضی لاریجانی اصفهانی طهرانی از اجله علماء ومعاریف شاگردان آخوند ملا علی نوری بوده در اواخر عمر درطهران ساکن و در مدرسه خان مروی تدریس مینموده و در سال ۱۲۷۰ وات یافته است . (ص ۱۷۴ المآثر والاثار - ص ۱۹۵۷ ششم مکارم الاثار)

۱۵- شیخ صادق رشتی

مرحوم تنکابنی در فصص العلماء (ص ۱۴۶) می نویسد : سومین عالمی که مرحوم سید حجه الاسلام ویرا تفسیق نمود حاج ملا صادق رشتی بود، در شرح حال او می نویسد : وی جامعیت داشته ونطاق بوده و در وعظ تسلطی داشته و از شاگردان آقا سید علی صاحب ریاض المسائل بوده و یکصد و هیجده سال عمر کرده ونا آخر عمر حواس او برجا بوده است ، پس از شرح مختصری می نویسد : بعضی از اهالی رشت جمع شدند و در خدمت حجه الاسلام شهادت بر فسق او دادند لهذا جناب سید اور تفسیق نمود و مطلب را به اهالی رشت مرقوم فرمود . سپس مرحوم تنکابنی می نویسد : یحتمل که امر پر جناب سید مشتبه شده باشد .

نویسنده گوید : احتمال آنکه دست استعمار و بیگانه در این شهادتها ودر نتیجه آلوده ساختن آن علماء بزرگوار بسیار است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

۱۶- سید سلیمان طباطبائی یزدی نائینی

سید ورع فاضل از تلامذه شیخ

جعفر کاشف الغطاء و دیگران بوده و حال او در عزاداری حضرت سید الشهداء علیه السلام در ایام عاشوراء بدین گونه بود که : لباس سیاه می پوشید وجمیع لذائذ را بر خود حرام میکرد و شب و روز در این مصیبت جانسوز می گریست و اقامه مزا در منزل خود نموده و اطعام میکرد و خود بنفس نفیس خدمت مؤمنین میکرد وعمامه از سر بر می داشت و استبنها بالا میزد و در منبر پس از موعظه در ذکر مصیبت خود بیشتر از همه گریه میکرد و حاضرین از دیدن حالت او منقلب می شدند .

وی پس از سال ۱۲۵۰ وفات یافته است. خواب سید حجه الاسلام : در فوائد الرضویه (ص ۲۰۴ یکم) می نویسد :

گویند مرحوم آقا سید محمد باقر حجه الاسلام پیش از وفات او خواب دید که عصا از دستش افتاد پس از آن خبر فوت این سید جلیل بار رسید .

خوابی دیگر از مرحوم سید حجه الاسلام :

همچنین نقل شده است که مرحوم حجه الاسلام قبل از فوت مرحوم میرزای قمی همین خواب را دیده است.

۱۷ – حاج میرزا عبد الرحیم بن حاج سعید شیخ الاسلام بن میرزا رحیم شیخ الاسلام نائینی

شیخ الاسلام نائین ، صوفی و عارف ملقب به نظر علی شاه متوفی سال ۱۲۴۰ قمری .

مرحوم حاج سید عبدالحجته بلاغی در تاریخ نائین (ص ۱۱۷) بخلاصه می نویسد :

نزد مرحوم سید حجه الاسلام در اصفهان سعادت کردند که شیخ الاسلام صوفی شده است مرحوم سید شیخ الاسلام را به اصفهان می طلبد چون به اصفهان

ص : ۲۲۶

وارد میشود به محضر سید میرود آن مرحوم بر منبر نشسته و بدرس مشغول بوده اند شیخ الاسلام شروع بمباحثه می کند و پس از فراغت از درس مرحوم سید ازساعیان و شاکیان سؤال میفرماید آن شخص که احضار شده آمده است؟ می گویند بلیو اشاره به شیخ الاسلام می کند و می گویند همین است.

سید میفرماید تو به چنین عالمی توهین می کنی و تهمته صوفیگری باو میزنی و آن کس را از نزد خود بیرون کرده و رعایت احترام شیخ الاسلام را میفرماید

مرحوم شیخ الاسلام جد اعلای علامه فقیه مرحوم آقا میرزا محمد حسین غروی نائینی مجتهد معروف می باشد (فرزند میرزا عبد الرحیم بن محمد سعید بن حاج عبد الرحیم (محمد رحیم) شیخ الاسلام صاحب عنوان فرزند حاج سعید بن حاج میرزا رحیم منوچهری نائینی).

۱۸ – حاج عبدالله خان امین الدوله فرزند حاج محمد حسین خان صدر .

سابقاً شرح وابستگی او را به سید حجه الاسلام و سپس پناهندگی وبرا بده خانه ایشان ووساطت و شفاعت کردن آن مرحوم از وی و بالاخره مهاجرتش بعراق نوشتیم در این جا گویم که :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد : در سالیکه سید حجه الاسلام وفات یافت من در اصفهان بودم که امین الدوله دعوی بیست هزار تومان بر آنجناب نمود و مرحوم سید در جواب فرمود که در آن تنخواه را داده بودی که من بابت مظالم بفقراء داده باشم و من داده ام . امین الدوله گفت که من بودیعه نزد شما گذاشته بودم . سید فرمود مرا اشتغال دمه به تنخواه تو نیست لکن الحال که قبول نداری من خود قبول دارم و اینکه بفقراء داده ام مال خود من باشد و وصیت کرد که از مال او بیست هزار تومان به امین الدوله بپردازند (و پس از وفات مرحوم سید وراث او پرداختند).

نویسنده گوید: با توجه به نوشته مرحوم تنکابنی که از شهود عینی بوده گفته مرحوم انصاری که مرحوم سید مسجد را از پول امین الدوله بنا نمود بی اعتبار و کلامی بدون دلیل می باشد.

۱۹ – آقا محمد علی بنمحمد باقر مازندرانی.

عالم فاضل محقق مدقق مواد در ۱۱۸۸ متوفی در ۱۲۴۵ مدفون در بقعه جناب امامزاده سید علی اکبر در قمشه .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۴) می نویسد :

زمانی که شیخ جعفر نجفی وارد اصفهان شد روزی آنا محمد علی وحاجی محمد ابراهیم (کلباسی) در خدمتش بودند که بدیدن مرحوم حاج سید محمدباقر رفت و شیخ به سید عتاب فرمود که : آقا محمدعلی فاضل رقیه است چراتووحاجی محمد ابراهیم رعایت نمی کنید و سبب اشتهار او نمی شوید و تقصیر از شما دو فراست، سید وحاجی در مقام معذرت بر آمدند لیکن حاج سید محمد باقر قلی با او مربوط نبود بلکه اورا مجتهد نمی دانست. سری

زوجه او دختر شیخ جعفر بود و پس از فوت مشار الیها دختر میرزا محمد باقر نواب لاهیجی را بزوجیت گرفت.

نویسنده گوید: وقتی عالمی جلیل همچون آقا محمد علی مازندرانی و یا محلی مدتی همچون شیخ محمد تقی رازی را که استاد فقهاء و مجتهدین زمانست وعموم معاصرین مقامات علمی آنان معترفند را مجتهد ندانند تکلیف مدعیان اجتهاد در زمان حاضر و در کلیه زمانها روشن و معلوم است . فاعتبروا یا اولی الابصار .

۲۰ – مرحوم آخوند ملا علی بن جمشید نوری مازندرانی.

حکیم فیلسوف ادیب شاعر متخلص به (نور) ، شرح حالش را بطور اجمال در ضمن اساتید مرحوم سید حجه الاسلام نوشتیم در این جاگوئیم مرحوم آخوند

ص : ۲۲۸

از جمله ارادتمندان به سید بوده و با وجود ضعف مزاج و کهولت سن و شیخوخیت بنماز ایشان حاضر میشده ، اینك دو داستان از او نقل می کنیم :

۱- وقتی جهت اقتداء بنماز به مسجد میرزا باقر می آید و در صف جماعت می نشنید اتفاقاً مرحوم سید اندکی دیرتر از وقت بمسجد می آیند چون مرحوم آخوند را در صفوف جماعت مشاهده می کنند میفرمایند : چرا جلو نایستادید تا مردم بشما اقتدا کنند و نماز از اول وقت عقب نیفتد؟ آخوند می گوید: من خود را عادل نمیدانم . سید میفرماید : در این سن هنوز عادل نیستید، خود جلو رفته و شروع نماز می کند .

۲- دفعه ای دیگر آخوند به مسجد سید آمده بودند اتفاقاً پیش آمدی جهت سید روی میدهد که بمسجد تشریف نمی آورند (وخبر می دهند که نمی آیم) روز دیگر که آخوند سید را می بیند با حال تغیر اظهار میدارد : من بخاطر شما مسجد می ایم آنوقت خود شما به مسجد نمی آئید مرحوم سید عذر میخواهد .

۲۱- مولی علی اکبر بن محمد باقر اژه ای.

عالم فقیه زاهد حکیم متکلم امام مسجد علی و مدرس در آنجا مؤلف کتابهای عدیده از آن جمله : ۱- رساله در معراج ۲ - رساله در نماز شب خیلی مفصل ۳ - زبده المعارف در اصول دین و اعتقادات بسیار مفصل و معروفترین تألیفات ایشانست هر سه کتاب بفارسی و مطبوع است و چندین کتاب و رساله دیگر ، در ۱۱ شوال ۱۲۳۲ وفات یافته و در تخت فولاد مدفون گردید .

۲۲ -ملا قربانعلی بن رمضان رودباری قزوینی شاعر متخلص به بیدل.

قبلا شرح مسافرت او را به اصفهان وعطا و بخشش مرحوم سید حجه الاسلام نسبت به او را نوشتیم در این جا گوئیم : کتب زیر از اوست : ۱- دیوان اشعار ۲- ماتمکده تاریخ فراغت از نظم ۱۲۶۶ مطبوع ۲- مصیبت نامه دوجلد مطبوع

۴- متقل که احتمالا یکی از دو کتاب چاپ شده سابق الذکر است .

رباعی معروف زیر را در هجو حاج میرزا آقاسی گفته است: نگذاشت برای شاه حاجی در می شدصرف قنات و توپ هر بیش و کمی نه خانه دوست را از آن چاه نمی به خانه خصم را از توب غمی

۲۳ – شیخ محسن بن محمد خنفر نجفی.

عالم فاضل محقق مدقق فقیه زاهد صاحب کرامات و مقامات شرح حالش در فوائد الرضویه (ص ۲۷۴ دوم) واحسن الودیعه (ص۱۱ یکم) ومعارف الرجال (ص ۱۷۵ دوم) وتکمله نجوم السماء (ص ۱۰۸ یکم) ومکارم الاثار (ص ۱۹۸۵ ششم) ومعجم رجال الفکر والادب (ص ۱۶۹) و دیگر کتب مسطور است

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۴) می نویسد:

شیخ محسن خنفر که یکی از مشاهیر مشایخ وفقهاء نجف بود وفاضل ودر فقه زیاد ماهرو از شاگردان شیخ علی بن شیخ جعفر نجفی بود .... باصفهان رفته بود و می گفت :

سید محمد باقر فضیات اوزیادتر از شهرت اوست واشتهارش از فضیلت او کمتر است.

در معارف الرجال (ص ۱۷۵ دوم) گوید :

شیخ محسن بن محمد بن خنفر در حدود سال ۱۱۷۶ متولد و در شب شنبه آخر ربیع الاول سال ۱۲۷۰ (در فوائد الرضویه ۲۲ ذی القعده ۱۲۷۱ می نویسد ودر تکمله نجوم السماء وفات اورا از قول سید محمد هندی یکی از شاگردانش ۲۹ربیع الثانی۱۲۷۰ شب شنبه بعد از عشاه در اواخر پائیزو اوایل حلول وباء بمرض تب مطبقه نوشته است) در نجف وفات یافت و در کتاب نام برده از شخصیت

و مقام علمی و زهد و تقوای اوستایش شده و گوید از مدرسین معروف بوده و حافظه بسیار قوی داشته بطوری که کتاب قانون ابوعلی سینا ووسائل الشیعه شیخ حر عاملی را در حفظ داشته و در تدریس طب یونانی متخصص بوده است .

۲۴ – آقا سید صدر الدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی عالم جلیل ومحقق بی نظیر.

مرحوم آقا سید صدر الدین از علماء بزرگوار و مجتهدین عالی مقداری است که بکثرت علم و حلیت تقوی معروف بوده در کلیه علوم دینی بالاخص فن رجال مهارتی فوق العاده داشته در سال ۱۲۹۴ متولد و در شب جمعه ۱۴ محرم الحرام سال ۱۲۶۳ در نجف اشرف وفات یافت ویرا تألیفاتی است.

مرحوم آقا سید صدر الدین بعللی به اصفهان مهاجرت نمود و با وجودی که بنا بگفته مرحوم حاج شیخ محمد باقر الفت در کتاب نسب نامه الفت (بنا بنقل مرحوم حاج سید عبدالحجت بلاغی در کتاب : اعلاط (به عین مهمله) درانساب (ص ۲۷) با سید حجه الاسلام رفتار خوشی نداشته لکن مرحوم سید حجه الاسلام با آن خلق و خوی بزرگوارانه و سخاوت و بخشش که در نهاد او سرشته بود نسبت به آن عالم جلیل نهایت لطف و مرحمت را داشته و در محله آب بخشان در کوچه شیخ ابو مسعود رازی چندین بلب خانه به ایشان بخشیده که وی وعیالاتش در آنها بآسودگی زندگی کنند و ضمناً متکفل مخارج ایشان و دختر شیخ جعفر یعنی عال ایشان نیز گردیده .

مرحوم آقا سید صدر الدین ازدو زن عقدی و چندین عیال منقطعه جمعاً بازده فرزند (پنج نفر پسر و شش دختر) داشته که اعلم واشهر ایشان مرحومین آنا مجتهد و آقا سید اسماعیل صدر می باشند . رحمه الله علیهم اجمعین .

۲۵- مرحوم آقا میرزا محمد بن عبدالفتاح نیشابوری اخباری.

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۷۸) می نویسد :

در وقتی از اوقات میرزا محمد اخباری وارد اصفهان شد در مجلسی از مجالس میرزا محمد اخباری وحاجی کلباسی رسید حجه الاسلام جمع شدند . میرزا محمد در مقام گله به حاجی اظهار داشت که :

من و شما در ایام تحصیل باهم رفیق بودیم و مرا با شما حق رفاقت است چرا پدیدن من نیامدی ؟

حاجی در جواب سکوت نموده حجه الاسلام در جواب فرمود:

حاجی از شاگردان کسی است که بشاگردانش گفته است : هر که از شما با اخباری مجالست و معاشرت داشته باشد عاق من است و از این جهت جناب حاجی بدیدن شما نیامده است.

میرزا محمد گفت : اکنون مسئله ای پیش آمد و آن اینست که : اگر حقوق با عقوق تعارض کتند کدامیک مقدم است ، سید فرمود که عقرق مقدم است و بر طبق مدعای خود حدیثی ذکر فرمود . میرزا محمد در سند آن حدیث قدح کرد و بر طبق مدهای خود که حقوق را مقدم بر حقوق میدانست چند حدیث باذکر مند از کتاب کافی قرایت کرده

مؤلف قصص العلماه پس از نقل این داستان می نویسد :

میرزا محمد اخباری در جدل ید طولائی داشت و کسی غیر از آقا سید علی بر او غلبه نکرده . مجادل بودن میرزا از این بابت بود که او را جامعیت بود و در مسئله ای که صحبت میداشت اگر خودرا عاجز میدید حضم را بتدابیر و حیل از آن مسئله بیرون برده و در علم دیگر وارد می کرد و اگر در آنجا نیز عاقبت کار را جز خویش مشاهده میکرد بالطائف الحیل بعلم دیگر می رفت و همین گونه عمل میکرد تا خصم را مجاب و عاجز مینمود و در یک مسئله استقامت و پایداری نداشت (انتهی).

ص:۲۳۲

میرزا محمد اخباری در ۲۱ ذی قعده۱۱۷۸ متولد و در روز شنبه ۲۷ربیع الأول سال ۱۲۳۲ در کاظمین کشته شده است. شرح زندگانی و دوران حیات اورا عموم نویسندگان بطور اجمال وتفصیل در کتب خویش نوشته اند ظاهراً مفصل تر از همه کتاب مکارم الاثار (ص۹۲۵ سوم) می باشد .

نویسنده گوید : در نزد نویسنده مجموعه ای است شامل ۱۲ رساله مختصر که مالك آن میرزا محمد اخباری بوده و در پشت صفحه اول آن بخط خود نوشته است :

ملکها بالشراء وانا العبد الائیم محمد بن عبد النبی النیسابوری عفی عنهما سجع مهر : صل علی محمد.

و در چند جای دیگر تملك خود را نوشته و مهر نموده است . بسجع مهر : اللهم صل علی محمد و آل محمد.

.

۲۶ –مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی علامه فقیه.

قبلا در موجبات شهرت مرحوم حجه الاسلام بیان مرحوم آقا سید محمد را نقل کردیم . در این جا احتیاج به تکرار آن نیست .

۲۷–منوچهر خان معتمدالدوله گرجی حاکم اصفهان.

در صفحات قبل نوشتیم که در سال ۱۲۵۲ محمد شاه حکومت اصفهان را به خسرو خان گرجی داده و پس از شورش سال ۱۲۵۲ مدت زمانی فرخ خان غفاری و از آن پس فضلعلی خان قراباغی حاکم اصفهان شد سپس در سال ۱۲۵۴ حکومت اصفهان را به منوچهر خان گرجی ملقب به معتمدالدوله دادند و اونا هنگام وفات مرحوم سید حجه الاسلام حاکم اصفهان بوده و در سال ۱۲۶۲ مرده است .

در باره شخصیت و خدمات منوچهر خان نویسندگان کتب بطور اجمال و تفصیل مطالبی نقل کرده اند . برخی ویرا بسیار ستوده و اعمال وخدماتش را به

اصفهان و ایران بشرح نوشته اند طالبین به کتابهای مربوطه مراجعه کنند .

آنچه مسلم است آنکه منوچهر خان با مرحوم سید حجه الاسلام رفتاری عاقلانه و مؤدبانه داشته و مرحوم حجه الاسلام نیز بر حسب شبوه مرضیه خود با اوطریق مسالمت پیموده است . در سال ۱۲۶۳ مرد واموالش را دولت خورده.

کتاب سؤال وجواب مرحوم سید حجه الاسلام در سال ۱۲۴۲ بچاپ رسیده و چاپ آن معروف به چاپ معتمدی است که مقصودهمین منوچهرخان است.

۲۸ –آقا سید مهدی بن آقاسید علی طباطبائی حائری عالم زاهد فقیه .

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۲۴) می نویسد :

مرحوم آقا سید مهدی چون دید یهود بشرایط ذمه عمل نمی کنند از عتبات به اصفهان آمد مرحوم سید حجه الاسلام نهایت اعزاز و احترام نسبت به آن بزرگوار مرعی داشت . وی از مرحوم حجه الاسلام خواهش کرد که بهمراه او بطهران رفته و در این باره اقدام مقتضی انجام دهند. مرحوم حاج سید محمد باقر نه تنها تقاضای او را قبول نفرمود بلکه او را نیز از این اقدام منع نمود . مرحوم آقا سید مهدی که مصمم بر این کار بود از گفتار مرحوم سید رنجیده و بی اطلاع مردم و ایشان از اصفهان بطهران حرکت نمود . بعد از ورود بطهران حکم نمود که آب را بر یهودیان بستند . محمد شاه حکم بر خلاف کرد ، یعنی دستور باز کردن آب را داد.

محمد شاه بدیدن آقا سید مهدی رفت لکن آن مرحوم بعنوان بیماری از خانه اندرون بیرون نیامد و عذر خواست بعداً بعنوان قهر به عبدالعظیم رفت در آنجا بیمار کشته شاه بعیادت او رفت باز بیرون نیامد و در همانجا وفات یافت و آخوند ملاجعفر شیرازی که از تلامذه شریف العلماه و از زهاد عصر بود بتغسیل و تجهیزات او پرداخت.

نویسنده گوید : علت عدم موافقت مرحوم سید حجه الاسلام چند چیز بوده است .

مرحوم سید که شاه و وزیر را بهتر از هر کسی می شناخت میدانست که این اقدام مثمر ثمری نخواهد بود و شاید موجب وهن مقام روحانیت وایشان بشود. در ضمن این شدت عمل را (بستن آب بروی زن و بچه یهودیانی که در حمایت اسلام می باشند) نمی پسندید و شرعاً جایز نمیدانست ووضع مزاجی ایشانهم اجازه مسافرت نمی داد .

مرحوم آقا سید مهدی برادر کوچکتر مرحوم آقا سید محمد مجاهد کربلائی بوده، و برا تألیفانی است از آن جمله :۱ - رساله در اصالت براهت ۲ - رساله در حجیت ظواهر کتاب وغیره .

فوتش در سال ۱۲۶۰ رویداده است و قبرش در کربلا در مقبره برادرش می باشد .

ص : ۲۳۵

در چندین مجلد می باشد .

۲۹شیخ نوح بن قاسم قرشی نجفی عالم وفاضل جلیل.

در معارف الرجال (ص ۲۱۱ سوم) می نویسد :

وی درست و مصاحب مرحوم سید حجه الاسلام بوده و مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی در خدمت او تلمذ نموده است . در سال ۱۲۶۰ به اصفهان مهاجرت نموده و مورد احترام قرار گرفت .

مشار الیه در حدود سال ۱۲۱۳ متولد و در سال ۱۳۰۰ در حین مراجعت از سفر حج در بین راه وفات یافته و جنازه به نجف اشرف حمل و در منزل خود دفن گردید . وی در رواق قبلی حرم مطهر در نجف اشرف اقامه جماعت می نمود وعده کثیری از مقدسین و متدینین از عموم طبقات به نماز او حاضر می شده اند . از تألیفاتش : ۱- کتابی در امامت تاریخ تألیف ۱۲۹۳ ه ق ۲- شرح شرایع در چندین مجلد می باشد.

آثار وجودی مرحوم سید حجهالاسلام رحمه الله علیه:

والباقیات الصالحات خیر عند ربک ثواباً .

در قرآن مجید در دو جا این عبارت یکی باضافه (وخیر املا) و در سوره کهف (آیه ۴۶) ودیگری در سوره مریم (آیه ۷۶) با اضافه رو (خیر مردا) ذکر شده است.

مفسرین در معنی باقیات الصالحات از قول حضرات معصومین علیهم السلام چندین قول روایت نموده اند ، از آن جمله :

ا- ذکر : سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر . ۲- نمازهای پنج گانه واجب بالاخص نماز ظهر. ۳- نماز شب است که حضرت باقر علیه السلام می فرماید : قیام اللیل لصلاه اللیل.

۴ – محبت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و حضرت صادق علیه السلام آنرا (اول النعم) فرموده است .

۵- گفتن لا اله الا الله واستغفر الله است .

۶- نماز و روزه و حج و جهاد وعتق وصله رحم. ۷- صلوات بر رسول اکرم و خاندان آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین . ۸- کلیه اعمال نیک است.

میزان سنجش شخصیت افراد آثار وجودی آنها می باشد ، و بهترین یادگار واثر هر انسانی چیزهای مفیدی است که از او در جامعه باقی میماند .

مرحوم سید حجه الاسلام در طول تقریباً نیم قرن (چهل و چهار سال) که

در اصفهان ساکن بود منشأ خدمات گرانقدری گردید که ذیلا بذکر پاره ای از آنها مبادرت می نمائیم :

ا- تربیت و تعلیم شاگردان که هر یک عالمی بزرگوار و مربی و معلم اجتماعی شدنـد که در آن زنـدگانی می نمودنـد از شـهرهای مختلف و قراء وقصبات وغیره .

۲- تألیف و تصنیف کتب مختلف در موضوعات فقهی ورجالی .

۳- تعیین حدود حرم و مسجد الحرام ومطاف در مکه معظمه در سالی که به حج خانه خدا مشرف گردید .

۴- بنیاد تأسیس مسجد در محله بید آباد که بنام خود آن مرحوم به مسجد سید مشهور است.

۵- ایجاد محله و بازار بیدآباد .

۶- تشکیل خاندان جلیل آل حجه الاسلام که اینک در اصفهان وطهران و برخی دیگر از شهرهای ایران با نامهای خانوادگی : جعفری - شفتی - عمادی - فقیه - موسوی - موسوی بیدآبادی وغیره شهرت دارند .

اینک بخواست خداوند متعال و باری از ارواح مقدسه اولیای دین بشرح موارد ششگانه فوق میپردازد .

ص : ۲۳۷

فصل سیزدهم: (تدریس – شاگردان)

اشاره

(تدریس – شاگردان)

مقدمه اول:

اسیب افاغنها به جامعه روحانیت

انقراض سلسله صفویه در سال ۱۱۳۵ (سال کشته شدن شاه سلطان حسین) وروی کار آمدن افاغنه بزرگترین لطمه و آسیبی بود که به جامعه روحانیت شیعه و مرکز علمی آنان یعنی شهر اصفهان پای تخت پادشاهان صفوی وارد گردید .

پادشاهان صفوی که خود نسبت به حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام میرسانیدند و از دیرزمانی به تشیع و ترویج آن از راه تصرف خدمتها کرده بودند از بزرگترین حامیان علماء شیعه و مروجین این مذهب و طریقه بودند، در دوره ابن سلاطین ایران پایگاه مقتدر تشیع و مرکز حکومت شیعه آنهم حکومتی بسیار توانا و نیرومند که میتوانست با تمام مشکلاتی که در راه استقلال و حاکمیت و حتی موجودیت او از حکومتهای سنی همچون عثمانیها و ازبکها و غیره برابری کند .

از سال ۱۰۰۶که اصفهان رسما بعنوان پای تخت ایران معین شد تا سال ۱۱۳۵ یعنی حدود ۱۲۹ سال اصفهان مرکز علم ودانش ومجمع علماء و فضلاء وحکماء وشعرای بزرگ گردید . علمای بزرگوار شیعه از گوشه و کنار ممالک اسلامی بدین شهر روی آوردند و با ترویجی که از طرف سلاطین از آنها می شد با کمال

فراغت و آسودگی بنشر علم و دانش و ترویج دین از کلیه راههای ممکن کوشیدند

وجود دانشمندانی همچون شیخ بهائی - میرداماد - مولی لطف الله عاملی - مولی عبدالله شوشتری و فرزندش مولی حسنعلی و مولی محمد باقر سبزواری و محقق خونساری آقا حسین و فرزندش آقا جمال الدین محمد و علامتین مجلسی مولی محمد تقی و مولی محمد باقر و دامادهای مجلسی اول و دهها بلکه صدها عالم رقیه و مجتهد دیگر محصول این دوره پرافتخار می باشند .

وجود این دانشمندان در اصفهان سبب شد که طالبین علم ودانش از هر طبقه و در هر موضوع از تمام شهرهای مملکت و خارج بدانجا روی آورند و بطور یقین در اواخر عهد صفویه طالبین علم در اصفهان چندین هزار نفر متجاوز بوده است .

فتنه افغان سبب شد که شیرازه این مجمع علمی و دار العلم مشرق از هم گسیخته شود. در طول مدت محاصره اصفهان وقبل و بعد آن جمعی از علماء و اعیان بابه مرگ طبیعی مردند و یا به تیغ جفای سربازان افغان شربت شهادت نوشیدند. جمعی کثیر نیز ترک خانه و کاشانه نموده و جلای وطن کردند، برخی در دهات اطراف سکونت نمودند و عده ای بشهرهای دور دست رفته و بعضی نیز به اعتاب مقدمه مهاجرت نمودند .

خاندان میر سید احمد عاملی سبط میر داماد - خاندان مولی محمد اکمل اصفهانی پدر علامه وحید بهبهانی - خاندان طباطبائی میر ابوالمعالی جل صاحب ریاض المسائل - سلسله جلیل طباطبائی بروجرد اعقاب میر سید محمد جد علامه بحرالعلوم وشیخ محمد علی حزین از این دسته علماء می باشند .

از آن همه عالم وفقیه ودانشمند که در اصفهان سکونت داشتند عده کمی باقی ماندند، آنان نیز در گوشه انزوا وغربت بسر میبردند طلاب علوم و دانشجویان بطور کلی متفرق شدند زیرا دیگر نه مدرسی بود و نه شرقی ونه امنیتی .

ص : ۲۳۹

در دوره نادر شاه (۱۱۶۰ – ۱۱۳۵) نیز هیچگونه توجهی بعلماء و دانشمندان وطلاب نمیشد و نادر سرگرم کارهای دیگر بود . زمان کریم خان نیز(۱۱۹۳ – ۱۱۶۳) نسبت به اینگونه امور توجهی نداشت لکن آرامش نسبی و امنیتی در اصفهان پیدا شده بود که باقیمانده دانشمندان می توانستند یکارهای علمی و تدریس و تالیف بپردازند.

علمای معروف این دوره یعنی از بعد از صفویه تا ابتدای قاجاریه در اصفهان همان خاندانهای علمی ما سابق بودند – سادات امام جمعه و خانون آبادی – خاندان علامه مولی محمد تقی مجلسی – سادات خلیفه سلطانی وغیره.

معروفترین عالم این زمان مرحوم ملا اسماعیل خواجوئی متوفی در ۱۱ شعبان ۱۱۷۳ مؤلف حدود یکصد و پنجاه کتاب و رساله می باشد پس از او دو عالم بزرگوار در اصفهان ظهور کردند هر دو از شاگردان مرحوم خواجوئی که فی الجمله توانستند چراغ علم ودانش را از نو برافروزند و حوزه علمیه این شهر را دوباره رونقی دهند اینان عبارت بودند از: ۱– میرزا ابوالقاسم مدرس خاتون آبادی (فوت او اخرذی الحجه الحرام ۱۲۰۲) ۲– علامه فقیه حکیم فیلسوف آقا محمد بیدآبادی (فوت جمعه ۹ محرم ۱۱۹۷).

این دو بزرگوار و دیگر علمای این زمان در اصفهان عده زیادی از طالبین علم و دانش و مستعدین را تربیت نموده و اصفهان را آماده یک جنبش علمی ودینی نمودند .

در اوایل قرن سیزدهم هجری چندین نفر از بزرگان فقهاء و مجتهدین به اصفهان مهاجرت نمودند و وجود اینان در اصفهان موجب شد که از هر شهر و دیار طالبین علم وحکمت باین مرکز علمی روی بیاورند. اینان عبارت بودند از :

۱- حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) پدرش نیز در این شهر ساکن بوده است .

۲- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی.

۳- آقا شیخ محمد تقی بن محمد رحیم رازی صاحب حاشیه معالم (فوت نیمه شوال ۱۲۴۸).

۴- حاج ملا علی بن جمشید نوری حکیم (فوت ۲۲ رجب ۱۲۴۶). ۵-آقا سید صدرالدین محمد عاملی (۱۲۶۳- ۱۱۹۳). - آقا سید محمد مجاهد طباطبائی کربلائی (فوت ۱۲۹۲). مشار الیه پس از فوت پدرش آقا میر سید علی صاحب ریاض المسائل به کربلا مراجعت نمود . و جمعی دیگر از علماء و مجتهدین .

وجود این مجتهدین بزرگ و دیگر علمای این شهر سبب شد که طالبین علم از گوشه و کنار دو مرتبه جمع شوند و از هر نقطه دور و نزدیک و از داخل وخارج ایران محصلین دانشجویان برای درک فیوضات علمی و معنوی بدین شهر روی آورند و حوزه علمیه اصفهان رونق ورواج اولیه خودرا بدست آورد.

ملکات نفسانی و فضائل روحانی و تفقد ودلجوئی در حرم سید حجه الاسلام از علماء و طلاب و رسیدگی بامور مادی و معنوی ایشان یکی از موجبات پیشرفت این نهضت علمی می باشد .

در کتب تراجم رجال و شرح حال علماء قرن سیزدهم هجری بنام بسیاری از علماء برخورد می کنیم که درباره آنها می نویسند : نزد علماء اصفهان تحصیل نموده است بدون آنکه نام استاد را ذکر کنند و یا از علماء اصفهان اجازه داشته بظن قریب به یقین میتوان گفت بیشتر کسانی که در نیمه اول قرن سیزدهم (یعنی از سال ۱۲۱۶ سالی که سید حجت الاسلام باصفهان وارد شدند تا سال ۱۲۶۰ سال وفات ایشان

یعنی ۴۴ سال) در اصفهان به تحصیل فقه و اصول و سایر علوم دینی اشتغال داشته اند و در محضر مرحوم حجه الاسلام رانموده و از علوم و فضائل ایشان بهره مند شده واز خوان نعم او متنعم و برخوردار بوده اند ، اگر چه مدت زمان آن اندکی باشد.

مقدمه دوم :

تدریس

در روضات الجنات (ص۲۹۴ دوم ترجمه) در این باره می نویسد :

در موانع تدریس با مناسبت مختصری بشرح احوال رواه اشاره میکرد و درسش منحصر به فقه و حدیث بود و نعمتی در اصول و امثال آن نمی نمود .

در قصه العلماء (ص ۱۳۶) در این موضوع می نویسد :

اما تدریس حجه الاسلام پس در نهایت دقت ومتانت بود و نهایت تفصیل اقوال فقهاء میداد و در فهم عبایر ایشان وجوه واحتمالات بسیار ذکرد میکرد و جمعیت زیاد در درس او می شد لیکن کم درس میفرمود هفته ای دو روز با سه روزها کمتر بعضی از ایام هیچ درس نمی گفت و در بعضی از اوقات در میان درس ارباب مرافعه میان مجلس می ریختند و درس بهم میخورد.

در جای دیگر می گوید : هر زمانی که در رجال تکلم مینمودگوئیا از زمان ولادت ایشان تاوقت وفات هر یک حاضر بوده است.

آنچه از فرمایشات بزرگان درباره تدریس مرحوم سید حجه الاسلام استفاده میشود آنست که : آن مرحوم درس را محققانه و از روی تدقیق بیان میفرمود، و در نقل هر مسئله از مسائل فقهی کلبه اقوال بزرگان از مجتهدین و صاحبنظران را نقل میفرمود و در بیان مطالب تمام وجوه و احتمالات را بتفصیل شرح میداد ،

بطوری که هیچ نکته مجهولی برای شاگردانش باقی نمی ماند سپس به نقض و ابرام ونقد و انتقاد فرمایشات علماء میپرداخت و در تایید یا رد گفتار آنها می کوشید و آنرا با ادله عقلی و نقلی بیان میفرمود و نسبت به ماه گذشته کمال احترام را رعایت میکرد و نام آنها را با عظمت و بزرگی یاد میکرد

بدین جهات و بعلت های دیگر عده زیادی از بزرگان و مجتهدین و دانشجویان در محضر او حاضر می شدند و از برکات مادی و معنوی او بهره مند میشدند .

اینک اسامی برخی از شاگردان و مجازین از ایشان برحسب حروف تهجی

۱- سید آقا بزرگ حسینی قاضی عسکر اصفهانی

سادات قاضی عسکر اصفهان از سلسله سادات حسینی راز اعقاب می رسید محمد معروف به قاضی عسکر که در عهد نادر شاه افشار منصب قضاوت لشکر داشته از اعتاب میر سید محمد مشهور به میر آفتاب از معاریف عهد صفوی که نسب او با بیست و پنج واسطه به جناب زید بن الامام علی بن الحسین علیهما السلام منتهی میشود، می باشند .

صاحب عنوان از شاگردان سید حجه الاسلام و از خواص اصحاب حاج سید اسد الله ومنشی ونویسنده جواب استفتاءات وسؤالات ومکتوبات ایشان بوده است درحدود سال ۱۳۰۰در اصفهان وفات یافته ودر قبرستان آب بخشان مدفون گردید.

از آثارش کتابی است بنام : درر المنثوره در پنج باب وخاتمه تاریخ تألیف ۱۲۷۰ نسخه ناقصی از آن نزد نویسنده موجود است .

نسب میر سید محمد جد سادات قاضی عسکر اصفهان ساکنین محله بیدآباد

ص : ۲۴۳

بقرار زير است :

السيد الجليل السيد محمد الشهير بقاضى عسكر ابن محمد بن طاهر بن محمد ابن بدر الدين بن محمد الملقب بمير آفتاب ابن على بن حيدر بن نورالدين بن عطاء الله بن احمد بن محمد بن محمد بن طاهر بن محمود بن حميد بن على بن طاهر بن محمد بن احمد بن محمود بن ابراهيم بن حسن بن اسحق بن حمزه بن محمد بن حمزه بن احمد بن جعفر بن محمد بن زيد بن الامام على بن الحسين زين العابدين عليهما السلام .

(فائده) : مرحوم معلم حبيب آبادى در مقدمه جلد يكم مكارم الاثار (ص۵۰) به نقل از تذكره الملوك (ص ۳) مى نويسد: قاضى عسكر به كشيك خانه ديوان بيكيان بحكم شرعى عساكر منصوره ميرسيده ... شغل قاضى عسكر در اواخر زمان سلاطين صفويه منحصر بآن شد كه عساكر نصرت مآثر سواد ارقام تنخواه مواجب خودر ا كه بممالك محروسه ميفرستادند قاضى عسكر ميرسانيدند ...

۲- آقا دكمه چين

مرحوم آقا ميرزا محمد بن ميرزا محمد باقر بن مير محمد صالح بن سيد جعفر بن مير محمد صالح خاتون آبادى سبط علامه مجلسى رحمه الله عليه .

مير محمد صالح در محله چهارسو على قلى آقا از متفرعات محله بيدآباد ساكن ودر مسجد على آقا امامت مينموده و به آقاى دگمه چين (تكمه چين) مشهور بوده و اين شهرت تا اين زمان در بين اعقاب او مشهور و به سادات تكمه چين و در سالهاى اخير كلمه : سادات را نام خانوادگى خود قرار دارند .

در هر حال مرحوم آقا ميرزا محمد عالم فاضل جليل از شاگردان مرحوم

حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده و در محله چهارسو علی قلی آقا مورد توجه و عنایت مؤمنین و مقدسین بوده و نظارت موقوفات علی قلی آقا را داشته است

فائده : برخی دیگر از علماء این زمان از راه دگمه چینی اعاشه مینموده اند از آن جمله : آقا محمد بید آبادی است بطوری که در کتاب رستم التواریخ نقل می کند.

۳- حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

(۱) از علماء وشهاء، ومجتهدین بزرگوار و از شاگردان و مخصوصین مرحوم محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص ۴۷۷ دوم) می نویسد که : انه باب من أبواب الجنه

دقیقه در جه طول جغرافیای آن - عرض ۱ ، ٥٠ انمان قبله ون

۲۶ جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا (۱۲۹۰) ۱۳۲۰ متر (تاریخ طهران تالیف

سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتاشناسی

ص : ۲۴۵

۱- قزوین بروزن پروین حاجی شیروانی (۱۲۵۴ - ۱۱۹۴) در بستان السیاحه (ص ۴۳۱چاپ اصفهان) خلاصه می گوید: قزوین شهری است دلنشین در زمین هموار افتاده و اطرافش گشاده اصل آن گزوین بوده عربان معرب نمودند . .. آبش از قنوات و بسیار کم هوایش انقلاب دارد، حمد الله مستوفی احادیث چندی در اوصاف قزوین در کتاب نزهه القلوب روایت می کند . انتهی . محدث قمی رضوان الله علیه در سفینه البحار (ص ۴۲۷ دوم) می نویسد که : انه باب من أبواب الجنه. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیای ان-/- /۵۰ عرض ۵۰/۱۵/۳۶ . انحراف قبله ۵۵/-/ ۳۴درجه جنوب غربی . ارتفاع از سطح دریا (۱۲۹۰) ۱۳۲۰متر (تاریخ طهران تألیف سرتیپ یکرنگیان) شناسنامه جغرافیای طبیعی ایران نشریه سازمان گیتا شناسی

سید حجه الاسلام بوده و سید حجه الاسلام در تاریخ ۱۲۴۶ جهت مشار الیه اجازه مفصلی مرقوم فرموده و در آن از وی ستایش بسیار نموده و تصریح کرده است که مدتها خدمت او رفت و آمد مینموده و بدرس او حاضر میشده تا بدرجه اجتهاد نائل گردیده است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۸۹) می نویسد : از خواص شاگردان سید بوده تا جائیکه حاج محمد جعفر آبادهای با آن جلالت قدر آرزوی مقام اورا مینمود و بحال او غبطه میخورده است.

صاحب عنوان در قزوین متولد گردیده و در آنجا و اصفهان تحصیل نموده و در این شهر سکونت اختیار نموده و در مسجد آقا نور واقع در محله در دشت امامت مینموده و از آثار باقیه اش شبستان و نابی وهشتی و سر درب وحوضخانه مسجد مزبور است (ص ۱۲۸ سپاسگزاری از مردم نشریه اوقاف اصفهان) دیگر از آثار او کتابخانه مشار الیه می باشد که از کتابخانه های کم نظیر در اصفهان در قرن سیزدهم بوده و پس از وفات ایشان بتدریج از بین رفته و قسمتی از آنرا در سالهای اخیر به کتابخانه امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف که بوسیله مرحوم علامه حاج شیخ عبدالحسین امینی تبریزی تأسیس شده بود اهداء نمودند و اینک از این کتابخانه اثری باقی نیست.

چون سید محمد علی بن سید مؤمن حسینی اردستانی در رمضان سال ۱۲۵۹ قرآنی جهت منوچهرخان معتمد الدوله گرجی حکمران اصفهان بخط نسخ زیبا روی پارچه کتان نوشته بود تمام شد مرحوم قزوینی آنرا تصحیح نمود . و اینک قرآن نامبرده بشماره (۱۱۴) در کتابخانه آستان قدس رضوی موجود است (ص ۵۶۹ سوم آتشکده اردستان).

تنها آثار علمی صاحب عنوان حواشی مشار الیه است بر حدیث غمامه که

فرزند دانشمندش مرحوم حاج شیخ محمد حسین آنها را بدون نموده و بصورت کتابی مستقل در آورده است (ص ۱۹۱ سیزدهم الذریعه).

مرحوم قزوینی بعد از سال ۱۳۹۳ وفات یافته و دو فرزند دانشمند از او بجای ماندند : ۱- حاج شیخ محمد متونی در شب ۱۸ ذی الحجه سال ۱۳۰۴ در اصفهان ۲- حاج شیخ محمد حسین .

مرحوم حاج آنا محمد قزوینی پس از وفات پدر وارث محراب گردید و پس از فوت ایشان فرزندش مرحوم آقا محمد جواد و بعد از ایشان مرحوم حاج آناباقر قزوینی معروف به دردشتی متوفی بسال۱۳۶۲ و بعد از ایشان برادر دانشمندش مرحوم حاج آقا کمال الدین قزوینی در مسجد آقا نور امامت مینمود و در شب ۱۶ محرم سال ۱۳۹۴ در اصفهان وفات یافته روحانیت در این سلسله به انتها رسید ایشان آخرین فرد روحانی این خاندان جلیل بشمار میرفت و رحمه الله علیهم

اجازه مرحوم سید حجه الاسلام ضمن مجموعه اجازات حجه الإسلام بنظر علامه طهرانی رسیده است،

آغاز : الحمد لله الذی انزل علی عبده القرآن ...

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۶۲۹ پنجم) وفات صاحب عنوان رادو ساعت بر آمده از روز چهارشنبه بیست و نهم محرم الحرام سال ۱۲۶۱ می نویسد ، سپس خود ایشان می نویسد چهارشنبه ۲۱ درست نیست زیرا غره محرم این سال جمعه بوده (بنابر این جمعه می شود و چهارشنبه ۲۷ بوده و یکی از این در روز هفته و ماه اشتباه است).

دانشمند محقق متبع جناب آقای روضاتی در پاورقی این صفحه رصفحه بعد راجع به شیخ محمد حسین مطالبی نقل نموده اند که قابل دقت و توجه است

ص :۲۴۷

و از آنها چنین بر می آید که شیخ محمد حسین قزوینی نبوده و فرزند صاحب عنوان نمی باشد .

۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی

۴- سید محمد ابراهیم موسوی کابلی(۱)

از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و مورد وثوق ایشان و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام تلمذ نموده تا خود عالمی کامل گردید . مشار الیه نویسنده دیباچه برکناب سؤال و جواب سید حجه الاسلام می باشد و در آن فهرست مطالب کتاب را آورده است، نسخه این سؤال و جواب بشماره (۷۴۰) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص ۱۸۰۱ پنجم فهرست کتابخانه دانشگاه).

مشارالیه سرکاری و نظارت ساختمان قسمتی از بنای مسجد سیدرا بعهده داشته و نامش در کتیبه مسجد مذکور است، از آنجمله در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی اشعاری است که در آن می گوید : اور سزد گر کعبه اش دانی که شده سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیسل خواجه کیهان

مشار الیه پس از وفات در مقبره کوچک مسجد مدفون گردید . سال وفاتش بدست نیامد فرزندش مرحوم سید عبدالحفیظ مدفون در بقعه العلماء تکیه آقاحسین خونساری در تخت فولاد و فرزند زاده اش مرحوم آقا میرزا محمد علی وفرزند

۱- کابل از شهر های افغانستان است. ثانیه/دقیقه/درجه طول : ۶۹/۹/۰۰ عرض: ۳۴/۳۱/۰۰ انحراف قبله:۷۰/۰۵/۳۷جنوب غربی

ایشان مرحوم حاج آقا نصیر الدین موسوی متوفی در مکه معظمه همگی اهل فضل و دانش و علاوه بر آن دارای خطی نیکو بودند .

مرحوم عماد الاسلام نواده مرحوم حجه الاسلام در آخر نسخه ای از کتاب هدایه السالکین در شرح احادیث اربعین می نویسد : جهته منسوب شدن ایشان بالی این است که : مرحوم سید حجه الاسلام در صدد بودند کتاب مدینه العلم تألیف شیخ بزرگوار صدوق را بدست بیاورند خدمت ایشان گفته شد نسخه آن در کابلی موجود است علی هذا مرحوم حجه الاسلام عموزاده خود صاحب عنوان را جهت تحصیل کتاب بدان سمت روانه کردند و ایشان پس از مدتی توقف و جستجو مأیوسانه مراجعت نمود.

ص ۴۴ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۵- ملا محمد ابراهیم بن علی اکبر بن علی جان دهکردی

:(۱)

سالها در اصفهان بدر حجه الاسلام شفتی (وخبر ایشان) حاضر شده تا بدرجه رفیعه اجتهاد نائل گردید در مسجد محله نو اصفهان امامت مینموده تا موقعی که برخی از خوانین چالشتر از خدمت حاج سید محمد باقر تقاضا می کنند که عالمی

ص : ۲۴۹

۱- دهکرد که در سالهای اخیر انجا را شهر کرد نامیدند در قدیم جزو اصفهان بوده و در تقسیمات اخیر کشور استان مستقلی شده (استان چهار محال). ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۰/۲۵/۰۰ عرض:۳۲/۲۲/۰۰ انحراف قبله:۴۴/۲۵/۲۱جنوب غربی جمعیت سی و پنجهزار نفر (ص ۲۸۶ تاریخ و جغرافیای چهارمحال جلد یکم) . ارتفاع از سطح دریا ۲۰۶۰ متر .

با تقوی جهت رسیدگی بأمور شرعی و کارهای دینی مردم شهر کرد اعزام دارد و از ایشان استدعا می کنند که آخوند ملا محمد ابراهیم را که از هر جهت شایستگی دارد اعزام فرماید .

مرحوم سید حجه الاسلام با تقاضای آنان موافقت نموده و صاحب عنوان را بدانست فرستاده و طی نامهای مورخ ۲۱ ذی الحجه ۱۲۴۶ سفارش مشار الیه را بمردم آن سامان میفرماید .

سال وفات مولی محمد ابراهیم معلوم نیست و سن مشار الیه هنگام نموت بین شصت و هفتاد سال بوده است. وی جد خاندان جلیل آل ابراهیم دهکردی می باشد .

ص ۵۹۳ - تاریخ وجغرافیای چهار محال جلد یکم

در کتاب نام برده می نویسد: مرحوم سید حجه الاسلام قریه هارونی که مجهول المالك ودر اختیار ایشان بوده است را به جهت مخارج زندگی به مرحوم آخوند واگذار می نماید و ایشان را بهمراه فرزند خود مرحوم حاج سید اسدالله به دهکرد اعزام میفرماید و در نامه یکی به عباسقلی خان ودیگری به حاج محمد رضا خان چالشتری مرقوم فرموده در معرفی و سفارش مرحوم آخوند در هر دو نامه آخوند را به عناوین : محامد صفات محاسن اخلاق فضائل ماب فواضل اکتساب علام مهام وصف نموده و می نویسد که از معتمدین علماء می باشد و همچنین در نامه دوم می فرماید که :

این خادم شریعت مطهره علی صادمها آلاف التحیه مأذون نمودم ... در اقدام به شعائر اسلام مثل نماز جمعه وانیان فرائض بجماعت واخذ زکره وایصال به ارباب حاجات از ارباب استحقاق و تصرف در سهم امام علیه السلام واموال غایب وصغار بنحوی که اصلح بحال آنها دانسته و قطع وختم نزاع ما بین متنازعین

ص : ۲۵۰

بمصالحه وتحطین وعقود و نکاح و معاملات و طلاق ونحوها ... الخ.

حرره خادم الشریعه فی سنه ۱۲۶۴

۶- سید ابوالحسن بن محمد ابراهیم موسوی

از بنی اعمام سید حجه الاسلام شفتی بوده و در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده وعمده تحصیلات مشار الیه در نزد مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

سال تولد روقات مشارالیه بدست نیامد . پس از فوت در مقبره کوچک وانع در دالان مسجد سید مدفون گردید ، اولاد و اعقایش به موسوی و کابلی شهرت

دارند .

دکتر عیسی صدیق (صدیق اعلم) استاد دانشگاه تهران و رئیس اسبق دانش سرایعالی از نواده های دختری مشار الیه می باشد .

دکتر عیسی صدیق مؤلف کتب ورسائل عدیده ای است و بسال ۱۳۹۸ فوت

گردید .

۷- سید ابوطالب بن ابی تراب بن قریش

بن ابیطالب بن یونس حسینی قاینی (۱)

شهرکی است نزدیک طبس بین نیشابور و اصفهان، و در معجم البلدان گوید قاین قصبه لهستان و دهانه خراسان و خزانه کرمانست و بین قاین و نیشابور نه مرحله راهست و تا طبس سینان دوروزه راه.

مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در بهارستان (ص ۱۳) می نویسد :

قاین شهری است کوچک در حدود هشت هزار جمعیت دارد محصول عمده ائی زعفران است... در زمان سابق دار الملک قهستان بوده ...

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی آن:۵۱/۱۱/۳۰

عرض:۳۳/۴۳/۰۰

انحراف قبله:۵۹/۱۳/۰۹جنوب غربی میباشد

ارتفاع از سطح دریا۱۴۴۰متر

۱– قاین بر وزن مایل . شیروانی در بستان السیاحه (ص ۴۱۵ چاپ اصفهان) بخلاصه می نویسد : ولایتی است مشهور و دیار پست مذکود ... هوای بعضی □لادش گرم و بعضی ملایم آبش از کاریز ومحالش حاصل خیز ... از مضافات خراسان است، عموم مردم ایشان ما بر وقائع وشجاع ودلیر و در بعضی اوصاف حمید□ دلپذیرند : اور اعیان الشیعه (ص ۳۲۲ هفتم) بنقل از سمعانی گوید :

از اعاظم فقهاء و مجتهدین ورؤساء ملت و دین . مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی در کتاب بهارستان (م ۳۰۰) و همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۴۰ یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۲۷۸ سوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان اورا بعلم وفقاهت ستوده اند، در بهارستان گوید : گاهی در بیرجند و گاهی در این اقامت داشته و بدان ریاست مطلقه و عظمت و بزرگی در این نواحی عالمی بهم نرسیده جمعی امر تقلید او را بر گردن نهاده و اجرای حدود مینمود و بفتوای او چند نفر را امیر علم خان حاکم وقت گردن زد.

سالها در اصفهان در خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام تلمذ نموده و سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و خندهت علماء ان ارض مقدس از آنجمله شیخ محسن خنفر تحصیل نموده تا بمقامات عالیه علم واجتهاد رسیده از حاجی کلباسی و شیخ محسن خنفر مجاز بوده است پس از مراجعت مدتی در مشهد مقدس ساکن و سپس به بیرجند و قائن رفته و بتدریس و ترویج و تألیف پرداخته سرانجام

در روز پنج شنبه ۶ شوال سال ۱۲۹۳ در مراجست از سفر حج در کراچی وفات یافته و هم در آنجا دفن گردید .

کتب زیر از تألیفات اوست: ۱- الدره الباهره در توحید و امامت ۲- الدروس الفقمیه ۳ - رساله در صلوه مسافر ۴ - رساله در عقاید ۵ - رساله در قضا وشهادات

۶- رساله دروقف۷ - السبعه السیاره بالکواکب السبعه در هفت مسئله از مسائل اصولیه ۸- سؤال وجواب نظیر جامع الشتات۹ - الفوائد الغرویه در درایه ورجال ۱۰ - اللؤلؤه الغالیه در اسرار شهادت ۱۱- ماهی الضلاله والغوایه در رد کتاب شمس الهدایه تألیف ملا شمس هراتی سنی (ملا خان مفتی مرات)۱۲-مرآه الوحده و این کتاب آخرین تالیف اوسمت ۱۳ - مکاسب ۱۴ و۱۵ - مناسک حج دو رساله ۱۶ - ینابیع الولایه در علم فقه وغیره .

در تاریخ علماء خراسان (ص ۱۱۴) ویرا عنوان نموده و فوتش را قبل از انجام اعمال مناسک حج در سال ذکر شده نوشته و کتب زیر را بر تألیفاتش افزوده است: ۱- احیاء موات ۲ - تعلیقات متفرقه .

۸- شیخ ابوالقاسم اصفهانی

(۱)

مشهور به قاری از فضلاء ودانشمندان اصفهان بوده محضر میرزای قمی را درک نموده و در اصفهان خدمت مرحوم سید حجه الاسلام و مولی ابوالحسن قاری

۱- اصفهان - شهرت و عظمت اصفهان مارا از شرح و بیان درباره ان بی نیاز می گرداند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۱/۴۱/۳۰ عرض:۳۳/۴۰/۰۰ انحراف قبله:۴۶/۰۳/۲۸جنوب غربی

اصـفهانی تلمـذ نموده است و جمعی از بزرگـان همچون آقا محمـد مهـدی فرزنـد حاجی کلباسـی در خـدمت او تلمـذ نموده انـد و از کلمات ومواعظ او بهره مند گردیده اند.

ص۴۳ یکم الکرام البرره

نویسـنده گویـد : مراد از مولی ابوالحسن قـاری ممانـا مولی ابوالحسن خواجوئی اصـفهانی از اساتیـد فن قراءت وتجویـد می باشـد ، وی مؤلف رسالهای است در تجوید بفارسی که آنرا در سال ۱۲۲۵ تألیف نموده است.

ص ۶۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان – ص ۱۳۶ یازدهم الذریعه

بنابر این صاحب عنوان از اساتیـد فن فرامت بوده و آقا محمـد مهدی کلباسـی نیز ظاهراً در فراهت خمدت او تحصـیل نموده است ، والعلم عند الله تبارك

وتعالی.

۹– شیخ ابوالقاسم بن محمد صادق

بن محمد تقی بن زین العابدین بن محمد تقی بن محمد باقر بن حیدر علی بن کلب علی بن مولی نوراء بن محمد بن محمد بن الشـیخ علی بن عیسـی عاملی اسـتاد شـهید دوم وعموزاده شـیخ شـمس الدین جزینی و از طرف مادر از نوادههای مولی اشـرف بن حیدر علی فروشانی سدهی مؤلف تفسیر آیه الکرسی.

عالم فاضل محتن در حدود سال ۱۲۳۰ در قریه ونوسفادران (بن اصفهان)

ص : ۲۵۴

متولـد گردیـده و در نزد علماء سـده و اصـفهان تحمیل وتلمـذ نموده در نجف اشـرف نیز بـدرس اساتید آنجا حاضـر گردیده است و تقریرات اساتیـد خـود را در ته و اصول برشـته تحریر در آورده است: ۱- کشف الاـصول در ۶ مجلدبزرگ ۲- کشـف الفقه در ۱ مجلد بزرگ وخبره، مشار الیه ظاهراً (بر حسب آنچه نواده ایشان مرحوم حاج شـیخ أبو القاسم نورائی میفرمود) از شاگردان سـید حجه الاسـلام وحاجی کلباسـی و بالاخص آقا سـید حسن مدرس میر محمد صادقی در اصفهان بوده و در سال ۱۳۰۵ در سـده وفات یافته و همانجا مدفون گردید (ص ۲۰ و۵۱ هیجدهم الذریعه و اطلاعات متفرقه)

۱۰– سید ابوالقاسم بن محمد کاظم

محمد بن محمد کاظم زنجانی (۱) فرزند امیر محمد حسین بن سید محسن (جدسادات موسوی زنجانی اصفهان)

ص:۲۵۵

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۰۵) به خلاصه می نویسد: زنجان شهریست بهجت توامان ... از مضافات آذربایجان آبش خوب وهوایش مرغوب ... آن شـهر سـمت مغرب سـلطانیه واقع و از اقلیم رابع و اطرافش واسع است دورش بارونی کشیده اند ... دانشمند محترم حجه الإسلام حـاج سـید ابراهیم موسوی زنجـانی در مقـدمه کتـاب تاریـخ زنجـان اقوال مختلف بزرگان را در باره این شـهر نقل نموده است خلاصه آنکه : زنجـان بازنگـان در قـدیم بنام خسه مشـهود بوده در سـر راه طهران به آذربایجان قرار دارد و جزء اسـتان یکم کشور می باشـد ، زنجان باضافه آبادیهای آن حـدود ۴۴۵ هزار نفر جمعیت دارد، شـهر زنجان حـدود ۳۰ مسـجد بزرگ و کوچک و چنـدین مدرسه علوم دینی دارد ، صـنعت چاقوسـازی این شـهر مشـهور است . ثـانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۲۸/۰۰درتاریـخ زنجان ۴۸/۲۹ عرض:۳۶/۳۹/۰۰ –۲۶/۳۵/ انحراف قبله:۲۸/۳۸/۱۲جنوب غربی و ارتفاع از سطح دریا ۱۹۰۰ متر می باشد . جمعیت شهر درسال ۱۳۳۰خورشیدی ۶۵۰۲۱ نفر . ارتفاع از سطح دریا ۱۶۵۰ متر .

فرزند امیر سلیم بن برهان الدین بن سید شامی ابن حسن بن عبد الله بن علی بن سلیمان بن عبد الصمد (احمد) بن محمد بن داوود بن ابراهیم بن علی بن خلیل بن ابراهیم السمین بن تاج الدین بن عزالدین بن عبدالرحیم بن قاسم بن ابراهیم بن حسین بن موسی الثانی بن ابراهیم الاصغر ابن الإمام موسی الکاظم علیه السلام . .

در سال ۱۲۱۲ (ص ۱۷۵ تاریخ زنجان) ویا ۱۲۲۴ (ص ۶۱ یکم الکرام البرره) در زنجان تولد یافته در موطن خود مقدمات علوم را فرار گرفته سپس در قزوین نزد مولی عبدالوهاب قزوینی و مولی محمد تقی شهید مدنی تلمذ نموده سپس به اصفهان مهاجرت نموده در این شهر خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی به تحصیلات خود ادامه داده تا بمقام اجتهاد رسیده و در سن سی و پنج سالگی با داشتن اجازات روایتی واجتهاد از حاجی کلباسی و دیگران به زنجان مراجعت نمود و به ترویج دین وامر بمعروف و نهی از منکر واقامه حدود و تدریس و تألیف و تصنیف پرداخته و در فتنه باب دچار رحمانی شده و در دفع ورفع ایشان جدبلیغ نموده و در ابطال عقاید آنان کتابها نوشته است. در تاریخ زنجان چهل و سه کتاب و رساله از تالیفات اورا نام میبرد که از آن جمله است: ۱ایضاح الدلائل فی عقد الانامل ۲ – تسلیه الملهوفین ۳– حجه الابرار در اثبات حرمت شراب در تمام ادیان و اعصار ۴ – الحسینیه در جواز شبیه در عزاداری ۵ – خلاصه الفروع ۶ – سد الباب و کتابهای تخریب الباب وقلع الباب وامع الباب ورساله دیگر هر پنج کتاب در رد با بیه ۷– شرح خلاصه الحساب ۸– شرح قواطع

الاوهام ۹- القبسات در مصائب آل محمد علیهم السلام ۱۰- قره الابصار در زبر وبینه ۱۱- کشف دساتر در شرح کلمات بابا طاهر ۱۲ - لب اللباب در حبوه ۱۳- مقالید الابواب در پنج مجلد۱۴- ملاحم القرآن ۱۵- نور العینین درمصائب حضرت اباعبد الله الحسین علیه الاسلام ۱۶- وسیله الغفران در علم کلام

۱۷ -هلالیه .

صاحب عنوان در روز سه شنبه سوم جمادی الاول ۱۲۹۲ در زنجان وفات یافته و سه فرزند دانشمند از او بجای ماند: ۱- میرزا ابو المکارم ۲- میرزا ابوطالب ۳- میرزا ابوعبدالله رحمه الله علیهم اجمعین .

۱۱- حاج میرزا ابوالقاسم بن حاج سید مهدی کاشانی

(۱) در لباب الألقاب (ص ۷۸) درباره او گوید : از رؤساء علماء کاشان عالم فاضل وفقیه کامل وورع صالح عابد زاهد محتاط.

ص : ۲۵۷

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۴۶۰) می نویسد : کاشان بلده ای است مسرت نشان به این شهر ما بین قم و اصفهان اتفاق افتاده و جوانب اربعه اش گشاده است آبش معتدل وهوایش بگرمی مایل گویند در بیده خاتون زوجه هارون این شهر را احداث نموده و در زمان صفویه بغایت معمور ... مردمش از قدیم مذهب امامیه دارنده اور احسن الودیعه (ص۱۸۲ دوم) نقل ازیائون گوید : شهری است نزدیک اصفهان و همیشه باشم گفته وذکر می شود و مردم آنجا همگی شیعه می باشند (انتهی) در تمام کتب جغرافیا که در قدیم نوشته شده است مردم کاشان را به تشیع و تصلب در آن ستوده اند همچنین مردم قم که از اشعریین و از دوستان خاندان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و عده ای زیاد از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام در بین آنان بوده است . سنیان که از دشمنان اهل بیت بودند دوستان این خاندان را نیز به بدی یاد میکردند ومثل معروفی که در بین برخی از عوام و جهال از روی عدم بصیرت گفته میشود که: نه قم خوبست نه کاشان - الخ، از همین جا سرچشمه گرفته است و من می گویم : هم قم خوبست وهم اشان - لعنت به بدگوهاشان . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۱/۲۹/۰۰ عرض جغرافیائی:۲۳/۵۹/۰۰ ارتفاع از سطح دریا:۴۲/۱۵/۵۱جنوب غربی

قوی القلب از هر شائبه و پاک از آلودگیهای حرص طمع مرجعیت خواص و عوام داشته و به حکام بدون اعتنا و توجه بوده است.

از شاگردان حاج سید محمد باقر اصفهانی (شفتی) بوده در سال ۱۲۸۱ وفات یافته و قبرش در کاشان معروف است.

۱۲– حاج سیداحمد بن میر سید حسین حسینی مرندی اصفهانی

ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۸۵) می نویسد:

مرند ناحیه ای است ارجمند از نواحی تبریز و محلی است فرح انگیز گویند نام قصبه آنها نیز مرند است باغات خوب دارد. .

ثانیه/دقیقه/درجه

طول جغرافیائی:۴۵/۴۵/۳۰

عرض جغرافیائی:۳۸/۲۶/۰۰

ارتفاع از سطح دریا:--/۱۳۳۴/--

در حدود سال ۱۲۲۵ در شهر مرند متولد گردیده و مقدمات علوم را در آنجا فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات خویش به اصفهان مهاجرت نموده و در خدمت حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و جمعی دیگر از علماء سالها تلمذ نموده کا عالمی جامع و فقیهی بارع گردید . سرانجام در شوال سال ۱۲۹۸ در اصفهان

وفات یافته در تکیه حاجی آبادهای مدفون گردید .

این سه سطر شعر بر روی سنگ قبر او مقور است : حاج سید احمد از شهر مرند آمد و در اصفهان مارا گرفت دانش این آیت الله بزرگ در میان عالمان والا گرفت در هزار و دوصد و نود و هشت در جوار رحمت حق جاگرفت

سلسله سادات مرندی که عموماً اهل فضل وادب می باشند از اعقاب مشار الیه می باشند .

در البدر التمام (ص ۷) بشاگردی او نزد حاجی کلباسی اشاره شده و از قول او گوید :

زمانی عازم مسافرت بطهران شدم خدمت حاجی جهت خداحافظی مشرف شدم از من پرسیدند طول مسافرت شما چقدر خواهد بود؟ در جواب عرض کردم سه ماه الی چهار ماه، فرمودند بیست و یک ماه. از این بیان متحیر شده بمنزل آمدم و در پشت تر آن روز حرکت را باد داشت نمودم بطهران رفتم و در آنجا کاری در مرند پیش آمد مجبوراً بمرند رفتم و پس از انجام کار مراجعت بطهران و سپس به اصفهان نمودم چون به روز حرکت خود در پشت قرآن نظر کردم طول مدت مسافرتم دقیقاً بیست و یک ماه بود و این از کرامات حاجی کلباسی می باشد .

مرحوم حاج سید احمد فرزندانی داشته که از آن جمله است مرحوم حاج سید عبد العلی مرندی عالم فاضل از شاگردان آقا سید محمد باقر درچه ای و شیخ مرتضی ریزی متوفای سال ۱۳۵۴ مدفون در بقعه تکیه مرحوم آقا شیخ مرتضی ریزی در تخت فولاد اصفهان رحمه الله علیه .

ص : ۲۵۹

۱۳– سید احمد بن سید عبدالله حسینی میردامادی سدهی

(۱)

فرزند میرزا محمد رحیم اول بن میر مرتضی بن میر محمد اشرف بن سید عبدالحسیب محمد بن میرسید احمد عاملی داماد میر محمد باقرداماد و بهمین مناسبت اعقاب او به میردامادی شهرت یافته اند فرزند سید زین العابدین بن میر عبدالله بن میر محمد بن میر صالح بن میر محمد جعفر بن احمد بن حمزه بن ابوالقاسم بن حسین بن ابی احمد عبد الله المشهدی بن میر محمد بن میر علی بن حسین بن محمد طبان بن حسین بن ابی احمد علی بن محمد عزیزی بن ابی جعفر بن ابی محمد الاطروش بن ابوالحسن علی بن حسین الطواف بن ابوالحسن علی الخارص بن ابی الحسین محمد الدیباج بن الإمام جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام (منقول از مقدمه الطائف غیبیه).

در مقدمه لطائف غبیه (ص ۳۲) درباره او می نویسد :.

از اکابر علماء و دانشمندان دوره فتح علیشاه قاجار و از شاگردان مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام و مرحوم حاجی کلباسی بوده کتاب زبده الاسرار

ص : ۲۶۰

۱– مر کز بلوک ماربین از توابع اصفهان و مرکب از سه ده می باشد ۱– حوران ۲ – فروشان ۳– در ورنوسفادران درقدیم دهات سه گانه از یکدیگر مجزا بوده لکن امروز بهمدیگر پیوسته و خود شهری نسبتاً بزرگ گشنه و در فتنه افغان در طول هفت سال اقامت نتوانستند آنجا را تسخیر کنند و این افتخار برای همیشه برای مردم شجاع وغیور ومتعصب این شهر باقی ماند که مردم این شهر نباید آنرا فراموش کنند. در سالهای اخیر نام این شهر که حقا باید برای همیشه سده گفته شود تا این افتخار فراموش نگردد مانند برخی از شهرهای دیگر تغییر نموده در اول همایون شهر و اخیرا خمینی شهر شده و فاصله آن ها اصفهان ۱۸ کیلومتر است .

(در اوراد و اذکار) از تألیفات اوست .

در رجال اصفهان (ص ۲۳۷) گوید : امامت جمعه و جماعت سده از طرف پدر بدو محول بوده است در ۲۲ محرم الحرام سال ۱۲۴۳ در سده وفات یافته در مقبره معروف به مقبره میر سید عبدالله در خوزان مدفون گردید . در همین روز پدرش نیز وفات یافت (بشرح حال اومراج می شود).

۱۴- ملا احمد بن علی اکبر تربتی

:(۱)

در تاریخ سه شنبه ۲۳ شوال المکرم ۱۲۷۳ جهت مرحوم حاج سید اسدالله فرزند حجه الاسلام شفتی اجازه ای مرقوم داشته بنام و اجازه الحدیث ، در پانزده برگ ودر آن اجازه مرحوم سید حجه الاسلام جهت خود و همچنین شمه ای از حالات ویرا نقل می کند .

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۸۹) به خلاصه می نویسد : تربت بضم تاء وفتح بام و سکون راه وتاء ولایتی است روحانی ... آبش از کاری رهوایش بهجت انگیز و خاکش حاصلخیز مردمش شیعی مذهب و دلیر و در بعضی اوصاف دلپذیر ... اصل قصبه تربت در زمین هموار واقع شده ... وشهر تربت از بلاد خراسان و در سه منزلی مشهد مقدم اتفاق افتاده . چون قطب الدین حیدر مقدم حیدر پان آنجا مدفونت لهذا آنان را تربت حیدریه گویند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۹/۱۳/۳۰ عرض:۳۵/۱۶/۰۰ انحراف قبله:۵۶/۰۵/۵۹جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا۱۳۵۰/۹۱۰تربت جام و حیدریه

این اجازه بشمار (۸۳) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجوداست.

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم یارحمن یارحیم اعذنا من شر الشیطان الرجیم الحمد لله علی کل نعمه من نعمائه حمداً دائما بدوام کبریائه ..

انجام : ختم الله لنا بالخیر والعافیه وحشرنا مع خاتم النبیین وعترته الطاهرین صلی الله علیهم صلاه کثیره دائمه (ص ۸۸ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

در الکرام البرره (ص ۹۸ یکم) بنقل از بغیه الطالب از دانشمندی بنام مولی احمد بن علی اکبر قائنی نام میبرد که شرحی بر اشارات حاجی کلباسی نوشته و در ۱۲۵۶ وفات یافته و فقط دختری از او بجای مانده است . در بهارستان مرحوم حاج شیخ محمد حسین آیتی (ص ۲۷۸) پدرش را نام برده و در جای دیگر (ص ۳۱۷) ویرا عنوان نموده است و هیچ کدام به تربتی بودن او اشاره ای ننموده اند احتمال اتحاد ایندو نفر بعید است ، والله العالم .

۱۵- مولی احمد بن مولی علی اکبر نصر آبادی

(۱): خراشداری فاینی عالم فاضل فقیه .

در کتابهای بغیه الطالب و بهارستان (ص۳۱۷) والکرام البرره (ص ۹۸ یکم) ومکارم الأثار (ص ۱۵۲۳ پنجم) ویرا عنوان نموده اند و گویند :

در امر بمعروف و نهی از منکر ساعی و کوشا بوده و بمدرس شهرت داشته وشرحی بر اشارات حاجی کرباسی نوشته و سیصد و چهل مجلد کتاب خود را وقف

ص : ۲۶۲

۱- نصر اباد و خراشاد از اعمال قاینات است

بر مـدرسه قدیمه بیرجند نموده و در سال ۱۲۵۶ وفات یافته و در قبرسـتان شـرقی بیرجند در پهلوی حکیم نزاری قهستانی مدفون گردیده است. صاحب عنوان فقط دارای یک دختر بوده است.

نویسنده گوید : بطوریکه شنیده شد تحصیلات مشار الیه در اصفهان و نزد علمای این سامان همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده است . بنا بر این مشار الیه شاگرد سـید حجه الاسـلام می باشد . و ظاهراً مشار الیه غیر از مولی احمد بن علی اکبر تربتی سابق الذکر اسـت که در سال ۱۲۷۳ جهت حاج سید اسدالله اجازه مرقوم داشته است . والعلم عند الله تبارك و تعالی .

۱۶– سید ابوالقاسم احمد بن محمد حسنی حسینی کوپائی اصفهانی

(۱)

از معاریف فضلاء ودانشمندان اصفهان و خدمت حاجی کلباسی رسید حجه

ص : ۲۶۳

۱– شـروانی در بستان السیاحه (ص ۴۶۵) می نویسـد : قهپا به بمعنی کهپا به نام ناحیه ای است از نواحی اصـفهان مزارع فراوان ومواضع بهجت تشان دارد . مرحوم جابری انصاری در تاریـخ اصـفهان (ص ۱۸۸) می نویسد: کوهپایه از مشـرق مایل بشـمال و ابتدایش هفت فرسنگ وانتهاء فریب بیست و پنـج فرسـنگ و کوهسـتان آنها بحـدود نائین شـده آبش از توانی است عمیق که غالباً به سـنگ بر خورده و مشـقت قطره آبی بیرون آورد. عبای قهپایه وصفاری هرند مشهور ، دهانش مرل – جبل – جشوقان – تهی – نشارك – سجزی – زفره می باشد . ثانیه دقیقه درجه طول جغرافیائی زفره میباشد . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی زفره:۵۲/۱۷/۰۰ عرض:۳۲/۵۶/۱ انحراف قبله:۴۶/۵۴/۰۰جنوب غربی

الاسلام تلمذ نموده و به امرودستور مرحوم حجه الاسلام فهرستی از ابواب کتب اربعه ترتیب داده و تا سال ۱۲۵۹ که سال تالیف کتاب ۱- الارشاد فی احوال الصاحب الکافی اسماعیل بن عباد استحبات داشته نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل جلیل مرحوم آقا میرزا محمد رضا بن حاج ملا طاهر الهی که ظاهراً از اسباط مؤلف بود بنظر رسید کتاب نامبرده بسعی واهتمام دانشمند بزرگواروفاضل عالی مقدار آقا سید جلال الدین طهرانی فرزند حاج سید علی حسینی بضمیمه کتاب محاسن اصفهان تالیف مافروخی در سال ۱۳۱۲ خورشیدی بچاپ رسیده است . دیگر از تألیفات صاحب عنوان کتاب :۲- تحف العقول فی توضیح قوانین الاصول حاشیه بر کتاب قوانین نزدیک هزاربیت و نسخه آن در کتابخانه علامه مفضال حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان می باشد ۳-فهرس ابواب الکتب الاربعه در پنج هزار بیت نسخه ضمن مجموعه شماره (۲۰۵۹) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم (ص ۲۸۰ هشتم فهرست مرعشی)ص ۹۲ بزرگان و دانشمندان اصفهان - ص ۱۰۹ یکم الکرام البرره

۱۷- مولی احمد علی اصفهانی

از معاریف علماء وفضلاء اصفهان بوده خدمت سید حجه الاسلام مدتی تلمذ نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام ویرا در سال ۱۲۵۲ جهت ارشاد و هدایت مردم رشت بدانسمت گسیل داشته و سفارشنامه ای بعنوان او جهت مردم رشت و آن نواحی مرقوم فرموده و مردم را برای رجوع در امور شرعی خود بدانجناب توصیه نموده است و در آن ویرا به : العلامه الفهام والمجتهد العادل

ستوده است.

ص : ۲۶۴

این سفارشناسه ضمن مجموعه ای از اجازات صاحب عنوان در کتابخانه علامه آقا سید محمد باقر حجت طباطبائی در کربلا بنظر علامه ماهرانی رسیده است (ص ۱۲۰ یکم الکرام البرره) .

۱۸– حاج سید اسد الله بیدآبادی

:(۱)

فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی و خود به حجه الاسلام ثانی مشهور بوده، شرح حالش در عنوانی مخصوص نوشته میشود مطالبین مراجعه

نمایند .

۱۹– ملا اسماعیل طبسی خراسانی

:(!(۲)

فاضل جلیل در طبس متولد گردیده و پس از تحصیلات مقدمات علوم جهت تکمیل به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد جمعی از بزرگان علم و دانش به فرا گرفتن علوم اشتغال جسته که از آن جمله است مرحوم سید حجه الاسلام شفتی ، ضمناً علاوه بر منبر و موعظه به کتابت روزگار می گذرانیده و در این شهر

۱– در خاتمه این رساله شرح مختصری راجع به سابقه تاریخی و عظمت مخله بیدآباد و برخی از منسوبین باین محله در قدیم و این اواخر خواهیم نوشت طالبین مراجعه فرمایند .

۲– شیروانی در بستان السیاحه (ص ۳۵۴) بخلاصه می نویسد: طبس بفتح اول و دوم و سکون سمن بلده ای است دلنشین از مضافات خراسان ... هوایش گرم و آبش از کاریزه آن شهر در زمین هموار واقع و اطرافش واسع. در تاریخ علمای خراسان (۶۶) گوید: طبس نام یکی از فرای سبزوار است و هم نام شهری است در بلاد خراسان . ودر بهارستان (ص ۲۲) گوید : طبسین (به صیغه تثنیه) و آن دو قصبه است یکی طبس التون و دیگری طبس العنایت (در اولی درخت خرما و در دومین درخت عناب فراوانست) یکی را طبس گلیك ودیگری راطبس سینا خوانند

وفات یافته در صحن امامزاده هرون ولایت (هارون بن موسی بن جعفر علیهما السلام) مدفون گردید.

فرزندش ملا محمد حسین عارفچه در اصفهان متولد و در نزد بزرگان علماء این شهر همچون حاج سید اسد الله بیدآبادی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید محمد شهشهانی و جمعی دیگر تحصیل نموده و در عداد خطباء وواعظین و ذاکرین مصائب معدود بود و کتب چندی تألیف نموده از آن جمله : ۱- انیس الواعظین ۲- زاد العارفین در پنجاه مجلس منیری در سال ۱۳۷۱ به همه همت فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه بچاپ رسیده است ۳- زاد المواقف در مواعظ در پنجاه مجلس بسال ۱۳۷۰ در طهران بچاپ رسیده است ۴- زاد الواعظین وغیره . مشار الیه در سال ۱۳۲۲ وفات یافته در تخت فولاد در تکیه آقا سید رضی در جنب قبر آقا سید عبدالباقی قزوینی مدفون گردید .

و فرزندش مرحوم آقا میرزا محمد علی عارفچه شاعر ادیب واعظ فاضل کامل مؤلف کتب کثیر منفی سال ۱۳۸۰ مدفون در تخت فولاد اصفهان می باشد (ص ۲۸۴ بزرگان و دانشمندان اصفهان) .

۲۰- محمد اسماعیل بن محمد ابراهیم

در تاریخ پنج شنبه ۱۰ ذی الحجه ۱۲۴۰ کتاب نسخه ای از کتاب : تحفه الابرار تألیف مرحرم سید حجه الاسلام را بپایان رسانید است.

نسخه بشماره (۴۸۲۹) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است و نویسنده محترم فهرست می نویسد :

بشار الیه ظاهراً از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد (ص ۲۷۵۳ چهاردهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران).

ص : ۲۶۶

۲۱- سید اسماعیل بن میرابوطالب

طباطبائی:

در تاریخ چهار شنبه اول محرم سال ۱۲۴۶ کتابت نسخه ای از رجال مرحوم سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده (در پایان رساله در ترجمه اسحاق بن عمار) نسخه کتاب بشماره (۱۲۴۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی درقم موجود است (ص۵۲ جلد چهارم فهرست کتابخانه).

مشار الیه احتمالا از شاگردان وحاضرین مجلس درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۲۲- شیخ اسماعیل بن شیخ محمد حسین سلطانیه ای

. (۱)

در سال ۱۲۱۹ متولد شده و در نزد سید حجه الاسلام حاجی کلباسی و دیگران تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و دانش رسیده است . از آثار علمی او شرح قواعد الاحلام حلی است در چهار مجلد . وفات مشار الیه حدود سال ۱۳۰۰ رویداده است.

ص ۱۴۳ تاریخ زنجان - ص ۴۸ فهرست علمای زنجانی

ص : ۲۶۷

۱- سلطانیه زنجان شیروانی گوید (ص۳۱۲) در دو منزلی قزوین اتفاق افتاده و آنجارا سلطان غازان بنا نموده و سلطان محمد خدابنده تمام کرده شهری خوش ومدنه ای دلکش بود. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۸/۱۷/۰۰ عرض:۳۵/۱۲/۰۰ انحراف قبله:۵۴/۴۵/۰۵ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۸۰ متر

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۸ چهاردهم) وهمچنین در الکرام البرره (ص ۱۳۵ یکم) می نویسد:

سید اسماعیل بن امیر اسد الله حسینی (در الکرام نام پدر ذکر نشده است) مؤلف شرح قواعد الاحکام در چهار مجلد و متوفی حدود سال ۱۳۰۰ (در الذریعه میفرماید پس از ۱۳۰۰ باندک زمانی) و فرزندش علامه میرزا ابوالمعالی در ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۴۲ وفات یافته است.

در این دو کتاب اولا اورا سید و ثانیا پدرش را سید اسدالله وثالثاً اشاره ای بشاگردی او نزد حجه الاسلام شفتی نشده است احتمال تعدد (شیخ اسماعیل و سید اسماعیل) بعید بنظر میرسد .

۲۳- حاج میرزا اسماعیل بن میرزا محمد حسین دوم طباطبائی زواره ای

(۱) فرزند میرزا محمد صادق بن محمد حسین اول بن رفیع الدین محمد

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۳۰۵) گوید : زواره نام دو ولایت است یکی در عراق شهر آن اردستان است ... و دیگری زواره خراسان شهر آن تربت است. دانشمند معاصر آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ساکن طهران صاحب تالیفات عدیده سه جلد کتاب بنام : آتشکده اردستان در شرح تاریخ و جغرافیای زواره واردستان مرقوم فرموده و بچاپ رسانیده است و الحنی کتابی مفید و قابل استفاده است. مشار الیه در کتاب خود (ص ۱۴۵ یکم) مطالبی در فقه اللغه زواره وعقاید جغرافی نویسان قدیم را مفصلا بیان داشته و از اوضاع طبیعی و جغرافیائی آن کاملا بحث نموده است طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۲۸/۰۰ عرض:۳۳/۳۰/۴۰ انحراف قبله:۴۵/۵۶/۰۰جنوب غربی .

بن محمـد مهـدی بن ابوالحسن بهاء الـدین محمـد بن رفیع الـدین محمـد نائینی اصـفهانی (میرزارفیعا) فرزنـد حیدر بن زین الدین بن علی بن حیدر بن کمال الدین حسن بن شهاب الدین علی بن عباد بن احمد بن حمزه بن اسحق بن طاهر بن علی بن محمد بن احمد بن محمد بن احمد الرئیس بن ابراهیم الطباطبا بن اسماعیل الدیباج بن ابراهیم الغمر بن الحسن المثنی بن الامام ابی محمد حسن المجتبی السبط الاکبر علیه السلام .

در کتاب آتشکده اردستان (ص ۲۹۰ دوم) می نویسد : از علماء و محدثین عصر حجه الاسلام رشتی بشمار می رفته و از سود استجازه کرده و مرحوم حجه الاسـلام بـاو اجازه نـداده است. سـپس به نجف مشـرف شـده و آنجا از صاحب جواهر اجازه گرفته و سواد آنرا برای مرحوم سـید فرستاده است .

نویسنده گوید : بظن قوی صاحب عنوان شاگرد مسید حجه الاسلام بوده و در موقع اجازه خواستن شایستگی آنرانداشته سپس به نجف مشرف گردیده و خدمت صاحب جواهر تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات علمی مرحوم آناشیخ محمد حسن اصفهانی باو اجازه داده اند . والعلم عند الله تبارک وتعالی .

در تکمله نجوم السـماء (ص ۱۲۸ یکم) می نویسد : فاضـلی تحریر و عالمی با توقیر در علوم حکمیه و فنون فلسـفیه کوی سـبقت ازاقران عصـر خود ربوده خواهرش در حباله عند حجه الاسـلام آقا سـید محمد باقر رشتی بودوحاج سـید عبدالله فرزندسیدحجه الاسلام خواهر زاده ایشانست سپس شـرحی از تحصـیلات او و مسافرتش . به هند و تدریس او در آنجا نوشـته، در آنجا گوید و بعید نیست که وی از سید حجه الاسلام هم استفاده کرده باشد .

در سال ۱۲۶۱ بهند (لکهنو) رفته و یک سال در آنجا توقف نموده و بتدریس اشتغال جسته و جمعی از دانشمندان آنجا همچون : سید مهدی شاه متوفی بسال

ص : ۲۶۹

۱۳۱۴ وسید عبدالله وملاجواد کشمیری وغیره شاگردار بوده و خود از شاگردان شیخ محمد تقی رازی وصاحب جواهر و دیگر انست. کتب زیر از اوست : ۱- حاشیه پرشرع هدایه ملاصدرا شیرازی ۲ - شرح دره منظومه سید بحرالعلوم وغیره .

۲۴ – شیخ اسماعیل بن محمد ورنوسفادرانی

ورنوسفادران (بن اصفهان) یکی از دهات سه گانه سده ماربین اصفهانست(۱).

مشارالیه در تاریخ سه شنبه ۱۵ ماه رمضان المبارک سال ۱۲۴۳ کتابت نسخهای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار تألیف سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده است. کتاب نامبرده به شماره (۱۱۴۵) در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (ص ۲۵۵ بکم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه تألیف دانشمند محقق جناب حاج شیخ رضا استادی تهرانی) احتمالاً مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

۲۵ – میرزا بابا اصطهباناتی

(۲)

عالم فاضل جلیل از فضلای مورد وثوق مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده

ص : ۲۷۰

۱- یکی از دهات سه گانه شهرستان سده (همایونشهر-خمینی شهر) می باشد واکنون باید گفت یکی از محلات بزرگ این شهرستان میباشد .
۲- اصطهبانات یکی از بخش های چهارگانه فسا و دارای ۲۵ قریه و مزرعه و قصبه وحدود بیست و سه هزار نفر جمعیت می باشد ، زبان آنها فارسی ومذهب آنان شیعه اثنی عشری است . مرکز آن قصبه اصطهبانات (بکسر اول و سکون دوم وفتح سوم) در هفتاد و دو کیلو متری شمال خاوری فسا می باشد. (ص ۴۳ یکم دانشمندان و سخن سرایان فارسی یا اندک تصرف) ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۴/۰۴/۰۰ عرض:۵۷/۰۹/۰۰ انحراف قبله:۵۷/۰۶/۴۶ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۳۰ متر

و آن مرحوم مشار الیه را متولی وتصدی ثلث یکی از ثروتمندان (ظاهراً اصـطهبانات) نموده و صاحب عنوان از محل آن ثلث خانه و آسـیائی در نجف خریـده و آنهـارا وقف بر طلاب علوم دینیه نمود و همچنین در اصـطهبانات از همین محل مـدرسه ای و گرمابه ای در سال ۱۲۶۴ بنا نمود و آنها را نیز وقف کرد .

احتمالاً مشار الیه از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و تاریخ وفاتش پس از سال ۱۲۶۴ می باشد و احتمالاً وی همان عالم عامل حاجی بابا مذکور در البدر التمام (ص ۷) می باشد . اگر این احتمال صحیح باشد وی شاگرد حاجی کلباسی نبز بوده است . العلم عند الله .

۲۶ – مولی محمدباقر ترشیزی

:(۱)

از علماء طهران بوده و در اصفهان تحصیلات خویش را نزد علماء این سامان

ص :۲۷۱

۱- ترشیز اکنون انجارا کاشمر گویند از ناحیه خراسان و نزدیک تر کسنانست ثانیه/دقیقه/درجه طول:۵۸/۲۷/۰۰ عرض:۳۵/۱۲/۰۰ انحراف قبله: ۵۴/۴۴/۰۵جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۰۵۰ متر

خصوصاً نزد سید حجه الاسلام رشتی اصفهانی بپایان رسانیده و از ایشان مجاز بوده است ، در طهران مرجع امور دینی و مقبول القول در نزد عموم طبقات بود . در حدود سال ۱۲۷۵ وفات یافته است.

ویرا دو پسر عالم ودانشمنداست : ۱- شیخ حسین متوفی بسال ۱۳۴۳ پدرعالم معاصر روحانی حاج شیخ زین العابدین سرخه ای امام جماعت مسجدامام زاده یحیی ۲- شیخ محمد متوفی حدود سال ۱۳۲۰ هجری قمری.

علامه طهرانی می نویسد : چون این دو برادر هنگام فوت پدر کودک بودند آنان را ناپدریشان مولی عباسعلی سرخه ای از شاگردان شیخ انصاری تربیت نموده و بدین مناسبت به سرخهای شهرت یافتند .

ص ۱۶۱ یکم الکرام البرره - ص ۳۳۵ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری

۲۷ – حاج شیخ محمد باقر مسجد شاهی

فرزند مرحوم شیخ محمد تقی بن محمد رحیم بیک بن محمد قاسم بیک رازی ایوان کیفی اصفهانی عالم محقق جلیل .

مرحوم علامه فقیه رجالی حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (صفحه ۳۵ پنجاهم) در ضمن احوالات مرحوم حاج شیخ نورالله نجفی مسجد شاهی فرزند مشار الیه می نویسد :

علامه جلیل آیت الله آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی از ایشان روایت می کند و او از پدرش مرحوم شیخ محمد باقر و او از سید حجه الاسلام

بنابر این صاحب عنوان نیز از علماء مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام بوده لکن شاگردی وی در نزد ایشان محقق نیست گرچه محتمل الوقوع می باشد.

ص : ۲۷۲

مرحوم آقا شیخ محمد باقر در سال ۱۲۳۵ متولد و در ماه صفر سال ۱۳۰۱ در نجف وفات یافته . ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- حجیه المظنه ۲- لب الاصول ۲- لب الفقه وغیره .

۲۸ – آقا میرزا محمد باقر خونساری

بن حاج میرزا زین العابدین موسوی خونساری چهارسوئی (۱) اصفهانی.

علامه نیه زاهد محقق متتبع اصولی رجالی، از بزرگان و مفاخر علمی در قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم در اصفهان مؤلف کتاب نفیس روضات الجنات که احتیاج به تعریف و ستایش نداشته و هیچ نویسنده و دانشمندی از داشتن آن بی نیاز نمی باشد .

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص۲۷۴) گوید : قصبه ای است طد آثار در چهار فرسخی گلپایگان واقع در میان کوه اتفاق افتاده آبش سیارو مقابت خوشگوار هوایش سازگار و باغاتش فراوان قریب سه فرسخ طول باغات آنها است و الحق ـدایت دلکش است اکثر فراکش ممتازو گز انگبین آنجا با نیاز است ... ثاشق خوب تراشند و کاتب خط نسخ در آنجا بسیار باشند . علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۹۶) در کتاب خود در باره خونسار بحث نموده طالبین مراجعه نمایند . دررمن خوسار کت شلم است : سه فرسخ درسه فرسخ لاله زار است بهشت روی دنیا وتسار است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۱۹/۰۰ عرض:۳۳/۱۳/۰۰ انحراف قبله:۴۰/۵۰/۱۱جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۲۲۵۰ متر

در دوشنبه ۲۲ صفر سال ۱۲۲۶ در خونسار متولـد گردیـده و در نزد جمعی از امام بزرگوار تلمـذ نموده و از عده ای از آنها به اجازه روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده است که از آن جمله افراد زیر می باشند : ۱- سید ابراهیم صاحب ضوابط

۲ شیخ محمد تقی رازی اصفهانی ۳- آقا میر سید حسن مـدرس میر محمد صادقی ۴- حاج میرزا زین العابـدین پـدر بزرگوارش ۵ - شیخ قاسم بن محمد نجفی ۶- میر سـید محمد بن عبد الصمد شهشهانی اصفهانی ۷- شـیخ محمد بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء و بخصوص سیـد حجه الاسـلام و هم از ایشـان مجاز بوده است و جمعی کثیر از علماه در خـدمت ایشان تلمـذ نموده و از ایشان مجاز می باشـند که علامه مولی محمـد حسین بن مولی اسـدالله کرمانی اصـفهانی (جد امی نویسـنده) از آنجمله است متوفی در شب جمعه ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۳۰ در اصفهان . کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- احسن العطیه در شرح الفید۲- ارجوزه در اصول فقه

۳-اسـباب بلایا نازله برسعید وشقی۴ - امربمعروف و نهی از منکر (رســاله در) ۵-تسلیه الاحزان بفارسی۶- تعلیقه بر شـرح لمعه ۷ - تعلیقه بر قوانین ۸- دستورالعمل برای عمل مکلفین ۹- رساله عملیه۱۰- روضات الجنات در شـرح حال علماء وسادات از شـیعه و سنی در چهار مجلد و این معروفترین تألیفـات صـاحب عنوانست و بهمین علت اولاـد و اعقـاب آن بزرگوار به آل صـاحب روضات و یا روضاتی مشـهورند۱۱-شرح حدیث حماد ۱۲- رساله در ضـروریات دین ۱۳ - رساله در فضـیلت جماعت ۱۴- قره العین منظومه فارسـی در اصول دین ۱۵- قصاید عربی و فارسی در مصائب و مرائی۱۶- مجالس در مصیبت و مواعظ ۱۷-منشآت و نوشتجات که ادیبانه ومنشیانه ومسجع ومقفی نوشته اند ۱۸- منظومه عربی در اصول وغیره .

مرحوم صاحب روضات در دوشنبه ۸ جمادی الاولی سال ۱۳۱۴ در اصـفهان وفات یافته در تخت فولاد در جنوب مسجد مصلی مدفون گردید و برای او تکیهای

ص : ۲۷۴

بزرگ وقبه ای شایسته بنا نمودند و جمعی از اولاد واعقابش در بقعه و اطراف مدفون می باشند که جمعا اهل فضل ودانش و از علماء معروف و مورد توجه مردم اصفهان می باشند . اللهم اغفر لهم ولجمیع المؤمنین والمؤمنات .

۲۹ – سید محمدباقر قزوینی بن سید علی حسینی قوومیدانی

در المآثر والاثار (ص ۱۴۵) در باره او گوید :

از بزرگان مجتهدین بود و ریاستی عظمی داشت میر محمد صالح ومیر محمد رفیع که هر دو از مجتهدین مسلم زمان صفویه اند از اسلاف او می باشند. تلمذ و تکمیل مراتبش در محضر شیخ الفقهاء شیخ محمد حسین نجفی صاحب الجواهر بود و زمانی نیز در معیت حاجی سید محمد باقر اصفهانی حجه الاسلام گذرانید و در فقه و اصول وفنون معقول تصنیفات پرداخت و درخط نسخ و شکسته میان علماء کافه نظیر نداشت در سال ۱۲۸۶ هجری قزوین در گذشته و شصت و پنج سال داشت .

با توجه بسن صاحب عنوان درسال وفات تولد او حدود سال ۱۲۳۰ خواهد

مرحوم تنکابنی مؤلف قصص العلماء مدتی در خدمت او تلمذ نموده و گوید ویرا تألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله در اثبات ملک نقاله ۲- رساله در مقدمه واجب و غیره در فن جدل و مناظره قدرت و مهارت تامی داشته بطوریکه مولی عبدالکریم ابروانی که در فضل و کمال استاد او بحساب می آمده است را در مباحثه عاجز می نموده است ضمناً خطوط نسخ و شکستهرا استادانه می نوشته و پس از وفاتش فرزند دانشمندش آقا سید موسی جانشین پدر گردید و برا فرزند دیگری است بنام میرزا ابوالقاسم ناظم العلماء . رحمه الله علیهم اجمعین

ص : ۲۷۵

(ص ۱۶۴ و ۱۸۶ یکم الکرام البرره – ص ۷۲ یکم احسن الودیعه – ص۱۰۰ یکم الدریعه)

۳۰ – سید محمد تقی موسوی بنکته ای

(۱)

از شاگردان و مجازین از حاج سید محمد باقر حجه الاسلام بود . در این اجازه مرحوم حجه الاسلام شفنی ویرا بدین گونه وصف نموده است:

السید الجلیل التقی النقی المنقی جامع فنون الفضائل والکمالات حائز قصبات السبق فی مضمار السعادات السید العلی العالی محمد تقی ...

تاریخ اجازه سحر شب نهم محرم ۱۲۵۴ . علامه طهرانی اجازه نامبرده را ضمن مجموعه اجازات سید حجه الاسلام دیده است.

ص ۲۰۳ یکم الکرام البرره در تاریخ زنجان (ص ۳۱۶ / ۴۰۸) گوید : فرزند او سید محمد جواد از شاگردان شیخ انصاری بوده است. و در فهرست مشاهیر علمای زنجان (ص ۱۱۶) گوید : اجازه سید حجه الاسلام شفتی را جهت صاحب عنوان در نزد علامه شیخ فضل الله زنجانی زیارت کردم ونواده صاحب عنوان سید اسماعیل محققی جلیل القدر وعظیم المنزله بوده در اصفهان در خدمت مولی حسینعلی بن نوروز علی نویسرکانی تلمذ نموده و از استاد نامبرده بأخذ اجازه مفتخر گردیده تاریخ اجازه ۱۲۷۹ می باشد .

۱- بنکته نام قریه است در جتوب غربی شهر زنجان درپنج فرسنگی (ص ۱۱۶ فهرست مشاهیرعلمای زنجان)

۳۱ – ملا محمد تقی گزی

:(۱)

عـالم فاضـل از مقدسـین و پیشوایـان بوده و خیلی آثـار خیر از او در جز باقی مانـده و نزد مرحوم سـید وحاجی مقبول القول ومعتمـد وبتقوی و قدس در بلد. نیز معروف بوده است .

در قریه جز وفات یافته در قبرستان آنجا مدفون گردید. در اول قبرستان جز (گز) تکیه دارد معروف بمقبره در وسط گنبد آن دفن است .

مشار الیه جد امی علامه جلیل مولی عبد الکرم جزی مؤلف تذکره القبور می باشد (ص ۱۶۷رجال اصفهان).

وی شاگرد حاجی و سید بوده و فرزندش ملامحمد باقر ابوالفقراء ادیب وشاعر وعالم و فاضل متوفی بسال ۱۲۸۶ می باشد .

ص ۲۱۰ وص ۱۵۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۳۲ – مولی محمدتقی بن ابیطالب اردکانی یزدی

از بزرگان علماء وفقهاء واجله مشایخ ومجتهدین در المآثار والاثار (ص ۱۴۵)

ص : ۲۷۷

۱- گز و معرب آن جز بروزن از وپد و سـر از بلوك برخوار اصـفهان است. در کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصـفهان (ص ۱۸۷) مینویس د : قربه گر در ۱۸ کیلومتری شمال شهر اصفهان واقع شده از نواحی قدیمی و تاریخی حومه اصفهان محسوب میشود دارای یک مسجل قلبه ازدور سلاها و پتا پای یاشاره داره سلولی در کاروانسرائی از دوره صفویه است. . شرح وتوصیف مسجد و مناره و کاروانسرای آنجا مفصلا در کتاب نامبرده ذکر گردیده طالین مراجعه کنند مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۷۱) در وصف بلوك برخوار می نویسد : مرکزقریه جزاست که ششـهزار جمعیت و کرباس بافیش ممتاز . ۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص۶۸) می نویسد : اردکان نام دو قصـبه است؛یکی از توابع یزد جـائی خوب و محلی مرغوبست و منقـل آهنی در آنجـا ممتـاز سازنـد . دیگر از محـان شـیر ازوقصـبه ای بهجت امتیـاز است .. آبش در کمـال عـذوبت وهـوایش در فـایت برودت در میـان دو کـوه واقع و طرف جنو بش فی الجمله واسع است. ثـانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیـائی اردکـان یزد:۵۴/۴۹/۰۰ عرض:۳۲/۲۰/۳۰ انحراف قبله:۵۲/۰۹/۲۴ ارتفاع از سطح دریا ۱۰۳۵ متر

در ضمن شرح حال او می نویسد :

در سال ۱۲۵۷ حاج میرزا آقاسی صدراعظم وقت غالب علماء ایران را محترماً بطهران حرکت داد مشارالیه نیز در بین آنها بود . صاحب عنوان در مقدمه برخی از تألیفات خود بزندانی بودن در طهران اشاره می کند . آقای دکتر علی تقی منزوی فرزند علامه طهرانی در پاورقی الذریعه (ص ۲۷۰ پنجم) شرحی راجع به این موضوع می نویسد طالبین مراجعه کنند ولکن در قمع العلماء گوید وی مورد تهمت قرار گرفته و در اصفهان بخانه سید حجه الاسلام پناهنده شده ودر سالی که محمد شاه باصفهان آمد ویرا به عنف از خانه حجه الاسلام بیرون کرده و بطهران برده (وزندانی کردند وظاهراً علت زندانی بودن مشارالیه همین موضوع است نه آنچه در پاورقی الذریعه نوشته شده است) مرحوم اردکانی پس از نجات از گرفتاری سالها مدرس مدرسه فخریه (مروی) طهران بوده تا سرانجام در سال ۱۲۶۷ مطابق گفته المآثر والاثار والذریعه (۱۶۹ پنجم) ویا سال ۱۲۶۸ مطابق نوشته الکرام البرره (ص ۲۰۶ بکم) وفات پانته کثب زبر از تألیفات اوست : ۱. الافاضات در فقه دو مجلد ۲ - الجواهر الزواهرفی احکام المبانی وایضاح السرائر در اصول فقه ۳- رساله در تقلید ۴ - رساله در حجیت مطلق ظن ۵- رساله در

صلح بفارسی ۶- رساله در مفهوم و معارف تاریخ فراغت از تألیف نزدیک ظهر روز جمعه ۲۲ شعبان ۱۲۲۸ هجری ۷-الثالی الغالیه در فنون مختلف مانند کشکول بیشتر آنرا در ایام حبس تألیف نموده است.

مشار الیه خواهرزاده مولی اسماعیل عقدائی وعموی مولی محمد حسین بن محمداسماعیل اردکانی متونی سال ۱۳۰۲ می باشد و از سبد حجه الاسلام اجازه روایت داشته است.

۳۳ - مولی محمد تقی بن حسینعلی بن رضا بن اسماعیل هروی

اسماعیل هروی(۱)

اصفهانی حائری . از معاریف علماء ومجتهدین و فقهاء و مصنفین صاحب

ص : ۲۷۹

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۰۸) می نویسد : هرات شهر پست جنت آیات ... جوانب اربعه اش واسع آبش خوشگوار و هوایش سازگار و در خو بی هوای آنجا گفته اند : الوجع تراب اصفهان و شمال هرات رماه خوارزم فی بقعه لم یمت فیها أحد أبدا یکی از شعرا گوید: . گر کسی پرسد را از شهرها خوشتر کدام در جواب از راست خواهی گفت او را گوهری این جهان را همچو دریا دان خراسان را صدف در میان آن صدف شهر هری چون گوهری (انتهی) از شهرهای بسیار که در خراسان قدیم بوده و در هنگام حمله وغلبه مغول خراب گردیده است : ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:--/۶۲/۱۰ عرض جغرافیائی:--/۳۴/۲۰ انحراف قبله:۶۲/۳۰/۲۰ جنوب غربی

تألیفات کثیره ادیب فقیه اصولی رجالی عابد وزاهد . در رمضان المبارک ۱۲۱۷ در هرات متولد گردید . پس از فراگرفتن مقدمات علوم در موطن و مولد خود در سال ۱۲۳۵ باصفهان مهاجرت نموده و به محضر آقا شیخ محمد تقی رازی وحاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفنی حاضر شده سپس به مشهد رضوی و از آنجا به اعتاب مقدسه ائمه عراق مهاجرت نموده و بدرس صاحب جواهر و آقا سیدکاظم رشتی و میرزا علی نقی طباطبائی و احتمالاً آقا شیخ مرتضی انصاری حاضر شده تا بدرجات عالیه علم واجتهاد رسیده و به اصفهان مهاجرت نموده وشهرت و ریاستی یافته و در سال ۱۲۷۲ بمناسباتی مجبور به مهاجرت به عتبات شده و تا آخر عمر یعنی ۱۷ ربیع الاول سال ۱۲۹۹ در کربلا وفات یافته و در مقبره صاحب ضوابط دفن گردید . ویرا تألیفات و تصنیفات زیاد است که تعداد آن متجاوز از پنجاه کتاب ورساله میشود، ذیلا بنام برخی از آنها اشاره می کنیم :۱- اجوبه المسائل ۲ - الأربعین ۳- اصاله الإمکان ۴- تحقیق معنی الف ولام ۵- توضیح الحساب ۶- التفحه استادش سید حجه الاسلام ۷ - النعارضی بن المطلق والمقید ۸ - تعادل وتراجیح ۹- النعارض بین المفرده والناقله ۱۰ - تعلیقه بر حواشی ملا- میرزا شیروانی بر مما ام ۱۱ - تعلیفه برنجات العباد ۱۲ - تفسیر آیه : فکان قاب قوسین اوادنی ۱۳ - تنبیه الغافلین در رد بابیه ۱۴ - حاشیه پر خلاصه الحساب - ریاض المسائل - قوانین - منهاج تالیف حاجی کلیاسی - حاشیه ملا میرزا جان ۱۵ - خلاصه البیان در تفسیر مشکلات قرآن۱۶- الدرر المنوره ۱۷ - دیوان خطاب و مراثی ۱۸ - رسائلی در ارث - مبحث زوال شرح لمعه - وتنجیز تعلیق در شرط واقع در عقود - در طلاق بعوض - درعدالت - در عرق جنب از حرام - کسیکه پنج نمازش را به پنج وضو بجای آورد سپس بطلان یکی از وضوها ثابت شود ۱۹ - السبع المثافی در احوال چهارده معصوم علیهم السلام ۲۰ - شرح الاسباب

۲۱ – شرح خطبه همام ۲۲ – شرح دعای ابوحمزه ۲۳ – طریق النجاه در احکام طهارت و نماز بفارسی ۲۴ – عیون الاحکام بعربی ۲۵ – الفرائض ۲۶ – قواطع سفر ۲۷ – کاشف الاستار ۲۸ – الطائف الفوائد ۲۹- لوامع الفصول ۳۰ – اللغز (کرون) ۳۱ – لغز یوم الخمیس ۳۲ – مجالس المواعظ ۳۳ – مسائل مبسوطه ۳۴ – مشارع الوصول۳۵ – المطلق والمقید ۳۶- معیار الفکر والخیال ۳۷ – المقاصد العلبه ۳۸ – مختصر تفسیر آیه الکرسی استادش سیدکاظم رشتی ۳۹ – المیراث ۴۰ – مناسک حج ۴۱ – المناقب الحسینیه ۴۲ – نتائج الافکار در اصول ۴۳- نفی حجیت مطلق ظن ۴۴ – نهایه الامال در کیفیت رجوع بعلم رجال وغیره .

و دیگر از مصفات او کتاب ۴۵ – حدیقه النجفیه یا تحفه النجقیه در شرح . روضه البهیه در چندین مجلد تاریخ ختم جلد اول ۱۲۴۹ وتاریخ فراغت از جلددوم ۱۲۵۲ و تاریخ جلد سوم ۱۲۹۶ می باشد چنانکه علامه طهرانی در الذریعه (ص ۳۹۰ ششم) می نویسد ، در ریحانه الادب (ص ۳۱۸ چهارم) می نویسد در حواشی بعضی از چاههای شرح لمعه بطبع رسیده است .

فائده : منسوب به هرات را هروی وهراتی گویند .

شرح احوال صاحب عنوان در کتابهای : دانشمندان اصفهان (ص ۲۱۱) – الکرام البرره (ص ۲۱ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۳۹۷ یکم) المآثر والاثار (ص ۱۸۳) مکارم الأثار (ص ۶۲۵ سوم) و مواضع مختلفه مجلدات الذریعه .

۳۴ – ملا محمد تقی بن حاج ملا محمد علی اردستانی

:(۱)

فرزند ملاعبد العظیم بن محمد تقی بیدگلی از علماء ساکن اردستان در اصفهان

۱- اقای ابوالقاسم رفیعی مهر ابادی از فضلاء و دانشمندان معاصر در کتاب : اتشکده اردستان وجه تسمیه و تاریخ اردستان را مفصلا بیان نموده طالبین مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۲۲/۰۰ عرض جغرافیائی:۳۳/۲۳/۰۰ انحراف قبله:۴۵/۵۹/۳۷جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۲۰۵ متر. جیلان معرب گیلان از مناطق معروف ایران . شیروانی در بستان السیاحه گوید:ولانی است معروف و بکثرت آب وخضرت زمین و رطوبت هواموصوف مشتمل است بر بلادمعمود و قصبات مشهوره وجبال پر درخت ومسالک بسیار سخت باعث معمور واکثر مشتهیات درانجا موتور و اقسام ماهی و مرغابیش ما محصور است اکثر بلادش در کنار دریاست ابریشم آنجا فراوان برنجش ارزانست ... و در جنگل واقع شده آب گیلان از رود و بسیار وهوایش ناسازگار است و مختلف آثار (ص ۲۰۷ بستان السیاحه) دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در کتاب : تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص۲۱) می نویسد : ایالتی است سبز و خرم و دارای مناظر طبیعی جنگل و کوه و دریا ... سرزمین پهناور و بوفور نعم معروف و اهالی آن بسیار مردمان خوش ذوق و عارف مشربند از دیر زمان معروف بمهمان دوستی و ساده لوحی .. محصولات مهم گیلان برنج و دیگر چای و سیگار و زیتون است و ماهی آن فوق العاده مهم است پای تخت گیلان شهر رشت است.

خدمت علماء این سامان تحصیل علوم نموده تا بدرجات عالیه افضل و کمال رسیده سپس بموطن خود معاودت کرده به نشر احکام و اقامه جماعت و امر بمعروف ونهی از منکر پرداخته تا قبل از ۱۳۰۰ وفات یافته است. از اساتید او در اصفهان مرحوم سید حجه الاسلام وانا میر سید حسن مدرس را میتوان نام برد (اطلاعات متفرقه از شمائل از خاندان عظیمی).

فرزندش میرزا حسین داماد ملا علی اکبر فشارکی بوده است (ص ۱۶۴ یکم آتشکده اردستان).

۳۵ – ملا محمد تقی بن محمد قاسم گیلانی

(۱: در حدود سال ۱۲۲۰ در رامسر متولد گردیده پس از طی مقدمات علوم باتفاق

برادرش ملا عبد الواسع به اصـفهان مهاجرت نموده و در این شهر از محضر سیل حجه الاسلام و آخوند ملا علی نوری ردیگران استفاده نموده است.

از آثار او منظومه مختصری است در علم نحو که بنظر مؤلف کتاب : بزرگان رامسـر رسیده است تاریخ أختتام نظم ۶۸ رمضان المبارک۱۲۵۷ می باشد. وی برادر مولی عبدالرزاق نحوی آنی الذکر می باشد

ص ۱۶۲ بزرگان رامسر

۳۶ – شیخ محمد جعفر جاسبی

:۱(۱)

عـالم فاضل در رجب سال ۱۲۵۴ کتابت نسـخه ای از مناسک حـج سـید حجه الاسـلام را بپایان رسانیده و در آخر آن عده ای مسائل با جواب آنها را مطابق فتاوی مرحوم سید حجه الاسلام بفارسی مرقوم فرموده ورساله مناسک راتصحیح و مقابله نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام در آخر نسخه مرقوم فرموده است که :

ص : ۲۸۳

۱– جـاسب از بلـوک قم است و از منسوبین بـدانجاست ؛ ۱– شـیخ نجم الدین ابوالقاسم علی بن الحسـین الجاسـیی فقیه واعظ صالح. ۲ – شیخ رشیدالدین علی بن محمد الجاسی فیه ص۲۱۸ و ۲۱۹ تاریخ قم ناصر الشریعه ۳ شیخ محمد بن عبدالرحیم جاسبی (ص ۴۰۶ دوم مکارم الاثار).

بعـد از نهم مطالب مشاوره در این رساله هر کس عمل بمقتضای آن نمایـد عمل او مبرء ذمه او است . حرره خادم الشـریعه فی۲۲ رجب ۱۲۵۴ سجع مهر: محمد باقر بن محمد نقی .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۲۳۶ یکم) پس از نقل مطالب یاد شـده می نویسد : ظاهر آنست که فوت صاحب عنوان بعد از این تاریخ بوده وبظن قوی مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد .

۳۷ – سید جعفر حسینی خلیفه سلطانی

از علمـاء اخبـار فاضل متقی از شاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام و حاجی کلباسـی بوده و عمـده تلمـذ او در نزد مرحوم آنا میر سـید حسـن مـدرس میر محمـد صادقی بوده است قبل از سال ۱۳۰۰ در اصـفهان وفات یافته در قبرسـتان سـنی فاطمه مقابر خانوادگی خود مدفون گردید و آثار قبر همچون دیگر قبورو مقابر در سالهای اخبر از بین رفت.

مشـار الیه پـدرزن علامـه جلیـل فقیه مرحوم حاج سـید مهـدی نحوی عم بزرگوار نویسـنده بوده عمو زادگان محترم از این مخـدره محترمه می باشند.

فائده : سادات خلیفه سـلطانی اصـفهان از اعقاب عالم جلیل فقیه سید علاء الدین حسین بن میرزا رفیع الدین محمد بن امیر شجاع الدین محمود مرعشـی آملی اصـفهانی معروف به سـلطان العلماء و خلیفه السلطان حسینی از شاگردان شیخ بهائی و پدر خود و جمعی دیگر از فحول علماء و بزرگـان بوده و کتب و رسائل عدیـدهای تألیف فرموده در سال ۱۰۶۴ پس از سـفر فتح قندهار درهنگام وزارت خود در شـهر اشرف مازندران بسن شصت و چهار سالگی وفات یافت. رحمه الله علیه.

۳۸ – آخوند ملا جعفر نظر آبادی

(۱)

ساکن قزوین از شاگردان سید حجه الاسلام در اصفهان و مجاز از شهید ثالث وحاج ملاصالح بوده است. وی دانشمندی فاضل و جامع بوده و در قزوین سطوح فقه را تدریس مینمود .

مؤلف قصص العلماء میفرماید : من در نزدوی قسمتی از شرح لمعه را تلمذ کردم ویرا تألیفاتی است از آن جمله : شرحی بر کتاب مختصر نافع .

مؤلف قصص العلماء در ضمن شرح حال سید حجه الاسلام از قول صاحب عنوان می نویسد :

من طهارت و صلوه شرح کبیر را در مجلس در محجه الاسلام نوشته ام یعنی در زمانی که در بین درس گفتن سید حجه الاسلام جمعیت مترافعین مانع از تدریس می شدند و ما معطل می ماندیم من مشغول کتابت شرح کبیر میشدم .

(ص ۱۴۶ قصص العلماء)

۳۹ – شیخ محمد جعفر بن حاج محمد ابراهیم کلباسی

(فرزند حاجی کلباسی معروف) عالم فاضل جلیل ادیب محقق، در اصفهان متولد گردیده و در نزد جمعی از علماء و مجتهدین این شهر همچون پدر بزرگوار خود وسید حجه الاسلام و حاج محمد جعفر حکیم لنگرودی (بطوریکه از برخی

۱– شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۸۶)می گوید : نظر آباد گویند قریه ای است خسته بنیاد در کشور عراق راقم ندیده (انتهی) نویسنده گوید نظر اباد از قرای قزوین است .

از اعقابشان شنیدم) تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم وفقاهت رسیده و بعضی اوقات امام مسجد حکیم را داشته و بطوریکه علامه گزی در تذکره القبور می نویسد (ص ۱۶۲) وضع تقوی ودیانت داشته و خیلی متواضع بوده است سر انجام در روز جمعه ۲۶ محرم الحرام سال ۱۲۹۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر واقع در مقابل در شرقی مسجد حکیم پشت قبر برادر خود آقا محمد مهدی پای دیوار مدفون گردید . کتب زبر از تألیفات اوست : ۱- تحفه الجعفریه در دیات کتاب مفصل و بزرگی است انجام تألیفش شب ۱۸ رمضان المبارک ۱۲۸۴ هجری ۲- رساله ای در احوال مرحوم سید حجه الاسلام و پدر بزرگوار خود که مرحوم علامه فقیه زاهد حاج شیخ کمال الدین ابو الهدی کلباسی برادرزاده اش در کتاب : البدر التمام از آن مطالبی نقل می نماید ۳ - رساله ای در حدود و تعزیرات ۴ - منهاج الهدایه از تالیفات مرحوم حاجی کلباسی است در آخر آن که بسال ۱۲۶۳ بچاپ رسیده مقاله ای از صاحب عنوان در باره پدر بزرگوارش می باشد (ص ۱۸۰ بیست و سوم الذریعه) و آن ،خنصر همان رساله قبلی می باشد ۵- منهج الرشاد الی احکام الدین والایمان در شرح ارشاد الازمان تاریخ قرائت مجلد اول ۲۳ شوال ۱۲۷۳ وغیره .

مخفی نماند که کتاب شریف ارشاد الاذهان علامه حلی در قرن سیزدهم مورد توجه و عنایت خاص علماء و مجتهدین قرار گرفته و عده ای بر آن شروحی نوشته اند که شرح فوق و شرح آقا محمد مهدی برادر او بنام منهج السداد از آنجمله است.

از کتاب منهج الرشاد نسخه ای در کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید محمد علی روضاتی موجود است که شرح آنرا ایشان در مجلد یکم فهرست کتب

ص : ۲۸۶

خطی کتابخانه های اصفهان بشماره (۵۲) از صفحه ۲۲۷ تا ۲۳۱ مرقوم داشته اند طالبین مراجعه نمایند .

۴۰- محمد جعفر بن محمد صالح رشتی

(۱)

مشار الیه نسخه ای از جلد چهارم کتاب : مطالع الانوار تألیف مرحوم سید حجه الاسلام را که در اواخر دهه سوم ماه صفر سال ۱۲۳۳ کتابت آن به پایان رسیده است را مقابله نموده است ، سجع مهر او : الواثق بالله محمد جعفر بن محمد صالح . و مهر دیگر : محمد جعفر بن محمد صالح.

نویسنده کتاب : تراجم الرجال احتمال داده است که مشار الیه از علماء ساکن اصفهان بوده و من می گویم شاید وی از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده باشد. پرده باشد.

(ص تراجم الرجال)

ص : ۲۸۷

۱- رشت از شهر های گیلان ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی: عرض: انحراف قبله: ارتفاع از سطح دریا ۱۰-(منهای ده متر) توضیح:طول وعرض و ارتفاع از شناسنامه جغرافیائی طبیعی ایران نقل شده است.

۴۱ – حاج محمد جعفر بن محمد صفی آباده ای

صفی آباده ای(۱)

عالم فاضل ففیه مجتهد محقق مدقق از علمای بزرگور اصفهان بعلم و فطانت و ذوق و کیاست وحسن اخلاق و معاشرت معروف و مورد احترام عموم طبقات بالاخص علماء و دانشمندان بوده و در نزد سید حجه الاسلام مورد عزت و احترام ومحل وثوق و اعتماد بوده است.

انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۱) در باره او می نویسد : در علم وفطانت نمره اول بود و کلمات خردمندانه و شوخی هایش ضرب المثل است.

و تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) در ضمن بیان شرح حال آقا محمد

ص : ۲۸۸

۱- در کتاب سخن سرایان و دانشمندان فارس (ص ۸۶ دوم) گوید : آباده یکی از شهرستانهای ششگانه استان هفتم است بنای آن بدست طوایف گرجه ای وهرندی اصفهان بوده و به امر کریم خان زند معمور و بنام آباده مشهور شده ، فاصله آن تا شیراز ۲۸۰ کیلومتر و تا اصفهان ۲۸۰ وتا اصفهان ۲۰۴ کیلومتر است جمعیتش ۸۲۶۴ نفر زبان اهالی فارسی و مذهبشان شیعه اثنی عشری است. شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۰) می نویسد: آباده نام دوسه موضع است در کشور فارس یکی در شش منزلی شیراز و سمت اصفهان اتفاق و جوانب اربعه اش بغایت گشاده از اقلیم سیم وهوایش خرم و آبش از قنات و گوارا وزمینش دلگشا ومحتویست برباغات روح افزا، آباده دیگر در راه کرمان و هم نام قربه ای است از قراء بوانات . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۳۸/۰۰ عرض:۳۱/۹/۳۰ انحراف قبله:۵۲/۴۰/۴۷ ارتفاع ازسطح دریا۲۰۰۵متر

علی مازندرانی ذکری نموده و گوید : عالم وجامع ومتورع و بسیار شوخ بود و از هرعلم کتابی در حفظ داشت مانند الفیه در نحو زبده در اصول وقانون چه درطب مختصر تلخیص در فصاحت و تهذیب در منطق و تجرید در کلام ومختصر نافع در فقه.

در المآثر والاثار (ص۱۴۶) می نویسد : از فحول مجتهدین طریقه جعفریه ومشاهیر مروجین شریعت محمدیه است عظماء علماء در حضرت او خویشتن راخرد میشمردند و بزرگان دین و دنیا نام مبارکش بحرمت تمام میبردند در علودرجه فقاهت وسمو مقام زهد و عبادت همه معاصرین بروی غبطه می آوردند و در ادبیات وشن اللغه و علم رجال و درایه نیز کم نظیر بود .

مرحوم گزی در تذکره القبور (ص ۳۱ رجال اصفهان) درباره او می نویسد عالمی محقق و بسیار زیرک ودانا و با تدبیر بخصوص در مرافعات و تمام کردن آنها و معروفست که قرار او ثبت امور اتی که در نزد او میشده بوده که من بعد اشتباه کاری نشود. اشتباه کاری نشود.

در فارسنامه ناصری (ص ۱۶۹ یکم) درباره او می نویسد : کاشف حقایق امور مصلح مصالح جمهورظهیر اسلام ملجأانام رئیس مجتهدین اکمل متورعین بنده خدای اکبر حاج محمد جعفر آباده ای از صغاد بر خاسته است و در دارالسلطنه اصفهان منوطن کشته صیت فضیلت و اجتهادش عالم گیر گردیده در سال ۱۲۸۰ واندی در اصفهان برحمت ایزدی پیوست و سنین عمرش از نود سال گذشته بود .

در کتاب : دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص ۸۶دوم) بنقل از کتاب آثار جعفری تالیف سید محمد جعفر حسینی خورموجی ملقب به حقابی نگار فرزند میرزا محمد خان (متوفی بسال ۱۳۰۱ مؤلف: نزهه الاخبار و تحفه معتمدی و حقایق الاخبار و غیره) می نویسد :

قدره المحققین و برهان المدققین حاج محمد جعفر آبادهای سلمه الله تعالی مرجع فضلاء آذان و جهد علی الاطلاق است صبت فضلش بقلك رسیده آوازه جلالش ملك شنیده فاضلی است دیدار و عالمی پرهیزگار . سخن بذکروی آراستن مراد این است

که پیش اهل هنر منصبی بود ما را

وگرنه منقبت آفتاب معلوم است

چه حاجت است بمشاطه روی زیبا را

سالهاست که در دار السلطنه اصفهان توطن فرموده اهالی آن دیار وطلاب سایر بلاد وامصار از افادات کثیر البرکاتش مستفید و بهره ور میگردند (نویسنده کتاب یعنی آقا محمد حسین رکی زاده آدمیت در آخر می نویسد سال فوتش معلوم نشد) علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۵۴ در ذیل ترجمه حال حاج ملا جعفر استر آبادی میفرماید :

الفقیه النبی المعاصر الحاج محمد جعفر بن محمد صفی الاباده ای الفارسی المفتی باصفهان ...

در احسن الودیعه (ص ۳۸ یکم) وتکمله نجوم السماء (ص ۲۱۴ یکم) وریحانه الادب (ص ۱۴ یکم) ودانشمندان و بزرگان اصفهان(ص ۱) وفوائد الرضویه (ص ۵۹ بکم) والکرام البرره (ص ۲۵۹ یکم) نام او ذکر شده و بطور اجمال و تفصیل درباره او مطالبی گفته شده بخلاصه آنکه مشار الیه از شاگردان حاج محمد ابراهیم کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی و آقا سید محمد مجاهد و احتمالا حاج ملاعلی نوری و جمعی دیگر از بزرگان بوده و عده زیادی از علماء در خدمتش تلمذ نموده اند که از آن جمله است:

۱- حاج ملا احمد واعظ یزدی که در علمای خراسان (ص ۱۲۹) نوشته .

۲- آقا محمد رضا خراسانی تاریخ اجازه ۶ رجب ۱۲۵۱ (ص ۲۱۵ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

۳- حاج سید شفیع بن علی اکبر موسوی جاپلقی در روضه البهیه (ص ۱۸) می نویسد .

۴- حاج شیخ عبدالنبی بن احمد تویسرکانی در آخرالثالی الاخبار تألیف مجاز بچاپ رسیده تاریخ ۱۲ ذی الحجه ۱۲۷۹.

۵- مولی محمد علی بن احمد همدانی شاگرد حجه الاسلام تاریخ ۱۲۵۸ (ص ۱۶۵ یکم الذریعه)،

۶- سید محمد بن سید محمد صادق بن محمد مهدی موسوی خونساری (ص۲۱۰ مقدمه مناهج المعارف).

در این جا به مناسبت نمیدانیم که دو حدیثی را که حاجی آباده ای در آخر اجازه حاج شیخ عبدالنبی نقل فرموده ذکر کنیم :

۱- از حضرت باقر علیه السلام روایت می کند که آنحضرت فرمودند :

من افتی الناس بغیر علم ولاهدی لعنته ملائکه الرحمه وملائکه العذاب ولحقه وزر من عمل بفتیاه.

۲- از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که آن حضرت فرمودند : من حکم فی در همین بغیر ما انزل الله فهو کافر بالله العظیم . . کتب زیر از تألیفات حاجی آباده ای است : ۱- اجازه الحدیث و آن اجازه مختصری است به فارسی جهت آقا محمدرضا

خراسانی.

۲- تعلیقه بر تلخیص الاقوال ۳- رساله حمامیه در محل نزاع حمام متسوب به شیخ بهائی در محله مسجد جامع ۴-رساله عملیه جهت مقلدین ۵- سؤال وجواب

ص : ۲۹۱

۶- شرح بر اصول کـافی ۷- شرح برتجریـد الکلام خواجه نصـیر الدین طوسـی ۸- شـرح بر دروس فقـه جعفری ۹- صـیغ العقود ۱۰ - الفقه الجعفریه فقه اسـتدلالی ۱۱ - فهرست کـافی تاریـخ اتمـام کتاب روضه ۲۶ محرم سـال ۱۲۷۳ قمری ۱۲ - مرایـا در اصـول ۱۳ - نقود المسـائل الجعفریه فقه که آنرا ملمع تألیف فرموده و برخی از مجلدات آن (جلد سوم) بچاپ رسیده است ۱۴ - الوجییزه و آن مختصر کتاب تحفه الابرار اسـتادش سیدحجه الاسلام می باشد و بچاپ رسیده است ۱۵ - هدایه الأخبار منتخب تحفه الابرار تألیف سـید حجه الاسلام (ص ۱۶۹ بیست و پنجم الذریعه) و غیره . از این کتابها شـماره ۶ در کتابخانه مجلس شورای اسـلامی و شماره ۱۰ در کتابخانه مرکزی دانشـگاه طهران و نهم در کتابخانه دانشکده الهیات و معارف الهی مشهد و دهم و یازدهم در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجوداست .

مرحوم آباده ای در محله جماله که اکنون بنام ایشان بازارچه حاج محمد جعفر آبادهای معروفست منزل داشـته و در مسـجدی که در این محل بنـام ایشـان بنـا شـده و از مساجـد خوش وضع و آبـاد اصـفهانست امـامت مینموده است . و پس از فوت دو فرزنـد عـالم وزاهـد از خود بجـای گـذاشت : آقـا عبـدالجواد و آقـا عطا الله هر دو در اعتاب مقـدسه وفات یافتنـد و بعـد از ایشان امام مسـجد به آقا میرزا عبـد الغفار تویسـرکانی واگذار گردید .

مرحوم آباده ای در شب شنبه ۱۹ رمضان المبارک سال ۱۲۸۰ در اصفهان وفات یافته و در اول تخت فولاد مدفون گردید و سپس مرحوم رکن الملک جهت او تکیه ای بنا نمود که بنام او مشهور است. ماده تاریخ فوتش را میرزا علیرضا پرتو گوید :

حیف از حاجی محمد جعفر آنک گمرهانرا سوی حق بردی به ره

ص : ۲۹۲

سال تار بخش زپرتوشد سؤال گفت : اللهم نور مضجعه

(فائده) : مرحوم میرزا علیرضا بمعروف به آقا جان شاعر ادیب خطاط . خط نسخ را در کمال استادی می نوشته در حدود سال ۱۲۱۴ در قریه باغ بادران از قرای لنجان متولد و در ماه جمادی الثانی سال ۱۳۰۴ ظاهراً در طهران وفات یافته است پدرش محمد علی نام داشت.

شرح حال بسیار مختصر او در مجمع الفصحاء (ص ۷۸ دوم) والمآثر والاثار (صفحات ۲۰۵-۲۱۶)

وتذکره خوشنویسان معاصر (ص۵۸)

و نامه سخنوران سپاهان (ص ۷ شماره ۱۴) ودانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۱۵۹) مندرج مطالبین مراجعه نمایند . دیوانش بچاپ رسیده است.

۴۲ - میرزا محمد جعفر شهشهانی حسینی

(۱)

فرزند مرحوم میرزا محمد علی مشهور به میرزا جانی بن قوام الدین محمد معروف به میرزاکوچك بن حسین بن حسین بن ابراهیم بن حسین بن حسین بن ابوالحسن ابو الحسین بن محمد امین بن غیاث الدین محمد معروف بمیر میران بن معزالدین

ص : ۲۹۳

۱- شهشهان از محلات اصفهان در قدیم آنجارا محله حسینیان می گفتند بعلت سکونت جمعی از سادات حسینی و پس از کشته شدن شاه علاء الدین محمد(۸۵۰) ومدفون شدن در جنب مدرسه و خانقاه خود این محله را بنام او محله شاه شاهان و به تخفیف شهشهان گفتند . سادات شهشهانی اثر در سلسه و هر دو حسینی می باشند : ا- اعقاب شاه علاء الدین محمد مذکور بنام خانوادگی : شاه علایی - شهشهانی ۲- منسوبین و اعقاب برادران آنا میر سید محمد بن عبدالصمد حسینی شهشهانی با نام خانوادگی بدری شهشهانی - میرشمس - میرشمسی و غیره .

محمـد بن شا نقی الـدین محمـد بن قوام الشـرف حسـین بن قطب الدین محمد بن محمد بن یحیی بن شاه علاء الدین محمد صاحب بقعه در محله شهشهان مصلوب ومنتول بسال ۸۵۰ در ساوه بامر شاهرخ و پتحر یک گوهرشاد بیگم زوجه او فرزند محمد بن محمد بن یحیی بن محمد بن محمد بن حیدر بن حسین بن محمد بن قوام الشرف بن محمد بن قوام الشرف بن هادی بن اسماعیل بن حسین بن علی بن حسن بن علی بن حسین بن عمر بن حسن بن علی بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب علیهما السلام.

وی از فضلاء و بزرگان و ساکن محله شهشهان و ظاهراً از شاگردان حاجی کلباسی و حاج ملاعلی نوری و آقا سید محمد مجاهد بوده و مدتی نیز در خدمت سـیدحجه الاسـلام تلمذ نموده و با ایشان باجناق (و به اصـطلاح مردم اصـفهان همریش) بوده یعنی زوجه او دختر آقا سید کاظم طباطبائی زواره ای بوده است.

اطلاعات خصوصی و ص ۶۴۷ سوم آتشکده اردستان

۴۳ – حاج ملا محمد جعفر نوری بن محمد طاهر بن ابوالقاسم نوری طهرانی معروف به چالمیدانی

(۱)

ص : ۲۹۴

۱- چال میـدان از محلات قدیمی طهرانست. تور از شـهر های مهران مازندران . طهران پایتخت ایران : طالبین برای اطلاع از تاریخ و جغرافیای این شـهر بکتابهـای تاریخ طهران تـألیف میرحسـین یکرنگیـان و تاریـخ طهران تـألیف مرحوم سـید عبـدالحجت بلاغی و تاریـخ طهران تالیف عبـدالعزیز جواهر کلام ومرآت البلـدان ناصـری و دیگر مواضع مراجعه نماینـد فائـده لغوی : چال در لغت درمانی زیادی بکار رفته از آنجمله : چاه کوچک – گودال وام دهی در قزوین از ترکیبات این کلمه است : چاله– چاله سیاه – چالشتر– چال حصار–چال میدان .

از بزرگـان علمـاء وفقهـاء طهران بوده ، از شاگردان سـید حجه الاسـلام شـفتی و مورد وثوق ایشان بوده و بر حسب خواهش جمعی از شـیعیان هندوسـتان سید حجه الاسلام مشارالیه را جهت انجام وظائف شرعیه از امامت جماعت وقضاوت وتوی بدانمت گسیل فرموده وی پس از مدتها توقـف در آن سامـان و انجـام وظـائف محوله مقضـی المرام به ایران بـاز گشت . وی همچنین خـدت مولی محمـد جعفر شـریعتمدار (۱۲۶۳ - ۱۱۹۸) تلمذ نموده است . سـرانجام پس از سالها خدمت بدین و نشـر و تبلیغ و ترویج احکام در شب دوشنبه ۲۵ ماه صفر سال ۱۲۹۵ (ص ۱۴۰ المآثر والاثار) ویاسال ۱۲۹۶ بسن هشتاد سالگی در طهران وفات یافت.

در لباب الالقاب (ص ۱۰۸) گویـد: از رؤساء علماء طهران است و من او را دیـدار کردم وشـیخی بزرگوار بود انتهی پدرش اهل نور مازندران بود . وصاحب عنوان پس از مرگ هفت پسـر همگان عالم ودانشـمند بجای گـذاشت که از آن جمله است حاج شـیخ موسـی معروف به شـیخ المشایخ متوفی بسال ۱۳۵۴ قمری .

عبـد العزیز جواهر کلام در تاریخ طهران (ص ۷۵) بنقل از مرآت البلدان ناصـری گوید : فرخ خان در آنجا مسـجدی ساخت بسیار عالی دارای منصوره و شبسـتان وحجرات جهت سـکای طلاب و ملا محمـد جعفر مجتهـد چالمیـدانی که از از اجله علماء بود به امامت وتولیت این مسـجد انتخاب نمود و اکنون (سال تألیف مرآت البلدان) آقا شیخ موسی فرزند ارشد او بامر امامت و تولیت قیام دارد .

۴۴ – محمد جعفر بن محمد مهدی اصفهانی

در تاریخ جمعه بیسـتم شوال ۱۲۳۹ کنایت نسـخه ای از کتاب : ملحقات شـیخ فخرالدین یحرحی را بدسـتور مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام بید آبادی .

بخط نسخ پایان رسانیده است .

کتاب بشماره (۴۹۷۰) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی ایران در طهران موجود است.

ص ۲۶۲ چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس مشار الیه احتمالا از شاگردان سید حجه الإسلام می باشد .

۴۵ – سید محمد جواد موسوی درب امامی

۱)(۱)

درب امام از محلات اصفهان و توابع قبرستان قدیمی چملان (سنبلان – سنبلستان) می باشد ، ساکنین این محله عموماً به درب امامی مشهورند.

سادات درب امامی سه گروهند : ۱- سادات امامی عریضی حسینی ۲- سادات موسوی رضا توفیقی کوه گیلویه ای . ۳- سادات موسوی درب امامی . صاحب عنوان ظاهراً از شاگردان سید حجه الاسلام بوده از آثارش :

مرقومه ای اسست در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار تألیف سید حجه الاسلام در معرفی کتاب که آنرا در هفتم شوال المکرام ۱۲۵۸ مرقوم داشته است

ص : ۲۹۶

۱- امامزاده درب امام منسو بست به جناب ابوالحسن زین العابدین علی بن نظام الدین احمد بن شمس الدین عیسی ملقب ومشهور به رومی ابن جمال الدین محمد بن علی العریضی من الأمام جعفر الصادق علیه السلام ، اولاد و اعقاب این بزرگوار جمعی از بزرگان اصفهان بوده و می باشند و جمعی کثیر از آنان در حوالی مقبره او در محله چملان که اخیراً آنجارا سنبلستان نامیده وسادات چملان سکونت دارند و همین مناسبت به درب امامی شهرت یافته اند، عده زیادی از علماء اصفهان و غیره از سادات عریضی درب امامی از اولاد و اعقاب او می باشند .

نسخه کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب حاج سید مرتضی شهشهانی فرزند واعظ متقی مرحوم آقا محمد صدر الذاکرین حسینی شهشهانی بیدآبادی موجود است .

۴۶ –حاج سید جواد بن علیرضا بن محمد بن کمال الدین موسوی رضوی قمی

نامش سید محمد تقی لکن به سید جواد شهرت داشته . عالم فاضل زاهد عابد صالح منفی از علماء از گیاه فقیه رجالی .

در قم متولد گردیده و پس از فراغت از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و بدرس سید حجت الاسلام و آقا شیخ محمد تقی رازی حاضر شده و سپس به اعتاب مقدسه هجرت کرده در آنجا بدرس مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام و مدتی نیز بدرس شیخ انصاری حاضر شده پس از وصول بمقامات عالیه علم واجتهاد بقم مراجعت نموده و ریاست علمی و مذهبی قسم در عصر او بلور اختصاص یافته وعمر عزیز را بدرس و بحث واقامه جماعت و امر معروف و نهی از منکر و ترویج احکام و تألیف و تصنیف گذرانید .

در المآثر والاثار (ص۱۵۴) درباره او گوید: مجتهدی مسلم ومروجی مبسوط الید بود در نهی از منکر ومنع اهل فجور قلبی قوی داشت و در حفظ حدود شرعی هیچ نکته ای فرو نمی گذشت (انتهی) صاحب عنوان در شنبه ۴ صفر سال ۱۳۰۳ در قم وفات یافته در مقبره جناب زکریا بن آدم"(۱) در قبرستان شیخان قم (۲)در جنب

۱- ثقه جلیل القدر زکریا بن آدم از اصحاب حضرت رضا علیه السلام که در باره او فرمودند : المأمون علی الدین والدنیا - اللهم ارزقنی فی الدنیا زیارته وفی الاخره شفاعته .

۲- قم دومین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت فاطمه معصومه علیها سلام دختر حضرت امام موسی کاظلم علیه السلام است .

جد و پدرش مدفون گردید . پدرش نیز از علماء بوده و در سال ۱۲۲۸ وفات یافته واولاد و اعقابش خاندان پیشوائی در قم می باشند .

وی از شیخ محمد بن حاج محمد چکنی گزازی قمیمتوفی بسال ۱۲۷۸ هجری اجازه داشته و تاریخ اجازه سال ۱۲۶۹ می باشد . . .

(ص ۲۴۵ یکم الذریعه) کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- الدره الباهره فی احکام العتره الطاهره در دو مجلد ۲ - مقالید الاحکام در فروع فقه در شش مجلد . یک مجلد آن بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه آیت الله مرعشی شماره (۳۹۱۵) موجود است (ص ۲۹۴ دهم فهرست کتابخانه) ۲- ینابیع الحکم در توحید ، وحدود بیست عدد کتاب و رساله دیگر .

ص ۳۴۷ یکم نقباء البشر. ص ۲۳۴ شخصیت شیخ انصاری - ص۹۸ رجال قم مقدسی زاده - ص ۲۵۵ و ۲۷۱ تاریخ قم ناصر الشریعه .

۴۷ – اقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم حسینی بید آبادی معروف بمقدس

مرحوم آقا سید ابراهیم از اهالی ساوه بوده و پدرانش از سادات مختاری سبزوار و به ساوه مهاجرت نموده بودند و آقا سید ابراهیم از سیاره به اصفهان آمده وسیدی جلیل زاهد وعابد و مقدس بوده و چون به اصفهان آمد مرحوم سید حجه الاسلام او را با احترام پذیرفته و در جنب منزل خود برای او خانه ای تهیه نموده مشار الیه خواهر آقا میر سید محمله شهشهانی را بزوجیت اختیار نموده و بعد از سال ۱۲۰۰ وفات یافته در قبرستان قبله دعا مدفون گردید و قبرش تا این تاریخ معلوم و معروفست و اهالی محل زیارت او میروند و به او اعتقاد دارند .

فرزندش آقا سید حسن از ائمه جماعت وفضلاء بوده و روزگار بزهد و عبادت

می گذرانیده در نزد سید حجه الاسلام و حاجی سید اسد الله و آقا میر سید محمد شهشهانی فی الجمله تلمذ نموده وزهدش بر علمش افزون بود. در حدود ۱۲۴۰ متولد و پس از ۱۲۹۵ وفات یافته در نزد پدر مدفون گردید. فرزندش آقا سید عبد الحسین از علمای بزرگوار و بزهد وقناعت معروف بود قبل از سال ۱۳۴۶ بسن قریب هشتاد سالگی وفات یافته در مقبره سر قبر آقا در محله خابجون هدفون و سپس به عتبات نقل گردید .

مرحوم آقا سید عبد الحسین سه فرزند پسر داشت : ۱- حاج آقا محمد مقدمی عالم فاضل مجتهد صاحب کتاب الأوائل مطبوع۲ - حاج آقا حبیب الله ۳-آقا محمد علی رحمه الله علیهم أجمعین . .

۴۸ – حسن بن احمد صفاری

(صفاری) در سال ۱۲۴۴ مجلدات شش گانه مطالع الانوار تألیف سید حجه الاسلام را کتابت نموده است نسخه مجلدات در کتابخانه مسجد جامع یزد موجود است . .

ص ۱۴۳ بیست و یکم الذریعه

صاحب عنوان احتمالا از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد .

۴۹ – سید محمد حسن مجتهد موسوی

فرزند آقا سید محمد تقی مستجاب الدعوه خواجوئی (۱)عالم فاضل زاهد متقی

ص : ۲۹۹

۱- خواجو وخاجو یکی از محلات قدیمی اصفهان است که قدیم آنجا را باغ کاران می گفته اند و در جنوب شرلی شهر در کنار زاینده رود قرار دارد . نویسنده سطور رساله مختصری در تاریخچه این محله تألیف نموده و پچاپ رسیده است در این جا دیگر نیازی بشرح وتوضیح ندارد طالبین بکتاب نامبرده مراجعه نمایند .

از علما، ابرار وفقهاء اخیار جامع معقول و منقول و حاوی فروع واصول، فرزند فاضل جلیل آقا سید محمد سعید بن محمد صادق بن سید ابوالقاسم خواجوئی متوفی بسال ۱۱۹۱ مدفون در تخت فولاد در تکیهای مخصوص نرسیده به تکیه فاضل سراب . اجداد ایشان از یزد به اصفهان منتقل گردیده و بنی اعمامش در یزد به سادات شاهزاده فاضلی شهرت داشته ودارند .

صاحب عنوان در حدود سال ۱۲۰۷ در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند وادیب خود و جمعی از بزرگان علماء همچون آخوند ملا علی نوری

میرزا ابوطالب صاحب حاشیه بر سیوطی و حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام تحصیل نموده و حتمالا از محضر آقای سید صدر الدین محمد عاملی نیز کامیاب شده است تا بمقامات عالیه علم واجتهادرسیده و از جمعی از فحول مجتهدین به اجازات روایتی و اجتهاد مفتخر گردیده که از آنجمله است: ۱- آقاسید رضا بن علامه بحر العلوم (متولد در۱۱۸۹ متوفی۱۲۵۴ مؤلف ۱- اصول الفقه ۲- شرح برشرح لمعه

۳- شرح برشرایع ۴- کشف القناع دراصحاب اجماع وغیره) ۲- آقا محمدرضی بظن نویسنده آقا سید رضی لاریجانی مازندرانی از معروفترین شاگردان حاج ملا علی نوری متوفی بسال ۱۲۷۰) ۴- آقا سید صدرالدین محمد بن صالح موسوی عاملی اصفهانی (متولد در ۱۱۹۳ او متوفی در ۱۲۶۳ مؤلف کتب عدیده) ۴- ملا مهدی بن محمد صادق قمبوائی سمیرمی اصفهانی متوفی شب جمعه سوم رجب ۱۲۵۵ مدفون در تخت فولاد در جنب فاضلان ۵- میرزا محمد مهدی نایب الصدر بن محمدکاظم بن علی نقی بن علیرضا بن میرزا محمد باقر پیشنماز مسجد شاه ابن سید علیرضا حسینی عاملی اصفهانی متوفی بسال ۱۲۶۷ مدفون در بقعه تکیه آقا سید رضی الدین محمد موسوی شیرازی اصفهانی در تخت فولاد (معروف به تکیه آقا رضی و متوفی در روز جمعه ۵ربیع الثانی سال ۱۱۱۳).

مرحوم آقا سید محمد حسن را تألیفات زیادی است. از آنجمله : ۱- رسالهای در احیای موات۲ - رساله جنبیه ۳- رساله در جواز تسامح درادله سنن ۴- رساله در رد مظالم ۵-سؤال و جواب در ارث ۶ - شرح تهذیب منطق تفتازانی ۷-شرح بر شرح رضی بر شافیه ۴ - رساله در شرط ضمن العقد ۹- رساله در شیربهاء ۱۰ - یک دوره کامل فقه در شش مجلد ۱۱- مهجه الفؤاد در شرح بر ارشاد علامه حلی در ۱۴ مجلد وغیره .

مؤلف بزرگوار در جمادی الاولی سال ۱۲۶۳ در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و اجداد خود مدفون گردید و اینک قبر او در تکیه ای بنام (تکیه مهدوی) در جنب تکیه خاتون آبادی در تخت فولاد قرار دارد .

فرزندش مرحوم حاج سید مهدی نحوی و مرحوم آقا سید شهاب الدین و محمد تقی پدر نویسنده کتاب می باشد . رحمه الله علیهم أجمعین .

۵۰ -آقا میر سیدحسن مدرس مهرمحمد صادقی

فرزند سید علی بن محمد باقر بن م�ر محمد اسماعیل واعظ بن ابوصالح بن عبد الرزاق بن محمد بن ابوالمعالی بن شمس الدین محمد بن عبدالرضا بن ابوالفتح محمد بن مهدی بن تاج الدین علی بن شمس الدین علی الاکبر بن ناصر الدین احمد بن شرف الدین محمد بن شمس الدین ابوالقاسم علی بن عمید الدین عبدالمطلب بن جلال الدین بن ابراهیم بن حمید الدین عبد المطلب اول ابن شمس الدین علی بن تاج الدین حسن بن شمس الدین علی عمیدالدین ابی جعفر بن عزالدین ابی نزار عدنان بن عبیدالله ابن ابی علی عمر المختار بن مسلم الاحول ابن ابی علی محمد بن محمد الاشتر بن عبید الله بن علی بن عبید الله الثانی بن علی الصالح بن عبید الله الأعرج بن الحسین الاصغر بن الامام علی بن الحسین

ص : ۳۰۱

زین العابدین علیهما السلام .

عالم فاضل فقیه مجتهد جامع معقول و منقول وحاوی فروع واصول عابد زاهد معروف به مدرس در سال ۱۲۱۰ در اصفهان متولد و در اصفهان و کربلا و نجف نزد عده زیادی از بزرگان مجتهدین تلمذ نموده و از چند نفر اجازه روایت داشته است.

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۷۶ دوم) ویرا عنوان فرموده وشرح حال نسبتاً جامع و مبسوطی از وی نوشته لکن بشاگردی او نزد سید حجه الاسلام و با اجازه داشتن از ایشان کوچکترین اشارتی ننموده لکن در معارف الرجال (ص ۱۹۷ دوم) ویرا در عداد شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام میشمارد ویظن نویسنده مقتضای زمان نیز چنین بوده .

محدث قمی در فوائد الرضویه (ص ۱۱۰ یکم) ویرا دو بار عنوان نموده است شرح حال اودر عموم کتب تراجم رجال مذکور همگان به عظمت و بزرگی وفقاهت وحسن سلیقه وحسن بیان او اشاره نموده اند . تألیفات عدیده دارد که از آنجمله است : ۱ - الاجازات ۲ - اجوبه المسائل ۳- اصاله البراءه ۴ - اصاله الصفحه ۵ - جوامع الأصول ۶. رساله در شک در مکلف به ۷- رساله در عبادات بفارسی ۸- رساله در عدالت ۹ - رساله عملیه ۱۰ - رساله در فقه استدلالی ۱۱ - رساله در قاعده لاضرر ۱۲ - مناسک حج وغیره.

صاحب عنوان سرانجام در روز۳ جمادی الثانیه سال ۱۲۷۳ در اصفهان وفات یافته در مقبره مخصوصی جنب مسجدی که خود بنا نموده و بنام مسجد رحیم خان شهرت دارد مدفون گردید و جمعی از اولاد و اعقابش در همان بقعه دفن شدهاند .

رفع اشتباه : در تکمله نجوم السماء (ص ۴۶۵ یکم) ویرا بنام میرزا حسن بیدآبادی عنوان نموده و گوید جناب سید باقررشتی و میرزا محمد حسن شیرازی تزیل سامراء از شاگردان ایشانند .

ص : ۳۰۲

اشتباه در سید باقر رشتی (مراد سید محمد باقر حجه الاسلام رشتی است) ظاهروشاگردی میرزای شیرازی معروفست ، زیرا سید حجه الاسلام استاد اوست نه شاگرد .

۵۱– سید حسن بن علی بن رضی ابن عبد الغنی حسینی کاشانی معروف به امامت .

دانشمند محترم آقای سید عزیز الله امامت فرزند میر سید فخرالدین امامت از علمای معاصر در رساله : « تبصره المعاریف» در شرح حال صاحب عنوان (ص ۲۴) می نویسد :

از مجتهدین مبرز کاشان و مجاز از طرف جمعی از مراجع تقلید عصر شان و از تلامذه مرحوم سید المعروف الملقب بحجه الاسلام آقای حاج سید محمد باقر رشتی که در اصفهان بوده و مدتی نزد ایشان بفنون علوم استفاده فرموده و هم در خدمت جمعی دیگر از علمای بزرگی که ذکرش موجب تطویل (ای کاش اسامی تمام اساتید و برا می نوشتند).

کتب زیر را از تألیفات صاحب عنوان در رساله نامبرده ذکر نموده اند : ۱–احقاق الحق فی الظن المطلق ۲– السمحه السهله فی الفقه .

مؤلف رساله نامبرده فاضل گرامی سید عزیز الله بن فخر الدین بن مهدی بن سید علی بن رضی بن عبد الغنی حسینی کاشانی از احفاد برادر بزرگوار صاحب عنوانست.

۵۲ – سید حسن بن سید هاشم موسوی اصفهانی

فرزند سید میرزا بن محمد بن حسن بن نصر الله بن حسن بن حسین بن عیسی بن خمیس بن هاشم بن احمد بن ناصر بن سلیمان بن موسی بن رضا (صالح) بن علی

بن محمد بن کمال الدین بن محمد بن علی بن محمد بن حسین بن طاهر بن ابراهیم بن علی بن عیسی بن حسن بن الإمام موسی الکاظم علیه السلام.

عالم فاضل منفی در حدود سال ۱۲۰۰ متولد گردیده و در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم سید حجه الاسلام شفتی و حاجی کلباسی و شاید حاج ملا علی نوری تلمذ نموده و در ضمن تحصیل به شغل زنجیره بافی نیز اشتغال داشته و از امتیازات او عمامه سبز بوده که تا این اواخر در بین احقاش متداول بود سرانجام در حدود سال ۱۲۷۰ بااندکی بیشتر در اصفهان وفات یافته در قبرستان آب بخشان مدفون گردید .

فرزندش آقا سید محمد ونواده اش مرحوم حاج سید علی زنجیره فروشی از اساتید فن قراءت وتجوید در اصفهان بشمار میرفت در حدود سال ۱۲۷۵ متولد و در سال ۱۳۵۱ در اصفهان وفات یافته در تکیه آقا شیخ مرتضی ریزی مدفون گردیده و سپس به اعتاب مقدسه عراق منتقل گردید .

فرزند ایشان مرحوم حاج سید مرتضی ظهیرالواعظین (ظهیر الاسلام) واعظ فاضل وادیب کامل از وعاظ و گویندگان مشهورو طراز اول اصفهان بشمار میرفت .

۵۳- ملا حسین اردستانی

در تکمله نجوم السماء (ص ۴۶۴ یکم) گوید : ساکن همدان از تلامذه سید باقر رشتی در فقه و کلام سرآمد اسلام بود صحبت منبرش بی نظیر بود در مسائل فقه استحضاری تام میداشت که حاجت بتأمل در جواب استفتاء نداشت. کتابی مبسوط در اصول دین نوشته، بغایت جری القلب وشجاع بود با آنکه خانه اش را آتش زدند لکن هیچگونه مغموم نشد و همان روز قریب همدان درد می رفته بوعظ مشغول شد.

ص : ۳۰۴

۵۴– شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی .

عـالم فاضل مؤلف کتاب : نماز برهنه وان رسالهای فارسـی است در نماز مطابق فتاوای مرحوم سـید حجه الاسـلام شـنتی اصـفهانی که صاحب عنوان آنها را جمع آوری نموده است.

نسـخه ای از این کتاب بخط:حسـین بن عزیز اله اصفهانی مورخ بسال۱۲۴۶ در سـامراه در کتابخانه علامه محقق مرحوم آقامیرزامحمـد طهرانی بنظر مؤلف الذریه رسیده است (ص ۳۱۱ جلد ۲۴ کتاب الذریعه).

ظاهراً صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام بوده است. ممکن است که صاحب عنوان مرحوم آقا شـیخ محمـد حسـین صاحب فصول

باشد. باید تحقیق شود.

۵۵– محمد حسین کاشی اصفهانی: وی ظاهرا از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بوده است .

در پشت نسخه ای از کتاب : « الزهره البارقه » تألیف مرحوم حجه الاسلام شفتی نوشته است که :

صاحب عنوان مالک نسـخه کتاب بوده و آنرا گم کرده است شـیخ علی برغانی آنرا از زنی در بازار اصـفهان خریده است مرحوم شـیخ محمد حسین کاشانی توسط حجه الاسلام از موضوع آگهی یافته و کتابرا از مرحوم آقا شیخ علی بساز خریده است .

کتاب نامبرده بشـماره (۴۷۱۹) در کتابخـانه (مجلس شـورای اسـلامی ایران موجـود اسـت (ص ۱۶۹۷ مجلـد چهـارم از دهم فهرست کتابخانه مجلس).

ص : ۳۰۵

۵۶- میر حسین طباطبائی کچویهای اردستانی

از فضلاء وساکن قصبه کچویه به بلوک سفلای اردستان(۱) بوده در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان تحصیل نموده و معاصر باسید حجه الاسلام شفتی و احتمالا شاگرد ایشان بوده است.

مشار الیه دارای فرزند پسری بنام سید میرزا علی اصغر بوده که وی سر سلسله سادات طباطبائی سید علی اصغری می باشد .

در کتاب : آنشکده اردستان (ص۷۵ یکم) نامی از صاحب عنوان برده شده کن به شاگردی او نزد حجه الاسلام اشاره ای نشده است .

۵۷- شیخ محمد حسین بن ابراهیم فارسی شیرازی

از شیراز جهت تحصیل به اصفهان مهاجرت نموده و مدت دو سال در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام بکسب علوم پرداخته است سپس در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر به اعتاب مقدسه کربلا و نجف اشرف مشرف گردیده و مدت پنج سال در خدمت علماء بزرگوار آنجا به تکمیل علوم خود پرداخته سپس به اصفهان مراجعت نموده و در سال ۱۲۵۳به اجازه اجتهادی از استاد خود سید حجه الاسلام مفتخر شده است. . . مشار الیه عالمی بزرگوار وادیب و شاعر بوده و بفارسی و عربی شعر میسروده

۱- اکچویه از قرای اردستان است و آن غیر از کچویه از بلوک دید غمش لنجان سلبا می باشد. در کتاب : آتشکده اردستان راجع به تاریخ و جغرافیای کچوپه اردستان مطالبی نوشته قلم طالبین مراجعه نمایند .

در اوائل متمایل به علوم غریبه و کیمیا بوده سپس متوجه فقه و اصول شده و در آن مهارت و استادی یافت، کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ – اللؤلؤ المنتثر منظومه تهیه در سال ۱۲۵۲ سروده است ۲ – رساله در مسأله بیمه و آنرا به چهارصدوهشتاد صورت گوناگون تصور نموده است

(ص ۱۹۱ تراجم الرجال)

۵۸– شیخ محمد حسین بن حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی

عالم فاضل پدرش از خواص و نزدیکان سید حجه الاسلام بوده و شرح حالش مجملا مذکور شد.

صاحب عنوان در اصفهان نزد طهای این شهر تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد آقا نور واقع در محله دردشت امامت مینموده است.

از آثارش نسخه ای از شرح حدیث غمامه تألیف قاضی سعید قمی (محمد بن محمد مفید قمی است) تعلیقات پدر خود را بر این رساله با نشانه (من الوالد سلمه الله) نقل نموده تاریخ کثابت نسخه ۱۲۶۳ می باشد (ص۴۷۶ – الکرام البرره) در کتاب نامبرده و کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۴۴) و دیگر مواضع اشاره ای بشاگردی صاحب عنوان در نزد سید حجه الاسلام نشده است لکن متون بلکه قطوع با توجه به ارتباط و خصوصیات پدر با مرحوم حجه الاسلام آنست که وی در نزد ایشان تلمذ نموده است .

مرحوم آقا محمد ابراهیم قزوینی داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی ظاهراً فرزند همین آقا شیخ محمد حسین می باشد .

۵۹– سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجوئی اصفهان عالم فاضل

در حدود سال ۱۲۱۰ در اصفهان

ص : ۳۰۷

متولـد گردیـده و مقـدمات علوم رانزد پدر دانشـمند خود و جمعی از احول فراگرفته سـپس در محضـر حاجی کلباسـی رسـید حجه الاسـلام و آقامحمـد تقی رازی حاضـر گردیـده وبقدر وسع وطاقت خود از خرمن فضائل آنان خوشـهها چیده امید ترفات درباره او میرفته لکن در جوانی بسال ۱۲۶۰ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد جنب پدر مدفون گردید .

فرزند مرحوم حاج سید عبدالحمید از فضـلاء اصفهان در ۱۲۵۰ متولـد و در ۶ رمضان المبارک ۱۳۱۶ وفات یافته در جنب پـدر وجد خویش مدفون گردید . ویرا حواشـی مختصـری است بر نسـخه ای از سـیوطی که آنرا بخط خود نوشـته است صاحب عنوان عموی پدر نویسـنده است رحمه الله علیه)

۶۰- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم دوم

فرزند محمد رفیع بن محمد رحیم اول بن سـید مرتضـی بن میر محمد اشـرف بن سـید عبدالحسیب محمد بن میر سید احمد عاملی (بقیه نسب نامه او در میرسید احمد میردامادی نوشته شد).

عـالم فاضـل جلیـل ورع متقی از سلسـله جلیله میردامادی ساکن سـده بلوک ماربین اصـفهان در اصـفهان خـدمت حاجی کلاسـی و سـید حجه الاسـلام شـفتی تلمذ نموده و پس از نیل بمقامات عالیه علم بموطن خویش مراجعت نموده و به نشـر احکام واقامه جماعت و رسیدگی به امور مردم وفصـل خصومـات پرداخته در نزد عموم طبقات مردم در اصـفهان و مارپین خصوصاًنزد علماء و مجتهـدین مورد احترام ووثوق بوده و در سده وفات الله هم انجامدفون گردید(ص۲۴مقدمه لطائف غیبیه و اطلاعات متفرقه خارجی).

ص : ۳۰۸

۶۱- حاج میرزا محمد حسین بن حاج میرزا محمد رحیم میر دامادی سدهی

در مقدمه لطائف غیبیه (ص ۲۴) در باره مشار الیه می نویسد:

از علمای بزرگ و با نفوذ و با تقوی و مقتدر و شجاع و از شاگردان مرحوم حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام رشتی بوده است صداقت و صمیمیت بین او ومرحوم حاج سید اسدالله شفتی وجود داشته و یک عمربا تقوی اور عزندگی کرده است (انتهی)

سال وفات او بدست نیامد.

۶۲- سید حسین بن محمد صادق حسینی امامی عریضی اصفهانی

:(۱)

عالم فاضل از شاگردان سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و آقا سید محمد مجاهد در اصفهان بوده ، در اصفهان متولد و هم در این شهر به تحصیلات خود

ص : ۳۰۹

۱- سادات عریضی منسو بند به جناب ابو الحسن علی بن الامام جعفر الصادق علیه السلام از بزرگان امام زادگان عالم فاضل محدث ثقه جلیل در موقع رحلت حضرت صادق علیه السلام کودک بود از برادرش حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و حضرت رضا وحضرت جواد علیهم السلام روایت می کند و در عمده الطالب است که درک محشر حضرت هادی علیه السلام دا نیز نموده و در زمان آن بزرگوار رحلت کرده است و در محل قبرش اختلاف است : ۱- برخی گویند در قریه عریض (بضم اول وفتح ثانی) که ملک آنجناب بوده می باشد و هنوز آثار قبرظاهر است ۲- در قم صحن و بشه و بارگاه دارد۳ - در خارج شهرسمنان دارای قبرومحن و�ار گاه می باشد و مرحوم ثقه الاسلام نوری در خاتمه مستدرک میفرماید قبر شریفش همانست که در قریه عریض یک فرسخی مدینه است ،

ادامه داده و سرانجام در همین شهروفات یافته . ثاریخ تولد و وفاتش بدست نیامد از آثار او نسخهای از کتاب : ذخیره المعاد تألیف مولی محمد باقر سبزواری اصفهانی است که آنرا در سال ۱۲۳۰ بخط نسخ از روی نسخه ای که از روی نسخه اصل بخط مؤلف بوده استنساخ نموده است ، این کتابرا برای سید حجه الاسلام مفتی کنایت نموده و در آنجا گوید :

قد نقلت هذا الکتاب من خط ناقل خط المؤلف وقد کتبت لمولانا واستادنا وسیدنا وسندنا سید محمد باقر دام ظله . نسخه بشماره (۹۲) در۴۰۸ برگی از زکوه تاحج در کتابخانه مدرسه فیضیه قم موجود است (۱۱۱ یکم فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه فیضیه قم تألیف علامه محقق متشبع حاج شیخ رضا استادی تهرانی از مدرسین حوزه علمیه قم و مؤلف کتب کثیره حفظه الله تبارک و تعالی).

۶۳ – حسین بن عزیز الله اصفهانی

در شرح حال شیخ محمد حسین طهرانی کربلائی نوشتیم که :

حسین بن عزیز الله اصفهانی در سال ۱۲۴۶ نسخه ای از کتاب : نماز برهنه تألیف مشار الیه را کتابت نموده است.

احتمال میرود که کاتب نسخه همچون مؤلف از شاگردان سید حجه الاسلام بوده باشد.

۶۴ – میر محمد حسین بن میر سید علی حسینی میرمحمد صادقی

برادر آقا میر سید حسن مدرس سابق الذکر . از علماء اخیار وفضلاء و ائمه جماعت و محل وثوق و اعتماد عموم طبقات

بوده. در اصفهان نزد جمعی از بزرگان علم ودانش همچون حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام تلمذ نموده سرانجام در روز دوشنبه ۲۲ ذی الحجه سال ۱۲۸۸ وفات یافته در تخت فولاد پائین سکوی قبر فاضل هندی مدفون گردید ..

دانشمندان اصفهان ص ۲۹۱ واطلاعات متفرقه

۶۵ – حسین بن علی لنجانی اصفهانی

(۱). ..

در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه رجالی مرحوم سید حجه الاسلام شفتی شامل ۱۹ رساله در ۱۲۶ برگ بخط نسخ صاحب عنوان موجود است که تاریخ آن یازدهم محرم ۱۲۵۲ می باشد.

ممکن است مشار الیه نیز از شاگردان و حاضرین مجلس درس مرحوم حجه الاسلام بوده باشد.

۶۶ – مولی محمد حسین بن علی اکبر خوانساری اصفهانی

عالم فاضل زاهد عابد، از اجله فضلاء واتقیاء بوده در اصفهان خدمت پدر خود و مرحوم سید حجه الاسلام شفتی تلمذ نموده و در کربلا سالها بدرس شریف العلماء مازندرانی حاضر گردیده تا بمقامات عالیه علم واجتهاد نائل شده و باصفهان مراجعت نموده مورد توجه مخصوص سید حجه الاسلام واقع گردیده و پس از وفات ایشان از مخصومین سید حجه الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بید آبادی واقع شده و مورد وثوق و اطمینان ایشان و مورد توجه عموم طبقات خواص وعوام

۱- لنجان بروزن فنجان از بلوک غربی اصفهانست و بدوقسمت علیا و سفلی تقسیم گردیده و هر یک دارای قری و مزارع بسیار است

واقع گردیـده پس از وفات پدرش در مسـجد میرزا باقر در محله بیدآباد امامت مینموده سـر انجام در ۱۴ جمادی الثانیه سال ۱۳۰۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسـجد سـید مدفون گردید . مشار الیه دارای سه فرزند پسر بنامهای ا- حاج آقا جلال الدین ۲ - آقا شهاب الدین ۳- آقاکمـال الـدین بود. مرحوم حاج آقا جلال الـدین پـدر عالم فاضل مرحوم حاج آقا جمال الـدین خونساری بود که با فوت ایشان متأسـفانه علم وروحانیت از این سلسـله منقضـی شـد کتب زیر از صاحب عنوانست : ۱- حکم الغساله بعـد الانفصال فقه عربی رساله مختصـری است در چهاربرگ که مؤلف آنرا بدسـتور پـدر خود تألیف نموده است ۲- دروس الاصول تاریـخ فراغت از تألیف جلـد یکم ۱۶ ذی الحجه ۱۲۴۸ در اصـفهان (ص ۱۴۴ هشـتم الذریعه) ۳- المرشـد فی شـرح التبصـره فقه عربی شـرح اسـتدلالی متوسـطی است بر کتاب تبصـره علامه حلی تاریخ طهارت و صـلوه ۱۲۵۹ تاریـخ زکوه ۱۲۶۰ - رسـاله اول و سوم ضـمن مجموعه شـماره ۱۲۲ کتابخـانه آیت الله گلپایگـانی در قم بخـط مؤلف موجود است و قبل از کتاب اجازه اجتهاد برای مؤلف از شیخ علی بتاریخ دوم ربیع الاول ۱۲۶۰ و اجازه اجتهاد دیگری از سید حسن بن محمد صادق موسوی جرفادقانی بتاریخ ۱۲۶۴ وروی برگ اول رساله حکم الغساله اجازه اجتهادی است که سـید حسن بن علی بن محمـد باقر بمشار الیه داده است بتاریخ ۱۲۶۴ نویسـنده فهرست احتمال داده اند که سـید حسن نامبرده نوه حجه الاسـلام شفتی باشد (لکن یقیناً ابن سید حسن مرحوم آقا میر سـید حسن مـدرس میر محمـد صادقی حسـینی می باشـد . مهدوی) در صـفحه آخر مهر بیضوی { بلغ العلی بکماله} ، نیز دیده میشود.

نویسنده گوید : مهر مزبور نیز از مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ولی محمد حسین نامبرده می باشد .

ص ۱۱۶ جلد اول فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی

ص : ۳۱۲

۶۷ – محمد حسین بن محمد علی رشتی

معروف به ملامیرزا جان رشتی . در تاریخ شبه یک شنبه ۱۶ جمادی الثانیه سال ۱۲۴۵ بر روی برگ آخر کتاب : شرح لمعه مطالبی از کتاب تحفه الابرار مرحوم سید حجه الاسلام راجع به دندانها نقل می کند .

نسخه کتاب شرح لمعه در کتابخانه رضویه قم موجود است (ص ۱۷ فهرست کتابخانه رضویه قم).

ظاهراً مشارالیه نیز از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

و او غیر از ملا آقا جان شمس گیلانی واعظ ادیب شاعر (۱۳۵۴ – ۱۲۵۴) می باشد .

۶۸– ملا حمزه بیرجندی

((۱))) در بهارستان آیتی (ص ۲۷۷) در باره او گوید :

۱- آیتی در بهارستان (ص۱۰) به خلاصه می نویسد : بیرجند از اقلیم چهارم است زمینش خشک وهوایش معتدل و هفده هزار نفوس دارد ودار الملک خله قائنات است آبش در قدیم از قنات بوده و اکنون لوله کشی شده است شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۳۳) می نویسد : بیرجند قصبه ای است شهر مانند از توابع دهستان ... نمد بیرجندی معروفست (و آنجا را بر جند می نویسد). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۹/۱۵/۰۰ عرض:۳۲/۵۲/۲۰ انحراف قبله:۶۱/۰۸/۱۱جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۴۸۰ متر.نویسنده فاضل آقای محمد علی منصف در مقدمه کتاب : امیر شوکت الملک علم امیرقائن شرح بسیار مختصری از تاریخ و جغرافیای بیرجند مرقوم داشته طالبین بدانجا مراجعه کنند.

سر آمد افاضل متبحرین و اعاظم متأخرین است در علم رجال و درایت الحدیث از علمای بلند منزلت گوی سبقت ربوده و در مباحث فقه و اصول برقهاء عالی مرتبت بلندی جسته گویا تلمذش در اصفهان بر حجه الاسلام سید محمد باقر رشتی و دیگر علماء آن شهر بوده .

از بعضی فضلاء مسموع شد که حجیت مظنه واستصحاب را پیش از آنکه شیخ انصاری علیه الرحمه بنویسند جزواتی از آخوند ملاحمزه در دست بوده که حاوی اکثر مطالب شیخ بود . وبالجمله در اواخر حال خاطرش از امرای قاین رنجیده و بشهر طبس مهاجرت کرده و در آنجا متوفی شده .

۶۹ – مولی حمزه بن اسدالله جازاری فرزند عبدالله بن علی محمد شریف علوی قاینی اصفهانی .

در بهارستان (ص ۳۰۲) درباره او گوید : از اعمام کرام مؤلف است أول بعنوان تحصیل باصفهان رفته و چندی به مجلس درس حجه الاسلام رشتی و حاجی کرباسی حاضر می شده اخیراً در همانجا متوطن و متأهل گردیده ونوبتی سید مرحوم اورا بواسطه طلاقت لسان وفصاحت بیان انتخاب و برسالتی و اصلاح امری برشت فرستاده و باز باصفهان عودت کرده . خلاصه آنکه علاوه بر مقام علم وفضل ناطقی فصیح البیان بوده و واعظی رطب اللسان واز آقا محمد مهدی ولد حاجی کرباسی اجازه در فقه و حدیث دارد و در مراجعت از قاین باصفهان در بلده شاهرود متوفی گردیده .

نویسنده گوید: صاحب عنوان عموی پدر حاج شیخ محمد حسین آیتی مؤلف کتاب بهارستان می باشد .

صاحب عنوان رافرزندی فضل بنام اسدالله (۴۴۳ بکم الکرام البرره) بوده.

در الکرام البرره در صفحات (۱۲۹ و ۴۴۳) نام جدش را محمد ذکر می کند اما در بهارستان حمزه بن اسدالله بن علی محمد شریف می نویسد.

ص ۳۰۶ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۷۰- آخوند ملا رجبعلی بن محمد

آثار ملکیت او در سال ۱۲۵۸ در پشت نسخه ای از منتخب تحفه الابرار سید حجه الاسلام مشهود است ، سجع مهر : عبده رجبعلی بن محمد ۱۲۴۴.

ظاهراً مشارالیه از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

نسخه منتخب تحفه الابرار در کتابخانه فاضل محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی به شماره ترتیب ۳۶ موجود است.

۷۱ – سید محمد رضا موسوی شیرازی

(۱)) فرزند سید اسماعیل بن ابراهیم بن صالح بن ابو علی محمد بن علی مردان

ص : ۳۱۵

۱- رکن زاده آدمیت در کتاب دانشمندان و سخنسرایان فارسی (ص۴ یکم) می نویسد شیراز یکی از شهرستانهای هشتگانه استان هفتم کشور است، آب و هوایش بطور کلی معتدل و درجه حرارت نسبت به پستی و بلندی زمین متغیر است، زبان مردم شهر فارسی و مذهبشان شیعه دوازده امامی ، در سال ۷۴ هجری محمد بن یوسف ثقفی آنجارا بنا کرده است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۲/۳۲/۰۰ عرض:۲۹/۳۶/۰۰ انخراف قبله:۵۷/۲۲/۵۱ ارتفاع از سطح دریا ۱۵۴۰ متر. تعداد نفوس (شهرفقط) ۱۷۰/۰۰۰نفر

بن ابوالقاسم محمد تقی بن مقبول الدین حسین بن ابو علی حسن بن محمد بن فتح الله بن اسحق بن هاشم بن محمد بن ابراهیم بن ابوالفتیان بن عبدالله بن الحسن برکه بن ابوالطیب احمد بن ابو علی الحسن بن ابوالحسن محمد الحائری بن ابراهیم المجاب بن محمد العابد بن الامام موسی الکاظم علیه السلام .

عالم فاضل محقق در ۱۲۲۳ در شیراز متولد گردیده و پس از تحصیل مقدمات به اصفهان مهاجرت نموده و در این شهر در نزد شیخ محمد تقی رازی و حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام تلمذ نموده (چنانکه خود در مقدمه انوار الرضویه می نویسد).

سپس بطهران منتقل گردیده به ترویج و تبلیغ احکام شرعیه پرداخته سرانجام در سال ۱۳۰۸ در آنجا وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱ - الانوار الرضویه معروف به شرح رضوی در شرح کتاب مختصر نافع بچاپ رسیده و نسخه آن نزد نگارنده موجود است

۲- جامع الدعوات المنجی من الهلکات ۳ - درر اللالی در اصول فقه ۴ - رساله ای در نماز شب ه - مدائن العلوم۶- وجیزه الرجال خلاصه علامه را مختصر نموده است (مکارم الاثار ص ۷۷۲ سوم) در نقباء البشر (ص ۷۳۸ دوم) کتب زیر را نیز از تألیفات او ذکر می کنند ۷ - رساله در اصول فقه ۸- صباح الرضوی -المقابد.

اولاد و اعقاب او و برادرانش درطهران و شیراز و دیگر شهرها ساکن وعده ای از آنها اهل علم وفضل وجمعی از آنان اهل منبر و موعظه و ارشادند . وفقهم الله تبارک وتعالی فیما یحب ویرضی .

ص : ۳۱۶

۷۲ – شیخ محمدرضا طبسی

تکمله نجوم السماء (ص ۱۹۹ یکم) گوید :

ماکن طبس تحصیل علوم وفنون در اصفهان خدمت آقا سیدمحمدبار رشتی طلاب ثراه و هم از دیگران نموده در حدود ثمانین بعد المأتین والالف بعالم بقاء

ارتحال تیرد .

صاحب عنوان ظاهراً از طبس خراسان بوده است (۱).

۷۳ – حاج میرزا محمد رضا کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه فقیه زاهد حاج محمد ابراهیم علیه الرحمه از علماء متنفذ ورؤساء اصفهان بوده در این شهر خدمت پدر بزرگوار وسید حجه الاسلام و جمعی دیگر از دانشمندان تحصیل نموده در شب ۱۴ رمضان المبارك سال ۱۲۱۹ متولد و شب ۱۴ شعبان المعظم ۱۲۸۴ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر بزرگوار مدفون گردید .

رجال اصفهان ص ۱۶۲ – شرح حال حاجی کلباسی ص ۲۳ واطلاعات متفرقه .

۱- در خراسان در ناحیه بنام طبس معروفست. یکی از قرای سبزوار . شهری از شهرهای خراسان (ص ۶۶ تاریخ علمای خراسان .)
ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۶۰/۱۳/۴۰ عرض جغرافیائی:۳۲/۴۸/۰۰ انحراف قبله:۶۲/۵۸/۰۲جنوب غربی

فائده : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۴۸۹) در ضمن موقوفات مدرسه کاسه گران می نویسد :

۲۶- مزرعه تقی آباد کرون اصفهان خریداری از میرزا محمد رضا کلباسی و میرزا محمد تقی (انتهی).

تاریخ وقفنامه شوال ۱۱۰۴ هجری می باشد و معلوم می شود که در این قرن - یعنی اوایل قرن دوازدهم - خاندانی در اصفهان بشهرت {کلباسی} می زیسته اند موضوع قابل دقت و بررسی است.

۷۴ – محمد رضا بن محمد رفیع

در روز جمعه ۱۰ رجب ۱۲۳۹ کنایت نسخه ای از کتاب : الحلیه اللامعه در شرح سیوطی تألیف سید حجه الاسلام را در اصفهان بپایان رسانیده است.

نسخه کتاب در کتابخانه مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی موجود بود به کتابخانه حاج سید محمد علی روضاتی منتقل گردید . احتمالا مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

ص ۸۳ هفتم الذریعه

۷۵ – شیخ محمد رضا لاهیجی فرزند مرتضی عالم فاضل فقیه .

مشارالیه نسخه ای از مجلد چهارم مطالع الانوار تألیف مرحوم سیدحجه الاسلام را مسالك بوده و حواشی مختصری که نمودار علم و فقاهت اوست در کناره های کتاب نوشته است . وی از علماء قرن سیزدهم هجری است .

می ۲۰۰ تراجم الرجال

احتمالا وی نیز از شاگردان و حاضرین جلسه درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۷۶ – حاج سید رضا بن نصرالله بن میر محمد رضا حسینی

عالم فاضل . در رامسر (قدیم آنجا را سخت سر می گفتند)(۱) متولد گردیده و پس از آموختن مقدمات علوم از ادبیات عرب و منطق به اصفهان مهاجرت نموده و بعداً بکاشان رفته مدتی نزد علامه جلیل حاج مولی احمد کاشانی (نراقی) مشغول شده سپس مجدداً به اصفهان مهاجرت نموده و در نزد سید حجه الاسلام رشتی به ادامه تحصیل پرداخت تابمقام اجتهاد رسید سپس بموطن خویش مراجعت نمود وبوظائف روحانیت از تدریس و اقامه جماعت و حل و فصل امور پرداخت در حدود سال ۱۲۵۰ بمکه معظمه مشرف گردیده در مراجعت در طهران مریض شده و همانجا وفات یافت.

ص ۱۱ بزرگان رامسر

ص : ۳۱۹

۱- رامسر یاسخت سر از محال ثلثه تنکابن بشمار میرود، حدود آن از شمال دریای خزرواز سمت مشرق رودخانه نسارود وجنوب کوههای جورویه و از طرف مغرب به رودخانه میانده محدود می شود. فائده : نسبت سادات بهشتی اصفهان که عموماً از اهل علم و فضل بوده و می باشند به میر عبدالباقی بن میر محمد رضا حسینی منتهی میشود بشر حیکه ادیب شاعر فاضل مرحوم آقای آقاطه بهشتی واعظ (۱۴۰۳ – ۱۳۲۲)در کتاب تحفه الاحباب که در شرح احوال مشاهیر سلسله جلیله سادات بهشتی مرقوم فرموده و در سال ۱۳۸۵ بچاپ رسانیده ذکر می نماید . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۳۹/۴۵ عرض:۳۶/۵۴/۱۵ ارتفاع ازسطح دریا۲۱-(منهای بیست یک)

۷۷ – حاج میرزا رفیعا فرزند میر سیر محمد طباطبائی

فرزند میر محمد حسین اول فرزند رفیع الدین محمد بن محمد مهدی بن ابوالحسن محمد بن رفیع الدین محمد معروف به میرزا رفیعا نائینی اصفهانی اردستانی .

از علماء اصفهان بوده و نزد بزرگان اهل علم تلمذ نموده مدتی بهندوستان مهاجرت نموده و در آنجا زنی از امرای سند اختیار نموده و از آن مخدره اولادی نداشته نکن از عیال دیگرش شش فرزند پسر یافته که دو نفر از آنان از اطباء زمان و بدین علم شهرت داشته اند (ص ۱۸۸ یکم آتشکده اردستان).

مشار الیه مورد توجه و عنایت سید حجه الاسلام بوده و پس از معاودت از سفر هند از طرف ایشان متصدی موقوفات میر جمله اردستانی گردیده و بدین مناسبت از اصفهان به زواره مهاجرت نموده و آنجا سکونت فرموده است (ص ۲۹۱ دوم آتشکده اردستان).

بظن قوی مشارالیه از شاگردان سید حجه الاسلام بوده است .

۷۸ – مولی محمد رفیع بن علی رشتی

(۱)

معروف به شریعتمدار از بزرگان علماء و مجتهدین ورؤساء مذهب و دین در

ص : ۳۲۰

۱– شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۹۲) به خلاصه می نویسد: لفظ رشت ولفت فرس خاك روب را گویند و در غرب نام شهر است بزرگ و بندربست سترك آن شهردار الملك گیلان وسواد اعظم آن مکانست ... در میان جنگل عظیم ویك فرسخی بحیره و چهار فرسخی بحر خزر واقع است و اطرافش نیز جنگل پر درخت و تردد و آمد شد مسافران بسیار سخت است ... هوایش گرم در موسم تا بستان عفن ودر زمستان از کثرت باران کوچه بازارش چرکن. .. حاصلش برنج فراوان وتازو ابریشم بسیار و بامتیاز است ...

سال ۱۲۱۱ مطابق کلمه تاریخ یاخیرات در رشت متولد گردیده در خدمت شریف العلماء مازندرانی رسید حجه الاسلام شفتی و جمعی دیگر از بزرگان علماء تلمذ نموده تا در فقه و اصول ورجال بدرجه اعلای اجتهاد و تحقیق رسید مدت تقریباً چهل سال در موطن خود ساکن و به نشر و ترویج دین وریاست و تدریس و تالیف وتصنیف گذرانیده تا در سال ۱۲۹۲ وفات یافت . ویرا در فقه و اصول ورجال تألیفاتی بوده است.

مرحوم شریعتمدار رشتی دو اجازه از سید حجه الاسلام داشته یکی عربی و بزرگ و دیگری فارسی و مختصر بتاریخ ۱۲۵۸ و مرحوم آقا شیخ عبدالحسین طهرانی از وی روایت احادیث مینماید (ص ۵۰۸ دوم الکرام البرره)

در المآثر والاثمار (ص ۱۵۱) گوید : بثروت و مکنت وی در مملکت گیلان کمتر کسی میرسید ، بعضی از آثار بیادگار گذاشته از قبیل ۱ – پل سیاه رود ۲ – راه جهنم دره ۳– پل منجیل .

در احسن الودیعه (ص ۷۰ بکم) وبرا عنوان نموده و از قول نواده او آقا محمد رفیع که در سال ۱۳۴۷ در مسافرت عتبات جهت مؤلف احسن الودیعه فرموده: نام پدرش را حاج ملا خلیل نوشته و گوید نسب شریف او به جناب عمار یاسر می پیوندد ، واز تألیفات او شرح تبصره علامه حلی را ذکر نموده و مدفن او را در نجف اشرف می نویسد .

خاندان شریعتمدار رشنی از خاندانهای علمی و علم وریاست تا این زمان در آن خانواده بر قرار است.

۷۹ – میرزا زین العابدین موسوی فرزند مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی

ص : ۳۲۱

در المآثر والاثار (ص ۱۶۴) گوید : از علمای معتبر اصفهان بود .

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) محل قبر اوراجلو قبر سید در داخل بقعه مرحوم حجه الإسلام می نویسد .

در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۱۹۶) والکرام البرره (ص ۵۸۹ دوم) ویرا بعنوان اهل علم وفضل و کمال و شهرت و مقبولیت عامه و اعتبار ستوده اند . راجع به فرزندانش در فصل خاندان مرحوم حجه الاسلام بحث خواهیم کرد .

مشار الیه در اصفهان نزد پدر و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده و قبل از سال ۱۲۹۰ که وفات علامه مرحوم حاج سید اسدالله می باشد وفات یافته است. رحمه الله علیه .

در قضایای شورش مردم اصفهان علیه حاکم جابر و ظالم خسروخان گرجی در سال ۱۲۶۵ فرد مؤثر بود و از دولت ودو لتیان رنج بسیار کشیده شرح مختصر آن در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله بیان خواهد شد.

۸۰ – حاج میرزا زین العابدین بن سید ابو القاسم جعفر ثانی موسوی خونساری اصفهانی علیه الرحمه .

عالم فاضل محقق زاهد عابد متقی پدرش (و پدرانش) از علماء کاملین وفضلاء ومجتهدین بوده و در سال ۱۱۶۳ متولد و در ۱۲۴۰ وفات یافته و صاحب عنوان در۸ ذی القعده سال ۱۹۹۲ در خونسار متولد گردیده و در ۹ جمادی الثانیه ۱۲۷۵ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد اصفهان مدفون گردید وقبر مبارک او از مزارات مشهور و مورد توجه و عنایت عموم مقدسین از خواص وعوام می باشد .

وی از جمعی از علماء احلام مجاز بوده از آنجمله : انا سید محمدقصیر

ص : ۳۲۲

رضوی مشهدی متوفای۴ محرم ۱۲۵۵ دیگر مرحوم حاج سید محمدباقر حجه الاسلام می باشد به اجازه مبسوطه ای بتاریخ اواخر صفر ۱۲۲۲ – آغاز { الحمد لله الذی نصرت الألسن عن بلوغ ثنائه...}(ص ۱۵۷ یکم الذریعه) در عموم کتب تراجم رجال که نامی از وی برده اند او را به عظمت و زهد و تقوی ستوده اند .

مشارالیه پدرعلامتین مرحومین آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی سالف الترجمه و آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی آتی الترجمه می باشد. اولاد واعقاب او جملگی از علماء اخبار وفضلاه اصفهان و خونسار و بزهد و تقوی و علم وفضل معروفند و مردم اصفهان عموماً وساکنین محله چهارسوق شیراز بها ولنبان خصوصاً به آنان ارادت می ورزند و آنها را از جان و دل دوست دارند و مورد اعزاز و احترام قرار میدهند والحق شایسته کنند.

۸۱– سید شریف خلخالی فرزند سید عباس

(۱)

(۱ علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۲۰ دوم) می نویسد :

نسخه ای از مجلد دوم کتاب : مطالع الانوار از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را در کتابخانه شیخ قاسم محی الدین در نجف اشرف دیدم که صاحب

۱– در بستان السیاحه (ص ۲۷۳) می نویسد: خلخال نام ولایتی است مسرت مآل از ولایات آذربایجان، قدیم الزمان یکی از بلول ایران شهری بر سر کوهی احداث کرده فیروز آباد نام نهادند الحال مجموع آن ولایت راخلخال گویند ... آبش از چشمه سار خوشگوار وهوایش سردی مایل و سازگار جمیع بلادش کوهسار است .. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۳۱/۳۰ عرض:۳۷/۳۶/۴۵ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۵متر.

عنوان حواشی از خود بر آن نوشته بود و نشانه آن (المحرره) بود و تاریخ آن سالهای ۱۲۴۰ و ۱۲۴۳ همچنین برخی از حواشی استاد را برکناب نقل نموده بودینشانی { منه مدظله} بنابراین مشارالیه تا سال ۱۲۴۳ در قید حیات بوده و از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد.

ظاهراً صاحب عنوان در اصفهان سکونت داشته و هم در این شهر وفات یافته اس سال وفاتش بدست نیامد.

ص ۳۶۷ بزرگان و دانشمندان اصفهان

۸۲ – حاج سید شفیع بن سید علی اکبر موسوی جاپلقی بروجردی

از احفاد میر نظام الدین احمد صاحب مزار معروف در امامزاده قاسم نزدیک بروجرد بطن ششم از اعقاب حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام . از اکابر علماء و اعاظم فقهاء و مجتهدین جامع معقول و منقول و در رجال و حدیث صاحب نظر بوده ، در بروجرد و اصفهان و کاشان و نجف در نزد بسیاری از بزرگان تلمذ نموده که از آنجمله است حاج ملا احمد نراقی و حاج ملا محمد جعفر آبادهای وحاج ملا عباسعلی کزازی کرمانشاهی و آقا محمدعلی بن آقا باقرغروی مازندرانی اصفهانی و شریف العلماء مازندرانی و مولی محمد بن حسنعلی و آقا سید محمد مجاهد کربلائی اصفهانی و برادرش آقا سید مهدی فرزند صاحب ریاض المسائل و حاج ملانورعلی مازندرانی، واز مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اصفهانی ومولی علی اکبر خونساری اصفهانی اجازه روایت و اجتهاد داشته و پس از وصول بمقامات عالیه علم واجتهاد ببروجرد منتقل گردیده و بدرس و بحث و نشر احکام و تربیت طلاب و تألیف کتب ورسائل و اقامه جماعت و رسیدگی بامور مردم پرداخته کتب زیر از تألیفات اوست ۱– اصول الکربلائیه ۲ – حاشیه بر تمام ریاض

ص : ۳۲۴

المسائل ۳- حاشیه بر مناسک حج مرحوم سید حجه الاسلام ۴ -روضه البهیه دراجازه شفیعیه وآن کتابی است مانند لؤلؤه البحرین که در اجازه دو فرزند دانشمندش سید علی اکبر و سید علی اصغر مرقوم فرموده ۵- شرح کتاب تجارت روضه ۶-القواعد الشریفیه در اصول و آنرا بنام استاد بزرگوارش شریف العلماء در دو مجلد تالیف فرموده ۷ - مرشد العوام در نماز و آن رساله عملیه است ۸ - مناهج الاحکام در فقه عربی و غیره . سرانجام در سال ۱۲۸۰ وفات یافته ماده تاریخ فوتش را مرحوم آقا شیخ محمد تقی دزفولی چنین گفته است : چه زد سید شفیع از این جهان سوی جنان خرگه

زفیض عام خود اکیل فضل افراشت تا برمه همه کروبیان از بهر او واحسرتا گویان

بنالیدند از دل در عزای او گه وبیگه برای ضبط تاریخ وفاتش از دم غیبی غیبی

بگوش من ندا آمد که {فمنهم من قضی نحبه}شرح حالش در عموم کتب تراجم رجال بطور تفصیل واختصار نوشته شده از آنجمله : احسن الودیعه (ص ۴۰ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۱۹۵ یکم) ریحانه الادب (ص ۲۴۰ یکم) علماء خراسان (ص ۱۷۱) فوائد الرضویه (۵۴۱ دوم) قصص العلماء (ص) الکرام البرره (ص ۶۲۵ دوم) لباب الالقاب (ص ۶۳) المآثر والاثار (ص ۱۴۸) وغیره .

تذکر : کتابهائیرا که ذکر کردیم آنهائیست که در اختیار نویسنده بوده و گرنه در بسیاری از کتب دیگر از آن جمله خاتمه مستدرک الوسائل وغیره نیز نام او مذکور است.

۸۳ – ملا محمد شفیع بن محمد خولی اصفهانی

(۱)

فرزنـد ملاـ ابوالقاسم بن احمـد بن علی بن ملا دولتهای قراچه داغی عالم فاضل وفقیه کامل درخوی و سپس در نجف اشـرف نزد اساتیـد انجا تلمـذ نموده و از اساتیـدش شیخ جعفر کاشف الغطاء وسید مجاهـد و سید بحرالعلوم را نام برده اند پس از نیل بمقامات عالیه علمی به موطن ومولـد خویش برگشـته و در آنجـا ریـاست و مرجعیتی بـافته در جنگ ایران و روس شـرکت نموده و پس از جنگ مجبور به ترک خانه ودیار خود گردیده با جمعی از اقوام و ارحام به اصـفهان مهاجرت نموده و این شـهر را جهت سـکونت اختیار نموده و مورد توجه سید حجه الاسلام قرار گرفته بود ودریک وقت در مسجد میرزا باقر در مرحله بیدآباد امامت مینموده است .

ویرا تألیفـاتی است (نمـونه یکی از صـفحات شـرح یکی از کتب فقهی یکی از اساتیـدش در صـفحه ۱۸۰۵ جلـد پنجم مکارم الاثار گراورشده است). صاحب عنوان در سال ۱۲۶۵ در اصفهان وفات یافته در مقبره کوچک مسجد سید مدفون

ص : ۳۲۶

۱- شـیروانی در بستان السیاحه (ص ۲۷۴) به خلاـصه گویـد : خوی ام بلاـده ای است از اقلیم رابع رجوانب اربعه اش فی الجمله واسع از بلاد آذربایجـان و محلی خلـدشانست سـمت غربی شـهر تـبریز اتفـاق افتـاده ... آبش بسـیار وهـوایش سازگـار . ثـانیه/دقیقـه/درجه طـول جغرافیائی:۴۴/۵۷/۵۰ عرض:۳۸/۳۲/۰۰ انحراف قبله:۱۵/۵۴/۴۸

گردید . (ص ۱۸۰۴ پنجم مکارم الاثار- م ۳۹۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

ظاهراً ایشان از سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی مجاز بوده اند فرزندانش عموماً اهل فضل و کمال وهمگی ساکن در اصفهان بوده و در این زمان به شفیع زاده وخونی شهرت دارند و

۸۴ – میر محمد صادق بن سید محمد بن سید محمد علی حسینی

سادات کتابی اصفهان از سلسله سادات محترم و معزز اصفهان که عموماً بفضل ودیانت و تقوی و امانت شهرت دارند و عده زیادی از علماء و فضلاء ومدرسین از این سلسله جلیله برخاسته اند و نسبت آنان به جناب حسن الافطس ابن علی الأصغر بن الامام علی بن الحسین علیه السلام منتهی میشود.

صاحب عنوان از شاگردان سید حجه الاسلام وداماد ایشان بوده است ، در حدود سال ۱۲۱۰ متولد و در ۵شنبه ۱۱ شعبان ۱۳۰۴ وات یافته است و برا شرحی است بر کتاب شرایع که در تاریخ ۱۲۳۵ یعنی در حدود سن بیست و سه سالگی شروع در آن نموده است . (نسخه این کتاب یکی مسوده و دیگری مبیضه هردو بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه فاضل ارجمند مرحوم آقا میرزا ابوالحسن

کتابی (متوفی درشعبان ۱۳۹۸) فرزند آقا سید محمد جواد متوفی ۱۸ رمضان ۱۳۳۸) فرزند میر محمد صادق صاحب عنوان (ص ۳۲۴سیزدهم الذریعه) موجود بوده است.

مرحوم آقا میر محمد صادق از دختر سید حجه الاسلام سه فرزند پسر یافته که عبارتند از: ۱- آقا سید محمد تقی ۲- آقا میرزا علیرضا۳ - آقا سید محمد جواد . علیهم الرحمه.

در فصل مربوط به خاندان مرحوم حجه الاسلام راجع به فرزندان مشاراليه بحث خواهیم کرد .

مرحوم ملا عبدالکریم جزی در تذکره القبور (۴۳ و ص ۶۲ رجال اصفهان) صاحب عنوان و پدرش را نامبرده و گوید : اما سید محمد از علماء و فضلاء اصفهان و بسیار معمر شده بود و مرحرم آقا میر محمد صادق از جمله فقهاء ممتازین اصفهان بودند و نزد علماء اصفهان بفقاهت معرون بودند و مرد گوشه گیر و مشغول تحصیل و مطالعه و تدریس و اهل تهجد و عبادت بودند شاگردان ایشان در اصفهان فعلا بسیارند حقیر نیز در زمان سطح خواندن مدتی شرح لمعه خدمت ایشان میخواندم ونوشتجات خوب متفرقه در فقه دارند .

۸۵ – سید صادق بن هادی بن محمد رضا حسینی

در روز پنج شنبه ۱۲ محرم سال ۱۲۱۸ در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در مولد خویش فرا گرفته سپس به قزوین و بعدا به اصفهان مهاجرت نموده و تحصیلات خویش را در این دو شهر ادامه داد و در اصفهان در خدمت علمای بزرگ این شهر همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی فقه و اصول را قرائت نموده و حکمت را نیز در نزد مرحوم آخوند حاج ملا علی نوری میاموخت تا بمقامات عالیه علم رسید پس از نیل بمقامات علمی واخذ اجازات به رامسر مولد و موطن خود مراجعت نموده و تا آخر عمر یعنی سال ۱۲۸۷ بترویج دین و تدریس علوم اشتغال جست فرزندانش نیز عموماً از اهل فضل و کمال و علم می باشند .

ص ۷۴ بزرگان رامسر

ص : ۳۲۸

۸۶ – مولی محمد صالح استر آبادی

(۱)

عالم فاضل جلیل از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بوده و آن مرحوم ویرا در اجازه خود بدینگونه وصف فرموده :

آغاز : الحمدلله الذی یحول بین المرء و قلبه سپس بعد از مقدماتی می نویسد:

الصالح العالم الزکی والفاضل العامل العلی المترلی من حضیض مناقض الجمل الی مزایا الفضائل والصاعد مجده الأنیق من مساری الرذائل الی مکارم الفواضل ولدنا العزیز الرفیع الوالی المولیمحمدصالح الاسترابادی ...

تاریخ اجازه روز شنبه ۳ ذی الحجه ۱۲۵۳ در الکرام البرره (ص ۶۵۰ دوم) تاریخ اجازه را سال ۱۲۴۶ می نویسد و تاریخ اول نقل از الذریعه (ص ۵۷۰۷ یکم) می باشد.

ص : ۳۲۹

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۷۳) به خلاصه می شود؛ استراباد شهری است دلگشا ومدنه ای است بهجت افزا هوای گرم و آبش فراوان و حبوباتش ارزان بعضی اورا دار الملک جرجان (گرگان) گفته اند و آنرا یزید بن مهلب بن ابی صفره بنانهاد و او از جانب سلیمان بن عبدالملک مروان حکومت خراسان دانش، مردمش از قدیم شیعه امامیه اند و با آنکه طایفه ترکان همسایه ابشانست بی ترس و تقیه معاش نمایند بلکه در اکثر اوقات برتر کان حکم گذارند. ثانیه/درجه/دقیقه/ طول جفرافیائی:۵۴/۲۸/۰۰ عرض:۳۶/۵۰/۳۰ انحراف قبله:۴۳/۳۰/۰۵جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا۱۶۰ متر

۸۷ – شیخ محمد صالح بیدآبادی

فرزند آقا شیخ زین العابدین از اعقاب شیخ زاهد گیلانی و از سلسله مشایخ بید آباد . در اصفهان خدمت جمعی از بزرگان علم و دانش تلمذ نموده و خدمت مرحوم حجه الاسلام شفتی و دیگران را درک نموده سپس بطهران رفته و آنجا در مدرسه دارالفنون تدریس علوم ادبی و غیره پرداخته و هم در مسجد دارالفنون امامت مینموده و تا سال تألیف گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳ حیات داشته است

مشارالیه برادر بزرگتر میرزا طاهر دیباچه نگار مؤلف کتاب گنج شایگان می باشد .

پدرش نیز از فضلاء و از سلسله مشایخ بید آباد بوده و در شوال ۱۲۲۴ در اصفهان وفات یافته است .

۸۸– حاج مولی محمد صالح بن آقا محمد برغانی قزوینی

عالم عابد زاهد فقیه فاضل از معاریف قهاء و مجتهدین است در ابتدای ورود سیدحجه الاسلام باصفهان مدتی بدرس ایشان حاضر گردیده و در این شهر خدمت

جمعی از بزرگان علماء تلمذ نموده که از آن جمله است آقا سید محمد مجاهد . سپس به اعتاب مقدسه مهاجرت نموده و در آنجا بدرس آقا سید علی صاحب

ریاض المسائل و دیگران به تحصیلات خویش ادامه داد تا بمقامات عالیه اجتهاد نائل شده و از آنا سید محمد و آقا سید عبدالله شبر وغیر از این دو اجازاتی اخذ نموده و بموطن خود قزوین مراجعت کرده و بدرس و بحث وافاد و استفاده ونشر احکام پرداخته و در شهر قزوین مسجد و مدرسه ای بنا نهاده در امر بمعروف و نهی از منکر سعی واهتمامی تام داشته و در اقامه و نشر و ترویج مراسم تعزیه

داری حضرت خامس آل عبا علیه السلام بسیار کوشا بوده و در موضوع شهادت آن حضرت کتابها تألیف نموده در اواخر عمر به اعتاب مقدسه جهت زیارت مشرف گردید و آنجا در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام سکته نموده وفات یافته است سال فوتش را ۱۲۹۴ و برخی ۱۲۷۰ یا ۱۲۷۵ یا ۱۲۸۳ نوشته اند وظاهراً ۱۲۹۴ به حقیقت نزدیکتر است والله العالم . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ - اعمال شش ماه ۲- بحر العرفان و معدن الإیمان در تفسیر قرآن در ۱۷ مجلد

۳- تفسیر صغیر در بک مجلد ۴- تفسیر وسط دو مجلد (ریحانه الادب ص) ۵- غنیمه المعاد فی شرح الارشاد در ۱۴ مجلد ۶ - کنز المعاد در اعمال سال فارسی و این آخرین تالیف اوست ۷- کنز المواعظ ۸- کنز الواعظین در احوالات موصومین علیهم السلام ۹- مجمع المصائب در مقتل ۱۰ - مخزن البکاء در مقتل ۱۱ - مسلک الراشدین در فقه و شرح ارشاد ۱۲ - مسلک النجاه رساله عملیه مختصر وبفارسی ۱۳ - مصباح الجنان الایضاح اسرار القرآن در سه جلد

علامه طهرانی در الذریعه ص ۱۰۵ بیست و یکم فوت را ۱۲۷۳ می نویسد) ۱۴ معدن البکاء در مقتل در۱۴ مجلس و خاتمه ۱۵ - مفتاح الباه در مقتل بنارسی ملمع ۱۶- مفتاح الجنان فی حل رموز القرآن در نه مجلد جلد پنجم آن در کتابخانه آیت الله مرعشی (ص ۲۳ هفتم فهرست) ۱۷ - منبع البکاء در مقتل بعربی وغیره.

وی برادر علامه فقیه زاهد حاج ولی محمد تقی قزوینی برغانی معروف به شهید ثالث است که در سال ۱۲۶۳ بدست فرقه ضاله ،مضله بابیه لعنهم الله بمرتبه رفیده شهادت نائل گردید .

برای اطلاعات از احوالات صاحب ترجمه به کتابهای روشات الجنات (ص ۴۱۴) ریحانه الادب (ص ۱۵۲ یکم) فوائد الرضویه (ص ۲۱۰ یکم) الکرام البرره (ص ۶۶۰ دوم) قصص العلماء (ص ۹۳) لباب الألقاب (ص

ص : ۳۳۱

۱۱۳) المأثار والاثار (ص) وتکمله نجوم السماء (ص ۳۹۶ یکم) ودیگرمآخذ ومصادر مراجعه نمائید.

۸۹ – ملا صفر علی لاهیجانی قزوینی

(۱)

عالم فاضل رقیه کامل از شاگردان آقا سید محمد مجاهد کربلائی و حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی اصفهانی بوده و از این مرحوم اجازه داشته است . در لباب الألقاب (ص ۱۱۴) مینویسد : در اوایل امر حکمت تدریس می نمود و چون خوابی هولناك دیدترك تدریس کتب ملاصدرانمود و بفقه و اصول اشتغال جست. مؤلف قصص العلماء گوید (ص ۹۳) مدتی در نزد او تلمذ نموده ام در احسن الودیعه (ص ۲۹ یکم) وفوائد الرضویه (ص ۲۱۶ یکم) والکرام البرره (ص ۶۷۲ دوم) ویرا عنوان نموده اند و همگان ویرا بعلم وزهد ستوده اند کتب زیر از تالیفات اوست : ۱- کتابی در اصول ۲- رساله ای در درایه ۳- شرحی بر معالم الأصول ۴ – کتابی در فقه وغیره ۵- سال تولد و وفاتش

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۱۲) به خلاصه می نویسد: لاهیجان نام در بلده است یکی از توابع شیروان و دیگر از مضافات گیلان . فاضل معاصر حاج شیخ حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۴) می نویسد: مناظر طبیعی آن دلرباست و مرکز عرفا وحکماست اطراف شهر راکوههای دیلمان محاصره کرده هوای آن بسیار لطیف و آب خوشگوار وارد ... محصول عمده این شهر چای ابریشم است . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۰/۰۰/۰۰ عرض:۳۷/۱۱/۴۰ انحراف قبله:۲۶/۵۹/۳۱ ارتفاع ازسطح دریا۲متر(دو)

بدست نیامد و ظاهرا پس از سال ۱۲۹۹ می باشد .

نویسنده گوید : احتمالا مشار الیه در اصفهان از شاگردان ملا علی نوری نیز

بوده است. و

..

۹۰– شیخ محمد طاهر بن محسن بن اسماعیل دزفولی

فرزنـد ملاـ محسن کـاظمینی . عالم فاضل در سال ۱۲۳۰ در شـهر دزفول (۱)متولـد گردیـده و پس از فراغت از تحصـیل مقـدمات لازم جهت تکمیل به اصـفهان مهاجرت نموده و در این شـهر خـدمت حاجی کلباسـی و سـید حجه الاسـلام بیـد آبادی و آقا محمـد مهـدی فرزنـد حاجی کلباسی و آقا میر سید محمد شهشهانی تلمذ نموده سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و آنجا در نزد آقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر و آقا شیخ مرتضی انصاری مدنی تحصیل نموده و از جمعی از

ص :۳۳۳

۱- شیروانی در پستان السیاحه (ص ۲۸۲) به خلاصه می نویسد؛ دزفول بلدهای بهجت نشانت رود عظهم از کنارش می گذرد و پلی در غایت اسـتحکام و مقاومت برای بسـته اند و آن از عجایب روزگار است آن شـهر زاهدان پل خواند ... در زمین هموار واقع و اطرافش واسع وهوایش گرم و آبش خوشـگوار وخـاکش در موسم زمسـتان و بهـار نایت ساز گار . در پاورقی نابغه فقه وحـدیث (ص ۱۹۷) به خلاصه می نویسـد : دسـفول و دزفول و دزفول بمعنی قلعه باقلا است یا دزپل (قلعه پل) وآنرا انـدامشک هم گفته اند ولی در حال حاضـر دزفول و اندیمشک در شهر جداگانه هستند. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۸/۲۳/۰۰ عرض:۳۲/۲۲/۳۰ انحراف قبله:۳۶/۵۵/۴۸ ارتفاع از سطح دریا:۱۴۰متر

اساتید خود و سایر علما، همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و آقا سید صدر الدین عاملی و شهشهانی وصاحب جواهر وشیخ مرتضی انصاری و شیخ علی بن شیخ حسن بن شیخ جعفر نجفی کاشف الغطاء اجازه اجتهاد و روایت داشته و پس از وصول بمقامات عالیه علم و اجتهاد بموطن خود دزفول مراجعل نموده و مورد توجه و عنایت جمیع طبقات واقع گردیده و مرجعیت تقلید در خوزستان و برخی از شهرهای دیگر بافته

ویراتألیفاتی است از آن جمله : ۱- رساله عملیه ۲- المشارع با مشارع الاحکام در شرح شرایع۳ - مصباح الهدایه رساله عملیه فارسی در عبادات از فتاوای صاحب عنوان که مولی محمد حسن بن محمد زمان دزفولی جمع آوری نموده ودر سالهای ۱۴۰۳ یا ۱۳۱۴ بچاپ رسیده است صاحب عنوان در اوایل سال ۱۳۱۵ در دزفول وفات یافت . پدرش شیخ محسن برادر علامه فقیه شیخ اسدالله کاظمینی مؤلف مقابس الأنوار ومتوفی بسال ۱۲۳۷یا ۱۲۳۶ می باشد . فرزندش شیخ عبدالحسین ونواده اش عالم جلیل میرزا محمد اعلی معزی دزفولی می باشد (ص۹۷۳ سوم نقباء البشر والذریعه). . وی غیر از شیخ محمد طاهر بن حسین نجار دزفولی متوفی حدود سال ۱۲۸۲ در نجف می باشد (ص ۳۰۴ دوم معارف الرجال) .

۹۱ – حاج ملاعبدالباقی بن محمد حسین کاشانی

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (فوت ۲۳ جمادی الثانیه ۱۳۴۰) در کتاب : الباب الالقاب (ص ۹۸) می نویسد :

الحاج الملاعبدالباقی بن الحاج محمدحسین بن الحاج عبدالرزاق الکاشانی کان فقیهاً متتبعاً فی الأخبار فاضلا جامعاً المعقول والمنقول ولاسیما الریاضیات من تلامذه الحاج السید محمد تقی الکاشانی والحاج السید محمد باقر الرشتی .. وقد

لقیته فی سالف الأیام وهو شیخ کبیر جلیل القدر معروف متصد للمرافعات .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۷ یکم) می نویسد :مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اجازهای فارسی جهت او مرقوم فرموده ودر آنه به اجتهاد و عدالتش گرامی فرموده و مردم کاشان را بمراجعه باو سفارش نموده است تاریخ اجازه ربیع الاول ۱۲۶۰ سپس می نویسد : بر فرض صحت این تاریخ اجازه نامبرده در روز فوت یا روز قبل از آن نوشته شده است .

نویسنده گوید : علامه طهرانی اول کسی است که متوجه به اشتباه در ماه وقوع فوت سید حجه الاسلام شده و همانگونه که در فصل مربوط به وفات ایشان بشرح مینویسیم وفات در ماه ربیع الثانی روی داده وربیع الاول سهوالقلم می باشد .

همچنین علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۶۹۸ دوم) می نویسد : اجازه ضمن مجموعه اجازات مرحوم حجه الاسلام در کتابخانه مولی محمدعلی خونساری در نجف اشرف می باشد .

۹۲ – میر عبدالباقی بن هادی بن میر محمد رضا حسینی

در شب بیستم ماه صفر سال ۱۲۳۱ در تنکابن و رامسر متولد گردیده و پس از فرا گرفتن مقدمات علوم باتفاق برادرش سید ابوالحسن به اصفهان مهاجرت نمود و تا سال ۱۲۵۲ در اصفهان مانده سپس با برادر خود بقزوین مهاجرت نموده راز قزوین به نجف و سپس مجددا به اصفهان مراجعت نمود و تاهنگام وفات مرحوم سید حجه الاسلام از محضر او استفاده علمی نموده تا درجه اجتهاد نائل آمد از آن پس بموطن خویش معاودت نمود به اقامه جماعت ونشر احکام و ترویج دین و اقامه شعائر

و تدریس پرداخته سرانجام در شب جمعه ۱۹ شوال المکرم ۱۲۸۷ در آخوندمحله (یکی از محلات رامسر) وفات یافته در کنار مسجد در جنب قبر پدر خود مدفون گردید .

ص ۷ بزرگان رامسر

ص : ۳۳۵

توضیح : مرحوم آقا سید هادی بن میر محمد رضا ظاهراً دارای چهار فرزند پسر بنامهای : ۱- سید ابوالحسن ۲ - سید صادق ۲- سید عبدالباقی ۴ - سید مرتضی بوده که همگان در اصفهان تحصیل نموده و سه نفر اخیر از شاگردان سید حجه الاسلام بوده اند و در این فصل بنام آنها اشاره شده است.

۹۳ - آقا عبدالحسین امین العلماء

فرزند آخوند ملا محمد شفیع خوئی بن ملا محمد بن ملا ابوالقاسم بن ملا احمد بن ملا احمد چورسی ابن ملا در لتعلی قراچه داغی اصفهانی از اجله فضلام ومحترمین اصفهان بوده و تحصیلاتش در نزد پدر و مرحوم سید حجه الاسلام شفتی وحاج محمد ابراهیم کرباسی وجمعی از علماء عراق عرب بوده و در سال ۱۲۹۳ وفات یافته و در جوار در خود در مقبره کوچک مقابل مقبره مرحوم حجه الاسلام شفتی در دالان مسجد سید مدفون گردید .

(ص ۱۸۰۶ پنجم مکارم الاثار)

۹۴ -عبدالرحیم بن محمد کریم هرندی (قهپایه ای اصفهانی)

(۱) در تاریخ ۱۸ ربیع الثانی سال ۱۲۴۶ کتابت نسخه ای از مجلد اول و دوم

ص : ۳۳۶

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص۴۶۵) به خلاصه می نویسد : قهپایه به معنی که پایه اما مخصوص نام ناحیه ای است از نواحی اصفهان مزارع فراوان و موانع بهجت نشان دارد . نویسنده گوید : تو را به همان کوپا می باشد که سابقاً ذکرش گذشت . هرند بروزن کمند شیروانی در بستان السیاحه گوید : هرند گریه ای است قصبه مانند از قرای روی دست از توابع اصفهان و محلی است آبادان آبش از قنوات و ناگوار و هوایش ناساز گاروخاکش ریگزار. در زمین هموار ورائع و اطرافش واسع است ... ظروف مسی مانند دیگ بزرگ و غیره در آن مکان خوب می سازند نویسنده گوید : هرند از دهات کوهپایه (قهپایه) است

کتاب : سؤال وجواب از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را بخط نسخ بپایان رسانیده است .

کتاب بشماره (۵۱۹۹) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۱۰ یکم فهرست کتابخانه عمومی اصفهان) خصوصیات نسخه مزبور بقرار زیر است:

قطیع کتاب ۲۱ در ۳۱ سانتی متر اندازه نوشته ۱۲ در ۲۱ سانتی متر تعداد سطلور در هر صفحه ۲۸ سطر تعداد صفحات ۱۰۹۲ کاغذ فرنگی جلد مقوائی برفی ترنجی .

۹۵ – میرزا عبدالجواد شاهرودی

(۱)۱۱ فاضل ادیب به خراسانی معروف بوده و در نزد مرحوم سید حجه الاسلام

ص : ۳۳۷

۱- ۱)شیروانی در پستان السیاحه (صفحه ۳۱۹ چاپ اصفهان) می نویسد : شاهرود قصه ای است بهجت دره ونیم فرسخی بسطام جائی خوش وهوائی دلکش دارد قریب هزار خانه در اوست ومزارع چند مضافات اوست باخائش فراوان و آمن روائت ومردمش شیعی مذهب وخالی از مردن نباشند ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۴/۵۷/۴۵ عرض جغرافیائی:۳۶/۲۵/۱۵ انحراف قبله:۴۵/۴۲/۴۲

دیگران تلمذ نموده و تا حدود سال ۱۲۸۰ حیات داشته است.

فرزندش مرحوم شیخ عبدالرزاق معروف به حکیم نیز اهل علم و فضل و کمال بوده و گاهی در اصفهان و زمانی در شاهرود و باخراسان و مشهد مقدس، سکونت داشته و تا بعداز ۱۳۱۰ زبده بوده است فرزندان او به کسب با تجارت اشتغال داشته اند لکن نواده او آقای دکتر عبدالجواد فلاطوری فرزند مرحوم آقا محمد حسین شاهرودی فرزند شیخ عبدالرزاق فیلاـ در آلمان ساکن و استاد فلسفه در یکی از دانشگاههای آنجا می باشد. کتاب جانشینان محکوم ترجمه کتاب {الاستغاثه فی بدع

الثلاثه}.

۹۶- ملا عبدالرزاق بن محمد قاسم تنکابنی

(۱)

در کتاب بزرگان رامسر (ص ۸۰) درباره صاحب عنوان می نویسد :

ص : ۳۳۸

۱- در مطلع الشمس (صفحه ۲۵۰ سوم) که در سال ۱۳۰۳ تألیف شده با اندکی تصرف و اختیار می نویسد: شهر شاهرود چندان قدمتی ندارد چنانکه در کتب جغرافیای قدیم مطلقاً اسمی از او پرده نشده است... رودخانه ای در شاهرود بوده بالنسبه با عظمت که حالا مجرای آن تغییر کرده و از آنجا که هررودبزرگی را در این نواحی شاهرود گویند. (شاه بمعنی بزرگ نیز آمدم است) نام شهر را بنزشاهرود گفتند ... ظاهراً قلعه شاهرود را در اول مرتبه زمان صفویه و ساخته اند و در عهد فتح علیشاه تجدید بنا شده. اکنون شهر شاهرود یکی از شهرهای درجه دوم مملکت بشمار میرود. ۱) شیروانی در بستان السیاحه (ص ۱۹۲) به خلاصه می نویسد: تنکابن بضم تاء وسکون نون ... قصبه ای است از گیلان و محلی است جنگل توأمان هوایش بد و آبش فراوان وخاکش ابریشم خیزو زمینش عفونت انگیز برنج بسیار دارد وچندان تعریف ندارد... ،راقم (یعنی شیروانی) مشاهده نموده است. دانشمند معاصر آقای حسن شمس گیلانی در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص۶۶) می نویسنده از شهر های قدیم گیلان است ... توتون کاری در این شهر معمول است و مرکبات نیز در این شهر به عمل می اید مناظر طبیعی ان کمی از سایر شهر های گیلان نمی کند

حدود سال ۱۲۱۵ در رامسر متولد گردید و در موطن خود و قزوین مقدمات علوم وهمچنین فقه و اصول و حکمت وریاضی ونجوم را بیاموخت سپس در سال ۱۲۴۲ جهت تکمیل تحصیلات خویش رهسپار اصفهان گردید و در این شهر خدمت حاجی کلباسی و آخوند ملا علی نوری و سید حجه الاسلام ته واصول و حکمت را تکمیل نموده در حدود سال ۱۲۵۰ به رامسر مولد وموطن خویش مراجعت نمود و بوظائف شرعیه از اقامه جماعت وفصل خصومات و رسیدگی به دعاوی و نشر احکام و تدریس پرداخت . سرانجام در حدود سال ۱۲۷۵ وفات یافت فرزندانش عموماً از اهل علم وفضل و کمال می باشند.

۹۷ – سید عبدالغنی بن میر محمد علی بن احمد حسینی

در رامسر متولد گردیده و در اصفهان در خدمت حاج ملا علی نوری رسید حجه الاسلام شفتی و دیگران تحصیلات خویش را بپایان رسانیده . وی عالمی فقیه وفقیهی متکلم وحکیمی ادیب وفاضل وزاهد وعابد ومتهجد بوده و قبل از سال ۱۲۷۸ وفات یافته است.

(ص ۸۵ بزرگان رامسر)

۹۸ – عبدالکریم بن محمد اسماعیل

جلد اول کتاب مطالع الانوار را در تاریخ پنجشنبه یکم ماه صفر ۱۲۵۴ کتابت نموده وجلد دوم آنرا در تاریخ شنبه ۱۶ جمادی الاولی سال ۱۲۴۱ کتابت نموده هر دو نسخه بخط نسخ زیبا و جدول کشی جلد اول در کتابخانه فاضل محترم آقای

ص : ۳۳۹

حاج سید مرتضی شهشهانی و جلد دوم شماره (۱۰۰۰) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است (ص۲۰۴۸ پنجم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگه) صاحب عنوان از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

نسخه مطبوع مطالع الانوار بخط همین نویسنده است که عین عبارات آن در فصل اول نقل شد.

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد اول پنجشنبه یکم صفر ۱۲۵۴ (جد التاریخ)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد دوم

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد سوم جمعه ۲۹ جمادی الثانیه ۱۲۵۹ (فانظر ماذاجری)

تاریخ فراغت از نوشتن مجلد چهارم چهارشنبه ۱۶ ذی القعده ۱۲۶۳ بدستور حاج سید اسدالله

این نویسنده علاوه بر آنکه از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است خطاط و نقاش و ادیب و شاعر نیز بوده و نمونه اشعارش را بعداً در فصل مربوطه نقل خواهیم نمود .

:

۹۹ – سید عبد الله موسوی صفوی دزفولی

فرزند سید محمد باقر بن سید عبداللطیف بن صادق بن مرتضی بن علی بن شفیع بن هود بن محمد بن عباس بن صفی الدین بن عبد الله بن محمد رشید بن صالح بن شواجه علاء الدین ابوالحسن علی بن شیخ صدر الدین موسی بن شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی جد سلاطین صفویه فرزند امین الدین جبرئیل بن قطب الدین ابو باقی بن صلاح الدین رشید بن محمد الحافظ بن عوض بن فیروز شاه ملقب به زرین کلاه بن محمد بن شرفشاه بن محمد بن حسن بن محمد

بن ابراهیم بن جعفر بن محمد بن محمد بن اسماعیل بن محمد بن محمد بن احمد بن ابو محمد قاسم الاعرابی بن ابوالقاسم حمزه بن الامام موسی الکاظم علیه السلام (ص ۱۵۲۷ پنجم مکارم الاثار).

عالم عارف ادیب شاعر متخلص به دامی از شاگردان آقا محمد بید آبادی و سید حجه الاسلام اصفهانی و از مریدان سید صدر الدین دزفولی بوده در ۱۱۵۸ متولد و در ۱۲۵۶ در دزفول وفات یافته است.

کتب زیر از اوست : ۱- آداب حیات منظومه فارسی در اصول دین در یکصد و شانزده بیست و آن ملخص کتاب آداب حیات حاج ملا محمد جعفر استر آبادی است علامه طهرانی در الکرام البرره بنام او آب حیات (ص۷۷۱ دوم) ذکر می کند و میفرماید گمان می کنم از تالیفات او باشد ۲ - تخمیس قصیده فرزدق ۳ - دولت خاقانیه در تاریخ خوزستان به نظم و نثر ۴- دیوان اشعاری که خود مدون ساخته و در سال ۱۳۱۵ عبدالله خان ساعد السلطنه سردار مکرم از اولاد صاحب عنوان گرفته است۵ - دیوان اشعار که آنها را میرزا جعفر انصاری در دو مجلد جمیع آوری نموده است ۶- مجمع الاخیار وتذکره الابرار در تعیین اولاد ائمه علیهم السلام ویقاع خبر واقع دزفول ۷- نهایه الطب در طم طب نسخه بخط مؤلف در کتابخانه میرزا جعفر انصاری موجود است (ص۴۰۱ بیست و چهارم الذریعه)

در مقدمه آب حیات (آداب حیات) گوید (ص ۱ یکم الذربعه) ناظم این نظم را از حق امید رحمت است

وز مخادیم مکرم نیز استدعا بود قاریا چون زین مراتب بهره ورگردی بگو

جای داعی در ریاض جنه الماری بود از اشعار فارسی اوست (ص ۱۳۲ دوم مجمع الفصحاء) :

ص : ۳۴۱

جوانی چه آورد وپیریچه برد بت خردسال ومی سالخورده بت خرد سالی کز اندیشه اش شده محو اندیشه خواب وخوردونخورد آنکه مرد زیک خم دهد ساقی روزگار بتو صاف صاف وبمن درددرد زداعی دعا دعوی ازمدعی ببینیم تا گوی میدان که برد

۱۰۰ – سید عبد الله نائینی

(۱)

در کتاب : سؤال وجواب تألیف مرحوم سید حجه الإسلام سؤالی از ایشان شده باین مضمون :

شخصی بنام سید عبد الله نائینی در چهار محال بختیاری رفته و خود را از شاگردان سید حجه الاسلام معرفی نموده و در ضمن جواب سؤال یکی از اهالی

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۵۷۵) می نویسد؛ : نائین قصبه ای است دلنشین ازقصباب باصفهان و محلی است مسرت توأمان در زمین هموار واقع وجوانب آن واسع است ... آبش خوب وهوایش مرغوب . و نویسنده گوید : شهر نائین در قدیم جزو استان اصفهان بوده و اکنون مربوط به شهرستان زد وخود شهری مسود و آباد است. ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۳/۰۳/۴۰ عرض جغرافیائی:۳۲/۵۱/۰۰ انحراف قبله:۴۹/۰۳/۱۳جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا۱۵۴متر. دانشمند محترم حاج سید عبدالحجت بلاغی کتابی مفصل در تاریخ و جغرافیای نائین مرقوم داشته و بطبع رسانیده طالبین مراجعه نمایند. همچنین مرحوم آقا میرزاحسین آقا امامی نائینی نیز کتابی در تاریخ و جغرافیای نائین تألیف نموده که تا کنون بچاپ نرسیده است.

از قول مرحوم سید حجه الاسلام گفته است که : خوردن پیه میته حیوان مأ کول اللحم جائز است ، این جواب مورد گفتگوی علمای محل واقع شـده و مطلب را خدمت آن مرحوم نوشـته اند ایشان در جواب مرقوم فرموده اند اولا من این شـخص را نمی شـناسم ثانیاً هرنوع اسـتفاده از پیه میته حیوان مأکول اللحم جائز نیست تا چه رسد به خوردن آن که یقیناً حرام است.

نویسـنده گویـد : چون این شـخص خودرا فرسـتاده و نماینـده مرحوم سـید حجه الإسـلام معرفی مینموده است ایشـان فرموده انـد من او را نمی شناسم اما ممکن است وی از جمله حاشیه نشینان و حاضر پسن در جلسات تدریس سید بوده و چون در محضر آن بزرگوار همیشه عده زیادی از علماء و فضلاء و مجتهدین حضور داشتند برای غیر فضلاء وعلماء محلی برای اظهار وجود نبود با سید حجه الاسلام ویرا بشناسند ..

۱۰۱- حاج سید عبد الله بن حجه الاسلام شفتی

در تکمله نجوم السماه (ص ۱۲۸ یکم) گوید : مادرش خواهر حاج سید اسماعیل طباطبائی است.

شرح حال سید اسماعیل طباطبائی قبلانوشته شد و شرح حال صاحب عنوان در ضمن اولاد و اعقاب سید حجه الاسلام مذکور خواهد شد.

۱۰۲ – ملا عبد الله زنوزی

((۱)۱ معروف به مدرسی اصفهانی فرزند مرحوم خان بابا در قریه زنوز متولد گردیده

۱- زنـوز بر وزن کتوز در ریحـانه الاـدب (ص ۱۳۳ دوم) گویـد: زنوز قصـبه ای است از مضافـات تبریز آذربایجـان . و در کتاب زنـدگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۹۲) گوید : زنوزدهی است نزدیک مرند در اطراف خوی .

ومقـدمات ادبیات و علوم را در خوی بپایان رسانیـده و در نحو بخصوص مهارت و اسـتادی بافته تا جائیکه ویرا ملا عبد الله نحوی می گفته اند سپس رهسـپار عتبات عالیات شده و نزد آقا سید محمد مجاهد کربلائی در اصفهان و حاج سید محمد باقر شفتی تلمذ نموده و مدتی در قم در مجلس درس میرزای قمی حاضر گردیده و در اصفهان خدمت حاج ملا علی نوری حکمت و فلسفه را فرا گرفته و از طرف استادنامبرده مأمور تـدریس در مـدرسه مروی (مـدرسه فخریه) که آنرا حاج محمـد حسـین خان قاجار ملقب به فخر الـدوله بنا نموده بود گردیـده و تقریباً مدت بیست سال در آنجا بتدریس حکمت اشتغال داشته سر انجام در سال ۱۲۵۷ در تهران وفات یافته است.

کتب زیر از تألیفـات اوست : ۱- انوار جلیه در شـرح حـدیث کمیل تخمیناً در سه هزار بیت ۲ - رساله خاقانیه و رجزه سـلطانیه و آنرا بخواهش فتح علیشاه در حکمت و کلام تألیف نموده ۳- سبیل الرشاد در اثبات معاد ۴- لمعات الهیه در حکمت ربوبیه در اثبات واجب الوجود بفارسی تاریخ فراغت از تألیف جمعه ششم ربیع الاول ۱۲۴۰ هجری ۵- منتخب الخاقان در کشف حقایق الایمان والعرفان مختصر کتاب : رساله خاقانیه و بخواهش فتح علیشاه تألیف شده است وغیره (ص ۱۵۵۰ پنجم مکارم الاثار - ۱۳۴ دوم ریحانه الادب - ص ۷۶۵ دوم الکرام البرره).

فرزنـدش آقا علی مدرس زنوزی حکیم فیلسوف در ۱۲۳۶ متولد و در ۱۳۰۷ وفـات یافته و برادرش ملا حسـین منجم نیز در علم نجوم مهارت داشته است (ص ۹۷۶ سوم مکارم الاثار).

۱۰۳– میر سید عبدالله بن میرزا محمد رحیم کبیر میردامادی دهی اصفهانی (نسب او در سید احمد فرزندش ذکر شد)

ص : ۳۴۴

از شاگردان وحید بهبهانی و میرزای قمی و از مصاحبین ومخصوصین حاجی کلباسی وحاج سید محمد باقر شفتی بوده و در سده سکونت و امامت مینوده در ماه صفر سال ۱۱۶۵ متولد و در ۲۲ محرم ۱۲۴۲ (روز فوت فرزندش میر سید احمد همانگونه که قبلا گفته شد) وفات یافته در خوزان سده در مقبرهای مخصوص که بنام او شهرت دارد مدفون گردید (ص ۲۳۹ رجال اصفهان). کتب زبر از تألیفات اوست ۱- انیس المحتاجین ۲- ترصیع السماء ۳ - رجال مشیخه تهذیب (ص ۲۳ مقدمه لطائف فیه).

۱۰۴ – مولی عبدالله بن نجم الدین

معروف به فاضل قندهاری (۱)مشهدی. عالم فاضل فقیه زاهد حکیم ادیب شاعر از اکابر علماء و مدرسین در سال ۱۲۲۷ (بنا بنقل تاریخ علماء خراسان) در قندهار متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود وعده ای از علماء سنی قندهار مقدمات علوم از ادبیات و حکمت و کلام تلمذ نموده سپس مدتی در اصفهان خدمت سید حجه الاسلام رسیده و از محضر او مستفیض گشته و در نجف بدرس شیخ انصاری حاضر گردیده پس از وصول بمقامات عالیه و کسب اجازات روایات واجتهاد بقندهار مراجعت نموده و پس از سالها مجبوراً از آنجا فرار کرده و به مشهد مقدس پناهنده گردیده و تا آخر عمر در آنجا سکونت داشته و بدرس و مباحثه اشتغال داشته و عده ای از زیاد از فضلاء از محضر ار استفاده علمی برده اند . گاهی شعر می گفته و در اول مهجورو بعدا وصال تخلص می نموده سرانجام در شبه جمعه اول

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۴۴۷) به خلاصه مینویسد : قندهار شهر پست خلد آثار آبش خوشوار هوایش سازگار اما اندك گرم

جمادی الثانیه سال ۱۳۱۲ در مشهد مقدس وفات یافته در دار الضیافه مبارکه مدفون گردید (ص ۱۲۹ علمای خراسان – علامه طهرانی در نقباء البشر ص ۱۲۱۹ سوم) درباره او می نویسد : عده زیادی از دانشجویان بدرس فقه و اصول وحدیث و تفسیر و کلام و عقاید وحکمت و تاریخ و ادب او حاضر می شدند و خود او می گفته است : کلید همه دانشها در جیب من است ، و چهارصد مجلد از کتب سنیان در کتابخانه من موجود است . سپس میفرماید: در ده سال آخر عمر بعلت عارضه با قادر بحر کت نبود و در سال ۱۳۱۱ بسن ۱۰۷ سالگی وفات یافت . کتب زیر از تالیفات اوست : ۱ – البرهان فی قطع شبه الشیطان و آنرا برهانیه نیز گویند ۲–تجوید القرآن ۳ – تحریر الاصول در اصول فقه ۴ – تذکره العلماء و رجال ۵– ترجمه تفسیر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام ۶– حل العقال فی خلق الاعمال

۷– حواشی بسر شرح مطالع در حکمت منطق ۸ – خوان الوان کتابی است همانند کشکول شیخ بهائی ۹– الرد علی النصاری ۱۰ – دلاله السالکین فی قواعد العارفین ۱۱– دیوان اشعار در اوایل مهجور و بعداً وصال تخلص مینموده است ۱۲ – شرح مشکوه الانوار ۱۳ – الفرائد الدینیه در شرح عقاید شیخ بهائی ۱۴–کحل الطرن در علم مصرف در الذریهه (ص۲۸۵ هفدهم) وفاتش را در ۱۳۱۷ می نویسد ۱۵ – کشف الغطاء در مسئله بدا ۱۶ – مصارع الملحدین در رد صوفیه وفلاسفه ۱۷ – المقالات در کلام ۱۸ – الهدایه فی تفسیر آیه الولایه وغیره .

در اعیان الشیعه (ص۸۷ سی و نهم) اورا عنوان کرده است و همچنین در المآثر والاثار (ص ۱۷۷) نامی از او برده شده رفهرست تآلیفاتش را حواله به جلد دوم مطلع الشمس (ص) نموده است .

۱۰۵- سید عبدالله بن سید هاشم حسینی بحرانی

(۱)رشتی

از بزرگـان علمـاء وفقهاء ساکن رشت و بفقاهت وتفری مشـهور بوده پـدرش از بحرین به رشت مهاجرت نموده و در آنجا متوطن شـده است . صاحب عنوان از علماء ایران و عراق در تحصـیل علوم اسـتفاده نموده و از برخی از اساتیـد خود و دیگران بأخـذ اجازه مفتخر گردیـده است از آنجمله مدتی در اصـفهان در خدمت مرحوم سـید حجه الاسـلام تلمذ نموده است و خود داماد عالم جلیل مولی محمد رفیع شـریعتمدار رشتی بوده و فرزندانی عالم و پرهیزگار از آن مخدره بافته سـرانجام در سال ۱۲۸۴ در رشت وفات یافته جنازه اش به نجف اشـرف نقل گردیده و در یکی از حجرات قبلی صحن شریف مدفون گردید (ص ۷۹۰ دوم الکرام البرره)

۱۰۶- شیخ عبدالوهاب ریزی

(۲)) لنجانی اصفهانی

عالم زاهد فقبه ، از شاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام و حاجی کلباسـی بوده و در نجف اشـرف بدری صاحب جواهر آقا شیخ محمد حسن اصفهانی

۱- منسوب به بحرین را بحرینی و بحرانی گفته انـد و بحرین عبارست از مجموعه تفریباً سـی جزیره کوچک و بزرگ در خلیـج فارسـی که از سالهـا قبـل از اسـلام تا این اواخر متعلق به ایران وجزر خاک این مملکت بوده و در سالهای اخیر بشـرحی که در تواریـخ مسـدود است از ایران منتزع واسـماً مسـتقل و رسـماً در اسـتعمار خارجیان قرار گرفت. نویسنده سطودشرح مختصری از تاریخ آنجا را در کتاب : زندگانی شرح حال علامه سید هاشم بحرانی نوشته ام که اگر خداوند مقدر فرموده باشد چاپ خواهد رسید .

۲- ریز بر وزن میراز بلـوک لنجـان علیـا و امروز بنـام زرین شـهر معروف است ثـانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیـائی:۵۱/۲۲/۵۵ عرض:۳۲/۲۳/۲۰ ارتفاع از سطح دریا ۱۷۰۰متر

حاضر شده و ظاهراً مجاز از ایشان بوده قبل از ۱۳۰۰ در قصبه ریز از دهات لنجان وفات یافته و در همانجا مدفون گردید رحمه الله علیه .

مشار الیه پدر دو عالم بزرگوار مرحومین آقاشیخ مرتضی ریزی وحاج شیخ ابوالفضل ریزی می باشد.

ص ۸۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۱۰۷– مولی عبدالوهاب بن محمد علی شریف قزوینی

از اکابر تهاء ومجتهدین و اعاظم علماء ومروجین از شاگردان : شیخ احمد امائی وشیخ اسدالله کاظمینی وشیخ جعفر نجفی و سید جواد عاملی و سید عبدالله شبر و شریف العلماء مازندرانی و آقا سید محمد مجاهد اصفهانی کربلائی و شیخ موسی فرزند شیخ جعفر نجفی و جمعی دیگر از فحول مجتهدین درنجف و کربلاـ وکاظمین بوده و از عده کثیری از علماء اجازه روایت و اجتهاد داشته و عموماً بعظمت مقام علمی او اعتراف نموده اند، تعداد اینان فریب چهل نفر میباشند که از آنجمله است : میرزا ابوالقاسم قمی و آقا باقر وحید بهبهانی و حاج سید محمد باقر حجه الاسلام اصفهانی و سید جواد عاملی (تاریخ اجازه ربیع الأول۱۲۲۵) و آقا سید علی کربلائی صاحب ریاض المسائل و حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی می باشند.

آغاز اجازه سید حجه الاسلام : رب انی اعوذبک من همزات ... الحمد لله فاطر السموات والارضین ... سپس مولی عبدالوهاب را بدینگونه معرفی می نماید:

ص : ۳۴۸

العـالم العامـل الفاضل الكامل البارع البازل جامع فنون الفضائل حائز صـنوف الفواضل عاصم عباد الله عن الخبائث والرذائل زبـده الفقهاء العظام عمده العلماء الفخام ... تاریخ اجازه چهارم شعبان ۱۲۵۴ (ص ۸۱۰ دوم الکرام البرره) علامه طهرانی در الذریمه (ص۱۵۷) تاریخ اجازه را دهم شعبان می نویسد.

صـاحب عنوان پس از وصول بمقامـات عـالیه علم واجتهاداز اعتاب مقـدسه بموطن خود مراجعت نموده و بدرسـی و بحث و تألیف و تصـنیف پرداخته در زهـد و تقوی کم نظیر و در امربمعروف و نهی از منکرساعی و کوشا بوده در اواخر عمر به نجف اشـرف مهاجرت نموده و در حال احتضار دستور داد ویرا در تابوتی نهاده بحرم مطهر برده و در آن جایگاه مقدس وفات یافت روزو ماه و سال وفاتش معلوم نیست.

کتب زیر از تألیفـات اوست : ۱- اجازات و آن مجموعه اجازات اساتیـد و مشایخ اوست که جهت وی نوشـته اند و آنها را سـید محمد جوادبن میرزا سید زین العابدین خونساری در۱۲۴۸ بدسـتور استادش مولی عبدالوهاب صاحب عنوان جمع نموده و بنام مجموعه الاجازات نامیده است (ص ۲۲۶ مقـدمه مناهج المعارف)۲ - خلاصه الرشاد در شـرح حـدیث نبوی صـلی الله علیه وآله وسـلم مشـتمل بر چهل امر که حضـرت امیر المؤمنین علیه السـلام از آن حضـرت سؤال نمود و حضـرتش بدانها جواب فرمودباشـرح و بیان مفصـل۳ - رسـاله در اصـل برات ۴- رساله در تجزی ۵ - دو رسـاله در موضوع جواز بقـاء بر تقلیـد میت ۶- رسـاله در حجیت مظنه درحال انسـداد علم وعـدم حجیت آن در حال انفتاح ۷- رساله در عدالت ۸- رساله در عدم اجتماع امرونهی ۹ - رساله در نماز جمعه ۱۰ - شرح حدیث منزلت .

۱۰۸–حاج میرزا عسکری فرزند حاج میرزا هدایت اللهبن میرزا سید مهدی رضوی موسوی حسینی

ص : ۳۴۹

شهید اصفهانی مشهدی .(۱)

عالم فاضل فقیه ادیب شاعر امام جمعه مشهد مقدس شرح حالش در کتابهای تاریخ علمای خراسان (ص ۹۴) الکرام البرره (ص۸۱۷ دوم) مطلع الشمس

ص ۳۹۷ دوم) ومکارم الاثار (ص ۳۹۲ دوم) ومنتخب التواریخ (ص) بنظر رسید و عموماً ویرا بفضائل اخلاقی و ملکات انسانی و علم و دانش وزهد وتقوی ستوده اند .

کتب زبر از تألیفات اوست : ۱. رسالهای در حدود وقصاص ودیات ۲-خلاصه النجاه مختصر رساله نجاه المتقین بفارسی ۳- دیوان اشعار با تخلص شرر ۴- رساله در سکوت در بیع فضولیه ۵- صراط النجاه رساله عملیه و آنراشا گردش مولی نوروز علی بسطامی مؤلف فردوس التواریخ از رساله نجات المتقین وی استخراج نموده است، نسخه آنرا علامه طهرانی نزد مولی محمد صادق بن ملا نوروز علی بسطامی دیده است (ص ۳۸ پانزدهم الذریعه) لکن مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار(ص ۳۹۹) می نویسد مؤلف آن برما معلوم نیست ۶- شرح تمهیدا لقواعد ۷- رساله در قرائت مأموم در پشت سر امام و آنرا بأمر مرحوم سید حجه الاسلام تألیف نموده است و چون علماء عراق آنرا دیدند پسندیده و مؤلفش

۱- مشهد مقدس اولین شهر مذهبی ایران و مدفن حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام است. در تاریخ این شهر مقدس کتابهای زیادی تألیف شده مطالبین بدانها مراجعه نمایند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۹/۳۷/۳۰ عرض:۳۶/۱۷/۳۰ انحراف قبله:۵۶/۳۰/۰۰جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۹۷۰متر

را ستایش نموده و به اجازات روانی و اجتهاد مفتخرش ساختند ۸ - مناسک حج

۹- منظومه ای در ارث ۱۰- نجات المتقین در احکام دین و آن رساله نتوانی است و بنام محمد شاه قاجار تألیف شده ، انجام تألیف شب چهارشنبه ۴ محرم ۱۲۵۴ هجری ۱۱ - ینابیع الشریعه در فقه امامیه از طهارت وفضاء وشهادات و غیره.

مرحوم امام جمعه در رجب ۱۲۱۱ متولد و در ۱۴ شوال ۱۲۸۰ وفات یافته در مسجد پشت سر حرم مبارک حضرت در مشهد مقدس دفن شد. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۶۴۵ سوم) شجره نامه صاحب عنوان را نقل نموده و مطالبی در باره آن فرموده طالبین مراجعه نمایند .

در مجمع الفصحاء (ص ۲۵۰ دوم) و برا بعنوان شرر خراسانی ذکر نموده و این مطلع غزل را از او می نویسد : تابکی شکوه ز بی مهری صیادکنی باشد آنروز که از کنج قفس بادکنی در المآثر والاثار (ص ۱۵۶) و با عنوان کرده و از خدماتش بدین و دولت یاد نموده است.

۱۰۹- علی برغانی

(۱) - از شاگردان سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی است.

در پشت نسخه ای از کتاب : الزهره البارقه از تألیفات سید حجه الاسلام که در کتابخانه مجلس شورای ملی (اسلامی) بشماره (۳۷۱۹) موجوداست یادداشتی بخط وامضای اوست که می نویسد کتا برادر بازار اصفهان از زنی خریده است .

ص ۱۶۹۷ جزء چهارم از مجلد دهم فهرست کتابخانه مجلس

۱- برغان بر وزن جریان از قراء قزوین است

۱۱۰– آقا سید علی بن حاج سید ابراهیم حسینی بیدآبادی

معروف به مقدس.

در شرح حال آقا سید حسن بن حاج سید ابراهیم بطور اجمال از پدرش مطالبی نقل کردیم .

مرحوم آقا سید علی عالم و فاضل و از شاگردان سید حجه الاسلام وحاج سید اسد الله و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و آقا میر سید حسن مدرس و دیگران بوده وزوجه اش دختر ملا صالح جویبارهای (ملا محمد صالح بن ملامحسن بن ملا عبدالفتاح زوجه اش زهرا بیگم دختر آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده و در شب غره محرم ۱۲۸۵ در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه مادر شاهزاده مدفون گردید).

مرحوم آقا سید علی همچون برادر زهدش بر علمش افزون بوده و از درس اساتید چندان بهره ای نیافته لکن درزهد و تقوی زبانزد عام و خاص و مورد توجه عموم ملاقات از عالم وعامی بوده است .

در حدود سال ۱۲۳۵ متولد و در حدود سال ۱۳۰۰ و اندی وفات یافته در جنب پدر مدفون گردید . فرزندش مرحوم آقا سید ابراهیم ونواده اش : آقا میر سید علی و آقا سید احمد از مدرسین سطوح و ادبیات عالم فاضل ادیب و آقا نور الدین مقدس می باشند . رحمه الله علیهم أجمین .

۱۱۱– سید علی بن حسین موسوی درب امامی اصفهانی

از شاگردان سید حجه الاسلام در اصفهان بوده و مشار الیه در شب ۱۰ شعبان سال ۱۲۶۳ کتابت نسخه ای از کتاب الحلیه اللامعه للبهجه المرضیه یعنی حاشیه

ص : ۳۵۲

مرحوم سید حجه الإسلام را بر سیوطی بخط نسخ بپایان رسانیده است .

نسخه بشماره (۷۴۶) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی درقم موجود است. (صفحه ۳۴۷ دوم فهرست کتابخانه مرعشی).

۱۱۲- شیخ علی بن محمد نخجوانی

نخجوانی(۱)

عالم فاضل از شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام شفتی می باشد به اجازه متوسطه ای، آغاز : ومنه الاعانه علی الفوزالی ... الحمد لله فاطر السماوات .

صفحه ۱۹۵ بکم الکرام البرره - صفحه ۱۵۷ یکم الذریعه

* علی اکبر

در سال ۱۲۲۹ تا ۱۲۳۵ مجموعه ای بخط نستعلیق حاوی پنج کتاب و رساله نوشته که پنجمین آنها رساله ای است در احوالات اسحق بن عمار (از صفحه ۱۱۸ تا ۱۱۹) عربی ومی نویسد که اسحق بن عمار در نفر می باشند . این نسخه بشماره (۳۱۴) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است.

ص ۲۷۲ یکم فهرست

ص : ۳۵۳

۱- در احسن الودیعه (صفحه ۲۲۳ یکم) گوید : نخجوان بفتح اول و سکون ثانی و انرا نخجوان نیز گفته اند نقل شده است که اصل ان کلمه : نقش جهان بوده منسوب بدانجارا نخجوانی وشوی خوانده اند . ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۴۰/۲۴/۰۰ عرض:۳۹/۱۲/۳۰ انحراف قبله:۱۶/۲۶/۲۷جنوب غربی

بظن بسیار قوی مشار الیه از شاگردان وحاضرین مجلس درس مرحوم سید حجه الاسلام بوده و رساله نامبرده مأخوذ از فرمایشات و افادات استاد نامبرده می باشد . العلم عند الله .

۱۱۳- مولی علی اکبر بن ابراهیم خونساری اصفهانی

عالم فاضل زاهدمتنی از خواص اصحاب و شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و از محضر سید صدر الدین محمد عاملی وحاج سید محمد قصیر در وقتی که در اصفهان سکونت داشته بهره برده و احتمالا در محضر مرحوم بحر العلوم را نیز نموده است . وظاهراً از آقا شیخ محمد تقی بن ابی طالب اردکانی نیز بهره های علمی یافته و از مرحوم صدر و آقا سید محمد قصیر مجاز بوده و حاج سید شفیع جاپلقی از او اجازه داشته . مرحوم جاپلقی در روضه البهیه (ص ۵۲) در باره او می نویسد : ومن المشایخ المعاصرین الذین استجزت منهم وأجاز فی العالم العامل الزاهد المحقق المدن الأخ المسدد والرفیق الشفیق الممجدالاکبر آخوند ملا علی اکبر الخونساری اصلا الاصفهانی موطناً .

مرحوم سید حجه الاسلام در اوایل امر در مسجد میرزا باقر اقامه جماعت مینمود و چون مسجد سید را بنا کرد مرحوم مولی علی اکبر را بجای خود در آنجا بامامت نصب نمود و پس از فوتش فرزند او مرحوم آخوند ملاحسین و پس از مرگ او مرحوم آقا کمال الدین فرزندش بجای او امامت مینمود و چون مرحوم آقا کمال الدین فوت شد برادر زاده اش مرحوم حاج آقا جمال الدین بن حاج آقا جلال الدین بن مولی محمد حسین امامت مینمود و پس از فوت مشار الیه علم وروحانیت از خاندان مولی علی اکبر سپری گردید .

کتب ورسائل زیر از تألیفات صاحب عنوانست : ۱ - اداء المریض الطلاق فی حال الجمیحه وآنرا بدستور استاد مرحوم سید حجه الإسلام تالیف نموده پایان نسخه روز ۲۴ شعبان ۱۲۴۷ قمری ۲ - اعطاء بدل المغصوب آن شد در ۹ صفحه مسئله در محضر سید حجه الاسلام مطرح شده و تاریخ نسخه ذی القعده ۱۲۶۴ می باشد ۳- حجیت الظن در ۲۰ صفحه از تقریرات آقا سید محمد تقی اردکانی ۴- حجیت ظن مجتهد مطلق نه مجتهد منجزی در اصول بعربی استدلالی ومفصل درنه مقدمه و سه وجه نسخه بخط فرزند مؤلف مولی محمد حسین بن مولی علی اکبر از روی خط مؤلف نوشته شده و مهر {بلغ العلی بکماله} ، نیز در پشت آن دیده میشود. مهر مربوط به مرحوم آقا کمال الدین خونساری است ۵ - الزکوه فقه استدلالی متوسطی است ۶ - شرح ارشاد الازمان فقه استدلالی متوسطی است در قسمت آن در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (ص ۱۴۶ یکم فهرست کتابخانه) موجود است جهاد در ده صفحه ونکاح در۱۲۸ صفحه ۷- شرح الجعفر به شرح مزج استدلالی متوسطی است بر رساله جعفریه محقق کرکی نسخه بخط مؤلف شماره (۸۹) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم (ص ۹۲ یکم فهرست کتابخانه) ۸- عدم جواز الرد فی الوقف فقه عربی استدلالی بسیار مفصل در شش صفحه ۹- عدم جواز مصالحه حق الرجوع فی العده ۱۰ - نکاح بنت المزنی بها من الرضاعه فقه عربی ۱۱ - الوقف علی من یصح ومن لایصح .

جمیع مؤلفات صاحب عنوان در قم در کتابخانه آیت الله گلپایگانی (۹۲ -۹۷ - ۱۴۶ - ۱۵۰) موجود است و شرح حال اور روضه البهه واحسن الودیعه (ص ۴۳ یکم) تکمله نجوم السماء (ص ۴۱۹) دانشمندان و بزرگان اصفهان(۲۹۱) ورجال اصفهان (۱۵۴) المآثر والاثار من (۱۷۸) مذکور می باشد .

ص : ۳۵۵

صاحب عنوان در سال ۱۲۷۱ در اصفهان وفات یانته (فهرست گلپایگانی) آنچه نویسنده در کتاب : دانشمندان و بزرگان اصفهان در وفات صاحب عنوان نوشته ام مربوط به آن سید صدرالدین استاد ایشانمت .

۱۱۴- سید علی اکبر بن حاج میر محمد اسماعیل

بن محمد باقر بن امیر اسماعیل حسینی از علماء سلسله سادات معروف به میر محمد صادقی (میر محمد صادق هم اکرم صاحب عنوانست) عالم فاضل در اصفهان نزد جمعی از علماء همچون حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی تلمذ نموده است. در اخلاق وزهد و تقوی معروف بوده و رساله های چندی نالیف نموده است از آنجمله : ۱- رساله ای در اخلاق ۲- رساله ای در تجوید ۳-رساله ای در اصول دین وغیره سر انجام در سال ۱۳۰۰ بسن متجاوز از نود در اصفهان وفات یافت.

(ص ۴۴۰ بزرگان و دانشمندان اصفهان)

مرحوم آقاسید عبد الله ثقه الاسلام میر محمد صادقی در رساله : ارشاد المسلمین بسوی اولاد امیرالمؤمنین علیه السلام (ص ۳۵ نسخه خطی) می نویسد :

مؤلف درک آن مرحوم را نمودم در حالی که سن آن مرحوم متجاوز از شود سال بود و چشمهایشان نابینا بود و در اخلاق وزهد یگانه عصر بود .

۱۱۵ - سید محمد علی ابرقوئی

(۱)

مرحوم سید حجه الاسلام در تاریخ شوال ۱۲۵۷ هجری قمری اجازه مختصری

ص : ۳۵۶

۱- شیروانی در بستان السیاحه (ص ۶۱) می نویسد: بیدگل قریهای بزرگی ومحلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار رائع وجوانب اربعه اش واسع آبش از کاریز و هوایش گرم وخاکش رگه ورمل آنها بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

جهت مشاراليه مرقوم فرموده و به اجتهادش از روی امتحان واختبار گواهی فرموده

است .

(ص ۱۵۷ یکم الذرهمه)

بنابر این صاحب عنوان از علماء مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام می باشد

۱۱۶ – محمد علی بیدگلی کاشانی

(۱)

در تاریخ ۹ ذی القعده سال ۱۲۴۳ کتاب نسخه ای از کتاب : الحلیه اللامعه

ص : ۳۵۷

۱- شده بدین جهت ابرو گفته اند (ابرکوه) از بلاد فارس اسوده اکنون از توابع اصفهان محسوب میشود و در زمین هموار واقع و اطراف اربعه اش واسع است وسمت مشرق آن کوه نزدیک و ساکنان آن دیار همه تاجیک قدیم الزمان مدینه بزرگ بوده و بمرور ایام روی بخرایی نهاده ... آبش از کاریز وهوایش بهجت آمیز ... میوه های سرد سیری خوب دارد ... رکن زاده آدمی در دانشمندان و سخن سرایان فارس (ص۴۴۶ یکم) می نویسد : ابرقو تا زمان ناصرالدینشاه جزء استان فارس بوده و أخیراً جزءاستان دهم (اصفهان) شده است و یکی از بخشهای بازده گانه شهرستان یزداست... جمعیت آن ۲۹۰۰ نفر می باشد (انتهی محل الحاجه). ثانیه/دقیقه/درجه طول جغرافیائی:۵۳/۱۷/۰۰ عرض:۳۱/۰۸/۰۰ انحراف قبله:۵۴/۱۸/۱۰جنوب غربی ارتفاع از سطح دریا ۱۵۰۵متر ۱)شیروانی در پستان السیاحه (ص ۱۷۹) می نویسد: بیدگل قریه ای بزرگی ومحلی سترک از توابع کاشانست فریب در فرسخ از کاشان دور .. در زمین هموار واقع وجوانب اربعه اش واسع آبش از کاریز و هوایش گرم وخاکش رگه ورمل آنجا بسیار است بمرتبه ای که بعضی سنوات خرابی میرساند.

در شرح سیوطی را بپایان رسانیده است . کتاب در کتابخانه سید هادی اشکوری بنظر علامه طهرانی رسیده است.

(ص ۸۳ هفتم الذریعه)

مشار الیه احتمالا از شاگردان مرحوم حجه الاسلام بوده است.

۱۱۷ – مولی محمد علی بن احمد محلاتی شیرازی

(۱)۱ . . عالم فاضل محقق زاهد از شاگردان حاج سید شفیع جاپلقی و حاج ملا اسد الله حجه الاسلام بروجردی بوده و سید جاپلقی ویرا در روضه البهیه نامبرده و او را بسیار ستوده است. از مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفنی اجازه داشته تاریخ اجازه ۱۲۵۸ رسید حجه الاسلام اجازه مفصلی برای او نوشته .

وهمچنین از حاج محمد جعفر آباده ای نیز مجاز بوده است. د ور المآثر والاثار (ص ۱۶۵) گوید: در شیراز ریاستی عمده داشت . مرحوم فرصت شیرازی در آثار عجم (ص ۴۴۱) : درذکر مساجد شهر از می نویسد : مسجد مولی در محله درب شاهزاده مسجدی است عالی بناءخوش رفیع وزیبا سالهای دراز مرحمت مآب جناب مستطاب ملا محمد علی مجتهد که عالمی بود وحید و کاملی فرید رقیهی سدید صاحب فتاری و رساله در آن مسجد امامت میفرمود و بعد از فوت وی (در حاشیه می نویسد فوت مرحوم ملا محمد علی در سنه ۱۲۸۴

۱- نویسنده گوید : بیدگل را با بیکدل نباید اشتباه نمود زیرا این یک طایفه ای است از اتراک, صباحی شاعر کاشانی بیدگلی است وحاجی لطفعلی خان آذر بیگدلی . ا) شیروانی در بستان السیاحه (ص۵۳۳) گوید: محلات قصبه ای است جنت آیات و آن دو محله است مسافت یک میل از یکدیگر دور وآبش موفور.

می باشـد) مرحوم غفران پناه جناب ملا محمـد حسـین که ارشد اولاد آنجناب بود (نوت ۱۳۰۹ در حاشـیه) وخاص وعام را مرجع و مآب نیز امام و پیشوای انام گردید . پس از وفات او ولد دیگرش عالم مؤید وفقیه معتمد جناب ملا احمد در این مسجد امامت مینماید و درس میفرماید عالمی است راست گفتار و عاملی درست کردار .

صـاحب عنـوان دارای کتـب ورسـائلی بـوده از آن جمله :۱- ترجمه احـوال محمـد بن سـنان نزدیـک هزاریت نسـخه ای از آنرامؤاف الـذریعه (ص۱۶۴ چهارم) در مـدرسه حسن خان در کربلا دیـده که بخط مولی عبـد الحمیـد بن عبد الوهاب فراهانی حائری متوفی حدود سال ۱۳۲۰ و اندی از شاگردان مؤلف مشاهده نموده و آن در ضـمن مجموعه ای از تصانیف استادش بوده است ۲- رساله در حد قصرو اینکه مسافت هشت فرسخ است یا چهار فرسخ (ص ۱۷۰ یازدهم الذریه) ۳- سؤال وجواب بفارسی و مختصر (ص ۲۴۶ دوازدهم الذریعه) وغیره .

صاحب عنوان در سال ۱۲۸۴ در شیراز وفات یافته است.

علامه طهرانی در شـرح حال میرزای بزرگ شـیرازی (هدیه الرازی) که بفارسی نیز ترجمه شده است این چند نفر را از اولاد و اعقاب صاحب عنوان نام میبرد : .

۱- میرزا ابراهیم در صفحه ۹۸ ۲- میرزا ابوالفضل فرزند میرزا ابراهیم صفحه ۹۹- شیخ اسماعیل محلاتی نجفی در صفحه ۱۱۴

۴ - شیخ جعفر بن شیخ محمد حسین در صفحه ۱۳۹ ۵-حاج میرزا حسین مازندرانی شریعتمداری در صفحه ۱۳۹

۶- میرزا محسن بن مولی محمد علی صفحه ۱۸۳

ص : ۳۵۹

۱۱۸ – میرزا محمد علی بن حاج ملا محمد حسین

بن ملاـ عبـد العظیم بن محمـد نقی بیـد گلی اردسـتانی از علمـاء ساکن اصـفهان وخود و پـدرش امام مسـجد قطبیه (۱)(در محله چهـار سوق شیرازیها را داشته اند (ص ۱۶۴ یکم آتشکده اردستان).

در خـدمت جمعی از علماء اصـفهان تلمـذ نموده و محضـر سـید حجه الاسـلام را نیز درک نموده وعمـده تحصـیلاتش نزد آقا میر سـید حسـن مدرس و آقا سید محمد شهشهانی و حاج سید اسد الله بید آبادی بوده است (اطلاعات متفرقه از خاندان عظیمی)

۱۱۹ – سید محمد علی بن سید صدرالدین محمد موسوی عاملی معروف به آقا مجتهد عالم فاضل محقق ادیب شاعر

در سال ۱۲۳۹ متولد گردید مادرش دخترعلامه فقیه مرحوم شـیخ جعفر کاشف الغطاء می باشد . خود از بزرگان و مفاخر علماء شیعه می باشد در اصفهان نزد پدر

ص : ۳۶۰

۱- از مساجد قدیمی و تاریخی اصـفهانست که در اواسط قرن دهم هجری (۹۵۰) بوسیله امیرقطب الدین علی باب الدشتی بنا گردیده است (بنابراین تردید قطبیه ویا قدویه بیمورد خواهد بود) این مسـجد در ضـلع شمالی خیابان خشک که آنرا خیابان خوش می گفتند قرار گرفته و نام خیابان پس از تغییر به نام خیابان شاه واخیراً بنام خیابان طالقانی مشـهور ومعروف گردیده است. در موقع تعریض خیابان خشک (ص ۴۸ و۴۹ نصف جمان فی تعریف الاصـفهان) قسمتی از مسجد و سردرتاریخی آن در مسیر خیابان قرار گرفت و کاشیهای آن به صارت چهلستون انتقال یافت. برای اطلاع بیشتر از چگونگی بنا وکاشیکاری و کتیبه های مسجد به کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۳۸۰) مراجعه شود.

بزرگوار خود رسید حجه الاسلام و جمعی دیگر از بزرگان تحصیل نموده قبل از رسیدن بسن بلوغ بمرتبه اجتهاد نائل گردید . عالمی است ادیب وفیه جلیل شاعری خوش ذوق.

دارای تألیفات زیر است: ۱- احیاء التقوی در شرح دروس ناتمام ۲ - الغیه در نحوناتمام ۳- البلاغ المبین در احکام صبیان ومجانین (یا بالغین) این کتاب را در دوازده سالگی تألیف نموده و چون بنظر سید حجه الاسلام رسید اجتهاد اورا گرامی فرموده و دختر خویش را بزوجیت بدو کابین بست ۴ - دیوان اشعار و ۵- العلائم در شرح مراسم ناتمام ۶- فرائد الفوائد در اصول فقه ۷ - منظومه در مواریث ناتمام ۸- منظومه در وقف ۹ - نفایس القراد وغیره .

مرحوم آقا مجتهد بزرگترین فرزند پدر دانشمند خود بوده و پس از فوت پدر در علم و ریاست و امامت جانشین پدر گردیده و پس از نماز منبر تشریف برده و با مواعظ شافیه مردم را هدایت مینموده و هموم طبقات بدو اظهار ارادت مینموده و در نمازش شرکت مینمودند در سال ۱۲۷۴ وفات یافته و در نجف اشرف درجنب پدر مدفون گردید ، از اشعار فارسی اوست : خرمن حسن تراروزی که می کردند جمع

آفتاب از دامن بک خوشه چین افتاده بود ص ۱۰۲ چهل و ششم اعیان الشیعه - ص ۱۵ دانشمندان و بزرگان اصفهان ص ۲۵ یکم ریحانه الادب .

شرح حال اولاد و اعقاب او در فصل مربوط به خاندان حجه الاسلام گفته خواهد شد .

ص : ۳۶۱

۱۲۰ – سید میرزا محمد علی موسوی شمس آبادی

(۱)

فرزند سید محمد بن عبدالله بن اسماعیل بن حسین موسوی مازندرانی شاها ندشتی علامه فنیه زاهد متولد در حدود سال ۱۲۲۰ در اصفهان در این شهر در خدمت جمعی از بزرگان همچون سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و دیگران تحصیل نموده تابمقامات عالیه رسیده در مسجد قطبیه امامت و تدریس مینموده سرانجام در سال ۱۲۸۸ در این شهر وفات یافته جنازه اش را به نجف اشرف منتقل و در وادی السلام مدفون گردید . کتب زیر از آثار اوست : ۱- ترجمه اکمال الدین تألیف شیخ صدوق علیه الرحمه ۲ - ترجمه مجلد هشتم بحار الانوار علامه مجلسی ۳-ترجمه مجلددهم بحار الانوار ۴ - مبانی الاحکام در طهارت و صلوه وحج وغیره .

مشار الیه سه دوره کتاب بحار الانوار را ویازده مرتبه مجلد دهم آنرا بخط زیبای خود نوشته است نویسنده مجلدات ترجمه بحار الانوار مشار الیه را در نزد نواده اش مرحوم حاج سید محمد علی معین الاسلام (۱۳۸۴ - ۱۲۹۰) فرزند آقا سید عبدالله فرزند آقا میرزا محمد علی رؤیت نمودم . رحمه الله علیهم أجمعین.

ص ۴۴۹ دانشمندان و بزرگان اصفهان

۱۲۱ – سید فضل الله استر آبادی

عالم فاضل متقی ، از مجازین از مرحوم حجه الاسلام به اجازه مبسوطه است .

ص : ۳۶۲

۱- شمس آباد از محلات اصفهانست که در ضلع شمالی خیابان شیخ بهائی قرار گرفته ونزل میرزا محمد تقی الماسی و مدرسه شمس آباد در دو طرف خیابان نامبرده واقع گردیده

آغاز اجازه: منه التوفیق للتولی من الحمیم ... الحمد لله الذی لایخفی علیه شیء ۰۰

تاریخ اجازه : شب سوم ذی الحجه الحرام سال ۱۲۵۲ هجری است.

این اجازه را علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۸ یکم) ذکر نموده و در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) میفرماید ضمن مجموعه اجازات آن مرحوم است که در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیده ام •

۱۲۲- سید کاظم طباطبائی زواره ای فرزند آقا علی

از فضلاه ساکن اصفهان و ظاهراً شاگرد سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی و جمعی دیگر از علمای این زمان بوده و در نزد حاجی و سید محترم و معزز میزیسته و گاهی آن دو بزرگوار به زواره به میهمانی بمنزل او میرفته اند.

مشار الیه دارای چندین فرزند پسر و دختر بوده از آن جمله دختران :

۱- زوجه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی . ۲- زوجه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی .

۳- زوجه حاج محمد علی زوارهای طباطبائی .

بنابر آنچه فاضل محترم آقای حاج سید حسن دیباج فرزند میرزاسید مصطفی دیباج بن حاج سید یوسف بن حاج محمد علی زوارهای مرقوم اظهار می دارند : حاجی مرقوم بانی موقوفاتی در زواره بوده است.

وبطوریکه از کتاب آتشکده اردستان بر می آید صاحب عنوان را دختران متعدد بوده از اینقرار :

۱- زوجه حاج سید اسد الله بیدآبادی . ۲- زوجه میر محمد علی زوارهای بانی موقوفات بن سید رضا بن میر محمد

زمان بن میر محمد شفیع طباطبائی

۳- زوجه میرزا محمد جعفر شهشهانی . واین سه دختر و داماد را در جلد سوم (ص ۶۴۷) می نویسد ۴ - زوجه سید رشتی (بدون تعیین پدر یا پسر) احتمالا سبد حجه الاسلام

۵- زوجه مبر زین العابدین بن میر حسین بن میر اسماعیل بن میر محمد شفیع طباطبائی زواره ای و این دورا در جلد یکم (ص ۱۹۶) نام برده است .

ظاهراً دو دختر سید کاظم نامبرده یکی عیال مرحوم سید و مادر عاج سید اسد الله ویکی عیال میرزا محمد جعفر شهشهانی و مادر آقا میرزا یحیی بوده اند و این دو خالمزاده همدیگرند بنابراین نمیتواند دختر دیگرعیال حاج سید اسد الله باشد. باشد .

وعیال آقا سید کاظم نامبرده دختر محمد حسین خان عرب عامری بوده است (ص ۲۰۱ یکم آتشکده اردستان).

در موضوع دختران صاحب عنوان احتیاج به تحقیق بیشتری می باشد .

۱۲۳ – سید کریم حسینی لاهیجی

در یک مورد از احکام نماز جمعه از کتاب مطالع الانوار تألیف سید حجه الاسلام تعلیقه ای مرقوم داشته و همان مورد دلالت بر علم وفضل و مهارت او در فقه می کند .

ص ۱۲۳ تراجم الرجال مشار الیه احتمالا از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده است.

۱۲۴ – میرزا محمد کریم طباطبائی زواره ای

از خواص و نزدیکان سید حجه الاسلام می باشد و بظن قوی از شاگردان ایشان

وحاجی کلباسی و دیگران بوده است و چون در زواره شخصی بدون وارث از دنیا رفت و از خود اموالی بجای گذاشته بود و مرحوم سید حجه الاسلام طبق موازین کرمی خویشتن را وارث او میدانست مشار الیه را جهت ضبط و تصرف اموال متوفی معین فرمود .

فرزندش آقا میر سید محمد و فرزند زاده اش مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از فضلاه معاصر بود که در نسل خاندان مرحوم سید حجه الاسلام بنام او اشاره خواهد شد.

مسئله : یکی از موجبات ارث ولاء است (موجبات ارث بانسب است یاسبب ویا ولاء) وولا، دارای سه مرحله است ۱ - ولاء عتق ۲- ولاء ضامن جریره ۳-ولاء امام علیه السلام .

هرگاه شخصی بمیرد و در هیچ یک از طبقات (از نسب وولاء) وارثی نداشته باشد ما ترک او به امام علیه السلام میرسد و در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهد جامع الشرایط وارث آن شخص خواهد بود. تفصیل وبیان مسئله منوط بکتب تهیه است.

۱۲۵- آقا ملا لطفعلی زانیانی چهارمحالی

عالم فاضل مدت هیجده سال در اصفهان در مدرسه علی قلی آقا ساکن و از تلامذه مرحوم سید حجه الاسلام بوده است. در باره او در تاریخ و جغرافیای چهارمحال "(۱) (ص ۴۳۸ دوم) می نویسد :

چندان در تحصیل علوم شتافته که در تمام کمالات و مجموعیت و نیکوئی حالات از سایر اکفاء واقران بامتیاز اختصاصی بافت عالمی گردید ادریس شیم ودانائی

۱- زانیان از قرای چهار محال و در ۶ کیلومتری دهکده (شهر کرد) واقع شده است

شیرین طبع و معجزقلم بهمه باب مسلم بهمه وجه ممثل بهمه علم مقدم همه فضل معلم.

در تابستان سال هزار و دویست و شصت و دو بسن چهل سالگی در رودخانه زاینده رود که بقصد شنا رفته بود غرق شده و فوت می کند و فردای آن روز جنازه با تشریفات در جوار بقعه مرحوم سید استاد مدفون می شود . رحمه الله علیه .

۱۲۶ – شیخ محسن بن اسماعیل دزفولی کاظمینی

برادر شیخ اسد الله دزفولی مؤلف مقاییس متوفای سال ۱۲۳۴ می باشد .

صاحب عنوان از علماء کاملین وفقهاء ومجتهدین بزرگوار و نزد جمعی از علماء تلمذ نموده که از آن جمله است مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام پس داماد علامه آقا سید صدرالدین محمد عاملی اصفهانی بوده و فرزندش شیخ محمد حسن از بطن این مخدره مکرمه مسماه به مریم بیگم بوده است.

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- حاشیه بر معالم ۲ – رساله در اصول دین فارسی ۳- رساله در صحن عبادت نارک طریق تقلید واجتهاد ۴ – رساله در جواز بقاء بر تقلید میت ۵- رساله در طهارت و صلوه ۶- رسائل و جزوانی در حکمت و کلام.

(ص ۲۷۶ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری چاپ دوم) مرحوم شیخ محسن دزفولی دارای چندین فرزند پسر بوده که از آنجمله است : ۱- شیخ محمد طاهر سابق الترجمه ۲ – شیخ محمدجواد پدر شیخ محمد رضاشا گرد و داماد عموی خود آقا شیخ محمد طاهر ۳-شیخ محمد حسن متوفای سال ۱۳۲۵ قمری .

ص : ۳۶۶

۱۲۷– شیخ محسن رشتی

فرزند شیخ محمد رفیع بن محمد حسین بن محمد رفیع نولی گیلانی لاهیجی اصفهانی واعظ.

عالم فاضل محقق ادیب شاعر متخلص به عاصی و مشهور به خاکسار در سال ۱۲۲۴ در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمند خود و حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام و میر سید محمد شهشهانی و سید ابوتراب اصفهانی وشیخ عبدالعلی ماسولجی رشتی تلمذ نموده تا مقامات عالیه علم و اجتهاد رسیده و در سال ۱۲۵۷به گیلان و در ۱۲۶۷ به قزوین مهاجرت نموده و در آنجا ساکن گردیده و تا سال ۱۲۹۰ زنده بوده است از طرف پدر به شیخ مفید و از طرف مادر به شیخ بهائی انتساب دارد .

مشار الیه در کلیه شعب علوم دارای تالیف می باشد که تعداد آنها متجاوز از سیصد عدد میباشد و در مقدمه مفتاح الالم گوید قبل از این کتاب ۳۰۹ کتاب و رساله تألیف کرده ام (۲۰۱ دوم فهرست کتابخانه مدرسه فیضیه قم تالیف دانشمندمحترم جناب آقای استادی).

در تراجم الرجال (ص ۱۲۹) یکصد و نه عدد از تصنیفات ویرا نام برده و در دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص۳۴۲) شصت و پنج کتاب از تألیفات اورا ذکر نموده که برخی از آنها در چندین مجلد حتی بیست جلد می باشد که به نظم و نثر و عربی و فارسی تألیف گردیده است .

وی از آقا میر سید محمد شهشهانی وشیخ عبدالعلی رشتی اجازه داشته و در تألیفات خود از دو فرزند خود بنامهای : ۱- محمد علی ۲- حسینعلی که هردو از طلاب علوم بوده اند نام میبرد .

نام تألیفات او متفرقاً در مجلدات الذریمه ذکر شده است .

ص :۳۶۷

۱۲۸– آخوند ملا محمد

در اول صفحه اول کتاب : سؤال وجواب مرحوم سید حجه الاسلام که به شماره (۴۹۲۴) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی (مجلس شورای ملی سابق) ایران موجود است عبارات زیر بخط مرحوم سید حجه الاسلام دیده میشود :

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین ومعتمد میباشند مسائلی که از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۰.

بعداً نوشته است: فوت یک شنبه ۲۳ ربیع الثانی ۰۱۲۶۰ آنچه از عبارات فوق نتیجه گرفته میشود اینکه :

۱ – این نوشته تاکنون آخرین دستخطی است که از مرحوم سید حجه الاسلام در دست می باشد .

۲– آخوند ملا محمد یقیناً غیر از کلباسی و نائینی می باشد و این فرد سومین ملا محمد از شاگردان و معتمدین حجه الاسلام است.

۳– اختلاف در تاریخ فوت حجه الاسلام است که آنرا در ۲۴ می نویسد آنچه مسلم است روز فوت یک شنبه بوده و ماه آن نیز بطوریکه قبلا گفته شد ربیع الثانی است و اول ماه ربیع الثانی روز شنبه بوده است (تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله) بنا بر این یک شنبه می تواند ۲۳ باشدنه ۲۴ وقبلا روز ماه را درم ثابت کردیم بنابراین این قول خالی از اعتبار است.

۱۲۹ – میرزا سید محمد رضوی مشهدی

از علماء ازکیاء و از مجازین از سید حجه الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه

ص : ۳۶۸

کبیره است .

آغاز : ومنه التوفیق للنجاه ... الحمد لله الذی لایخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء ...

تاریخ ۱۴ ربیع الاول سال ۱۲۵۶ هجری .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۸ پکم) نـام آن را ذکر نموده ودر الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) میفرمایـد جزو مجموعه اجازات آن مرحوم است . و در الذریعه میفرماید و او غیر از سید محمد رضوی مشهور به سید محمد قصیر است زیرا فوت مشار الیه در سال ۱۲۵۵ بوده است.

نویسندگوید : احتمالا صاحب عنوان میرزا محمـد بن حبیب الله رضوی مشـهدی مجاز از آقا سـید محمد نصـیر و آقا سـید علی صاحب ریاض وشـیخ عیسـی زاهـد می باشد که در مشـهد مقدس ریاست عامه و مرجعیت تامه داشـته وویرا تألیفاتی بوده از آن جمله : ۱- کتابی در حقیقت شرعیه ۲ - شـرح برحجیت شهرت تألیف آقا سید محمد مجاهد ۳ - رساله در مسئله قضا و قدر و سرانجام دررجب سال ۱۲۶۶ در مشهد وفات یافته و در مسـجد ریاض پهلوی حرم مطهر مدفون گردید مشار الیه از مدرسـین اسـتان قدس رضوی و امام جماعت یکی از شبسـتانهای مسجد گوهرشاد بوده است (ص ۱۸۲۵ پنجم مکارم الاثار).

در مطلع الشمس(ص ۴۱۹ دوم) ویرا عنوان نموده و اورا بـاشتینی سبزواری نوشـته است . در تاریـخ علمـای خراسان (۸۸) می نویسد: گویند اصلشان از یکی از قرای سبزوار است مسمی بآشتین (به الف ممدوده) بروزن راستین ...

۱۳۰- آقا محمد مجتهد

علامه طهرانی در الذریعه (ص

) و همچنین در الکرام البرره (ص ۱۹۵

ص : ۳۶۹

یکم) میفرماید :

مجموعه ای از اجازات مرحوم سید حجه الاسلام را که جهت مجتهدین شاگردانش مرقوم فرموده بود و آن شامل سیزده اجازه مفصل و مختصر بود در کتابخانه مولی محمد علی خونساری دیدم یکی از این مجازین :

آقا محمد مجتهد است که در الذریعه ویرا آقا محمد نائینی دانسته وبظن نویسنده حاج آقا محمد کلباسی می باشد و محتمل است آقا محمد نام دیگری جز این دو عالم بزرگوار باشد . والعلم عند الله .

۱۳۱ – ملا محمد نائینی

عالم فاضل زاهد عابد متقی شوهر خواهر حاجی کلباسی وشاگرد ایشان و مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام شفتی به اجازه مبسوطه می باشد .

آغاز : الحمد لله العلیم الحکیم الکریم ..

و در آخر آن سفارشنامه ای است جهت تشویق و ترغیب مؤمنین به اقتدا به نماز جماعت ایشان تاریخ اجازه ۲۶ رجب سال ۱۲۵۶ می باشد و بطوریکه مرحوم گزی در تذکره القبور می نویسند (ص ۵۷ رجال اصفهان) یک وقت امام مسجد حکیم را باو واگذار نموده (حاجی کلباسی) و مؤمنین و مقدسین بسیار باواعتماد داشتند.

صاحب عنوان در روز دوم شوال سال ۱۲۶۳ در اصفهان وفات یافته در قبرستان تخت فولاد جلو قبر فاضل هندی مدفون گردید و این مقبره را بواسعله قبر فاضل هندی و قبر فاضل نائینی به فاضلان شهرت داشت.

ملاـ محمد نائینی را فرزندی است بنام آقا علیرضا که مجاور عتبات عالیات بوده و از اهل زهد و ریاضت و مواظب اعمال و عبادات در آن عتبات بوده و در

کربلا وفات یافته ومدفون گردیده و اغلب سند خوابهای صادقه مؤثره که مرحوم ثقه الاسلام حاجی نوری در کتاب دار السلام مرقوم فرموده واسطه نقل مشارالیه است (ص ۵۷ رجال اصفهان).

۱۳۲– حاج آقا محمد قزوینی فرزند علامه تبه حاج محمد ابراهیم قزوینی اصفهانی .

شرح حال پدرش را قبلا نوشتیم و متذکر شدیم که مشار الیه اخص خوام سید حجه الاسلام بوده است.

فرزندش حاج آقا محمد در نزد علمای این شهر تحصیل نموده و مظنون بلکه مقطوع آنکه سالها در خدمت مرحوم سید حجه الاسلام بکسب علوم وفضائل اشتغال داشته و بعد از پدر در مسجد آقا نورامامت مینمود . سال فوتش بدست نیامد ظاهراً قبل از ۱۳۰۰ بوده است.

۱۳۳– حاج آل محمد کلباسی (کرباسی)

فرزند علامه تیه زاهد حاج محمد ابراهیم بن حاج محمد حسن بن محمد قاسم کلباسی (کرباسی) عالم فاضل فقیه زاهد عابد، در نزد جمعی از علماء اصفهان تلمذ نموده و از پدر بزرگوار خود رسید حجه الاسلام و آقا شیخ محمد حسن نجفی و بعضی از مشایخ نجف اشرف اجازه داشته .

صورت این اجازات در مقدمه کتاب انوار النزول تألیف آن بزرگوار موجود و نسخه در کتابخانه حقیر می باشد و نسخه ای نیز از این اجازات بطوری که در اسامی تألیفات سید حجه الاسلام ذکر کرده ایم در کتابخانه دانشکده الهیات مشهد نیز موجود است .

ص: ۳۷۱

صاحب عنوان بملاحظه حدیثی که از رسولخدا صلی الله علیه و آله وسلم روایت شده است که : کسی که ببیند اولاد مرا ونیام تام بجا نیاورد جفا کرده و یا مبتلای ببلای بی دوامیشود هر سید را که میدیـد تمام قـد بر می خواسته اگرچه آن سبد دور بوده و یا اصلا متوجه و ملتفت نمیشد (ص ۱۶۱ رجال اصفهان).

و باز در همان کتابست که در هر مجلسی که می نشست غالباً فضیلت اعمال خیر را نقل میکرده و یک وقت امام مسجد حکیم را هم داشته . مرحوم حاج آقا محمد در روز جمعه بیست و دوم ربع الثانی سال ۱۲۹۲ در اصفهان وفات یافته در مقبره پدر (مقابل درب شرقی مسجد حکیم) در کنار ایران جلو گنبد بالاسر قبر آقا محمد مهدی دفن شد.

کتب زبر از تألیفات اوست : ۱- رساله ای در آداب و سنن ۲ - انوار النزول درقه ۳ - رساله در جنائز ۴ - کتابی در حدودودیات ۵ - رسائلی در رجال ۶- شرح تهذیب علامه ۷- شرح خلاصه الحساب ۸- شرح نتایج آقا سیدابراهیم ۹- رساله در صوم ۱۰- کتابی در طهارت و دوم با استدلالی ۱۱ - منبع الحیاه فی عبادات الاحیاء والاموات در قواعد کلی فقه و اصول در پانزده مجلد بزرگ ۱۲- رساله در میراث ۱۳ - نور حدقه الناظردر آداب و اخلاق ۱۴ - هدیه الشیعه در آداب و اخلاق و ادعیه و مواعظ کتابی بسیار بزرگی است ۱۵ - هدیه الشیعه رساله عملیه جهت مقلدین وغیره.

۱۳۴ – میرزا محمد خاتون آبادی

معروف به آقا دگمه چین قبلانام مشارالیه را بعنوان (آقا دگمه چین) متذکر شدیم در این جا به دو نکته زیر اشاره می کنیم :

۱- میر عماد الدین محمد مدفون در دامنه کوه قریه گورت نزدیک قریه

خاتون آباد میباشد و بهمین مناسبت اعقاب مشار الیه بسه خاتون آبادی شهرت یافته اند . ۲- نسب علویه عالیه مجتهده بانو نصرت امین (۱۴۰۴ - ۱۳۰۸) مؤلف کتابهای : ۱- اربعین هاشمیه ۲ - ترجمه طهاره الاعراق تألیف ابن مسکویه بنام اخلاق با راه سعادت بشرم ۳- تفسیر قرآن بنام مخزن العرفان در پانزده مجلد ۴ - جامع الشتات ۵-روش خوشبختی ۶- سیر و سلوك ۷- مخزن اللئالی در فضائل حضرت مولی الموالی علیه السلام ۸- معاد یا آخرین سیر بشر ۹- نفحات الرحمن که همگان بچاپ رسیده و برخی از آنها چندین مرتبه طبع گردیده است .

به میر عماد الدین محمد میرسد باین نحو: علویه حاجیه نصرت امین فرزند حاج سید محمد علی بن سید حسن بن سید محمد بن علامه زاهد میر معصوم متوفی بسال ۱۱۵۵ مدفون در جنوب بقعه آقا محمد بیدآبادی فرزند عالم محقق مورخ میر عبدالحسین خاتون آبادی مؤلف کتاب وقایع السنین والاعوام (۱۱۰۷ -۱۰۳۷) فرزند میر محمد باقربن میر محمد اسماعیل معروف به شاه مراد مدفون در قریه گورت فرزند میر عمادالدین محمد حسینی افطسی .

بانوی نامبرده که در تألیفات خود خویشتن را بانوی ایرانی می نویسد یکی از مفاخر علمی و نمونه اعلای زن مسلمان از حیث علم وزهد و تقوی وعفاف و خلاصه آنچه انسان را بمقام انسانیت میرساند بود و الحق شایسته آن بود که رپرا حجت برزنان مسلمان در کلیه زمانها بدانیم و تا کنون در طایفه نسوان زنی باین پایه و مقام علمی نمی شناسیم (باتوجه به کتاب ریاحین الشریعه و دیگر کتب که راجع به زنان دانشمند ادیب نقبه ومحدث وشاعر وعارف نوشته شده است).

۱۳۵ – حاج میر سید محمد موسوی خونساری چهارسوقی

فرزنـد علامه فقیه زاهـدحاج میرزا زین العابـدین از جمله علماء وفقهاء ومحدثین اصـفهان می باشد در اول محرم الحرام سال ۱۳۲۲ در خونسار متولـد گردیـده و در نزد پـدر بزرگوار و حاجی کلباسـی و سـید حجه الاسـلام و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و از پدر دانشـمند خود و حاجی کلباسی و آقا میر سید حسن مدرس اجازه داشته است .

صـاحب عنوان از متتبعین ومطلعین و کتـاب شـناسان معروف زمان خود بوده بطوری که نقل شـده است که هر کتابیرا که اول و آخر آن افتاده بوده چون بدسـتش میدادنـد پس از انـدکی مطـالعه و بررسـی نام کتاب و مؤلف و مقـدار اوراق افتاده را میفرموده است. کتابهای زیادی بخط خود نوشـته که شایـد تعـداد آنها از یکصـد مجلد هم متجاوز باشد (ص ۲۲۸ مقـدمه مناهـج المعـارف) در فهرست کتب خطی کتابخانه های اصـفهان (ص ۲۳) می نویسـد : در کتابشناسـی هیـچ یک از علمای متاخر این سامان بپا به او نرسـیده انـد فریب هزار نسـخه خطی در چنـدین کتابخانه بنظر نگارنده (علامه مفضال حاج سید محمد علی روضاتی) رسیده که تمام یا قسمتی از آنها بخط آن مرحوم بوده است.

مرحوم حاج میر سـید محمد در تألیف کتاب شـریف : روضات الجنات برادر بزرگوار خود از هر جهت کمک و مساعدت نموده است از قبیل تهیه کتاب ونقل مطالب و مراجعه به مصادر و پاکنویس وغیره .

مشار الیه در مسجد مستهلک ومسجد چهار سو کوچک اقامه جماعت مینموده است . سر انجام در ۲۸ رمضان المبارک سال ۱۲۹۳ در اصفهان وفات یافنه در تکیه مادر شاهزاده در تخت فولاد در بیرون بقعه بالای سر پدر بزرگوار خود

ص : ۳۷۴

مدفون گردید ، رحمه الله علیهما .

۱۳۴ – میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی

فرزنـد محمـد رفیع بن عبـدالمطلب بن علی عـالم فاضل زاهـد ادیب شاعر کثیر التألیف والتصـنیف در المآثر والأثار (ص ۱۵۷) در بـاره او می نویسد: فقیه مقدس صادق سلیم الصدر ساده نفس بود وی بطوریکه خود در فصص العلماء گوید در نزد بسیاری از علماء و دانشمندان همچون :۱- ملا آقا در بندی ۲ – سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ۳ – حاج محمد ابراهیم کلباسی ۴- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی ۵- حـاج محمـد جعفر استر آبادی ۶- حـاج محمـد جعفر بن محمـد صـادق لنکرودی اصـفهانی حکیم ایلسوف ۷ – شـیخ محمد حسن اصـفهانی صاحب جواهر ۸- شـیخ حسن بن شـیخ جعفر کاشف الغطاء ۹ – حاج ملا صالـح برغانی ۱۰ – مولی صـفر علی لاهیجی ۱۱ – ملا عبدالکریم ایروانی ۱۲ – شـخ محسن خنفر ۱۳ – آقا شـیخ مرتضـی انصاری تلمذ نموده و در ابتدای تحصـیل در تنکابن در نزد سـید ابو جعفر حسین دائی خـدود وملاسـلیمان پـدرش نیز اندکی تحصـیل نموده تا مقامات عالیه علم رسـیده و از سـید محمد باقر قزوینی و شـهید ثالث مولی محمد تقی قزوینی و جمعی دیگر اجازه داشته .

قریب دویست کتـاب و رسـاله در علوم مختلفه از تفسـیر و کلام و اصول رفته ورجال و درایه وحـدیث و صـرف و نحو وغیره بنظم و نثر تالیف نموده که از آنجمله است : ۱- توشیح التفسیر۲ – سبیل النجاه مطبوع۳ – شرح تصریف زنجانی ۴- شرح زیارت رضویه ۵ – رساله در عدم لزوم تقلید اعلم ۶- غسل الجنب ۷- فاطمه بنت موسی بن جعفر علیهما السلام ۸- الفرائد در توحید و عدل منظومه وشـرح آن بنام منتهی المقاصد ۹ – الفرائد الرضویه در نبوت خاصه ۱۰ – الفرائد

ص : ۳۷۵

در تجوید ۱۱ – الفراند (به نون قبل از دال) در رد یهود و نصاری ۱۲ – قصص العلماء معروفترین کتابهای اوست در آن شرح حال ۱۵۳ نفر از علماء شیعه را نقل نموده و در ضمن حالات هر یک مطالبی و حکایاتی نوشته که عموماً سند و ماخذه صحیحی نداشته و بدین جهت مورد انتقاد علماء و نویسندگان قرار گرفته و حاجی نوری در الفیض القدسی بکذابه ومؤلف المآثر والاثار بصراحت از او عیب گرفته اند و دیگران نیز کم و بیش خرده گیری نموده اند کتاب مکرر بچاپ رسیده است ۱۳–کرامات العلماء ۱۴ – کشکول المحمدی در چهار مجلد ۱۵ – کنز الالغاز ۱۶–لالی الولایه در امامت و آن منظومه والفیه است و خود بر آن دوشرح نوشته است ۱۷ – لسان الصدق وراسول فقه ۱۸ – لغت الاضداد ۱۹–منظومه ای در نحو و در صرف و منطق و بدیع و معانی بیان و کلام وحساب و مفرورمل و مصیبت و غیره. نیز رسائل و حواشی وشروحی دارد و خود فهرست موافاتش را در فصص العلماء کر می کند .

در حدود سال ۱۲۳۴ یا ۳۵ و یا ۳۶ متولد و در سه شنبه ۲۸ جمادی الثانیه ۱۳۰۲ در سلیمان آباد تنکابن وفات یافته و همانجا مدفون گردید .

۱۳۵ – شیخ محمد بن قاسم جرقویه ای

(۱)

در تاریخ ۲۵ ذی الحجه سال ۱۲۴۵ کتابت نسخه ای از جلد چهارم مطالع

ص : ۳۷۶

۱– جرقویه از بلوک اصفهان در جنوب شرقی این شهر واقع شده و از دو ناحیه ترکیب شله : جرقویه علیا وجرقویه سفلی هوای گرم و خشک ولیکن سالم عمده محصولش گندم وجوزق (پنبه) ومردم آنجا همگی شیعه دوازده امامی ومؤدب ونیک نهادند و عده زیادی از بزرگان علماء وشعراء و ادباء منسوب بدانجا می باشند نزدیک پنجاه قریه ومزرعه دارد که مهمترین آنها : آذر خواران – پیکان وسیان ومحمد آباد و نصر آباد ونیک آباد می باشد. در جرقویه علیا قله کوهی است اثر دو زانو که بسجود رفته در سنگ نمایان (است). و گویند خرابه در اسفنداران است معروف به قولنجان استخوانهای مردم بزرگ جثه در آن پدیده میشود لاتهی . این دو قسمت با پله مورد توجه ادارات مربوطه قرار گرفته و در باران علی وارث بعمل آید.

الانوار تـألیف مرحوم سـید حجه الاسـلام در قریه نصرآباد جرقویه بپایان رسانیـده و در آنجا تصریح بشاگردی خود در نزد آن مرحوم نموده است ودر تعظیم و تکریم استاد خود بیشتر از یک صفحه از صفحات بزرگ کتابت نموده است.

ص۵۱۷ تراجم الرجال

۱۳۶– شیخ محمد مازندرانی

فرزند مقیم بن شریف بن مقیم درزی بارفروشی مازندرانی •

عالم فاضل جامع در اصـفهان خدمت حاجی کلباسـی و سـید حجه الاسلام و آقا سید محمد مجاهد درس خوانده و در اصفهان به خدمت شیخ احمـد احسـائی رسـیده و پس از مطالعه در کتب اوبطریقه وی مایل گردیـده به موطن خویش مراجعت نموده و کتب شـیخ احسائی راتـدریس مینموده و از اینرو علماء انـدیار باوی مخالفت نموده و او در اول برخی از تألیفاتش از آنان شـکایت نموده است . در مازنـدران اسـفار تدریس میکرده و جمعی در خدمتش تلمذ مینموده اند .

تألیفات زیادی دارد که از آن جمله است : ۱- اسرار المکارم ۲- الاصل والفصل کشکول ۳ – الانوار اللامعه ۴ – البوارق ۵- تفسیر قرآن کریم ۶ – تقلیـد میـت و آنرا در سـال ۱۲۴۳ تـألیف نموده است ۷ – الـدرر الغیبیه تاریـخ تألیف ۱۲۶۰ می باشـد ۸- روضـات حظوظ الایام ۹- شرح برشرح عرشیه ۱۰ – شرح

ص : ۳۷۷

در مقدمه قوانین الاصول ۱۱- غناثم المسترشدین ۱۲ - اللمعان ۱۳ - اللوامع در شرح روضه البهیه ۱۴ - الواردات العتیقه والجدیده .

صاحب عنوان در سال ۱۲۷۶ کتابهای خود را وقف نموده است بنابراین وفاتش پس از این تاریخ خواهد بود.

ص ۱۶۴ تراجم الرجال نویسنده گوید : به احتمال قوی وی از شاگردان حاج ملا علی نوری حکیم وفیلسوف نیز بوده است.

برادرش شیخ یعقوب نیز از حکماء وفلاسفه و از شاگردان برادر خود و شیخ مرتضی انصاری بوده و بین سالهای ۱۲۶۴- ۱۲۷۶ وفات یافته است ویرا تألیفاتی است : ۱- حاشیه اسفار از تقریرات برادرش ۲- شرح شرائع الاسلام .

ص ۲۴۷ تراجم الرجال

۱۳۷ – ملا میرزا محمد بن محمد هادی نائینی

اصفهانی عالم فاضل جلیل محقق رجالی بصیر شاعر ادیب متخلص به فائض از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام شفتی تاریخ اجازه سال ۱۲۵۶

که آنرا سید حجه الاسلام در پشت جلد اول رجال صاحب عنوان بخط مبارك خود مرقوم داشته است (ص ۱۴۸ دهم الذریعه) ویرا کتب ورسائل زیادی است از آن جمله : ۱- رساله در تحقیق حال ابان بن عثمان ۲- رساله در تحقیق حال ابراهیم بن هاشم ۳- رساله در تحقیق حال ابی بصیر ۴ - رساله در تحقیق حال ابی سعید رازی ۵ - رساله در تحقق حال احمد بن عیسی ۶ - رساله در تحقیق

جال اسماعیل بن عمار ۷-رساله در تحقیق حال سهل بن زیاد ۸-س رساله در تحقیق در عده مذکور در کافی ۹- رساله در تحقیق حال عمر بن زید ۱۰ - رساله

ص : ۳۷۸

در تحقیق حال محمد بن اسماعیل ۱۱ - رساله در تحقیق حال محمـد بن خالد برقی در اعیان الشـیعه (ص ۸ چهل و هفتم) می نویسد در اول بسـیاری از این رسائل می نویسد : از افادات سید استاد حاج سید محمد باقر حجه الاسلام است و آنها را مؤلف اعیان الشیعه در ضمن مجموعه ای که تاریخ فراغت آن ۲۵ جمادی الأول سال ۱۲۶۵ در اصفهان بوده در طهران رؤیت نموده است . ۱۲ - دیوان اشعار با تخلص فائض ۱۳ - رجال در چنـدین مجلد ۱۴ - فوائـدی از کتاب : الرواشـح تألیف میر داماد ۱۵ - اللؤلؤه البهیه ارجوزه کلام در شـش مقصـد ۱- امور عامه ۲- جواهر ۳- الهیات ۴ - نبوت ۵ - امامت ۶- معاد در ۹۲۴ بیت .

آغاز : حمدا علی معرفه الکلام للمنعم المیهن العلام

انجام:

وانا راجی العلم والرشاد من ربه محمد بن الهادی

ومنشأی فی البلد الامین مأوی الصـفا مدینه النائین ۱۶ - مثنوی طور سـینا یا شـجره طور سـینا مثنوی عرفانی است در چندین جلوه در جلوه دوم اشاره بوقعه کربلا نموده و در جلوه سوم از سر اختلاف مذاهب سخن گفته و در جلوه چهارم از عقل وحرکت جوهر به بیان نموده است .

آغاز : ای نهان در ذات برای پیدا به هست جلوه گر رویت زمر بالا و پست عکسی از قدرت بدهسر انداختی کاین زمین و آسمانها ساختی

(ص ۲۴۱ نوزدهم الذریعه) علامه طهرانی در الذریعه (ص ۸۰۶ نهم) می نویسد : به گمان من وی پدر آقا علیرضا نائینی مذکور در دارالسلام حاجی نوری می باشد.

ص : ۳۷۹

نویسنده گوید: صاحب عنوان یقیناً پدر آقا علیرضا نمی باشد زیرا تاریخ وفات ملا محمد فاضل نائینی اصفهانی۱۲۶۴ و تاریخ اتمام رجال ملامحمد نامبرده صاحب عنوان ۱۲۶۵ می باشد .

در اعیان الشیعه و برا در دو محل ذکر نموده یکی بعنوان محمد بن محمد هادی (ص۸ چهل و هفتم) و دیگری بعنوان میرزا محمد هادی نائینی (ص ۳۳۹ چهل پنجم) و یقیناً کلمه (ابن) ما بین محمد و هادی در چاپ ساقط شده است و هر دو نفر یکی می باشند.

اما آنچه از کتاب المآثر والاثار (ص ۱۶۷) وتاریخ نائین (ص ۱۲۷) وهمچنین (ص ۱۷۵) مستفاد میشود آنکه وی در حدود سال ۱۲۲۰ متولد شده و در ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۰۵ وفات یافته و در حرم امامزاده سلطان سید علی در نائین مدفون گردید.

واز آثارش ترجمه کتاب : احقاق الحق تألیف قاضی نورالله شوشتری است بنام ترجمان الحق ولسان الصدق :

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۵ چهارم) می نویسد :

ترجمه احقاق الحق بفارسی با بعضی تصرفات خوب بعبارات شیرین و ایراد اشعار لطیف از مترجم واو عالم جلیل میرزا محمد نائینی متوفای بسال ۱۳۰۵ می باشد و آنرا حاج شیخ هادی طهرانی تقریظ نوشته است .

مشارالیه پدر میرزا علی خان منشی ملقب به صفاء السلطنه متوفی سال ۱۳۲۸ در کربلا و مدفون در ایران صحن مطهر حضرت اباالفضل العباس علیه السلام وی ادیب و شاعر و منشی ومتخلص به مشتاقی است و دیوانش بچاپ رسیده است

فرزند دیگر حاج میرزا محمد میرزا عباس خان صفاء السلطنه است شعر نیکو میسروده و یکصد پانزده سال عمر کرده و در حدود سال ۱۳۵۸ در طهران وفات

یافته در قم مدفون گردید (ص ۱۷۵ تاریخ نائین).

فائده : در همین زمان عالمی دیگر مقام ملامیرزا محمد (فرزند میرزا ابوالحسن مصاحبی) در محمدیه نائین وسپس اصفهان می زیسته و بسال ۱۲۷۸ در اصفهان وفات یافته در تکیه مادر شاهزاده مدفون گردیده است (ص ۳ مقدمه دیوان عبرت و ص ۲۱۳ دوم تاریخ تذکره های فارسی بنقل از مدینه الارب تألیف عبرت نائینی).

۱۳۸- شیخ مرتضی انصاری

فرزند شیخ محمد امین بن مرتضی انصاری دزفولی نجفی ، از اعاظم فقهاء ومجتهدین و اکابر رؤساء علماء ... در روز غدیر سال ۱۲۱۴ متولد و در شب ۱۸ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۱ در نجف اشرف وفات یافت .

عالم جلیل معاصر حاج شیخ مرتضی سبط الشیخ انصاری در باره زندگانی آن عالم جلیل کنابی بنام: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری تألیف فرموده و آنرا بچاپ رسانیده است بنابراین در این جا نیازی بشرح و بسط در ترجمه احوال آن بزرگوار نیست طالبین بدانجا و دیگر کتب تراجم رجال مراجعه فرمایند .

دو کتاب نامبرده (ص ۶۷ چاپ دوم وچاپ اول) به خلاصه می نویسد :

شیخ انصاری در سال ۱۲۴۰ بعزم زیارت حضرت ثامن الحجج علیه السلام از دزفول باتفاق برادر خود شیخ منصور حرکت نمود ، در این سفر اول به شهر بروجرد و سپس به اصفهان آمده و در کاروانسرائی منزل کرد . چندین روز بدرس مرحوم سید حجه الاسلام حاضر شده از اتفاقات اینکه در آن روزها مرحوم سید

اشکالی را برای شاگردان القاء نموده و جواب آنرا از آنها میخواست .

شیخ جواب اشکال را به یکی از طلاب نزدیک خود فرموده از مجلس خارج گردید . طلبه مزبور جواب اشکالرا نقل کرد و چون جواب بالاتر از سطح معلومات طلبه مزبور بود مرحوم سید فرمود :

این جواب از تو نیست چه کسی آنرا بتو آموخت.

مؤلف نامبرده از قول مرحوم سید حجه الاسلام نقل می کند که ایشان اظهار داشته اند که :

گوینده جواب یا حضرت حجه بن الحسن عجل الله فرجه الشریف می باشد ویا شیخ مرتضی نجفی .

نویسنده گوید : اگر این نقل قول صحت داشته باشد علاوه بر آنکه مقام علمی شیخ را میرساند کرامتی بزرگ از مرحوم سید حجه الاسلام است که از ورود شیخ مرتضی به اصفهان و همچنین از مقام و پایه علمی او قبل از آنکه از جائی اطلاع یافته باشد آگهی می دهد.حقیقت اموررا خدا تبارک و تعالی میداند و بس .

در همان کتابیست که طلبه مزبور اقرار کرد که کسی باو باد داد مرحوم سید چند نفر را مأمور در تحقیق از حال شیخ ومنزل او می کند و بالاخره او رامی یابد.

و می نویسد مرحوم سید قصد دیدن از شیخ نموده ونبلا کسی را فرستاد تا اورا خبر دهد (اینگونه احترام کردن از علماء و دانشمندان سیره مرضیه عموم علماء اسلام و بالاخمی مرحوم سید حجه الاسلام بوده است) شیخ اظهار می کند که بزحمت ایشان راضی نیستم و خود بدیدار ایشان می آیم .

ص : ۳۸۲

شیخ به منزل سید وارد می شود از او مبپرسند که قصد مسافرت شما به اصفهان چیست توقف در این شهر با مسافرت ، شیخ فرمود بقصد ملاقات.

مرحوم سید اصرار کردند که شیخ در اصفهان بماند لکن او قبول ننموده و بعد از چند روز به کاشان مهاجرت نمود.

در معارف الرجال (ص ۴۰۱ دوم) می نویسد :

شیخ پس از زیارت مشهد مقدس به اصفهان رفته و مدت بیست و پنج روز در ایام ریاست سید حجه الاسلام و حاجی کلباسی در این شهر توقف نموده و

حاجی کلباسی بایشان اظهار و اصرار در توقف می کند ایشان در جواب میفرماید من در عراق عرب گم کرده ای دارم بعطاب او میروم اگر آنرا آنجا نیافتم بشهر شما باز می گردم و گم کرده او بدست آوردن اجتهاد در نزد علماء آنجا بود .

باز در همان کتاب از فول جماعتی از مؤمنین نقل می کند که : شیخ در ایام اقامت خود در اصفهان از مرحوم سید حجه الاسلام استجازه کرد و ایشان از اجازه دادن امتناع کردند و علت آنرا عدم احاطه ایشان بعلم رجال در آن زمان دانسته اند والعلم عند الله تبارک وتعالی .

نویسنده گوید: اگر آنچه را که مؤلف کتاب معارف الرجال در باب استجازه مرحوم شیخ از سید نوشته و جواب رد دادن مرحوم سید حجه الاسلام به ایشان صحیح باشد باید مدعیان اجتهاد در زمان ما در حال خود دقت کنند وقتی مرحوم شیخ مرتضی انصاری مجتهد نباشد دیگر چه کسی از اینان میتواند ادعای اجتهاد کند .در اوایل کتاب نیز شرحی از خطاب حجه الاسلام به شیخ انصاری و استنکاف ایشان مرقوم داشتیم که از نظر خوانندگان محترم گذشت.

ص : ۳۸۳

۱۳۹– سید مرتضی بن سید هادی بن سید محمد رضا حسینی

در شب شنبه دهم شوال سال ۱۲۱۹ در رامسر متولد گردیده مقدمات علوم را در نزد پدر دانشمند خود فراگرفته سپس به قزوین و بعدا به اصفهان مهاجرت نموده و در آنجا خدمت حاجی کلباسی رسید حجه الاسلام شفتی و آخوند ملاعلی نوری تلمذ نموده و بعدا به نجف اشرف رفته و پس از قبل بمقام اجتهاد بموطن خود بازگشته است.

از آثار خیریه او ایجاد و بنای مدرسه دینی در رامسر میباشد که در آنجا بدرس و بحث اشتغال جسته و بنابدعوت مردم لاهیجان هر سال چند ماه بدانجارفته و مرجع مرافعات وفصل خصومات وفتاوی بوده است .

در حدود سال ۱۲۹۰ درجوردیه رامسر وفات یافته و در قبرستان میدان بخاك رفته است وبرا تألیفاتی بوده و فرزندانش عموماً اهل علم و کمال بوده اند .

ص ۲۰۳ بزرگان رامسر

۱۴۰ – مولی مرتضی قلی

عالم فاضل از مجازین از سید حجه الاسلام به اجازه کبیره مبسوطه مورخه دوم ذی الحجه ۱۲۵۶ می باشد .

آغاز : رب انی اعوذبك .. الحمد لله المعین لمن استعان منه ...

اجازه ضمن مجموعه ای از اجازات سید حجه الاسلام در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف بنظر علامه طهرانی رسیده است.

ص ۱۵۸ یکم الذریعه (ص ۱۹۵ بکم الکرام البرره – ص ۱۹۷ دوم معارف الرجال) .

ص : ۳۸۴

۱۴۱. آقا سید مؤمن بن حجه الاسلام شفتی

عالم فاضل زاهد ، بعد از مرحوم حاج سید اسدالله اعلم فرزندان سید حجه الاسلام بوده و در محله بید آباد مرجع ریاست و امام مسجد سید و پناه خلق بوده و حوزه درسی نیز داشته است ، در ۲۶ ماه مبارک رمضان سال ۱۲۹۴ وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار پائین پا رو بجلو مدفون گردید لکن محل سنگ قبر ندری بالاتر از خودقبراست.

مرحوم جابری در تاریخ اصفهان(ص ۱۱۷) در باره او می نویسد : بزرگواری در علم و تقوی مشهور و بصلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بود رنگ بشره ایشان بسواد دیده وسویدای قاب مینمود روزی ظل السلطان (مسعود میرزا فرزند ناصرالدین شاه حاکم ظالم وجائر اصفهان) تدریضاً بحضرتش اظهار نمود چه شد که حجه الاسلام بتاریکی تیر انداختند فوراً(ایشان در جواب) فرمود تاعالمی را روشن سازد .

در المآثر والآثار (۱۸۴) ویرا عنوان نموده و بطور اختصار مینویسد : از عظماء وعلماء اصفهان بود و در تکمله نجوم السماء (ص ۴۰۰ یکم) عبارت المآثر والاثار را عیناً نقل کرده است .

مرحوم آقا سید مؤمن پس از فوت دو فرزند عالم از خود بجای گذاشت ۱- آقا سید عبدالرحیم ۲ - آقا سید عبدالله . برخی از اعقاب او فعلا در مورچه خورت ساکن و امام جماعت آنجا وبوظائف شرعی از نشر احکام و تبلیغ مسائل حلال و حرام و دیگر امور اشتغال دارند .

مرحوم آقا سید مؤمن در خدمت جمعی از علماء اصفهان همچون پدر بزرگوار خود و دیگران تحصیل نموده است .

ص : ۳۸۵

فائده : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان(۱۶۱) در ضمن وقایع سال ۱۲۹۴۶مینویسد:

بعضـی اسـتخوانهای ماموت را میرزا تقی خان حکیم باشـی در اصـفهان پیـدا کرد و این حیوان بزرگتر از فصل است و قبل از طوفان بوده و در کتاب آگهی شهوان از کار جهان (ص ۷۱ سوم) نیز جزء وقایع سال ۱۲۹۴ می نویسد :

کشف میرزا تقی خان حکیم باشی ظل السلطان استخوانهای ماموت را در اصفهان .

۱۴۲- آقا محمد مهدی کلباسی

فرزنـد علامه فقیه حاج محمـد ابراهیم کلباسـی ، عالم فقیه زاهـد محقق متتبع اکبر واعلم فرزندان حاجی بوده و حتی در زمان خود عاجی نیز از معاریف بشـمار می رفته است و امامت مسجد حکیم نیز با او بوده و هنوز هم در اولاد ایشانست وی مرجع فتوی و تقوی بوده و حوزه درسی و مباحثه نیز داشـته و عده ای از بزرگان در خدمتش تلمذ نموده و یا از او اجازه دارند عالمی ساده و صادق بوده و صداقتهای غریبه ای از او نقل می شودماننـد خود حاجی و برخی دیگر از اولاد حاجی و علت آنها شـدت مواظبت در انجام آداب شـرع وعـدم توجه به مردم دنیا و تدبیرات آنها می باشد .

در خدمت پدر بزرگوار خود و سید حجه الاسـلام و حاج محمد جعفر بن محمد صادق لنگرودی اصفهانی حکیم وفیلسوف از شاگردان حاج ملا علی نوری ومتوفی در روز نهم ربیع الثانی ۱۲۶۰ (هفتمین روز وفات سید حجه الاسلام) و جمعی دیگر تحصیل نموده و از پدر بزرگوار و سید حجه الاسلام اجازه روابت و اجتهاد داشته و کتب زیادی تألیف نموده که از آن جمله است :۱- رساله ای

در استصحاب ۲- رسائلی در اصول ۳ - رساله در اراضی مفتوح العنوه ۴-شرح تصریف ۵ - شرح تهذیب ۶- شرح روضه البهیه ۷- شرح طهارت از کتاب لمعه ۸ - شرح شری از لمعه در چهار جلد ۹- شفاء الاسقام در شرح تهذیب منطق ۱۰ - ضیاء العوالم در اصول فقه ۱۱- کتابی در طهارت بدون نام ۱۲ - عیون الاصول ۱۳ - رساله در قرعه ۱۴ - مشارق الاصول و آنرا قبل از عیون الاصول تألیف نموده است ۱۵- مصابیح الاصول در نه جلد ۱۶- معراج الشریعه و آنرامدارج الشیعه نیز گفته اند فقه استدلالی در شرح منهاج الهدایه پدرش، علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۴۰ بیست و یکم) می نویسد جلد ششم آن که در نذر و عهد وقسم است و تاریخ فراغت آن ۲ محرم ۱۲۶۷ می باشد را دیدم و ظاهراً شرح در حدود دوازده جلد می باشد لکن در تذکره القبور (ص ۱۶۰ رجال اصفهان گوید در هشت جلد) چهار جلد آن به شماره های ۳۵۵۶-۳۵۵۷-۳۵۵۸-۳۵۵۹بخط مؤلف در کتابخانه مجلس شورای اسلامی در طهران موجود است (ص ۱۵۶۰ سوم مجلد دهم فهرست مجلس) ۱۷ - منهج السداد در شرح ارشاد ۱۸- نور العیون در قه ۱۹ - هدایه الطالبین بفارسی وآن رساله عملیه ایشانست تاریخ تألیف ۲۴ شعبان ۱۲۶۱ هجری وغیره.

مرحوم آقا محمد مهدی در شب شنبه چهارم جمادی الاولی سال ۱۲۷۸ بمرض سکته وفات یافته و در مقبره پدر پشت سر آن مرحوم دفن گردید .

مشار الیه علاوه بر شاگردی داماد مرحوم سید حجه الاسلام نیز بوده است شرح آن در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام گفته خواهد شد.

ص : ۳۸۷

۱۴۳ – مولی محمد مهدی بن ابی الفتوح قمیشه ای

(۱)

عالم فاضل از شاگردان حاجی کلباسی وسید حجه الاسلام شفتی در اصفهان وحاج شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام در نجف اشرف بوده در سال ۱۲۰۵ متولد و در ۱۲۸۱ بطوریکه علامه طهرانی در الذریه (ص ۹۸ و ۴۲۹,۳۱۷ سیزدهم) میفرمایدوفات یافته. ویرا تألیفاتی است : ۱- حاوی مدارک الاحکام فی شرح شرایع الاسلام برخی از مجلدات آن در کتابخانه علامه مؤلف الذریعه در نجف اشرف بخط مؤلف بزرگوار آن موجود بوده است و در برخی از مجلدات کتاب تصریح می کند که از شاگردان حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی وشیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام است . و یکی از مجلدات آن در باره نماز جمعه است در حدود پنجاه و چند هزار بیت و تاکنون هیچ یک از علماء بزرگوار درباره نماز جمعه بدین شرح و تفصیل کتاب ننوشته اند این دوره کتابرا مؤلف خود شخصا در ذوالقعده سال ۱۲۸۰ وقت نموده و تولیت آنرا بفرزندش در زمان خویش و پس از فوت به علماء قمیشه واگذار نموده است ۲- کتابی در صلوه الجمعه (نماز جمعه) مفصل غیر از آنچه در شرح شرایع است در حاشیه برخی از صفحاتش نوشته است در ۲۰ ذی الحجه ۱۲۷۷ سنش ۷۲سال بوده است و گرفتار

ظالم وستمگر بوده و اموالش را بتمامه غصب نموده اند ۳- فقه فارسی مبسوط واستدلالی از اول طهارت تا آخر حدود و دیات کتابرا موریانه خورده و آنچه

ص : ۳۸۸

۱- قمیشه که در سالهای اخیر آنرا بعلت وجود امامزاده واجب التعظیم جناب شاهرضا نام شهر را تغیر داده و شاهرضا و پاشهرضا نامیدند و اکنون باین نام شهرت دارد. شهرستان قمیشه در سمت جنوب اصفهان واقع و تقریباً چهارده فرسنگه تا شهرفاصله دارد از آثار قدیمی این ناحیه سد خرابه ای بنام فتلغ شاه در اسفرجان می باشد و از فلاسفه وحکماء معرون آنجا : ابو بکر قومسی است .

باقیمانده است، حدود شصت هزار بین می باشد علامه طهرانی نام این کتابرا بک

جا به فقه فارسی ویک جا به مجموعه الرسائل الفقهیه الفارسیه ذکر می کند و گوید وی امام جمعه نمیشه وقائل بوجوب آن بوده و خود اقامه مینموده و در نمیشه وفات یافته است ۴ - کتابی در مواریث وغیره .

۱۴۴- مولی محمد مهدی بن محمد باقر محلاتی

مؤلف کتاب : جواهر المسائل در فقه فارسی در طهارت و نماز و احکام تقلید با اشاره اجمالی به بعضی از اقوال وادله مطابق فتاوی سید حجه الاسلام و استخراج شده از کتاب مطالع الانوار جهت تسهیل عمل مقلدین .

در مقدمه کتاب حدود دو برگ در تمجید وستایش حجه الاسلام شفتی مطالبی به نظم و نثر نوشته است.

آغاز : حمد و ثنائیکه امتدادش جواهر مسائل علم ربانیرا منتظم سازد ... مؤلف از شاگردان سید حجه الاسلام بوده است .

نسخه ای از کتاب را علامه طهرانی در نجف جزو کتابهای سید آقا تستری دیده است (ص ۲۸۰ پنجم الذریعه) همچنین نسخه ای از آن بشماره (۲۵۴۱) در قم در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی موجود است (ص ۱۲۴ هفتم فهرست)

در کتاب : آشنائی با چند نسخه خطی (ص۶۳) درضمن کتا بهائیکه قبلا در کتابخانه رضویه قم موجود بوده و در حال حاضر موجود نیست گوید :

جواهر المسائل از محمد مهدی بن محمد علی محلاتی که خلاصه کتاب صلاتیه تحفه الابرار استادش حجه الاسلام شفتی به فارسی است. در پنجم محرم ۱۲۵۹ در قریه زانیان از آن فراغت یافته است.

ص : ۳۸۹

نویسنده گوید : چون نسخه کتابخانه رضویه موجود نیست گمان میرود نام پدر مؤلف اشتباه شده صحیح همان محمد باقر باشد . والعلم عند الله تبارك وتعالی .

نکته دیگر آنکه علامه طهرانی مطالب کتاب را مستخرج از مطالع الانوار مرقوم داشته و در فهرست رضویه از تحفه البرار .

۱۴۵ – سید هاشم حسینی

شاگرد سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی بوده است . مشار الیه مؤلف کتابی است بنام وسیله النجاه که آنرا از کتاب استاد خود (تحفه الأبرار) استخراج نموده است .

(ص ۹۰ بیست و پنجم الذریعه) در باب تألیفات مرحوم سید حجه الإسلام بطور اجمالی به کتابهایی که توسط شاگردان آن جناب از کتاب تحفه الابرار استخراج واقتباس شده است اشاره خواهیم کرد .

۱۴۶ – محمد هاشم بن ابوالحسن موسوی

در کتابخانه مجلس شورای ملی ایران (مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب تألیف سید حجه الإسلام بشماره (۴۹۲۴) موجود است که جامع آن محمد هاشم و یا محمد قاسم نام دارد و کتابرا مطابق فهرستی که خود در مقدمه نوشته مرتب نموده است (نه بر حسب ترتیب کتب فقهی معمول)

(ص ۱۴۸ چهاردهم فهرست کتابخانه مجلس)

ص : ۳۹۰

احتمالا مشار الیه از شاگردان سید حجه الاسلام می باشد و این کتاب سؤال وجواب غیر از سؤال وجواب مطبوع می باشد .

۱۴۷ – آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی

فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی .

علامه فیه زاهد عابد محقق مدنق مجتهد اصولی از اکابر علماء وفقهاء ومدرسین ومجتهدین و از رؤساء دنیا و دین و مشایخ اجازات است.

در دوم ذی القعده مدال ۱۲۳۵ در خونسار متولد گردیده و در اصفهان ونجف نزد اساتید بزرگوار تلمذ نموده و از جمعی از فحول به اجازه اجتهاد وروایت مفتخر گردیده و پس از مراجعت باصفهان اهمیت و شهرت و ریاستی بافته سرانجام در چهارشنبه ۱۷ رمضان المبارک ۱۳۱۸ در نجف اشرف در سالیکه عازم تشرف به بیت الله الحرام بوده وفات یافته و در وادی السلام مدفون گردیده و بعداً جهت او بقعه ای بنا کردند که اکنون در آن زمین مقدس معروف و مشهور است.

بزرگان ذیل اساتید و مشایخ ایشان می باشند : ۱- حاج محمدابراهیم کلباسی ۲- حاج سید اسد الله بیدآبادی ۳- حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی ۴- آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی برادر بزرگوارش ۵-آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی که مدت ده سال در خدمت ایشان تلمذ نموده ۶- آقا میرزا زین العابدین موسوی در دانشمند ایشان ۷- آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی وایشان اولین استادی است که در اوایل بلوغ بایشان اجازه داده واجتهادش را گواهی نموده است ضمناً مشارالیه پیرزن صاحب عنوان نیز می باشد

۸-آقا شیخ مرتضی انصاری ۹- شیخ مهدی بن علی بن شیخ جعفر کاشف الغطاء

۱۰- شیخ نوح بن قاسم جعفری نجفی و غیره .

کتب زیر از تألیفات ایشانست : ۱- اجازات ۲ - احکام الایمان رساله عملیه مطبوع ۳ - احوال مشایخ خود و آن اجازه کبیره ای است، مانند لؤلؤه البحرین که برای یکی از شاگردان خود مرقوم داشته ۴ - احوال معمر مشرقی و معمر مغربی ۵- اربعین ۶- رساله در استصحاب مختصر ۷ - رساله در استصحاب مفصل ۸- اصول آل الرسول صلی الله علیه و آله و علیهم در استخراج ابواب اصول فقه از روایات اهل بیت علیهم السلام و در آن بیشتر از چهار هزار حدیث مربوط به اصول فقه را جمع آوری نموده است جلد اول آن بچاپ رسیده است ۹ - امامزاده های اصفهان مطبوع ۱۰ - رساله در تجوید ۱۱ - ترجمه حال ابی بصیر مطبوع ۱۲ - تنبیه الحکماء الابرار حاشیه بر اسفار ۱۳ - جواهر العلم ۱۴ - حاشیه بر ریاض المسائل ۱۵ - حاشیه بر شرح لمعه ۱۶ - حاشیه بر قوانین ۱۷ - حاشیه بر معالم ۱۸- رساله در حج ۱۹– حرمت ذبائح اهل کتاب و این رساله اولین تألیف فقهی ایشانست و آنرا بدستور استاد خود آقا سید صدر الدین محمد عاملی تألیف نموده ۲۰ - حل المسیر در حکم عصیر ۲۱ - سؤال و جواب در کلیه ابواب فقه ۲۲ - شرح مشیخه فقیه ۲۳ - رساله در صلاه ۲۴- رساله در صوم ۲۵ - صیغ العقود ۲۶ - الغره در شرح دره بحر العلوم ۲۷ - مبانی الاصول ۲۸ - فوائدی دررجال ۲۹- مقالات اللطیفه ۲۰- منظومه ای در اصول وغیره ، صاحب عنوان از زوجه نامبرده خود دو فرزند پسر وشش دختر داشته است.

شرح حال ایشان در عموم کتب تراجم رجال بطور مختصر و مفصل مذکور است از آنجمله : ۱- زندگانی آیت الله چهارسوقی ص ۱۱۲ - ۲- ص ۱۴۱ یکم احسن الودیعه ۳ - دانشمندان اصفهان ص۵۳۵ ، ۴- رجال اصفهان ص ۷۵ - المآثر والاثار ص ۱۴۵ ، ۶ - مکارم الأثار ص ۹۸۹ سوم وغیره .

۱۴۸ – حاج میرزا یوسف مجتهدتبریزی فرزند حاج میرزا عبدالفتاح طباطبائی

(۱)

از بزرگان علماء ودهاء و نزد جمعی از مجتهـدین همچون آقا میرزا ابوالقاسم مدرس و میرزا محمد مهدی شهرستانی و آقا محمد باقر مؤسس بهبهانی درس خوانده و از ایشان و جمعی از شاگردانش اجازت یافته است. در سال ۱۱۶۷ متولد و در ۱۲۴۲ وفات یافته است کتب ورسائل چندی تألیف نموده از آن جمله : ۱-رساله ای در اصول و فروع ۲ – الجهادی ۳ – الخراجیه ۴ – زهرالحساب ۵-مسود الخدود در بیان حدود ۹- مصباح در اصول دین (۱۱۸۵ چهارم مکارم الاثار)

در آتشکده اردستان (ص ۱۷۶ یکم) گوید: از حجه الاسلام رشتی و قا باقر بهبهانی مجاز بوده و تاریخ اجازه سید حجه الاسلام جمعه پنجم شعبان ۱۱۷۲ بوده است (انتهی)

نویسنده گوید : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۸ یکم) در اجازه از آقا باقر بهبهانی جهت صاحب عنوان نقل می کند اول در پشت مدارک بتاریخ روز

ص : ۳۹۳

۱- تبریز بر وزن لبریز مرکز استان آذربایجان و یکی از مهمترین شهرهای ایران است در عهد سلاطین قاجار به حکومت این شهر همیشه با ولیعهد مملکت بوده است . شیروانی در بستان السیاسه (ص ۱۸۶) گوید: از بلار مشهوره واز مداین معموره سه طرفش واسع وسمت جنوبش گرفته و در زمین هموار واقع است از عظمت و بزرگی این شهر در قدیم نوشته اند که در زمان سلطان اویس ایلخانی در اثر مرضهای طاعون سیصد هزار نفر در تبریز مردند و بر مردم معلوم نشد که کسی از آن دیار مرده است ... شهر تبریز طرب انگیز است آبش از کار پز و بعضی از رود وخوشگوار وهوایش پردی مایل و سازگار است .

روز جمعه پنجم شعبان ۱۱۷۲ دوم در پشت کتاب قواعد بتاریخ جمادی الاولی سال ۱۱۷۴ ه. ق و در جلد پنجم (ص ۲۹۸) اجازه دیگری بسال ۱۱۸۰ بنقل از (تاریخ اولاد الاطهار ص ۸۱)

علی هذا آنچه مؤلف کتاب آتشکده اردستان مرقوم فرموده مربوط به اجازه آقا باقر بهبهانی است و با توجه بسال تولد مرحوم سید حجه الاسلام (۱۱۷۵) خطای مؤلف نامبرده ظاهر می شود .

نویسنده گوید: باتوجه بسال تولد صاحب عنوان و تاریخ اولین اجازه مرحوم وحید بهبهانی یعنی سالهای ۱۱۶۷ و ۱۱۷۲ باید مرحوم بهبهانی اجازه را در پنج با شش سالگی برای او نوشته باشد ومؤاف الذریعه میفرمایند (ص ۲۹۸ پنجم الذریعه) ظاهراً یا :

۱- تاریخ تولد اشتباه و غیر واقع است. ۲- تاریخ اجازه غلط در نسخه می باشد .

۳- مجاز باین اجازه (محمد یوسف بن میر فتاح) غیر از مؤلف کتاب الجهادیه باشد.

خاتمه :

در خاتمه این فصل لازم است توجه خوانندگان را به نکات زیر معطوف

: ۱- همانگونه که در مقدمه فصل گفته شد در این زمان یعنی نیمه اول قرن سیزدهم اصفهان یکی از مراکز مهم علمی بوده و طلاب و دانشجویان از اطراف وا کناف بدان روی مینموده اند و بطور احتمال میتوان گفت عموم اینان که عده آنها از هزار نفر متجارز بوده درک محضر سید حجه الاسلام را نموده اند. لکن

نویسنده بعلت نداشتن وسائل تحقیق وتبع نتوانست به نام بیشتر از ۱۴۵ نفر دسترسی پیدا کند آنهم برخی از آنها بقید تردید . هر گاه اراده خداوند تعلق گرفته باشد و وسیله مطالعه بیشتری برایم فراهم شود در آتیه آنرا تکمیل خواهم کرد .

۲- برای نوشتن جغرافیای شهرهای اماکن لازم بود بکتب معتبری از نویسندگان قدیم و جدید همچون جام جم - جغرافیای کیهان حدودالعالم - فرهنگ جغرافیائی ایران - مرآت البلدان - مراصد الاطلاع - مسالك ومالك - معجم البلدان و نزهت القلوب ودهها کتاب دیگر چه مربوط به جغرافیای تمام دنیا با ایران یایکی از شهرها باشد مراجعه شود لکن بدر علت یکی تعجیل در تألیف ودیگر نبودن کتب در اختیار نویسنده فقط به کتاب بستان السیاحه و گاهی به برخی دیگر از کتابها مراجعه شده است بدینوسیله از کسانی که مایل هستند اطلاعات بیشتری در این موضوعها داشته باشند پوزش خواسته و آنانر بکتب مفصل حواله می کنیم .

۳- کلیه تاریخهائیکه نوشته شده است هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد شمسی.

۴- کلیه طول وعرضها و انحرافات نیله مأخوذ از رساله : معرفه القبله تألیف مرحوم سرتیپ عبدالرزاق خان بغایری اصفهانی (۱)می باشد.

ص : ۳۹۵

۱- مرحوم سرتیپ عبدالرزاق شان بنا بری فرزند محمد محسن بن کرمعلی پن فتحعلی بن محمد قاسم خان عالم ادیب ریاضی محقق رجالی در ۱۲۸۶ در اصفهان متولد گردید و در شب ۲۵ شعبان ۱۳۷۲ در طهران وفات یافت و در اصفهان و طوران تحصیل نموده از مهندسین بزرگوار و دانشمندان بنام ایران بود کتابهای زیر از تألیفات اوست: ۱- اصول علم جغرافیا ۲ - تاریخ جلولی ۳- تاریخ الولاده والوفاء لاعیان المسلمین احتمالا همان تاریخ جدولی می باشد . جغرافیای ابتدائی مطبوع ۵ - فرهنگ جغرافیائی ایران در ۳۲ جلد ۶ - ما مهندسی داریم مطبوع ۷ - معرفه القبله مطبوع ۸- نقشه ایران ۹- نقشه تفصیلی سرحدات ایران و غیره (ص ۱۰۷ تذکره العارفین ص ۱۱۸۴ و۱۱۹۱ دائره المعارف دانش بشر ص ۳۰۴ دانشمندان اصفهان).

فهرست کتاب

ص : ۳۹۶

فصل دوم

(اقوال بزرگان و مؤلفین درباره سید حجه الاسلام)

فصل سوم

(شهرت و لقب سید حجه الاسلام شفتی بید ابادی)

دوره دوم

(مهاجرت سید حجه الاسلام به عتبات مقدسه)

فصل پنجم

(مهاجرت مرحوم سید حجه الاسلام به اصفهان)

فصل ششم

(موجبات شهرت سید حجه الاسلام)

ص : ۳۹۹

ص : ۴۰۰

ص : ۴۰۱

ص : ۴۰۲

ص : ۴۰۸

سید کریم حسینی لاهیجی ۳۶۴

ص : ۴۰۹

ص: ۴۱۱

جلد ۲

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدوی، مصلح الدین، ۱۳۷۴ - ۱۲۹۴

عنوان و نام پدیدآور : بیان المفاخر در احوالات... محمدباقر حجه الاسلام شفتی بیدآبادی/ تالیف مصلح الدین مهدوی

مشخصات نشر : اصفهان: کتابخانه مسجد سید اصفهان، ۱۳۶۸.

مشخصات ظاهری : ۲ ج.عکس

فروست : (انتشارات کتابخانه مسجد سید اصفهان ۹)

شابک : ۴۰۰۰ریال(دوره کامل)

وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی

موضوع : شفتی بیدآبادی، محمدباقربن محمدتقی، ۱۱۷۵؟ - ۱۲۶۰ق. -- سرگذشتنامه

رده بندی کنگره : BP۵۵/۴۵۵/م ۹ب ۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : م ۶۸-۱۶۲۷

اشاره

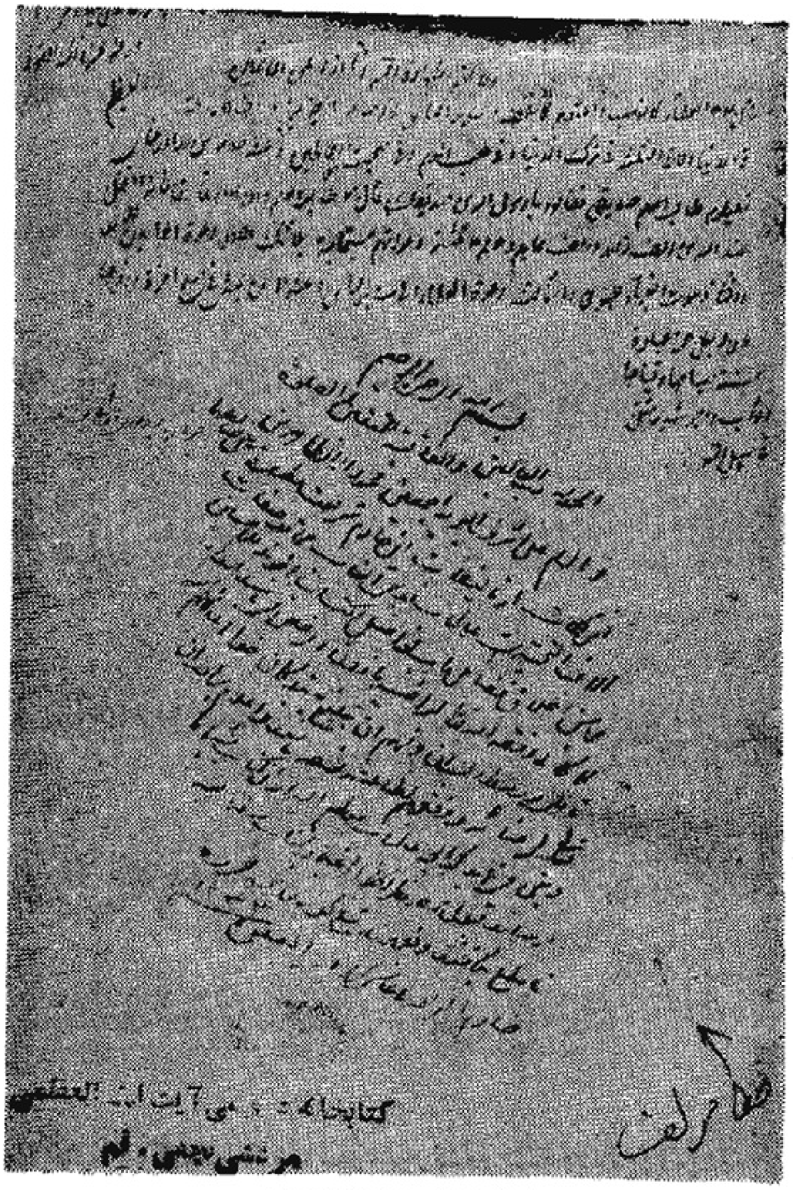
ص: ۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين ، و الصلوه و السلام على اشرف الانبياء و المرسلين محمد المصطفى و عترته الطاهرين

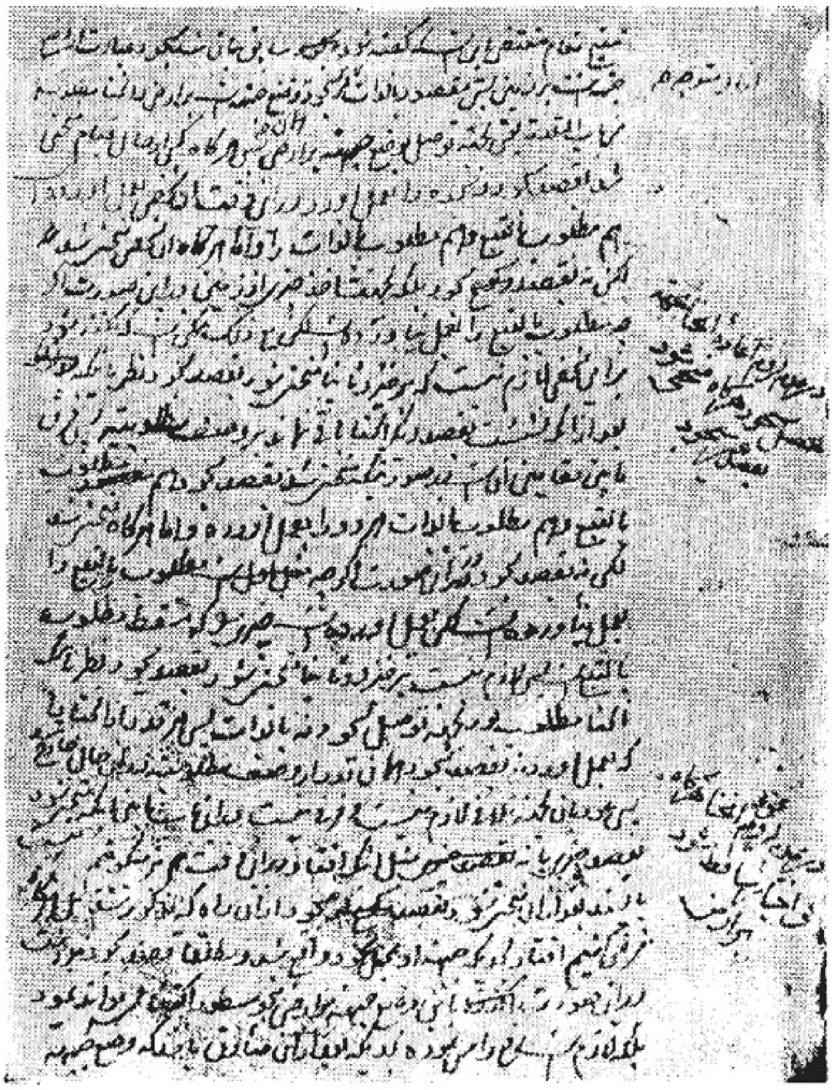
ص: ۳

تصویر



اجازه‌ای از حجة الاسلام شفتی

تصویر



صفحه‌ای از «تحفة الابرار» بخط حجة الاسلام

یک صفحه از تحفه الابرار

تصویر

اجازة میرزای قمي به حجة الاسلام



بسم الله الرحمن الرحيم

اجازه میرزای قمی جهت سید

تصویر



تصوير



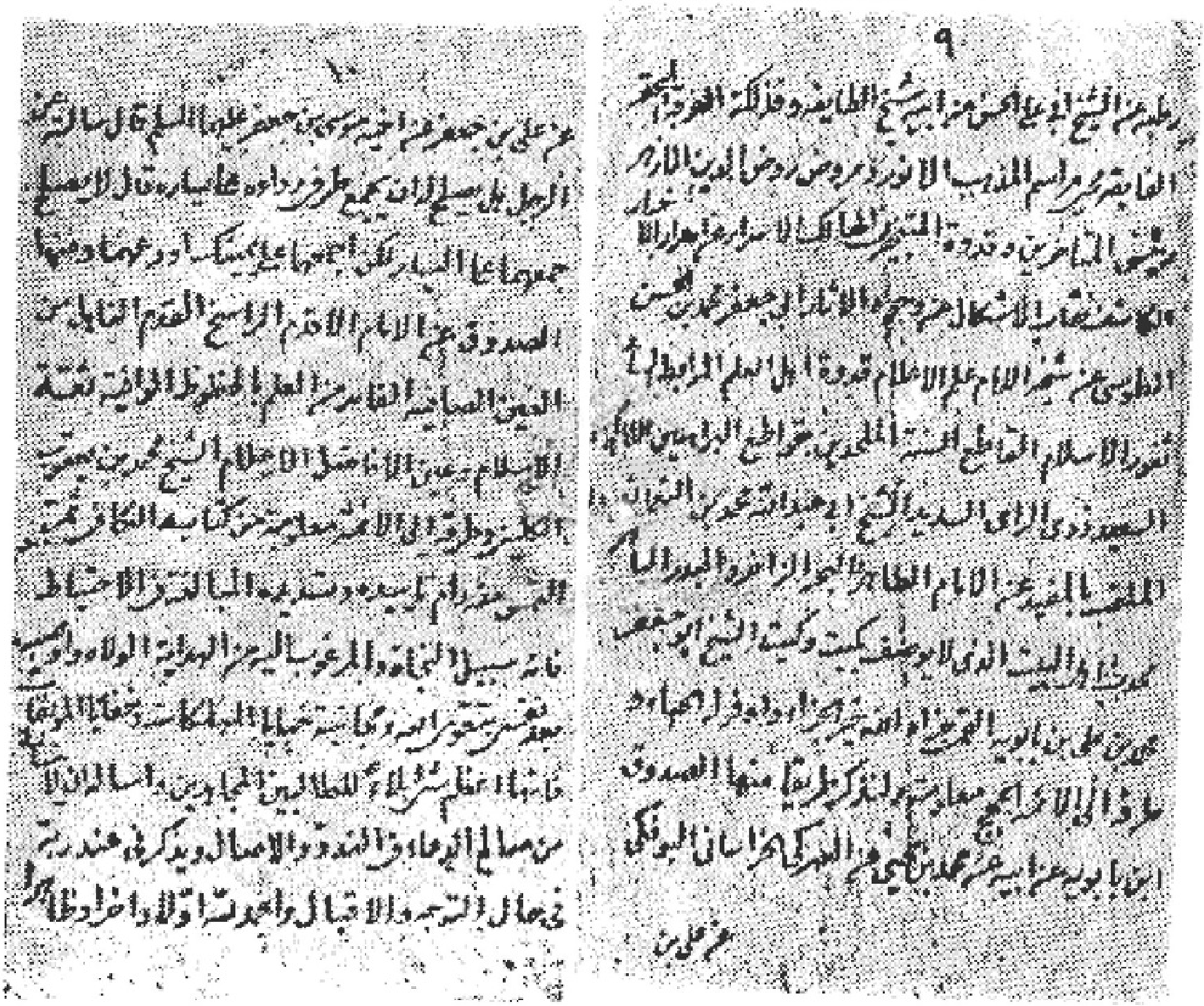
ص: ٨

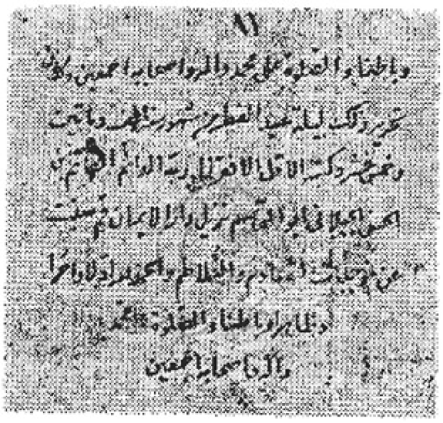
تصوير



ص: ٩

تصوير





١١

وباطنا والصلوة على محمد وآله وأصحابه أجمعين وكان

تحرير ذلك ليلة عيد الفطر من شهور سنة [illegible] وتمت

[illegible]

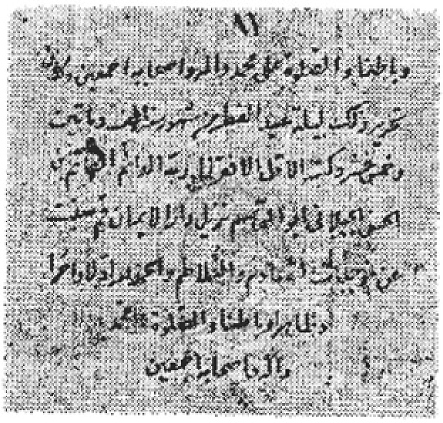
[illegible] الإيمان [illegible]

[illegible] الظلام [illegible]

[illegible] وباطنا والصلوة على محمد

وآله وأصحابه أجمعين

١٢



وباطنا والصلاة على محمد وآله واصحابه اجمعين

وباطنا والصلاة على محمد

وآله واصحابه اجمعين

١٢

ادامه بخش چهارم : (حجه الاسلام از مرگ فتحعلی شاه تا هنگام وفات)

فصل چهاردهم:(تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام)

حدیث

عن الصادق علیه السلام :

«تکلموا فی العلم تبین اقدار کم »

اصول کافی ص۸۷ باب النوادر)

عن علی علیه السلام :

«اکتبوا فانکم لاتحفظون حتی تکتبوا»

(اصول کافی ص ۹۰ باب روایه الکتب)

ص: ۱۳

عن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم :

« المؤمن اذامات و ترک ورقه واحده علیها علم تکون تلک الورقه یوم القیامه سترا بینه وبین النار ، و اعطاه الله تبارک وتعالی بکل حرف مکتوب علیها مدینه اوسع من الدنیا سبع مرات»

شیخ صدوق در امالی روایت می کند از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که فرمودند : وقتی که مؤمنی بمیرد و از او یک برگ کاغذ باقیماند که در آن ورقه علمی و دانشی باشد این ورقه در روز رستاخیز پرده ای ما بین او و آتش جهنم می شود و خداوند تبارک و تعالی در برابر هر حرفی که در این ورقه نوشته شده است شهری در بهشت بوی عطا کند که هفت برابر شهرهای دنیا باشد .

مقدمه :

طریقه مرحوم سید حجه الاسلام شفتی ، علماء بزرگوار شیعه بدو دسته تقسیم می شوند :

ص: ۱۵

۱– اخباریها و۲– اصولیها یا مجتهدین

بحث در باره هر یک از این دو دسته از موضوع کتاب ما خارج است در این جا فقط مقصود ذکر طریقه مرحوم حجه الاسلام می باشد.

در مقدمه مناهج العرفان (ص ۲۹۴) بنقل از علامه آقا سید محمد صادق موسوی فرزند علامه فقیه زاهد آقا میرزا زین العابدین خونساری در رساله : ذکر مشایخ می نویسد:

سید حجه الاسلام به بسیاری از قواعد اصولیین که در بین متأخرین متداول است اعتقاد نداشت بلکه اعتماد او بیشتر به اخبار بود در صورتیکه وی از اعاظم مجتهدین بود که قائل به حجیت ظن خاصه می باشند و در بسیاری از قواعد و احکام تصرفات زیادی داشت (انتهی).

توجه مرحوم سید حجه الاسلام بیشتر به مباحث رجالی و فقه بوده و در فقه نیز عمده نظر ایشان بعبادات و بالاخص نماز می باشد که پایه و اساس ورکن اسلام و ایمانست.

تالیفات :

مرحوم حاج سید محمدباقر حجه الاسلام شفتی بید آبادی از زمره دانشمندانی است که تمام عمر شریف خود را از کودکی تا هنگام وفات به تحصیل علوم و تدریس طلاب و تألیف و تصنیف و نشر احکام و امر بمعروف و نهی از منکر و اقامه حدود و رسیدگی با مور مردم و عبادت حضرت خالق متعال و خد مت مخلوق گذرانیده و دقیقه ای۳ از دقایق عمر پر برکت خود را مهمل نگذارده است .

یکی از آثار باقیه مشارالیه تألیفات کثیره و نافعه او در ابواب فقه و رجال و اصول و ادبیات می باشد .

ص: ۱۶

هر یک از نویسندگان کتب تراجم رجال بنام برخی از این مؤلفات اشاره نموده اند و اینک بخواست خداوند متعال نام تمام تألیفات آن مرحوم برحسب حروف تهجی با ذکر مآخذ در این مجموعه یاد آوری می شود (تا آنجا که مقدور است).

اولین تألیف مرحوم حجه الاسلام کتاب : الحلیه اللامعه است که در رجب ۱۲۰۴ در بغداد تألیف شده و آخرین اثر ایشان اجازه ای است که جهت آخوند ملا محمد در ربیع الاول سال ۱۲۶۰ (تقریبا یک ماه قبل از فوت) مرقوم فرموده : است .

۱- آداب صلوه اللیل وفضائلها (رساله در نماز شب و فضیلیت آن)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۲ یکم) و مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) نام این کتاب را در فهرست مؤلفات سید حجه الاسلام مستقلا ذکر نموده اند و ظاهرا همانست که در کتاب سؤال و جواب در کتاب الصلوه یاد شده است . در جواب از کیفیت نماز شب مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید :

جواب: صلوه لیل بانضمام دو رکعت شفع و مفرده و تریازده رکعت است.

سپس بشرح چگونگی هر یک از رکعات نمازها پرداخته و طرز خواندن آنرا بصورتهای مختلفه بیان نموده است .

مرحوم سید حجه الاسلام برای خواندن نماز شب :

۱- برای دو رکعت اول شش صورت بیان می کند که ساده تر از همه فقط خواندن سوره حمد است ،

۲- چهار رکعت آنرا نماز جناب جعفر طیار رضی الله عنه را بخواند

کیفیت نماز شب

و کیفیت آن در کتب ادعیه ذکر شده است سپس مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید:

دعای سجده آخر مستحب است نه اینکه شرط در این نماز باشد و نخواندن آن و زیانی ندارد و خواندن آن نماز را اکمل وافضل می نماید هر که این چهار رکعت را بخواند هم ثواب نماز شب را درک نموده و هم ثواب نماز جعفر را و بهتر آنست که شبهای جمعه اینگونه عمل کند.

۳- برای شش رکعت (غیر از دو رکعت اول) چندین صورت بیان

می کند .

۴ - وهر گاه هر هشت رکعت را به حمد و توحید بخواند و قنوت رابذکر دعا و مناجاتها و تضرع و گریه و زاری با حضرت رب العزه طول دهد انسب خواهد بود .

واما دو رکعت شفع را به سه نوع بیان فرموده که مختصر تر آنها حمد و توحید است.

واما مفرده وتر (به فتح و کسر واو) پس از قرائت سوره حمد سه مرتبه سوره توحید و فلق و الناس .

تذکر: مستحب است در هر رکعت دوم از نماز شب حتی در رکعت دوم نماز شفع بعد از فراغت از تلاوت حمد و سوره قنوت بخواند و قول بسقوط قنوت

در شفع ضعیف است .

تذکرات لازم : ۱- بزرگان علماء و محدثین میفرمایند :

جائز است برای کسی که عجله داشته باشد (یا عذری دیگر از تنگی وقت و غیره) تسبیحات نماز جعفر را بعد از نماز بگوید و همچنین جایز است اگر

کاری ضروری داشته باشد دورکعت آنرا بجای آورد بدنبال کار خود برود و بعدا دو رکعت دیگر آنرا بجای آورد و از نظر کثرت ثواب بعد از نوافل شبانه روزی هیچ یک از نمازها مثل نماز جناب جعفر نمی رسد (ص ۵۰۰ هدیه الزائرین) .

ص: ۱۸

تذکر ۲ - نمازهای مستحبی را در حال اختیار میتوان نشسته بجای آورد و باید بجای هر رکعت نماز ایستاده دو رکعت نماز نشسته بخواند بنابر این هشت رکعت نماز شب را باید هشت نماز دو رکعتی نشسته خواند و دو رکعت نماز شفیع را نیز در نماز نشسته که جمع ده نماز (بیست رکعت نشسته) باید بجای آورد و برای مفرده وتر نیز در نمازهریک یک رکعت (دو نمازیک رکعتی نشسته) باید بجای آورد.

اللهم وفقنا بقیام اللیل والتهجه و اجعلنا من المستغفرین بالاسحار بحق محمد و آله الأطهار آمین آمین

۲ - الاجازات

مجموعه سیزده اجازه است از اجازاتیکه مرحوم سیدحجه الاسلام جهت شاگردان خود مرقوم فرموده برخی متوسط و عده ای از آنها مفصل می باشد و جمعاً قریب پانزده هزار بیت است و آنها را یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است جمع آوری نموده است نسخه آنرا علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری (ص ۱۲۴ یکم الذریعه) در نجف اشرف دیده است.

(فائده) : لفظ اجازات جمع مؤنث سالم اجازه است و اجازه در اصطلاح اذنی است که عالمی به دانشمندی دیگر جهت نقل و روایت احادیث و اخبار و مطالب کتابی میدهد .

معمولاـ وقتی دانشجوئی کتابی را نزد دانشمندی قراءت کرد و از دقایق و نکات علمی و ادبی و سایر جهات آن آگهی یافت استاد در پشت کتاب و یا در ورقه ای گواهی می کند که این شخص در نزد من کتابرا خوانده و از دقایق و مطالب آن آگهی یافته است .

ص: ۱۹

. ممکن است این دانشجو نوشته استاد را نزد دیگر علماء ارائه داده و آنان

باعتبار نوشته این استاد که آنرا مجیز می گویند بوی اجازه دهند و نیز امکان دارد که عالمی از روی قرائن و موازین علمی تشخیص کند که فاضلی قدرت فهم و درک کتابی را دارد و در این حالت نیز باو اجازه میدهد .

این اجازات ممکن است برای یک کتاب معین و یا عموم کتب باشد .

اجازاتی که معمولا اساتید بشاگردان و یا معتمدین خود میدهند بر سه گونه است :

۱- اجازه نقل احادیث از کتب.

۲- اجازه تصرف در امور حسبیه که از شئون مجتهدین است .

۳- گواهی اجتهاد یعنی استاد گواهی می کند که مجاز قدرت درک و استنباط احکام شرعیه را از قرآن و حدیث دارد و دیگر باید برای خود عمل کند و تقلید بر او حرامست .))

آنچه در باره اجازه گفته میشود مربوط به نوع اول یعنی نقل احادیث است که از نظر علمی و فنی قابل توجه و اهمیت می باشد .

بحث در فوائد اجازات و آثار مترتبه آن از موضوع این کتاب خارج است .

برخی از علماء بزرگوار این اجازات را در کتابی مستقل جمع آوری نموده اند و گاهی بنامی مخصوص خوانده شده و زمانی نیز بدون نام مخصوص است . علامه طهرانی در الذریعه (ص۱۲۴ یکم) بنام عده ای از این مجموعه ها اشاره نموده اند که از آنجمله است: مجموعه اجازات مرحوم سید حجه الاسلام.

(تذکر) :

از زمانیکه عده ای از کسانی که با کتابی سر و کار داشتند اما از رجال ورزایه و علم الحدیث بی خبر بودند و از هیچ یک از علماء اسلام نیز اجازه روایت حدیث نداشتند خود را فاضل و دانشمند و آگاه بهمه علوم تصور کردند و بدون

ص: ۲۰

آنکه کتاب حدیث را نزد عالمی محدث بخوانند و مشکلات آنرا بفهمند خود مستقیما به آن کتاب مراجعه نموده و احادیثی مطابق افکار و اندیشه های خود و گاهی اوقات با حذف صدر و ذیل یک حدیث قسمتی از آنرا بهر نحو که خواستند تعبیر کردند و یا بنا بخرده گیری و انتقاد گذاردند و عده ای بی خبر تر از خود را تحت تأثیر قرار دادند به اینان باید گفت :

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تست

عرض خود میبری وزحمت ما میداری

بعقیده نویسنده وظیفه علماء بزرگوار شناساندن اینگونه دغل بازان وریا کاران است که خود را بغلط در جزو محدثین و دانایان قلمداد می کنند . در زمان معاصر وقتی ما به دانشمندی بزرگوار و عالمی پرهیزکار که همچون مرحوم حاج شیخ عباس قمی رضوان الله علیه که علم و زهد و تقوای او در نزد موافق و مخالف مسلم است محدث می گوئیم دیگر اینان چه حقی دارند که در باره احادیث اظهار نظر کنند وقتی عالمی پرهیز کار متقی همچون علامه طباطبائی حکیم و فقیه و فیلسوف پس از شصت سال عمرو تحصیل و تدریس تفسیر می نویسد دیگر عمرو وزید چگونه بخود حق می دهند که درس نخوانده و معلم ندیده تفسیر بنویسند آیا اینان در خارج از کشور مثلا در فرانسه و انگلستان و امریکا در نزد اساتید یهودی و مسیحی حدیث اسلامی خواندند و تفسیر قرآن آموختند . حقا باید بحال جوانان این ممکت فکری کرد و آنان را از این خطای در اندیشه نجات داد و باید بآنان فهماند که علم دین را باید از روحانیون و علمای دین آموخت نه از خارج رفته های بظاهر مسلمان و در حقیقت بی دین .

ص: ۲۱

اجازات

در فهرست کتابخانه دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد (ص ۴۷۸ دوم) نسخه از مجموعه اجازاتی بشماره ترتیب (۱۳۳۳) و شماره عمومی (۲۰۴۰۴) معرفی شده و گوید :

گویا اجازاتی باشد از حجه الاسلام حاج سید محمد باقر بن محمد نقی موسوی شفتی .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی اشرف الموجودات محمد و آله الطاهرین ... و بعد فهذه صورت الاجازات التی کتبها ...

صوره الاجازه التی لم یکتب مثلها فی عصره... سیف الله الشاهر سمی خامس الائمه الملقب بالباقر علیهم آلاف التحیه .

این مجموعه را محمد ابراهیم بن محمد برابری آنرا با اصل گواهی نموده تاریخ این گواهی ۵ جمادی الثانی ۱۲۸۰ سجع مهر : الواثق نفسی بالله عبده محمد ابراهیم بن محمد وهمچنین محمد محسن حسینی صحت مطابقت آنرا گواهی نموده مهر : عبده محمد محسن بن محمد هاشم الحسینی .

نویسنده سطور پس از آگاهی از وجود چنین مجموعه ای نامه ای به مدیر کتابخانه و دانشکده الهیات و معارف اسلامی مشهد نوشته و تقاضا نمود که رو نوشت و فتوکپی آنرا جهت اطلاع و ثبت در این کتاب ارسال دارند مدیر محترم دانشکده از روی کمال محبت و انسانیت و معارفپروری تقاضای حقیر را انجام داده و فتوکپی آنرا تهیه و ارسال داشتند که اینک از ایشان تشکر و قدردانی نموده و توفیق انجام خدمات دینی و اجتماعی ایشانرا از خداوند خواهانم .

ص: ۲۲

پس از وصول فتوکپی های نـامبرده معلوم شـد که اجازات نامبرده مربوط به مرحوم حاج آقا محمـد کلباسـی فرزنـد حاجی کلباسی میباشـد و اولین آنها اجازه از سید حجه الاسلام می باشد که قبلا در ضمن شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام ذکر شده است .

اجوبه المسائل

علامه فقیه متتبع رجالی مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در کتاب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

این کتاب مشهور است در دو مجلد بزرگ و مشتمل است بر چندین رساله از آن جمله :

۱- رساله ای در اوقاف.

۲- رساله ای در حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

۳- رساله ای در باره زیارت عاشوراء

۴ - رساله ای درباره احکام شک و سهو ،

نویسنده گوید : این همان کتاب « سؤال و جواب » است که بعدا درباره آن شرح و توضیح خواهیم داد .

۳- احکام غساله (رساله در ...)

عالم جلیل آقا سـید محمـد صادق بن زین العابـدین موسوی خونساری (شـرح حالش در ضـمن شاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام ذکرشـد) رساله ای در ذکر اسامی اساتید و مشایخ خودنوشته و در آنجا نامی از مرحوم حجه الاسلام شفتی بوده و چندین

کتاب و رساله از تألیفات ایشانرا ذکر نموده که از آنجمله است : رساله در احکام غساله

ص ۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف

الاستقبال

در شرح مبحث قبله کتاب تحفه الابرار .

این کتاب همانگونه که بعدا متذکر خواهیم شد از تألیفات مفتی میر محمد عباس شوشتری است لکن مرحوم مدرس تبریزی در ریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) به پیروی از او آنرا تألیف مستقلی از خود سید حجه الاسلام نوشته اند و اشتباه است .

۴- انواع اراضی (رساله در ...)

در کتابخانه دانشمند بزرگوار حجه الاسلام آقای دکتر حاج سید احمد تویسرکانی نجل جلیل علامه زاهد مرحوم حاج میرزا محمدباقر بن علامه عالیمقدار مرحوم آقا میرزا عبدالغفار تویسرکانی اصفهانی مجموعه ای است شامل ۷رساله

که چهار رساله از آنها از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد یکی از این رسائل :

رساله در انواع اراضی (بقیه رسائل در جای خود ذکر می شود) .

این رساله در ۷۰ صفحه (۱۵ در ۲۱ سانتی متر) تاریخ کتابت و نام کاتب ذکر نشده است.

.آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم تحقیق الحال فی بیان هذا المرام یستدعی

نقل الکلام فی مطالب :

ص: ۲۴

الاول فی تقسیم الارض الی اقسامها المعروفه فنقول ذکروا انها اربعه اقسام: الاول الارض التی اسلم اهلها طوعا ورعیه .....

انجام : و کلی مؤنه یلحق الغلات الی وقت اخراج الزکوه علی رب المال دون المساکین وهذا القول ممکن عن الجامع واختاره جماعه من متاخری متأخرین

کصاحب المدارک و الکفایه وغیرهما .

۵ – بطلان وقف بر نفس (رساله در ...)

یا رساله در اوقاف

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد:

از مباحث این رساله آنکه وقف بر نفس بخصوص یا در ضمن دیگری را باطل دانسته و مخصوصا بسیاری از اوقاف قدیمی را محکوم ببطلان فرمود و دستور داد موقوفات بر ارث خاص یا عام آنها باز گردد و پس از وفات واقف با آنها معامله ملکیت شود .

از این رساله نسخه ای در کتابخانه دانشکده حقوق طهران موجود است (ص ۵۰۴ فهرست کتابخانه دانشکده حقوق) و همچنین نسخه ای ضمن مجموعه جناب آقای دکتر تویسرکانی بشرح زیر:

کتابت نسخه مزبور در ماه رمضان المبارک ۱۲۳۳ خاتمه یافته لکن نام کاتب ذکر نشده است . رساله دارای ۱۰۹ صفحه وهر صفحه ۲۱ سطر می باشد اصل رساله بعربی است لکن قسمتهای زیادی از آن بفارسی می باشد .

مرحوم حجه الاسلام در صفحه ۲۴ رساله میفرماید :

ولذا لما استفتی منی بعض اهل الایمان افتینه بذلک بعد التأمل فی المسأله و اطرافها بعد ما اجبته فی اول الامر من غیر تدقیق النظر فیها لعدم تحقق القیض

ص: ۲۵

والاقباض ثم تأملت المسأله و مستند القبض والاقباض تبين لی ان الحق خلاف ذلک کتبت فی مقام الجواب بالصحه و اللزوم فما انا اذکر مراد المستفتی: ثم ما کتبته فی جوابه لتبین حقیقه الحال .

پس از این عبارات عربی چنین می نویسد :

الاستفتاء : شخصی راغب در خیرات قرار داد مدرسه ای در بعضی بلاد ساخته باشد که طلبه در آنجا ساکن و تحصیل علوم دینیه نموده باشند املاک چندی داشت در آن بلد و نواحی آن و آن املاک را به اجاره داده بود و قرار آن شخص مالک چنین بود که کل آن املاک را وقف نموده که منافع حاصله از آن صرف بناء آن مدرسه و تعمیر آن و فرش حجرات آن وروغن چراغ حجرات و سایر محتاج الیه آن شده باشد و قرار بنای مدرسه را گذاشت و آن شخص مستأجر املاک را مقرر داشت که وجه اجاره آن املاک را مصرف در اخراجات بنای مدرسه مذکور نموده باشد و آن شخص مستأجر نیز اقدام بر آن مطلب نمود بااین معنی که بنا وعمله که مشغول بنائی بودند این شخص مستأجر از وجه اجاره آن املاک نظر به قرار داد مالک اجرت بناء وعمله را میداد و همچنین مصروف سایر مایحتاج ضروریه در بنای آن مدرسه مینمود و در آن حال صیغه وقف آن املاک را باین جهت مخصوصه جاری نمود قبل از انقضاء مدت اجاره آن شخص در ضمن عقد وقف تولیت وقف را ما دام حیاته بجهت نفس خود قرار داد و بعد از خود بدیگری وهکذا و بعد از آنکه چندی گذشت که هنوز مدرسه بنحویکه باید و شاید با تمام نرسیده بود آن شخص واقف فوت شد قبل انقضاء مدت اجاره . آیا املاک مذکوره محکوم به وقفیت است و عمل بمقتضای آن لازم است یا مال وارث است. نظر بعدم تحقیق اقباض وقبض . الجواب - الخ (نقل از خط آقای دکتر تویسرکانی).

نویسـنده گویـد : در ألسـنه وافواه بسـیاری از مردم اصـفهان از عوام و خواص معروفست که در اواخر زمـان صـفویه در اصـفهان وحوالی آن و روسـتاها زمینی که وقف نباشـد (شـش دانـگ آزاد و غیر وقف باشـد) موجود نبوده است و بعـد عـده ای از مردم این موقوفات را من غیر حق تصـرف نمـوده انـد و بملکیت خویش در آورده انـد. اکنون بـا توجه به نظریه مرحوم سـید حجه الاسـلام راجع به وقف بر نفس و اولاـد معلوم میشود که عـده ای از این موقوفات جزو این دسـته از اوقاف بوده که مرحوم حجه الاسـلام آنرا وقف نمیدانسـته و طبق فتوی و دسـتور ایشان به ملکیت و ارثین برگشته است . همچنانکه علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) نیز باین نکته اشاره میفرماید .

پرسش و پاسخ

پرسشـها و پاسـخهای فقهی و گاهی از اصول فقه و با اصول اعتقادات است که از مرحوم حاج سـید محمد باقر حجه الاسـلام شـفتی اصـفهانی نموده اند و ایشان بدان سؤالها جواب داده اند . برخی از این سؤال وجوابها فارسی و بعضی عربی وعده ای استدلالی و مفصل است که یکی از شاگردان ایشان که نامش ذکر نشده است آنها را بترتیب کتب فقهی تنظیم نموده است .

نسـخه این پرسشها و پاسخها به شماره (۲۵۴۲) در کتابخـانه آیت الله مرعشـی نجفی در قم موجود است (ص ۱۲۵ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) .

نویسنده گوید : احتمالا این کتاب همان سؤال وجواب مطبوع است که بعدا ذکر خواهیم نمود و ممکن است تألیف دیگری باشد باید مطابقت آندورا با یکدیگر سنجید .

ص: ۲۷

۶- تحفه الأبرار الملتقط (المستنبط) من آثار الائمه الاطهار علیهم السلام

رساله فارسی مبسوطی است که گاهی به ادله حکم نیز اشاره شده و مختص به نماز است .

کتاب مرتب شده است بریک مقدمه در مسائل تقلید واجتهاد و سه باب و هر بابی مشتمل بر چندین مبحث . باب اول مقدمات نماز باب دوم افعال نماز باب سوم خلل وشکوک نماز کتاب بفارسی است لکن از مسئله موجبات سجده سهو به بعد عربی میباشد .

علامه صاحب روضات الجنات در کتاب شریف خود پس از ذکر مطالع الانوار میفرماید (ص ۱۲۵): کتاب دیگری بهمین رویه (یعنی مانند مطالع الانوار) نوشته نام آن تحفه الابرار است این کتاب قریب بیست هزار بیت است و ابواب تعقیب را بانجام رسانیده و در آن فوائد مهمه و فروع نادره های متعرض گردیده و گرچه بعنوان رساله عملیه برای مقلدین تصنیف فرموده لکن باندازه ای مطالب عالیه در آن ایراد نموده که در هیچ یک از کتب و رسائل عملیه وجود ندارد (ص ۲۹۲ دوم ترجمه روضات الجنات بقلم عالم بزرگوار حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی).

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ، الحمد لله الذی توحد بالملک فلاندله فی ملکوت سلطانه و تفرد بالعز فلا ضدله فی جبروت کبریائه ...

از این کتابت نسخه های فراوانی در کتابخانه های عمومی و خصوصی یافت میشود . در پشت یکی از نسخه هائی که بنظر علامه طهرانی رسیده بوده است کاتب نوشته بوده : این سی و چهارمین نسخه از این کتا بست که نوشته ام .

تحفه الابرار جزو رساله های عملیه و مورد توجه عموم از علماء و دیگران بوده و بدین لحاظ عده ای از دانشمندان و علماء بزرگوار از شاگردان سید حجه الاسلام و دیگران آنرا مختصر نموده و منتخباتی از آن گرد آورده اند که ذیلا بنام عده ای از آنها و نام کتابشان اشاره می نمائیم :

۱- الاستقبال بشرح مبحث قبله از کتاب تحفه الأبرار مرحوم سید حجه الاسلام تألیف مفتی میر محمد عباس شوشتری (۱۲۲۴-۱۳۰۶) مؤلف قریب یکصد و سی کتاب و رساله (صفحه ۳۳ تکمله نجوم السماء) .

۲ - تلخیص تحفه الابرار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی حائری شاگرد مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

۳- تلخیص تحفه الأبرار تألیف حاج ملا محمد جعفر آباده ای اصفهانی شاگرد مرحوم حجه الاسلام .

۴- جواهر المسائل تألیف مولی محمد مهدی بن مولی محمد علی محلاتی شاگرد مرحوم حجه الإسلام .

۵- خلاصه و منتخب تحفه از خود مرحوم سید حجه الاسلام :

۶- سراج المتهجدین فقه فارسی طبق فتوای مرحوم سید حجه الاسلام و فرزندش مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی تألیف عالم فاضل مرحوم ملا نوروز علی بسطامی فرزند محمد باقر معروف به فاضل بسطامی مؤلف کتب عدیده که معروفترین آنها کتاب : فردوس التواریخ در تواریخ مربوط به مشهد مقدس رضوی می باشد و متوفی بسال ۱۳۰۹ بسن ۸۵ سالگی ومدفون در قبرستان معروف به قتلگاه پشت سر قبر مرحوم شیخ طبرسی رضوان الله علیه می باشد .

تذکر : قبرستان قتلگاه در حال حاضر بصورت چمن در آمده و فقط سکوئی که قبر مرحوم شیخ امین الدین طبرسی در روی آن قرار دارد از آن باقیمانده است و علت شهرت آن به قتلگاه جهت مدفون گردیدن کسانی است که در فتنه

ازبکها و بدست آنان شهید گردیده اند می باشد .

مرحوم فاضل بسطامی در این کتاب (سراج المتهجدین) بیشتر توجه به کتاب تحفه الابرار مرحوم سید حجه الاسلام داشته است پایان تالیف سه شنبه ۱۱ ذی القعده الحرام ۱۲۶۵ ه.ق

۷- فروعات فارسی ملخص از تحفه الابرار تألیف بعضی از شاگردان آن مرحوم . علامه طهرانی در الذریعه (صحفه ۱۸۴ شانزدهم) می نویسد که نسخه آن در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است .

۸- کاشف الاستار تألیف مولی محمد تقی هروی اصفهانی سابق الذکر

۹- منتخب تحفه الابرار در طهارت و صلوه باضافه احکام شک جداگانه و آنرا دانشمندی که نام آن در کتاب ذکر نشده است و در جمعه ۱۳ رمضان سال ۱۲۴۱ گردآوری و انتخاب آن پایان یافته است .

نسخه کتاب بشماره (۳۱۳) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (صحفه ۲۷۰ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

آغاز : الحمد لله وسلام علی عباده الذین اصطفی اما بعد چون عالیجناب شامخ الالقاب نتیجه الاطیاب العالم العامل .

انجام: بلکه تا حال کسی که تصریح به صحت نماز نموده باشد بر نخورده ایم.

در پایان پس از احکام شک فوائد فقهی است که بصورت پرسش و پاسخ از مرحوم شفتی یا از مؤلف .

۱۰ منتخبی از تحفه الأبرار از دانشمندی ناشناس ضمن مجموعه شماره (۱۳۷۷) در کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی در قم (صفحه ۲۵۰ دوم فهرست کتابخانه حضرت آیت الله گلپایگانی) .

۱۱ – الوجیزه تألیف مرحوم حاج محمد جعفر آباده ای اصفهانی (غیر از

تلخیص تحفه الابرار سابق الذکر) در این کتاب مرحوم آباده ای مسائل نماز را بطور فتوائی از تحفه الابرار استادش استخراج نموده است .

نسخه ای از آن بشماره (۲۵۹۷) مورخ بسال ۱۲۵۴ در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (صفحه ۱۸۳ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و همچنین کتاب بدون تاریخ چاپ بخط بابا معصوم بن حاج محسن بازواری چاپ سنگی شده است (صفحه ۴۲۶ دوم مؤلفین کتب چاپی تألیف مرحوم مشار).

۱۲ – وسیله النجاه در مسائل نماز استخراج شده از کتاب تحفه الابرار تألیف سید هاشم حسینی از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

۷– تحفه الابرار

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۰۳ سوم) و الکرام البرره (ص) می نویسد :

رساله فارسی فتوائی است جهت مقلدین و این کتاب را سید حجه الاسلام شخصا از کتاب مطالع الانوار خویش استخراج نموده است .

آغاز : نحمدك اللهم

نسخه آن را علامه طهرانی در کتابخانه مولی محمد علی خونساری در نجف اشرف دیده است .

۸ – ترجمه حال ابان بن عثمان (رساله در ...)

در جزو مجموعه رجالیه از صفحه یک تا صفحه ۸

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم . الحمـد لله الـذی لو حمـدته دوام خلود ربوبیته بکل شـعره فی کل طرفه عین یحمـد الخلایق وشـکرهم اجمعین لکنت جلالـه مقصـرا عن بلـوغ شـکر اخفی نعمه من نعمه علی و الصـلوه والسـلام علی اکمـل خلیقته واخلص بریته وسـید رسـله محمـد و آله و اصـحابه اجمعین، وبعد یقول العبد الملتجی الی باب سیده الغافر ابن الواصل الی رحمه ربه الساتر محمد نقی الموسوی محمد باقر وقاه الله تعالی من سوء الباطن والظاهر هذه مقاله ...

نویسـنده گوید : ابو عبد الله ابان بن عثمان البجلی الکوفی البصـری الأحمر از حضـرت صادق و حضـرت کاظم علیهما السلام روایت می کند و اقوال نویسـندگان کتب رجال در باره او مختلف است برخی او را از ناووسـیه دانسـته و در حدیثش قدح کنند و جمعی و یرا از اصحاب اجماع از طبقه دوم دانسته و توثیقش نمایند .

ویراکتابی است در مبعث و مغازی ووفاه وسقیفه ورده و غیره (ص ۱۰ رجال نجاشی) برای آگهی بیشتر از شرح حالش به کتب مربوط مراجعه فرمایند .

۹- ترجمه حال ابراهیم بن هاشم قمی

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۹ تا صفحه ۲۴ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ومنه الاعانه فیما یقتفر الیه فی الدنیا و الدین الحمد لله المتأبد مملکته بالخلود و الدوام و الممتع سـلطنته بغیر جنود ولاـ اعوان وعلی اکمـل انبیائه و افضل او صـیائه آلاف التحیه والسـلام و عترته الاطائب الاماجـد العظام الفخام و بعـد المسـئی المتمسک باذیال رحمه ربه العالی محمد باقر بن محمد نقی الموسوی حشرهما الله تعالی مع سادات الاعالی والادانی لما کتبت فی سالف الزمان رساله فی تحقیق الحال فی ابراهیم بن هاشم ....

نویسنده گوید : ابو اسحق ابراهیم بن هاشم کوفی قمی در محضر مبارك

حضـرت رضا وحضرت جواد علیهما السلام را نموده و حدیث او را علماء رجال حسن کالصحیح میدانند و از شیخ بهائی علیه الرحمه نقل شده که پدرش جناب شیخ حسین بن شیخ عبد الصمد عاملی فرموده است که من حیا می کنم حدیث ابراهیم بن هاشم را صحیح بشمرم .

وی اول کسـی است که حدیث کوفیان را در قم نشر داد و از کتاب رواشح نقل شده است که این فضیلت جامعترین فضائل است برای صاحب عنوان .

محدث قمی علیه الرحمه در هدیه الزائرین (ص ۲۲۲) در ضمن اعمال مسجد سهله از قول جناب علی بن ابراهیم قمی از قول پدرش ابراهیم بن هاشم می گویـد: در سالی بقصـد تشـرف بمکه وارد کوفه شدم و جهت انجام اعمال مسـجد سـهله بدانجا رفتم (با جمعی از اصـحاب) در آن مکان شـخص بزرگواری را دیدم که مشغول نماز و دعا و مناجات بود با او مشغول شدیم تا آخر مطالب و ادعیه ای که نقل می کند سپس می گوید : احتمال میرود که آن شـخص بزرگوار جلیل القدر حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بوده است و در تحفه الاحباب (ص ۹) می نویسد: ممکن هم هست که حضرت خضر علی نبینا و آله و علیه السلام بوده باشد .

محدث قمی از رجال بحر العلوم نقل می کند که وی ثقه صحیح الحدیث است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتاب قضایا امیر المؤمنین علیه السلام

۲ - النوادر (ص ۱۲ رجال نجاشی ص ۸۰ یکم مجمع الرجال) .

۱۰- ترجمه حال ابی بصیر

« ارشاد البصیر الخبیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر» در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۲۴ تا صفحه ۳۹ بچاپ رسیده است .

ص: ۳۳

آغاز : بسم الله الرحمن الرحيم بعـد الحمد المنعم المفضال العلام و الصـلوه علی مفخر الرسل اکمل الانام و آله سادات البریه فی البدایه والختام یقول الملتجی الی رحمه ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر هذه رساله الارشاد البصیر الخبیر الی تحقیق الحال فی ابی بصیر فاعلم ...

انجام : وله الحمد فی کل آن وحال وصلواته علی اکمل خلیقته و اشرف البریه وعترته الاماجد الاطایب الاطهار ما غسق اللیل و اشرق النهار ومنه استعین.

نویسنده گوید : همانگونه که سید حجه الاسلام میفرماید ابا بصیر مشترک است بین :

۱- ابو محمد یا ابو بصـیر اصـغر لیث بن البختری المرادی که از حضرت باقر وحضرت صادق علیهما السلام روایت می کند و ثقه و از اصحاب اجماع می باشد.

علامه در خلاصه میفرماید : کل اوله اللام ثقه و سلیم الا لیث بن ابی سلیم.

۲- ابوبصیر و گفته شده است ابو محمد یحیی بن قاسم (یحیی بن ابی القاسم اسحق) اسدی که او نیز مخلط و ضعیف نوشته اند لکن نجاشی (ص ۳۰۸) گوید وی ثقه ووجیه است و مرحوم سـید حجه الاسـلام در این رساله از وجیزه علامه مجلسی نقل می کند (ص ۳۹ رساله) که وی علی الاظهر ثقه است .

ویرا کتابی است در : عمل یوم ولیله و همچنین کتابی در مناسک حج فوت ابی بصیر را در سال ۱۵۰ نوشته اند .

چهار نفر دیگر از اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام کنیه هایشان ابو بصیر است (ص ۲۲ پنجم ریحانه الادب) بدین شرح:

۱- حماد بن عبد الله قدری غیر مشهور

۲- حماد بن عبید الله بن اسید هروی غیر مشهور

۳- عبد الله بن محمد الاسدی ثقه ثقه ثبت له کتاب

۴ - یوسف بن الحرث (حارث)

۱۱ – ترجمه حال احمد بن محمد برقی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۳۹ تا ۴۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمـد لله الذی فضل مداد العلماء علی دماء الشـهداء وختم النبوه باحمد المحمود فی السـموات العلی علیه وعلی آله اکمل التحیه والصلوه والثناء بعد یقول المستولی بانواع نعم ربه العلی العالی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه رساله فی تحقیق الحال فی احمد بن محمد بن خالد البرقی ...

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی کوفی

جدش محمد بن علی پس از شـهادت جناب زید بن علی بن الحسـین علیهما السلام بدست یوسف بن عمرو ثقفی والی عراق از طرف بنی امیه گرفتار گردیده وبشـهادت رسـید و فرزندش عبدالرحمن وخالد از ترس گرفتاری از عراق فرار کرده در برق رود از توابع قم ساکن گردیدند و بدین جهت به برقی شهرت یافتند

وی شـخصا ثقه و مورد اعتماد است لکن از ضـعفاء ومراسـیل روایت می کند و بدین جهت محدثین بزرگوار و یرا مورد طعن و ایراد قرار داده انـد تا جائیکه ابو جعفر احمـد بن محمـد بن عیسـی اشـعری قمی رئیس المحـدثین قم ویرا بهمین علت از شـهر قم اخراج می نمایـد و بعدا ویرا عودت داده و از او پوزش می طلبد فوت برقی را در سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ نوشته اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عیسی با سر و پای برهنه در تشییع او شر کت نمود قبرش در قم بوده و فعلا آثاری از آن باقی نیست کتب زیادی قریب هشتادمجلد تألیف نموده که معروفترین

آنها : ۱- کتاب خصایص ۲- کتاب محاسن می باشد(ص ۵۵ رجال نجاشی)

۱۲ – ترجمه حال احمد بن محمد بن عیسی قمی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۴۳ تا ۴۵ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعـد الحمد المنعم المفضال و الصـلوه علی سـید البریه وعترته اشـرف الال یقول المفتاق الی رحمه ربه الغنی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه مقاله فی تحقیق الحال فی احمد بن محمد بن عیسی..

نویسنده گوید : ابو جعفر احمد بن محمد بن عیسی بن عبد الله بن سعد بن مالك بن الاحوص بن السایب بن مالك بن عامر اشعری قمی.

خانـدان اشـعری قمی از خاندانهای معظم و معروف و مفاخر شـیعه بوده و از روزانه اول بدوستی اهل بیت رسولخدا صـلی الله علیه و آله وسـلم شهرت داشـته انـد اول کسـی که از این خانـدان بقم مهـاجرت نمود سـعد بن مالك در بین اشـعریین قم دمها محـدث و فقیه وجود دارد که از آنجمله است صاحب عنوان .

وی شـیخ قمیها ورئیس محدثین و فقیه بوده و خدمت حضـرت رضا و حضـرت جواد و حضـرت هادی علیهم السـلام تشرف حاصل نموده و از آنان نقل حدیث می کند

ویرا تألیفاتی است : بدین قرار : ۱- الاظله ۲ – التوحید ۳ – الحج ۴ – فضایل العرب – فضل النبی صلی الله علیه و آله وسلم ۶ المتعه ۷- المسوخ ۸ – الناسخ والمنسوخ ۹ – النوادر .

۱۳ – ترجمه حال اسحاق بن عمار ساباطی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۴۵ تا صفحه ۸۰ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم . الحمد لله المنقذ عباده من الجهاله ووفق لاصابه

الحق من طلب بالجدوالطاعه وصلواته علی اکمل من ختمت به الرساله و آله اصحاب العصمه و الطهاره سیما بن عمه الخلیق من طینته الملتجی لاو لیائه من الضلاله و بعد یقول المعتصم بادیال رحمه ربه الباقی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی حشرهما الله مع اجدادهما یوم یؤخذ بالنواصی هذه رساله فی ....

انجام : و الحمد لله رب العالمین والصلوه علی خیر خلقه و آله الطاهرین .

نویسنده گوید : نجاشی (ص ۵۱) می نویسد :

ابو یعقوب اسحق بن عمار بن حیان صیرفی شیخ من اصحابنا ثقه و برادرانش یونس و یوسف و قیس و اسماعیل و برادرزادگانش علی بن اسماعیل و بشیر بن اسماعیل همگان از وجوه اصحاب وثقه و از خاندانی بزرگ از شیعه می باشند و صاحب عنوان را کتابی است بنام النوادر .

نقل شده است که هر گاه حضرت صادق علیه السلام اسحق و اسماعیل پسران عمار را می دیدند میفرمودند:

قد یجمعهما الاقوام یعنی خداوند تبارک وتعالی گاهی دنیا و آخرت را برای بعضی جمع میفرماید .

شیخ بهائی و عده ای دیگر از محدثین (ص ۱۹ تحفه الاحباب) می گویند دو نفر اسحق بن عمار در سلسله رواه می باشند که هر دو ثقه یکی اسحق بن عمار بن حیان ساباطی امامی المذهب و

دیگری اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب لکن مرحوم سید بحرالعلوم میفرماید : اسحق بن عماریک نفر بیش نیست و انهم امامی المذهب وثقه .

مرحوم سید حجه الاسلام میفرماید: اسحق بن عمار بن موسی فطحی المذهب نامش در سند اخبار ماذکر نشده و هر چه نقل شده است از اسحق بن عمار بن حیان امامی ثقه است و اما آنچه محقق در کتاب خود نسبت داده بواقفی

بودن اسحق آنهم بدون اصل است و قبل از جناب محقق کسی چنین نسبتی به اسحق بن عمار نداده است و در امامی و ثقه بودن صاحب عنوان خلافی نیست (ص ۷۲ رجال سید).

۱۴ – ترجمه حال حسین بن خالد

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۸۰ تا ۹۷ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم ومنه الاعانه للفوز بجنات النعیم وبه الاستعاذه الحذر من الشیطان الرجیم والیه الالتجاء للخلاص من عذاب الحمیم و بعد یقول المتغمر فی بوادی الغی و الضلال والمنهمک فی فیافی الجهاله و الوبال ابن المستغرق فی بحار معرفه رب الغافر محمد نقی الموسوی محمد باقر و قاهما الله تعالی من سوء الباطن والظاهر هذه رساله فی تحقیق الحال فی حسین بن خالد ...

در این رساله سید حجه الاسلام بحث می کند که آیا حسین بن خالد یک نفر است یا چندین نفر و دیگر اینکه حسین بن خالد از حضرت صادق وحضرت کاظم و حضرت رضا علیهم السلام روایت می کند و اینکه حسین بن خالد صیرفی وحسین بن خالد بن طهمان همان حسین بن ابی العلاء می باشد و اینان دو نفر یا یک نفر می باشند حاصل کلام اینکه حسین بن خالد بن طهمان غیر از حسین بن ابی العلاء می باشد .

سید حجه الاسلام از اکمال الدین صدوق از حسین بن خالد صاحب عنوان روایت می کند که :

حضرت رضا علیه السلام فرمودند : لادین لمن لاورع له و لا ایمان لمن لا تقیه له وان اکرمکم عند الله عزوجل اعملکم بالتقیه قیل له یابن رسول الله الی متی قال الی یوم الوقت المعلوم وهو یوم خروج قائمنا اهل البیت فمن ترک التقیه قبل خروج قائمنا فلیس منا ... (ص ۸۷ رسائل رجالیه)

ص: ۳۸

۱۵ – ترجمه حال حماد بن عیسی الجهنی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۹۷ تا صفحه ۱۰۵بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین حمدا کثیرا فوق حمد الحامدین و الصلوه والسلام علی اکمل الخلایق اجمعین و شافع العصاه یوم الدین و آله الطیبین الطاهرین و بعد یقول العبد الخاسر العاثر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر هذه مقاله ابر زناها فی هذه الصفحات لتحقیق الحال فی حماد بن عیسی الجهنی ..

نویسنده گوید : ابو محمد حماد بن عیسی جهنی کوفی ساکن بصره زمان چهار امام از ائمه معصومین یعنی حضرت صادق و حضرت کاظم و حضرت رضا وحضرت جواد علیهم السلام را درک نموده و در نقل حدیث بسیار محتاط بوده چنانکه گوید : هفتاد حدیث از حضرت صادق علیه السلام حفظ کردم و اکنون در بیست تای آنها شک و تردید ندارم و آنها را نقل می کنم و از حضرت رضا وحضرت جواد علیهما السلام حدیثی نقل ننموده و در زمان آنحضرت وفات یافته و ثقه و صدوق است .

از حماد نقل شده است که خدمت حضرت کاظم علیه السلام عرض کردم دعا فرمائید که خداوند به من خانه ای و عیالی و فرزندی و خادمی وحج در تمام سالها نصیب فرماید حضرت دعا فرمودند که خداوندا به او خانه ای و عیالی و فرزندی وخادمی و پنجاه حج نصیب گردان چون حضرت این دعا فرمود دانستم که عمر من بیشتر از پنجاه حج نباشد در سفر پنجاه و یکم در وادی قناه در موقع احرام حج ناگهان سیل آمد و او غرق شده وفات یافت و این در سال ۲۰۸ یا ۲۰۹ بود وسنش نود و چند سال بود کتابهای زیر از تألیفات اوست : ۱- کتاب الزکوه ۲- کتاب الصلوه ۳ - کتاب النوادر (ص ۱۰۳ رجال نجاشی ص ۲۳۰ دوم

مجمع الرجال) .

:

۱۶ – ترجمه حال سهل بن زیاد الادمی الرازی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۰۵ تا صفحه ۱۱۱ بچاپ رسیده است.

آغاز: بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله المنفرد بالقدم و الکمال المتقدس بقدس جماله عن مضاهیه الاشیاء والامثال المتنزه بسطوه جلاله من معانده الاضداد والابطال و الصلوه والسلام علی من اصطفاء الله تعالی نجاه من الضلال و آله و عترته الهداه الماینجی من شدائد الاصفاد و الانکال سیما ابن عمه الخلیق من طینته المنجی اولیائه من السلاسل والاغل و بعد یقول المنغمر فی بوادی الغی و الضلال المفتقر الی رحمه ربه الغنی المتعال ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشرهما الله تعالی مع اجدادهما اعضاء العبید و الاحرار هذه مقاله فی تحقیق الحال فی سهل بن زیاد الادمی ...

نویسنده گوید : ابو علی سهل بن زیاد رازی از حضرت جواد و حضرت هادی و حضرت عسکری علیهم السلام نقل حدیث می کند برخی ویرا ثقه و عده ای او را ضعیف و غیر معتمد دانسته و نسبت غلو به او داده اند و گویند که جناب احمد بن محمد بن عیسی اشعری ویرا از قم اخراج نمود مشارالیه درری سکونت نمود و بدین جهت به رازی شهرت یافت در ۱۵ ربیع الثانی سال ۲۵۵ توسط محمد بن عبد الحمید عطار باحضرت عسکری علیه السلام مکاتبه ای نمود کتب زیر از اوست : ۱- کتاب التوحید ۲- کتاب النوادر (ص ۱۳۲ رجال نجاشی ص ۱۷۹ سوم مجمع الرجال)

محدث قمی در تحفه الاحباب (ص ۱۴۱) میفرماید : مجلسی اول در شرح فقیه در باب صلوه برمیت توثیق او را فرموده و روایت را از جهت او صحیح شمرده و از او بسی تجلیل فرموده .

ص: ۴۰

۱۷– ترجمه حال شهاب بن عبد ربه

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۸ تا ۹ و صفحه ۱۱۱ تا ۱۱۲ (دوبار) بچاپ رسیده است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم

اختلاف العلماء فی شأنه فقیل ان حدیثه معدود فی الحسان

نویسنده گوید : شهاب بن عبد ربه بن ابی میمونه بن یسار اسدی صیرفی کوفی خود و سه برادرش عبد الخالق وعبد الرحمن ووهب از بزرگان محدثین وثقات رواه بوده و صاحب عنوان از حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام روایت می کند و زمان حضرت کاظم علیه السلام را نیز درک نموده لکن روایتی از آنحضرت نقل ننموده است .

داود می گوید در خدمت امام ششم علیه السلام بودم که نامی از شهاب برده شد حضرت فرمودند: والله الذی لا اله الا هو لاقتلنه والله الذی لا اله الا هولاضربنه . نقل است که محمد بن عبد الله بن حسن مثنی ویرا هفتاد تازیانه زد .

نجاشی (ص ۱۳۹) و دیگران گویند و یرا کتابی است .

نجاشی (ص ۲۰) در ضمن بیان شرح حال اسماعیل بن عبد الخالق بن عبد ربه گوید :

او از خاندان شیعه و عموهایش شهاب وعبد الرحیم ووهب و پدرش همگان ثقه می باشند .

۱۸ – ترجمه حال عبد الحمید بن سالم العطار

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۱۲ تا صفحه ۱۱۳ بچاپ رسیده است.

ص: ۴۱

آغاز : فی حال عبد الحمید بن سالم العطارو حال ابنه محمد بن عبد الحمید فنقول اما عبد الحمید فالظاهر انه ثقه .

نویسنده گوید : عبد الحمید بن سالم عطار کوفی از رواه حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام و ثقه و مؤلف کتاب: النوادر است (ص ۲۳۹ رجال نجاشی).

و فرزندش ابو جعفر محمد بن عبدالحمید بن سالم بن عبدالرحمن وکیل حضرت هادی علیه السلام و جلیل القدر وثقه می باشد و به حمیدی معروف بوده و یراکتابی است (ص ۶۸ چهارم) و سالم نیز از ثقاه اصحاب ائمه اطهار علیهم السلام است .

صفحه ۲۵۱ پنجم مجمع الرجال

۱۹ – ترجمه حال عمر بن یزید

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۱۲۴ تا صفحه ۱۲۶ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعد الحمد الملک الفیاض العلام و الصلوه علی سید الرسل و اشرف الانام و آله الاماجد الافاخم العظام یقول العبد الظالم علی نفسه المعترف بالتقصیر فی خدمه سیده محمد باقر بن محمد نقی الموسوی عاملهما الله بلطفه الخفی هذه کلمات وافیه وعبارات شافیه فی تحقیق حال عمر بن یزید ...

سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید در تحت نام عمر بن یزید پنج عنوان است:

۱- عمر بن یزید بیاع سابری

۲- عمر بن محمد بن یزید

۳- عمر بن یزید ثقفی

و این سه عنوان از یک نفر می باشد و عمر بن محمد بن یزید همانست که امام صادق علیه السلام درباره او فرمودند : انت و الله منا اهل البیت .

۴- عمر بن یزید بن زمیان الصیقل

۵- عمر بن یزید الصیقل ایندو عنوان نیز از یک نفر می باشد .

نویسنده گوید : ابو الاسود عمر بن محمد بن یزید بیاع السابری ثقه و از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و حضرت کاظم علیه السلام بوده و کتابی در مناسک حج ومستحبات آن دارد (ص ۲۶۵ چهارم مجمع الرجال و ص ۲۵۷ تحفه الاحباب)

و ابوموسی عمر بن یزید بن الصیقل از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند وثقه و جلیل القدر وواسطه بین مردم و امام علیه السلام بوده و یرا کتابی است (ص ۲۰۴ رجال نجاشی و ص ۲۶۸ چهارم مجمع الرجال) .

۲۰- ترجمه حال محمد بن احمد

راوی از عمر کی بن علی بن محمد البوفکی در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم سید حجه الاسلام از صفحه ۱۳۱ تا ۱۳۴ بچاپ رسیده است.

آغاز : بسمله یقول المفتقر الی ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر عفی عن جرائمهما یوم تبلی السرائر قد تکرر و کثر فی الاسانید روایه محمد بن احمد عن العمرکی ...

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید مراد محدثین از محمد بن احمد راوی از عمر کی همانا محمد بن احمد یحیی بن عمران الاشعری است .

نویسنده گوید : در رجال نجاشی (ص ۲۴۵) می نویسد :

ابو جعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران بن عبد الله بن سعد بن مالک

الاشعری القمی کان ثقه فی الحدیث جز اینکه بزرگان محدثین درباره او می گویند وی از ضعفاء نقل حدیث می کند و به احادیث مرسل اعتماد می نماید و توجه نمی کند که از چه کسی نقل روایت می نماید لکن در خود او ایرادی نیست و یرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتاب الامامه ۲- کتاب الانبیاء۳-کتاب الایمان ۴ - کتاب الاوقات ۵ - کتاب التوحید - کتاب الحج ۷ - کتاب الحدود والدیات ۸- کتاب الزکوه ۹ - کتاب السکنی ۱۰ - کتاب الصلاه ۱۱- کتاب الصوم ۱۲ -کتاب الطلاق ۱۳ - کتاب الطب ۱۴ - کتاب العتق ۱۵- کتاب فضل العرب ۱۶ - کتاب الفضل العجمیه و العربیه ۱۷ - کتاب الفرائض ۱۸ - کتاب القضایا والاحکام ۱۹ - کتاب مقتل الحسین علیه السلام ۲۰ - کتاب المزار ۲۱ -کتاب الملاحم ۲۲ - کتاب مناقب الرجال ۲۳ - کتاب النحل و الهبه ۲۴ - کتاب النذور والایمان والکفارات ۲۵ - کتاب النکاح ۲۶ - کتاب الوصایا و الصدقه ۲۷ -کتاب الوضوء و مخفی نماند که مجموعه این کتابها رانو ادر الحکمه نامیده است (ص ۱۴۳ پنجم مجمع الرجال)

واما ابو محمد عمر کی بن علی بن محمد بوفکی نیشابوری از اصحاب حضرت عسکری علیه السلام است نجاشی درباره او گوید : شیخ من اصحابنا ثقه (ص ۲۱۵ نجاشی) کتابهای : ۱- ملاحم ۲- نوادر از اوست. بوفک از قرای نیشابور است .

۲۱ – ترجمه حال محمد بن اسماعیل (رساله در...)

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۳۳ تا ۱۴۰ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی انشأ السموات والارضین وجعلها وما فیها مسالک لاهتداء المهتدین وصلی الله علی سید الاولین والاخرین و آله و اصحابه

ص: ۴۴

مصابیح مشکوه الدین و بعد یقول العبد الملتجی الی باب سیده الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر وفاه الله من سوء الباطن و الظاهر ...

انجام : والحمد لله العزیز الغفار وصلواته علی سیدنا محمد المختار و آله وعترته الاماجد الاطهار مرحوم سید حجه الاسلام در حاشیه این رساله میفرماید :

به گمانم تألیف این رساله در سال ۱۲۰۶ بوده و در سحر شب جمعه ۱۰ محرم ۱۲۳۳ بر آن حواشی مرقوم فرموده است.

سید حجه الاسلام پس از نقل اقوال مختلف درباره محمد بن اسماعیل میفرماید :

انچه محقق است و در قبول آن چاره ای نیست آنکه محمد بن اسماعیل مذکور در صدر بسیاری از روایت کافی: ابو الحسن محمد بن اسماعیل نیشابوری است نه محمد بن اسماعیل بن بزیع .

(حدیث فیه تنبیه و ارشاد) : بعضی از جوانهای احساساتی زمان ما که از اخبار و احادیث و دستورات ائمه طاهرین علیهم السلام کمتر آگاهی دارند و همه چیز را از جنبه منفی آن نظر می کنند بمجرد آنکه بشنوند عالمی ویا دانشمندی در دستگاه حاکمی جباروستمگر خدمت میکرده او را مورد انتقاد قرار داده و هدف تیر ملامت قرار می دهنددذیلا جهت توجه اینگونه مسلمانان انقلابی ذکر این حدیث شریف را مناسب میدانیم .

در روایت از محمد بن اسماعیل بن بزیع از حضرت رضا علیه السلام نقل شده است که فرمودند :

ان الله بابواب الظالمین من نور الله له (به) البرهان و مکن له فی البلاد لیدفع بهم عن اولیائه ویصلح الله به امور المسلمین الیهم ملجأ (یلجأ) المؤمن من الضر والیهم یفزع ذو الحاجه من شیعتنا وبهم یؤمن الله روعه المؤمن فی دار الظالمه

اولئک المؤمنون حقاً اولئک امناء الله فی ارضه اولئک نور فی رغبتهم (نور الله فی رعیتهم) یوم القیمه و یزهر نورهم لاهل السموات کما تزهر الکواکب الدریه لاهل الارض او لئک من نورهم یوم القیمه تضیء منهم القیمه خلقوا والیه للجنه وخلقت الجنه لهم فهنیئاً لهم فاعلی احدکم ان لو شاء لنال هذا کله .

قال : قلت بماذا جعلنی الله فداک ؟ قال : یکون معهم فیسرنا بادخال السرور علی المؤمنین من شیعتنا فکن منهم یا محمد (الحدیث)

روایت شده است که در خدمت حضرت رضا علیه السلام نام محمد بن اسماعیل بن بزیع برده شد حضرت فرمودند : دوست میدارم که در بین شما کسی مانند او باشد

(ص ۲۳۳ رجال نجاشی)

واین محمد بن اسماعیل همانست که از حضرت جواد علیه السلام پیراهنی گرفت که کفن خود نماید و در فید که منزلی است در راه مکه معظمه وفات یافت رحمه الله علیه

ویرا تألیفاتی است از آنجمله ۱ - کتاب ثواب الحج ۲ - کتاب الحج

(ص ۳۱۶ تحفه الاحباب)

۲۲ – ترجمه حال محمد بن خالد البرقی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۰ تا صفحه ۱۴۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم بعد حمدالله المنعم بکل الالاء و الصلوه من التجی الیه قاطبه البریه حتی الانبیاء و آله الاکرمین الاطیبین الامناء علیهم آلاف التحیه والشرف و السلام و الثناء یقول الخاسر العاثر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشر هما الله تعالی مع سادات الاوایل والاواخر هذه مقاله فی تحقیق

الحال فی محمد بن خالد البرقی ...

انجام : فالظاهرانه ثقه فحدیثه معدود فی الصحاح وهو مختار المحققین من المتأخرین ایضاً .

نویسنده گوید : ابو عبدالله محمد بن خالد بن عبدالرحمن بن محمد بن علی برقی منسوب به بر قرود از قرای شهر قم مردی ادیب و آگاه به اخبار و علوم عرب بوده و از حضرت کاظم و حضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام روایت می کند برخی از صاحبان کتب رجال ویرا ضعیف دانسته لکن مرحوم سید حجه الاسلام او را از ثقات میشمارد

کتب زیر از اوست : ۱- کتاب التفسیر ۲- کتاب التنزیل والتعبیر ۳ - کتاب الخطب ۴ - کتاب حروب الاوس والخزرج ۵ - کتاب العلل ۶- کتاب فی علم الباری ۷ - کتاب مکه و المدینه ۸ - کتاب النوادر ۹- کتاب یوم ولیله (ص ۲۳۶ رجال نجاشی و ص ۲۰۵ پنجم مجمع الرجال)

برادرش ابو علی حسن بن خالد از ثقات وویرا کتابی است بنام النوادر ونواده برادرش علی بن علان بن فضل بن خالد فقیه بوده است (رجال نجاشی).

۲۳ – ترجمه حال محمد بن سنان

ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۲ تا ۱۴۹ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمد لله الذی جعل منازل الرجال علی قدر روایتهم عن النبی و آله الائمه الاطهار صلواته علی اکمل الخلیقه و عترته الاماجد الاطهار علیه وعلی آله آلاف التحیه من الله العزیز الغفار و بعد یقول الملتجی الی باب سیده المعالی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی هذه رساله فی...

نویسنده گوید : ابو جعفر محمد بن حسن بن سنان بن عبدالله بن زاهر مولی

عمرو بن الحمق الخزاعی شهید طف و چون پدرش در کودکی او فوت شد وجدش سنان متکفل امورات وی گردید به نسبت جد خود محمد بن سنان شهرت یافت .

اقوال نویسندگان کتب رجال درباره وی مختلف است و او از اصحاب حضرت کاظم وحضرت رضا و حضرت جواد علیهم السلام بوده و یکی از معجزات حضرت جواد علیه السلام درباره او ظاهر گردید چه آنکه وی نابینا شده بود و در اثر مسح کردن حضرت جواد علیه السلام چشم او را بدست مبارک شفا یافت و این معجزه را حمیری در قرب الاسناد از حضرت رضا نقل می کند (ص ۵۵۶ پیشگوئیهای پیشوایان)

درباره او از حضرت جواد علیه السلام نقل شده است که چون در سال ۲۲۰ فوت شد و خبر مرگش به آنحضرت رسید فرمود رضی الله عنه برضائی عنه فما خالفنی وما خالف ابی قط .

ویرا تألیفاتی است بدین شرح : ۱- الاظله ۲ - الحج ۳ - الشراء والبیع ۴ - الصید والذبائح ۵ - الطرائف ۶- المکاسب ۷ - النوادر ۸ - الوصیه (رجال نجاشی صفحه ۲۳۱)

۲۴ – ترجمه دال محمد بن الفضیل

راوی از ابی الصباح کتابی مذکور در من لا یحضره الفقیه در ضمن مجموعه رجالیه مرحوم حجه الاسلام از صفحه ۱۵۶ تا ۱۵۸ بچاپ رسیده است .

آغاز : بسمله الحمدلله رب العالمین والعاقبه للمتقین و الصلوه والسلام علی اشرف البریه اجمعین محمد و آله و عترته الطیبین الطاهرین و بعد یقول العبد الملتجی الی باب ربه الغفور العلی محمد باقر بن محمد نقی الموسوی لقد اکثر

شیخنا الصدوق الروایه ....

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید : مراد از محمد بن فضیل که شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من لا یحضره الفقیه از او روایت می کند همانا : محمد بن قاسم بن فضیل است که ثقه و جلیل القدر و از اصحاب حضرت رضا علیه السلام می باشد مرحوم حجه الاسلام در این رساله نقل از کتاب فقیه در باب حق المراءِه علی الزوج می نویسد :

روی ابی الصباح الکنانی عن ابی عبدالله علیه السلام قال :

اذا صلت المراءه خمسها وصامت شهرها و حجت بیست ربها و اطاعت زوجها وعرفت حق علی فلندخل من الی ابواب الجنان ان شاءِت .

نویسنده گوید : محمد بن الفضیل وهو محمد بن القاسم بن الفضل (الفضیل) بن یسار النهدی ثقه در رجال نجاشی (ص ۲۵۶) گوید : خود و پدر و عمویش علاء وجدش فضیل همگان از ثبات بوده و محمد از اصحاب حضرت رضا علیه السلام و او را کتابی است .

و مراد از ابی الصباح ابراهیم بن نعیم العبدی کنانی است در رجال نجاشی گوید (ص ۱۵) حضرت صادق علیه السلام او را بخاطر وثاقتش میزان مینامید حضرت باقر علیه السلام را دیده و از حضرت صادق و حضرت کاظم علیهما السلام روایت می کند ویرا کتابی است .

۲۵ – ترجمه حال محمد بن عیسی الیقطینی

در ضمن مجموعه رجالیه از صفحه ۱۴۹ تا صفحه ۱۵۶ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمدلله رب العالمین والصلوه علی اشرف الاولین و الاخرین محمد خاتم النبیین وعترته الاماجد الطاهرین و بعد یقول العبد

المسئی الملتجی الی بـاب سـیده الکریـم الغنی ابن محمـد نقی محمـد باقر الموسوی لما اختلفت مقاله العلماء فی محمـد بن عیسـی الیقطینی ای محمد بن عیسی بن عبید یقطین ...

نامه حضرت جواد علیه السلام

انجام : مرحوم سـید حجه الاسلام در آخر این رساله نامه حضرت جواد علیه السلام را به بعضی از شیعیانش در بغداد درباره مخلوق بودن قرآن بنا بروایت محمد بن عیسی نقل می فرماید بدینگونه :

بسم الله الرحمن الرحیم عصـمنا الله و ایـاک من الفتنه فـان یفعـل فاعظم بها نعمه وان لا یفعل فهی الهلکه نحن نری ان الجـدال فی القرآن بـدعه اشترک فیهـا السائـل والمجیب فتعـاطی السائـل ما لیس له وتکلف المجیب ما لیس علیه و لیس الخالق الا الله عزوجل و ماسواه مخلوق و القرآن کلام الله لا تجعل له اسماً من عندک فتکون من الضالین جعلنا الله و ایاک من الذین یخشون ربهم بالغیب وهم من الساعه مشفقون.

نویسـنده گوید : ابو جعفر محمد بن عیسـی بن عبید بن یقطین بن موسی ینطینی یونسی بغدادی برخی از بزرگان محدثین ویرا از ضعفاء شمرده و نسـبت غلو به او داده و عـده ای نیز همچون نجاشـی ویرا توثیق نموده انـد و گوید (ص ۲۳۵) جلیل فی اصـحابنا ثقه عین کثیر الروایه حسـن التألیف. از حضرت جواد علیه السلام نقل روایت می کند مکاتبه و مشافهه (یا از حضرتش شنیده و یا با آن بزرگوار مکاتبه نموده).

کتـب زیر از اوست : ۱ – الامامه ۲ – الامـل و الرجاء ۳ – بعد الاسناد ۴ – التجمـل و المروءه ۵ – التفسیر ۶ – التوقعیات ۷ –ثواب الاعمال ۸ – الرجال ۹ – الزکوه ۱۰ – الضیاء ۱۱ – الظرائف ۱۲ – الفیء و الخمس ۱۳ – قرب الاسناد ۱۴ – اللؤلؤه ۱۵ – المسائل المحرمه ۱۶ – المعرفه ۱۷ – النوادر ۱۸ – الواضح المکشوف فی الرد علی اهل الوقوف ۱۹ – الوصایا و غیره (ص ۲۳۵ نجاشی صفحه ۱۷ پنجم مجمع الرجا ل)

ص: ۵۰

علامه فقیه حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی متعنا الله بطول بقائه الشریف در کتاب معجم رجال الحدیث (ص ۱۲۷ هفدهم) ویرانفر (۱۱۵۱۳) از رجال شیعه قرار داده و درباره او بسط کلام فرموده طالبین مراجعه فرمایند

۲۶ – ترجمه حال معروفین به ماجیلویه

در ضمن رسائل رجالیه از صفحه ۱۲۷ تا صفحه ۱۳۲ بچاپ رسیده است

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم المعین لمن استعانه فی کل شده وصعاب و الهادی لمن استهداه فی کل ظلمه الی الصواب والصلوه والسلام علی افضل السفن النجاه فی کل باب و آله الهداه لإصابه الحق و الرشاد وحسن المآب و بعد یقول الملتجی بذیل رحمه به الغنی ابن محمد نقی محمد باقر الموسوی ان ماجیلویه لقب الاربعه .....

نویسنده گوید : سید حجه الاسلام در این رساله میفرماید :

ماجیلویه لقب چهار نفر از محدثین است بدین قرار :

۱– محمد بن علی بن ابی القاسم اخباری از او نقل می کند از آنجمله به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام روایت می کند که فرمودند من انصف الناس من نفسه ورضی به حکماً لغیره

۲– عموی نفر اول محمد بن ابو القاسم است به اسنادش از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمودند المرءه قلاده فانظر ما تتقلد .

۳– فرزند او ابو الحسن علی بن محمد بن ابوالقاسم (عموزاده نفر اول) به اسنادش از ائمه طاهرین علیهم السلام نقل می کند که جناب جبرئیل بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد و گفت :

السـلام يقرءِك السلام ويقول خلقت السموات السبع ومافيهن والارضين السبع وما عليهن وما خلقت موضعاً اعظم من الركن والمقام و لوان عبداً دعانی هناك منذ خلقت السموات و الارضین ثم لقینی جاحداً لولایه علی علیه السلام لاکبنه فی سقر

۴ - فرزند او یعنی محمد بن علی بن محمد بن ابوالقاسم به اسنادش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت می کند که فرمودند ما من مؤمن یقعد ساعه عند العالم الا ناداه ربه عزوجل جلست الی حبیبی فوعزتی وجلالی لاسکنتك الجنه معه ولاابالی

نجاشـی درباره ابو عبـدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله ملقب به بندار بن عمران جنانی برقی (نفر دوم) می نویسد: سـید من اصـحابنا القميين ثقه عالم فقیه و گوید داماد احمد بن محمد برقی است (ص ۲۵۰ نجاشی) و ابوالحسن علی (نفر سوم) از این مادر است .

نویسنده گوید : علامه طهرانی در کتاب : نوابغ الرواه فی رابعه المئات (ص ۲۲۵) به خلاصه می فرماید :

حدیث

معروفین به ماجیلویه در بین محدثین بزرگوار پنج نفر می باشند بدین شرح:

۱- ابو عبـدالله محمـد بن ابی القاسم عبید الله (عبد الله) ملقب به بندار بن عمران جنابی برقی داماد ابی عبدالله احمد بن محمد بن خالد برقی و اول کسی که به ماجیلویه ملقب گردید .

۲- ابو الحسن علی بن محمد بن ابی القاسم عبید الله (فرزند نفر اول و نواده ابی عبدالله برقی) از مشایخ کلینی

۳- محمد بن علی بن ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله از مشایخ صدوق .

۴ – محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله بندار از مشایخ صدوق .

۵ – یحیی بن محمد بن علی بن ابی القاسم عبیدالله از مشایخ صدوق .

علامه طهرانی در نوابغ الرواه (ص ۳۳۳) می فرماید : یحیی بن محمد بن علی ماجیلویه از مشایخ صدوق و او از محمد بن یحیی العطار روایت می کند پدرش نیز از مشایخ صدوق بوده و از محمد بن یحیی العطار روایت می کند و روایت صدوق از صاحب عنوان در مجلس ۸۱ کتاب امالی است .

علامه طهرانی در همان کتاب و صفحه می فرماید :

ماجیلویه لقب : محمد بن ابی القاسم است مطابق تصریح نجاشی وبعداً فرزندش علی سپس نواده اش محمد بن علی .... وهمچنین این لقب گفته میشود بر فرزندش .

۶– علی بن محمد بن علی بن ابی عبدالله محمد بن ابی القاسم عبید الله بندار و مخفی نماند که در کتب رجالیه نام علی بن ابی القاسم عبیدالله ذکر نشده است.

در معجم رجال الحدیث (ص ۲۰۱ هفدهم) فرماید : محمد بن ماجیلویه از مشایخ صدوق برای اگهی بیشتر به کتب رجال مراجعه شود .

۲۷– ترجمه حال معویه بن میسره (و اینکه او همان معویه بن شریح است)

این رساله در جزو رسائل رجالیه مرحوم حجه الاسلام از صفحه ۱۵۸ تاصفحه ... بچاپ رسیده است . .

آغاز: بسمله الحمدلله الخالق الارضین والسموات و الصلوه والسلام علی سید رسله شافع العرصات وعترته التی حبهم مفتاح الخیرات و بعد یقول المعتصم بفضل ربه الباقی محمد باقر بن محمد تقی الموسوی ...

ص: ۵۳

نویسنده گوید : ابو عبدالله معویه بن میسره بن شریح (که گاهی او را به نسبت جد معویه بن شریح گویند) ابن الحارث الکندی القاضی الکوفی از اصحاب حضرت صادق علیه السلام و از آن حضرت روایت می کند ویرا کتابی است (ص ۲۹۲ رجال نجاشی).

در نخبه المقال (ص ۱۰۰) درباره او گوید :

سبط شریح و ابوه میسره

ممدوح القاضی وطق معتبره

* تعلیقات بر شرح سیوطی علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد:

سید حجه الاسلام در آغاز یکدور بلده طیبه کاظمین علیهما السلام مشرف بود تعلیقانی مدون و مرتب که خود بمنزله شرح بر کتاب سیوطی

تألیف فرمود لکن آنرا با تمام نرسانید .

نویسنده گوید: این تعلیقات « الحلیه اللامعه » نام دارد که بعدا بآن اشاره میشود . . .

۲۸ – تطهیر العجین بتبخیره وعدمه (رساله در ...)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۹ یازدهم) می نویسد :

نسخه ای از این رساله در ضمن مجموعه ای در کتابخانه مدرسه بروجردی در نجف اشرف موجود است و این همان رساله : القدریه است که بعداً بدان اشاره میشود .

موضوع رساله انکه هرگاه قطره خون در دیگ بیفتد و آن دیگ بجوشد تا خون از بین برود(از بین رفتن خون در اثر جوشش باشد نه بهم خوردن چیزهائیکه

در دیگ است) دیگ و آنچه در آنست به تبعیت آن پاک می شود (ص۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف)

۲۹– تقدیم الید علی الاستصحاب (رساله در ...)

مسئله استصحاب از مسائلی علم اصولست که علماء بزرگوار درباره آن از تعریف در تقسیمات و اعتبار وعدم اعتبار آن در کتب اصولی خود بطور اجمال و یا تفصیل بحث نموده اند از آنجمله مرحوم سید حجه الاسلام رساله ای در تقدیم الید علی الاستصحاب در حدود چهار هزار بیت تألیف نموده است .

این کتاب بطوریکه علامه سید محمد صادق موسوی خونساری برادر علامه صاحب روضات الجنات در رساله «ذکر مشایخ » مرقوم فرموده در رد میرزای قمی اعلی الله مقامه الشریف می باشد .

(ص ۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف) ۳۰

۳۰ – التقلید

در مسائل تقلید (الذریعه ص ۳۸۹ چهارم)

علامه طهرانی در الذریعه می نویسد:

میرزا عبدالوهاب شریف فرزند میرزا محمد علی قزوینی دو رساله در مسائل تقلید یکی بعربی مفصل و دیگری بفارسی مختصر تألیف نمود و بعداً همانگونه که خود او می نویسد رساله مرحوم سید حجه الاسلام را در مسئله تقلید دید که میفرماید :

بر مکلف واجب است که بمجرد فوت مجتهد به مجتهد زنده عدول کند بنابراین کتاب : هدایه المسترشدین را در رد آن نوشت تاریخ تألیف هدایه ۱۲۴۲ می باشد.

۳۱– تمییز مشترکات الرجال (رساله در ...)

یا رساله مشترکات الرجال علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

بـدیهی است که معظم له از همه متقـدمین ومتأخرین در احوال رجال دقیق تر و صاحب نظرتر و کاملا از اشـتباهات پیشـینیان با خبر و آنها را با تحقیق و تتبع خاصی تصحیح میکرد (ص ۲۹۳ دوم ترجمه روضات از فاضل ارجمند حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی)

نام این کتاب در تاریخ زنجان (ص ۲۷۵) وریحانه الادب (ص ۳۱۳ دوم) و فوائد الرضویه (ص ۴۲۷ دوم) نیز ذکر شده است .

۳۲ – جوابات المسائل

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) تألیفی باین نام برای سید حجه الاسلام ذکر می کند و آنرا غیر از سؤال و جواب میداند .

ظاهرا این کتاب همان پرسش و پاسخ باشد که قبلا به آن اشاره شد

۳۳ – حواز هبه ولی مدت منقطعه را (رساله در...)

در قصص العلماء (ص ۲۲) می نویسد :

حاج ملا محمد تقی بن مولی محمد برغانی معروف به شـهید ثالث قائل بعدم جواز هبه ولی صـغیر مدت منقطعه بود و در این باره رساله نوشته لکن بیشتر علماء زمان از آنجمله حاج ملا عبد الوهاب قزوینی ولی سید محمد مجاهد قائل بجواز می باشند

سید حجه الاسلام نیز از جمله علمائی است که قائل بجواز بوده و در این باره رسالهای مرقوم فرموده است .

علامه حاج سید محسن امین عاملی در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و دوم) ضمن اسامی مؤلفات مرحوم حجه الاسلام می نویسد « رساله فی انه هل یجوزان یهب المده فی العقد المنقطع»

و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء می نویسد : رساله در ابراء ولی مدت منقطعه مولی علیه را (ص ۱۳۶ قصص العلماء)

۳۴ – الحدود

رساله در حدود – حکم اقامه حدود در عصر غیبت .

مرحوم سید حجه الاسلام شفتی اقامه حدود رادر زمان غیبت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین واجب میدانسته و خود نیز آنرایا بنفسه و یا بفرمانش عمل مینموده و مشهور است که عده جانیان وسارقین وزنادهندگان و ... که بحکم ایشان محکوم شده اند وحد شرعی از تعزیر تا قتل درباره آنان اجرا گردیده است هشتاد یا نود و حتی یکصد و بیست نفر نیز گفته اند بوده اند و اغلب مقتولین در گورستانی که نزدیک منزلش بود بنام قبله دعا مدفون شده اند معروفست که مرحوم حجه الاسلام پس از آنکه محکوم بقتل را می کشت پا می کشتند خود بر جنازه او نماز میخواند و در حال نماز با گریه و تضرع از خداوند متعال جهت او طلب مغفرت و آمرزش مینمود .

آغاز : الحمد لله المتفرد بالقدم و الکمال المتقدس بقدس جماله عن مشابهه الاشیاء والامثال والصلوه والسلام علی من اصطفاه الله ...

ص: ۵۷

انجام: فالحکم فی المسأله مما لا ینبغی التأمل فیه فلله الحمد والشکر والمنه .

از این کتاب نسخه های زیادی موجود است از آنجمله نسخه ای بشماره (۳۷۱۲) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص ۱۱۱ دهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) و نسخه ای در کتابخانه مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی در اصفهان می باشد .

۳۵ – حرمه فی رم الموطوء علی الواطی (رساله در ....)

و آنها عبارتند از : مادر و خواهر و دختر .

آغاز : الحمد لمن ابدع السموات والارضین ....

این رساله که جزو کتاب : سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام بچاپ رسیده است .

(ص ۱۷۵ یازدهم الذریعه)

۳۶ – حکم تزویج خواهر مطلقه (رساله در ...)

در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و دوم) می نویسد:

رساله فی العقد علی اخت الزوجه المطلقه .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) و مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص۱۳۶) از این کتاب بنام : حکم عقد براخت مطلقه نام برده اند .

۳۷ – الحلیه اللامعه

حواشی و تعلیقات بر کتاب سیوطی .

این کتاب را مرحوم سید حجه الاسلام موقع تحصیل در نجف اشرف بر

حسب خواهش یکی از شاگردان تالیف فرموده و در آن از اول کتاب تا معرف به (ال) و بعداً باب استثناء تا آخر حروف جر می باشد .

حجه الاسلام می نویسد: در این موقع مبتلا بمرض حرقه البول شدم وجهت معالجه و مداوا به بغداد رفته و مدت چهار ماه در آنجا به معالجه اشتغال داشتم و در این مدت کتابرا از مسوده به مبیضه آورده و این کار در تاریخ اواسط رجب سال ۱۲۰۴ بپایان رسید.

در قصص العلماء (ص ۱۳۶) می نویسد : مسموع شد که ایام تألیف انجناب در بغداد بوده و از کتب فقط ترکیب خالد را داشته است .

از این کتاب نسخه های متعددی در ایران و عراق در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است از آنجمله است : ۱ - نسخه کتابخانه مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی ۲ - نسخه کتابخانه علامه مفضال آقای حاج سید محمد علی روضاتی هر دو در اصفهان ۳ - نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی شماره (۴۷۷۶) (صفحه ۱۷۳ سیزدهم فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی) و غیره

نویسنده گوید : ظاهرا این کتاب اولین تألیف مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد .

* حواشی برنسیوطی

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۹۵ یکم) نامی از این تألیف برده و می نویسد در ابتدای تحصیل نوشته است .

عالم جلیل مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) آنرا بنام حاشیه بر سیوطی ذکر نموده است و گوید قدری از آن را دارم که بعضی از مواضع خط

والـد ماجدم و بعضـی از مواضع خط حجه الاسـلام است که باهم نوشـتند چون میان والد و او صداقت و محبت بسـیاری بود و مسـموع شد که خلف با شرفش حاجی سید اسد الله بامر او آن حاشیه را تمام نمود.

نویسنده گوید : این کتاب همان : الحلیه اللامعه سابق الذکر می باشد که بنامهای تعلیقات بر سیوطی و شرح بر سیوطی نیز نامیده شده است .

۳۸ – حواشی بر کتاب فروع کافی

کتاب شـریف کافی از سه قسـمت (اصول – فروع – روضه) ترتیب یافته و از امهات کتب حـدیث شـیعه و یکی از کتب چهار گانه محمـد بن ثلثه اوائل است.

این کتاب شریف در کلیه ادوار مورد نظر و عنایت علماء بزرگوار واقع گردیده و حواشی و شروع زیادی برای آن نوشته اند. از آنجمله :

حواشی مختصری است بر قسمت فروع آن (کتاب الطهاره تا پایان کتاب الحج)

نسخه آن بشماره (۲۲۰۳) در کتابخانه آیت الله مرعشـی نجفی در قم موجود است. حواشـی نامبرده با نشانی : محمـد باقر الموسوی می باشد و نویسنده محترم فهرست احتمال داده اند که از مرحوم سید حجه الاسلام باشد.

روی برگ اول کتاب تملک سید حجه الاسلام شفتی و مهر بیضوی ایشان (محمد باقر بن محمد نقی الموسوی) نیز دیده میشود .

(ص۱۹۶ ششم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی – قم)

۳۹ – خلاصه و منتخب تحفه الابرار

نسخه ای از این کتاب در کتابخانه فاضل ارجمند جناب آقای حاج سید

مرتضی شهشهانی فرزند واعظ زاهد خبیر مرحوم آقا میرزا سید محمد صدر الواعظین این آقا میرزا یحیی بن آقا میرزا سید جعفر شهشهانی (شرح حالش در جمله شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردیده) موجود است در پشت این نسخه آقا سید محمد جواد موسوی درب امامی نوشته است که :

خلاصه و منتخب تحفه الابرار از خود سر کار شریعت مدار خلایق افتخار ... صاحب المناقب والمفاخر السید حجه الاسلام والمسلمین خاتم المجتهدین ... از کتاب تحفه الابرار خود مختصر فرموده اند و بقیه آنرا هم انشاء الله با تمام خواهند رسانید .

کتاب در حدود دو هزار و نهصد بیت است .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه ثقتی . کتاب الصلوه و این مرتب است بر چند باب ، باب اول در بیان مقدمات است . .

انجام نسخه موجود: چنین است جامه قیطان ابریشم در آن دوخته باشندخواه در اطراف جامه دوخته باشد با عدم میل بظاهر مثل اطراف بدن عربی یا چوخا بارانی یا با میل بظاهر .

۴۰ – رد بر مولی علی اکبر اژه ای درباره سلام نافله (رساله در ...)

در قرن ۱۳ هجری در یکی از مسائل فرعی نماز (سلام نافله) ما بین دو نفر از علماء بزرگوار اصفهان مرحوم مولی علی اکبر اژه ای و مرحوم سید حجه الاسلام اختلاف نظر پیدا شد اولی یک سلام را کافی میدانست و مرحوم حجه الاسلام خلاف آن میفرمود وهر یک درباره این موضوع دو رساله مرقوم داشتند مرحوم مولی عبدالکریم خبری در تذکره القبور (ص۳۴) پس از نقل مطالب بالامیفرماید:

ظاهر این است که حق با سید است و آخوند ظاهر متفرد است .

مرحوم حاج آقا منیر الدین بروجردی (۱۳۴۲ - ۱۲۶۹) در رساله : الفرق بین الفریضه و النافله در فرق ۶۵ (ص ۱۶) می نویسد:

قد وقع النزاع فی اوائل القرن السابق بین الفاضل المتکلم الحاج المرودشتی الاصفهانی والسید النبیه الفقیه الذی انتهت الیه ریاسه الامامیه فی زمانه السید الشفتی الجیلانی فی مسأله سلام النافله فجزم الاول بکفایه سلام و احد و کون الاکثر من التسلیمه وهو قول السلام علیکم ورحمه الله و برکاته بدعه وجزم الثانی بکون القول بذلک من البدع الواقعه فی الشریعه فانجز الکلام الی کتابه رسالتین من الطرفین فنسأل الله العصمه من الخطأ فی البین . ولا یخفی ان هذا القول و ان کان ضعیفاً الا انه لیس مما لم یذهب الیه احد من الامامیه لذهاب شیخ الطائفه شیخنا المفید الی وحده التسلیم لکن المشهور علی خلافه و لهذه اشهدانی کنت مقتصراً فی النافله بتسلیمه واحده فی اکثر من اربعین سنه فحصل الفرق بین النافله و الفریضه سواء قلنا بالوحده و التعدد.

۴۱ - الزهره البارقه

در مجاز و حقیقت در اصول بعربی

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۷۲ دوازدهم) می نویسد :

در هشت هزار بیت مشتمل بر بسیاری از مباحث علم اصول و همو می گوید که پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام بامر داماد و شاگرد او آقا محمد مهدی کلباسی بچاپ رسیده است .

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و چندین باب و خاتمه .

آغاز : الحمد لله الذی تنزهت عن مجازیه العقول القادسه ...

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد : کتاب در خصوص

مطالب حقیقت و مجاز تألیف شده و بسیاری از مسائل اصولی و قواعد عربی و مباحث الفاظ و مبادی لغویه را در آن گنجانیده و مشتمل بر هیجده هزار بیت است .

نویسنده گوید : مرحوم خانبا با مشار در کتاب : فهرست کتب عربی چاپی نامی از این کتاب نبرده است .

نسخه ای از این کتاب ضمن مجموعه شماره (۱۱۶) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۱۲ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) تاریخ نسخه هشتم ذی الحجه سال ۱۲۲۶ می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۵۱ هفتم و ۱۵۷ پانزدهم) نام این کتاب را :الطراز فی الحقیقه والمجاز می نویسد.

۴۲ – زیارت عاشوراء (رساله در باره ...)

این رساله در جزو کتاب سؤال و جواب سید حجه الاسلام بچاپ رسیده است

مرحوم سید حجه الاسلام در این رساله ثابت نموده است که نماز این زیارت دو رکعت است و آن را باید بعد از لعن و سلام ودعاء اللهم خض انت اول ظالم ... ودعاء سجده بخوانند .

سؤال : زید زیارت عاشورا را مستمری باذن یکی از مجتهدین که حال آن متجهد دارفانیرا وداع گفته باینطریق عمل می آورد که بعد از زیارت لعن و سلام را یک دفعه میخواند و در آخر هر یک از آنها مأته مره می گوید و بعد از آن دعای سجده میخواند. آیا ملازمان اذن میفرمایند.

جواب : حقیر را اعتقاد اینست نظر بحدیثی که مرحوم شیخ طوسی در مصباح ذکر فرموده اتیان بزیارت عاشوراء مأثور موقوفست بر اینکه هر یک از لعن معهود و سلام محمود راصد مرتبه اتیان نماید و بعد از قراءت لعن یک مرتبه اتیان بمأته مره کفایت نمی کند و همچنین است امر سلام .

(ص ۲۸ کتاب سؤال و جواب)

۴۳ – سلام نماز نافله (رساله درباره ...)

قبلا بنام : ردبر مولی علی اکبر اژه ای در باب سلام نماز نافله (رساله در ...) نوشتیم که علامه فقیه زاهد عابد نامبرده رساله ای مرقوم داشته در آن فرموده است که : سلام در نمازهای نافله یکی بیشتر نیست و آنهم السلام علیکم ورحمه الله و برکاته می باشد .

چون رساله مزبور بنظر مرحوم سید حجه الاسلام رسید رساله ای مرقوم داشتند و در آن فرمودند که:

سلام ر نماز نافله سه سلام می باشد این رساله بنظر مرحوم علامه اژه ای رسید دیگر بار در تأیید رساله اولیه خود رساله ای نوشت و نظریه مرحوم سید حجه الاسلام را رد نمود چون این رساله بنظر مرحوم سید حجه الاسلام رسید ثانیاً رساله ای در رد گفتار مرحوم اژه ای و اثبات نظریه خویش مرقوم فرمود که قبلا بدان اشاره شد .

تاریخ فراغت مرحوم سید حجه الاسلام از تألیف رساله نامبرده : شب ۲۵ محرم الحرام سال ۱۲۲۵ قمری می باشد .

۴۴ – سؤال وجواب

مجموعه سؤالاتی است که در موضوعات مختلف در طول زمان از مرحوم

سید حجه الاسلام پرسیده اند و ایشان بدانها جواب فرموده بعضی جوابها فارسی و برخی عربی عده ای مختصر و عده ای از آنها مفصل و استدلالی است که خود شایسته است رسانه ای مستقل باشد .

این سؤالات را یکی از شاگردان ایشان جمع آوری نموده و در دو مجلد بر حسب ترتیب کتب فقهی منظم نموده است

جلد اول آن در سال ۱۲۴۸ چاپ شده و تا کتاب ودیعه است لکن جلد دوم آن بچاپ نرسیده است .

مرحوم خانبابا مشار باستناد عبارت آخر جلد یکم می نویسد جلد دوم نیز بچاپ رسیده است.

از مجلد اول که چاپ شده نسخه های خطی نیز در کتابخانه های عمومی و خصوصی موجود است .

نسخه ای از جلد دوم که مشتمل بر بیست و چند کتابست و از کتاب وصیت شروع شده و به کتاب حدود ودیات خاتمه می یابد را علامه طهرانی در نجف نزد دانشمند بزرگوار آقای حاج سید محمد جزائری (فعلا ساکن طهران می باشند) دیده اند و در پشت آن تملک حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرزند مرحوم حاج سید اسد الله حجه الاسلام ثانی بوده نسخه ای دیگر در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار در طهران موجود است.

نسخه ای نیز از کتاب وصایا تا آخر میراث که فهرست ابواب در اول کتاب نیز نوشته شده است به شماره (۲۹۸۰) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۱۰ فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان جلد یکم) وهمچنین جلد اول و دوم بشماره (۵۱۹۹) بخط نسخ عبد الرحیم بن محمد کریم هرندی در تاریخ ۱۸ ربیع الثانی ۱۲۶۴ کتابت آن خاتمه یافته

ص: ۶۵

و حاشیه هایی با امضاء دام ظله دارد در همان کتابخانه موجود است سومین نسخه کتابخانه عمومی اصفهان بشماره (۵۴۳۱) و از کتاب حج شروع شده و ابواب آن نا مرتب است .

(فائده) : در این جا بی مناسبت نیست که عین مطالبی را که ادوارد برون انگلیسی در کتاب : تاریخ ادبیات ایران تألیف خود راجع به این کتاب می نویسد نقل شود ، او می نویسد :

رساله سؤال وجواب بعد از سال ۱۲۳۶ (در این جا سال میلادی نیز نقل شده که ما از نقل آن بی نیازیم و تا کنون در هیچ یک از مؤلفات خود آنرا ذکر نکرده ایم) تحریر یافته و در (سال) ۱۲۴۷ بطرزی مطبوع چاپ شده است ظاهراً محل طبع آن اصفهان و مباشر چاپ میرزا زین العابدین تبریزی بوده که این صنعت را او بایران وارد نموده است .

این تألیف مشتمل بر ۱۶۲ ورق بطول ۶ / ۲۹ و عرض ۲۰/۵ (سانتی متر) است و هر ورقی ۲۸ سطردارد . حروف س و ج (یعنی سؤال و جواب) درسرتاسر کتاب میان هلالین سرخ جای داده شده است (در هیچ جای کتاب علامت س و ج بین هلالین قرار نگرفته و اصل این دو حرف با جوهر قرمز بچاپ رسیده است.مهدوی).

من (یعنی ادوارد برون) فقط یک جلد از آن دارم و قاعده بایستی جلد دوم نیز داشته باشد لیکن نمیدانم تهیه شده یا خیر مباحث کتاب بترتیب عددی مرتب شده است (کتاب مطابق ترتیب کتب فقهی مرتب شده است نه عددی . مهدوی)

بدواًبشرح عبادات مثل طهارت - صلوه - صدقه - صوم - حج پرداخته و در آخر قسمتی بنام کتاب الودایع راجع به اصول در ابتدای مباحث است . و در هر بابی از ابواب بطور سؤال وجواب مسائل مختلفه راجعه بآن مبحث با عقیده

ص: ۶۶

مؤلف قید گردیده است .

مثلا در مقدمه بدون هیچ در حمدو منقبت و دعا و غیره بلافاصله شروع به مسائل ذیل می کند :

(س) هرگاه شخصی تقلید مجتهدی را از مجتهدین زاد الله امثالهم نماید در حال حیات آن مجتهد آیا بعد از ممات او جایز است از برای او تقلید او و عمل بقول او یا نه ؟

(ج) جواب این سؤال که تقریباً یک صفحه را فرا میگیرد و خلاصه اش اینکه تقلیدمیت جایز نیست و باید به یکی از مجتهدین زنده مراجعه کند .

ادله و شواهد کثیره در تأیید این قول ذکر نموده و از جمله اقوال محمدباقر (ظاهراً مجلسی) (نویسنده گوید بظن قریب به یقین مراد از محمد باقر مؤسس بهبهانی مرحوم آقا باقروحید کرمانشاهی است) و سید محمد مهدی (علامه حاج سید مهدی بحرالعلوم طباطبائی. مهدوی) و شهید ثانی و محقق ثانی را نقل می کند

(ممکن است : شماره «۳۰ – التقلید» همین سؤال وجواب باشد و العلم عند الله.

ابواب این کتاب از حیث تفصیل خیلی مختلف است. باب صلوه تقریباً هفتاد ورق را فراگرفته اما سایر ابواب با ین تفصیل نمیرسند مثلا کتاب الودایع که باب آخر است بیش از نیم صفحه نیست (تاریخ ادبیات ایران ص ۲۶۸ جلد چهارم)

۴۵ – سؤال وجواب

فارسی درباره بعضی از عقاید شیخیه که از مرحوم سید حجه الاسلام شده و ایشان بدانها جواب فرموده اند .

علامه طهرانی در الذریعه (ص۲۴۳ دوازدهم) می نویسند که : کتاب

ص: ۶۷

نامبرده در سال ۱۲۶۱ پس از فوت مرحوم حجه الاسلام بچاپ رسیده است .

۴۶ – شرح بعضی از مسائل

علامه طهرانی (ص۱۹۵ یکم الکرام البرره) در باره این تألیف می نویسند :

بامر استادش میرزای قمی تألیف گردیده است لکن ذکری از این مسائل و تاریخ تألیف ننموده و نسخه ای از آن را نشان نداده اند .

۴۷ – شرح تهذیب الاصول

کتاب « تهذیب الاصول » از تألیفات علامه حلی است

در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم است به شماره (۲۲۱۲) که در فهرست نامبرده بدین شرح معرفی گردیده است .

شرح تهذیب الاصول ... انطور که روی جلدش نوشته از حجه الاسلام شفتی (اگر درست خوانده باشم)

آغاز موجود بحث مفصلی است راجع به بسم الله الرحمن الرحیم در شش مقام .

اول و آخرش ناقص است ، ۸۲ صفحه جیبی

(ص ۱۹۵سوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

۴۸ – شکیات (رساله در ...)

یا رساله در احکام شک و سهو در نماز

علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) می نویسد :

این رساله بزرگی است با وضع و تفریع خاصی ترتیب یافه و مرحوم سید

حجه الاسلام آنرا متمم کتاب تحفه الابرار خود قرار داده است .

۴۹ – صلح حق الرجوع فی الطلاق (رساله در ...)

این رساله در فقه بعربی در پاسخ سؤالی است در پیرامون اینکه : اگر کسی زن خود را طلاق داد وحق رجوع راصلح نمود آبا این زن متعلق به شوهر اول یا شوهر دوم خواهد بود.

آغاز : شخصی زوجه خود را مطلقه نمود ...

جواب : تنقیح الحال فی جواب هذا السؤال یستدعی رسم مقدمات ...

انجام : هذا ما جری به القلم ... وعلی آله آلاف السلام و الثناء و التحیه متن پرسش فارسی وجواب عربی و استدلالی است .

نسخه آن ضمن مجموعه (۳۳۹۳) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم از صفحه ۱ تا صفحه ۳ تاریخ تحریر روز دوشنبه هفتم جمادی الثانیه ۱۲۳۱ در مزرعه تندران از مزارع اصفهان

* الطراز فی الحقیقه والمجاز

رساله در حقیقت و مجاز (ص ۵۱ هفتم الذریعه) نام آن « الطراز فی الحقیقه والمجاز » می باشد .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۵۷ پانزدهم) می فرماید : در نسخه میرزا محمد طاهر تنکابنی معاصر در طهران کتاب باین نام نوشته شده است .

نویسنده گوید : این کتاب همان « الزهره البارقه » می باشد که قبلا در باره او بحث کردیم .

۵۰ – عدم امکان تحقق عموم مطلق وعموم من وجه (رساله در بیان...)

در آخر نسخه ای از رجال مرحوم سید حجه الاسلام اصفهانی که به شماره (۷۸) خصوصی و شماره عمومی (۶۶۹۸) عمومی در کتابخانه آستان قدس رضوی (ص ۶۰۹ ششم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی) موجود است رساله ای ناقص در موضوع فوق وجود دارد که نویسنده محترم فهرست احتمال داده است که از جمله (اجوبه المسائل) تألیف مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد.

آغاز : الحمد لله الذی لو حمدته دوام خلودر بوبییته ...

انجام : ومن لم یضعفه الاصحاب فیما علمته .

آخر نسخه : فهذا مما لاشك و لاریب یعتبر به .

۵۱ – عدم جواز بقاءِ بر تقلید مجتهد میت (رساله در ...)

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۸۱۰ دوم) در ضمن شرح حال مولی عبدالوهاب قزوینی بخلاصه می نویسد که :

« هدایه المسترشدین » نام رساله ای است که مولی عبدالوهاب در موضوع فوق در رد بر سید حجه الاسلام نوشته است و از قول مولی عبدالوهاب نامبرده نقل می نماید که :

رساله ای فارسی و رسانه ای عربی در موضوع جواز بقاء بر تقلید مجتهد فوت شده نوشته ام ولی چون رساله سید حجه الاسلام شفتی را درباره عدم جواز بر بقاء تقلید دیدم این رساله را در رد بر آن نوشتم .

بنابراین حاجی ملاعبدالوهاب قزوینی سه رساله در موضوع جواز بقاء بر

تقلید از مجتهد فوت شده نوشته است.

۵۲– عدم لزوم القبض فی الوقف المختص (رساله در ...)

از مباحث فقهی و بزبان عربی تألیف گردیده است.

نسخه ای از آن در ۹۲ صفحه ضمن مجموعه شماره (۳۱۹۲) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۴۱۲ هشتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

نویسنده محترم فهرست در پاورقی صفحه نامبرده می نویسد: گویا این رساله در رد بر رساله ملا احمد نراقی است .

۵۳ – عمر مبارک امام چهارم حضرت سجاد علیه السلام

(رساله در باره ...)

در مجموعه ای که قبلا متذکر شدیم که در کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید احمد تویسرکانی موجود است و چهار رساله از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را شامل است . یکی از این رسائل در موضوع نامبرده بالا میباشد

رساله فوق در ۱۱ صفحه خدود سیصد بیت و بفارسی است .

آغاز : سؤال – التماس این است که بیان فرمایند عمر شریف جناب علی بن الحسین امام زین العابدین علیه السلام در واقعه کربلای معلی بر چه حد بوده.

انجام : اما هر گاه در سال چهارم بوده باشد (یعنی تولد حضرت سید الشهداء علیه السلام) مدت عمر شریف ایشان پنجاه و شش سال و نه ماه و کسری یا پنجاه و شش سال و پنج ماه و کسری میشود . اللهم اغفر لمن استغفر لکاتبه

ص: ۷۱

ولوالدیه فی محرم ۱۲۳۹ . (نقل از نوشته آقای دکتر سید احمد تویسرکانی)

۵۴ – قبول قول نسوان (رساله در باره ...)

در قصص العلماء (ص ۱۳۹) و در اعیان الشیعه (ص ۱۱۲ چهل و چهارم) والکرام البرره (ص۱۹۵ یکم) ضمن مؤلفات مرحوم سید حجه الاسلام می نویسند:

رساله فی قبول قول المرأه فی عدم المانع لها من النکاح.

* القدریه (رساله در ...)

این رساله همان رساله «تطهیر العجین بتبخیره وعدمه » مذکور گردید

مرحوم آقا سید محمد صادق بن آقا سید زین العابدین موسوی خونساری اصفهانی آنرا بدین نام متذکر شده است .

(ص۲۹۴ مقدمه مناهج المعارف)

۵۵ – قضاء وشهادات

علامه فقیه مؤلف روضات الجنات (ص ۱۲۵) میفرماید :

این کتاب استدلالی است و مرحوم سید حجه الاسلام آنرا در موقعیکه در کاظمین از محضر مرحوم آقا سید محسن کاظمینی استفاده میکرده تألیف نموده است.

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۱ هفدهم) می نویسد :

آقا سید حسن صدر کاظمینی می نویسد که این کتاب از تقریرات استادش مرحوم آقا سید محسن اعرجی است.

در هر حال کتاب در موقع تحصیل در شهر مقدس کاظمین تألیف شده است . بنابراین کتاب نامبرده پس از الحلیه اللامعه تألیف گردیده و دومین اثر علمی

مرحوم سید حجه الاسلام شفتی می باشد.

۵۶ – قضا وشهادات و برخی از فروع آن (رساله در ....)

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۴۱ هفدهم) می نویسد :

نسخه آنرا ضمن مجموعه ای با رساله وقف مرحوم سید حجه الاسلام در کربلا در کتابخانه میرزا علی شهرستانی دیدم .

و این رساله غیر از رساله سابق الذکر در همین موضوع است (ص ۴۲۷ دوم فوائد الرضویه)

بنابراین مرحوم سید حجه الاسلام در موضوع : قضاء وشهادات دو رساله مرقوم فرموده یکی از تقریرات استاد بزرگوار خود مرحوم آقا سید محسن کاظمینی و دیگری مستقلا .

* مشترکات الرجال

این همان کتاب : تمییز مشترکات الرجال است که علامه طهرانی در الکرام البرره (ص) به این نام ذکر فرموده است .

۵۷ – مشتق (رساله ای در ...)

مشتق یکی از مباحث علم اصول است که علماء و دانشمندان در کتب اصولی خود از آن بحث کرده اند و گاهی بطور استقلال رساله و یا کتابی درباره آن تألیف نموده اند.

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۱ بیست و یکم) در موضوع مشتق ومشتقات

جمعا بنام سیزده کتاب اشاره نموده است که از آنجمله است کتابهای :

شیخ انصاری و میرزای بزرگ شیرازی و شیخ هادی طهرانی و آخوند خراسانی ۰

در کتابخانه دانشکده حقوق طهران رساله ای در موضوع مشتق از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام شفتی موجود است

ص ۴۶۴ فهرست کتابخانه دانشکده حقوق)

۵۸ – مطالع الانوار فی شرح شرایع الاسلام

در هفت مجلد فقه عربی .

علامه فقیه صاحب روضات الجنات (ص ۱۲۵) در باره این کتاب میفرماید :

بیش از مقاصد کتاب صلوه تا آخر احکام اموات را ندارد در پنج مجلد و در عین حال اغلب قواعد فقه را دارا بوده و ضوابط کلیه آنها را در بر دارد و بسیاری از مسائل متفرفه طهارت تا دیات را در آن کتاب نوشته است و نهایت تحقیق و تدقیق را در مقاصد و تذییل آن رعایت نموده و به پایه ای رسیده که دست و دل هیچ یک از اکابر بدان نرسیده است (ص ۲۹۲ دوم ترجمه روضات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۵) گوید : شرح بر کتاب صلوه شرایع است مشتمل بر هفت مجلد و صلوه را تمام نکرده و هر مجلدی تقریباً بیست هزار بیت است و رر آنجا در هر علمی که بواسطه ای از وسایط مسئله اتفاق افتاده آن مسئله را باستدلال نوشته چه در اصول و چه در نحو و چه در لغت و چه در رجال .

نویسنده گوید : نسخه اصل مطالع الانوار در جزو کتب مرحوم آقای حاج میرزا محمد حسین جعفری در شش مجلد بر روی کاغذ آبی بخط شریف

ص: ۷۴

مؤلف بود که بعداً به کتابخانه مرحوم آقا سید فرج الله و پس از فوت مشار الیه به کتابخانه مرحوم آیت الله العظمی آقای بروجردی عطر الله مضجعه الشریف منتقل گردید .

وکتاب صلوه تا احکام سجود بخط مؤلف بزرگوار و در حاشیه تصحیح شده با اضافات بشماره (۲۷۹۹) در کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۳۶۷ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

یک دوره کامل هفت جلدی « مطالع الانوار » که مجلد هفتم فهرست مطالب مجلد است ششگانه می باشد در کتابخانه علامه مفضال حجه الاسلام آقای حاج میر سید احمد روضاتی در طهران موجود است .

از کتاب مطالع الانوار در برخی از کتابخانه های عمومی و خصوصی نسخه هائی موجود است و اخیراً چهار مجلد آن (تاکنون) به سعی و اهتمام نواده مؤلف فاضل محترم آقای حاج آقا مهدی شفتی نجل جلیل حجه الاسلام مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی در طهران و اصفهان بچاپ رسیده بقیه مجلدات نیز بخواست خداوند متعال قریباً چاپ خواهد شد .

این دوره مطبوعه از روی خط عبدالکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجه الاسلام و بخط نسخ زیبا و جدول کشی میباشد (خط وجدول کشی و تذهیب همه از عبدالکریم بن محمد اسماعیل است)

نسخه اصل متعلق به کتابخانه آیت الله مرعشی.

جلد اول و دوم بتاریخ ۳ شنبه ۱۸ ذی القعده ۱۲۵۶ (ص ۶۶ نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

جلد سوم و چهارم و پنجم بتاریخ ۴ شنبه ۱۶ ذی القعده ۱۲۶۳ (ص ۶۷ نهم فهرست کتابخانه مرعشی قم)

ص: ۷۵

از همین نویسنده جلد اول بهمین کیفیات نسخه ای در کتابخانه دانشمند محترم آقای حاج سید مرتضی شهشهانی در اصفهان موجود می باشد

نویسنده گوید : همانگونه که گفته شد تا کنون بحمدالله چهار مجلد از کتاب بچاپ رسیده است و در آخر هریک از مجلدات چهارگانه عالم جلیل حجه الاسلام آقای آقا احمد فقیه امامی فرزند مرحوم عالم عامل حاج آقا عطاء الله امامی درب امامی فهرستی جامع ترتیب داده و بچاپ رسیده است

در اول مجلد اول حضرت آیت الله العظمی آقای حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی مقدمه مختصری مرقوم فرموده که بچاپ رسیده است

آغاز مجلد اول : بسم الله الرحمن الرحیم ومنه الاعانه فهو المعین

بعد حمدالله علی آلائه و افضاله و الصلوه علی مفخر فطان ارضه وسمائه محمد سید رسله و آله واصحابه یقول المستغرق فی بحار الجرائم والمناهی و المنهمک فی بوادی الملاعب و الملاهی المعتصم بحبال نفضل سیده الباری المتشبث باذیال ترحم ربه الباقی محمد باقر بن محمد نقی (تا آخر نسب نامه خود تا حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام را نقل می کند).

انجام : قال ففعلت ذلک فکانما نشطت من عقال .

آغاز مجلد دوم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی احکم شرایع الدین بمطالع الانوار و مسالک الیقین واتقنها بمدارک الاحکام و قواعد الارشاد تهذیباً للعالمین والصلوه والسلام علی من هو لاستبصار الانام لمعه اللامعین وعلی ابن عمه و آله الذین هم تذکره وذکری للمتقین و بعد یقول احوج العباد الی غفران ربه الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر هذا هو المجلد الثانی من مجلدات مطالع الانوار المدون فی کتاب الصلوه ....

از این مجلد نسخه ای تا احکام سجود بخط مرحوم سیدحجه الإسلام بشماره (۲۷۹۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است که در حاشیه تصحیح و اضافه شده است (ص ۳۶۷ هفتم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی)

جلد دوم و سوم در یک مجلد چاپ شده است

آخر مجلد سوم : وستقف علی تمام الکلام فی مباحث الجماعه باعانه الله سبحانه .

آغاز مجلد چهارم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی هدانا الی تنقیح سرائر شرایع الاسلام بنبیه الذی هو منتهی فضیله الانام و من بیان مسالک مدارک قواعد الاحکام یتذکره الائمه الهداه الذین هم مطالع الانوار و مفاتیح معالم الحلال والحرام و نور قلوب العلماء باستبصار الدین وتهذیب الاخلاق لارشاد الانام الی دار السلام وبعد یقول المسئی الملتجی الی باب سیده الغافر ابن محمد نقی الموسوی محمد باقر حشرهما الله تعالی بفضله مع سادات الاوائل و الاواخر هذا هو المجلد الرابع ...

انجام : فرع من کتابه هذه الکلمات فی لیله الاضحی من شهور سنه تسع و عشرین و مأتین بعد الالف من الهجره المعلومه علی هاجرها آلاف السلام و الثناء والتحیه ۱۲۲۹ .

تذکر : یک دوره پنج جلدی از این کتاب در دو مجلد (جلد اول و دوم در یک مجلد و سوم و چهارم و پنجم نیز در یک مجلد) بخط زیبای : عبد الکریم بن محمد اسماعیل شاگرد سید حجه الاسلام اولی بشماره (۳۲۸۰) و دوم بشماره (۳۲۸۱) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۶۶ نهم فهرست).

ص: ۷۷

فائده ۱: در مقدمه جلد چهارم مطالع الانوار بشمار ه (۳۳۰۴) کتابخانه آیت الله مرعشی در قم سه صفحه است دارای چندین فائده از سید حجه الاسلام که کاتب آنها را بصورت مسجد و صراحی و غیره ترسیم و نقاشی نموده است . کاتبه این نسخه همان عبدالکریم بن محمد اسماعیل وسال کتابت ۱۲۴۵ می باشد.

فائده ۲: نسخه ای از مجلد پنجم مطالع الانوار بخط مرحوم آقاسید مؤمن فرزند سید حجه الاسلام در کتابخانه علامه مفضال آقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است .

فهرست مطالع الانوار

قبلا متذکر شدیم که نسخه ای از مطالع الانوار در هفت مجلد در کتابخانه علامه محقق حجه الاسلام آقای حاج میر سید احمد بن عالم فاضل آقا میرزا محمد باقر بن عالم جلیل آقا جلال الدین ابن علامه محقق فقیه صاحب روضات الجنات موجود است که جلد هفتم آن بشرح زیر می باشد :

۱- موضوع : فهرست مجلدات شش گانه و خلاصه مطالب کتاب

۲- مؤلف ناشناس از شاگردان سید حجه الاسلام مطابق تصریح خود او در اول صفحه جلد پنجم .

۳- سال تألیف ۱۲۳۴ قمری.

۴- اوراق کتاب (۳۱۰) صفحه .

۵ - تا کنون از این فهرست نسخه دیگری سراغ نداریم و نسخه بخط مؤلف است .

۶ - از خصوصیات این نسخه آنکه قبلا در تملک علامه جلیل فقیه متکلم مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی اصفهانی بوده و در صفحه (۱)

در حاشیه خط و امضای ایشان دیده می شود.

۷- آغاز : اللهم وقفنی لاتمامه بحق محمد و آله صلی الله علیه و آله

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

الحمدلله الذی هدینا الی ما یوجب النجاه من العبادات ووفقنا لما یغفر به الزلات من الخیرات و الصلوه والسلام علی اشرف البریات و اکمل اهل الارض و السموات محمد و آله الذین بموالاتهم تقبل الصلوات و ببزاءه اعدائهم تستجاب الدعوات وبعد فان الله سبحانه من وفور کرمه وجزیل عطائه رزقنا صحبه العلماء والفقهاء ورفع قدرنا بمجالسه الفضلاء والامناء الذین بوجودهم فی زمن الغیبه یسمع الدعاء و ببرکاتهم یرفع البلاء (یرفع البلاء) وبتألیفاتهم یکشف الظلماء جزاهم الله تعالی عن التابعین خیر الجزاء.

انجام : الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین الطیبین الطاهرین المعصومین و استعین به علی اخراج المسائل التی فی المجلد الخامس من مجلداته ادام الله جل جلاله ظلاله و افاداته و جعل افئده من الناس تهوی الیه وجزاه الله سبحانه افضل ماجزی مصنفاً عن تصنیفاتهم بحق محمد و آله الطاهرین وکان الفراغ فی سنه ۱۲۳۴.

توضیح : مرحوم آیت الله حاج میر سید علی نجف آبادی در حاشیه صفحه اول آنجائیکه مؤلف مرحوم سید حجه الاسلام را به (ثانی آیه الله فی العالمین) وصف می کند مرقوم فرموده است : لو ابدله بمقدم علی آیه الله فی العالمین فی ابلاغ الشرع والدین علی اهل المله وقاطبه المسلمین لکان احق بمحرره علی نجف آبادی

ص: ۷۹

وجوب اقامه حدود بر مجتهدین وفقهاءِ در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

علامه طهرانی در الکرام البرره بنام : رساله فی اقامه الحدود فی عصر الغیبه ذکر می کند و این همان رساله حدود و یا الحدود است که سابقا متذکر شدیم .

یکی از مسائلی که در بین فقهاء شیعه مورد بحث ودقت قرار گرفته است

موضوع : جواز و یا عدم جواز اقامه حدود است برای فقهاء در عصر غیبت کبری عده ای از مجتهدین آنرا جائز ندانسته و لکن اکثر قائل بجواز شده اند و عده ای نیز حکم بوجوب (با شرایط خاصی) نموده اند و می گویند :

در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مجتهدین جامع الشرایط مبسوط الید واجب است که اقامه حدود شرعیه نموده و نگذارد احکام وحدود خداوند تبارک و تعالی معطل بماند.

یکی از مجتهدینی که قائل بوجوب بود و خود بدان عمل میفرمود مرحوم سید حجه الاسلام شفنی می باشد در موضوع جواز و عدم جواز اقامه حدود از طرف علماء بزرگوار در طول زمان کتابها ورسائلی تألیف گردیده که مقام گنجایش ذکر اسامی آنها را ندارد .

۵۹ – مناسک حج (رساله در ...)

فارسی مرتب بر یک مقدمه و سه مقصد و خاتمه و در آن واجبات و مستحبات حج را بیان فرموده است .

ص: ۸۰

نسخه ای از این مناسک مورخ بسال ۱۲۵۸ در کربلاء بنظر علامه طهرانی رسیده است (ص بیست و دوم الذریعه) و نسخه ای از آن که بخط زیبا نوشته شده و در پشت آن خط مرحوم سید حجه الاسلام بوده در کتابخانه علامه متتبع محدث قمی رضوان الله علیه بوده است (ص ۴۲۷ دوم فوائد الرضویه)علامه خونساری در روضات الجنات (ص ۱۲۵) در باره این کتاب می نویسد :

از بهترین کتبی است که در این باره نوشته شده و در این روزگار بسیاری از حاجیان مطابق با آن عمل می کنند .

مرحوم حاج سید شفیع جاپلقی بر این رساله حواشی مرقوم (ص ۴۲ یکم احسن الودیعه) نموده است و این کتاب را حاج میرزا فتح الله مرعشی معروف به کیمیائی تستری بامر و دستور حاج سید احمد تستری مختصر نموده و در روز سه شنبه ۴ شوال سال ۱۲۵۸ هجری از آن فراغت یافته است نسخه این مختصر در کتابخانه علامه مفضال حاج سید محمد جزائری موجود است .

آغاز این مختصر : احمده علی کماله واصلی علی احمده و آله (ص ۲۵۷ بیست و دوم الذریعه).

۶۰- مناظره شاه با سید

در کتابخانه آستان قدس رضوی مجموعه ای است بنام : جنگ مفصل به شماره (۴۴۸۵) و آن مشتملست بر مرقعات و بعضی رسایل و تصاویر و احادیث و اخبار و نوشته های مختلف و متفرق به انواع خطوط بتازی و پارسی - خطی و چاپی که اوراقی پراکنده بوده و همه را در یک دفتر بین الدفتین فراهم آورده اند

در جنگ مفصل عنوانیست که در کتابخانه به آن داده شده است و متجاوز از یک هزار برگ است و از محتویات آن :

مناظره شاهنشاه اعلم .... با جناب .... مجتهد العصر والزمان حاجی سید محمد باقر گیلانی است که از صفحه ۱۸ تا صفحه ۲۷ مجموعه و ناقص الاخر می باشد (ص ۲۶۱ یکم از مجلد هفتم فهرست کتابخانه)

نویسنده گوید : ظاهراً این مناظره عبارت از گفتگوها و سخن هائی است که ما بین مرحوم سید حجه الاسلام و محمد شاه در سفر اصفهان نامبرده انجام گردیده است .

فصل پانزدهم:(مسجد سید حجه الإسلام)

اشاره

بی مناسبت نیست که قبل از شروع در این مبحث توجه خوانندگان عزیز را به چند خبر زیر معطوف دارم :

ذکر چند حدیث

۱- عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم :

« من بنی مسجداً ولو کمفحص قطاه بنی الله له بیتاً فی الجنه »

۲ – وعنه صلواه الله علیه و آله :

« من بنی مسجداً فی الدنیا اعطاه الله بکل شبر منه (او قال بکل ذراع منه) مسیره اربعین الف عام مدینه من ذهب وفضه و در وياقوت و زمرد و زبرجد ولؤلؤ..»

۳- وعنه صلواه الله علیه : قال الله تبارک و تعالی :

« ألا ان نبوتی فی الارض المساجد یضئی لاهل السماء کما یضئی النجوم لاهل الارض » (الی آخر الخبر)

۴- و عنه علیه الصلوه والسلام :

« المسجد بیت کلی تقی »

۵ – عن الصادق علیه السلام :

«علیکم باتیان المساجد فانها بیوت الله فی الأرض – الخ .»

ص: ۸۳

شنیدمت که در آفاق نیستت ثانی

چو دیدمت به حقیقت هزار چندانی

وصف مسجد

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال که ذکری از مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام نموده اند در جزو آثار باقیه آن مرحوم نام مسجد سید را برده وهریک بگونه ای از آن وصف نموده و همگان بالاتفاق درباره عظمت بناء وهمت عالی بانی سخن گفته اند.

از آنجمله مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص ۶۴) که در سال ۱۳۰۸ تألیف فرموده گوید:

صحن وسیع و مهتابیها و حوض بزرگ در آن ساخته و گنبدی بقاعده در سمت قبله و دو طرف آن چهل ستون کرده اند و در شبستان مواجه مشرق و مغرب (یکی کو چک و دیگری بزرگ) برای آن ساخته و بر بالای آنها مهتابی وحجرات برای طلبهٔ علم مهیا داشته اند ...

بالجمله مسجد مذکور کمال تعریف را دارد و حکایت همت این سید بزرگ را مینماید و هیچ دخلی به مسجد حکیم ندارد و بدرجات از آن بهتر و خوشنما تر و جامعی نیکو است و از برکت این مسجد پیش روی دروازه های شمالی آن

ص: ۸۴

بازاری درست شده و ببازارچه بید آباد اتصال یافته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۹۶) در ضمن شرح حال مرحوم سید می نویسد :

بنای جامع بیـد آباد بر علوهمتش فریاد میزند زیرا مساجد بزرگی را شاهان متعدد ساخته اند و این مسـجد را آن پادشاه علماء به تنهایی کفالت فرمود .

علامه صاحب روضات الجنات درباره او می نویسد:

حجه الاسلام در میان قاطبه مردم معروف و آثار خیریه او مشهور بود بلکه باید گفت :

دیوان عرف بوجود او مزین و بعنوان او مـذیل بود تنها مسـجد اعظم او که در اصـفهان بنیان شـد شاهد علو مقام و دلیل بر رفعت بنیان او سـت بلکه مسجد مزبور آیتی از آیات ملك و نشانی از نشانه های سلطنت معنوی اوست . (ص ۲۹۰ دوم ترجمه روضات الجنات)

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۹) می نویسد:

(مرحوم سید حجه الاسلام) در محله بید آباد مسجدی بنا کرد که گویا در عالم چنین مسجدی بنا نکردند.

نویسـنده گوید: آنچه در تعریف و سـتایش مسجد سید گفته اند جزئی از حقایق است که نویسندگان بمناسبت ذکر نموده اند مثلا در روضات الجنات وروضه البهیه وقصص العلماء و دیگر کتب فقط ذکری از این مسجد شده و گفته اند مسجد باعظمتی است اما حقیقت آنست که :

محمد دیدن و موسی شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

این مسجد با عظمت را باید از نزدیک مشاهده کرد تا آنچه گفته اند که دلیل بر همت بلند بانی است را برأی العین مشاهده نمود

طول و عرض مسجد

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص ۵۴) طول مسجد را ۹۵و عرض آنرا ۸۵ متر می نویسد ، بنابراین مساحت مسجد از قسمت جنوبی (زیر گنبد و چهلستونها) و شبستانها و صحن و ایوانهای شمالی مسجد (ایوان مقابل مقبره - ایوان زیر گلدسته - ایوان قرینه ایوان مقابل مقبره) جمعاً حدود ۸۰۷۵ متر می گردد .

مرحوم انصاری نیز در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۶) مساحت مسجد را هشت جریب و کسری می نویسد .

درهای ورودی مسجد

در ساختمان مسجد سید برای آن چهار دروازه تعیین شده که سه تای آنها اصلی و یکی فرعی می باشد بدین قرار :

۱- درب سمت جنوب شرقی در جنب حمام دوقلی و تقریباً مقابل کوچه مشایخ بید آباد معروف به درب حمام دو قلی دارای کاشیکاری نفیس و تا قبل از احداث خیابان جنوبی مسجد مهمترین درهای مسجد بشمار میرفت . کاشیکاری و تزئینات از زمان مرحوم حاج سید جعفر فرزند مرحوم سید حجه الاسلام می باشد.

۲ - دروازه در سمت جنوب غربی که کوچکتر از درب اولی بوده و بکوچه فرعی باز میشود . این درب موسوم است به در ملاعلی میرزا (مشار الیه در زمان سید ثانی مؤذن مسجد بوده و دارای صدائی رسا و گیرنده بوده است معروفست که صدای اذان او را هنگام سحر تا مسافت زیادی می شنیدند و شاید از روی

اغراق گفته اند تا قصبه رنان (رهنان) صدای او شنیده می شده است) .

این در نیز دارای کاشیکاری است .

۳- دروازه شمالی مسجد معروف به (در زنجیر) که از موقعیکه خیابان جنوبی مسجد احداث گردید در اصلی مسجد و مهمترین ابواب آن بشمار میرود در جلو آن قبلا جلوخانی کوچک داشت و بعد از احداث خیابان آنرا وسعت داده و به خیابان منتهی ساختند . کاشیکاری آن مربوط به زمان معاصر و تا کنون اندکی ناقصی دارد . درب این دروازه بسیار نفیس و زیبا می باشد و اکنون پس تعمیرات لازم جلوه مخصوص دارد.

۴ - دروازه شمالی معروف به در مقبره که به مقبره سید حجه الاسلام منتهی می شود و بواسطه دو درب کوچک در طرفین به مسجد راه می یابد . (این درب را در فرعی نامیدیم).

زمین مسجد

در کتاب آثار ملی اصفهان . (ص ۶۴۷) به نقل از تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان (ص ۱۷۷) می نویسد که:

. و معروفست که زمین مسجد را در زمان شاه سلطان حسین فتح علیخان اعتماد الدوله وزیر شاه مزبور خریده بود که در آن مسجدی بنا کند ولی در اثر هجوم افغانها موفق نگردید تا اینکه حجه الاسلام شفتی مبادرت به این کار بزرگ کرد .

تذکر : توجه خوانندگان محترم را باین نکته معطوف میدارد که جملات نقل شده است - معرو فست - می گویند - و امثال آن هیچگونه ارزش و مفهومی ندارد

معروفست : در کجا معروف است و چه کسانی میگویند

نقل شده است : ناقل آن کیست

همه اینها مجهول است و از مجهول نتیجه ای حاصل نمیشود آنچه مسلم است آنکه عده ای حاضر نشده اند که بگویند و یا بنویسند مجتهدی بزرگوار بنیان مسجدی بزرگ و استوار نهاده است هر کدام بنوعی نیش میزنند تا این حد که زمین آنرا نیز از ملکیت مرحوم سید حجه الاسلام خارج می کنند

نویسنده گوید : قبل از احداث خیابان شرقی غربی مقابل دروازه زنجیر یعنی در اصلی مسجد سید مقابل این در کوچه ای بود بنام : اعتماد الدوله و عده ای از محترمین و بزرگان محله بید آباد در آنجا سکونت داشتند که ظاهراً از اعقاب و اخلاف اعتمادالدوله بودند و بهمین مناسبت نام خانوادگی خود را اعتمادی نیز قرار داده بودند و معروف این بود که منزل اعتمادالدوله نیز در همین کوچه بوده است .

اگر نوشته : ابنیه تاریخی اصفهان راجع به زمین مسجد هستند به مأخذی مستدل باشد و زمین مسجد را روزانه اول فتح علیخان اعتماد الدوله جهت بنای مسجد تهیه نموده باشد محقق است که آن زمین باندازه زمین مسجد کنونی نبوده بلکه بسیار کوچکتر بوده است و دلیل بر آن مطلب وجود قبر مرحوم میر محمد سعید موسوی بحرینی است در زاویه چهلستون جنوب غربی مسجد که قبر در خانه عالم مزبور بوده وورثه آنجناب خانه را بشرط بقای قبر مرحوم سید حجه الاسلام فروخته اند .

برای آگاهی از وضع ساختمان مسجد طالبین به کتاب نفیس : گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند

ابتدای شروع ساختن مسجد سید

علامه صاحب روضات الجنات شروع ساختمان مسجد سید راحدود دو هزار

و دویست و چهل و پنج می نویسد (ص ۲۹۴دوم ترجمه روضات الجنات) .

مرحوم انصاری در کتاب تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) می نویسد :

ساختمان مسجد آغازش ۱۲۴۰بوده (است).

تکمیل ساختمان و تزئینات و تعمیرات :

اصل ساختمان مسجد سید در زمان حیات مرحوم حجه الاسلام تمام شده و سالها در آنجا اقامه جماعت میشده و در حجرات آن طلاب علوم ساکن بوده وخود آن مرحوم در مدرس مسجد که در روی طاق شبستان بزرگ (شرقی) قرار داشته درس می گفته و ظاهراً محل رسیدگی بامور مردم نیز همانجا بوده است .

لیکن تزئینات کاشیکاری قسمتهائی از مسجد ناتمام مانده بود که پس از وفات او بوسیله :

۱- مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردید و پس از فوت ایشان بقیه تزئینات را

۲- مرحوم حاج سید جعفر کوچکترین فرزند سید حجه الاسلام انجام داد پس از ایشان

۳- مرحوم حاج سید محمد باقر دوم نیز در مقبره مرحوم سید کارهائی از قبیل نصب ضریح وغیره انجام داده و همچنین برای مسجد ساعت تهیه نمود که در بالای ایوان جلو گنبد نصب شد

۴- در زمان مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام نیز تعمیراتی در دهلیز مقابل مقبره انجام شد

۵ - در زمان تولیت مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی سنگ فرش مسجد عوض شده -و در حوض آب وسط مسجد - خوضخانه و طهارتخانه تعمیراتی اساسی

انجام شد همچنین کاشیکاری سر در جنوبی (در زنجیر) شروع گردید لکن تا کنون ناتمام مانده است ، کاشیکاری داخل هشت و دالان مسجد (همین در) نیز انجام گرفت

ائمه جماعت مسجد سید :

در تفسیر ابو الفتوح (ص ۴۷۰جلد پنجم) در تفسیر آیه شریفه « انما یعمر مساجد الله ... » (سوره التوبه آیه ۱۸) می فرماید :

و از جمله عمارت مسجد تعهد او باشد بنماز جماعت و به انبوه نماز گزاران آبادان شود.

در منهج الصادقین (ص ۲۳۰ جلد چهارم) در تفسیر آیه مذکور می نویسد :

مراد آنست که عمارت مساجد در خور کسانیست که جامع کمالات عملیه وعلمیه باشند و از جمله عمارت آن تزئین آنست بفرش و تنویر آنست به سراج و ادامه عبادت و ذکرو درس علوم شریعت در آن وصیانت آن از آنچه بنای آن بجهت آن نباشد چون سخن دنیا نگفتن در آن و غیر از آن ، از حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلم مرویست که : قال الله تعالی : « ان بیوتی فی الارض المساجد و ان زواری فیها عمارها فطوبی لعبد تطهر فی بیته ثم زارنی فی بیتی فحق علی المزور ان یکرم زائره »

بطور قطع و یقین باید گفت یکی از معمور ترین مساجد اصفهان که از بدو ساختمان تا کنون بحمد الله همیشه آباد بوده و جمعیت نماز گزاران آن از حیث کمیت و کیفیت بر بیشتر مساجد اصفهان برتری داشته است مسجد سید حجه الاسلام می باشد .

از برکت وجود این مسجد و تربیت صحیح پیشوایان آن مردم این ناحیه عموما مردمانی وقت شناس وسحر خیز بوده و نماز در اول وقت در مسجد و جماعت را حتی المقدور ترک نمی کنند

وجود مسجد سید و علمای اولاد مرحوم سید حجه الاسلام وحسن آموزش دینی آنان سبب شده است که مساجد نزدیک این مسجد (مسجد میرزا باقر – مدرسه میرزا مهدی – مسجد شیش و غیره) نیز آباد و معمور باشد اینک اسامی ائمه جماعت مسجد به تربیب زمانی:

۱- مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام عطر الله مضجعه الشریف .

۲ – مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی معروف به حجه الاسلام ثانی.

۳ – مرحوم حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام نمازهای صبح را امامت مینموده است .

۴ – مرحوم حاج آقا سید مؤمن فرزند سید حجه الإسلام .

۵ – مرحوم حاج سید جعفر فرزند سید حجه الاسلام .

۶ – مرحوم حاج سید محمد باقر دوم فرزند حاج سید اسدالله .

۷ – مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام فرزند حاج سید جعفر .

۸ – مرحوم آقا سید محمد جعفر معروف به علم الهدی فرزند حاج سید محمد باقر دوم .

۹ – مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر .

۱۰ – مرحوم آقا حسین موسوی بید آبادی فرزند سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی .

۱۱ – مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام فرزند آقا میرزا هاشم .

۱۲ – مرحوم آیت الله العظمی حاج میر سید علی بهبهانی در ایام توقفشان در اصفهان .

۱۳ – مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی فرزند حاج سید محمد باقر دوم

۱۴ – مرحوم حاج آقا میرزا (سید مرتضی) دهکردی

۱۵ – مرحوم موحدی نجف آبادی به نیابت مرحوم آقای شفتی در ایام مسافرت ایشان

۱۶ – مرحوم حاج آقا حسین خادمی مدت سه سال در ایام ماه مبارک رمضان

مراسم احیا شب ۲۳ ماه مبارک رمضان بوسیله مرحوم آقا جمال الدین بن میرزا عبدالرحیم بن آقا سید مؤمن بر گزار می شد .

در حال حاضر ائمه جماعت مسجد عبارتند از :

۱ – حاج سید محمد تقی موسوی بید آبادی نجل جلیل مرحوم آقاحسین علیه الرحمه .

۲ – حاج آقا مهدی شفتی فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه .

۳ – آقای حاج آقا جواد شفتی فرزند مرحوم حاج سید محمد رضا نیز در زمان حیات پدر بزرگوار خود و قبل از انتقال و مهاجرت بطهران مدتی در مسجد امامت مینمودند .

هر موقع یکی از ائمه جماعت مسجد بمسافرت بروند کسیر از اطراف خود به نیابت معین می کنند که هیچگاه نماز جماعت در مسجد تعطیل نشود .

ذکر دو نماز جماعت

بی مناسبت نسیت که از سه نماز جماعت مسجد یادی شود :

۱- نماز جماعت صبح در مسجد بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی در ضمن شرح حال ایشان مفصلا نوشته میشود .

۲- در سالهائیکه مرحوم آیت الله بهبهانی (حاج میر سید علی) بر حسب تجویز طبیب و خواهش حوزه علمیه و تجار و محترمین اصفهان در ایام تابستان به این شهر تشریف می آوردند. مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی لدی الورد و ایشان در ضمن دیدار و احوالپرسی از ایشان دعوت و تقاضا میکردند که شبها جهت اقامه نماز جماعت به مسجد سید تشریف بیاورند (ظهرها در مسجد شیخ لطف الله و بعداً در مسجد شاه اقامه جماعت میفرمودند)

بطور قطع و یقین میتوان ادعا کرد که پس از اعتاب مقدسه که نمازهای جماعت آن همیشه از جمعیت زوار وساکنین زیاد بوده و هست در هیچ کجای از شهرهای اسلامی (بر حسب آنچه مطلعین و سفر کرده ها نقل نمودند) و یا لااقل شهرهای ایران نماز جماعتی بدین اهمیت و کیفیت و کثرت جمعیت منعقد نمی شد مؤمنین و مقدسین از گوشه کنار شهر جهت درک فیض وثواب باین مسجد روی آورده و تمام صحن مسجد از مردم نماز گزار و مأمومین پر می شد

دانشمند بزرگوار آقای حاج شیخ علی دوانی صاحب تألیفات کثیره در کتاب « شرح حال ، آثار و افکار ایت الله بهبهانی » (ص ۵۶) در این باره می نویسد :

کثرت جمعیت برای نماز در پشت سر آیت الله بهبهانی در مسجد سید بقدری بود که واقعاً هر بیننده ای را سخت تحت تأثیر جنبه های معنوی قرار میداد ...

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۴۷) در ضمن بیان حالات مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد:

در مسجد حجه الاسلام در روزی از ایام صیام نماز گزاران بشماره بیست

و دو هزار نفر بودند .

نویسنده گوید: با توجه به موقعیت زمان و کم بودن جمعیت اصفهان و همچنین وجود علماء بزرگوار همچون حاجی کلباسی و دیگران جمعیتی معادل بیست و دو هزار نفر عدد قابل توجهی می باشد و شاید در آن روزها نیز کم نظیر و یا بی نظیر بوده است .

مؤذن مسجد سید

یکی از مستحبات مؤکده در مقدمات نماز اذان و اقامه است که فرموده اند: گر چه مستحب است اما ترک نشود و برخی از علماء بزرگوار (ابن عقیل) آنرا در نماز مغرب و صبح واجب دانسته اند در هر صورت استحباب آن مسلم بوده وفقهاء اسلام در کتب فقهیه برای آن مسائلی بیان فرموده اند طالبین بدانها مراجعه فرمایید .

(اقسام اذان) : اذان غیر از آنچه گفته شد از واجب و مستحب (واجب بر حسب نظریه عده ای از مجتهدین) بر دو گونه است : ۱- اذان اعلامی ۲- اذان نماز واجب (نمازهای مستحبی اذان و اقامه ندارند)

در اذان اعلامی هیچ شرطی غیر از اول دقت بودن در آن معتبر نیست بخلاف اذان نماز که چون مقدمه نماز است قصد قربت در آن شرط است

آنکس که اذان می گوید (برای اذان گفتن معین شده) مستحب است که عادل و بصیر به اوقات اذان بوده و دارای صدائی بلند و رسا باشد و بر مناره یا گلدسته مسجد و یا جائی بلند اذان بگوید که صدایش به مردم برسد.

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند : المؤذنون اطول اعناقاً یوم القیامه (نهج الفصاحه صفحه ۶۲۶ دوم)

مؤذنین مسجد سید تا آنجا که آگهی داریم بقرار زیر می باشند:

۱ – سید علی نقی عرب کاظمینی در زمان مرحوم سید حجه الاسلام .

۲ – ملا علی بن صادق بن ملا علی در زمان سید ثانی (ص ۸۰ بخش اول آتشکده اردستان).

۳ – ملا یوسف بن ملا علی (ص ۸۱ بخش یکم آتشکده اردستان).

۴ – ملا علی میرزا که شغل او کتابفروشی بوده و در زمان مرحوم حاج سید جعفر مؤذن مسجد بوده است .

۵ – میرزا عبد الرحیم فرزند ملا علی میرزا

۶ – حاج میرزا علی حریری بزاز

۷ – میرزا عبدالرحیم بن ملا علی میرزا (چندین سال در خوزستان ساکن بود و در این مدت مرحوم حاج میرزا علی حریری در مسجد اذان می گفت).

۸– آقا محمد حسین

مدرسین مسجد سید

بطوریکه قبلا متذکر شدیم در ساختمان مسجد سید در قسمت شرقی و غربی دو شبستان یکی بزرگ و دیگری کوچک ساخته شده و در روی آن در طبقه دوم چهار عدد مهتابی وسیع و در عقب آنها حجراتی جهت سکونت طلاب ساخته شده است که علاوه بر آنکه مدرسه علمیه سید نیز ضمیمه مسجد می شود بر زیبائی و شکوه آن نیز می افزاید.

در وسط طاق شبستان بزرگ (شبستان شرقی) مدرس یعنی محل تدریس و رسیدگی به امور طلاب بنا گردیده است که نمای داخل مسجد در زیر درب ورودی شبستان و در بالای آن ارسی است و قرینه غربی آن یعنی وسط طاق شبستان

کوچک (شبستان غربی در زیر درب ورودی شبستان و در بالا حجره برای سکونت طلاب بنا گردیده است .

فائده لغوی : کلمه «ارسی » از زمان قاجاریه متداول گردیده و این سنگ ساختن درب با داشتن بالارو (گاهی دو پوسته)مخصوص ممالک سردسیر بوده و از موقعیکه روسیان در امور ایران غیر مستقیم مداخله یافتند یعنی بعد از صلح ننگین ترکمنچای در این مملکت رواج یافت (در آن زمان مردم ایران مردم روسیه را ارس می گفتند و قندارسی و کفش ارسی نیز از همین دوره شهرت و عنوان یافته است)

برگشت بمطلب :

در زمان مرحوم سید حجه الاسلام احتمالا آن مرحوم در محلیکه برای تدریس بنا فرموده بود درس می گفت .

۲ - پس از وفات ایشان مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی در آنجا تدریس میفرموده .

۳ - مرحوم آقا سید مؤمن نجل جلیل سید حجه الاسلام نیز بر حسب آنچه روایت شده در آنجا تدریس می نموده و آقا در حجرات عده ای از فضلاء سکونت داشته اند که علاوه بر تحصیل تدریس نیز می کرده اند از آنجمله است:

۱ - آخوند ملاحسین نائینی از اساتید مرحوم عالم بزرگوار حاج میرزا محمد رضا کلباسی

۲ - شیخ عبدالصمد بن حسین محلاتی اصفهانی از شاگردان مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مرحوم ملاخدابخش (از اساتید فن قراءت و تجوید اصفهانی) از آثار او کتابت مجموعه ای است در فن تجوید و قراءت که در آخر یکی از آنها می نویسد :

تمام شد کتابت این کتاب در یوم دوشنبه شانزدهم شهر شوال المکرم سنه ۱۲۸۴در مدرس مولائی و آقائی حاج سید اسد الله سلمه الله (نسخه در کتابخانه نویسنده موجود است)

۳- مرحوم شیخ عبدالوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از فضلاء معاصرین سالها در دبیرستان علیه (از مدارس جدید) ادبیات فارسی و عربی و فقه تدریس مینمود و در مسجد سید نیز جمعی در خدمت او به تحصیل اشتغال داشتند و مشار الیه از فضلاء و سلسله مشایخ بید آباد می باشد .

مکاتب مسجد سید

تا قبل از تأسیس مدارس جدید در بسیاری از مساجد اصفهان از آنجمله در مسجد سید جهت تحصیل نو آموزان کلاسهائی بود که آنرا مکتب خانه می گفتند(برای دختران نیز مکتب خانه های زنانه زیر نظر بانوانی مسلمان و نسبتاً تحصیل کرده وجود داشت که آنها را: ملاباجی - خانم باجی و غیره می گفتند و در هر محله ای از محلات اصفهان چند عدد از آنها بر قرار بود و تعداد شاگردان آنجا بر حسب شخصیت بانوی مربی و مدرس فرق می کرد و گاهی به هشتاد و نود نفر نیز میرسید که خواندن و اندکی نوشتن می آموختند و عمده مقصود در این مکاتب یاد گرفتن قرآن مجید و کتب ادعیه و برخی از کتب فارسی بود)

این مکتب خانه ها زیر نظر معلمی اداره می شد که معمولاـ آنرا : آخوند - میرزا - جناب میرزا ،.. می نامیدند . در این مکتب خانه ها توجه اسناد به خواندن و نوشتن و حفظ کردن کتب بود .

معمولا مکتب خانه ها به چند دسته تقسیم می شد :

۱ - مکتب خانه های مقدماتی که عموماً کودکان شش یا هفت ساله و بیشتر

در آنجـا بودنـد و بیشتر وقت آنها صـرف یاد گرفتن الف باء و نوشـتن مشق خط و دیکته و انـدکی حساب و سـیاق و یاد گرفتن اصول و فروع دین و آموختن نماز از جنبه دانستن مسائل مقدماتی که مناسب سن و سال کودکان بود و قسمت عمده یاد گرفتن آن از جنبه عملی بود

۲- مکتب خانه های درجه دوم که دانش آموزان آن عموما فارسـی را می خواندنـد و می نوشـتند در این مکاتب و قت محصـلین بـدو قسـمت ممتاز تقسیم میشد:

اول صـبح ها که وقت درس خواندن و درس حاضر کردن بود جناب آخوند شاگردان را یک یک درس می داد و از یک یک آنها درس می پرسـید (صـبح اول وقت درس میـداد و قبل از ظهر درس میپرسـید) در فاصـله این دو کار شاگردان بایـد درسـهای خود را حاضـر کنند و اگر سوالی دارند از معلم بپرسـند شاگردان قوی و نیزهوش به آنها ضـعیف و کم حافظه اند کمک و یاری دهند. در هر حال درس هر روز را همان روز باید امتحان بدهند و به اصطلاح آن زمان : پس بدهند .

بعـداز ظهرهـا موقع نوشـتن دیکته ومشق خـط و مشق سـیاق بود جنـاب آخونـد تمـام دیکته هـا را خود شـخصاً تصـحیح می کرد و مشق هـا را رسـیدگی می نمود و اگر شاگردی صـبح درس خود را حاضـر نکرده بود بایـد بعـد از ظهر حاضـر کنـد و تا امتحان نمیداد اجازه رفتن به خانه نداشت .

البته نماز دانش آموزان زیر نظر مسـتقیم جناب معلم به جماعت برگزار می گردید و شاگردان ضـمن انجام این فریضه مذهبی به مسائل آن نیز اشنا میشدند..

مهمترین مکتب خانه در مسجد سید : مکتب آخوند ملا تقی دهنی بود .

مشـار الیه بطوریکه مرحوم آقـای معزالـدین مهـدوی برادر دانشـمند و بزرگوارم در کتاب : « داسـتانهائی از پنجاه سال » (ص ۱۲) می نویسد صاحب معلومات قدیم و خط وربطش برای تنظیم اوراق شرعی خوب بوده و خطوط را خوب

می نوشته مخصوصاً در خط نسخ استاد بوده است .

برنامه درسی در این مکتب بقرار زیر بوده : ۱- قرآن همه شاگردان باید قران یاد بگیرند و آنرا با رعایت قواعد تجویدی بلند بخوانند . از کتابها : گلستان - بوستان — حافظ - جودی - جوهری - صدیقه الشیعه - حلیه المتقین - حق الیقین - حیات القلوب - تاریخ معجم - شاهنامه و بالاخره معراج السعاده (خواندن این کتابها برای دانش آموزان آزاد بود هر کس هر کتابیرا که داشت و یا میخواست می توانست در نزد استاد بخواند) از کتابهای صرف و نحو عربی حدود جامع المقدمات تدریس می شد

اگر دانش آموزی می توانست از روی کتاب تاریخ معجم (بدون غلط) دیکته بنویسد و کتاب معراج السعاده و یا گلستان را بدون اشتباه بخواند و شرح تصریف و صمدیه را نیز بداند و از عهده امتحان جناب آخوند ملا تقی بر آید از فضلاء مکتب خانه بشمار می آمد و دیگر فارغ التحصیل بود و باید به نزد استاد دیگری جهت تکمیل برود .

استاد دیگر مرحوم آقا شیخ ابو القاسم فره ای عالم فاضل ادیب زاهد واعظ بود که در منزل خود تدریس می کرد .

یکی دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم آقا شیخ عزیز الله بید آبادی

از اعقاب علامه فیلسوف آقا محمد بیدآبادی بود (آقا شیخ عزیز الله فرزند شیخ محمد حسین بن شیخ عزیز الله بن شیخ محمد حسن فرزند علامه حکیم عارف بید آبادی)

دیگر از مکاتب این مسجد : مکتب خانه مرحوم حاج میرزا محمد بود

خطاطین ونویسندگان کتیبه های مسجد سید

کتیبه های مسجد بر دیوار در این نوع است:

۱- کتیبه هائیکه مشتمل بر آیات قرآن کریم بوده مانند :

الف : کتیبه نمای ایوان جنوبی (ده قسمت)

ب : کتیبه داخل ایوان جنوبی

ج: کتیبه داخل گنبد و اطراف هلالها و اطراف محراب و داخل محراب کوچك .

د : کتیبه داخل ایوان جنوبی (زیر گلدسته) و غیرها

۲ – کتیبه های مشتمل بر اسامی خداوند تبارك و تعالی مانند :

یا سامع المناجات . یا مجیب الدعوات . یا من هو خالق لکل شیء . یا قاضی الحاجات و یا کافی المهمات

۳ – حدیث معروف نبوی صلی الله علیه و آله و سلم : و برخی از اذکار

« انا مدینه العلم وعلی بابها » سبحان ربی الا علی و بحمده – سبحان ربی العظیم وبحمده

۴ – اشعار فارسی و عربی در مدح و ستایش مسجد و باقی ساختمان مرحوم سید حجه الاسلام و فرزند ایشان مرحوم حاج سید جعفر که تزئینات و کاشیکاری در زمان ایشان و بامر وی انجام گردیده است

اینك اسامی خطاطین : ۱- اسدالله رجالی در سالهای ۱۳۰۸ و ۱۳۱۱ و ۱۳۱۳ و ۰۱۳۱۸

۲ – محمد باقر شریف آتشی شیرازی از سال ۱۲۵۵ تا ۱۲۹۸ .

۳ – حبیب الله بن محمد ابراهیم فضائلی استاد خط از معاصرین .

۴ – عبد الجواد بن عبدالحمید در سال ۱۲۹۷ . (پدر اسدالله رجائی خطاط معروف)

۵ – کهرنگی و جواد علی کربلائی دو خطاط معاصر دیگر می باشند که

نامشان با نام آقای فضائلی در کتیبه سردر شمالی مسجد سید (در زنجیر) ذکر شده و تاریخ آن ۱۳۷۷ می باشد .

توضیح: محمدباقر شریف آتشی شیرازی خطاط معروف قرن سیزدهم هجری ساکن اصفهان از آثار او در مساجد اصفهان (مسجد سید – مسجد حکیم – مسجد آقا نور و غیره) از سال ۱۲۵۴ تا سال ۱۳۰۸ دیده میشود .

ظاهراً وی غیر از خطاط معروف دیگری بهمین نام : محمد باقر است که او نیز در اصفهان بوده و مرحوم استاد جلال همائی در مقدمه دیوان طرب (ص ۸۸) ذکری از او نموده است و گوید : (با اندکی تصرف)

مرحوم طرب در خط شاگرد میرزای افسر بود ... ومدتها از روی خطوط میر عماد – محمد صالح - آقا محمد باقر سموری ورضاقلی ادیب شیرازی .... مشق کرد

در پاورقی گوید : آقا محمد باقر سموری منسوب به قریه : سمور با تلفظ کسر سین اول از قرای معروف بلوك جی اصفهانست ... از اعاظم نستعلیق نویسان اصفهان در قرن سیزدهم هجری زمان فتح علیشاه و محمد شاه بوده و ناصر الدینشاه را نیز درک نموده .

نمونه خطش سنگ نبشته قبر مادر شاهزاده در تخت فولاد است تاریخ آن ۱۲۴۶یعنی سال فوت دایه سیف الدوله محمد میرزا می باشد.

این دو خطاط هم نام و معروف همچنان در بین نویسندگان تذکره خطاطین مجهول مانده اند

نویسنده محقق آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب « خط و خطاطان» نام چهار نفر خطاط که موسوم به محمدباقر و اصفهانی و یا ساکن اصفهان بوده اند را در قرن سیزدهم ذکر نموده لکن از این دو نویسنده و خطاط با همه اهمیتشان

ذکری نفرموده است آن چهار نفر عبارتند از :

۱ – محمد باقر اصفهانی نویسنده خط نستعلیق ۱۲۲۳

۲ – محمد باقر سپاهانی نویسنده خط نسخ ۱۲۵۹

۳– محمد باقر بن ارنیه جرفاد قانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ ۱۲۴۵

۴ – محمد باقر بن ملا احمد گیلانی مقیم اصفهان نویسنده خط نسخ ۱۲۱۵

اسامی شعرائیکه اثری از آنها در مسجد سید حجه الاسلام باقی است

بطوریکه بعداً در فصل مداحین مرحوم سـید حجه الاسـلام ذکر خواهیم نمود عده زیادی از شعرای زمان مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی در مدح ایشان و بنای مسجد سید اشعاری و ماده تاریخ هائی سروده اند که برخی از آنها در کاشیکاریها نوشته شده و بر دیواره های مسجد نصب گردیده است از آنجمله است :

۱ – بانی شاعری بدین تخلص در قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم در اصفهان میزیسته و او قطعه ای در ستایش حاج سید جعفر بید آبادی و تاریخ کاشی کاری سال ۱۳۰۵ می باشد

مطلع قطعه نامبرده بقرار زیر است :

ایوان این گلدسته را پرداخت از حسن عمل

سید محمد جعفر آن بدر امم صدر ملل

مقطع (پس از چهار سطر یعنی قطعه جمعاً شش بیت می باشد)

تاریخ اتمامش یکی میخواست بانی گفتمش

«گاه نماز آمد بگو:حی علی خیر العمل»

تاریخ ۱۳۰۵ می شود و باید همزه آمد را یک حساب نمود و یاء مشدد (حی)

را نیز ده بحساب آورد.

(درباره این تخلص وشاعر باید تحقیق بیشتری شود)

۲ – طغرل : میرزا علی محمد فرزند میرزا محمود چهارمحالی متولد در ۱۲۷۴ و متوفی در ۱۳ رجب سال ۱۳۳۲شاعر ادیب

از این شاعر در مسجد سید فقط یک ماده تاریخ نقل گردیده است که ظاهراً در مقطع قطعه ای بوده که نقل شده است :

رواج مذهب جعفر چو شد پیدا از این مسجد

بگو تاریخ او طغرل « رواج مذهب جعفر »

(سال ۱۳۱۰) این کتیبه در دو لوحه بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی لاجوردی رنگ در زیر گلدان اسپر بالای کتیبه سر درب جنوب شرقی مسجد قرار دارد . (درب حمام دو قلو)

۳- حاج میرزا فتح الله سراینده اشعار عربی در ستایش مرحوم سید حجه الاسلام و مقبره و تاریخ کاشیکاری ایوان مقابل آن (ایوان شمال شرقی مقابل مقبره) مشتمل بر هشت بیت :

مطلع آن : هنا مصرع العلم و القدس والتقی

هنا مطلع الانوار من جهه العلی

مقطع : سئلت عن التاریخ قال کما بدا

« هنا مصرع العلم و القدس والتقی »

(۱۳۱۳)

۴ – گویندگانی ناشناس که نویسنده نام و نشان و تخلص آنان را نمیداند. این اشعار که بعربی و فارسی سروده شده عموماً در مدح بنا و بانی تعمیرات می باشد بدین شرح :

الف – چهار سطر شعر در داخل ایوان شمالی مسجد کاشیکاری در زمان مرحوم حاج سید جعفر

ماده تاریخ این است :

پا بنه اندر مقامان بهر تاریخش بگو

«صفه مسجد میامد قبله گاه خاص وعام »

(۱۳۰۷ مساوی ۳ – ۱۳۱۰)

ب – نه سطر شعر کتیبه سر در جنوب شرقی (درب حمام دو قلو) از تزئینات زمان حاج سید محمد جعفر

ماده تاریخ این است :

در آن محفل یکی از اهل دل داخل شد و گفتا

بسوی ما گشود ابواب رحمت لطف یزدانی

(۱۳۱۱)

ج – شش سطر شعر کتیبه در اطراف حاشیه های اسپرهای طرفین همین سردر از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر رحمه الله علیه

ماده تاریخ این است : هاتفی از پی تاریخ ندا داد زغیب

فتح الباب الی الجنه امناً للناس

(۱۳۱۱)

د – سه سطر شعر کتیبه در دو اسپر طرفین سر درب جنوب غربی (درب ملا علی میرزا)

از آثار دوره تولیت مرحوم حاج سید محمد جعفر علیه الرحمه .

ماده تاریخ آن چنین است:

ص: ۱۰۴

یکی ز غیب بتاریخ آن در آمد و گفت

گشود باز خدا باب کعبه اجلال

(۱۳۱۱)

ه - هلال : آقا محمد حسین فرزند آقا محمد علی مذهب (صاحب تذکره یخچالیه و غیره) تخلص او هلال وهمت بوده و ظاهراً اوایل قرن چهاردهم هجری را نیز درک نموده است

از آثار او در مسجد سید حجه الاسلام پنج بیت شعر است که در بالای اسپرهای در طرف ایوان جنوبی (ایوان مقصوره - ایوان زیر ساعت) بخط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوری نوشته شده است .

ماده تاریخ آن چنین است :

چو شد معمور این معبد هلال از بهر تاریخش

بگفتا : « شد بنای کعبه ثانی باصفاهان »

(۱۲۵۵)

اسامی کارگران و هنرمندانی که نامشان در کتیبه های مسجد سید حجه الاسلام ذکر شده است

اسامی این دسته افراد را بپاس خدمت آنان به مسجد یعنی پایگاه توحید وهمچنین بخاطر هنرمندی آنان ذکر می کنیم

۱- آقا جان کاشی پز سال ۱۲۹۹ .

۲ - محمد اسماعیل (ظاهرا حجار).

۳- حاجی اسماعیل حجار سال ۱۳۰۹.

۴ – حسن بن حسینعلی حجار سال ۱۳۰۹ .

۵ – حسن بن استاد علی کاشیکار .

۶- حاجی سید حسین موسوی زاده کاشی ساز .

۷- مشهدی حسینعلی خادم سال ۱۳۰۸ .

۸ – استاد محمود نجار .

۹ – معصوم کاشی پز سال ۱۲۵۵ .

۱۰ – میرزا هاشم نقاش بر حسب نقل نبیره ایشان کلیه نقاشیهای روی کاشی مسجد از مشار الیه می باشد .

ص: ۱۰۶

یکی از مستحبات فراموش شده

(اعتکاف)

(تعریف) : اعتکاف عبارتست از توقف کردن و ساکن بودن بمدت سه روز یا بیشتر با شرائط خاص آن در مسجد جامع بقصد قربت و عبادت .

اعتکاف یکی از عبادات مستحبه ومؤکده است و برای آن از طرف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام اجر و پاداش زیادی نقل گردیده است . از آنجمله :

عن النبی صلی الله علیه و آله و سلم : اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان یعدل حجتین و عمرتین . یعنی (ثواب) اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان برابر است با (ثواب) دو حج و دو عمره (ص ۲۱۷ جلد دوم سفینه البحار)

اعتکاف را در هر وقتی میتوان انجام داد و بهترین اوقات آن ده روز آخر ماه مبارک رمضان است .

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمودند : رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک سال ده روز اول ماه رمضان

را اعتکاف میفرمود و در سال بعد ده روز وسط را در سال سوم جنگ بدر واقع شد و بمناسبتی سالهای بعد همیشه ده روز آخر ماه را معتکف بود (در سال بعد از جنگ بدر بیست روز اعتکاف نمود ده روز قضای سال قبل و ده روز برای همانسال)

اعتکاف از اعمال مستحبه است و ممکن است به نذر و عهد و قسم وعلل دیگر واجب گردد و روزه از شرایط آنست و روزه روز سوم آن واجب است ،

جهت اگهی از مسائل اعتکاف طالبین به کتب فقهیه مراجعه فرمایند .

(علت تعطیل موضوع اعتکاف) :

برای این موضوع میتوان علل زیادی نام برد لکن مهمتر از تمام آنها بسته شدن درهای مساجد بزرگ (و حتی مساجد کوچک) است در زمان حکومت سابق.

درب بسیاری از مساجد بزرگ را بعنوان : آثار ملی و باستانی بستند و حتی از نماز جماعت در آن جلوگیری نمودند و خویشتن را مشمول آیه شریفه « ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر فیها اسمه » نمودند.

تا قبل از آن تاریخ رفت و آمد در مساجد آزاد بود و مؤمنین و مقدسین بدون هیچگونه مانع میتوانستند گاه و بیگاه به مسجد رفته و بعبادت مشغول شوند و وجود اطاقها در مسجد شاه و مسجد حکیم ومسجد سید علاوه بر آنکه محل سکونت طلاب و دانشجویان علوم دینی بود برای شب زنده داران و معتکفین نیز جایگاه مناسبی بود که در زمستان از سرما و در تابستان از گرما و در تمام دوره سال از دید بینندگان آنان را نگاه می داشت . خداوند متعال میفرماید :

فادعواربکم تضرعاً وخفیه

(مساجد جامع اصفهان) : علامه مجلسی رضوان الله علیه در زاد المعاد در بیان مکان اعتکاف پس از نقل اقوال مختلف می فرماید و ظاهراً در هر مسجد جامعی

ص: ۱۰۸

اعتکـاف توان کرد و مراد مسـجد جـامع مسـجد بزرگی است در بلادی که در آنجا نماز جماعت می کننـد و مخصوص محله نباشـد و از اکثر محلات شـهر به آنجا برای اقامت جمعه یا جماعت حاضـر شوند مگر متعدد باشد مثل مسـجد جامع عباسـی و مسـجد جامع قدیم در اصفهان و سایر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد محل تأمل است .

نویسنده گوید : مسجد عباس آبادی که علامه مجلسی علیه الرحمه ذکر میفرماید اکنون خراب شده و امروز اثری از آن باقی نیست .

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان فی تعریف الاصفهان (ص ۶۰) بخلاصه می نویسد :

در اصفهان چهار صد مسجد جامع بزرگ و یک مسجد قابل ذکر هست .

۱ – مسجد جامع عتیق که مخصوصاً به مسجد جامع (جمعه) موسوم است

۲ – مسجد جامع عباسی که به مسجد شاه معرو فست (ص ۶۲)

۳ – مسجد جامع سیم مسجد موسوم و مشهور به مسجد حکیم است (ص ۶۴)

۴ – مسجد جامع چهارم مسجدی است که مرحوم حاجی سید محمد باقر مجتهد رشتی رحمه الله در محله بید آباد ساخته است.

فصل شانزدهم :(در ذکر اسامی برخی از شعراء و مداحین)

اشاره

(از مرحوم سید حجه الاسلام بید آبادی)

مدیحه سرائی و ستایش از پادشاهان ووزراءِ و بزرگان بمناسبت شخصیت اجتماعی آنان یکی از روش های معمول شعر ای زمان بوده و نام بسیاری از افرادی که بنحوی در اجتماع مؤثر بوده اند باقی مانده است.

اشعار مدیحه روزانه اول مربوط به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و خاندان عصمت و طهارت و اهل بیت بود - پادشاهان ووزراء صاحبان قدرت را نیز می ستودند حکام و فرمانروایان را مدح می گفتند و در این دو مورد اخیر (مدح سلاطین ووزراء و حکام و فرمانروایان) راه مبالغه و گزاف می پیمودند و اغلب آنان را بصفاتی بر خلاف صفات ذاتی آنان مدح میکردند .

از این مراحل گذشته علماء و دانشمندان را نیز بخاطر مقام علمی و خدمات دینی و فریاد رسی از مظلومین در برابر ستمگران وجود و بخشش و دیگر صفات

ص: ۱۱۰

ممتازه مدح می گفتند شرح این موضوع خود کتابی مفصل است طالبین به مآخذ ومصادر لازم مراجعه فرمایند .

برخی از تـذکره نویسان مجموعه ای از این مدایح و ستایش ها که جهت فردی گفته شده است را در کتابی گرد آورده اند از آنجمله در قرن سیزدهم یعنی در دوران زنـدگانی مرحوم حاج سید محمـد باقر شـفتی و بعـد از آن چنـدین تذکره در همین موضوع گرد آمده که اینک بنام برخی از آنها اشاره می شود :

۱ – تذکره ثمر تألیف سید حسن ثمر نائینی متوفی بسال ۱۲۸۲ و آن شرح حال چهل نفر از مداحین حاج محمد حسین خان صدر اعم اصفهانی است . نسخه خطی آن بشماره (۸۹۸) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است (ص ۴۷ تذکره الاطیاب)

۲ – تذکره لطایف المدایح و ظرائف المناقب تألیف میرزا محمد اشراق بروجردی در سال ۱۲۳۸ تألیف شده و حاوی احوالات و شرح حال ۴۴ نفر شـعرائی است که محمد تقی میرزا حسام السلطنه متخلص به شرکت فرزند فتح علیشاه و حاکم بروجرد را ستایش کرده اند (ص ۵۹ تذکره الاطیاب تألیف فاضل محترم آقای محمد حسن رجائی زفره ای)

۳- گنج شایگان تألیف میرزا طاهر شعری بید آبادی بچاپ رسیده است

۴ – مآثر الباقریه تألیف میرزا محمـد علی وفا زواره ای اصـفهانی و در آن شـرح حال و نمونه اشـعار عـده زیادی از شـعراء و گویندگانست که بعربی و فارسی در مدح مرحوم حجه الاسلام شعر گفته اند .

۵ – مدایح احتشامیه تألیف میرزا نصر الله شهاب لادی اصفهانی .

۶ – مدایح امینیه تألیف سید عبد الباقی اصفهانی و در آن شرح حال بیشتر

از هفتاد نفر شاعر و نمونه اشعار آنها می باشد که حاج محمد حسین خان امین الدوله اصفهانی را مد ح گفته اند تاریخ تألیف ۱۲۲۲ نسخه بخط مؤلف بشماره (۲۹۶۹) در کتابخانه دانشگاه و نسخه دیگری بشماره (۵۵۶۴) در کتابخانه مجلس شورای ملی در طهران موجود است . (ص ۲۴۲ بیستم الذریعه) این کتاب بنام مدایح حسینیه و تذکره باقی نیز نامیده شده است .

۷ - مدایح حسامیه مجموعه قصائد شعرائی است که حسام السلطنه و الی فارس را مدح گفته اند نسخه آن بشماره (۵۳۸۷) در کتابخانه ملک در تهران موجود است (ص ۲۴۳ بیستم الذریعه)

۸- مدایح الخاقان تألیف محمد صادق همای مروزی و در آن اشعاری که در مدح فتح علیشاه قاجار گفته شده است را جمع آوری نموده کتاب بنام زینه المدایح نیز خوانده می شود (ص ۹۵دوازدهم و صفحه ۲۴۳ بیستم الذریعه)

۹ - مدایح سعیدیه مجموعه سی و دو قصیده است که شعراء فارس و غیره در مدح سعید السلطنه امیر تومان و سردار کل عساکر سروده اند . نسخه بشماره (۵۱۰۳) در کتابخانه ملک در تهران موجود است (ص ۲۴۳بیستم الذریعه) .

نویسنده گوید : فتح الله خان سعید السلطنه فرزند میرزا رفیع نظام العلماء تبریزی است در ۱۲۸۸ متولد و در ۱۳۴۵در طهران وفات یافته در دز آشوب مدفون گردیده شرح حالش بطور اجمال در کتاب شرح حال رجال ایران در سه قرن اخیر مذکور است (ص ۱۷۴ پنجم) .

* مدایح السلطان (مثنوی مدایح السلطان از عوفی شاعر معروف (ص ۲۹۰ نوزدهم و صفحه ۲۴۳ بیستم الذریعه) از موضوع بحث ما خارج است .

۱۰- مدایح معتمدیه از میرزا محمد علی بن ابیطالب مذهب اصفهانی متخلص به بهار و در آن شرح حال و نمونه اشعار هشتاد و هفت نفر شاعر که معتمد الدوله

منوچهر خان گرجی راستایش نموده اند جمع آوری کرده است و یراکتاب دیگری است بنام : تذکره یخچالیه که بچاپ رسیده است . در نسخه دانشکده ادبیات تهران تعداد شعراء ۹۹ نفر می باشد .

۱۱ – مدایح المؤیدبه (تذکره) و آن اسامی شعراء و نمونه اشعار کسانی است که طهماست میرزا مؤید الدوله قاجار متخلص به سرور فرزند محمد علی میرزا دولتشاه را مدح گفته اند (ص ۶۱ تذکره الاطیاب) فوت مؤید الدوله در سال ۱۲۹۷ بوده و او را « فقیه القاجار » لقب داده اند و کتاب فقه مؤیدی از تألیفات اوست برای شرح حالش به کتاب: شرح حال رجال ایران (ص ۱۹۵ دوم) مراجعه شود .

بیان مؤلف قصص العلماء :

مرحوم تنکابنی علیه الرحمه در قصص العلماء (ص ۱۴۵) می نویسد :

در مدایح او آنقدر از قصاید از عرب و عجم گفته اند که جمع کردند و آن دیوان بزرگی شد که یک مصرع از اشعار عربی که در مدح او ساخته اند :

أنا الذی احتاج ما یحتاجه (می باشد)

یعنی من به لفظ (الذی) می مانم چنانکه او احتیاج به صله دارد. من هم احتیاج بصله و انعام دارم .

اینک اسامی برخی از شعراء که آن مرحوم را مدح گفته اند :

۱– سید محمد ابراهیم موسوی

سراینده یازده بیت در تقریظ کتاب : مطالع الانوار و آنها را روی برگ اول جلد دوم مطالع الانوار نسخه شماره (۱۹۱۳) کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی نوشته است . (ص ۲۸۵ پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی – قم).

۲ – اختر

قصیده ای در مدح آن مرحوم سروده و آنرا در پشت کتاب : عدم

جواز شرب قلیان در ماه رمضان تألیف محمد صادق بن محمد حسن طهرانی از علماء قرن سیزدهم هجری نوشته است . نسخه به شماره (۱۶۴) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۵۳یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

نویسنده گوید : احتمالا شاعر مذکور : احمد بیک (احمد) فرزند فر امرز بیک گرجی متخلص به اختر و مؤلف کتاب : تذکره اختر می باشد وی در سال ۱۲۳۲ قبل از آنکه تذکره خود را بپایان رساند وفات یافته است کتاب تذکره اختر بچاپ رسیده است .

۳– علامه فقیه زاهد مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی

مؤلف روضات الجنات شاگرد و مجاز از مرحوم سید حجه الاسلام دو قصیده عربی در مدح سید حجه الاسلام و مرثیه او و تاریخ وفات سروده که یکی از آنها را خود در روضات الجنات نقل فرموده و دیگری را دانشمند بزرگوار نویسنده محقق آقای حاج سید احمد روضاتی در مقدمه رساله النهریه ورساله میزان الانساب از بیاض آن مرحوم نقل نموده انـد که بعداً در فصل مربوط به وفات مرحوم سـید حجه الاسـلام قسـمتی از آنرا نقل خواهیم کرد .

۴– بیدل :

ملا قربانعلی قزوینی شاعر ادیب .

۵ – جوهری :

محمد ابراهیم بن محمد باقر قزوینی مؤلف کتاب معروف طوفان البکاء در مصیبت و مقتل بفارسی و متوفای سال ۱۲۵۳ هجری قمری در موقع تسـطیح قبرسـتان خوشبختانه قبر وی در گوشه زمینی قرار گرفت که جهت ساختن مدرسه در اختیار تاجر دیندار مرحوم حاج ابوالقاسم تبریزی واگذار شده بود تاجر نامبرده قبر را همچنان محفوظ نگاهداشته و جهت او اطاقی ساخت که به کوچه مجاور راه دارد و این از اثر خلوص نیت مرحوم جوهری و دیانت

حاجی نامبرده است .

وفات مرحوم جوهری در سال ۱۲۵۳رویداده و اعقاب واحفادش تا کنون بهمین شهرت (جوهری) در اصفهان معروفند . ماده تاریخ وفات او را میرزا محمد باقر بهار گوید :

کلک سحر انگیز او بنوشت این مصرع تمام

« همره سلطان دین آید بمحشر جوهری »

۶ – خلف :

مرحوم میرزا سلیمان خان فرزند محمد کاظم در سال ۱۲۵۴در شیراز متولد گردیده و از سال ۱۲۸۱ تا آخر عمر در اصفهان ساکن و نایب الحکومه و پیشکار ظل السلطان حاکم اصفهان بوده خدماتی از قبیل ساختمان مسجد و تکیه و تعمیرات در مساجد و مدارس و چاپ قرآن و زاد المعاد و جامع عباسی و صحیفه مبار که سجادیه و غیره نموده سرانجام در سه شنبه ۷ جمادی الاولی سال ۱۳۳۱ وفات یافته در اطاقی مخصوص در طرف چپ وارد شونده به مسجد او در اول تخت فولاد مدفون گردید .

اشعار مرثیه و ماده تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام که بر لنگه چپ درب ضریح آن مرحوم بخط نستعلیق طلائی نوشته شده است از وی می باشد (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجه الاسلام نقل می شود).

۷ – سروش : محمد علی فرزند قنبر علی سدهی اصفهانی ملقب به شمس الشعراء از نسل میر یار احمد نجم ثانی خوزانی در سال ۱۲۲۸ متولد شده و در ۱۲۸۵وفات یافته است . دیوانش بچاپ رسیده است .

سروش مرحوم سید حجه الاسلام را در چندین قصیده مدح گفته است از آنجمله :

قصیده اول در هیجده بیت مطلع آن :

بر سپهر قدر دیدم گشته برج دین عیان

و اندر آن دیدم فروزان اختری خورشید سان

قصیده دوم سیزده بیت مطلع آن این است:

تا شکر آن شیرین سخن زان لعل گویا ریخته

دلها بدورش چون مگس بر گرد حلوا ریخته

قصیده سوم ۲۶ بیت و قصیده چهارم سی بیت طالبین بدیوان مطبوع او مراجعه کنند .

۸– عبد الکریم بن محمد اسماعیل (اصفهانی) شاعر – ادیب – خطاط نقاش از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام از آثارش ده بیت شعر در پشت جلد اول مطالع الانوار در تقریظ کتاب ومدح مؤلف نوشته شده است . در پشت جلد در اول کتاب نوشته است:

هست این کتاب مخزن اسرار کردگار)

انوار حق زمطلع انوارش آشکار

از خازن ریاض هدی آسمان فیض

گلزار دین و روحیه اسلام را بهار

قطب سماء ملت و دین باقر العلوم

سالار موسوی نسب وسید کبار

فخر انام وقدوه ناس و پناه خلق

مهر سپهر شرع مبین عالم وقار

فرموده زان مطالع الانوار نام آن

کش شرق تا بغرب سپهریست نوربار

و در قسمت داخلی پشت جلد در آخر کتاب نوشته است :

رمزی نهاده و عدم آورده در وجود

نقشی کشیده و قلم صنع را نگار

عبد الکریم کاتب آن مخزن علوم

بر پای این خزانه اسرار جان نثار

خطی در آن نوشته که یا قوت از آن خجل

برده هم از طلای تجلی در آن بکار

ص: ۱۱۶

جلدی بر آن صحیفه زده چون در بهشت

نقشی بر آن کشیده که مانی از آن فکار

رنجی کشیده زین همه صنعت بدست خویش

گنجی ربوده زین همه همت بروزگار

۹- عشرت فسائی

در فصل مربوط به وفات حجه الاسلام ذکر می شود .

۱۰ – حاج میرزا فتح الله بن میرزا کوچک میر محمد صادقی حسینی

ادیب شاعرو گوینده ماهر بفارسی و عربی شعر می گفته و اشعار ماده تاریخ وفات مرحوم علامه فقیه آقا میرزا محمد باقر چهار سوقی (۱۳۱۳) از مشار الیه می باشد .

از آثارش هشت بیت عربی است که در ایوان جلو بقعه مرحوم سید حجه الاسلام در شمال مسجد سید بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط مرحوم میرزا اسد الله رجالی خطاط معروف مورخ بسال ۱۳۱۸ کتیبه شده است . بدین شرح :

هنا مصرع الحلم والقدس والتقی

هنا مطلع الانوار من جهه العلی هنا بیت معمور وواد مقدس

وجنت عدن انزلت جانب الثری

هنا معدن التقوی وکنز فتوه

هنا مخزن التوفیق والرشد والهدی

ایا قبه النور من فیك ضاجع

أباقر علم الله أم ایه النهی

ایا قبره ان الذی قد صمنته

لحجه الاسلام و منتخب الوری

نضمنت بحر الجود والعلم والکرم

وواریت نور الله فی اظلم الدجی

وزینها بالنقش سید ولده

ابو جعفر السامی مقتدی الوری

سئلت عن التاریخ قال کما بدا

هنا مصرع الحلم والقدس والتقی

(۱۳۱۳)

۱۱- کفاش شاعر اصفهانی

ص: ۱۱۷

از آثار او سه ماده تاریخ در اصفهان موجود است .

۱- دو ماده تاریخ درباره بنای بقعه مرحوم سید حجه الاسلام و تاریخ وفات آن بزرگوار که در دو ضلع شمال وجنوب گوشواره غربی داخل بقعه مرحوم سید حجه الاسلام بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید گچبری شده است (اشعار در فصل مربوط به بقعه مرحوم سید حجه الاسلام نوشته می شود) تاریخ آن ۱۲۶۰ ه.ق

۲ - تاریخ تعمیرات عمارت عالی قاپو مورخ بسال ۱۲۷۴ ه.ق

۳- ماده تاریخ وفات ملا اسماعیل ثانی خواجوئی مورخ بسال ۱۲۸۲ ه.ق در تخت فولاد اصفهان .

نام و نشان مرحوم کفاش در تذکره های شعراءِ قرن سیزدهم دیده نمی شود لکن نسخه ای از دیوان اشعارش بشماره (۸۵) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۸۹ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی) این دیوان حاوی هفت هزار بیت شامل: مثنوی و ترجیع بند ، ترکیب بند ، مراثی، نضمین اشعار سعدی و حافظ و یغما و دیگران و قصاید در تاریخ می باشد در ۲۵۶برگ و هر برگ ۱۴ سطر .

آغاز دیوان :

نخستین بنام خداوند پاک

که ما را بر انگیخت از آب و خاک

علیم و عظیم و قدیم وودود

نگارنده آسمان کبود

۱۲- گوینده ای ناشناس

قصیده ای بعربی در مدح سید حجه الاسلام شفتی سروده و خود نیز آنرا بفارسی شرح نموده است . نسخه بشماره (۴۸۶۰) در کتابخانه آستان رضوی موجود است .

آغاز : الحمدلله الباریء الرزاق و الصلوه والسلام علی محمد و آله ذوی الارتقاء و الاستباق .

ص: ۱۱۸

انجام : الذینهم آل طه و یس آمین یا رب العالمین .

نسخه بخط نسخ و نستعلیق تحریری: علی اکبر بن محمد کریم سالیانی گیلانی مورخ ۱۷ ربیع الثانی ۱۲۶۲ . نسخه در ۱۹ برگ (ص ۶۲۰قسمت دوم مجلد هفتم فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی).

۱۳ – گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بعربی در جزو کتیبه های مسجد ذکری از او شد.

۱۴ – گوینده ای ناشناس

سراینده اشعاری بفارسی در جزو کتیبه های مسجد مذکور گردید .

۱۵– حاج ملا علی نوری حکیم معروف.

در قصص العلماء (ص ۱۵۰) می نویسد : در وصف مسجد سید اشعاری گفت و برای سید حجه الاسلام فرستاد. مرحوم سید فرمود: من چیزی قابل برای جایزه این اشعار ندارم و اگر ما یملك خود را نثار این اشعار نمایم کم است .

۱۶ – وفا زواره ای:

مرحوم میرزا محمد علی بن سید محمد بن میرزا احمد بزرگ بن میرزا رفیعا بن زین الدین (ضیاء الدین) ابن علی بن محمد بن کمال الدین حسین طباطبائی زواره ای در ۲۹ صفر سال ۱۱۹۵در اصفهان متولد گردیده و در این شهر تحصیلات خویش را بپایان رسانیده و بسرودن اشعار پرداخته و به ستایش شاه وصدر اعظم و دیگران اشتغال جسته و از اینرو مورد عنایت و توجه همگان قرار گرفته از آثار او غیر از دیوان اشعار کتاب : مآثر الباقریه که در آن مدایحی را که شعراء درباره مرحوم سید حجه الاسلام سروده اند را جمع آوری نموده است و آن خود تذکره ای از شعرای معاصر او یعنی شعرای قرن سیزدهم می باشد نسخه این تذکره در کتابخانه علامه مفضال ومحقق ارجمند جناب آقا سید محمد محیط طباطبائی در طهران موجود است .

مرحوم وفای زواره ای در ماه صفر سال ۱۲۴۸در اصفهان در مدرسه کاسه گران وفات یافته و در تخت فولاد در داخل بقعه میرزا رفیعاء نائینی مدفون گردید (ص ۴۹۱ سوم آتشکده اردستان).

در آتشکده اردستان (ص ۴۹۶ سوم) قصیده مشتمل بر ۱۹ بیت در مدح مرحوم سید حجه الاسلام از او نقل می کند بدین مطلع :

این سال پنجه است که شد در جهان پیر

جان فکار زار به زندان تن اسیر

تا آنجا که گوید :

نه یک تن از ثوائب دهر است پایمرد

نه یک کس از شداید چرخ است دستگیر

جزسروری که منکر و معروف دهر را

قهرش بود نذیر و بود لطف او بشیر

یعنی سمی قبله پنجم که از ازل

آمد معین ملت و اسلام را ظهیر

گیتی زملک عزت او کلبه ای حقیر

گردون زکاخ رفعت او یله ای قصیر

در عرصه خیال نگنجد مدیح او

دریا چگونه جای توان داد در غدیر

۱۷ – هلال :

آقا محمد حسین در فصل مربوط به مسجد سید نام او منکور گردید .

۱۸ – هما شیرازی اصفهانی

مرحوم رضا قلی خان هما شاعر عارف معروف در مدح و مرثیه مرحوم سید حجه الاسلام قصایدی سروده که در دیوان او بچاپ رسیده و از آنجمله قصیده ای از آن در بقعه مرحوم حجه الاسلام کتیبه شده است.

قصیده مرقوم شامل ۷۴بیت و قصیده دیگر در ۵۵ بیت – قصیده دیگر شامل ۵۳ بیت قصیده چهارم شامل ۴۲بیت پنجمین قصیده شامل ۲۷ بیت.

مطلع قصیده کتیبه شده در داخل بقعه :

قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

۱۹ – میرزا مهدی یموت زواره ای

برادر مرحوم وفا زواره ای سابق الذکر از معاصرین سید حجه الاسلام بوده و در این شهر میزیسته و هم در اصفهان وفات

ص: ۱۲۰

یافته در قبرستان آب بخشان که در دوره حکومت قبل تسطیح گردیده و اکنون به نام میدان شهداء معروفست مدفون گردید (ص ۲۳۳ رجال اصفهان) در آتشکده اردستان (ص ۵۱۵ سوم) ویرا عنوان نموده و نمونه ای از اشعارش در آنجا ذکر نمی کند.

واما از شعرای معاصر :

۱ – صغیر اصفهانی

مرحوم آقا محمد حسین شاعر معروف دیوان اشعار و کتاب مراثی او بارها در اصفهان و تهران بچاپ رسیده است .

مرحوم صغیر در موقع تعمیرات داخل رواق بقعه مرحوم سید حجه الاسلام اشعاری سروده که بر دیواره درب ورودی بقعه کتیبه شده است بدین شرح : آنکه این مسجد زیمن همتش بر پا بود

تا قیامت آستانش قبله دلها بود

زین بنا باشد صفای باطن بانی پدید

باطن جنت بلی از ظاهرش پیدا بود

کرد آباد این جهان و آن جهان را زین بنا

مسجد اینجا و بهشت جاودان آنجا بود

حوض آبش میدهد گوئی خبر از سلسبیل

صحن آن چون ساحت فردوس روح افزا بود

گنبد پر نقش و ایوان رفیعش بین چسان

از بلندی طعنه زن بر گنبد خضرا بود

گر گشائی گوش جان گلدسته اش روز و شبان

خلق را داعی بسوی خالق یکتا بود

همچو طرف گلشن از هر صفه اش نقشی بدیع

می کند جلب نظر بس دلکش وزیبا بود

هر بنا باشد برای حق گر از حق نگذری

بهر بانی بهتر از دنیا وما فیها بود

جنه ابر همت این سید عالی نسب

کز شرافت افتخار دودهٔ طاها بود

نام نیکش باقر و کنز علوم دین وشرع

شرح احوالش رقم بر صفحه دنیا بود

تا قیامت گشت اندر مسجد خود معتکف

بندگی را باید اینسان بنده ها بر جا بود

جلوه حق کرده مدهوشش تو گوئی تا ابد

او بود موسی و این بیت الشرف سینا بود

مجری احکام جدش مصطفی بی خوف وبیم

پور موسی شبل حیدر زاده زهرا بود

گفت این تاریخ در تعمیر در گاهش صغیر

حکم سید نشر شرع سید بطحا بود

(۱۳۶۸)

۲ – مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

فرزند مرحوم حاج شیخ محمد باقر واثق فرماید :

لهفی لفقدان مولی اعطی النعما

العلم والمال والترویج والکرما

السید الحجه الاسلام فی الزمن

و باقر منه کان الشرع منتظما

یدعوا لاله ویبکی وتهجده

یجری الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً فی اصفهان بنی

یعد تا لله فی الغبراء منعدما

میراث اولاد زهراء استرد لهم

من غاصبی فدک فی طوفه الحرما

ص: ۱۲۲

الموسوی الذی قد عاش حضرته

فی مذهب الجعفری شاخصاً علما

راحت الی الروح روح منه ثاویه

و استوطن الخلد بالاجداد معتصما

بدر المضیء مضی شمس العلما افلت

من موته صار حبل الدین منقصما

بحر السخاجف عین الدهر باکیه

فقال بالفضل عند الله مستسما

نجم الهدی غاب کنز المجد یستتر

ویعجز المدح عنه اللوح والقلما

و کوکب القدس والتوحید منتشر

فی فوته فتری الاسلام ملتطما

یا نیر اکتبه للتاریخ من سنته

« من فقد سیدنا رکن التقی هدما »

(۱۲۶۰)

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد

لدی التشرف فیها جنه ارما

لما انقضت مأه من عام رحلته

بالامر من سبطه تغییر ختما

اشعار فوق بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی بخط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی بخط مرحوم نیر سراینده اشعار کتیبه شده است و مراد از سبط مرحوم سید که در شعر آخر بآن اشاره شده است مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری متولی مسجد می باشد که شرح حالش در اولاد و اعقاب مرحوم حجه الاسلام مذکور خواهد شد.

مطلع اشعار که در کتاب معادن (ص ۲۳ جلد یکم) ذکر نشده از اینقرار است :

روض قدسی ام هنا جنات عدن سرنا

قف لک البشری وزر من فیه تلت المنی

فصل هفدهم: (وظات – محل دفن)

اشاره

(ماده تاریخها ومرثیه ها)

سئل رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم :

کیف یتوفی ملک الموت المؤمن ؟ فقال :

ان ملک الموت لیقف من المؤمن عند موته موقف العبد الدلیل من المولی فیقوم هو واصحابه لا یدنوا منه حتی یبداء بالتسلیم ویبشره بالجنه .

(ص ۲۱۸ مجموعه تاج نقل از بحار الانوار)

ص: ۱۲۵

حدیث

از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند :

« اذا مات المؤمن الفقیه ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شییء ».

چون مؤمن دانشمند و فقیهی بمیرد در اسلام سوراخ و شکستی پدید آید که هیچ چیز آنرا اصلاح و ترمیم نمی کند (اصول کافی باب فقد العلماء حدیث ۲)

و هم از آنحضرت روایت شده است که فرمودند :

« ما من أحد یموت من المؤمنین أحب الی ابلیس من موت فقیه » .

مرگ هیچ مؤمنی نزد ابلیس خوشایندتر از مرگ دانشمند فقیه نمی باشد . (اصول کافی - باب فقد العلماء حدیث ۱ و ۴)

آری چرا چنین نباشد این علماء و دانشمندان دینی و روحانیون حقیقی و واقعی هستند که از اسلام حمایت نموده و با ادله علمی شبهات مخالفین و معاندین را جواب می گویند و چون بمیرند یکی از سنگرداران اسلام از دست رفته و در دیوار محکم اسلام سوراخی پدید آمده و از اینرو همه دشمنان اسلام برهبری شیطان و شیطان صفتان خوشنود می شوند. غافل از وعده حضرت حق جل وعلا که میفرماید : ما ننسخ من ایه أو ننسها نأت بخیر منها أو مثلها (سوره بقره آیه ۱۰۶) .

ص: ۱۲۶

فوت

مرحوم سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه الشریف در سه ساعت بغروب مانده روز یک شنبه سوم ماه ربیع الثانی سال ۱۲۶۰در اصفهان به بیماری استسقاء وفات یافت و شب ۴ شنبه ششم در مقبره مخصوص که خود قبلا جهت دفن مهیا ساخته بود مدفون گردید .

در روز وفات و ماه آن همچنین سال فوت اختلاف است که برخی از آنها سهو القلم و عده ای غلط و اشتباه می باشد اینک

نقل اقوال :

۱ – علامه صاحب روضات می نویسد :

حجه الاسلام به بیماری استسقاء مبتلا بود و عصر روز یک شنبه دوم ربیع الاول سال ۱۲۶۰(غرس) رحلت کرد . در چاپ دوم روضات الجنات شرحی از علت اشتباه و تحقیق درباره وفات نوشته و آنرا به ربیع الثانی اصلاح نموده است تمام کتابهائیکه بعد از روضات الجنات بچاپ رسیده (یا تألیف شده) ماه وفات مأخوذ از همین مأخذ می باشد و احتیاج به ذکر اسامی آنها نیست .

درسال فوت هیچگونه شک و تردیدی نیست که فوت در سال ۱۲۶۰رویداده و آنچه در منتظم ناصری وفات را بسال ۱۲۵۸می نویسد یقیناً اشتباه بوده و هیچ

ص: ۱۲۷

راهی جهت توجیه آن تا کنون نیافته ایم و کلیه کتابهائیکه فوت را در ۱۲۵۸ نوشته اند مأخوذ از همین کتاب می باشد .

رفع اشتباه :

در تعمیرات سالهای اخیر و کاشیکاری داخل مقصوره مقابل مقبره مرحوم سید حجه الاسلام در بالای سر در ورودی بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشتی لاجوردی رنگ تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام باین گونه نوشته شده است :

تاریخ وفات آیت الله العظمی فقیه اهل بیت طه ویس و ملاذ الشیعه و حامی الشریعه الحاج سید محمد باقر الموسوی الرشتی حجه الاسلام اعلی الله له المقام دوم ربیع المولود سنه ۱۲۶۰.

اختلاف در روز و ماه :

بطوریکه قبلا گفته شد علامه صاحب روضات الجنات روز وفات را دوم ربیع الاول (و پس از اصلاح در چاپ دوم ربیع الثانی) می نویسد و در کشف الحجب روز سوم ماه ربیع الثانی میداند .

در کتابخانه مجلس شورای ملی(مجلس شورای اسلامی) نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام می باشد بشماره (۴۹۲۴) در صفحه اول کتاب نامبرده این عبارات بخط سید دیده میشود .

اعلام برادران دینی میدارد که عالیجناب مقدس القاب آخوند ملا محمد زید توفیقه امین و معتمد میباشند . مسائلیکه از این خادم شریعت تبلیغ شماها نمایند از ایشان قبول خواهید نمود ۲۳ ربیع الاول ۱۲۶۰- بعداً نوشته است.

فوت یک شنبه ۲۴ربیع الثانی ۱۲۶۰.

همچنین در پشت نسخه ای از کتاب سؤال و جواب مرحوم سید حجه الاسلام

ص: ۱۲۸

متعلق به کتابخانه علامه مفضال جناب حاج سید محمد علی روضاتی عبارات زیر نوشته شده است :

وفات مرحمت و غفران پناه جنت ورضوان آرامگاه فخر المجتهدین وقدوه العارفین وزین المحققین و بدر السماء العلم والفضیله و الفقاهه فخر دودمان شریعت سالک راه طریقت حجه الاسلام و نایب الامام مرحوم مغفور حاجی سید محمد باقر نور الله مرقده و مزجعه (کذا) بتاریخ یک شنبه سیم ربیع الثانی سنه ۱۲۶۰.

مراجعه به تقویم

در تقویم تطبیقی هزار و پانصد ساله در سال ۱۲۶۰می نویسد :

غره ربیع الاول ۵ شنبه بوده است .

بنابراین یک شنبه چهارم می شود و دوم نمی باشد .

و غره ربیع الثانی را روز شنبه می نویسد .

بنابر این یک شنبه دوم خواهد بود نه سوم مگر آنکه گفته شود عصر روز یک شنبه سوم ماه ربیع الثانی و همچنین یک شنبه ۲۳ خواهد بود نه ۲۴ .

علیهذا تاریخ صحیح فوت مرحوم سید حجه الاسلام عصر روز یک شنبه دوم ربیع الثانی ۱۲۶۰بوده است و مؤید این قول ماده تاریخی است که مرحوم هما شیرازی اصفهانی در این باره گفته که بعداً نقل خواهد شد.

اشتباه بزرگ :

در کتاب معارف الرجال (ص ۵۲ یکم) در ضمن بیان شرح حال میرزای قمی وذکر اسامی شاگردان ایشان می نویسد :

و سید محمد باقر معروف به حجه الاسلام رشتی متوفی حدود سال ۱۲۰۲ در قم به محضر او وارد گردید . در غلطنامه نیز ذکری از این اشتباه نشده است.

(به حافظه نباید مطمئن شد) :

یکی از دوستان نقل کرده که :

کتابی تألیف کرده بودم و مطالبی از گوشه و کنار از کتابهای مختلف و نویسندگان متعدد و همچنین مسموعات و مشهودات خود در آن گرد آورده بودم.

کتابرا جهت مطالعه و اظهار نظر نزد مرحوم میرزا محمد خان قزوینی بردم و نظر ایشان را درباره آن جویا شدم .

مرحوم علامه قزوینی با لطف مخصوص که از سجایای اخلاقی ایشان بود از من و نوشته ام تعریف کرد و ضمناً مطالبی و انتقاداتی که بنظرش رسیده بودند تذکر داد . در بین سخن پرسید آنچه از کتابها نقل کرده اید خود دیده و نوشته اید و یا از جائی رو نویس کرده و یا قبلا مطالعه نموده و در موقع تألیف از خاطر خود استفاده کرده اید . جواب ایشان را دادم . ایشان ضمن پند و اندرز فرمودند:

اکنون شما جوان هستید و حافظه شما قوی است ممکن است مطالبی را از چندین کتاب بخاطر بسپارید و پس از گذشت ماهها بلکه سالها آنها را بدون کم و کاست نقل کنید اما اگر خواستید همان مطالب را در جائی بنویسید حافظه خود را متهم کنید و بگوئید ممکن است فراموش کرده باشم و اکنون به طور دیگری بنظرم آمده باشد و با آنکه مطلب بطور کلی اشتباه باشد و من آنرا صحیح بدانم سپس از باب تأکید گفتند :

فی المثل اگر خواستید سوره قل هو الله احد راکه هر روز چندین بار در نماز میخوانید در جائی بنویسید قر آن را باز کرده و از روی آن بنویسید تا هرگز اشتباه نشود.

این یک نکته بسیار دقیق و صحیح است و باید سر مشق کلیه نویسندگان بوه باشد بسیار اتفاق افتاده است که انسان کتابی را از نویسنده ای دانشمند میخواند در ضمن قراءت متوجه میشود که مثلا آیه ای از آیات قرآن مجید یا حدیثی از

بزرگان دین اشتباه نقل شده است و یا عبارات کم و زیاد و پیش و پس نقل گردیده فوراً متوجه میشود که نویسنده بحافظه خود قناعت نموده و حافظه او خطا کرده است

یکی از این موارد تاریخ فوت مرحوم سید حجه الاسلام می باشد .

علامه محقق متتبع صاحب روضات الجنات با آنهمه احاطه و تتبع و با وجودی که خود از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و مورد توجه و عنایت آن استاد بزرگوار بوده و بقیناً در مراسم تشییع و دفن استاد شرکت داشته و در بیاض خود دقیقاً وقت و ساعت و روز آنرا تعیین نموده در موقع نوشتن کتاب روضات الجنات بعلت تراکم کار و اطمینان بحافظه ماه وفات را ربیع الاول (بجای ربیع الثانی) مرقوم فرموده است ، همچنین ممکن است این لغزش را سهو القلم بدانیم .

تذکر :

اول کسی که متوجه اشتباه وفات در ماه ربیع الاول گردیده است علامه طهرانی در الذریعه (جلد یکم) می باشد .

آخرین ملاقات :

مرحوم تنکابنی در قصص العلماءِ (ص ۱۶۸) می نویسد:

مرحوم سید حجه الاسلام در آخر عمر او را از ارسوءِ القنیه عارض گردید اطباءِ به معالجه آن پرداختند مفید نیفتاد پس در روز پنج شنبه بمرض حبس البول گرفتار شد در نزدیک زوال حاجی کلباسی به عیادت آنجناب آمد زمانی نشست و در اول زوال آن جناب را وداع کرده مراجعت نمود. سید وضو ساخته نوافل ظهر و نماز ظهر را ایستاده بجای آورده پس بی طاقت شد در بالای جای نمازیک حب از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام تناول نمود و فی الفور طایر روحش بآشیان قدس پرواز نمود. حاجی کلباسی هنوز بخانه نرسیده (در مسجد حکیم نماز ظهر و عصر را به جماعت خوانده بود و قصد رفتن بمنزل داشت) در اثناءِ

راه به او خبر دادند که سید به نزد اشراف اجداد اطهار شتافت .

حاجی از این خبر وحشت اثر بیهوش گردید پس از آنکه بهوش آمد بخانه سید آمد و بر او گریه وزاری نمود .

تذکر : مرحوم تنکابنی به روز فوت و ماه و سال آن اشاره ای ننموده است.

مراسم تغسیل و تکفین و نماز

بنا بنوشته مرحوم تنکابنی مرحوم آخوند ملا علی اکبر خونساری مرحوم سید حجه الاسلام را غسل داده و از آن پس دستهای مبارک آنجناب را بوسیده و کفن نمود .

علامه صاحب روضات الجنات می نویسد :

حجه الاسلام را در منزلش غسل دادند سپس او را به مسجد آوردند و فرزند افضلش سید اسد الله بر او نماز کرد.

روز وفات :

در روضات الجنات می نویسد :

روز رحلت حجه الاسلام روز عظیمی بود به مجردیکه مردم از رحلت او باخبر شدند تعطیل عمومی اعلام شد تمام کوچه ها مملو از زن و مرد و چنان در مصیبت مرگ او می گریستند که گوئیا پدر مهربانی فرزند جوانش را که بی اندازه مورد علاقه اش بوده از دست داد.

همهمه مردم که بگریه و ناله بلند بود از پشت دیوارهای شهر بگوش میرسید

پس از شرحی که درباره مرحوم حاج سیداسدالله می نویسد مطلب بدینگونه ادامه می دهد روز وفاتش تعطیل عمومی بود و دکانها تا چند روز متوالی بسته بودند بعد از آن خبر رحلتش بسایر شهرها رسید و در همه جا مخصوصاً مشاهد مشرفه بمنظور تجلیل از مقام محترم او مجالس ترحیم برپا کردند حتی در سرزمین

ص: ۱۳۲

هنـد و شـهرهای ترکسـتان وما وراءِ النهر مراتب عزاداری و سوگواری او را رعایت نموده و مجالس شـکوهمندی از جهت ترویـج روح او بر پا داشتند و تا یک سال مجالس عزاداری بنام او منعقد بود .

استجابت دعا و طلب مرگ نمودن مرحوم سید :

تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۶۷) در ضمن شرح حال آن مرحوم ومخالفتهای محمد شاه و حاج میرزا آقاسی با آن بزرگوار می نویسد :

وقتی سـلطان (یعنی محمـد شاه) بدیـدن آن زبـدهٔ علماءِ عیان با نقاره تا بدر سـرای آن جناب آمد. سـید برای اسـتقبال سـلطان خواست تا بدر سرای آید در میان (راه) صدای نقاره بگوشش رسید . دستها را باسمان برداشت و عرض کرد :

خداونـدا ذلت اولاـد زهرا علیهـا سـلام را بیش از این مخواه پس بخـانه بـازگشت از کرامت آن جناب در همان چنـد روز دار دنیا را بـدرود و بمحاسبه با حضرت معبود نشست .

(نکته تاریخی) :

مسافرت محمد شاه باصفهان در ذی حجه سال ۱۲۵۵ و مراجعت او در ۱۲۵۶بوده است بنابراین فوت مرحوم سید حجه الاسلام در حدود چهار سال و نیم پس از مسافرت شاه بوده است نه در همان چند روز .

تاریخ دفن :

علامه صاحب روضات الجنات (ص ۲۹۵دوم ترجمه روضات) می نویسد:

پس از سه روز که از رحلت او گذشـته(بود) او را در آن بقعه منور (که خود در جنب مسجد جهت مدفن خود ساخته بود) مدفون ساختند و آن بقعه

اکنون بمنزله مشـهدی و زیارتگاهی از زیارتگاههای انبیاءِ و ائمه طاهرین علیهم السـلام بشـمار می آیـد و مردم در پنج وقت از نماز بزیارت او میروند و مرقد او را مطاف دلهای خود میدانند بلکه مردم از راههای دور بعزم زیارت او بار سفر می بندند .

(نکته ای مجهول) :

خوانندگان محترم توجه دارند که نوشتیم مرحوم سـید حجه الاسـلام در عصـر روز یک شنبه وفات یافته و جسد مبارکش را در روز چهارشنبه دفن نموده انـد . لکن علامه صاحب روضات علت تأخیر در دفن را ذکر نمی کنـد فرض کنیم که روز دو شـنبه مراسم تشییع و عزاداری انجام یـافته باشـد چرا در همـان روز دفن نکردنـد و این تأخیر سه روزه به چه علت و دلیل بوده است . این نکته مجهول است که تا کنون جواب آنرا نمیدانیم .

در مقدمه مناهج المعارف (ص ۲۲۵) می نویسد :

جسـد آقا میرزا زین العابـدین خونساری سه روز روی زمین ماند . باز هم در این جا عالم بزرگوار آقای حاج میر سـید احمد روضاتی نویسـنده مقدمه علت تأخیر را ذکر نمی نماید .

فائده :

در پاورقی صفحه ۵۳ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی می نویسد:

روی برگ ۱۳۶ مجموعه شماره (۴۲) کتابخـانه بخـط حسـین بن محمـد ابراهیم قزوینی مؤلف رساله « بطلان القول بتأثیر الکواکب » مؤلف از دوست دانشمندش ملا علی میرزا زنجانی یاد می کند و می گوید :

در زنجان در فتنه اکراد یزیدیه بتاریخ اواخر شعبان ۱۱۳۶شهید شد و جنازه اش سه روز بروی زمین بود تا در قریه قبچقی دفن شد.

مرحوم علامه امینی رحمه الله علیه ویرا در کتاب: شهداءِ الفضیله پانزدهمین

ص: ۱۳۴

نفر از شهداءِ قرن دوازدهم ذکر نموده و عده ای از علماءِ بزرگوار از اولاد و اعقاب او را نام برده است طالبین مراجعه نمایند .

همچنین مرحوم حاج ملا علی کنی در ۲۷ ذی حجه وفات یافت و در غره محرم بخاک رفت علت تأخیر سه روزه چه بوده نمیدانیم . اینها مطالبی است که باید تحقیق و بررسی شود.

مدفن مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم حجه الاسلام در موقع ساختن مسجد در گوشه شمال شرقی محلی را برای دفن خود ساخته بود که پس از فوت در همانجا بخاک رفت .

این مقبره عبارتست از :

۱- بقعه ۲ - رواق مقابل آن

یکی از درهای چهارگانه مسجد سید که در ضلع شمالی قرار دارد به در مقبره شهرت دارد . از این در که وارد شونداول رواق مسقف است که در ضلع جنوبی آن بقعه مرحوم سید حجه الاسلام قرار دارد از دو طرف بقعه دو در به مسجد باز می شود .

داخل بقعه در وسط ضریح فولادی روی قبر قرار گرفته و خود بقعه با تزئینات کاشیکاری و گچ بری و نقاشی آراسته گردیده است .

اصل بقعه و رواق از آثار مرحوم سید حجه الاسلام بوده و پس از فوت ایشان بوسیله اولاد و اخلافش تعمیرات اساسی در آن انجام یافته است .

تزئینات اطراف بقعه و کتیبه ها از آثار مرحوم حاج سید اسد الله و نصب ضریح فولادین از آثار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی و کاشیکاری رواق مربوط به مرحوم

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام و کاشیکاری سردرب بقعه بوسیله مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی انجام یافته است . در زمان مرحوم حاج سید جعفر و مرحوم حاج میرزا محمد حسین جعفری نیز تعمیراتی در این قسمت مسجد انجام یافته است .

دانشمند محترم جناب آقای دکتر لطف الله هنر فر در کتاب بسیار نفیس و ارزشمند : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (از صفحه ۷۶۴تا صفحه ۷۸۸) شرح آثار مسجد سید و آنچه از نظر علمی و فنی و دینی قابل ذکر بوده بیان نموده اند طالبین مراجعه کنند. همچنین دانشمند بزرگوار آقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی از نویسندگان محقق و متتبع در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۷۲۸) شرح مبسوطی راجع به مسجد سید و آثار تاریخی آن مأخوذ از کتاب آقای دکتر هنر فر مرقوم داشته اند . کتاب بوسیله انجمن آثار ملی ایران بچاپ رسیده است طالبین مراجعه نمایند .

مرثیه ها و ماده تاریخها :

در فوت مرحوم سید حجه الاسلام عده زیادی از شعراءِ بزبان فارسی و عربی مرثیه و ماده تاریخ گفته اند از آنجمله :

الف : مرثیه های فارسی

۱- مرحوم عشرت فسائی

(حاج میرزا عبد الرحیم بن میرزا مهدی متولد در ۱۲۱۰و متوفی بسال ۱۲۶۳) در مرثیه و تاریخ وفات مرحوم سید حجه الاسلام می گوید:

کهف عالم جحه الاسلام عهد

باقر علم واهم خاص و عام

هم افاضت را مفیضی در حدیث

هم افادت را مفیدی در کلام

شخص دانش معنی خلق کریم

کف جودش معنی کأس کرم

گر نه ممکن تحت واجب آمدی

در تمامی گفتمش فوق التمام

قاب قوسین وجودش کرد جمع

هم سعادت هم سیادت والسلام

طاقدیس عالم تقدیس بود

از علایق خواستی تجرید تام

بود : من خاف مقام ربه

جنت المأوی از آتش شد مقام

سال تاریخ وفاتش خواستم

گفت عشرت «حجت دین شد تمام »

(نقل از دانشمندان و سخن سرایان فارس صفحه ۶۴۱جلد سوم)

۲- کفاش (شاعر گمنام اصفهانی)

که خوشبختانه دیوان اشعارش نسخه ای در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی در مشهد بشماره (۱۵۲) که تاریخ تحریر آن ۳ شنبه ششم ربیع الاول ۱۲۹۳ قمری می باشد و نسخه بشماره (۸۵) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است ظاهراً نام دیوان : « زینه الانجمن » باشد (ص ۸۹) جلد یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی و نسخه ای در کتابخانه حجه الاسلام اقا سید محمد جزائری (ص ۹۱۲ نهم الذریعه) موجود است . در کتاب : گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۴) می نویسد :

بر دو ضلع شمال و جنوب گوشواره غربی داخل بقعه بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید اشعار ذیل از اثر طبع شاعر اصفهانی (کفاش) گچ بری شده است :

دلانجله برین خواهی ار گذاری کام

قدم گذار بدرگاه حجه الاسلام

کجا بلند تراز بارگاه رفعت اوست

ز بعد قبه شاهنشهان عرش مقام

هزار قرن کند مرغ دهم اگر پرواز

بشرط آنکه نگیرد به یک نفس آرام

هنوز مانده باول مقام رفعت او

دو صد هزار حجاب و دو صد هزار مقام

بظل پرچم امرش قلمرو خورشید

که از سفیده صبح است یا بظلمت شام

برای مژده شهان تخت و تاج میدادند

که آورند زخدام در گهش پیغام

ص: ۱۳۷

چو آن همای بلند آشیان پاک سرشت

بعزم سیر بهشت برین پرید از لام

نوشت از پی تاریخ رحلتش کفاش

که درج در کرم « جنان نمود مقام »

۳– ماده تاریخ و مرثیه دیگری از کفاش از دیوار بقعه

ولا قدم چو گذاری در این بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجه الاسلام

سمی قبله پنجم محیط علم وعمل

طراز مسند اکرام حجه الاسلام

کجاست چشم حقیقت که بیندش در خلد

بصدر بزم تقرب نشسته با اکرام

چشیده از لب یاقوت نام حورا قوت

کشیده از کف گوهر فشان حیدر جام

کسیکه جد کبارش حبیب حضرت حق

کسیکه جده او دختر رسول انام

روا بود که برو بند حوریان بهشت

غبار بارگهش را ززلف عنبر فام

غرض رسیدچو آن گلین ریاض رسول

خزان بگلشن عمرش ز گردش ایام

خرد سرود بتاریخ او کدای کفاش

« مقام را بجنان کرده حجت اسلام »

۴ – ماده تاریخی از گوینده ای نامعلوم که برلنگه راست در ضریح مرحوم سید حجه الاسلام نوشته شده است :

مر برج ایمان که در گاه اوست

سپهر برین از هجوم نجوم

زبعدش برفت از حقیقت نشان

زفقدش نماند از شریعت رسوم

فلک تیره گردیده و تاریخ گشت

«شد اندر سحاب افتاب علوم »

۵- مرحوم رضا قلیخان هما قصیده ای در ۷۴ بیت در توصـیف بقعه متبرکه مرحوم سید حجه الاسلام و تاریخ وفات ایشان سروده که در دیوانش بطبع رسیده است در آنجا گوید:

قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگاه کرام است و قبله گاه انام

صفای کعبه و پاکی زمزم ار خواهی

مقیم باش دلا اندر این خجسته مقام

* * * *

ص: ۱۳۸

حریم کیست که آمدیی زیارت او

زچرخ روح قدس با فرشتگان عظام

مکان کیست کزو لامکان گرفت شرف

مقام کیست که از وی فزود کعبه مقام

حریم حجه الاسلام باقر ثانی

که هست حرمت او همچو کعبه اسلام

* * * *

زمدحت علماءِ چشم میشود روشن

ز صحبت فضلا قلب میشود آرام

مدادشان چو بود افضل از دم شهداءِ

مدیحشان نبود در خور ذوی الافهام

* * * *

از آن خجسته شد این بقعه شریف که هست

خجسته مدفن نوباوه رسول انام

ابو الفضایل والمجد باقر ثانی

که همچو عقل نخستین ستوده بود تمام

* * * *

برفت انکه از او تازه بود شاخ کرم

بمرد آنکه از او زبده بود نام کرام

ز گلستان نبی نو گلی فتاد بخاک

که همچو لاله بود داغدار او ایام

بداغ آن خلف نامور عجب نبود

که خون بگرید آبای سبعه تا بقیام

چنان فسرده بلاغش جهان که پنداری

گسسته رشته پیوند روح از اجسام

برفت شوکت اسلام و رونق علماءِ

که رونق علماءِ بود و شوکت اسلام

دریغ و درد که بنهفت رخ بخاک سیاه

مهی که بود چو خورشیدفیض بخش انام

بخاک تیره نهان گشت همچو گنج گ�ر

شهی که گنج گهر بود در کفش چورخام

نگشت تیره چرا آفتاب و چهره ماه

که آفتاب شریعت نهفت رخ بغمام

کسی نکرد در ایام او زمعن حدیث

کسی نبرد بدوران او زحاتم نام

* * *

در این سرای پستجی نیست دل آری

کجا به جیفه کند میل مرغ عرش مقام

پیام ارجعی آمد بگوش او چوز دوست

پرید طایر روحش زشوق آن پیغام

چو بود تشنه تسئیم وقرب کوثر وصل

گرفت از کف ساقی باغ رضوان جام

چو بود روضه فردوس منزلش ز آغاز

بسوی اصل خود آهنگ کرد در انجام

* * * *

کجاشد آنکه از او کاخ شرک شد ویران

کجا شد آنکه از او دین حق گرفت قوام

سمی قبله پنجم زنسل هفتم ماه

که هفته ای جهان بود و حجت الاسلام

زدامگاه جهان شد چودر ریاض جنان

ز سر گرفت جهان ماتم رسول انام

ز شهر نبد فنا شد بدار ملک بقاء

ندیم بزم خواص و قرین کأس کرام

در اول حمل ودوم ربیع دوم

زدامگاه جهان شد بسوی دار سلام

بلفظ تازی تاریخ رحلتش گفتم

چو بشمری مأتین است و الف وستین عام

خجسته مرقد او باد مطلع انوار

چنانکه پاک دلش بود مهبط الهام

(قابل توجه) : مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۶۱۴پنجم) می نویسد :

روز اول برج حمل در سال ۱۲۲۳ شمسی مطابق با پنج شنبه غره ربیع المولود سال ۱۲۶۰بوده بنابراین دوم ربیع الثانی مصادف با روز اول حمل که در اشعار هما به آن تصریح شده نبوده است و ممکن است شعر مرحوم همارا بدینگونه اصلاح نمود (در آخر حمل) اگر چه آنهم یک روز اختلاف دارد . و یا بگوئیم (اواخر حمل).

نکته دیگر اینکه مقداری از اشعار این قصیده در اطراف بقعه مرحوم سید حجه الاسلام کتیبه شده است و نویسندگان کتابهای : آثار ملی اصفهان و گنجینه آثار تاریخی اصفهان به آن اشاره نموده اند .

ب: مرثیه های عربی .

عده ای از بزرگان علماءِ و ادبا و شعراءِ در مرثیه و ماده تاریخ فوت مرحوم سید حجه الاسلام اشعاری

سروده اند از آن جمله :

ص: ۱۴۰

مرثیه صاحب روضات

۱ - علامه فقیه محقق صاحب روضات الجنات در مـدیحه و مرثیه استاد بزرگوار خود دو قصیده بعربی سروده اولی در حـدود ۸۰ بیت وچند بیت آنرا در روضات الجنات (ص ۱۲۶) نقل نموده و دومی شامل ۴۹ بیت و آنرا حفید جلیل او حجه الاسلام حاج میر سید احمد روضاتی در مقـدمه کتاب میزان الانساب (ص۶) وهم در مقـدمه رساله النهریه (ص ۱۹) از تألیفـات علامه صاحب روضات که بسعی و اهتمام ایشان در سال ۱۳۷۷ در اصفهان بچاپ رسیده است .

قصیده اول قصیده رائیه با این مطلع :

لمن الغراء وهذه الزفرات ماهی فی الزمر

تبکی السماءِ له وفی الارض الفساد به ظهر

وجرت عیون الدمع من صم الجبال وحاولت

لتزول وانشقت حبیب الصبر واشتمل الضرر

واغبرت الافاق و اختل السیاق باسره

و تغیرت شمس المشارق منه و انخسف القمر

ما اکثر الحزن الجدید واکبر الهول الشدید

واعظم الرزءِ المفخم فی الخلائق للبشر

من فقد سیدنا الامام الباقر العلم الذی

جلت عن المعد المحامد منه و الکرامات الکبر

بکاءِ جوف اللیل من خوف الاله و مقتدی

طول النهار علی مانیابنه الامام المنتظر

تا آخر قصیده که اشاره به تاریخ می کند و میفرماید :

وسألت طبع القرم عن تاریخ رحلته فجر

ذیلا وقال الله « انزله کریم المستقر »

دوم قصیده عینیه که در بیاض خود مرقوم نموده است با این مطلع :

عظم البلاءِ بلا رجاءِ المدفع

وبدت کریهه ماله من مطلع

و بدت بلاد المسلمین بصر صر

عصفت بهن من الجهات الاربع

فرمت بمکرمه الخلایق جانباً

وبمجدهم و بهائهم فی موضع

* * * *

و کان من افق الخلائق ناعیاً

ینعا هم بأشد ما اذن تعی

ینعاهم بفجیع رزء سانح

ینعاهم ببدیع امر مفجع

تخریب دین الله والدنیا معاً

وتباب مامع ذی قرار او معی

ینعاهم بوفاه مولی کامل

بر جواد واسع متوسع

جرئبیل جامع متبحر

ندس خبیر بارع متورع

یدل جلیل صالح متعبد

عدل حمید خاضع متخشع

العالم العلم الامام الاقدم

العالی المقامه بعد عشرواربع

وخلیفه الرحمن طول حیاته

عن ذی الزمان الغائب المتبرفع

ختم الافاضل باقر العلم الذی

اسری بخاتم ما علی فی اصبع

الهاشمی الفاطمی الموسوی

اللوذعی الاحوزی الالمهمی

تا آخر قصیده و در این قصیده تاریخ فوت ذکر نشده است .

۲- در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۷) می نویسد :

بر لنگه راست در نفیس ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی اشعار ذیل نوشته شده است :

بحر الندی باب الهدی شرعته

ما وافق السنه والکتابا

لما دعاه ربه مبادراً

الی جنان خلده اجابا

فعطلت کل الوری لفقده المسجد والمنبر و الحرایا

وقد تواری نوره مستتراً

عن الوری ارخت « نور غابا »

و باقر العلم الذی علومه

قد فتحت الی الهدی ابوابا

و نوره ان اشکلت عویضه

یرفع عنه الستر والحجابا

لو شجر البر غدت رافمه

والانس والجن معاً کتابا

یدها البحر لحصر فضله

لما رأو لفضله حسایا

گوینده اشعار نامی از خود نبرده و در جائی نیز ذکری از او نشده است .

۳- در نخبه المقال می نویسد :

سیدنا السید محمد باقر

ک□ف الانام وله مفاخر

مفخر الناس بلا التباس

مقبضه یا غیاب کهف الناس

در حاشیه نخبه المقال نوشته است توطن در اصفهان حدود ۱۲۱۷.

۴ - مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر

از دانشمندان و فضلاءِ و ادباءِ معاصر اصفهان در سال ۱۳۶۰که تعمیراتی در رواق بقعه مرحوم سیدحجه الاسلام انجام یافته اشعاری در مدح و مرثیه آن مرحوم بدین شرح سروده که بر جبهه فوقانی سر در مقبره و دیوار جنوبی رواق بقعه به خط نستعلیق سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ بخط خود مرحوم نیز نوشته و نصب گردیده است . اشعار ذکر شده بدین گونه است (ص ۷۸۰ گنجینه آثار تاریخی اصفهان :)

روض قدس ام هنا جنات عدن سرنا

قف لك البشرى وزرمن فيه قد نلت المنى

لهفى لفقدان مولى اعطى النعما

العلم والمال والترويج والكرما

ص: ١٤٣

السید الحجه الاسلام فی الزمن من (۱)

و باقر منه کان الشرع منتظما

یدعو الاله ویبکی فی تهجده

یجری الحدود من الخوان منتقما

و مسجداً جامعاً فی اصفهان بنی

یعد تالیه فی الغبراء منعدما

میراث اولاد الزاءِ استرد لهم

من غاصبی فدک فی طوفه الحرماً

الموسوی الذی قد عاش حضرته

فی مذهب الجعفری شاخصاً علماً

راحت الی الروح روح مند ثاویه

واستوطن الخلد بالاجداد معتصماً

بدر المضئی مضی شمس العلی افلت

من موته صار حبل الدین منفصماً

بحر السخاجف عین الدهر باکیه

فنال با لفضل عند الله مبتسماً

نجم الهدی غاب کنز المجد یستتر

و یعجز المدح منه اللوح والقلماً

ص: ۱۴۴

۱- (صفحه ۲۳ جلد یکم معادن الجواهر تألیف مرحوم نیر) خود مرحوم نیر در صفحه ۱۴ جلد سوم کتاب معادن این مصرع را بدینگونه اصلاح نموده است : من سید حجه الاسلام فی الزمن .

و کو کب القدس والتوحید منتشر

فی قوته فتری الاسلام ملئطما

یا نیر اکتب للتاریخ من سنته

« من فقد سیدنا رکن التقی هدما »

یا ایها الزائر انظر ذی البناء تجد

لدی التشرف فیها جنه ارما

لما انقضت مأه من عام رحلته

بالامر من سبطه تمیرها ختما

تذکر :

اصل بنای بقعه و رواق از خود مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و تزئینات داخلی و کتیبه های آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می باشد.

در سال ۱۳۲۲ مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی نجل جلیل مرحوم حاج سید اسد الله برای مرقد جد خود

ضریحی فولادی

ساخته و بر روی قبر نصب نموده است و این ضریح خود یکی از آثار هنری و نفیس می باشد و بر آن چندین کتیبه نوشته شده است . اکنون شرح آن کتیبه ها نقل از کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۷۸۵):

در اطراف ضریح فولادی نفیس آرامگاه بخط ثلث طلائی بر زمینه مشکی (آیه الکرسی) وسوره اخلاص نوشته شده در آخر آن نام کاتب (کاظم شریف) و سال ساختن (۱۳۲۲) را بدین گونه نوشته است: من یعظم شعائر الله فانها من تقوی القلوب . کتبه سلطان الکتاب کاظم شریف (۱۳۲۲) .

کتیبه دیگر ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی شجره نامه سید حجه الاسلام می باشد در آخر آن : ۱۳۲۲ کتبه الاثم فتح الله .

بر اضلاع عمودی ضریح بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه مشکی اشعار

زیر نوشته شده بدین شرح ؛

هذا ضریح الثریا سما

وشأنه فاق ضراح السما

الحجه الاسلام اعنی به

العالم العلامه العیلما

باقر علم الله مستودع

امین سر الغیب حامی الحمی

ناب عن الحجه فی عصره

فکان عنه النائب الاعظما

عمل کمترین حاجی اسد الله

سپس هفت سطر دیگر و در آخر تاریخ آن بدین شرح

وقد تعالی شأنه رفعه

ارخه « فاق ضراح السما»

(۱۳۲۲)

این ضریح دارای دری بسیار نفیس می باشد :

عمل استاد رمضان طلاکوب بر لنگه راست آن هشت سطر شعر عربی و سه سطر شعر فارسی نوشته شده (اشعار قبلا نوشته شده است) و بر لنگه چپ در ضریح بخط نستعلیق طلائی اشعار زیر از مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملك شیرازی نایب الحکومه اصفهان متخلض به خلف بشرح زیر نوشته شده است :

این بقعه که خلق را شب و روز

از بهر زیارتش هجوم است

محشر زتوجه نفوس است

غوغا زتراکم نجوم است

هر کس که دعا کند باخلاص

این جا به اجابتش لزوم است

از باقر علم مصطفی آنک

معروف جهان بروس وروم است

مشکوه هدی نبیره او

باقر که امام بر عموم است

آ راست ضریح او زپولاد

کش علم بکف بسان مومست

پرسید خلف که این کرامات

ظاهر زکدام مرز و بومست

ص: ۱۴۶

دانائی گفت بهر تاریخ

زاین مرقد باقر علوم است

(۱۳۲۲)

باقر علم آسمان حلم که خورشید

پرتو رایش بود بچرخ مقرنس

ساخت ضریحی ز بهر مرقد جدش

کامده محمود نه رواق مسدس

فرد وجود است و عقل گفت بتاریخ

کلما ابجادی ای ضریح مقدس

(۱۳۲۲)

بر دماغه در ضریح بخط نستعلیق طلائی بر زمینه مشکی اسامی هنرمندانی که در ساختن ضریح شرکت داشته اند بشرح زیر نوشته شده است :

عمل استاد رمضان طلاکوب اصفهانی – مباشر عبد الباقی– عمل حاج غلامعلی کارخانه اعلا – عمل استاد ید الله .

آخرین کتیبه : بر یک لوح کوچک کاشیکاری بخط خوش نسخ که در قسمت فوقانی سر در ورودی رواق شرقی مشرف به صحن نصب شده دو سطر شعر بشرح زیر نوشته شده است

بنده اهل حقیقت خادم اهل یقین

صانع نقش علما نام اقل المؤمنین

هفت بر اعداد تا در ریخش بیفزود و بگفت

دار امن فادخلوها بسلام آمنین

(۱۳۲۲ مساوی ۷ باضافه ۱۳۱۵)

مدفونین در بقعه

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام و دفن در این بقعه عده ای از اولاد

و اعقاب آن مرحوم که وفات یافتند در آنجا بخاك سپرده شدند در صحن رواق و راهروها و دو مقبره دیگر یکی در شمال و دیگری در مشرق راهرو شرقی نیز عده ای از علماءِ و بزرگان و بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام دفن شده اند . اینک اسامی مدفونین در بقعه .

۱- میرزا ابو الفضل فرزند میرزا زین العابدین .

۲- سید ابو القاسم بن حاج سید محمد علی

۳- حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی .

۴ - حاج میرزا محمد حسین جعفری .

۵ - حاج سید محمد رضا شفتی .

۶ - آقا میرزا زین العابدین .

۷ - حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام .

۸ - حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام جعفری .

۹ - آقا سید مؤمن .

۱۰ - میر محمد مهدی.

و احتمالا جمعی دیگر که اسامی آنان فعلا بر نویسنده مجهول است . تعداد قبور قریب ۲۵قبر می باشد که ظاهراً همه پسران مرحوم سید (غیر از حاج سید اسد الله و حاج سید جعفر) در بقعه می باشند

سؤالی از مرحوم حاجی کلباسی وجواب ایشان

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۸) می نویسد :

از حاجی کلباسی که احتیاط و زهد و علمش بیان سخنوران جهان را عاجز مینمود پرسیدند : در اصفهان کدام یک از امامزاده ها بالاتر است ؟ در جواب

فرمودند :

من خود دیدم سید را بخاک سپردند .

نویسنده گوید من خود از یکی از علمای اصفهان که عالمی بزرگوار و محقق و از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی بود و کمتر به این گونه مطالب معتقد بود (زیارت امامزاده هائیکه نسبشان مجهول است) پرسیدم :

بنظر شما در اصفهان کدامیك از امامزادهها من جمیع الجهات از دیگران برتر است و خود شما بزیارت کدامیک از امامزاده های مدفون در اصفهان میروید در جواب سه مرتبه گفت : مرحوم حاج سید محمد باقر بید آبادی - حاج سید محمد باقر شفتی - سید حجه الاسلام .

(ذکر حدیثی در باره زیارت قبور مؤمنین) : محدث جلیل شیخ ابن قولویه (ابی القاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی متوفی بسال ۳۶۷مدفون در قم) در کتاب کامل الزیارات (ص ۳۱۹) از حضرت رضا علیه السلام نقل می کند که :

« من لم یقدره ان یزورنا فلیزر صالحی موالینا یکتب له ثواب زیارتنا ومن لم یقدر علی صلتنا فلیصل علی صالحی موالینا یکتب له ثواب صلتنا »

ذکر یک حدیث:

و در حدیث دیگر از همین راوی (عمرو بن عثمان رازی) با تقدم صله بر زیارت : حضرت رضا علیه السلام در این حدیث ثواب زیارت قبر صلحای مؤمنین و شیعیان را برابر با ثواب زیارت قبور ائمه اطهار علیهم السلام دانسته است بنابراین مؤمنین نباید از این فیض عظمی غفلت نمایند و زیارت قبور علماءِ بزرگوار که فرد اکمل واتم صلحای مؤمنین و شیعیان بشمار میروند را ترک نمایند .

مدفونین در بقعه کوچک وحوالی مقبره مرحوم سید حجه الاسلام

پس از وفات مرحوم سید حجه الاسلام و اولاد و اعقاب ایشان و مدفون گردیدن

آنها در این بقعه این محل یکی از مزارات مورد توجه مؤمنین و مقدسین قرار گرفت و عده زیادی از علماءِ و طلاب و تجار و بستگان و متعلقان این سلسله در حوالی آن مدفون گردیدند اینک بذکر اسامی چند نفر اشاره می شود :

۱- آقا سید ابراهیم موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام

۲- حاج میرزا بهاء الدین فرزند آقا سید محمد علی صدر معروف به آقا مجتهد

۳- میرزا محمد تقی موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام مدفون در رواق مسقف جلو بقعه

۴- ملا محمد تقی بن ملا محمد شفیع خوئی مدفون در مقبره کوچک در دالان بیسجل

۵ - شیخ محمد حسن بن شیخ عباس بن شیخ جعفر کاشف الغطاءِ نجفی متوفی بسال ۱۳۲۳ مدفون در مقبره کو چک .

۶- آخوند ملا محمد حسین بن مولی علی اکبر خونساری مدفون در مقبره کوچک .

۷- حاج میرزا محمد حسین زواره ای فرزند میر سید محمد طباطبائی

۸- ملا محمد شفیع خوئی فوت ۱۲۶۵مدفون در مقبره کوچک .

۹- آقا عبد الحسین امین العلماءِ فرزند ملا محمد شفیع متوفی بسال ۱۲۹۳ مدفون در جنب پدر

۱۰ - ملا علی محمد گلپایگانی

۱۱- آقا لطفعلی زاینانی از شاگردان سید حجه الاسلام متوفی بسال ۱۲۶۲

۱۲- آقا وجه الله فرزند حاج میرزا بهاءِ صدر .

ص: ۱۵۰

مرجعیت شیعه پس از فوت مرحوم سید حجه الاسلام

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۰) بخلاصه می نویسد :

پس از مرحوم حجه الاسلام رساله مرحوم استاد (آقا سید ابراهیم قزوینی فرزند آقا سید محمد باقر موسوی) را در قزوین چاپ کردند کفایت همان شهر نکرد دوباره همان رساله را بچاپ رساندند در میان چاپ آن جناب وفات یافت (فوت ۱۲۶۲) پس از وفات آن بزرگوار مرحوم حاج شیخ محمد حسن نجفی اعلی الله مقامه علم اشتهار بر افراخت (و از آن پس نوبت به مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری رسید).

مرحوم آقا سید ابراهیم قبل از فوت مرحوم حجه الاسلام در نجف مرجعیت علمی و تدریسی داشت و قریب هزار نفر از بزرگان علماءِ و مجتهدین بدرس ایشان حاضر می شدند و در مجلس درس شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام شصت یا هفتاد نفر می نشستند و در مجلس درس شیخ مرتضی اعلی الله مقامه تا بیست نفر تقریباً جمع می شدند .

ص: ۱۵۱

فصل هیجدهم : (در ذکر اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام)

مقدمه :

ذکر یک حدیث:

در عیون اخبار الرضا علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند :

« النظر الی ذریتنا عباده » نگاه کردن به اولاد وذریه ما عبادت است

راوی گفت : النظر الی الائمه منکم أو النظر الی ذریه النبی صلی الله علیه و آله و سلم ؟ فقال علیه السلام : بل النظر الی جمیع ذریه النبی صلی الله علیه و آله وسلم عباده مالم یفارقوا منهاجه ولم یتلوثوا بالمعاصی .

حسین بن خالد (راوی حدیث) پرسید که آیا دیدار امامان عبادت است یا دیدار همه اولاد پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم ؟ حضرت در جواب فرمودند : بلکه نگریستن به تمام اولاد رسولخدا علیه السلام عبادت است تا زمانیکه از راه

ص: ۱۵۲

خارج نشده باشد (از راه امامت یعنی شیعه باشد) و خود را الوده به گناه ننموده باشد.

***

در این فصـل نـام اولاد پسـر و دختر مرحوم سـید حجه الاسـلام و اجمالی از شـرح حال هر یک از آنان و برخی از اعقاب و اخلافشان ذکر می شود .

از اعقاب مرحوم سـید بنام کسانی اشاره می شود که اهل علم و دانش بوده و حتی المقـدور از زنده ها بمناسـباتی که ذکر آن لزومی ندارد نام برده نمیشود .

شاید عده ای این فصل را زائد بدانند و ممکن است بعضـی از فضـلاء نیز همین عقیده را داشـته باشـند و آنرا غیر ضروری قلمداد کنند اما بنظر نویسـنده وهمچنین بسـیاری از صاحبان کتب تراجم بیان این فصل و شـرح و توضیح هر چه بیشتر درباره آن نه تنها لازم است بلکه شرط کمال زندگینامه و ضروری است .

تعداد اولاد مرحوم سید حجه الاسلامی

آنچه از کتابها و مطلعین از خاندان مرحوم سـید حجه الاسـلام بدست می آید مرحوم سـید حجه الاسـلام جمعاً سـیزده نفر اولاد از پسر و دختر بدین شرح داشته است

۱– آقا سید ابوالقاسم

۲– حاج سید اسد الله

۳– حاج سید جعفر

۴– آقا سید زین العابدین

۵– آقا سید عبد الله

۶– حاج سید محمد علی

۷– آقا سید مؤمن

۸- آقا میر محمد مهدی

۹ – آقا سید هاشم

۱۰- آقا سید هاشم

و اما دختران مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام

۱- زوجه آقا سید محمد صادق کتابفروش حسینی . بنام گوهر سلطان . ۲- زوجه آقا سید محمد علی عاملی معروف به آقا مجتهد . بنام زینب بیگم .

۳- زوجه آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

اینک شرح حال هر یک از آنان

۱- سید ابو القاسم

علامه طهرانی در الکرام البرره (صفحه ۵۱) می نویسد :

از علماء بارع و پس از وفات پدر مرجع امور در اصفهان بوده و سالها قبل از فوت برادرش مرحوم حاج سید اسد الله (سال ۱۲۹۰) وفات یافته است .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۱۶۱۹ پنجم) می نویسد : در حاشیه « هدایه الانام : ۴۴ » وفاتش را در ۲۸ صفر سنه ۱۲۶۲ نوشه

حجه الاسلام حاج شیخ علی نمازی شاهرودی در کتاب : مستدرک سفینه البحار (ص ۲۰۵پنجم) در ضمن وقایع سال ۱۲۶۲وفات مشار الیه را نوشته است و گوید : وفیه فی ۲۸ صفر توفی السید الجلیل ابو القاسم بن حجه الاسلام الرشتی . انتهی

حجه الاسلام نمازی در روز ۲ ذی حجه سال ۱۴۰۵در مشهد مقدس بمرض سرطان وفات یافته در یکی از اطاقهای صحن نو مدفون گردید رحمه الله علیه .

۲ - حاج سید اسد الله

شرح حال آن مرحوم در خاتمه این کتاب مفصلا بیان خواهد شد .

مرحوم حاج سید اسد الله از دختر علامه فقیه حاج ملا علی بن حاج میرزا خلیل طهرانی وزوجه ای دیگر پنج فرزند (یک پسر و چهار دختر) یافت بدین شرح

۱- حاج سید محمد باقر دوم معروف به حاج آقا

۲ - زوجه آقا محمد ابراهیم قزوینی .

۳- زوجه آقا سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام فرزند حاج سید جعفر

۴ - زوجه آقا شیخ عبد الجواد فرزند آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی)

۵ - زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر بطوریکه علامه طهرانی در الکرام البرره می نویسد و ظاهراً اشتباه باشد بطوریکه فرزندان مرحوم آقا سید ابو جعفر اظهار بی اطلاعی می کنند .

شرح حال آنان بعداً نوشته میشود .

۳- حاج سید جعفر

از رؤساءِ علماء اصفهان در محله بید آباد پس از فوت آقا سید مؤمن ریاست و عنوان کلی یافته و در مسجد سید تعمیراتی اساسی و قسمت عمده کاشیکاری در زمان تولیت ایشان بوده است

در عاشوراءِ سال ۱۳۲۰ در مسافرت عتبات در کربلا وفات یافته در نجف اشرف در جنب برادر مدفون گردید.

ص: ۱۵۵

تصویر



مرحوم حاج سید محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ

مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده بدین شرح :

۱ – آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته ودر نجف درجنب حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲ – حاج آقا حسن ملاذالاسلام .

– ۱۵۶ –

مرحوم حاج سیاد محمد جعفر فرزند مرحوم سید بزرگ

مرحوم حاج سید جعفر دارای ۳ فرزند پسر و ۹ دختر از زنهای متعدد بوده بدین شرح:

۱– آقا میرزا هاشم که در زمان حیات پدر وفات یافته و در نجف درجنب حاج سید اسدالله مدفون گردید .

۲– حاج آقا حسن ملاذ الإسلام.

ص: ۱۵۶

۳ – سید محمد باقر معروف به آقا محمد عماد الاسلام.

و اما دختران :

۱– زوجه آقا میر سید محمد طباطبائی زواره ای مادر مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای .

۲ – زوجه مرحوم حاج میرزا عبدالرزاق رشتی .

۳– زوجه مرحوم آقا شیخ محمد حسین جویباره ای .

۴ – زوجه مرحوم آقا سید محمد تقی کتایی .

۵ – زوجه مرحوم آقا میرزا علیرضا کتایی .

۶ – زوجه مرحوم ( ) مادر آقای حاج میرزا علی آقا جعفری .

۷– زوجه مرحوم ( ) مادر مرحوم آقا میرزا محمد تقی کابلی از عموزادگان مرحوم حجه الاسلام .

۸ و ۹ – دو دختر که شوهر انتخاب نکردند.

۴– آقا سید زین العابدین

عالم و فاضل بوده و در شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵هجری که مردم بی پناه بدو پناه بردند از دستگاه حکومت ظلم ها کشیده و ستمها دیده است .

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۵۸۹ دوم) در باره او می نویسد :

از اهل فضل وبراعت و علم و کمال و شهرت ووجاهت و اعتبار بوده و قبل از برادرش حاج سید اسدالله (۱۲۹۰) وفات یافته است .

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) می گوید : قبر میرزا زین العابدین جلو قبر سید حجه الاسلام رو به دم ارسی قرار دارد . در المآثر والاثار (ص) می گوید از علماء معتبر اصفهان بود و این

مطلب را صاحب تکمله نجوم السماء (ص ۳۶۸ یکم) عیناً نقل نموده است .

مرحوم آقا سید زین العابدین صاحب سه فرزند بوده بدین شرح :

۱- میرزا ابوالفضل معروف به آقا جان .

۲- زوجه آقا میرزا ابو المعالی کلباسی (کرباسی).

۳- زوجه آقا سید ابو جعفر بن سید صدرالدین عاملی . مادر آقا میر سید علی خادم الشریعه .

مرحوم آقا میرزا ابو الفضل در موقع شورش مردم اصفهان علیه حاکم ستمگر و پناه آنان به اولاد مرحوم سید حجه الاسلام به احتمال دینداری شاه و وزیر (محمد شاه - حاج میرزا آقاسی) و بست نشستن آنها در مسجد سید که شرح آن اجمالا در فصل مربوطه نوشته شد از مأمورین دولت اهانت دید و اذیتها کشید که بیان آن موجب ملالت خاطر خوانندگان دیندار خواهد شد.

وی پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام پشت سر پدر مدفون گردید.

۵- آقا حاج سید عبدالله

مؤلف تکمله نجوم السماء (ص ۱۲۸ یکم) در ضمن شرح حال سید اسماعیل طباطبائی اصفهانی می نویسد:

خواهرش در حبا له عقد حجه الاسلام آقا سید محمد باقر رشتی بوده و حاج سید عبدالله فرزند آقا سید محمد باقر خواهر زاده آنجناب بوده

مرحوم حاج سید اسد الله دستور چاپ کتاب حقایق الاصول تألیف حاج ملا عبدالرحیم نجف آبادی را داده و پس از طبع مرحوم آقا سید عبدالله طبق وصیت مرحوم نجف آبادی مؤلف سیصد مجلد آنرا وقف بر طلبه علوم نموده تاریخ

وقف شعبان ۱۲۸۹

بنا بر این مؤلف کتاب بین سالهای ۱۲۸۶و ۱۲۸۹ وفات یافته و مرحوم حاج سید عبدالله تا این تاریخ در قید حیات بوده و ظاهراً بدستور مرحوم حاج سید اسد الله کتابها را وقف نموده است .

مرحوم حاج ملاـ عبدالرحیم بن علی نجف آبادی از رؤساء علماء وفقهاء و از شاگردان شریف العلماءِ بوده در سال ۱۲۷۹ جهت مرحوم حاج شیخ عبد النبی تویسرکانی مؤلف لئالی الاخبار اجازه مرقوم داشته که در آخر آن کتاب با اجازه حاج محمد جعفر آبادهای جهت همو بچاپ رسیده است .

۶- حاج سید محمد علی

در تذکره القبور (ص ۱۴۸رجال اصفهان) می نویسد :

از اهل علم و فضل بوده و صبح مسجدسیدرا امامت داشته نقل عبادت و تقوی از او می شود . قبرش در جنب قبر آقا میر محمد مهدی است .

مرحوم حاج سید محمد علی دارای پنج فرزند پسر بشرح زیر بوده است .

۱- آقا سید ابو الحسن پدر آقا سید حسین شفتی ساکن طهران و آقا سید فرج الله ساکن قم و مدفون در آنجا .

۲- آقا سید ابو القاسم پدر آقا حسین موسوی بید آبادی معروف به پدرجان

۳- آقا سید علی

۴- آقا سید مهدی مؤلف کتاب غرقاب

۵- آقا سید محمد

در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم مجموعه ای بشماره (۱۹۹۵) می باشد شامل چهار رساله از تألیفات مرحوم حاج سید محمد علی صاحب عنوان بدین شرح:

۱- اتلاف العبد مال المولی و جنایته علیه

۲ - الصلاه فی مکان المغصوب

۳- شرح شرایع الاسلام محقق اول

۴ - شرح لمعه دمشقیه

در ضـمن این مجموعه صورت اجازه مرحوم آقا شـیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام جهت مرحوم حاج سید محمد علی نقل گردیده و از رساله شـرح لمعه مسـتفاد میشود که آنهـا تقریرات اسـتادش مرحوم صـاحب جواهر می باشـد و دو رسـاله دوم و سوم در سـال ۱۲۶۳در نجف اشرف نوشته شده است . (ص ۳۶۶پنجم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی - قم)

۷- آقا سید مؤمن

در تذکره القبور (ص ۱۴۸رجال اصفهان) گوید :

از اهـل علم و فضـل بوده است و بعـد از مرحوم حـاج سـید اسـد الله مرجع ریـاست بیـد آبـاد و امـام مسـجد و پناه خلق و با علم و فضل بوده و تدریس هم داشت بعد از مرحوم حاج سید اسد الله او اعلم از سایر اولاد سید بوده است.

قبرش طرف پائین پای سید است قدری رو بجلو و سنگ و نشانی کمی بالاتر قرار گرفته است .

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۱۱۷) درباره او می نویسد :

بزرگواری در علم و تقوی مشـهور و بصـلابت در دین مذکور چون مادر آن حضرت حبشیه بوده رنگ بشره ایشان بسواد دیده و سویدای قلب مینمود .

روزی ظـل السـلطان تعریضـاً بحضـرتش اظهار نمود که : چه شـد که حجه الاسـلام بتاریکی تیر انداختنـد فوراً (در جواب) فرمود تا عالمی را روشن سازد

در المآثر والاثار (ص ۱۸۴) گوید : از عظماء علماء اصفهان بود و مؤلف تکمله نجوم السماء (ص ۴۰۰ یکم) نیز عین عبارت المآثر والاثار را نقل نموده است .

مرحوم آقا سید مؤمن دو فرزند پسر داشته است :

۱- آقا سید عبد الرحیم دارای ۳ فرزند پسر اول مرحوم آقا جمال الدین داماد مرحوم حاج آقا مجلسی فرزند سید ابو جعفر صدر دوم - آقا سید حسن از علماء ساکن مورچه خورت سوم - اقا محمد پدر آقا سید محمد باقر موسوی

۲- آقا سید عبد الله پدر مرحوم آقا سید عبد الحسین ودختری که زوجه مرحوم آقا کمال الدین خونساری فرزند ملا حسین بن ملا علی اکبر بن ملا ابراهیم خونساری بود.

۸- میر محمد مهدی

در تذکره القبور (ص ۱۴۶ رجال اصفهان) می نویسد :

پسر بزرگ مرحوم سید حجه الاسلام و از اهل علم و فضل بوده .

قبرش دم ارسی رو بمسجد که قدری بلند بسته است واقع شده است .

وی دارای یک فرزند پسر بنام : سید عبدالوهاب

و یک دختر بوده که زوجه مرحوم آقا سید ابو جعفر صدر دومین فرزند مرحوم آقا سید صدرالدین محمد عاملی بوده است (ص ۱۶۱۹پنجم مکارم الاثار)

۹ - آقا سید هاشم

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۸) می نویسد :

سید حجه الاسلام هیچگاه در نماز دچار شک وسهو نشد مگر در روز وفات

فرزندش سید هاشم عین عبارت او چنین است :

گویند که حجه الاسلام در این مدت که بمسجد نماز جماعت میگزارد هرگز در نماز سهو نکرد مگر یک روز که فرزندش سید هاشم وفات کرده بود در آن روز در وقت ظهر در نماز سهو کرد (انتهی)

بیشتر از این از حالات این فرزند آگهی نداریم و بطور احتمال مشار الیه در سنین کودکی یا جوانی وفات یافته و در اصفهان مدفون گردیده است .

فوت او قبل از سالهائی است که مرحوم تنکابنی در اصفهان تحصیل مینموده است و آن سالهای آخر عمر مرحوم سید حجه الاسلام بوده است (مرحوم تنکابنی در سال ۱۲۶۰یعنی سال وفات مرحوم سید حجه الاسلام در اصفهان بوده است)

۱۰- آقا سید هاشم

مؤلف دانشمند و بزرگوار کتاب نفیس و ارزشمند : آثار ملی اصفهان آقای ابو القاسم رفیعی مهر آبادی در کتاب نامبرده (ص ۱۹۳) بنقل از کتاب : جغرافیای اصفهان (ص ۹۶) می نویسد :

آقا سید هاشم بن حجه الاسلام حاج سید محمد باقر شفتی بید آبادی متوفی پیش از (۱۲۹۳ ه. ق) از مجتهدان عصر خود بوده است .

تا کنون بیشتر از این از حالات مشار الیه اگهی نداریم و به احتمال قوی او نیز یکی از مدفونین در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام می باشد و بظن قوی مرحوم حاج سید جعفر برای احیاء نام این برادر دانشمند خود نام اولین فرزند خود را « هاشم » قرار داد و العلم عند الله تبارک وتعالی

و باز میتوان از روی قرائن حدس زد که تولد او پس از وفات فرزند دیگر

مرحوم سید حجه الاسلام « سید هاشم » بوده است و اینها احتمالات است وتا دلیلی قاطع بر صحت آن بدست نیاید نمیتوان درباره درستی و نادرستی آن قضاوتنمود .

***

و اما دختران مرحوم سید حجه الاسلام علیه الرحمه والرضوان :

۱۱- گوهر بیگم (سلطان)

زوجه مرحوم آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروشی زنی فاضله و عابده بوده و فی الجمله تحصیلاتی نموده شرح حال شوهرش در ضمن اسامی شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید .

مرحومه گوهر سلطان از این شوهر سه فرزند برومند بهمرسانید :

۱- میرزا علیرضا

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر شفتی پدر مرحوم حاج آقا هلال الدین کتابی پدر دانشمند بزرگوار آقای حاج آقا

بدر الدین

کتابی از فضلاء معروف اصفهان متولد در ۱۳۳۰ قمری و مؤلف کتب عدیده از آنجمله ۱- ترجمه آداب المتعلمین منسوب به خواجه طوسی

۲ - ترجمه اخلاق تألیف پیرژانه ۳- ترجمه بسوی اصفهان نوشته پیرلوتی ۴- ترجمه پیرامون سیره نبوی نوشته دکتر طه حسین سه مجلد ۵ - ترجمه فروغ خاور در زندگانی و آئین بودا نوشته هرمان الدنبرک ۳ مجلد ۶ - مقالات زیادی در مجلات اصفهان و غیره

۲- حاج سید محمد تقی

عالم فاضل داماد مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (دائی خود) سه فرزند پسر از این مخدره یافته : ۱- حاج میرزا ابوالفضل کتابی داماد مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام ۲- حاج میرزا محمد صادق کتابی داماد مرحوم حاج شیخ محمد علی ثقه الاسلام مسجد شاهی

مرحوم حاج میرزا ابوالفضل دارای دو فرزند پسر بنامهای : مهندس علیرضا

کتابی و دکتر محمد کتابی می باشد و اما مرحوم حاج میرزا محمد صادق دارای چهار فرزند پسر بنامهای: مرحوم آقا میرزا محمد علی - دکتر محمد باقر محمد تقی - محمد حسین می باشد

۳- آقا علاء الدین که فرزند پسر نداشته و فقط یک دختر از او مانده است .

۳- حاج سید محمد جواد

کتابی متوفی بسال ۱۳۳۸ دارای سه فرزند پسر بنامهای : آقا میرزا ابو الحسن کتابی ۲- آقا میرزا محمد حسین ۳ - آقا میرزا محمود رحمه الله علیهم اجمعین

خاندان کتابی از قدیم الایام تاکنون بفضل ودانش وزهد و تقوی شهرت داشته و دارند .

۱۲ - زینب بیگم

زوجه آقا سید محمد علی اقامجتهد فرزند آقا سید صدر الدین محمد موسوی عاملی

مادر مرحوم آقا مجتهد دختر شیخ جعفر کبیر کاشف الغطاء نجفی و موسوم به جان جان خاتون بوده است

شرح حال آقا مجتهد در ضمن شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید.

مرحومه زینب بیگم زنی عاقله وعالمه وفاضله بوده و از مرحوم آقا مجتهد به فرزند بنامهای :

۱- آقا میرزا بهاء الدین ۲- رباب سلطان بیگم ۳ - فاطمه سلطان بیگم آورد

و اما مرحوم آقا میرزا بهاء الدین سید جلیل و فاضلی کامل و شاعر و ادیب

بوده و در شعبان سال ۱۳۲۱ بمرض سکه وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید فرزند او مرحوم آقا وجه الله نیز سیدی ساده لوح وفاضل بود و بعد از سال ۱۳۴۵بلا عقب وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون شد رحمه الله علیهما .

دختر مرحوم آقا میرزا بهاء الدین عیال اقا میرزا سید حسن مدرس فرزند آقا میر محمد تقی مدرس میر محمد صادقی بود،

واما رباب سلطان مشار الیها زوجه مرحوم حاج شیخ محمد حسین فرزند حاج شیخ محمد باقر نجفی مسجد شاهی بوده و مرحوم علامه فقیه آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی از او متولد گردیده است . (و دو دختر)

و دومین دختر مرحوم آقا مجتهد فاطمه سلطان (جان) بیگم زوجه مرحوم شیخ محمد حسین طریحی حلی بوده است و فرزندش مرحوم آقا نجم الدین طریحی که فاضلی ادیب بود و در مدرسه میرزا مهدی حجره داشت و درس نیز می گفت عالمی ساده لوح وصادق (ساده) بود و بعد از سال ۱۳۵۰وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید . فرزندانش در اصفهان ساکن و به مشاغل گوناگون گرفتارند.

۱۳–مرحوم کلباسی

زوجه مرحوم آقا محمد مهدی

کلباسی (کرباسی) فرزند حاجی کلباسی اعلی الله مقامهما

مشار الیها نیز چون دو خواهر خود زنی عالمه وفاضله و عابده بوده و از مرحوم کلباسی چهار پسر و دختر یافت بشرح زیر : (ص ۷۷ یکم نقباءِ البشر)

۱– مرحوم آقا شیخ ابو القاسم شیخ العراقین کلباسی نجفی

۲– مرحوم میرزا محمد حسین .

۳- مرحوم آقا میرزا عبد الجواد .

۴ - مرحوم آقا میرزا محمود .

شرح حال هر یک از آنان بعداً نوشته خواهد شد .

زوجات مرحوم سید حجه الاسلام

بطور یقین از تعداد زوجات مرحوم سید حجه الاسلام و تعداد و اسامی اولادان هر یك از آنها آگاهی نداریم اما آنچه از روی قرائن و شواهد و اطلاعات متفرقه بدست می آید آنست که :

مرحوم سید حجه الاسلام از سه عیال دارای فرزند بوده است بدین شرح :

۱- خواهر آقا سید اسماعیل زواره ای مادر آقا سید عبدالله که مؤلف تکمله نجوم السماء در کتاب نامبرده (ص ۱۲۸ یکم) در ضمن شرح حال آقا سید اسماعیل اشاره بآن می کند.

۲- دختر میرزا کاظم بن سید رضا طباطبائی زواره ای اصفهانی مدفون در مقبره آب بخشان در جنب قبر مرحوم سید زاهد آقا سید ابراهیم حسینی ساوجی اصفهانی معروف به مقدس .

۳- عیالی حبشیه ای مادر مرحوم آقا سید مؤمن علیه الرحمه ،

مرحوم سید حجه الاسلام جمعاً از این سه عیال (و شاید عیالاتی دیگر) سیزده فرزند یافته ده نفر پسر و سه دختر اسامی آنان بشرحی است که قبلا نقل گردید وغیره از آقا سید عبد الله و آقا سید مؤمن مادر هیچ یک را نمی شناسیم .

فصل نوزدهم

(در منتسبین به مرحوم سید حجه الاسلام)

(نوادگان - دامادها - بنی اعمام)

آقا محمد ابراهیم قزوینی

از علماء و فضلاء ساکن اصفهان و داماد مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده و بعد از سال ۱۲۹۰ یعنی سال وفات مرحوم سید ثانی بلا عقب وفات یافته احتمالا در قبرستان آب بخشان مدفون گردید از شرح حال و نسب او فعلا هیچگونه اطلاعی نداریم جز آنکه :

مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن شرح حال مرحوم حاج محمد ابراهیم قزوینی عالم معروف در مکارم الاثار (ص ۱۶۴۰پنجم) بنقل از مرحوم حجه الاسلام حاج آقا کمال الدین قزوینی می نویسد :

مرحوم قزوینی دارای یک فرزند پسر بنام حاج آقا محمد و یک دختر بوده . مرحوم حاج آقا محمد دارای سه فرزند پسر بنامهای : ۱- آقا محمد ابراهیم

ص: ۱۶۷

۲- آقا محمد جواد ۳- آقا محمد خلیل بوده که آقا محمد جواد دارای دو فرزند پسر بنامهای : ۱- حاج آقا باقر ۲- حاج آقا کمال الدین بوده است .

نویسنده گوید : محتمل است که آقا محمد ابراهیم قزوینی صاحب عنوان فرزند حاج آقا محمد بوده باشد

موضوع قابل تحقیق و بررسی است که باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرد.

آقا محمد ابراهیم و آقا محمد خلیل هر دو بدون اولاد بوده اند .

سید ابراهیم کابلی

فرزند سید ابوالحسن موسوی عالم فاضل از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و مورد توجه و عنایت مخصوص آن مرحوم و از طرف ایشان سرپرست و ناظر قسمتی از بنائی مسجد سید بوده است.

در اشعاریکه میرزا محمد حسین هلال شاعر در ماده تاریخ اتمام بنای ساختمان مسجد سید گفته و در بالای اسپرهای طرفین ایوان جنوبی مسجد کتیبه شده در شعر چهارم که گوید :

سزد گر کعبه اش خوانی که شد سر کار اتمامش

سمی زاده آزر سلیل خواجه کیهان

مراد از « سمی زاده آزر » همین آقا سید ابراهیم می باشد.

مشار الیه تا سالهای پس از وفات مرحوم حجه الاسلام حیات داشته و پس از فوت در مقبره کوچک در انتهای دالان شمال شرقی مدفون گردید. ظاهراً وفات او در سال ۱۲۷۴می باشد .

مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر معروف به آقا محمد)عماد الاسلام فرزند مرحوم حاج سید جعفر در آخر نسخه ای از کتاب : هدایه السالکین فی

احادیث الائمه الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین (ص ۱۹۸ نسخه خطی کتابخانه نویسنده سطور) که بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی است و در سال ۱۳۱۶تألیف و کتابت آن بپایان رسیده شرحی در علت شهرت او به کابلی مرقوم داشته است .

شرح آن در ضمن بیان حالات مرحوم آقا میرزا محمد علی موسوی کایلی نوشته میشود .

مرحوم آقا سید ابراهیم دارای دو فرزند پسر بنامهای : ۱- سید ابو الحسن مدفون در قریه هاردنگ از بلوک لنجان در دامنه کوه جنب امامزاده هادی ۲ – سید عبدالرحیم بوده است.

شیخ محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

فرزند شیخ علی بن میرزا محمد حسین بن آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (از اسباط سید حجه الاسلام)

علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۱۸ یکم) می فرماید :

در سال ۱۳۲۲ در نجف متولد گردیده و از محضر درس میرزای نائینی و آقا ضیاء الدین عراقی بهره مند شده و تقریرات اصولی مرحوم نائینی و تقریرات فقهی مرحوم عراقی رانوشته و آنراء هدایه المسترشدین نام نهاده و همچنین ویرا کتابی است بنام : درر المقال در شرح درایه ورجال .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۱۳۵هشتم) می نویسد :

درر المقال فی علمی الدرایه و الرجال تألیف شیخ محمد ابراهیم کلباسی نجفی و آن تقریرات درس استادش سید ابی تراب خونساری متوفی در ۹ جمادی الاولی ۱۳۴۶می باشد

آقا سید ابو جعفر صدر موسوی عاملی (خادم الشریعه)

فرزند علامه فقیه رجالی مرحوم آقا سید صدر الدین محمد عاملی .

مادرش جان جان خاتون دختر شیخ کاشف الغطاء بوده و خود در حدود سال ۱۲۴۵در اصفهان متولد گردیده و در نزد پدر دانشمندی خود و مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر از بزرگان تلمذ نموده و بطوریکه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۱ یکم) می نویسد بعضی از تألیفات خود را بنظر سید استاد رسانیده و آن مرحوم تقریظی بر آن نوشته و از صاحب عنوان مدح و ثنای زیادی نموده است .

مرحوم آقا سید ابو جعفر از علماء محترم اصفهان بوده و در محله چهارسوق درب شیخ از متفرعات محله بید آباد سکونت داشته و در ۱۴ صفر سال ۱۳۲۴در این شهر وفات یافته در تخت فولاد مدفون گردید و بعداً فرزندش مرحوم حاج آقا مجلسی برای او تکیه و بقعه بنا نهاد و جمعی از فرزندانش و اعقابش در بقعه و خارج آن مدفون می باشند .

وی دو دختر از اعقاب سید حجه الاسلام را (یکی پس از وفات دیگری) در حباله نکاح در آورده :

۱- دختر مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی بنابر آنچه علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۱ یکم) می نویسد :

۲ - دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

و از ایندو و زنانی دیگر جمعاً هشت فرزند پسر و چندین دختر یافته

۱

۱- آقا نور الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به خانم آقا

۲- آقا صدر الدین داماد حاج شیخ محمد حسین نجفی شوهر رباب بیگم دختر آقا مجتهد موسوم به آغا بی بی

۳- آقا سید علی از دختر مرحوم آقا سید زین العابدین بید آبادی

۴ - حاج آقا حسن

۵ - حاج آقا شمس الدین

۶- حاج آقا حسین

مادر ایندو (حاج اقا شمس الدین وحاج اقا حسین) دختر مرحوم صدر الاسلام نصیری بوده است .

۷- (@@)

۸-(@@)

سید ابو الحسن موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام شفتی

از علماء و فضلاء بوده و در اصفهان خدمت جمعی از دانشمندان این شهر تلمذ نموده سر انجام در سال ۱۳۲۰ وفات یافته است

فرزند آقا سید محمد حسین از علمای ساکن طهران و به شفتی معروفست اولادش در طهران ساکن می باشند

فرزند دیگرش آقا فرج الله در اواخر عمر در قم ساکن بوده و هم در آنجا بدون اولاد وفات یافت .

میرزا ابو الفضل بید آبادی

فرزند حاج میرزازین العابدین فرزند مرحوم سید حجه الاسلام شفتی معروف

به آقاجان بوده و در قضایای شورش مردم اصفهان در سال ۱۲۶۵ گرفتار مصائب زیادی شده ورنجها کشیده و شرح اجمالی آن را در خاتمه کتاب در ضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام ثانی حاج سید اسد الله بیان خواهیم نمود.

در این جا بطور اجمال گوئیم آنچه بنی امیه لعنهم الله اجمعین نسبت به اسراء اهل بیت علیهم السلام پس از وقعه کربلا انجام دادند مأمورین حکومت محمد شاه و حاج میرزا آقاسی نسبت به حاج سید اسدالله و آقاسید زین العابدین و میرزا ابوالفضل و دیگران از اصحاب و یاران حاج سید اسدالله انجام دادند.

در تذکره القبور (ص ۱۴۶رجال اصفهان) گوید : قبرش دم در ارسی رو بمسجد جنب قبر عموی خود آقا میر محمد مهدی است .

حاج میرزا ابوالقاسم کلباسی

معروف به : شیخ العراقین فرزند آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی) در اصفهان از دختر سید حجه الاسلام بدنیا آمده و مقدمات علوم را در این شهر نزد علماء و فضلاء فرا گرفته سپس جهت تکمیل مراتب علمی به اعتاب مقدسه رهسپار شده و در آنجا خدمت علامه انصاری حاج شیخ مرتضی و پس از وفات او خدمت علامه شیخ محمد حسن کاظمینی تلمذ نموده تا بمقامات عالیه علم و فقاهت رسید .

مرحوم شیخ العراقین عالمی بزرگوار و صاحب اخلاق حسنه و مورد قبول و توجه علماء نجف اشرف بوده و در آن ارض مقدس در سال ۱۳۰۸ یعنی سال وفات استادش مرحوم کاظمینی وفات یافته و مدفون گردید فرزندش مرحوم میرزا اسماعیل نیز از فضلاء بوده است .

ویرا آثار علمیه ای است از آنجمله :۱- شرح بر اصول پدرش در چندین

مجلد ۲ - کتاب الصلوه و آن کتابی بزرگ است و در آن از استاد خود مرحوم شیخ انصاری زیاد نقل می کند . (نقباء البشر ص ۷۶یکم و صفحه ۱۸۲ شخصیت و زندگانی شیخ انصاری)

حاج میرزا ابوالمعالی کلباسی (محمد)

کوچکترین اولادان مرحوم حاجی کلباسی (کرباسی) اعلی الله مقامهما . عالم عامل وفقیه کامل عابد زاهد متقی در شب چهار شنبه ۷ شعبان سال ۱۲۴۷متولد و در چهار شنبه ۲۷ ماه صفر سال ۱۳۱۵در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه ای مخصوص مدفون گردید که بنام خود انجناب شهرت دارد .

شرح حال آن بزرگوار در بسیاری از کتب تراجم رجال بطور تفصیل و یا اجمال نوشته شده و عموماً مراتب علم وفضل و تقوای او را ستوده اند . مرحوم مولی عبد الکریم جزی در تذکره القبور (ص @@) می نویسد :

مراتب زهد و تقوی و اخلاق کامله و گوشه نشینی و کثرت اشتغال بفکر در علوم و نوشتن کتب علمیه از وی بیش از آنست که در این مختصر گنجد . مجلس آن مرحوم مصداق حدیث حواریین و حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام بود که عرض کردند: من نجالس ؟

حضرت عیسی علیه السلام در جواب فرمود: من یذکر کم الله رؤیته ویزیدکم فی العلم منطقه و یرغبکم فی الآخره عمله .

مرحوم کلباسی تألیفات زیادی (متجاوز از پنجاه کتاب و رساله) در موضوعهای مختلف دارد که از آنجمله است : ۱- رساله ای در استخاره ۲- شرح زیارت عاشوراء ۳- رساله در شرح احوال شیخ بهائی ۴- رساله در شرح حال آقاحسین خونساری و غیره .

ص: ۱۷۳

اساتید عمده او عبارتند از : آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی ۲- آقا میر سید محمد شهشهانی .

وی دختر مرحوم آقا میرزازین العابدین فرزند سید حجه الاسلام را بزوجیت داشته و از آن سه فرزند بشرح زیر یافته است :

۱ - حاج میرزا جمال الدین .

۲- حاج میرزا کمال الدین معروف به ابوالهدی داماد آقا میر سید علی بن سید ابوجعفر .

۳- دختری که زوجه مرحوم حاج میرزا احمد ملاباشی فرزند میرزا سید محمد حسن بن محمد علی بن عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی متوفی در روز پنج شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ بوده .

(تذکره القبور - رجال اصفهان - مکارم الاثار - المآثر والاثار - نقباء البشر دانشمندان و بزرگان اصفهان - البدر التمام و برخی کتب دیگر).

حاج میرزا احمد ملا باشی (منجم باشی اصفهانی)

فرزند مرحوم میرزا محمد حسن (فوت ۱۲۹۸) فرزند میرزا محمد علی (فوت ۱۲۸۲) فرزند حاج میرزا عبد الله حسینی تفرشی اصفهانی .

در کتاب المآثر والاثار (ص ۲۱۱) شرحی راجع به پدران او و مهارت واستادی آنان در نجوم و انتسابشان بخاندان خاتون آبادی نوشته و درباره صاحب عنوان گوید : پس از وفات پدر منصب ولقب منجم باشیگری یافته است (انتهی)

مرحوم حاج میرزا احمد عالم و فاضل ادیب وفقیه و منجم و در اصفهان مصدر امور شرعیه و عرفیه بوده و در نزد جمعی از بزرگان از فحول علماء همچون پدر خود و دیگران تلمذ نموده و بمصاهرت مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی کلباسی مفتخر

گردیده و سرانجام در روز۵ شنبه ۱۱ ربیع الثانی سال ۱۳۳۱ در اصفهان وفات یافته در داخل بقعه مرحوم آقا میرزا ابوالمعالی در تخت فولاد مدفون گردیده سپس به اعتاب مقدسه حمل گردید .

از آثار مرحوم حاج میرزا احمد ساختمان بقعه تکیه مرحوم آقا میرزا ابو المعالی کلباسی (کرباسی) در تخت فولاد اصفهانست

میرزا اسماعیل موسوی

از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام و ساکن در اصفهان بوده است

نسخه ای از کتاب : تحریر اقلیدس از کتابهای مرحوم سید حجه الاسلام در نزد او امانت بوده و مشار الیه در پشت صفحه اول کتاب یادداشت نموده که :

امانت از عموزاده سید محمد باقر رشتی .

بنابر این مرحوم آقا سید اسماعیل از علماء ریاضی بوده است . نسخه تحریر اقلیدس در کتابخانه نویسنده سطور می باشد .

اگهی بیشتری از صاحب عنوان تاکنون نداریم .

حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی

فرزند مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و معروف به « حاج آقا » .

عالم فاضل از جمله ادباء و شعراء و فضلاء بوده پس از وفات پدر (سال ۱۲۹۰) باتفاق مادرش که دخترعلامه فقیه زاهد حاج ملا علی بن حاج میرزاخلیل طهرانی بود به نجف اشرف مهاجرت نموده و در آنجا در حدیث جمعی از بزرگان اهل علم به تکمیل فضائل و معلومات خود پرداخته که از آنجمله است مرحوم آقا شیخ محمد حرز الدین (۱۲۷۳ - ۱۳۶۵) مؤلف کتاب : معارف الرجال (ص

ص: ۱۷۵

تصویر



آیت الله حاج سید محمد باقر شفتی

۹۸ یکم معارف الرجال) و در فقه و اصول و کلام صاحب نظر گردیده و از علماء مورد توجه گردیده خانه او مجمع علماء و ادباء و شعراء گردیده و خود بفارسی و عربی در نهایت خوبی وروانی شعر میسروده و با جمعی از ادباء زمان همچون سید جعفر حلی و دیگران در مجلس انس خود مقطعاتی میسروده اند.

ص: ۱۷۶

مرحوم حاج سید محمد باقر پس از فوت عموی خود مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی (۱۳۲۰) در اوایل مشروطیت به ایران مهاجرت نموده و مورد توجه و عنایت عموم طبقات بالاخص علماء و بزرگان واقع شده و در محله بیدآباد مرجعیت کلی یافته و منشأ خدماتی در مسجد سید از قبیل تعمیرات و تزئینات در داخل مسجد - نصب ضریح جهت قبر مرحوم سید حجه الاسلام و نصب ساعت برای مسجد و غیره گردیده در موقع استبداد صغیر و انقلاب ایران و اختلاف مستبدین و مشروطه خواهان مجدداً به نجف مهاجرت فرموده در سال ۱۳۳۳ بر حسب خواهش و اصرار مردم به ایران و اصفهان معاودت فرموده لکن پس از شش ماه (روز) که از ورود او گذشته در روز سوم ماه مبارک رمضان بمرض سکته وفات یافته در مقبره مسجد سید مدفون گردید . رحمه الله علیه .

مرحوم حاج سید محمد باقر دوم دارای چهار فرزند پسر از زنهای متعدد و یک دختر داشته باینقرار :

۱- مرحوم آقا سید محمد جعفر علم الهدی شفتی که پس از پدر مدتی در مسجد امامت نموده و بعداً ترک آن گفته در سال ۱۴۰۴ در طهران وفات یافت .

۲- حاج سید محمدرضا شفتی عالم فاضل متولی موقوفات مسجد سید و امام جماعت (شرح حالش بعداً نوشته میشود).

۳- سید محمد علی فرزندانش در مشاغل حساس دولتی انجام وظیفه می کنند وفقهم الله تبارک وتعالی .

۴ - سید کریم .

۵ - دختری که زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین حسینی کلیشادی گردید.

(کتابخانه حاج سید محمد باقر)

(ثانی بید آبادی در نجف اشرف) : دانشمند محترم آقای جعفر خلیلی در کتاب موسوعه العتبات المقدسه : قسم النجف (ج

ص: ۱۷۷

۲ ص ۲۹۲) در ضمن بیان کتابخانه های خصوصی در شهر نجف به خلاصه می نویسد :

کتابخانه سید محمد باقر اصفهانی رشتی فرزند زعیم روحانی مرحوم حاج سید اسد الله ... پدرش ویرا جهت تحصیل به نجف فرستاد و او از علماء آن شهر گردید و بجمع کتاب میل و رغبت زیاد داشت و همه نوع وسائل نیز برای او فراهم بود بخصوص پس از فوت پدرش که کلیه عواید املاک موروثی او را جهت وی میفرستادند و او کتابهای نفیس و نادر الوجود زیادی فراهم آورد.

خانه او در جنب خانه شیخ جواهری کبیر (حاج شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام) و در پشت خانه آل زینی قرار داشت و خانه ای وسیع و بزرگ بود . روزها در آنجا مجمعی علمی و ادبی از علماء و شعراء زیر و جمعی دیگر تشکیل میشد :

سید جعفر حلی - شیخ جواد شیبی . شیخ عبد الکریم جزائری - شیخ هادی (بن) شیخ عباس وقتی که مرحوم حاج سید محمد باقر عازم معاودت بایران گردید باندازه بار چند قاطر از آنها را همراه خود به اصفهان آورده و بقیه را در سردابی در منزل قرار داد و برای آن پنجره ها درست کرده و جهت حفظ از اسیب موریانه آنها را با ماده ای بیالود .

پس از فوت مرحوم حاج سید محمد باقر کتابها را از سرداب خارج نموده و فروختند و در خانه فضلاء نجف متفرق گردید. تعداد کتابها را چندین هزار مجلد گفتند که بیشتر آنها از کتب خطی و نفیس و کمیاب میبود .

نمونه اشعار

نمونه ای از اشعار مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی :

در مدح حضرت امیر المؤمنین علیه السلام گوید :

یا ابن عم النبی ای معال

لک فی أرفع المدائح تذکر

بعد ما أنزل الاله کتاباً

فیک لایستطاع للقوم تنکر

و ثناءِ النبی فیک فأبدی

یوم خم ثنی اناب و بکر

هو فی مطعم المعادین صاب

وهو فی مطعم الموالین سکر

أی فضل یزویه عنک معاد

أو تزوی شمس الضحی لوتفکر

کذب العاذلون فیک وقالوا

قول زور بهم یحاط ویمکر

قد اتوا منکراً فحسبهم الله

تعالی یوم المعاد و منکر

(ص ۱۳۸ اول معارف الرجال)

سید محمد باقر عماد الاسلام

معروف به آقا محمد فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل ادیب شاعر .

در حدود سال ۱۲۹۵ در اصفهان متولد گردیده و در نزد فضلای این شهر تلمذ نموده و از ابتدای جوانی به تألیف کتب پرداخته از آنجمله : ۱- فصول العلیه در آداب نماز شب در سال ۱۳۲۳ قمری بچاپ رسیده است ۲ - هدایه السالکین در اخبار ائمه طاهرین و آن شرح چهل حدیث است که صاحب عنوان آنها را ترجمه و شرح نموده و تألیف آن در جمعه ۱۳ شهر محرم الحرام سال ۱۳۱۶بپایان رسیده است نسخه ای از آن بخط مرحوم آقا میرزا محمد علی کابلی در نزد نویسنده موجود است .

مرحوم عماد الاسلام گاهی شعری گفته وفخر تخلص مینموده و خویشتن را بفخر الشعراء وصف وملقب نموده است .

مرحوم عماد الاسلام در سال ۱۳۴۰ قمری در شیراز وفات یافته و در شاه

چراغ حضرت احمد بن موسی الکاظم علیه السلام مدفون گردید .

از آن مرحوم یک فرزند پسر بنام : آقا سید جعفر عمادی و سه دختر بجای ماند.

۱- مرحوم آقا سید جعفر در سال @@۱۳ در قم وفات یافت .

۲- زوجه مرحوم حاج میرزا قوام الدین رشتی فرزند مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق .

۳- زوجه مرحوم آقا مهدی طباطبائی در میانی .

۴ - زوجه مرحوم آقا میرزا علی محمد بن میرزا عبد الجواد کلباسی.

(نکته) :

مرحوم عماد الاسـلام در آخر هدایه السالکین درباره وجه شـهرت آقا سید ابراهیم کابلی به (کابلی) مطالبی مرقوم فرموده و در آنجا خویشتن بدینگونه نام برده است :

وانا العبد الذلیل الفاقر ابن محمد جعفر محمد باقر الموسوی الشفتی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۶ .

وجه انتساب به محلات را تاکنون ندانسته ایم .

سید محمد باقر موسوی

فرزند آقا سید محمد بن سید عبد الرحیم بن سید مؤمن بن سید محمد باقر حجه الاسلام

مرحوم صدر هاشمی در تاریخ جرائد و مجلات (ص ۱۰ چهارم) می نویسد: (با اندکی تصرف)

روزنامه عراق در شـهر اراک بمدیری و مؤسسـی آقای باقر موسوی تأسـیس شده و شماره اول آن در اول اسفند سال ۱۳۱۲ شمسی منتشر شده است . روزنامه در

چاپخانه ای که خود ایشان تهیه و تأسیس نموده و بنام (چاپخانه موسوی) دایر نموده بود چاپ میشده است .

مشار الیه پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی چاپخانه را بطهران منتقل نموده و روزنامه را در آن شهر منتشر میساخت

مرحوم صدر هاشمی درباره آقای سید محمد باقر موسوی می نویسد :

آقای موسوی جوانی است فعال و در امور چاپ و مطبعه کمال بصیرت را دار است .

حاج آقا حسن ملاذ الاسلام

فرزند مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی عالم فاضل . مشار الیه از علماء صاحب نفوذ و معتبر اصفهان و در محله بید آباد مرجعیت وریاست کلی داشته و داماد مرحوم حاج شیخ محمد نقی مسجد شاهی معروف به ؛ آقا نجفی بوده و قبل از ۱۲۹۰ متولد گردیده و در ۱۷ شعبان سال ۱۳۳۶در سفر زیارت در مشهد مقدس وفات یافته در دارالحفاظ مدفون گردید (ص۱۸۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان - تاریخ علمای خراسان صفحه ۲۵۴)

مرحوم ملاذ الاسلام از دو دختر مرحوم آقا نجفی (پس از فوت زوجه @@ خود دختر دیگری از مرحوم آقا نجفی اختیار نمود) دو پسر و دو دختر پیدا کرد .

۱- حاج میرزا محمد مهدی جعفری .

۲- حاج میرزا محمد جعفری متوفای سال ۱۴۰۴.

۳- زوجه مرحوم حاج میرزا ابو الفضل بن میر محمد تقی کتابفروش(کتابی)

۴ – زوجه مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام فرزند آقا میرزا هاشم بن حاج سید جعفر بیدآبادی .

(تذکر) :

دانشمند محترم حجه الاسلام حاج سید محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمیمه تاریخ خراسان (۲۵۴) ویرا تحت عنوان : اصفهان ملاذالانام ذکر نموده که صحیح آن ملاذ الاسلام می باشد.

فایده۱و۲

(فائده ۱) : در جمادی الاولی سال ۱۳۲۴ جمعی از علماءِ اصفهان قراردادی بین خود منعقد ساختند و در آن استعمال امتعه خارجی و منسوجات آنان را منع کردند یکی از این علماء مرحوم حاج آقا حسن ملاذ الاسلام بید آبادی می باشد

(فائده ۲): مرحوم میرزا سلیمان خان رکن الملک (۱۲۵۴– ۱۳۳۱) نایب الحکومه اصفهان که مردی ادیب و شاعر و مسلمان ووطن خواه و روشنفکر وترقیخواه بود بیشتر از دیگران متوجه نقشه شوم استعمار گران در زیر پوشش تجارت و اقتصاد و زیانهای ناشی از این راه به مردم و مملکت و اسلام گردید او تاریخ هندوستان و دیگر مستعمرات ممالک خارجی و استعمارگر را خوانده و شنیده بود که راه نفوذ بیگانگان در داخله ممالک تجارت است و بعداً اسارت بفکر چاره افتاد و برای بریدن یکی از دستاویزهای آنان به ایجاد و تأسیس شرکت اسلامیه همت گماشت (شرح این شرکت ووظائف آن و کارهای انجام شده بوسیله آن خارج از حوصله کتاب و بحث ما می باشد) تاریخ افتتاح شرکت روز ششم شوال ۱۳۱۶ بوده در این روز عده ای از علماء و تجار و محترمین شهر در منزل رکن الملک حضور یافته و پس از مطالبی که آن مرحوم درباره اوضاع دنیا و تجارت خارجیها و آثار مترتبه آن بیاد داشت اعلام داشت که شرکتی بنام شرکت اسلامیه جهت تهیه پارچه های داخلی در شرف تأسیس است و از حاضرین استمداد کرد مرحوم ثقه الاسلام حاج اقا نور الله مسجد شاهی با بیانات خود و سپس با خریدن تعداد زیادی از سهام

ص: ۱۸۲

شرکت در این امر پیشقدم گردید سپس علماء و تجار و محترمین علی قدر مراتبهم از سهام شرکت خریدند .

از کارهای مرحوم رکن الملک یکی آن بود که درباره استعمال پارچه های وطنی در برابر پارچه های خارجی از علماء و مراجع تقلید نجف و کربلا و سایر اماکن و بلاد سؤالاتی نمود که عموماً جواب مساعد داده و فرمودند که با بودن هر چه مشابه داخلی استعمال منسوجات خارجی ممنوع بلکه حرام است برخی از این علماء عبارتند از : ۱- آخوند خراسانی ۲- شیخ الشریعه اصفهانی ۳- حاج میرزا حسین نوری ۴ - حاج شیخ عبد الله مازندرانی ۵ - ملا محمد علی خونساری ۶- ملا علی نهاوندی ۷- حاج سید عبدالحسین لاری و غیره .

دنباله اقدامات فوق در سال ۱۳۲۴عده ای از علماء اصفهان انجمنی تشکیل داده و قراردادی در چندین ماده امضاء کردند که یکی از مواد آن مربوط به استعمال پارچه های بافت داخلی در برابر منسوجات خارجی و ترغیب و تحریص مردم در استعمال ان ومنع استعمال امتعه خارجی بود اسامی این علماء برحسب حروف تهجی عبارت است از :

۱- سید ابوالقاسم دهکردی ۲- حاج میرزا ابوالقاسم زنجانی ۳- میرزا محمد باقر بروجردی ۴ - شیخ محمد تقی اقا نجفی ۵ - میرزا محمد تقی مدرس میر محمد صادقی ۶ - اقا محمدجواد قزوینی ۷- حاج اقا حسن بید آبادی (ملاذ الاسلام) ۸- آخوند ملا حسین (ابن جعفر فشارکی) ۹ - سید محمد رضا مسجد شاهی معروف به اقا میرزا ۱۰ - میرزا سلیمان خان رکن الملک ۱۱ - میرزا علی محمد(اژه ای) ۱۲ - شیخ مرتضی ۱۳ - حاج میرزا مهدی جویباره ای ۱۴ - حاج اقا نورالله (ثقه الاسلام تاریخ ورقه ۱۷ جمادی الاولی ۱۳۲۴ هجری قمری .

ص: ۱۸۳

شیخ محمد حسین کلباسی

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی بن علامه حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

علامه طهرانی در نقباء البشر ص ۶۶۲دوم) می نویسد : عالم جلیل وورع صالح در مشهد حضرت رضا علیه السلام بوده و در سال ۱۲۸۵به نجف مهاجرت فرموده و در آنجا دختر علامه فقیه اقا شیخ محمد حسن صاحب جواهر الکلام را بزوجیت اختیار نموده و نزد جمعی از بزرگان علماء زمان همچون مرحوم شیخ محمد حسین کاظمینی تلمذ نموده در سال ۱۳۳۶ به مشهد مقدس مراجعیت نموده و ریاستی و مرجعیتی کامل یافته در سال ۱۳۴۰وفات یافته و در دار السیاده مبارکه مدفون گردید .

فرزندش مرحوم آقا شیخ علی نیز از علماء بود و در سال ۱۳۵۴ وفات یافته است .

آقا سید حسین موسوی بیدآبادی

فرزند مرحوم آقاسید ابوالقاسم بن حاج سید محمد علی بن حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی بید آبادی علیهم الرحمه .

مرحوم آقا سید ابو القاسم از فضلاء و علماء اصفهان بوده و ظاهراً در خدمت پدر بزرگواروعم عالیمقدارخود مرحوم حاج سید اسدالله و دیگر بزرگان اصفهان تلمذ نموده و احتمالا پس از وفات در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردیده است. مشارالیه داماد مرحوم حاج میرزا ابوالفضل فرزند حاج میرزا زین العابدین فرزند مرحوم سید حجه الاسلام بوده است .

ص: ۱۸۴

مرحوم آقا حسین در قبل از ۱۳۰۰ در اصفهان متولد گردیده و در نزد علماء اصفهان تحصیل نموده و اساتید ایشان مرحوم آقا سیدابوالقاسم دهکردی و آقا سید محمد باقر درچه ای و آقا شیخ محمد رضا نجفی مسجد شاهی و جمعی دیگر از بزرگان می باشند .

مرحوم آقا حسین عالم فاضل ظهرها در مسجد سیدامامت میفرموده و در صبح و مغرب در مساجد محله لرها (مسجد حاج جمال) اقامه جماعت مینموده و مورد احترام ووثوق عموم اهل محل بود. و با همه سختیها که در دوره رضا خانی به اهل علم وروحانیون و ارد میشد تحمل نموده و ترک مسجد و محراب نفرمود و در شبهای ۱۹ ماه مبارک رمضان در مسجد سید مراسم احیا بپا میداشت .

سرانجام در سال ۱۳۵۶ بسن قریب به هفتاد وفات یافته در تخت فولاد در تکیه مرحوم بروجردی در خارج بقعه سمت جنوب مدفون گردید .

فرزند ایشان ووارث بالاستحقاق انجناب آقای حاج سید محمد تقی موسوی یکی از ائمه جماعت فعلی مسجد سید میباشند ایده الله تبارک و تعالی .

زوجه ایشان (مرحوم آقا حسین) دختر مرحوم آقا سید مهدی بن حاج سید محمد علی بن سید حجه الاسلام شفتی بوده است.

شیخ محمد حسین جویباره ای

فرزند مولی محمد صالح بن مولی محسن بن مولی عبد الفتاح مازندرانی اصفهانی .

پدرش مولی محمد صالح از علماء و بزرگان اصفهان بوده و کتابهای : ۱- اصول الفقه ۲ - کواشف الحجب در اصول فقه در چندین مجلد از تألیفات اوست و در غره محرم ۱۲۸۵ بسن متجاوز از هشتاد سال در اصفهان وفات یافته در بقعه تکیه

مادر شاهزاده در تخت فولاد مـدفون گردیـد . مشار الیه داماد علامه فقیه رجالی اقا سـید صـدر الدین محمد عاملی بوده و از عیال خود (زینب بیگم) دو فرزند پسر یافته که او این صاحب عنوان یعنی اقا شـیخ محمد حسین می باشد که بمناسبت سکونت در محله جویباره به جویباره ای معروف شد.

مرحوم اقا شـیخ محمد حسین عالم فاضل زاهد محقق در اصفهان و نجف تحصیل نموده پس از مراجعت به اصفهان در مسجد معروف به شیره پزها و مسـجد شـیشه گری امامت میفرموده و مورد وثوق مؤمنین و مقدسـین بوده است و دختر مرحوم حاج سـید جعفر بیـد آبادی را بزوجیت اختیار نموده است .

فرزندش مرحوم عالم فاضل زاهد

حاج شیخ محمد رضا صالحی

جویبـاره ای از علمـاء اخیار و در اسـتخاره و تفادل از قرآن شـهرت کامل داشت و الحق اسـتخارات او عموماً قرین صواب و مطابق واقع بود در شب غره ماه رجب سال ۱۳۸۶ بسن متجاوز از نود و پنج سالگی در اصـفهان وفات یافته جنازه با تشـییع عظیم و حضور هزاران نفر از مؤمنین و مقدسین وعلماء وطلاب به تخت فولاد نقل شده در مقبره خانوادگی در جنب اباء و اجداد مدفون گردید . رحمه الله علیه .

(تذکر) :

آنچـه معروفسـت و در کتـب اهـل فن مضـبوط خانـدان معروف به جویبـاره ای (صـالحی جویبـاره ای) از اعقـاب علامـه فقیه مـولی محمـد بن عبـدالفتاح تنکـابنی معروف بفاضـل سـراب می باشـند لکن در جائی اتصال نسب آنان به فاضل سـراب دیـده نشـده است بظن نویسـنده (فقط احتمالی بیش نیست و بایـد درباره آن تحقیق شود) مولی عبـدالفتاح جـداین سلسـله مذکور در نسب نامه فوق فرزند مرحوم فاضل سـراب می باشد بنابراین نسب مرحوم اقا شیخ محمد رضاجویباره ای چنین است:

حاج شیخ محمد رضا بن شیخ محمد حسین بن مولی محمد صالح بن مولی

محسن بن مولی عبدالفتاح بن مولی محمد معروف به فاضل سراب فرزند عبدالفتاح تنکابنی اصفهانی رحمه الله علیهم اجمعین .



تصویر

حاج میرزا محمد حسین جعفری

فرزند آقا میرزا هاشم فرزند حاج سید جعفر رحمه الله علیهم اجمعین .

عالم فاضل از ائمه جماعت مسجد سید و مسجد علی قلی آقا در اصفهان در خدمت جمعی از بزرگان همچون اقاسید ابوالقاسم دهکردی و اقاسید محمد باقر درچه ای و اقا میر محمد تقی مدرس و آخوند ملا محمد کاشانی درس خوانده و در مدرسه میرزا حسین با جمعی از افاضل حوزه مباحثه داشت .

در حدود سال ۱۳۰۳متولد و در ۱۰ ربیع الثانی سال ۱۳۶۹در اصفهان وفات یافته در بقعه سید حجه الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در تاریخ وفات او گوید :

انما الدهر سراب وغدور فان

فاحذروا الفتنه والغفله یا اخوانی

انظروا کیف مضی اول عشر السبعین

من هو الطائف للبیت عظیم الشأن

سید ناصر شرع وملاذ الاسلام

یحفظ الدین ویستأنس بالرحمن

وهو للباقر سبط وحسین فی الاسم

جعفری النسب الکامل فی الایمان

ارخ النیر للعام وشهر والیوم

تنقص العشره من «شهر ربیع الثانی»

(ص ۲۱ جلد سوم معادن العلوم تألیف مرحوم نیر)

مرحوم حاج میرزا محمد حسین دو فرزند پسر بنامهای: ۱- علیرضا ۲- محمد باقر داشت که هردو بلاعقب در اوایل جوانی وفات یافته و در تکیه گلزار در تخت فولاد مدفون شدند و دو دختر ۱- زوجه فاضل محترم مرحوم حاج اقا میرزا منیر صادقی متوفی در شعبان ۱۴۰۴فرزند مرحوم عالم جلیل حاج سید محمد باقر میر محمد صادقی احمد آبادی ۲ - زوجه اقای حاج میرزا علی اکبر زواره ای فرزند مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای طباطبائی .

حاج سید محمد رضا شفتی

فرزند عالم فاضل ادیب شاعر حاج سید محمد باقر دوم شفتی بید آبادی رحمه الله علیهما .

تصویر



مرحوم حجه الاسلام حاج سید محمد رضا شفتی

از فضلاء خاندان شفتی در حدود سال ۱۳۲۰ در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد عده ای از فضلاء همچون آخوند ملا تقی دهقی و حاج آخوند زفره ای و اقا شیخ علی مدرس یزدی و اقا سید میرزا اردستانی مقدمات و سطوح را فرا گرفته سپس جهت تکمیل تحصیلات به نجف اشرف مهاجرت نموده و پس از آنکه برادر بزرگ ایشان مرحوم علم الهدی بعللی ترک جماعت در مسجد سید نموده ایشان را از نجف دعوت باصفهان کرده قبل از سال ۱۳۴۶مراجعت نموده و تا هنگام وفات در مسجد سید به اقامه جماعت پرداخته و پس از فوت مرحوم ملاذ الاسلام امر تولیت موقوفات مسجد معوض بایشان گردیده و به بهترین صورت بوظیفه شرعی خود با وجود تمام مشکلات و موانعیکه اداره اوقاف زمان برای ایشان ایجاد میکرد انجام وظیفه نمود .

ص: ۱۸۹

اساتید ایشان پس از مراجعت از اعتاب مقدسه در اصفهان عبارتند از : اقا میرزا احمد مدرس - آقاشیخ محمد رضا مسجد شاهی- مرحوم حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی و با لخصوص مرحوم اقا سید مهدی درچه ای و غیره

مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی عالمی جلیل و فاضلی خلیق بود در سالهائیکه مرحوم آیت الله حاج سید علی بهبهانی اعلی الله مقامه الشریف مدت شش ماه باصفهان تشریف میآوردند مشار الیه در همان ساعات اول ورود خدمت ایشان شرفیاب شده و ضمن عرض تبریک ورود از ایشان دعوت مینمود که شبها جهت اقامه جماعت به مسجد سید تشریف فرما شوند. این ایثار و گذشت سبب محبوبیت بیشتر ایشان شده و اهمیت و اعتبار ویرا نزد عموم طبقات بالاخص مقدسین و متدینین بدرجات زیاد بالا برد .

مرحوم شفتی در نیمه شب ۵ شنبه ۳ ذی الحجه ۱۳۹۶ پس از یک عمل جراحی در بیمارستان وفات یافته جنازه با کمال احترام و تشییع شایسته به مسجد سید منتقل و در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردید. رحمه الله علیه .

از مرحوم شفتی از دو نفر عیال سه فرزند پسر بنامهای : حاج سید محمد جواد - حاج آقا مهدی - احمد اقا و چندین دختر باقیمانده است .

فاضل محترم آقای

حاج آقا مهدی شفتی

جوان مؤدب و آراسته و از مشتغلین و طلاب علوم دینیه اصفهان است که پس از فوت پدر بزرگوار به افتخار تلبس به لباس روحانیت نائل گردیده و تحصیلات علوم قدیم راضمیمه علوم جدید نموده ودر ظهر و عصر و مغرب و عشاء در مسجد سید بجای پدر اقامه جماعت می نماید و مورد توجه و عنایت مردم بید آباد می باشد و تاکنون موفق بطبع چهار مجلد از مجلدات شش گانه مطالع الانوار گردیده و کتاب حاضر نیز بر حسب خواهش ایشان تألیف شده است .

تصویر



حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجة الاسلام اقای حاج سید حسن فقیه امامی می‌باشند وایشان داماد ثقة الاسلام واعظ محترم وشفیق مکرم جناب اقای حاج اقا رضا مظاهری واقای مظاهری صهر جلیل عالم فاضل مرحوم اقا شیخ اسماعیل بن حاج اقا منیر الدین بروجردی ومرحوم اقا شیخ اسماعیل نیزداماد عالم فاضل

-۱۹۱-

حاج آقا مهدی شفتی

اقای شفتی نامبرده داماد حجه الاسلام آقای حاج سید حسن فقیه امامی می باشند و ایشان داماد ثقه الاسلام واعظ محترم و شفیق مکرم جناب اقای حاج اقا رضا مظاهری و اقای مظاهری صهر جلیل عالم فاضل مرحوم آقا شیخ اسماعیل بن حاج اقا منیر الدین بروجردی و مرحوم آقا شیخ اسماعیل نیز داماد عالم فاضل

زاهـد حجه الاسـلام و المسـلمین مرحوم آقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزنـد علامه جلیل اقا میرزا هـدایه الله ابن علامه فقیه زاهداقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب کتاب روضات الجنات می باشند .

زاهد حجة الأسلام والمسلمین مرحوم اقای حاج میرزا حبیب الله روضاتی فرزند علامه جلیل اقا میرزا هدایة الله ابن علامه فقیه زاهداقا میرزا محمد باقر چهارسوقی صاحب کتاب روضات الجنات می‌باشند .



حاج سید محمد منجم باشی

حاج سید محمد منجم باشی

ص: ۱۹۲

واما اقای حاج سید محمد جواد شفتی عالم فاضل از فضلاء اصفهان بشمار میرفت و اکنون سالهاست که در طهران ساکن و بوظائف دینی و اجتماعی اشتغال دارند . مشار الیه داماد عالم فاضل مرحوم حاج اقا محمد آل رسول فرزند عالم فاضل کامل اقا میرزا ابراهیم شمس آبادی می باشند و مرحوم آل رسول نیز خود داماد علامه جلیل عالم فاضل محقق مرحوم حاج شیخ جمال الدین نجفی مسجد شاهی اصفهانی بودند رحمه الله علیهم اجمعین .

مادر مرحوم شفتی صاحب عنوان دختر فاضل محترم مرحوم حاج سید محمد منجم باشی (فرزند میرزا سید محمد حسن بن سید محمد علی بن سید عبد الله حسینی تفرشی شیرازی اصفهانی) بوده و زوجه اول ایشان دختر مرحوم حاج اقا فضل الله نجومی فرزند حاج سید محمد منجم می باشد .

حاج میرزا عبد الجواد کلباسی

فرزند مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجه الاسلام شفتی

عالم فاضل جلیل در اصفهان متولد گردیده و در این شهر در نزد پدر و جمعی دیگر از فحول علماء تلمذ نموده و پس از وفات پدر در مسجد حکیم امامت مینموده و در ایام تحصیل نزد پدر کتاب : تذهیب الاصول در شرح تهذیب الاصول علامه حلی تألیف نموده تاریخ فراغت از تألیف ۱۹ شعبان ۱۲۷۸ می باشد

مرحوم

آقا میرزا عبد الجواد شفتی

در سال ۱۳۱۴در اصفهان وفات یافته و در مقبره جد بزرگوار خود مرحوم حاجی کلباسی اعلی الله مقامه مدفون گردید .

وی دارای چندین فرزند بوده بدین شرح :

۱- مرحوم آقا میرزا علی محمد امام مسجد حکیم مدفون در بقعه تکیه اقا

میرزا ابو المعالی داماد مرحوم آقا محمد عماد الاسلام

۲- مرحوم آقا میرزا محمد علی از علماء صاحب نفوذ اصفهان متوفی در شب ۲ شنبه ۱۲ صفر المظفر سال ۱۳۴۲مدفون در مقبره حاجی کلباسی

۳- مرحوم آقای حاج میرزا هاشم عالم فاضل زاهد امام مسجد حکیم متوفی بسال ۱۳۵۸مدفون در بقعه تکیه کازرونی در تخت فولاد .

فرزندش مرحوم حاج میرزا عبد الجواد از علماءِ اصفهان و امام مسجد حکیم عالمی خلیق و مهربان و خدمتگزار مردم بود در روز شنبه ۱۹ جمادی الاولی سال ۱۳۸۷ در جاده تهران بقم در اثر تصادف وفات یافته و در روز ۲ شنبه ۲۱ جمادی الاولی در قم مدفون گردید .

مرحوم کلباسی (حاج میرزا عبد الجواد بن حاج میرزا هاشم) مؤلف کتابی است بنام : منهاج السالکین در آداب حج و زیارات مدینه منوره که بچاپ رسیده است .

حاج میرزا عبدالرزاق رشتی

فرزند حاج میرزا محمد کاظم .

از علماء وفضلاء و اجلاء بوده در خدمت جمعی از فضلاء و علماء اصفهان همچون مرحوم حاج سید اسد الله و اقا شیخ محمد باقر نجفی تلمذ نموده و بشرف مصاهرت مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی مفتخر گردیده است .

مرحوم رشتی از علماء صاحب مکنت و ثروت بوده و ظاهراً تولیت مدرسه در کوشک (مدرسه باقریه) از طرف مرحوم سید ثانی بایشان محول گردیده است.

مرحوم رشتی دارای دو فرزند فاضل و متقی بنامهای ۱ - حاج اقا مرتضی ۲- حاج میرزا قوام الدین از خود بجای گذاشت .

ص: ۱۹۴

مرحوم حاج اقا مرتضی رشتی

داماد عالم جلیل ورئیس مطاع مرحوم حاج اقا جمال الدین نجفی مسجد شاهی بود و مرحوم حاج میرزا قوام الدین متوفی در ماه صفر ۱۳۶۵ در طهران ومدفون در قم داماد مرحوم آقا محمد عماد الاسلام دائی خود گردید ومرحوم

آقا میرزا محمد مهدی

ادیب و فاضـل متوفی در ۴ شنبه ۲۹ ربیع الثانی سال ۱۳۷۷ مـدفون در تکیه گلزار داماد علامه فقیه مرحوم آقا میرزا احمـد مدرس ۲- دانشمند محترم اقای حاج میرزا محمد حسین رشتی از فضلاء معاصر اصفهان .

مرحوم حـاج میرزا عبـد الرزاق صـاحب عنوان در سـال ۱۳۱۹در مسـافرت عتبات مقـدسه در نجف اشـرف وفات یافته در وادی السـلام مـدفون گردید .

حاج ملا علی خلیلی طهرانی

فرزند حاج میرزا خلیل طبیب طهرانی نجفی فرزند علی بن ابراهیم بن علی رازی

مرحوم حاج میرزا خلیل (۱۲۸۰ - ۱۱۸۰) طبیب زاهد شرح حالش در کتاب ادباء الاطباء (ص ۱۴۴ یکم)

مرحوم حاج ملا علی خلیلی

عالم فاضل فقیه مجتهـد محدث رجالی زاهد در ۲۸ جمادی الاولی سال ۱۲۲۶ متولد و در ۲۵ ماه صفر سال ۱۲۹۷ وفات یافته در وادی السلام مدفون گردید .

مرحـوم خلیلی در نزد عـده کـثیری از فحـول علمـاء تلمـذ نمـوده و برخی از بزرگـان از علمـاء نیز در خـدمت او درس خوانـده انـد تألیفـات او عبارتست از :

۱- تعلیقاتی بر بسیاری از کتب

۲ - خزائن الاحکام در شرح کتاب : تلخیص المرام در معرفت احکام تألیف

علامه حلی

۳- کتابی در رجال

۴ - سبیل الهدایه در علم درایه

۵ - غصون الاریکه الغرویه در اصول فقه

ویرا فرزندان چندی از پسر و دختر بوده از آنجمله :

۱- دختری که زوجه مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی و مادر حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی بوده است .

۲- دختری که زوجه مرحوم آقا شیخ محمد علی شا□ عبد العظیمی(۱۲۵۸ - ۱۳۳۴) بوده است

(ادباء الاطباء - معارف الرجال - الذریعه - مکارم الاثار - معجم رجال الفکر و الادب - ماضی النجف وحاضرها - اعیان الشیعه - الکرام البرره)

میرزا محمد علی موسوی کابلی

فرزند سید عبدالحفیظ موسوی کابلی از بنی اعمام مرحوم سید حجه الاسلام .

ادیب و فاضل وخطاط از شاگردان مرحوم حاج سید اسد الله و از مخصوصین مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی بوده و بامر او چندین کتاب و رساله کتابت نموده است که ذیلا بنام دو کتاب اشاره می شود :

۱- جلد دهم بحار الانوار است که بدستود مرحوم حاج سید جعفر بید آبادی بخط نسخ و شکسته از روی نسخه ای که در سال ۱۱۳۲نوشته بوده استنساخ کرده است. کتاب به شماره (۵۲۶۵) در کتابخانه عمومی اصفهان موجود است (ص ۱۸۹ یکم فهرست نسخه های خطی کتابخانه عمومی اصفهان).

ص: ۱۹۶

فائده : در کتابخابه عمومی اصفهان چندین مجلد از کتاب بحار الانوار بخط نسخ محمد تقی بن محمد حسن خو نساری موجود است که در یکی از آنها تصریح شده است که بر حسب دستور مرحوم حاج سید محمد جعفر مجتهد نوشته شده و احتمالا بقیه مجلدات نیز بدستور ایشانست و آنها عبارتست از:

۱- جزء اول (کتاب العقل و العلم) وجزء دوم (کتاب التوحید) بشماره (۵۱۸۷) تاریخ ۱۳۰۱ و ۱۳۰۲ .

۲- مجلد سوم (عدل و معاد) بشماره (۵۱۷۵) بدون تاریخ .

۳- مجلد پنجم (قصص انبیاء) بشماره (۵۲۳۰) بسال ۱۳۰۸ بدستور حاج سید محمد جعفر .

۴ - مجلد ششم جزء سوم (حالات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از غزوه بدر کبری تا آخر) بشماره (۵۱۸۵) تاریخ ۱۳۰۰.

۵ - مجلد نهم حالات امیر المؤمنین علیه السلام بشماره (۵۲۷۰) تاریخ ۱۳۰۳ .

۶ - مجلد هفدهم : کتاب الروضه بشماره (۵۱۸۸) تاریخ ۱۲۹۷.

۷ - مجلد نوزدهم جزء ثانی بشماره (۵۱۳۲) تاریخ غره جمادی الاولی ۱۲۹۸

۸ - مجلد بیستم اعمال سنین وشهور و ایام بشماره (۵۲۶۶) تاریخ صفر ۱۲۹۲

۹ - مجلد بیست و دوم کتاب المزار بشماره (۵۲۶۸) تاریخ ۱۳۰۰۰

۲ - کتاب : هدایه السالکین فی احادیث الائمه الطاهرین سلام الله علیهم اجمعین از تألیفات مرحوم آقا محمد (سید محمد باقر) عماد الاسلام .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام

ص: ۱۹۷

علی خیر خلقه محمـد و آله اجمعین الطاهرین المعصومین و بعـد چنین گویـد محمـد باقر بن محمـد جعفر بن محمـد باقر ... (سپس نسب نامه خود را تا حضـرت آدم علیه السـلام نقل نموده است) که چون روایت شده است از حضـرت رسول صـلی الله علیه و آله که فرموده است : من حفظ اربعین حدیثاً وجبت له الجنه ..

انجام : تمت الرساله فی ۲۱ شهر محرم الحرام ۱۳۱۶.

بسم الله الرحمن الرحیم برادران خود را زحمت افزا میشود که این نسـخه بسیار مختلف بود بـا نسـخه اصـل و با زحمات چنـدی خود این داعی مقابله کردم انرا با نسـخه اصل و نویسـنده این نسخه عالیجناب سلاله السادات العظام اقا میرزا محمد علی زید مجده میباشد ولد ارجمند مرحوم مغفور جنت مکان اقا سـید عبد الحفیظ رحمه الله علیه خلف مرحوم جنت مکان اقا سید ابراهیم اصفهانی المعروف بکابلی غفر له است و جهت منسوب بکابلی شدن آن مرحوم بجهت این میباشد که مرحوم آیت الله فی الارضین حجه الاسلام و المسلمین جدابی این داعی المسمی بالحاج السـید محمـد باقر اعلی الله مقامه در صدد این بودند که کتاب مدینه العلم مرحوم صدوق رحمه الله علیه را بدست آورده و گویا مفقود بود در این ولایـات خـدمت آن بزرگوار عرض شـد که کتـاب مزبور در کابـل قنـدهار در خزانه سـلاطین آنجاهـا یافت میشود و آن بزرگوار اقا سـید ابراهیم مرحوم را بکابل روانه فرمودند و زمانی هم در صدد بود آن سـید مرحوم و سـفر آن مرحوم هم بطول انجامید و عاقبت پیدا نشده بود و خیال بر قرار گرفت که حرکت باصـفهان نماید و محض آنکه هر گاه مشرف خدمت سید حجه الاسلام اعلی الله مقامه شود دست خالی نباشد تفسـیر امام فخر رازی را از کابل در همراهی خود آورد و در وقت ورود او را بر تخت گذارد و سـید حجه الاسـلام اعلی الله مقامه بسـیار خرج فرمود

ص: ۱۹۸

بجهت یافت شدن کتاب مذکور و بسیار بسیار در صدد بود عاقبت امر آن کتاب مستطاب یافت نگردید و علی الاتصال آن بزرگوار در خیال وجدان آن کتاب مستطاب والامقام بود اخر الامر مأیوس از وجود آن شد. اللهم اغفر له اللهم لاتویسنا من کل امر بمحمد وعترته الطیبین الطاهرین المعصومین و انا العبد الذلیل الفاقر ابن محمد جعفر ابن محمد باقر الموسوی الشفتی الرشتی المحلاتی الاصفهانی فی شهر رجب المرجب سنه ۱۳۱۶ .

توضیحاً : عین عبارات مرحوم عماد الاسلام نقل گردید .

حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام

فرزند اقا میرزا هاشم فرزند حاج سید جعفر بید آبادی داماد عموی خود مرحوم حاج اقا حسن ملاذ الاسلام بوده و پس از فوت مشار الیه به لقب او ملاذ الاسلام شهرت یافت

قبل از سال ۱۳۰۵ در اصفهان متولد گردیده و در این شهر نزد فضلاء و علماء فی الجمله تحصیلاتی نموده از علماء مورد توجه مردم و خدمتگزاران به دین و اجتماع بشمار میرفت. طبع شعری داشت و در اشعار عاصی تخلص مینمود . دیوان مختصری قریب یکهزار و سیصد بیت دارد در ۲۱ ربیع الاول سال ۱۳۷۲ در اصفهان و فات یافته در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام مدفون گردید .

مرحوم حاج میرزا حبیب الله نیر در ماده تاریخ وفات او گوید :

غدر الدهر بنا صب علینا الالام

و ابتلانا بشجی سود منا الایام

حیث قد اخرتنا الایام بفقد العالم

ناصر المذهب و الشیعه فی کل مقام

سید کان علیا هو للباقر سبط

جعفری نسباً مشتهر فی الاعلام

طائف الکعبه والمشهدعون الضعفا

وملاذ لهم استقبلهم بالاکرام

حائز الفضل بمجد و علو و شرف

قلما يتفق المثل له فی الاعوام

فائم اللیل یناجی بخضوع وخشوع

وبکاءٍ ورکوع وسجود و قیام

یذکر الله ویستغفره بالاسحار

فی صلوه ودعاءِ واذان بدوام

نیر نقص الاثنین فصار التاریخ

«جعل القدس مکاناً لملاذالاسلام »



مرحوم حاج میرزا محمد علی ملاذ الاسلام

ص: ۲۰۰

(ص ۲۲ سوم معادن العلوم) صاحب عنوان پس از فوت برادرش مرحوم آقا حاج میرزا محمد حسین جعفری صبح ها در مسجد سید امامت مینمود . وی دارای دو فرزند پسر و دو دختر بود بدین شرح

۱ – میرزا محمد حسن که در اوائل جوانی وفات یافت

۲ – میرزا محمد هاشم

۳- زوجه عالم جلیل مرحوم حاج آقا حسین خادمی فرزند آقا سید ابو جعفر خادم الشریعه

۴ – زوجه مرحوم آقا سید ریحان الدین مهدوی (۱۳۹ – ۱۳۱۳)

دکتر عیسی صدیق

ملقب به صدیق اعظم فرزند (@@) صدیق التجار اصفهانی .

در سال ۱۲۷۳ خورشیدی متولد گردیده در ایران و فرانسه تحصیلات خود را بپایان رسانیده و پس از مراجعت به ایران مشاغل مختلفی را دارا بوده که مهمترین آنها ریاست دانشسرای عالی بوده است . مشار الیه در سال ۱۳۹۸ قمری وفات یافت . مادر دکتر صدیق دختر آقا سید ابراهیم کابلی بوده است .

دکتر عیسی صدیق دارای تألیفات عدیده است : ۱ – تاریخ فرهنگ ایران ۲ – تاریخ مختصر آموزش و پرورش ۳- حقوق بین الملل ۴ – روش نوین در تعلیم و تربیت ۵ – سیر فرهنگ در ایران و مغرب زمین ۶ – یادگار عمر یا خاطراتی از گذشته ۷ – یکسال در آمریکا و متجاوز از ده کتاب دیگر (ص ۶۵۰ چهارم مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی تألیف مرحوم خانبابا مشار با اندکی تصرف و اضافه).

ص: ۲۰۱

آقا سید محمد طباطبائی زواره ای

فرزند سید عبدالکریم ، فاضل و دانشمند بوده و در خدمت جمعی از علماء وفضلاء اصفهان از آنجمله مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی تحصیل نموده و مورد وثوق و اطمینان مرحوم سید بوده بالاخره بدامادی مرحوم حاج سید جعفر مفتخر گردیده است. پس از فوت در بقعه آقا محمد بید آبادی در تخت فولاد مدفون گردید .

فرزندش فاضل محترم مرحوم حاج میرزا محمد حسین زواره ای از مخصوصین خاندان سید حجه الاسلام بوده و سالها در کمال عزت و احترام نزد عموم طبقات بالاخص علماء و بزرگان زندگانی نموده و سرانجام در (شبه ۲۳ صفر۱۳۷۸) وفات یافته در تخت فولادنزدیک بقعه آقا محمد بید آبادی مدفون شده و پس از تعریض خیابان و احداث فرودگاه و متفرعات آن استخوانها به مسجد سید منتقل و جنب مقبره کوچک مدفون گردید . رحمه الله علیه .

مرحوم زواره ای سیدی بزرگوار دارای ملکات نفسانی از حسن معاشرت وصدق بهجت و زهد و عبادت بود .

آقا سید محمد

فرزند مرحوم حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام . از فضلای سلسله اعقاب مرحوم سید شفتی بوده و دارای چهار فرزند بشرح زیر می باشد :

۱ – آقا منیرالدین

۲ – آقا صدر الدین

ص: ۲۰۲

هر یک از این دو برادر دارای اولاد و اعقابی هستند که همگان به موسوی شهرت داشته و در اصفهان و طهران به کارهای دولتی و مشاغل آزاد روزگار می گذرانند و عموماً مردمانی نیک بیتش وسلیم و متواضع و دوستدار اهل فضل و تقوی و خود نیز متدین و متعهد می باشند .

۳- جهان اقا زوجه مرحوم اقا نصیر الدین موسوی

۴ - زهرا بیگم

حاج میرزا محمود کلباسی

فرزند علامه مرحوم آقا محمد مهدی کلباسی (کرباسی) از دختر مرحوم سید حجه الاسلام شفتی .

مرحوم مولی عبدالکریم جزی در تذکره القبور (ص ۱۰۲) در باره او می نویسد:

چندی در نجف درس خوانده و به اصفهان معاودت نموده مورد توجه و عنایت خاص عموم طبقات قرار گرفته و مردم اخلاص تامی به او داشته و در نماز جماعت او در مسجد حکیم عده زیادی به او اقتداء مینموده اند .

در جوانی وفات یافته و در مقبره پدر بزرگوار خود در جلو روی قبر حاجی طرف بالا سر متصل بدیوار دفن شده قبر او بلند بسته است .

سید محمد مهدی موسوی

فرزند حاج سید محمد علی فرزند حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی عالم فاضل محقق . در سال ۱۲۷۸ متولد گردیده و در ۱۲ شوال سال ۱۳۲۶

وفات یافته در بقعه تکیه آقا سید ابو جعفر در تخت فولاد مدفون گردید.

صاحب عنوان در مسجد سید امامت داشته و مورد توجه مقدسین و مؤمنین بوده و مؤلف کتابی است به نام غرقاب در رجال که در سال ۱۳۰۳ شروع به تألیف آن نموده و تا سال ۱۳۰۹ تألیف آن بطول انجامیده است و آنرا در سن ۲۵ سالگی تألیف نموده است .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۴۴ شانزدهم) می نویسد :

کتاب مشتمل است بر یک مقدمه و دو مرحله و یک خاتمه .

مرحله اول در ذکر علماء قرن یازدهم و مرحله دوم در ذکر علماء متأخر از آنان

آغاز : الحمد لله واجب الوجود المتفرد بالازلیه و الابود ...

نسخه آنرا علامه طهرانی نزد عباس اقبال آشتیانی دیده و نسخه آن در کتابخانه دانشگاه حقوق است که احتمالا همان نسخه مرحوم اقبال آشتیانی می باشد.

(ص ۶۹ و ۱۹۷ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

حجه الاسلام حاج سید محمد تقی موسوی نواده برادر صاحب عنوان فرمودند عمده تحصیلات مرحوم آقا سید محمد مهدی نزد مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهار سوقی بوده است .

آقا نصیر الدین موسوی

مرحوم حاج سید نصیر الدین فرزند اقا میرزا محمد علی بن سید عبد الحفیظ موسوی کابلی عالم فاضل ادیب از شاگردان مرحوم آقا نجفی و حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان بوده .

مردی فصیح البیان و شیرین زبان و خوش محاوره و نیکو کلام بود معاشرین او هیچگاه از مؤانست با او خسته نمی شدند وی آنان را با مواعظ و حکایات

و داستانهای عبرت انگیز سر گرم مینمود گاهی منبر رفته و موعظه میفرمود در اواخر عمر در مدارس جدید بکار تدریس مشغول بوده و در سال ۱۳۶۰ و اندی در سفر مکه معظمه وفات یافت .

مشار الیه داماد مرحوم آقا سید محمد فرزند حاج سید محمد علی فرزند سید حجه الاسلام بوده و از این مخدره (دختر اقا جهان اقا) چندین پسر و دختر یافت که از آنجمله است فاضل محترم اقای حاج میرزا محمد علی موسوی رئیس اسبق دانشسرای مقدماتی اصفهان و مرحوم هدایت الله موسوی مدیر کل اسبق آموزش و پرورش استان اصفهان . علیه الرحمه و الرضوان که هر دو برادر از خدمتگزاران صدیق فرهنگ و مورد احترام عموم طبقات مردم اصفهان از علماء و تجار و غیره می باشند .

مرحوم اقا نصیر الدین خاطرات روزانه و پیش آمدها و وقایع را هر روز مرتباً در دفتر می نوشت و این کار شاید متجاوز از چهل سال ادامه داشت که وقایع و خاطرات را یاد داشت مینمود و خود چندین دفتر و کتاب شده بود و دارای فوائد و اطلاعات ذی قیمتی است اکنون نزد ورثه مرحوم آقا سید هدایت الله فرزند ایشان می باشد رحمه الله علیهما .

میرزا یحیی مدرس بید آبادی

فرزند مرحوم میرزا اسماعیل (محمد اسماعیل) ارعقاب علامه مولی محمد باقر سبزواری

عالم فاضل ادیب بارع شاعر فصیح از معاریف علماءِ و فضلاءو ادباء اصفهان در حدود سال ۱۲۵۴در اصفهان متولد گردیده و در اصفهان و نجف از محضر عده زیادی از بزرگان و فحول مجتهدین همچون شیخ انصاری و حاج سید اسدالله بید آبادی و حاج

شیخ محمد باقر مسجد شاهی و آقا شیخ محمد باقر واثق همدانی اصفهانی و آقا میرزا محمدباقر چهارسوقی و برادر ایشان آقا میرزامحمد هاشم و آخوند ملا محمد کاشانی و علوم غربیه را از ملا هادی سدهی فروشانی فرا گرفته سالهای زیادی در مدرسه میرزا حسین و در اواخر عمر که بواسطه ی ضعف پیری و کسالت از منزل خارج نمیشد عده زیادی در خدمتش ادبیات و مقدمات علوم از صرف و نحو و فقه و اصول فرا می گرفتند که از آن جمله است مرحوم وحید دستگردی (حسن بن قاسم) مدیر مجله ادبی ارمغان .

از آثار مرحوم مدرس ۱ - دیوان اشعار ۲- مرآت المصنف در شرح حال مرحوم حاج میرزا رضا کلباسی بچاپ رسیده است وی در شب ۴ شنبه ۱۵ ذی القعده الحرام ۱۳۴۹ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعاء مدفون گردید بعداً که تکیه را بغیر از گنبد آن خراب کرده و قبور آنجا را از بین برده و جزو اراضی فرودگاه شد قبر از بین رفت

مرحوم مدرس داماد مرحوم آقا سید ابو الحسن بن آقا سید محمد علی بن سید حجه الاسلام بوده و پنج فرزند بدین شرح از او یافت

۱- مرحوم آقا حسین مدرس زاده فاضل محترم از وکلای دادگستری مدفون در تکیه میرزا رفیعاء

۲-(@@)

۳- زوجه مرحوم آقا سید ابراهیم موسوی بوده این شاعر متخلص به سری (۱۳۶۹ - ۱۳۱۱)

۴- زوجه کازرونی

۵ - دختری دیگر که شوهر اختیار ننمود .

فصل بیستم: (بید آباد)

(بید آباد)

یکی از محلات قـدیمی اصـفهان که در طول تاریـخ همچون دیگر محلات این شـهر تاریخچه ای مجهول و تاریک دارد محله بیـد آباد است . این محله در شمال غربی اصفهان واقع و در حال فعلی از محلات پر جمعیت و آباد اصفهان محسوب می گردد .

مسجد سید حجه الاسلام و بقعه آن مرحوم در این محله قرار گرفته و در حقیقت تجدید این محله را باید از مرحوم سید حجه الاسلام دانست.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۵) ضمن بنای مسجد سید میفرماید :

قسـمت بیـد آباد و شـهیش را که جزو مار بین و باغات حومه شـهر میشـمردند جزو شـهر آورده و محله بزرگی را تشـکیل کرد و بر دایره شـهر افزود چو مغرب شـهر پس از جلوس شـاه عبـاس از طرف در دشت وچملاـن وسـعت یافته دروازه نو و پشت بارو و محله جدیـد و بباب جـدید عباسی شهیر شده و بنهر بابا حسن منتهی

ص: ۲۰۷

گشته اوج آفتاب سید و ساختن آن مسجد بید آباد را بر حد شهر افزود .

بید آباد در قرن پنجم

از تاریخ این محله (یا دهکده) در قبل از اسلام اطلاع صحیحی نداریم همینقدر میدانیم که در قرن دوم و سوم هجری دهکده ای بنام (وید آباد) در مجاورت اصفهان قرار داشته و اهمیت و عظمت زیاد داشته و در قرن چهارم عده ای از بزرگان محدثین در آنجا می زیسته اند.

در موقعیکه علاء الدوله دیلمی باروئی گرد شهر اصفهان کشید قسمتی از آن را داخل بارو و نیمی از آن را در خارج بارو قرارداد که با روی او تقریباً در وسط این ناحیه قرار گرفت

از آثار باروی علاء الدوله تا این اواخر قسمتی باقی بود و کوچه پشت بارو در محله بید آباد که تا کنون معروفست ظاهراً مربوط بهمین باروی علاء الدوله می باشد .

کوچه پشت بارو

این کوچه از لب جوی بابا حسن شروع شده و به بازارچه دروازه نو ختم می شود و در سال ۱۳۱۴ شمسی که خیابان چهار باغ پائین احداث گردید آنرا بدو قسمت نمود اکنون نیمه اول آن که کوچه ای است شرقی غربی تقریباً بمحاذات خیابان مسجد سید بهمین نام شهرت دارد (اگر نام آنرا همچون بسیاری از نامهای قدیمی که بدون دلیل و از روی عدم اطلاع عوض نمودند و تاریخچه گویای شهر را از بین بردند تا کنون عوض نکرده باشند).

ظاهراً نام دروازه تو نیز مربوط بهمین زمان است و کوچه تل عاشقان که همان تل اشکهان است و بمرور زمان تصحیف شده و بدین صورت در آمده است وباب همایون که بعدها بصورت باغ همایون و باغ حاجی (حاج آقا محمد رنانی حاکم اصفهان در زمان زندیه) و اخیراً باغ تختی نیز مربوط بهمین زمان و باروی علاء الدوله می باشد .

نام بید آباد در کتاب محاسن اصفهان

مافروخی (مفضل بن ابو الفضل سعد بن حسین مافروخی اصفهانی از شعراء وادباء و نویسندگان قرن پنجم) در کتاب محاسن اصفهان (ص۸۱) در ضمن بیان بارو ئیکه علاء الدوله در اطراف اصفهان کشیده نامی از ویذ آباد میبرد و گوید از محلات خارج از بارو می باشد و این محلات عبارتند از : کما ان – بر اان – سنبلان – خرجان –فرسان – باغ عبدالعزیز– جرواآن اشکهان– لنبان – ویذ آباد.

باروی علاء الدوله

امیر علاء الدین (حسام الدین – عضد الدین) علاء الدوله ابو جعفر محمد بن دشمن زیار دیلمی معروف به کاکویه و یا ابن کاکویه از سال ۳۹۸ تا سال ۴۳۳ یعنی تقریباً مدت سی و شش سال حکومت اصفهان را داشته و با کمال قدرت در آنجا حکمرانی مینموده است در سال ۴۲۹ بر گرد شهر جهت محافظت آن از حمله دشمنان باروئی کشید و قسمتی از اصفهان را داخل بارو و قسمتی از آن راخارج بارو قرار داد محیط این بارو را پانزده هزار گام نوشته اند .

(رفع اشتباه) : در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۱۸۳) در ضمن بیان نام محلات اصفهان می نویسد :

محله اشکهان همان محله شئیش است که در ابتداء ماه برو اسفیش واسفیس و شئیش و شهیش گفته شده و محل آن در بید آباد کنونی بوده است.

نویسنده گوید: همانگونه که تذکر دادیم محله اشکهان همان تل عاشقان فعلی است که از دروازه نو شروع و به خیابان جمال الدین عبد الرزاق منتهی میشود و از کوچه های شمالی جنوبی می باشد .

جمعیت و ثروت مردم بید آباد

در کتاب محاسن اصفهان (ص ۸۹) و در ترجمه کتاب محاسن اصفهان (ص ۷۵) بخلاصه می نویسد :

خبر داد مرا مردی ثقه و مورد اطمینان و همچنین روایات دیگری مؤید آن است که :

روز عیدی در منظر گاهی نشسته بودم از محله بید آباد شمردم فریب دو هزار نفر مرد با لباسهای فاخر و عمامه های قصب و ... به نماز گاه میرفتند .

در باره محله بید اباد (ویذ آباد) می نویسد: اکنون بعضی از آن خارج حصار و برخی دیگر قبرستان شده و باقی همچون دیگر شهر خراب و ویران .

قبرستان بید آباد

بطوریکه معروف و آثار آن تا این اواخر مشهود بود ، باغ مقابل مسجد ذکر الله که اکنون بصورت خانه در آمده و همچنین قسمت غربی جوی بابا حسن و قسمتی از کوچه لزکیها منشعب از کوچه علی قلی آقا و کوچه میرزا اقای چهارسو (کوچه تابش) و... قبرستان بوده و آثار قبرها تا زمان حاضر در برخی از خانه ها ظاهر است همچنین قبرستان در کوشک که در همین اواخر آنرا از

بین بردند و آثار قبرستان تا حدود مدرسه ترکها در این محله در لوله کشی آب مشاهده گردید.

موقعیت جغرافیائی محله بید آباد

آنچه از کتاب : ذکر اخبار اصفهان و دیگر مآخذ و همچنین آثار موجود در این ناحیه استفاده میشود آنست که محله بید آباد از چهار طرف تقریبا باین مجلات رنری محدود بوده است :

مشرق : سنبلان – اشکهان – جورجیر

جنوب : جور جیر – باب کوشک .

مغرب : جوزدان – رباط – طهران

شمال : طهران – مردبان (مورنان فعلی)

توضیح : سنبلان همین سنبلستان فعلی و اشکهان عبارت از تل عاشقان و جور جیر محله حکیم می باشد.

باب کوشک را در قرون بعد باب القصر و در زمان فعلی در کوشک می نامند .

جوز دان ورباط بهمین نام شهرت دارند و طهران همان تیران است (تیران و آهنگران در قسمت شمال غربی خیابان فروغی و میدان جمهوری اسلامی (دروازه طهران)

ومردبان همان مورنان است که در شمال غربی میدان شهداء یعنی آب بخشان قرار دارد و مقبره مردبان همان قبرستان آب بخشان است که در زمان ما از بین رفت .

این حدودی که جهت بید آباد (ویذ آباد) گفته شد تقریبی است و باید درباره آن تحقیق بیشتری بشود.

ص: ۲۱۱

معلوم نیست که این محلات و قرائی که نام بردیم بهمدیگر پیوسته بوده و یا از یکدیگر مجزا بوده است و فاصله بین آنها مزارع و باغات بوده و یا قبرستان.

آثار علاءِ الدوله کاکویه

در زبان دیلمی دائی یعنی خالو را کاکو یا کاکویه می گویند و محتمل است که لفظ «کاکو» تصحیف خالو باشد و چون پدر علاء الدوله یعنی دشمن زیار دائی سیده مادر مجدالدوله دیلمی بوده و بدین سبب اوراکاکویه وابن کاکویه می گفتند . و برخی می نویسند علاء الدوله رائی مجد الدوله و یا پسر خاله مجد الدوله بوده است .

ابن سینا حکیم و فیلسوف وطبیب معروف (۳۷۳ – ۴۲۷) متوفی در اصفهان (تاریخ این اثیر) دو کتاب ۱ ۱ – رساله النبض ۲ – دانشنامه علائی را بنام او تألیف نموده و همچنین ابن مسکویه حکیم و فیلسوف و معلم اخلاق (فوت ۴۲۱) قبرش در نزدیکی امامزاده باقر در محله خواجه قرار داشته است کتاب نزهت نامه علائی را بنام او نوشت .

در زمان او عده زیادی از بزرگان محدثین و علماء و شعراء و ادباء در اصفهان میزیستند که نام آنها در کتب مربوطه ثبت و ضبط گردیده از آنجمله در کتاب ذکر اخبار اصفهان تألیف حافظ ابو نعیم (بضم نون) متوفی بسال ۴۳۰مدفون در قبرستان آب بخشان که در زمان صفویه میر لوحی سبزواری از روی دشمنی که با علامه مجلسی علیه الرحمه داشت آنرا خراب کرد و ظاهراً در نزدیکی مسجد آب بخشان قرار داشته و فعلا اثری از آن موجود نیست .

این قبرستان در اثر احداث خیابان چهارباغ پائین از بین رفت و بقیه آنرا

ص: ۲۱۲

نیز شهرداری تصرف نموده و به اشخاص متفرقه فروخت و اکنون تمام آن بصورت خانه و مغازه و مدرسه در آمده است .

بید آباد در زمان صفویه

از قرن پنجم تا قرن یازدهم اطلاع زیادی از این محله نداریم بطول اجمال و حدس می دانیم که این قسمت از شهر اصفهان چون دیگر قسمت ها دچار سختیها در اثر بروز امراض گوناگون وهمچنین قحط سالیها و از همه بدتر کشت و کشتارهای سلاطین واقع شده است لکن در عهد سلاطین صفویه به خصوص در عهد شاه عباس کبیر و بعد از آن رو به آبادی نهاده است بطوریکه شاردن فرانسوی در سفرنامه خود (ص۱۱۸ جلدهشتم ترجمه آقای محمد عباسی) می نویسد :

این محله دارای ۸۲۲ باب خانه

۸ باب مسجد

۱۱ باب کاروانسرا

۵بازار

۴ باب حمام می باشد

بید آباد در زمان قاجاریه

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب : نصف جهان در تاریخ اصفهان (ص ۲۵) می نویسد :

آنچه در کتب قدیمه دیده شد و معلوم گشته در زمان سلف تمام این شهر مشتمل و منقسم برشش محله بزرگ بوده : ۱- لنبان ۲- باغ کاران اکنون آنرا خاجو

(خواجو) می نامند ۳- کران ۴ - جنبلان ۵ - جویباره ۶ - در دشت @@

در زمانهای بعد شانزده محله گردیده از آنجمله : ۱- محله گلبار (گلبهار) ۲- محله قلعه طبرک ۳ - محله در کوشک (باب القصر) ۴- محله بید آباد (ویذ آباد)

در زمان مؤلف کتاب نصف جهان یعنی اواخر قرن ۱۳ چهل محله بزرگ و یا زیاده بوده است .

در طول چهارده قرن تاریخ اسلامی شهر اصفهان بمناسبت بروز حوادث از فتنه ها و آشوب ها وجنگهای دیالمه وقریویان جانشینان ملک شاه سلجوقی و سپس اختلاف شافعیان و خجندیان و بعداً قتل و غارتهای دوران مغول هلاکو و تیمور و سپس فتنه افغان و بعداً جنگ های زندیه و جانشینان کریم خان و ... و در تمام این دوره ها قحط وغلاها و بروز بیماریها بالاخص وبا (برای مثال می نویسند در وبای سال ۴۲۳در شهر اصفهان چهل هزار نفر مردند و در قتل عام سال ۷۸۹ به امر تیمور تعداد هفتاد هزار نفر را کشتند) سبب میشده که عده زیادی از مردم این شهر تلف گردیده و در نتیجه محلات خالی و بدون سکنه و در اثر آن خراب میشده است .

دروازه بید آباد :

مرحوم آقا محمد مهدی ارباب در کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان در ضمن بیان دروازه های شهر اصفهان (ص ۲۳) می نویسد :

اصفهان دارای چهارده دروازه است (سپس یک یک آنها را ذکر نموده و گوید)

پنجم : دروازه بید آباد با چهار دروازه دیگر در سمت مغرب قرار داشته اند.

انتهی

نویسنده گوید: در زمانهای قدیم که شهرها دارای بارو و حصار بود دروازه ها و محل و کیفیت ساختمان آن جهت دفاع شهر در مقابل تهاجم دشمنان قابل اهمیت

بوده است لکن در زمان حاضر موضوع دروازه برای شهرها از بین رفته است .

محله بیدآباد در قبل از قاجاریه

بطوریکه بیان شـد این محله جزو محلات خارج شـهر بوده و چندان توجهی بآن نشده است و از آثار قبل از صـفویه فقط مسـجد در کوشك و مدرسه ترکها و از دوران صفویه مسجد جنب باغ حاجی و مسجد میرزاباقرومسجد علی قلی آقاو مدرسه میرزا حسین را می شناسیم .

بید آباد در پنجاه سال قبل

مرحوم جناب در کتاب الاصفهان (ص ۱۷۶) می نویسد :

بید آباد در سال تألیف کتاب دارای ۱۰۵۵ باب خانه بوده و جمعیت آن ۸۱۸۵ نفر می باشد (البته این مطلب مربوط بزمانی است که محله بید آباد خود به چندین محله کوچك تقسیم شده است)

بید آباد در عهد قاجاریه

از آثاری که میتوان در این محله در دوران سـلطنت قاجاریه نام برد مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی بابا حسن ومسـجد سید حجه الاسلام می باشد .

خیابان مسجد سید

در سالهای اخیر در محله بید آباد وشـیش خیابانی شرقی غربی احداث گردید که از جنوب مسجد سید می گذرد و بزرگترین درب مسجد که به درب زنجیر معروفست در آن باز می شود.

ص: ۲۱۵

این خیابان از نظر موقعیت اجتماعی و محلی یکی از مهمترین خیابانهای اصفهان می باشد و از چهار راه @@محرم (چهار راه وفائی) شروع و به چهار راه تختی (چهار راه باب همایون یا باغ همایون) محل تقاطع این خیابان و خیابان چهار باغ پائین منتهی می گردد .

مسجد حاج عباسعلی و مسجد محمدی و مسجد سید و مدرسه میرزا مهدی در کنار این خیابان قرار داشته و مسجد میرزا باقر وحمام آن نیز تقریباً در جنب آن قرار دارد .

مدارس دینی محله بید آباد

سابقاً از قول شاردن فرانسوی تعداد مساجد و حمامها و بازارها و کاروانسراهای محله بید آباد را نقل نمودیم وی برای این محل مدرسه ای ذکر نمی کند

در اواخر عهد صفوی دو مدرسه دینی در این محله ایجاد گردید :

۱ – مدرسه میرزا حسین در بازار بید آباد از آثار باستانی اصفهان

۲– مدرسه میرزا مهدی در کنار جوی باباحسن در بازار چه بید آباد

۳– مرحوم علی قلی آقا در ساختمان مسجد علی قلی آقا جهت سکونت طلاب اطاقهائی ساخته و همچنین جهت آنها در وقفنامه حقوقی معین نموده است .

۴ – مرحوم سید حجه الاسلام نیز در ساختمان مسجد سید جهت سکونت طلاب حجراتی در طاق شبستانها بنا فرموده است

۵ – مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک

۶ – مدرسه ترکها در محله در کوشک هردو از آثار قبل از عهد صفوی را نیز میتوان از مدارس محله بید آباد محسوب داشت

ص: ۲۱۶

مساجد محله بید آباد

شاردن مساجد محله بید آباد را ۸ عدد می نویسد . فعلا مساجد این ناحیه عبارتست از :

۱ – مسجد باروت کوب؟ا واقع در کوچه باروت کویها .

۲– مسجد پشت بارو که در سالهای اخیر آنجا را تغییر ساختمان دادند

۳– مسجد پشت باغ حاجی (خواجه روح الله) سال بنا ۱۰۲۳.

۴ – مسجد حاج عباسعلی از مساجد جدید البناء .

۵ – مسجد سید حجه الاسلام .

۶ – مسجد شیش . واقع در اول محله شیش

۷ – مسجد طیب از مساجد جدید که در مسیر خیابان مسجد سید بکلی خراب شد .

۸ – مسجد علی قلی آقا از آثار باستانی و از مساجد عهد صفوی

۹ – مسجد کوچک بازار چه علی قلی آقا مقابل تیمچه عبا بافی .

۱۰ – مسجد کوچک اقا محمد ربیع جواهری در کوچه علی قلی آقا اخیراً بصورت کتابخانه در آمد.

۱۱ – مسجد محمدی از مساجد جدید البناء

۱۲ – مسجد ملا کاظم واقع در سر جوی بابا حسن .

۱۳ – مسجد میرزا باقر از مساجد عهد صفوی .

مساجد زیر را نیز میتوان جزو مساجد این محله محسوب داشت (بطوریکه شاردن نیز جزو مساجد بید آباد بحساب آورده است)

۱۴ – مسجد در کوشک (پاشیر کوشک – مسجد حاج میرزا ابو الحسن

ص: ۲۱۷

در کوشکی)

۱۵ - مسجد ذکر الله .

۱۶ - مسجد کوچک بازارچه در کوچک که در سالهای اخیر در آن تعمیرات اساسی و کلی انجام گرفته است .

غیر از مساجد نامبرده در خود محله بید آباد و محلات منشعب از این محله متجاوز از بیست مسجد بزرگ و کوچک دیگر نیز وجود دارد که عموماً در دو وقت ظهر و شب اقامه جماعت در آنها میشود.

قدمگاه :

در بازار چه میرزا باقر به ستون یکی از دکالین سنگی نصب شده است و بر روی آن جای پائی است و معروفست که جای قدم یکی از بزرگان دین می باشد در صحت و سقم آن در انتساب هیچگونه اظهار نظری نمیتوانم نمود توضیحاً آنکه در مسجد آقا نور در محله دردشت در زیر گنبد نیز سنگی بدیوار نصب است و آنهم اثر پائی دارد و به قدمگاه شهرت دارد و حال او همچون دیگر قدم گاه ها می باشد (غیر از قدمگاهیکه در راه مشهد حضرت رضا علیه السلام است که بطوریکه در مطلع الشمس (ص ۳۰ ج ۱) نوشته است انتساب و صحت آن بدون تردید می باشد) و الله العالم

اسامی کوچه های محله بید آباد

محله بید آباد از نظر تقسیمات شهری جزو ناحیه ۲ شهربانی (کلانتری ۲) و ناحیه ۲ شهرداری و ناحیه پنج آموزش و پرورش محسوب میشود و به محلات و کویهای کوچکی تقسیم میشود لکن به مجموعه آن بید آباد گفته میشود وذیلا بجهت اطلاع خوانندگان محترم و همچنین ثبت در تاریخ اسامی کوچه های آن که هر آن ممکن است گرفتاری بیماری تغییر نام گردد اقدام می شود ۱- کوچه آهنی

۲- کوچه آسیاب اشتهاردیها ۳ - کوچه اره کشها ۴ - باروت کوبها ۵ - باغ حاجی یا باب همایون یا اخیراً باغ تختی ۶ - باغ کوره ۷- پشت بارو ۸ - پشت مسجد سید ۹ - تاریکی در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفته و از بین رفت ۱۰-ترکها ۱۱ - حبیبیان یا اعتماد الدوله مقابل در بزرگ مسجدسید قرار داشت و در مسیر خیابان قرار گرفت ۱۲ - ساغری چیها۱۳ - سنگ بست ۱۴-سوزنگرها ۱۵-شش انگشتی ها در مسیر خیابان چهارباغ پائین قرار گرفته و از بین رفت ۱۶ - شیش (به کسر شین و سکون یاء و نون) ۱۷ - علی قلی آقا از کوچه های اصلی این محله ۱۸ - قاضی عسکریها ۱۹ - قبله دعا ۲۰ – قمیها ۲۱ - کله پزها ۲۲ - لرها ۲۳ - لکزیها ۲۴ - مشایخ بید آباد (شیخ ها) ۲۰ - مقدس ها ۲۶ - منبر گلی ۲۷ - میرزا باقر ۲۸ - میرزاها (تابش ها - کوچه ملاذ الاسلام نیز گفته میشود) ۲۹ - حاج میرزا یحیی مستوفی (کوچه سرجوی نیز گفته میشود) وغیره

برخی از بازارچه های محله بید آباد

در این محله دو بازار بزرگ و چندین بازار چه قرار دارد از اینقرار :

۱- بازار بید آباد ۲ - بازار علی قلی آقا ۳ - بازار چه باغ حاجی در مسیر خیابان چهارباغ قرار گرفت و خراب

شد و کوچه پشت باغ حاجی و کوچه شش انگشتی ها در جنوب شمال آن قرار داشت و کوچه باغ حاجی و کوچه سینی پائینی یا کوچه شیخ الاسلام در مغرب و مشرق آن بود ۴ - بازارچه چوب بست شیس ۵- بازارچه حبیب الله خان - بازار ریسمان ۷- بازارچه میرزا باقر ۸ - بازارچه شاطر باشی و غیره خیابان مسجد سید قسمتی از بازار بید آباد و چهار سوی آنرا خراب کرد لکن هنوز بازار بید آباد از اهمیت شایسته ای برخوردار است .

کاروانسراها و تیمچه های بید آباد

در زمانهای قدیم که گاراژ و مسافربریها و همچنین مسافرخانه و مهمانسراها وجود نداشت مسافرین اینگونه نیازهای خود را بوسیله کاروانسراها و تیمچه ها بر آورده می نمودند .

کاروانسراها و تیمچه ها بر دو گونه بود:

۱ - کاروانسراها و تیمچه های تجارتی که محل کسب و تجارت ومال التجاره و داد و ستد امتعه بود

۲- کاروانسراها و تیمچه ها مسافرتی که قوافل در آن وارد می شدند و مسافرین در آنجاها منزل می نمودند .

در محله بید آباد و اطراف آن چندین کاروانسرا وجود داشت که عموماً در سالهای اخیر یا بطور کلی از بین رفته و یا تغییر صورت یافته است و آنها بقرار زیر می باشد :

۱- کاروانسرای آفتابگاه (کاروانسرای محمد یوشنی) قسمت عمده آن در مسیر خیابان مسجد قرار گرفت و قسمتی از آن بصورت مغازه و گاراژ در آمد

۲- کاروانسرای کوچک آفتابگاه که در این اواخر بصورت کالسکه خانه در آمده بود و در مسیر خیابان قرار گرفت

۳- کاروانسرای مقابل مدرسه میرزا حسین از موقوفات مدرسه نامبرده

۴ - کاروانسرای ماست بندی

۵ - کاروانسرای اول چهار سوق علی قلی آقا

۶ - تیمچه عبا بافی و احرامی بافی در بازارچه علی قلی آقا

مرحوم حاج میر سید علی جناب در کتاب الاصفهان (ص۵۸) طول و عرض

ص: ۲۲۰

هر یک از این کاروانسراها را معین نموده طالبین مراجعه نمایند

حمامهای محله بید آباد

در محله بید آباد چندین حمام وجود دارد که اسامی آنها بدینقرار است

۱ – حمام چوبی

۲– حمام حاج کاظم

۳– حمام دو قلی زنانه و مردانه

۴ – حمام علی قلی آقا زنانه و مردانه از آثار باستانی مربوط به اواخر عهد صفوی

۵ – حمام قاسم خان واقع در کوچه سادات قاضی عسکر در سالهای اخیر آنرا خراب کردند

۶ – حمام محمد رضا خان زنانه و مردانه

۷– حمام میرزا باقر جنب مسجد و بازار چه میرزا باقر این حمام در سالهای اخیر گرفتار بیماری تغییر نام گرد

ید و اخیراً بنام حمام گلستان خوانده میشود .

چهار راه هفتم محرم

در روز هفتم محرم سال ۱۳۹۷ در این محل مأمورین حکومت سابق جلو تظاهرات مردم حق جو و مسلمان این شهر که قصد راه پیمائی و عزاداری ایام محرم را داشته را گرفته و با کشتن و مجروح کردن عده ای از مردم بی پناه جمعیت را متفرق کردند . بهمین جهت نام این چهار راه را چهار راه هفتم محرم گذاردند که این خاطره فراموش نشود .

نامگذاری خیابانها و کوچه ها

از نظر روانشناسی دانشمندان و روان شناسان می گویند :

طرز گفتار و طریقه رفتار و روش راه رفتن و نشستن و خلاصه کلیه اعمال و اطوار اشخاص معرف روحیه آنها می باشد بخیل و سخاوتمند - متکبر ومتواضع و... را میتوان در اولین برخورد با آنها شناخت آنها که به چیزهای کوچک نامهای بزرگ می گذارند یعنی بزرگ را کوچک می بینند نشانه روحیه خودنگری و کوچک بینی آنهاست بطور مثال وقتی به یک کوچه تنگ و تاریک و یا خیابان پیچ در پیچ نام ملا صدرا می گذارند و یا صاحب دکان جگرک فروشی نام مغازه خود را ابن سینا می گذارد معرف جهل و نادانی نام گذاران و کوچک بینی بزرگان است این طرز تسمیه از مقام والای آن بزرگان چیزی نمی کاهد لکن کوتاه فکری و عدم آشنایی بمقام شامخ و شخصیت علمی و اجتماعی اینان را میرساند .

از این طرز نام گذاری بدتر ورسواتر تغییر نام و عوض کردن اسامی است.

مسلم است که باید نام مردم نیکو کار و علماء و دانشمندان زنده بماند و یکی از راههای زنده نگاه داشتن همین نام گذاریها می باشد اما اگر قرار باشد نام کوچه یاخیابانی را که بمناسبتی شهرت یافته برداریم و نام دیگری بگذاریم چند صباحی بیش طول نمی کشد که مجدداً این نام به نام دیگری تغییر می یابد و این عمل بطور مداوم تکرار می شود .

(داستانی شنیدنی) :

نقل است که بعد از آنکه شاه عباس کبیر صفوی مسجد شاه اصفهان را ساخت جهت @@ آن نیاز به سنگ مرمر داشت بعضی از اطرافیان کوته نظر پیشنهاد کردند که سنگهای مسجد جامع را کنده و در این مسجد بکار برده شود. مرحوم شیخ بهائی رحمه الله علیه با این پیشنهاد مخالفت

نموده و گفت: اگر چنین کاری انجام دادید این طرز عمل سنتی می شود و بعد از این دیگران نیز سنگهای مسجدی را که شما بنا کرده اید را از محل خودکنده جای دیگر بکار میبرند .

بنابراین مقتضی است اگر قرار شود نام بزرگی و خدمتگذاری و یا عالم و دانشمندی باقی بماند این نام راروی خیابانها و کوچه های جدید و بی نام بگذارند و اسامی را مرتب تغییر ندهند .

در هر حال نام این خیابان که از جلو مسجد سید عبور میکرد بنام طاغوت زمان بود آنرا بنام خیابان مسجد سید تغییر دادند.

بزرگان محله بیدآباد در دوره اول

ذیلا جهت مزید فایدت به ذکر اسامی چندین نفر از بزرگان علماء و محدثین که در این محله سکونت داشته اند اشاره می شود:

۱- حافظ ابو نعیم احمد بن عبد الله مدفون در آب بخشان (مقبره مردبان).

۲- ابو مسعود احمد بن فرات رازی اقا شیخ ابو مسعود رازی (مقبره او هنوز باقیست).

۳- ابو عبد الله احمد بن محمد ویذ آبادی . متوفی بسال ۴۲۲ ه. ق (ص ۱۹۲- آثار ملی اصفهان)

۴ - ابومحمد جابر بن منصور ویذ آبادی . (آثار ملی اصفهان ص ۱۹۲)

۵ - عبد الله بن احمد بن اسحق پدر حافظ ابو نعیم (۳۶۵ - ۲۳۱).

۶ - ابو محمد عبدالله بن اسحق خیاط ویذ آبادی (ص ۱۹۲ آثار ملی اصفهان).

۷ - ابو عبد الله محمد بن حسن متوفی بعد از سال ۳۵۰ ه . ق (ذکر اخبار اصفهان صفحه ۲۹۳ دوم) .

۸- محمد بن عبد الله بن احمد برادر حافظ ابو نعیم متوفی بسال ۳۹۵ ه .ق (ذکر اخبار اصفهان صفحه ۳۰۷ دوم).

بزرگان محله بید آباد از قرن پنجم تا قرن دوازدهم

در این هفت قرن محله بیـد آبـاد بعلت خـارج بودن از شـهر از اهمیت و موقعیت اولیه خود افتاده بود و مردم بخصوص بزرگان بیشتر در داخل شهر سـکونت داشـتند در عهد ترکمانان آق قویونلو و سـپس در عهد صـفویه که جمعیت شهر روبتزاید گذاشته بود و در اثر کفایت و لیاقت و حسن تدبیر و سیاست پادشاهان صفوی امنیتی برای مردم فراهم شده بود این ناحیه و محله نیز همچون دیگر محلات رو به آبادانی نهاد از آثار قبل از صـفویه بایـد سـر درب در کوشک و مـدرسه ترکها و احتمالا مـدرسه در کوشک را نام برده ضـمناً چون محله بید آباد ابتدای ماربین و جائی خوش آب و هوا بود عـده ای از بزرگان در آنجا باغ و خانه تهیه نموده و اینک بنام عده ای از علماء و بزرگان این ناحیه اشاره می کنیم :

۱ - شیخ ابوطالب زاهدی فرزند ملاعبدالله بن علی بن عطاء الله لاهیجانی از اعقاب شیخ زاهد گیلانی عارف معروف و مراد و مربی شیخ صفی الـدین اردبیلی جد سـلاطین صـفویه . از علماء معروف و صاحب تألیفات متوفی بسالی ۱۱۲۷ (ص ۷۹ بزرگان و دانشـمندان اصفهان) کوچه شیخ ها یا مشایخ مقابل حمام دو قلی جنب مسجد سید منسوب به خاندان شیخ زاهد گیلانی می باشد .

۲- اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی (فرزند الخاص میرزا از نسل بنی عباس) وزیر با کفایت شاه سـلطان حسـین که در اثر سعایت مخالفین او را کور کردند . منزل اعتماد الدوله مقابل مسجد سید (در بزرگ مسجد) قرار داشت و در مسیر خیابان مسجد سید قرار گرفت . ظاهراً کوچه باغ که از کوچه های مجاور این

قسمت قرار دارد نیز مربوط به باغ اعتماد الدوله بوده است . وی غیر از فتح علی خان قبه است که او نیز از حکام عهد شاه سلطان حسین صفوی بوده و ظاهراً خانه او در محله قبله دعا نزدیک باغچه چی بوده است .

۳ – میرزا محمد باقر : بازارچه وحمام و مسجد او هنوز باقی و بنامش معروفست.

۴ – حبیب الله خان : بازارچه ای جنب بازارچه میرزا باقر بنام او مشهور ومعروفست.

۵ – محمد رضا خان از بزرگان عهد صفوی حمام او جنب بازارچه شاطر باشی که احتمالا او نیز مربوط بعهد صفوی است باقی و دایر است .

۶ – چهار سلسله از سادات بزرگوار و صحیح النسب حسینی و در این محله سکونت داشته اند که تاکنون اولاد و اعقابشان ساکن می باشند، سادات خاتون آبادی اولاد آقای تکمه حسین– سادات خلیفه سلطانی – قاضی عسکر – سادات میر محمد صادقی .

۷– سید محمد سعید موسوی بحرینی عالم فاضل متقی در فتنه افغان وفات یافته و در منزل خود مدفون سپس قبر در داخل چهلستون مسجد سید قرار گرفت که تا کنون معروف و معین است .

۸ – شیخ محمد علی حزین فرزند شیخ ابو طالب زاهدی سابق الذکر صاحب تألیفات کثیر . (۱۱۰۳– ۱۱۸۱).

۹ – قاسم خان از معاریف عهد صفویه و از آثارش حمام قاسم خان در کوچه سادات قاضی عسکر در جنب باغ همایون (باب همایون) تا این اواخر موجود بود در سالهای اخیر آنرا خراب کردند.

۱۰– لطفعلی خان لکزی سردار معروف زمان شاه سلطان حسین صفوی شوهر

ص: ۲۲۵

خواهر اعتماد الدوله فتح علیخان لکزی .

یکی از علل ظاهری شکست ایران در برابر افاغنه و انقراض سلسله صفوی برکنار نمودن این سردار دلیر و شجاع و کار آمد از فرماندهی قشون ایران وزندانی ساختن او بود . شرح آنرا باید در کتابهای تاریخ مربوط به آن زمان مطالعه کرد .

ظاهراً خانه لطفعلی خان لکزی در محله قبله دعا در نزدیکی های حمام چوبی و باغچه چی بوده است.

بزرگان و معاریف محله بیدآباد در عهد قاجاریه و بعد از آن

در این زمان بمناسبت وجود مرحوم سید حجه الاسلام این محله آباد وهر روز بر آبادیش افزوده شده و علماء و بزرگان گرد وجود پر خیر و برکت او جمع شدند و تا کنون هر چه هست از آثار وجود ایشانست .

در این قسمت در صدد آن نیستیم که کلیه علماء و بزرگان و شعراء و نویسندگان این محله را نام ببریم فقط بعنوان تیمن و تبرک بذکر اسامی چند نفر اشاره می کنیم .

۱- سید ابو الحسن طبیب حسینی از پزشکان معروف فرزندانش بنام بصیر در طهران و خارج ایران مشهورند.

۲- حاج میرزا ابوالقاسم بن علی اکبر بید آبادی شاعر - ادیب، متوفی بسال ۱۳۰۱ هجری مؤلف : ۱- حقایق ناصری منظوم و مطبوع ۲- حقایق النبویه والعلوم منظوم ۳ - دیوان اشعار ۴ - علاج الامراض ۵ - همیان مثنوی موش گربه در نقد اجتماعی بصورت فکاهی و غیره (الذریعه ص ۱۰۲ دانشمندان اصفهان).

ص: ۲۲۶

۳- آقا احمد مازندرانی بید آبادی استاد اقا جعفر لاهیجانی گیلانی (ص ۵۱۵ سوم فهرست کتابخانه دانشگاه).

۴ - اقا شیخ احمد بن علامه مولی محمد جواد بن محمد حسن حسین آبادی سرجوئی (سرجوی بید آباد) اصفهانی عالم عامل فقیه محقق زاهد عابد متولد در حدود سال ۱۲۷۹ و متوفی در روز چهارشنبه ۲۱ جمادی الاولی ۱۳۵۷ مدفون در بقعه تکیه مرحوم بروجردی (مرحوم در کوشکی در تخت فولاد) مجاز از پدردانشمند خود و مرحوم اقا میرزا محمد باقر میرزا محمد هاشم چهارسوقی (ص ۱۱۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان - ص ۹۲ یکم نقباء البشر - ص @@یکم خلد برین)

۵ - مرحوم آقا شیخ احمد بن اقا شیخ محمد حسین واعظ خونساری اصفهانی از وعاظ معروف متوفی در روز ۱۹ جمادی الاولی ۱۳۴۵ درخونسار داماد فاضل مقدس زاهد اقا شیخ ابو تراب زاهدی از سلسله مشایخ بید آباد (فوت۱۳۶۳).

۶ - امام جمعه بید آباد : مرحوم میرزا حیدر علی مجلسی در رساله تذکره الانساب (ص ۱۰۱) بخلاصه گوید :

علامه مجلسی از عتیقه معقوده دو پسر و دو دختر داشته بدین شرح :

۱- میرزا عبدالله

۲ - میرزا محمد جعفر

۳- زوجه میر زین العابدین بن میر محمد صالح .

۴ - زوجه * دارای شش دختر (نام شوهرش مذکور نیست)

دو دختر از میرزا عبدالله در بیدآباد بشوهر رفته بودند :

۱- زوجه میرزا عبدالله بن میر سید محمد ملا باشی بن میر محمد صالح .

۲- زوجه میرزا محسن بن میر زین العابدین بن میر محمد صالح .

واما امام جمعه بید آباد و او میرزا محمد علی بن میر سید رضا بن میر زین

العابدین بن میر محمد صالح می باشد .

(معنی امام جمعه بید آباد بر نویسنده روشن نیست شاید امام جماعت بوده است).

۷- آقا سید محمد باقر طبیب (ص ۴۶۵ تاریخ و جغرافیای چهار محال جلد اول) از اطباء معروف ساکن محله بید آباد :

۸- حاج میرزا محمد باقر حکیمباشی فرزند آخوند ملا عبدالجواد حکیم (فوت شب غره صفر ۱۲۸۱) فرزند ملا محمد علی بن ملا احمد توتی خراسانی طبیب فقیه ادیب در زمان او تدریس طب قدیم باو اختصاص داشته و خود در آن مهارتی داشته است در ۶ جمادی الاولی سال ۱۳۲۷ وفات یافته در یکی از اطاقهای جنوبی تکیه مرحوم آقا سید ابوجعفر صدر مدفون گردید و بعداً اولاد و اعقاب و نزدیکانش در آنجا بخاک رفتند.

از آثارش رساله در وبا و طرز معالجه آن بچاپ رسیده و نسخه ای از چهل حدیث از فرمایشات بزرگان دین مورخ به غروب ۵ شنبه ۷ جمادی الثانیه ۱۲۸۵ بخط و امضاء محمد باقر بن عبد الجواد در نزد نویسنده موجود است که احتمالا از صاحب ترجمه می باشد.

در محله بید آباد و متفرعات آن چندتن از اطباء قدیم سکونت داشتند که عموماً بخلافت و مهارت در فن طب شهرت و عنوانی داشتند .

۹ – میرزا جعفر بید آبادی . مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۶۰) در ذکر اسامی باغهای اصفهان می نویسد :

باغ قورچی باشی علیا که در خیابان چهار باغ بالا قرار داشت و از آثار قورچی باشی شاه عباس دوم بود و مساحت آن حدود بیست و شش هزار ذرع میشد را میرزا جعفر بید آبادی زمان صادر کرد و خراب نمود و این باغ غیر از باغ

قورچی باشـی سفلی است که میرزا تقی اشراقی با سه باغ دیگر (۱- با ایشیک آقاسی ۲- باغ قرچقای خان ۳- باغ توشمال باشی) فرمال گرفته و همه راخراب نمود .

(فائده) : قورچی باشی رئیس مسئول سلاح داران و داروغه اسلحه خانه را گویند. را گویند .

نام قورچی باشـی ظاهراً میرزا تقی است . نصـرآبادی در تذکره (ص ۸۳) گوید : وزارت لاهیجان یافته و معزول گشـته سپس استیفاء قورچیان باو محول گردیده و در آن منصب فوت شده از اشعار اوست :

حق را زدل خالی از اندیشه طلب کن

زین شیشه بی @@ بی شیشه طلب کن

۱۰ – شیخ محمد جعفر بن مولی محمد رفیع بن محمد رفیع گیلانی رشتی اصفهانی بیدابادی عالم فاضل برادر عالم فاضل واعظ جلیل آقا شیخ محسن رشـتی از شـاگردان سـید حجه الاسـلام . صـاحب عنوان نیز احتمالاـ از شـاگردان مرحوم سـید حجه الاسـلام و خود از فضـلاء و علمـاء اصفهان می باشد .

۱۱ – حاج محمد جواد عارف سـرجوئی (بمناسبت سکونت او در سرجوی بابا حسن در محله بید آباد) فرزند حاج محمد حسین بن شیخ زین الدین از سلسـله مشایخ ذهبیه در اصفهان . پدرش نیز از عرفاء و سالکین بوده و در ذی القعده سال ۱۲۹۳ وفات یافته در ضمن مقبره سر قبر آقا در محله خوابجون (در جنوب شـرقی صحن نامبرده) مدفون گردید . صاحب عنوان در دهم ماه صفر سال ۱۳۴۵ بسن قریب به نود سالگی در کربلا وفات یافته در همان ارض مقدس مدفون گردید.

۱۲- خانـدانهای : امـامی از سلسـله سـادات حسـینی از اعقاب امامزاده و اجب التعظیم والتکریم جناب ابو الحسن زین العابـدین علی معروف به درب امام فرزند

جناب نظام الـدین احمـد بن شـمس الـدین عیسـی ملقب به رومی فرزنـد جمال الدین محمد بن جناب علی العریضـی فرزند حضـرت جعفر بن محمـد الصـادق علیهما السـلام از معروفترین امامزادگان اصـفهان می باشـد وی در محله چملان (چنبلان – جمبلان @@ سـنبلان سنبلسـتان) ساکن بوده است و پس از فوت در جنب مسـجد سـعید بن جبیر مدفون گردیده مقبره او از آثار باسـتانی اصـفهان وقبر او از مزارات متبرکه این شهر می باشد .

اعقاب او جمعی در همین محله سـکونت دارنـد و به سادات امامی درب امامی شـهرت دارنـد و عـده ای در محله بیـدآباد سـکونت دارنـد که معروفترین آنها در این اواخر

عالم فاضل فقیه حکیم حاج میرزا محمد باقر بن اقا سـید احمد متوفی در قبل از ظهر چهارشـنبه صفر ۱۳۶۴ و مرحوم حاج میرزا آقا فرزند سـید محمد حسین بن میرزا جان نقاش از اساتید فن مینیاتور می باشد .

۱۳ – خاندان مرحوم سید حجه الاسلام رشتی .

۱۴– خاندان مرحوم خونساری اولاد و اعقاب مرحوم مولی علی اکبر خونساری علیه الرحمه .

۱۵– خاندان در میانی از اعقاب علامه فقیه حکیم فیلسوف میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبائی نائینی معروف به میرزا رفیعا و از معاریف این سلسـله در این اواخر مرحومین حاج سـید محمد باقر و حاج میرزا حسن درمیانی می باشـند که از فضـلاء اصـفهان و در جنب مسـجد سـید سکونت داشته اند .

۱۶– خاندان سادات شهشهانی حسینی از اعقاب مرحوم میرزا جعفرشهشهانی

۱۷ – سادات مقدس از اعقاب مرحوم سید ابراهیم حسینی ساوجی سبزواری مختاری .

۱۸- سادات نحوی از اولاد و اعقاب مرحوم آقا سید محمد حسن مجتهد موسوی : مرحوم حاج سید مهدی فرزند ارشد و اعلم آن مرحوم از علماء اخیار و فضلاء ابرار و مدرسین سطوح فقه و ادبیات در اصفهان بوده و بعلت تخصص در تدریس کتب نحو به نحوی شهرت یافته است و او غیر از نحویهای مرندی است که در حدود مسجد جامع سکونت داشته اند مرحوم حاج سید مهدی در حدود سال ۱۲۴۰ و کمی قبل از آن متولد و در ۱۳۰۷ در اصفهان وفات یافته در جنب پدر و آباء کرام خویش در تخت فولاد مدفون گردید رحمه الله علیهم اجمعین .

۱۹- سید رحیم بن محمد شفیع حسینی تنکابنی اصفهانی بیدابادی از شاگردان مرحوم حاج سید یوسف بن محمد حسینی قاینی اصفهانی (متوفی در ۱۴۲۴سال ۱۲۴۶) (ص ۵۳۹ دوم الکرام البرره) .

۲۰- شیخ عزیز الله بیدآبادی از سلسله مشایخ بید آباد . در علم رمل وجفر و اعداد استاد بوده و علاوه بر آنها فقیهی عالیقدر بشمار میرفته در اواخر قرن سیزدهم وفات یافته است (ص ۱۹۳ - آثار ملی اصفهان نقل از جغرافیای اصفهان)

۲۱ - شیخ علی شیشی یزدی عالم فاضل رساله در احکام : رشد و سفاهت تاریخ فراغت از تألیف ۱۲۷۰ - علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۸۲۹ دوم) می نویسد : رساله مزبور را دیدم که دلالت بر تبحر او در فقه مینمود و هم در آن رساله گفته بود که وطنم شیشه و مسکنم یزد است .

بظن نویسنده شیشه و شیش همان محله شیش (بکسر اول و سکون دوم و سوم) از محلات فرعی بید آباداست اگر این احتمال درست باشد مشار الیه نیز بید آبادی خواهد بود .

۲۲- سید علی نقی بن اسماعیل موسوی اصفهانی بیدآبادی در سال ۱۲۳۱ مجموعه ای از چهار کتاب بشرح زیر :

۱ – معارج تألیف علامه حلی ۲– مبادی تألیف علامه حلی ۳ – تهذیب تألیف علامه حلی ۴ – شرح بدایه شهید دوم ترتیب داد – و آنرا بخط نسخ کتابت نموده نسخه بشماره (۱۱۹) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۱۳۳ یکم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی).

۲۳ – حاج فاضل بید آبادی مرحوم حاج ملا اسد الله بن حاج ملامحمد باقر بن ملا محمد رضا عالم فاضل زاهد از شاگردان مرحوم حاج میرزا بدیع درب امامی و اقا سید محمد باقر در چه ای و اقا نجفی و دیگران بوده و در خدمت اقایان مسجد شاه به امور شرعی و رسیدگی به اختلافات مردم میپرداخته در ۴ شنبه ۲۱ ذی القعده سال ۱۳۶۳ وفات یافته در خارج بقعه مرحوم بروجردی در تخت فولاد مدفون گردید .

۲۴ – قاضیها – خاندان قاضی . دو خانواده در این محله سکونت داشته و دارند که منصب قضاوت اصفهان از بعد از سلاطین صفویه تا قبل از دوران مشروطه و ایجاد عدلیه (دادگستری) در بین آنان بوراثت و لیاقت برقرار بوده است .

۱– اعقاب شیخ زاهد ثانی گیلانی یعنی سلسله مشایخ بید آباد .

۲ – اعقاب محقق سبزواری علامه مولی محمد باقر که عموماً در محله چهار سوی درب شیخ (شیخ ابو مسعود رازی) سکونت داشته و ظاهراً اعقاب دختری قاضی محمد ابراهیم بن غیاث الدین محمد خورانی متوفی بسال ۱۱۶۰ می باشند

۲۵ – میرزا قیصر بید آبادی شاعر لطیفه گوی و ادیب نکته سنج در قرن سیزدهم میزیسته است

این دو سطر شعر از اوست . (ص ۴۶۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

هنگام صباح چائی و شیر خوش است

در وقت نهار قند و سرشیر خوش است

چون عصر شود دوباره چائی نیکوست

در آخر شب صدای کفگیر خوش است

ملاصادق ذاکری سدهی در جواب او گوید :

اندر دل شب ناله شبگیر خوش است

در وقت سحر توبه زتقصیر خوش است

مطلوب سحرگهان بود استغفار

چون فجر دهد ضدای تکبیر خوش است

۲۶ – آخوند ملا کاظم بن مشهدی نصر الله مروج بید آبادی عالم فاضل مقدس ادیب شاعر مؤلف متوفی در سال ۱۳۶۳

۲۷ – حکیم فقیه عابد زاهد فیلسوف مرحوم آقا محمد بن محمد رفیع گیلانی معروف به آقا محمد بید آبادی از سلسله مشایخ بید آباد .

مشایخ بیدآباد

سلسله مشایخ بید آباد که بنام عده ای از آنها اشاره شد و میشود عموماً از اعقاب عارف مشهور شیخ زاهد گیلانی اول (شیخ ابراهیم بن روشن امیر) و شیخ زاهد گیلانی دوم که هر دو از بزرگان مشایخ واقطاب عرفاء و صوفیه بوده اند می باشند

اعقاب این دو که در اصفهان و گیلان ساکن بوده و می باشند عموماً از اهل فضل و ادب و شعر و از فقهاء وحکماء محسوب می شوند و جمعی از آنان در علم و زهد و تقوی بمقامات عالیه رسیده اند و نامشان در کتب شرح حال رجال علمی مذکور است.

ذیلا بنام عده ای از آنان اشاره می شود (از اصفهانیها):

۱ – مرحوم آقا شیخ ابو تراب بن محمد علی زاهدی از معاصرین .

۲– مرحوم آقا شیخ ابو جعفر مازندرانی قاضی اصفهان از علماء قرن دوازدهم

(ص ۵۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۳- مرحوم آقا شیخ احمد به ابی تراب بن محمد حسن مدفون در قبرستان آب بخشان (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۴ - مرحوم آقا میرزا اسد الله طبیب از اطباء قدیمی از معاصرین .

۵ - مرحوم اقا شیخ محمد حسن بن ملا عبد الله قاضی اصفهان مدفون در قبرستان آب بخشان ص ۵۳ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

اولین فرد این خاندان است که بمنصب قضاوت این شهر نائل گردیده است (ص ۵۶۶ گنج شایگان)

۶ - شیخ زاهد ثانی گیلانی متوفی بسال ۱۲۲۲ عالم فاضل عارف کامل (ص ۷۵۰سوم مکارم الاثار)

مرحوم معلم حبیب آبادی در ذیل ترجمه شیخ زاهد می نویسد :

۱- ابوالفتح خان بختیاری فرزند قاسم خان حاکم اصفهان در عهد رضا قلی میرزا فرزند نادر شاه و

۲- میرزا حسین تحویل دار از اولاد شیخ زاهد گیلانی می باشند (غیر از میرزا حسین خان سر رشته دار فرزند میرزا مرتضی و متوفی در غره شب سال ۱۳۲۰ می باشد)

۷ - شیخ محمد صالح بن شیخ زین العابدین عالم فاضل ادیب شاعر معلم و امام جماعت مدرسه دارالفنون و مختصر کننده تذکره الخطاطین تألیف میرزا سنگلاخ خراسانی (ص ۴۸۶ گنج شایگان)

۸- شیخ محمد طاهر (میرزا محمدطاهر) معروف به دیباچه نگار فرزند شیخ زین العابدین مؤلف کتاب: تذکره گنج شایگان متولد در ۱۰ ذی الحجه سال ۱۲۲۴ در اصفهان (ص ۵۶۶ گنج شایگان) و متوفی بسال ۱۲۷۵ در تهران (ص ۷۸۰ سوم مکارم الاثار) شاعر متخلص به شعری

۹ - شیخ عبد الله قاضی متوفی در محرم سال ۱۲۹۱ مدفون در رواق حرم کربلا-جنب ضریح حبیب بن مظاهر اسدی (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۰ - مرحوم آقا شیخ عبد الوهاب زاهدی عالم فاضل ادیب از معلمین مدرسه علمیه و مدرس سطوح ادبیات از معاصرین

۱۱- شیخ عبدالوهاب بن محمد قاضی متوفی بسال ۱۲۰۶ مدفون در پشت بقعه آقا محمد بیدآبادی در تخت فولاد اصفهان (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۱۲- شیخ عبد الهادی قاضی داماد علامه فقیه اقا سید صدر الدین محمد عاملی . در گنج شایگان (ص ۵۶۷) گوید : وی پنجمین نبیره شیخ محمد حسن قاضی است و تا سال ۱۲۷۳ حیات داشته است (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان

اصفهان)

۱۳ - مرحوم آقا شیخ علی بن شیخ مفید عالم فاضل جلیل از مدرسین مدرسه صدر اصفهان متوفی بسال ۱۳۴۵ مدفون در تخت فولاد نزدیک مقبره اقا محمد بید آبادی (ص۴۹۶ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۲۸ - مرحوم ملا علی بن محمد حسین محله نوی بید آبادی عالم فاضل از علماء ریاضی و از مفاخر علمی معروف به جمشید ثانی متولد در ۱۲۱۵ در ۳ شنبه ۱۷ صفر سال ۱۲۹۳ در طهران وفات یافت دو فرزند دانشمند و منجم و ریاضی دان:

۱ - میرزا عبد الوهاب منجم باشی (۱۲۸۹ - ۱۳۵۰) ۲ - حاج نجم الدوله میرزا عبد الغفار (۱۳۲۶- ۱۲۵۹) و یک دختر که عیال شیخ عبدالجلیل اصفهانی و مادر دکتر میرزا علی خان ناصر الحکماء و اعلم الممالک (تولد ۱۲۸۴) می باشد مرحوم ملا علی محمد مؤلف کتابی است بنام تکمله العیون و او ظاهراً اولین فردی است که موفق به کشف لگارتیم شده است لکن عنوان و شهرت آنرا اروپائیان بردند .

۲۹ – مرحوم شیخ محمد قاضی متوفی در جمادی الثانیه ۱۲۲۷ مدفون در ایوان علماء در صحن مقدس نجف اشرف (ص ۵۴ دانشمندان و بزرگان اصفهان)

۳۰– مرحوم آقا میرزا محمد طبیب محله نوی از اطباء و پزشکان معروف معاصر

فائده : اصفهان در حال حاضر دارای سه ناحیه بنام محله نو می باشد :

۱– محله نو بید آباد ۲– محله نو چهار سو شیرازیها ۳– محله نو خواجو.

۳۱ – مرحوم حاج شیخ محمود بن شیخ مفید حکیم فقیه زاهد از مدرسین حکمت و فلسفه در مدرسه صدر بازار و مدرسه چهار باغ و از مفاخر علمی اصفهان در اصفهان وطهران و مشهد تحصیل نموده و در حدود سال ۱۲۹۷ متولد و در بعد از ظهر روز جمعه ۱۱ شوال المکرم ۱۳۸۲ وفات یافته جنازه در روز شنبه با تشییع عظیم وحضورعموم علماء وروحانیون و مدرسین و طلاب علوم دینیه و مؤمنین و مقدسین در داخل بقعه آقا محمد بید آبادی بخاک سپرده شد رحمه الله علیه عالمی بزرگوار و حکیمی خلیق و مهربان و عابد و زاهد بود

۳۲ – مظاهری کرونی – در قریه تهران مرکز بلوک کرون عده کثیری خویشتن را از اعقاب جناب حبیب بن مظاهر اسدی شهید کربلا میدانند و عده زیادی عالم وفاضل و ادیب در بین آنها بوده و می باشد که از آنجمله است :

مرحوم آخوند ملا حسین کرونی فرزند محمد فرزند ملا میرزا عالم فاضل زاهد از شاگردان حاج میرزا بدیع درب امامی و جمعی دیگر از بزرگان فقهاء و مدرسین اصفهان بوده قبل از۱۲۹۵ متولد و در شب ۱۲ ربیع الثانی سال ۱۳۷۵ در اصفهان وفات یافته در خارج بقعه مرحوم حاج میرزا ابوالحسن بروجردی(در کوشک) در تخت فولاد مدفون گردید دو نفر از فرزندانش بحمد الله از وعاظ

وخطباء و محدثین معاصر اصفهان می باشند . سلمهما الله و ابقاهما .

۳۳ - مرحوم آقا میرزا مهدی فرزند شیخ اسماعیل بن شیخ علی محمد اصفهانی مشهدی عالم فاضل محقق مدقق حکیم عارف فیلسوف مجتهد از مدرسین آستان قدس رضوی متوفی در روز ۵ شنبه ۱۹ ذی الحجه الحرام سال ۱۳۶۵مدفون در زیر گنبد اللهوردیخان در آستانه مقدسه رضویه مؤلف کتب عدیده

۳۴ - حاج میرزا نصر الله بن محسن ملک المتکلمین بهشتی از خطباء و گویندگان و از بنیانگزاران مشروطه ایران و ازادیخواهان صدر اول مقتول در سال ۱۳۲۶در زندان باغشاه طهران .

۳۵ - میرزا یحیی (کاشی پز) مدرس بید آبادی فرزند شیخ اسماعیل عالم فاضل ادیب شاعر صاحب دیوان اشعار مطبوع از اعقاب محقق سبزواری در حدود ۱۲۵۴ متولد و در شب ۴ شنبه ۵ ذی القعده الحرام سال ۱۳۴۹وفات یافته در تخت فولاد در تکیه میرزا رفیعاء مدفون گردید بعداً جزو فرودگاه قرار گرفته و کلیه قبور آن از بین رفت.

۳۶ - حاج میرزا یحیی فرزند حاج میرزا شفیع مستوفی بید آبادی از سلسله میرزاهای بید آباد که نسب آنان به میرزا مهدی اشتهاردی میرسد عالم فاضل ادیب محقق مدقق صاحب تألیفات نافعه از چهره های ناشناخته علمی اصفهان چه در زمان حیاتش و چه پس از وفات مقامات علمی و تحقیقات او همچنان مجهول مانده و حتی اهل فضل و دانش نیز از آن کمتر اگهی دارند کتابها و تألیفاتش از تصرف وارثین خارج شده و در گوشه های کتابخانه ها گرد غربت بر آنها نشسته تا چه وقت خداوند قادر متعال اراده فرماید که آنها بچاپ برسد و اهل فضل و دانش از آن بهره مند شوند . در سال ۱۲۵۰متولد و در روز جمعه دوم جمادی الاولی سال ۱۳۲۵ وفات یافته در یکی از اطاقهای شمالی تکیه مرحوم آقا سید ابو جعفر

صدر مدفون گردید .

۳۷ - میرزاهای چهارسوق علی قلی آقا معروف به تابش از اعقاب میرزامهدی اشتهاردی باقی مدرسه میرزا مهدی واقع در سر جوی بابا حسن عموماً اهل فضل و ادب بوده و در عهد قاجاریه و بعد در دستگاه حکومتی و ادارات دولتی مشغول خدمت بوده اند .

بید آباد اصفهان – بید آباد شاهرود

علاوه بر محله بید آباد اصفهان در شهرستان شاهرود نیز محله ای بنام بید آباد میباشد .

فائده لغوی) : کلمه شاه در زبان فارسی در معانی : دانا - اصل - خداوند - رئیس و بزرگ و داماد و چندین معنی دیگر استعمال گردیده است و کلمات شاهراه - شاهرگ - شاهکار و غیره همه در معنی بزرگ استعمال گردیده است و از همین قبیل است کلمه شاهرود.

کلمه شاهرود صفت مرکب است که بجای موصوف استعمال گردیده و اسم خاص وعلم شده است و آن نام رودخانه بزرگی بوده که از طالقان سرچشمه میگرفته و شهری که در کنار آن قرار داشته است را نیز بهمین نام « شاهرود » نامیده اند .

در مطلع الشمس که بسال ۱۳۰۳ قمری تألیف گردیده گوید :

شهر شاهرود دارای :

۱ - کاروانسرا ۳ عدد

۲ - حمام ۶ عدد

۳ -مسجد ۵ عدد

۴- مدرسه ۳ عدد

۵-محله ۴ عدد

- دروازه ۵ عدد می باشد

اسامی مدارس آنجا عبارت است از :

۱- مدرسه محمد زمان خان قاجار

۲ - مدرسه حاجی اسماعیل

۳ - مدرسه حاجی ابراهیم یا مدرسه بید آباد

اسامی محلات شهر شاهرود عبارت بوده است از :

۱- محله قلعه ولوا

۲ - محله بید آباد

۳- محله دو

۴ - محله عمارت (صفحه ۲۵۲ سوم مطلع الشمس)

برای اطلاع از وضع فعلی شهر شاهرود و تاریخ علماء آنجا بکتب مربوطه باید مراجعه شود .

ص: ۲۳۹

فصل بیست ویکم: (تاریخچه مختصری از شفت)

(تاریخچه مختصری از شفت)

شفت بروزن نفت از قصبات رشت است .

در تاریخ علماء و شعرای گیلان (ص ۲۷) در باره شفت می نویسد :

قصبه کوچک و بد آب وهوا مناظر طبیعی آن بسیار است و مولد اکثر بزرگان اهل علم در آنجاست

در گنجینه دانشمندان (ص ۳۸۰ پنجم) در باره شفت می نویسد :

شفت جزو استان گیلان و از مصافات و حومه رشت محسوب میشود . گرچه خودش جای کوچکی میباشد دانشمندان بزرگی بآنجا منسوب هستند .

مولد مرحوم سید حجه الاسلام همانگونه که قبلا متذکرشدیم در قریه (چرزه) در ده فرسنگی شفت واقع گردیده است .

شفت در قرن دهم

بطوریکه از فرمان شاه طهماست صفوی که بر سنگ منقور و بر دیوار

دالان مسجد جامع اصفهان منصوبست مستفاد میشود .

عموم نواحی گیلان بالاخص شفت از مراکز تربیت کرم ابریشم و تهیه ابریشم بوده و محصول آنها به اصفهان و دیگر شهرهای ایران حمل می شده است .

در کتاب گنجینه آثار تاریخی اصفهان (ص ۱۴۵) و بنقل از آنجا در کتاب آثار ملی اصفهان (ص ۵۸۵) کتیبه مزبور نقل شده و مفاد آن چنین است که :

شاه طهماسب دستور داده است کلیه وجوه راهداری از خوراکیها اعم از غله و برنج و میوه و روغن و امثال آنراکه جهت فروش به اصفهان وارد می کنند و یا به محال دیگر میبرند از پرداخت راه داری معاف باشد ولی شکر و اجناس ابریشمی و ریسمانی و ابریشم که از گیلان و شفت می آورند از این معافیت مستثنی باشد (از آنها مالیات و ورودیه گرفته شود)

وضعیت کنونی شفت

شفت دارای چهل و شش قریه که دوازده تای آنها در کوهستان و بقیه در جلگه واقع شده می باشد و از آثار قدیمه آن :

۱ - بقعه امام زاده ابراهیم که درب های آن منبت کاری است در قریه طالقان

۲- بقعه امامزاده اسحق در قریه سالک معلم

در کتاب شرح حال شیخ زاهد گیلانی بقلم آقای محمد علی گیلک (ص ۱۱۳) پس از شرح فوق اسامی قراء شفت را بر حسب حروف تهجی بنقل از کتاب اسامی د￿ات کشور نشریه فروردین ۱۳۲۹ - اداره آمار وسرشماری نام برده است .

اکنون بذکر اسامی چندتن از بزرگان منسوب به شفت میپردازیم .

۱ – شیخ ابو طالب شفتی از مدرسین ساکن رشت و استاد حاج شیخ محمد لاکانی عالم معاصر (ص ۱۸۹ پنجم گنجینه دانشمندان)

۲– علامه فقیه میرزا ابوالقاسم بن ملامحمد حسن شفتی معروف به میرزای قمی

۳– حاج میرزا محمد باقر شفتی . در ذیل تاریخ علمای خراسان (ص ۲۴۲) دانشمند محترم اقای حاج شیخ محمد باقر ساعدی خراسانی در ضمن اساتید مرحوم حکیم بزرگوار آقا بزرگ حکیم و فیلسوف مشهدی متوفی در ۲۹ جمادی الثانیه سال ۱۳۱۵ویرا نام برده است .

۴– حاج ملا محمد تقی شفتی جیلانی . در کتاب تاریخ علماء وشعرای گیلان (ص ۱۳۱) در باره مشار الیه می نویسد :

از علماء متبحر در کلام و تفسیر وحدیث بود و سالها در کاظمین در صحن حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مجاور و ساکن بوده و شرحی بر خطبه حضرت صدیقه طاهره علیها السلام در مسجد نوشته و حواشی بر تفسیر صافی و حاشیه بر شرح تجرید علامه دارد در سال ۱۳۰۰ وفات یافته است . (نمونه مختصر المکارم) .

۵ – حاجی حافظ بن یوسف الدین اسحق شفتی گیلانی ظاهراً از دانشمندان قرن یازدهم هجری و مؤلف رساله ای در تجوید بنام : « دستور تجوید » بزبان فارسی نسخه ای از آن مورخ بسال ۱۱۱۸ بشماره (۵۲۴۹/۵) در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار طهران (ص ۷۲ یکم فهرست کتب خطی منزوی) و نسخه ای مورخ به ربیع الاول سال ۱۰۹۰ در الذریعه (ص ۱۵۲ هشتم) معرفی شده است .

۶ – ملا حسن شفتی پدر علامه فقیه میرزای قمی (ص ۴۷ تاریخ علماء

ص: ۲۴۲

وشعرای گیلان)

۷- سید حسن بن نور الدین حسینی شفتی شیخ روایت سید حسین بن روح الله طبسی مشهور به صدرجهان . مرحوم آقا سید حسن در این اجازه می گوید که از شیخ حسین بن عبد الصمد روایت می کند .

۸- رجبعلی بن اقا محمد شفتی ساکن اصفهان در سال ۱۲۳۸ در محله در کوشک (از توابع محله بید آباد) از کتابت نسخه ای از کتاب : ترجمه الصلوه تألیف مولی محسن فیض کاشانی فراغت حاصل نموده است . نسخه کتاب بشماره (۱۲۷۶) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۳۲ دوم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی).

۹ - شیخ محمد شفتی در تاریخ علماء و شعراء گیلان (ص ۱۱۷) درباره او می نویسد :

انجناب مردی فقیه و زاهد و عابد و فاضل و مورد توجه گیلانیان و محل وثوق خواص و عوام شهر رشت است از زمانیکه از نجف اشرف عودت نموده مشغول بترویج احکام الهی ... و مدرس سطوح در گیلان است .

معروفترین فرد منسوب به شفت علامه فقیه نایب الامام حجه الاسلام علی الاطلاق مرحوم حاج سید محمد باقر شفتی رشتی می باشد که این کتاب بنام نامی انجناب تألیف یافته است.

ص: ۲۴۳

خاتمه

در بیان شرح حال و گزارش

زندگانی

مرحوم حاج سید اسد الله حجه الاسلام

ثانی بید آبادی

و اسد الله ابن باقر اجل

سیدنا ذو ورع ومبتجل

(نخبه المقال)

ص: ۲۴۴

بخش پنجم : (شرح حال)

فصل اول : (مصادر شرح حال و گفته ها)

(مصادر شرح حال و گفته ها)

شرح حال این عالم جلیل وفقیه زاهـد بی بدیل در عموم کتب تراجم رجال وتواریخ بطور خلاصه و یا تفصـیل مسـتقلا و یا در ضـمن احوالات پدر بزرگوارش نقل گردیده است از آنجمله در کتابهای :

۱- آگهی شهان از کار جهان - مرحوم حاج میرزاحسن خان جابری انصاری (صفحه ۴۲ سوم)

۲- آثار ملی اصفهان - اقای ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی (ص ۱۹۲)

۳- احسن الودیعه - مرحوم آقا سید محمد مهدی اصفهانی کاظمینی (می ۷۸ یکم)

۴ - اعیان الشیعه - علامه آقا سید محسن امین عاملی (ص ۱۰۹ یازدهم)

۵ - تاریخ اصفهان - مرحوم جابری انصاری

۶ - تاریخ اصفهان وری - مرحوم جابری انصاری (ص ۲۶۲ - ۲۷۹)

۷- تاریخ زنجان - اقا سید ابراهیم موسوی زنجانی (ص ۲۷۷)

ص: ۲۴۵

۸- تاریخ علماء و شعرای گیلان - فاضل محترم اقا شیخ حسن شمس گیلانی (ص ۷۴)

۹- تذکره القبور - علامه ملا عبد الکریم گزی

۱۰- تکمله امل الامل - مرحوم آقا سید حسن صدر کاظمینی

۱۱ - تکمله نجوم السماء - میرزا محمد مهدی لکهنوی (ص ۳۳۲ یکم)

۱۲ - دانشمندان و بزرگان اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (ص @@)

۱۳ - الذریعه - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (مجلدات مختلف)

۱۴ - رجال اصفهان - سید مصلح الدین مهدوی (صفحه ۱۴۸)

۱۵ - روضات الجنات - علامه اقا میرزا محمد باقر چهارسوقی (صی ۱۲۶)

۱۶ روضه البهیه - مرحوم حاج سید شفیع چاپلقی (ص ۲۲)

۱۷- روضه الصفا - رضا قلی خان هدایت (ص ۴۵۸ دهم)

۱۸- ریحانه الادب - مرحوم آقا میرزا محمد علی مدرس تبریزی

۱۹ - زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (ص ۱۹۰)

۲۰- شرح حال رجال ایران - مهدی با مداد (ص ۱۱۵یکم)

۲۱- علمای معاصرین - مرحوم ملا علی خیابانی تبریزی (ص ۳۳۱)

۲۲ - فوائد الرضویه - مرحوم محدث قمی (ص ۴۲ یکم)

۲۳ - قصص العلماء - مرحوم میرزا محمد تنکابنی (ص ۱۲۲)

۲۴ - الکرام البرره - علامه حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی (ص ۱۲۴ - یکم)

۲۵ - لباب الالقاب - مرحوم ملا حبیب الله کاشانی (ص ۷۱)

۲۶ - المآثر والاثار - محمد حسن خان اعتماد السلطنه (ص ۱۳۹)

۲۷ - ماضی النجف وحاضرها - مرحوم شیخ جعفر آل محبوبه (ص ۱۳۳ یکم)

ص: ۲۴۶

۲۸ – معارف الرجال – شیخ محمد حرز الدین (ص ۹۴ یکم)

۲۹ – مکارم الاثار – مرحوم معلم حبیب آبادی (صفحه ۸۳۶ سوم)

۳۰- منتخب التواریخ – مرحوم حاج ملاهاشم خراسانی (ص ۷۱۸ چاپ اصفهان)

۳۱- منتهی الامال – محدث قمی (ص ۱۵۹ دوم چاپ گراوری اسلامیه)

۳۲ – موسوعه عتبات عالیات

۳۳ – ناسخ التواریخ – محمد تقی سپهر کاشانی (صفحه ۱۰۳ سوم قاجاریه)

۳۴ – نخبه المقال – سید حسین بن سید رضا بروجردی (صفحه ۱۷)

۳۵ – هدیه الاحباب – محدث قمی (صفحه ۱۲۳)

۳۶ – الیتیمه – سید محمد علی صدر عاملی (بنقل مکارم الاثار)

وعموم فهرستهای کتابخانه ها و فهرست مؤلفین مرحوم خانبابا مشار و شاید ده ها کتاب و رساله دیگر .

آنچه از مجموع این کتابها و هم از مسموعات از بزرگان و اهل مطالعه و تحقیق بدست می آید آنکه وی :

عالمی جلیل و فقیهی بی بدیل عابد و زاهد و متقی و صاحب نفس قدسی و دارای صفات ملکی فرشته خوی و آدمی صورت اهل ذکر و فکرو عبادت بوده و در اصفهان بلکه در ایران و عراق مقبولیت عامه و مرجعیت تامه داشته و عموم طبقات بالاخص علماء و اشراف و اهل فضل و مقدسین باو ارادت میورزیده اند .

تولد:

در عموم کتابها تولد آنجناب را بدون ذکر روز هفته و ماه در سال ۱۲۲۷ قمری نوشته اند .

مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار در ضمن شرح حال حاج ملاعلی خلیلی وهمچنین در حواشی کتاب المآثر والاثار تولد ویرا درسال ۱۲۲۸ می نویسد لکن در مکارم الاثار در ضمن شرح حال آن بزرگوار به استناد نوشته علامه طهرانی در الکرام البرره سال ۱۲۲۷ را ترجیح میدهد

پدر و مادر - پدر مرحوم سید ثانی مرحوم حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی است اما مادر آنجناب ظاهراً از سادات محترم زواره و طباطبائی میباشد و به احتمال قوی مشار الیه میرزا محمد کاظم طباطبائی زواره ای مدفون در قبرستان قبله دعا جنب خانه های سید حجه الاسلام میباشد

اقوال بزرگان درباره او

عموم نویسندگان کتب تراجم رجال ویرا بعظمت و بزرگی یاد نموده : و مقامات علمی وملکات نفسانی وزهد و تقوای اورا ستوده اند اینکه بعنوان نمونه بذکر چند جمله از آن کتابها میپردازیم .

۱- مرحوم علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهار سوقی در روضات الجنات در ضمن شرح حال پدر بزرگوارش (صفحه ۱۲۶) می نویسد :

جنازه مرحوم سید حجه الاسلام را پس از تغسیل بمسجد آوردند و : فصلی علیه ولده الافضل وخلفه الاسعد الارشد و الفقیه الاوحد والحبر المؤید و البذر المجرد و العمامه الاعمد النفس القدسی والملک الانسی الجلیل الاواه ومحبوب الافئده و ممدوح الافواه مولینا وسیدنا السید اسد الله ...

در دنباله سخن پس از ذکر استادش اقا شیخ محمد حسن و تصریح استاد

بفقاهت و اجتهاد او و امر بمردم در مراجعه باو میفرماید:

حجه الاسلام این بزرگوار را بسیار دوست میداشت و مردم را بمتابعت و تجلیل او امر میفرمود و او را از جهت فوه نظر و قدرت استنباط بر فخر المحققین فرزند علامه حلی ترجیح میداد و این مطلب را در جواب کسیکه از احوال او از ایشان میپرسید میفرمود .

مردم اصفهان همگان او را بجذالت می ستودند و برای درک نماز جماعتش ازدحام میکردند و ارادتمند او بوده و ویرا ستایش مینمودند و در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش برتر میشمردند ...

۲- مرحوم حاج سید شفیع چاپلقی در روضه البهیه (ص ۲۲) می نویسد :

الامام الاعظم و الولی المکرم الفاضل العالم العامل الزاهد الورع التقی المجتهد البصیر و العام الخبیر الحاج میرزا اسد الله دام عمره الشریف واطال الله بقائه لم یرمثله فی الزهد والورع والتقوی . بلغ مبلغ والده فی الزهد والمقبولیه عند العامه .

۳- مرحوم ملا حبیب الله شریف کاشانی در لباب الالقاب (ص ۷۱) در باره او می نویسد :

کان بالفقه و الزهد موصوفاً و بجلاله الشأن معروفاً .... وهو مع کونه فاضلا متبحراً لم یکن یدرس الاصول والمعاملات من الفقه بل کان در سه منحصراً فی العبادات و کان یقول : ان والدی اوصانی بذلک ومع کون اسباب الریاسه مجتمعه له کان منقطعاً عن الریاسه و تحمل المرافعات و تکلف التجملات .

۴ - مرحوم علامه شیخ محمد حزر الدین در کتاب : معارف الرجال (ص ۹۴ یکم) می نویسد :

هو سید معظم وعالم جلیل مقدم صاحب مناقب و مآثر و مکارمه لا تحصی و آثاره

ص: ۲۴۹

التاریخیه لاتنحصر عالی الهمه مروج بین طبقات الناس . از نشانه های علوهمت او آنکه :

وی از قول یکی از خانـدان علامه میرزا خلیل طهرانی (دختر مرحوم حاج ملا علی بن میرزا خلیل طهرانی زوجه مرحوم حاج سـید اسد الله بوده است) نقل می کند که :

پس از وفات پدر بزرگوارش مرحوم سـید حجه الاسـلام بید آبادی و تقسـیم میراث آن مرحوم در بین ورثه ، آن جناب بابت سهم الارث خود پرداخت دیون پدر را که مبلغ گزافی میشد بعهده گرفت (و چیزی از میراث پدر بر نگرفت)

۵ - مهدی بامداد در کتاب : شرح حال بزرگان ایران (ص ۱۱۵ یکم) بخلاصه می نویسد :

مرحوم حاج سـید اسـد الله از ارثیه پـدر که بحساب در نمی آمـد فقط بتملك کتابخانه او که در آن عصـر پنجاه هزار تومان (۳۵۰۰۰۰۰ تومان پول حالیه بنا به قول مهدی بامداد) ارزش داشت قناعت ورزید .

هم او می نویسـد : حاج سـید اسـدالله فرزنـد ارشـد - اتقی - اعلم - اکمل حاج سـید محمـد باقر بوده و او را در بعضـی جهات حتی بر پدرش ترجیح میداده اند و هنگام مرگ پدر در عتبات بود بعداً به ایران و اصفهان آمده مقام پدر را اشغال کرد و بر مسند پیشوائی نشست .

نویسـنده گوید : مرحوم حاج سـید اسدالله در موقع وفات مرحوم سـید حجه الاسلام در اصفهان بوده یعنی قبلا از نجف مراجعت نموده است و بنا بگفته علامه صاحب روضات الجنات و دیگران بر جنازه پـدر نماز خوانده و ثانیاً همانگونه که قبلا گفته شد کتابخانه بین تمام اولاد مرحوم سید حجه الاسلام کما فرض الله تبارك و تعالی تقسیم گردیده است و اما قیمت آن را مرحوم تنکابنی در قصص

العلماء هنگام تشرف مرحوم حجه الاسلام به مکه معظمه یعنی حدود سال ۱۳۳۱ مبلغ پنجاه هزار تومان می نویسد و آنهم گزافه ای بیش نیست.

۶ - محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب المآثر و الاثار(ص ۱۳۹ ستون اول) می نویسد:

حاج سید اسد الله حجه الاسلام بن الحاج سید محمد باقر مجتهد شفتی رشتی حجه الاسلام در فقاهت و اجتهاد وورع و زهد و تقوی مسلم مسلمین بود بنظم شعر نیز قدرتی داشت آب فرات را این بزرگوار در نجف اشرف جاری ساخت .

(تذکر وتوضیح) : همانگونه که قبلا از کتاب روضات الجنات (و به پیروی از ایشان در بسیاری از کتب دیگر) نقل گردید.

مرحوم حاج سید اسدالله را در بسیاری از مکارم اخلاق و صفات حسنه بر پدر بزرگوارش ترجیح میدادند . انتهی . لکن در هیچ یک از این کتابها گفته نشده است که موجبات ترجیح ووجوه ارجحیت او بر پدرش چه چیزها بوده است .

نویسنده گوید : آنچه بنظر میرسد توجه علامه صاحب روضات الجنات و دیگران به ریاضات و مجاهدات نفسانی وزهد و تقوای سید ثانی بوده که در این قسمت بر پدر بزرگوار خود مقدم بوده و ازهد و اتقای از ایشان بوده است وهمچنین نقل کرامات و مکاشفات وحتی تشرف به محضر مبارک حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواح العالمین له الفداء بوده است . شرح خرید باغ حاج ملا باقر دهدشتی و برخی از کرامات آن بزرگوار بعداً نقل خواهد شد.

۲ - مرحوم معلم حبیب آبادی در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسدالله گوید :

« وی گرد ریاستهای باطله نگردید » (ص @@)

ای کاش آن مرحوم توضیح میداد که مقصود از ریاست باطله چیست .آیا

اجرای حدود الهی مقصود است که نعوذاً بالله چگونه ممکن است مسلمانی راست عالمی را که مجری احکام خداوند تبارک وتعالی باشد و قاتل و دزد و زنا کار را طبق موازین شرعی حد الهی را درباره آنان جاری سازد ریاست باطله بداند .

یا آنکه مرحوم معلم معتقد بوده است که این اعمال جزو وظائف مجتهدین نبوده و مجتهد و عالم فقط باید در گوشه ای بنشیند و مشغول عبادت باشد و یا حداکثر کتاب بنویسد و شاگرد تربیت کند و این حکام جورو سلاطین هستند که باید بر جان و مال و اعراض و نفوس مردم مسلط بوده هر چند خواستند انجام دهند و هیچ کس در برابر آنها از لا ونعم دم نزند.

و یا آنکه مانند بسیاری دیگر از علماء بزرگوار فقط به دعاوی مردم رسیدگی کنند و حکم صادر کنند و اجرای آنرا به حکام و سلاطین واگذارند که آنان طبق مصالح خود آنرا اجرا بکنند یا نکنند . در هر حال مقصود آن مرحوم برما مجهول است هر چه هست خداوند او را غریق رحمت بی منتهای خود سازد که حقوق بسیاری بر نویسنده دارد که از عهده شکر آن بر نمی آیم .

عده زیادی از نویسندگان و غیر آنها از مسلمانان و غیر مسلمان صریحاً و کنایه به اجرای حدود از طرف مرحوم سید حجه الاسلام ایراد گرفته اند لکن وقتی عالمی بزرگوار و فقیهی پرهیزکار و مجتهدی عادل و زاهد و متقی همچون حاجی کلباسی معاصر ومعاشر با مرحوم سید اعمال او را می بیند و اعتراض نمی کند بلکه تأیید نیز می کند دیگران را حق هیچگونه سخن و ایرادی نیست .

فصل دوم: (اساتید و مشایخ اجازات)

(اساتید و مشایخ اجازات)

مرحوم حاج سید اسدالله همانگونه که ذکر شد در سال ۱۲۲۷ (۱۲۲۸) در اصفهان متولد گردید و پس از رسیدن بسن تمیز و تربیت در دامان پدر بزرگواری همچون سید حجه الاسلام و آموختن مقدمات علوم در نزد علماء این شهر پدرش برای وی مدرسینی معین فرموده که اسامی آنها تا کنون بنظر نرسیده لکن به احتمال قوی یکی از آنان مرحوم ملا علی اکبر خونساری بوده است .

وی پس از آنکه از تحصیل علوم مقدماتی از صرف و نحو و منطق وغیره به مجلس درس پدر دانشمند خود و جمعی دیگر از فحول علماء که اسامی آنان نیز مجهول است و احتمالا حاجی کلباسی در عداد آنانست درس خواند .

سپس جهت ادامه و تکمیل علوم خویش به نجف اشرف مهاجرت فرمود و در آنجا خدمت جمعی از اساتید بزرگ تحصیل نموده تا بمقامات عالیه علم و اجتهاد نائل شده و مقامات علمی وزهد و تقوای او مورد گواهی و تصدیق علماء و اساتید خود واقع گردید .

در سال ۱۲۶۰بامر پدر به اصفهان مراجعت نموده و هم در این سال پدرش وفات یافته خود مرجع امور شرعیه و مورد وثوق و قبول قاطبه اهالی اصفهان بالاخص علماء و بزرگان واقع گردید و بدرس و بحث و اقامه جماعت و رسیدگی بامور وحوائج مردم و نشر احکام و خدمت به مسلمین مشغول گردید . جمعی از بزرگان این شهر در خدمتش تلمذ نموده و از او کسب اجازه نمودند .

اینک اسامی برخی از اساتید و مشایخ روایت او بترتیب حروف تهجی :

۱ - عالم فاضل جلیل محقق مدقق مرحوم آقا سیدابراهیم بن سید محمد باقر موسوی قزوینی حائری مؤلف :

۱ - رساله در حجیت ظن ۲ - دلائل الاحکام در شرح شرایع الاسلام ۳ - ضوابط الاصول معروفترین تألیفات صاحب عنوان ۴ - رساله در غیبت ۵ - کتابی در قضا ۶- نتایج الافکار در اصول ۷- رساله در نماز جمعه و غیره .

در ذی الحجه سال ۱۲۱۴ متولد و در اول و بای عام سال ۱۲۶۴ در کربلا وفات یافته (ص ۱۷ قصص العلماء) در جنب در صحن مقدس حسینی مدفون گردید (ص۱۸ یکم معارف الرجال) در تکمله نجوم السماء (ص ۸۵ یکم) وفات ویرا در صبح پنج شنبه ۱۷ شوال سال ۱۲۶۲ و ماده تاریخ وفات را « اعد لابراهیم فی الخلد منزل » می نویسد که مطابق سال مزبور نمی باشد .

۲- مولی احمد بن علی اکبر تربتی (اصفهانی)

از شاگردان سید حجه الاسلام از مشایخ اجازه مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی تاریخ اجازه بیست و سوم شوال ۱۲۷۳ .

نسخه آن بشماره (۸۳) در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم موجود است . در فهرست نامبرده درباره آن می نویسد :

اجازه مفصلی است (در پانزده برگ) دارای فوائد تاریخی بسیار و نقل

پاره ای از احادیث و مقداری از حالات و بیو گرافی حجه الاسلام شفتی و اجازه وی به مجیز (تربتی) ...

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم یا رحمن یارحیم اعذنا من شر الشیطان الرجیم .... الحمد لله علی کل نعمه من نعمائه حمداً دائماً بدوام کبریائه ..

انجام : ختم الله لنا بالخیر والعافیه وحشرنا مع خاتم النبیین وعترته الطاهرین صلی الله علیهم صلاه کثیره دائمه .

(ص ۸۸ یکم فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی)

۳ - حاج سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی .

استاد و شیخ روایت (ص ۸۳۸ سوم مکارم الاثار).

۴ - علامه فقیه اقا شیخ محمد حسن اصفهانی .

شرح حال آن بزرگوار در عموم کتب تراجم رجال مذکور است و کتاب جواهر الکلام در شرح شرایع الاسلام تألیف او مشهور است و باین مناسبت ویرا به صاحب جواهر الکلام تعریف و توصیف می کنند و اولاد و اعقابش را آل صاحب جواهری وجواهر الکلام می نامند .

در حدود سال ۱۲۰۰ متولد و در ظهر روز چهارشنبه غره شعبان سال ۱۲۶۶ در نجف وفات یافته مرقد مبارکش معروف است در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ یکم) ماده تاریخ وفاتش را از قول مفتی میر محمد عباس شوشتری «بانت جواهر علمه اتیاما » می نویسد و آنچه در مآثر والاثار (ص ۱۳۵) می نویسد در ۱۲۶۸ وفات یافته اشتباه است .

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- احکام اموات ۲- جواهر الکلام مشهورترین تألیفات آنجناب ۳- رساله در خمس ۴- رساله در دماء ثلثه ۵ - رساله در زکوه ۶ - شرح لمعه ۷ - رساله در صلوه ۸- رساله در صوم ۹- رساله در عدالت ۱۰ -

فرخ الجواهر و آن رساله عملیه ایشانست در مسائل عبادت بطوریکه در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ یکم) می نویسد ۱۱ – رساله در فرائض ۱۲ – رساله در مباحث اصول ۱۳– رساله در مواریث و این آخرین تألیف ایشانست تاریخ فراغت ۱۲۶۴ سال طاعون ۱۴– رساله میزانیه (ص ۷۴ دوم تکمله نجوم السماء) ۱۵ – رساله نجات العباد و آن رساله عملیه ایشانست۱۶– هدایه الناسکین در مناسک حج وغیره .

در تکمله نجوم السماء (ص ۷۴ دوم) می نویسد : سن شریفش بغایت پیری رسیده و با توجه بسال تولد و وفات سن شریف ایشان قریب شصت و پنج سال میشود.

درباره عظمت و شخصیت علمی وهمچنین ارزش کتاب جواهر الکلام و اهمیت او بکتابهای رجال از آنجمله : روضات الجنات (ص ۱۸۱) روضه البهیه (ص @@) ریحانه الادب (ص ۴۱۹ دوم) فوائد الرضویه (۴۵۲ دوم) قصص العلماء والکرام البرره (ص ۳۱۰ یکم) ماضی النجف وحاضرها (دوم) معارف الرجال (ص ۲۲۵ دوم) و غیره باید مراجعه نمود.

از آثار او غیر از کتب مؤلفه و اولاد امجاد که عموماً اهل علم و فضل وسوادند (کری شیخ) است و دیگر سنت شب چهار شنبه در مسجد سهله بیتوته نمودن بقصد تشرف به محضر مقدس حضرت بقیه الله الاعظم صاحب العصر والزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف (ص ۲۲۸ دوم معارف الرجال) می باشد .

۵ – شیخ مرتضی انصاری فرزند شیخ محمد امین دزفولی نجفی .

علامه رجالی آقای حاج شیخ مرتضی انصاری از علماءِ معاصر کتابی جامع در موضوع زندگانی شخصیت مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری مرقوم فرموده و تاکنون دو بار بچاپ رسانیده و ما را از شرح و بسط درباره زندگانی این فقیه

عالیقدر بی نیاز ساخته اند جزاه الله عنا خیر الجزاء .

اجمالا این علامه جلیل زاهد عابد در سال ۱۲۱۴ در دزفول متولد و در نیمه شب شنبه ۱۸ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۱ در نجف در منزل خود واقع در محله حویش وفات یافته و در حجره واقعه در دالان در قبلی صحن مطهر نجف اشرف طرف راست خارج شونده مدفون گردید و در این حجره است قبر شیخ حسین نجف (۱۱۵۹ - ۱۲۵۱) و شیخ محسن خنفر (حدود ۱۱۷۶ فوت ۲۹ ج۲/ ۱۲۷۱) شب شنبه آخر ربیع الاول ۱۲۷۰ (ص ۱۷۸ دوم معارف الرجال) .

۶ - شیخ نوح بن قاسم بن محمد بن مسعود قرشی جعفری نجفی .

عالم فاضل محقق ادیب از شاگردان محضر شیخ علی وشیخ حسن اولاد شیخ جعفر کاشف الغطاء وهمچنین شیخ محمد حسن اصفهانی بوده و استاد ویرا اجازه داده و تصریح به اجتهادش فرموده و مردم را به رجوع بوی در مسائل و تقلید امر فرموده است .

ویرا تألیفاتی است از آنجمله : ۱- کتابی در امامت تاریخ تألیف ۱۲۹۳ ه. ق ۲ - شرح شرایع در فقه در چندین مجلد ناتمام و غیره .

در حدود سال ۱۲۱۳ متولد گردیده در سال ۱۲۶۰ جهت زیارت حضرت رضا علیه السلام به ایران مهاجرت فرموده و در اصفهان به منزل سید حجه الاسلام شفتی وارد گردیده و از طرف مرحوم حاج سید اسد الله نهایت احترام و تجلیل نسبت به ایشان رعایت شده است . مشار الیه از ائمه جماعت در رواق قبلی روضه مطهره حضرت مولی الموالی امیر المؤمنین علیه السلام بوده و جماعت زیادی از مقدسین و متدینین نجف باو اقتداء مینموده اند . سرانجام در سال ۱۳۰۰ پس از انجام مراسم حج خانه خدا در بر گشتن در بین راه وفات یافته جنازه به نجف حمل و در خانه خود مدفون گردید (ص ۲۱۰ سوم معارف الرجال) .

فصل سوم: (برخی از شاگردان و مجازین)

مقدمه

از سال ۱۲۶۰ که مرحوم سید حجه الاسلام ثانی یعنی حاج سید اسدالله پس از نیل بمقام اجتهاد و دریافت اجازات از اساتید خود و جمعی دیگر از فحول علمای اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام بامر پدر بزرگوارش به ایران معاودت فرمود و هم در این سال مرحوم حجه الاسلام رحلت فرمود تا سال ۱۲۹۰ یعنی قریب مدت سی سال ریاست علمی و دینی اصفهان بالارث والاستحقاق بایشان رسید و این علامه جلیل به تدریس ومباحثه علوم و تربیت شاگردان همچنین اقامه جماعت ورسیدگی بامور اجتماعی و دینی مردم و قضای حوائج مسلمین پرداخت و تا آخر عمر از رسیدگی بامور طلاب و سر پرستی فقراء و ایتام و درماندگان غفلت نفرمود ومنزل او مضیف علماء و اردین باصفهان و خود ملجاء و ملاذ مردم این شهر بود.

در این مدت جمعی کثیر از علماء و فضلاء اصفهان و دیگر شهرهای ایران جهت استفاده علمی از محضر ایشان و کسب اجازه روایتی و اجتهاد و درک فیوضات

معنوی خدمتش مشرف می شدند .

در این زمان اصفهان یکی از مراکز عمده تحصیل علوم دینی بود مدرسینی بزرگ همچون مرحوم آقا میر سید حسن مدرس میر محمد صادقی و اقا میر سید محمد شهشهانی و حاج ملا حسینعلی تویسرکانی و اقا محمد مهدی کلباسی و حاج محمد جعفر آباده ای و جمعی دیگر از بزرگان هر کدام حوزه درس و مباحثه در فقه و اصول و تفسیر و حدیث و علوم ادبی و غیره داشتند لکن حوزه مرحوم حاج سید اسدالله از جهاتی از دیگر حوزه ها ممتاز بود زیرا مشار الیه علاوه بر مقام علمی در زهد و تقوی واعراض از ریاستهای دنیائی و فضائل و ملکات انسانی بر عموم علماء تفوق و برتری داشت بدین مناسبت حوزه درس ایشان علاوه از جنبه علمی از ویژگیهای اخلاقی و عملی نیز برخوردار بود .

کیفیت تدریس :

مرحوم ملا حبیب الله کاشانی در لباب الالقاب (ص ۷۱) می نویسد :

باوجودیکه فاضل و متبحر بود درس اصول نمی گفت و از کتب فقه معاملات را تدریس نمیفرمود بلکه درس او منحصر در عبادات بود و میفرمود که پدرم مرا اینگونه وصیت فرموده است .

اینک

اسامی عده ای از شاگردان

و مجازین از ایشان بر حسب آنچه تا کنون از نام آنان اگهی یافته ایم بر حسب حروف تهجی :

۱ – مرحوم سید اقا بزرگ حسینی قاضی عسکری از شاگردان مرحوم حجه الاسلام شفتی .

۲– علامه فقیه زاهد اقا میرزا محمد باقر چهار سوقی مجاز از ایشان (ص ۲۴۰ مقدمه مناهج المعارف).

۳– حاج سید محمد جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید حجه الاسلام برادر مرحوم

سید ثانی .

مشار الیه در هنگام وفات پدر در اوائل جوانی بود . پس از فراغت از تحصیل مقدمات علوم در نزد برادر و جمعی دیگر از علماء این شهر و همچنین علمای نجف اشرف تلمذ نمود . وی از رؤسای علماء اصفهان بشمار میرفته شرح حالش در فصل مربوط به اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام ذکر گردید .

۴ - مرحوم آقا سید محمد جواد فرزند آقا سید محمد صادق حسینی معروف به کتابفروش خواهر زاده مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی متوفی بسال ۱۳۳۸.

مشار الیه دو برادر خود مرحومین اقا سید محمد تقی و اقا میرزا علیرضا در نزد مرحوم سید ثانی تلمذ نموده اند .

۵ - اقا میرزا حسن سادات فرزند اقا میرزا محمد حسینی خاتون آبادی معروف به آقای تکمه دوز وسادات تکمه چین عالم فاضل زاهد از علماء معروف اصفهان و ناظر بر موقوفات علی قلی اقا و امام مسجد علی قلی آقا بوده در اواخر جمادی الثانیه سال ۱۳۴۰ در اصفهان وفات یافت .

۶ - علامه فقیه مرحوم حاج میرزا حسین بن حاج میرزا خلیل طهرانی فرزند علی بن ابراهیم بن محمد علی .

از مراجع بزرگ پدرش (۱۱۸۰ - ۱۲۸۰) از اطباء معروف و پزشکان مشهور بوده و خود از عوامل مهم مشروطیت ایران است (۱۲۳۰ - ۱۳۲۶) مشار الیه از مجازین از مرحوم حاج سید اسدالله می باشد (ص ۱۸۳ یکم الذریعه)

۷- مرحوم اقا سید محمد رضا قوچانی .

عالم فاضل مجاز از مرحوم حاج سید اسدالله تاریخ اجازه بیستم ذی القعده سال ۱۲۷۲ مرحوم سید در این اجازه که پشت یکی از کتب فقهی از تألیفات صاحب عنوان مرقوم فرموده گواهی به اجتهاد او نموده است (ص ۵۴۴ دوم

الکرام البرره) .

۸ - حاج سید محمد رضا نائینی از خواص و ندیمان مرحوم سید ثانی (ص ۱۸۹ یکم تاریخ نائین).

۹ - مرحوم سید محمد رضا بن سید محمد علی حسینی کاشانی معروف به : گلهری (گلهر از محال کاشانست).

عالم فاضل تاریخ اجازه سال ۱۲۷۲ در پشت کتاب : مصباح الاصول در شرح معراج الشریعه و آن شرح کتاب منهاج الهدایه تألیف حاجی کلباسی (کرباسی) می باشد و کتاب مصباح از تألیفات صاحب عنوانست (ص ۵۶۲ دوم الکرام البرره)

۱۰ - مرحوم حاج میرزا زین العابدین بن محمد علی بن ابراهیم بن مرتضی بن عبدالمطلب بن میرزا رحیم اول فرزند میرزا محمد جعفر بن علامه مولی محمد باقر سبزواری اصفهانی .

عالم فاضل ادیب از دانایان علوم قرآنی و تجوید .

میرزا مرتضی شیخ الاسلام اصفهانی متوفی بسال ۱۲۲۶ فرزند شیخ عبد المطلب فوت ۱۱۶۰ فرزند حاج میرزا عبدالرحیم (محمد رحیم شیخ الاسلام) فوت ۱۱۸۱ فرزند میرزا محمد جعفر عالم فاضل زاهد متقی .

ویرا تألیفاتی است از انجمله: ۱ - التکبیرات السبع ۲- رویه الهلال قبل الزوال ۳ - الوتیره این سه رساله ضمن مجموعه شماره (۴۷۸) کتابخانه ایت الله مرعشی نجفی در قم موجود است (ص ۸۲ دوم فهرست کتابخانه ایت الله مرعشی) قبر مرحوم میرزا جعفر در برف انداز جنوبی مسجد حکیم اصفهان هنوز باقی و برقرار است .

واقا صاحب عنوان یعنی : اقا میرزا زین العابدین عالم فاضل ادیب مفسر از علماء فن قرائت و تجوید در اصفهان بوده و نزد جمعی کثیر از فحول دانشمندان

همچون میرزا عبدالعلی هرندی و میرزا محمد مهدی نایب الصدر و میرزا محمد علی حسینی و میرزا محمد اسماعیل طباطبائی زواره ای در علوم تجوید وعلامه حاج سید اسدالله و دیگران تحصیل نموده و در نزد مرحوم سید حسینی معزز و محترم و مقبول القول بوده کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- اعراب شش سوره از سوره های قران ۲- تذکره القراء تاریخ فراغت از تألیف ۱۴۲۲ سال۱۲۶۷ ه.ق ۳- التشجیرات ۴و۵ - شجره طیبه دو کتاب یکی بعربی و دیگری ترجمه ان بفارسی که بامر مرحوم حاج سید اسد الله ترجمه شده ۶ - قواعد در طرز ادای آیات قرآن (ص ۱۴۰ یکم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) ۷- لحمه الالبان فی رضاع الصبیان فقه فارسی نسخه آن بشماره (۱۶۲۷) در کتابخانه ایت الله گلپایگانی در قم موجود است (ص ۱۵۵ دوم فهرست کتابخانه مزبور) تولد او در حدود ۱۲۵۰ فوت ۱۳۱۸ مدفون در امامزاده سه تن .

۱۱- مرحوم آقا سید شهاب الدین نحوی فرزند علامه فقیه اقا سید محمد حسن موسوی معروف به مجتهد رحمه الله علیه .

مرحوم اقا سید محمد حسن از شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام بوده و هنگام وفات مرحوم حاج سید اسد الله بیدابادی را وصی وقیم فرزندان صغیر خود مرحومین اقا سید محمد وحاج سید مهدی نحوی معین نموده و تقریباً دو ماه بعد از فوتش سومین فرزند ذکور او یعنی مرحوم آقا سید شهاب الدین در شب غره رجب سال ۱۲۶۳ در اصفهان در محله خواجو متولد گردید.

نام این مولود را محمد تقی (همنام جدش سید محمد تقی مستجاب الدعوه پدر اقا سید محمد حسن) و لقب اورا شهاب الدین قرار دادند و بعدها به لقب مشهور گردیده و نامش تقریباً مهجور ماند وی پس از رسیدن بسن تمیز در خدمت معلمین بکسب مقدمات علوم از صرف و نحو و غیره پرداخت و پس از فراغت از تحصیل

مقـدمات در خـدمت علماء بزرگوار اصـفهان زیر نظر مسـتقیم مرحوم سـید ثانی به تحصـیل پرداخت تا خودعالمی عامل و دانشـمندی کامل و ادیبی جامع گردیـد سـر انجام در نیمه شب چهارشـنبه غره رجب المرجب سال ۱۳۴۰ در اصـفهان وفات یافته در قبرسـتان تخت فولاد در جنب پدر و جد خود مدفون گردید (مشار الیه پدر نویسنده این رساله است).

۱۲- حاج سید عبدالحمید بن اقا سید محمد حسین بن سید محمد تقی مستجاب الدعوه موسوی خواجوئی .

فاضل کامل . در اصـفهان متولد و خدمت جمعی از بزرگان از آن جمله مرحوم حاج سـید اسدالله تلمذ نموده در سال ۱۳۱۶ در اصفهان وفات یافته در تخت فولاد مقابل تکیه اقا میرزا ابوالمعالی کلباسی (کرباسی) مدفون گردید . مشار الیه عموزاده پدر نویسنده سطور است .

۱۳- سید عبد الرحیم حسینی قاضی عسکری اصفهانی .

فاضل کامل از شاگردان محضر مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی بوده است مشار الیه شوهر عمه نویسنده می باشد.

۱۴ – حاج میرزا عبدالرزاق بن حاج میرزا کاظم بن علامه فیلسوف حکیم حاج محمد جعفر بن حاج محمد صادق لنگرودی رشتی اصفهانی .

عالم فاضل، از شاگردان اقا امیر سـید محمدشهشـهانی و حاج سـید اسـد الله بیـدآبادی بوده و داماد مرحوم حاج سـید جعفر فرزند مرحوم سـید حجه الاسـلام شـفتی بوده و فرزندانش مرحومین حاج آقا مرتضـی و حاج میرزا قوام الدین رشتی که هر دو از فضـلاء و اخیار اصفهان بودند از این مخدره می باشند صاحب عنوان در سال ۱۳۱۹ در سفر عتبات عالیات در نجف اشرف وفات یافته و در آن ارض مقدس مدفون گردید .

ص: ۲۶۳

دی غیر از میرزا عبـدالرزاق بن ملا علی محمد لنگرودی رشتی اصـفهانی امام جماعت مسـجد پای گلدسـته در محله در دشت می باشد که در سال ۱۳۲۰ وفات یافته و در قبرسـتان سـر قبر آقا مدفون گردید و پس از خرابی قبرسـتان مزبور بوسیله شهرداری استخوانها به تخت فولاد منتقل گردیـده و نرسـیده به تکیه ملـک در جنب آب انبـاری که مرحوم حاج ملا حسـین سـمائیان از تجار محترم و متـدین اصـفهان بنا نمود مـدفون گردید .

۱۵- سـید علی در زمان حیات استاد رساله عملیه او را خلاصه نموده و در الذریعه به نام: منتخب رساله عملیه ذکر شده است (ص۴۰۷ بیست و دوم) الذریعه .

۱۶- مرحوم حاج میر سـید علی بن عبدالکریم بن علی بن میر سـید محمد بن عبدالکریم بن سـید مراد طباطبائی اصـفهانی سید مراد جد سادات طباطبائی اصفهان و بروجرد و نجف می باشد .

مرحوم حاج میر سـید علی صاحب عنوان از علماء اخبار وفضـلاء ابرار امام جماعت مسـجد در کوشک بوده و در خدمت حاجی آباده ای و اقا محمد مهدی کلباسـی و حاج سید اسدالله بیدآبادی و جمعی دیگر تلمذ نموده کتابی در اصول فقه ۲- وشرح هدایه نسخ حر عاملی از تألیفات اوسـت در شب ۵ شـنبه ۱۰ ربیع الاـول ۱۳۰۶ در اصـفهان وفـات یـافته در تخت فولاـد در بقعه اقا حسـین خو نساری مـدفون گردیـد وی پـدر محرومین حاج میرزا ابوالحسن بروجردی معروف به در کوشکی وحاج میرزا محمد باقر بروجردی می باشد .

۱۷- علامه فقیه رجالی حاج ملا علی کنی فرزند قربانعلی بن قاسم بن محمد علی آملی طهرانی از رؤساء علماء طهران .

عـالم فاضل محقق مـدقق در سال ۱۲۲۰ در قریه کن از قرای تهران متولـد گردیـده و در بامـداد روز پنج شـنبه ۲۷ محرم الحرام سـال ۱۳۰۶ در طهران وفات

یافته در حضرت عبدالعظیم در مسجد عتیق بین الحرمین (حرم حضرت عبدالعظیم وحرم جناب حمزه بن الامام موسی الکاظم علیه السلام) مدفون گردید و بعداً جمعی از علماء وهمچنین پس از کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار را در آنجا بخاک سپردند و در تعمیرات اخیر قبر ناصر الدینشاه را از بین بردند و آثار آنرا محو نمودند .

کتب زیر از تألیفات صاحب عنوانست: ۱- رساله در استصحاب ۲- رساله در اصول ۳- الاوامر والنواهی ۴ - ایضاح المشتبهات ۵ - البیع ۶- تحقیق الدلائل در سال ۱۲۵۹ تألیف فرموده ۷- تلخیص المسائل بنام کتات قضاء وشهادات بچاپ رسیده است ۸- توضیح المقال در علم رجال معروفترین تألیفات ایشانست دو بار بچاپ رسیده است ۹ - اجزائی در رجال ۱۰- الصلوه ۱۱- اجزائی در فقه ۱۲ - قضا وشهادات وغیره.

اساتید و مشایخ اجازه او را : ۱- آقا سید ابراهیم قزوینی صاحب ضوابط ۲- حاج سید اسدالله بید آبادی ۳- اقا شیخ محمد حسن اصفهانی صاحب جواهر الکلام ۴ - شیخ حسن فرزند کاشف الغطاء ۵ - شیخ مشکور حولادی نجفی متوفی بسال ۱۲۷۲ می نویسند . برای اطلاع از حالات او به کتابهای : ۱ - احسن الودیعه ص ۱۰۱ یکم ۲- اعیان الشیعه ص ۱۴ چهل و دوم ۳- الذریعه مواضع مختلفه ۴ - ریحانه الادب ص ۳۹۲ سوم ۵- مآثر والاثار (ص ۱۳۸) ۶ - مصفی المقال ص ۳۳۲ ۷ - معارف الرجال ص ۱۱۱ دوم ۸- مکارم الاثار ص ۶۹۶ سوم وغیره .

نکته :

در المآثر والاثار می نویسد در ۲۷ محرم در طهران فوت شده و جنازه درغره ماه صفر سال مذکور حمل و در آنجا مدفون گردید معلوم نیست که در فاصله این چند روز چرا جنازه را دفن نکرده اند . ماده تاریخ وفاتش اینست :

سرود مرتجلا مجد بهر تاریخش

علی بنزد محمد نجله کرد مقام

۱۸ - علامه فقیه مجاهد حاج میرزا فتح الله بن محمد جواد نمازی شیرازی

ص: ۲۶۵

اصفهانی معروف به شیخ الشریعه و اقای شریعت اصفهانی .

عـالم محقق جلیل از مراجع بزرگ تقلیـد و از قائـدین ثوره عراقیه در ۱۲ ربیع الثانی ۱۲۶۶ متولد و در شب یک شـنبه ۸ ربیع الثانی ۱۳۳۹ در نجف وفات یافت اساتیـد و مشایـخ اجازه او عبارتنـد از : ۱- حاج سـید اسدالله بیدآبادی ۲ - اقـا میرزا محمـد باقر چهار سوقی ۳ - حاج میرزا حبیب الله رشتی ۴- شیخ محمد حسین کاظمینی ۵ - شیخ محمد طه نجف ۶ - اقا سید مهدی قزوینی ۷- اقا میرزا محمـد هاشم چهار سوقی و غیره .

کتب زیر از تألیفات اوست : ۱- ابـانه المختار در ارث زوجه از ثمن عقار ۲- ابرام القضاء فی وسع القضاء ۳ رساله در اصاله الصحه ۴ - افاضه القدیر فی حل العصیر ۵ - اناره الحالک در قرائت ملک ومالک ۶ - تفصیل در پوستهای درندگان و غیره ۷ - حاشیه بر فصول ۸ - زاد المتقین ۹ - صیانه الابانه ۱۰- رساله در قاعده : الواحد البسـیط لا یصدر عنه الاالواحد ۱۱- رساله در غساله ۱۲- رساله در قاعده لاضرر ۱۳ - رساله در قاعده طهارت ۱۴ - القول الصـراح در احوال صـحاح سـته اهل سـنت یا القول الصـحیح فی... درباره صحاح علامه طهرانی میفرماید این کتاب حـدود سه هزار بیت می باشد و مؤلف برای آن نامی ننهاده و من آنرا بدین اسم نامیدم ۱۵- رساله در کعب ۱۶ - رساله در لباس مشکوک ۱۷ - رساله در لفظ جلاله که آیا آن اسم علم است یا صفت و غیره ، علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۶۱ یکم) میفرماید که مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی از حاج سید اسدالله بید آبادی اجازه داشته است .

۱۹- مرحوم آقا سید محمد فرزند سید محمد حسن مجتهد موسوی .

پدرش از شاگردان مرحوم حجه الاسـلام شفتی و خود از تربیت یافتگان محضر حاج سید اسدالله بید آبادی و دیگران بوده است فاضل و ادیب و زاهد بوده است.

مشار الیه در جوانی بسال ۱۲۸۹ در اصفهان بدون اولار وفات یافته در جنب

پدر و جد خود در تخت فولاد مدفون گردید .

۲۰- شیخ محمد بن طعمه زریجاوی نجفی (زریجاوی وزریجی منسوب به یکی از قبائل کنار فرات است).

عالم فاضل مجتهد در معارف الرجال (ص ۳۴۶ دوم) بنا بنقل از سید محمد شرموطی موسوی (۱۲۵۲-۱۳۰۸) می نویسد که شیخ محمد بن عبد الله حرز الدین و حاج سید اسد الله بفضل و اجتهاد شیخ محمد و قوه نظر و عمق فقاهت او گواهی میدادند و باین جهت وی در نجف عنوان و شهرتی یافت.

صاحب عنوان راتألیفاتی در فقه و اصول بوده و در حدود سال ۱۲۸۳ در نجف وفات یافته است .

۲۱- میرزا محمد بن عبدالوهاب بن داود همدانی کاظمینی .

عالم فاضل ادیب شاعر معروف به امام الحرمین از عده زیادی از علماء بزرگوار اجازه روایت داشته که از آنجمله است مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی .

وی در سال ۱۳۰۳ وفات یافته کتابهای زیر از تألیفات اوست : ۱-الاجازات و آن مجموعه اجازاتی است که علماء برای او نوشته اند و بیشتر آنها از علماء اصفهان و در تاریخ ۱۲۸۲ می باشد ۲- البشری ۳- دره لارسلاک ۴- الشجره المورقه ۵ - شرح قصیده ازریه ۶ - عجائب الاسرار ۷ - عصمه الاذهان منظومه در منطق ۸- عطر العروس ۹ - فصوص الیواقیت معروف ترین تألیفات مشارالیه ۱۰ - المشکوه در مسائل خمس و زکوه ۱۱- ملوک الکلام ۱۲- المواعظ البالغه در فقه و تفسیر ۱۳- الموجز در شرح لغزشیخ بهائی ۱۴- نزهه القلوب وغیره (ص ۱۰۳ یکم ریحانه الادب صفحه ۳۵۴ دوم معارف الرجال مواضع مختلفه الذریعه).

۲۲- حاج سید مهدی نحوی موسوی فرزند علامه فقیه آقا سید محمد حسن مجتهد .

عـالم فاضل ادیب ، در شوال سال ۱۲۴۸ در اصـفهان متولد گردیده و در خدمت عده ای از بزرگان اهل علم همچون اقا میر سـیدحسن مدرس میر محمد صادقی و حاج سـید اسدالله بیدآبادی تلمذ نموده و در مدرسه شاهزاده ها در نزدیکی مسجد حکیم که در زمان حکومت سابق آنجا را خراب کرده و مدرسه جدید بنا کردند سـطوح فقه و ادبیات عرب تدریس مینموده و بعلت مهارت و اسـتادی در علوم ادب به نحوی شهرت یافته سرانجام در روز ۲ شنبه ۱۵ذی الحجه سال ۱۳۰۷ در اصـفهان و فات یافته در تخت فولاد در مجاورت پدر و جد مدفون گردید رحمه الله علیه .

(توضـیح) : در این زمان یعنی اواخر قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم عده ای از فضلاء اصفهان از اهالی هرند نیز به نحوی شهرت داشته اند و به نحویهای هرندی معروفند . به کتاب دانشمندان و بزرگان اصفهان (ص ۲۳۲ مراجعه شود) .

۲۳ - میرزا آقا نهاوندی عالم فاضل در اصـفهان خدمت حاج سید اسدالله بید آبادی و در بروجرد نزدحاج سید شفیع چاپلاقی تلمذ نموده است در المآثر والاثار (ص ۱۷۵) در باره او می نویسد:

فقیهی نبیه و مجتهـدی محقق بود و در بروجرد می نشـست و تکمیـل اصول را نزد حـاج سـید شـفیع اسـناد اصول کربلائیه کرده بود و از اقبال دنیوی هیچ بهره نبرده در نقباء البشر (ص ۱۷۳ یکم) می نویسد : که از دنیا و مردم آن اعراض داشت و دوسـتدار عزلت و انزوا بود در حدود سال ۱۳۲۵ وفات یافت .

(تذکر) :

مرحوم سید عبدالعظیم (احتمالاکابلی) و ملا علی میرزا که نسخه ای از شرح شرایع مرحوم حاج سید اسدالله را مقابله و تصحیح نموده اند نیز از شاگردان ایشان می باشند .

فصل چهارم : (تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

(تألیفات مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

مرحوم حجه الاسلام ثانی را تألیفات و تصنیفاتی چند در فقه و ادب واصول عقاید می باشد که ذیلا به نام آنها اشاره می شود .

۱ – اجازه الامامه لصلاه الجمعه (الجماعه)

و آن اجازه ای است که مرحوم حاج سید اسدالله جهت سید ضمر عباس بن سید عابد حسین نوشته است.

نسخه ای از این اجازه که بخط سید محمد حسن موسوی اصفهانی و مورخ بسال ۱۳۳۵ و در حیدر آباد نوشته شده است در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص ۲۰۵ فهرست کتابخانه گوهرشاد).

* اجازات :

هر گاه اجازه هائی که مرحوم حاج سید اسدالله جهت برخی از شاگردان خود و همچنین برای عده ای از علماء بزرگوار زمان خویش مرقوم فرموده است

مجمع آوری گردد خود کتابی بزرگ خواهد شد .

۲- کتابی در امامت :

ظاهراً در دو مجلد نسخه آن در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

آغاز جلد یکم : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین . کتاب فی الامامه وفیه مقدمه و ابواب و خاتمه .

المقدمه فی بیان امور فی ضمن فصول .

انفصل الاول فی معنی الامامه هی مصدر بالتاء کالعداله و الکتابه وقد یطلق اسماً للوصف و الام کما فی الکشاف ...

انجام : هذا الکلام بتمامه ساقط عن هذا المقام ینبغی اسقاط اذلیس الکلام فی افضلیته و الخبردال علی تولیته کما بنی الکلام علی التسلیم لذلک و اما مایرد علی هذه الکلمات بتفصیلها له مقام آخر وقال صاحب المغنی ..

کاتب نسخه محمداسماعیل بن احمد الخونساری در سال ۱۲۹۳ مقابله و تصحیح عبد العظیم اصفهانی فی شهر رجب ۱۲۹۳ .

آغاز جلد دوم : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین و الصلوه والسلام علی محمد و آله الطاهرین ، کتاب فی الامامه .

الثانی عشر : القائم المهدی علیه الصلوه والسلام وفیه ابواب .

الباب الاول فی اثبات امامته وفیه فصول ...

انجام : اقول کذا وجدت فی النسخه من البحار التی لا تأمن من الغلط و لعل الصحیح الحسن مکان الحسین علیه السلام فی جمیع ما تقدم .

مقابله و تصحیح نسخه در سال ۱۲۹۴بوده است.

۳- رساله در احکام وضعیه .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

۴ – رساله در ارث زوجه بخط مؤلف .

۵ – رساله در تجوید (ص ۱۲۵ یکم الکرام البرره) .

۶ – رساله در تقدیر .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی موجود است .

۷ – رساله در تقلید .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والشکر له وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین رب یسرو لا تعسر علینا ووفقنا للاتمام و استفادتنا فیه . اعلم ان مسائل التقلید کثیره و المقصود فی المقام عدیده منه و الاولی ان تقدم مقدمه فی بیان معناه ..

انجام : وایضاً المجتهد بالموت یخرج عن قابلیه التکلیف و المجتهد الخارج عنها لیس قوله حجه اصلا فلا یمکن القیاس من هذه الجهه .

۸- حاشیه بر سیوطی .

مرحوم تنکابنی در قصص العلماء (ص ۱۳۶) در ضمن شرح حال مرحوم سید حجه الاسلام می نویسد:

مسموع شد که مرحوم حاج سید اسد الله حاشیه سیوطی که پدر بزرگوارش تألیف فرموده بود و ناقص بوده به امر آنجناب تکمیل فرموده است .

۹ – رساله در حبوه .

بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

۱۰- حواشی بر تحفه الابرار تألیف پدر بزرگوارش .

نسخه ای از آن در نزد اقا میرزا محمد علی اصفهانی بارمز (ا.س. د) موجود بوده است (ص ۴۰۷ بیست و دوم الذریعه).

۱۱ – حواشی بر نخبه .

رساله عملیه تألیف حاج محمد ابراهیم کلباسی (کرباسی)

۱۲ - کتابی در رجال (ص ۱۲۵ یکم الکرام البرره) .

علامه طهرانی در الذریعه (ص ۹۵ دهم) از قول فرزندش حاج سید محمد باقر گوید : بخط مؤلف در کتابخانه ام در اصفهان موجود است .

۱۳ - رسانه ای در رخصت و عزیمت .

نسخه بخط مؤلف بزرگوار نزد حجه الاسلام زاده شفتی در اصفهان موجود است .

۱۴ - رساله ای در سبب و مانع.

نسخه بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی .

۱۵ - رساله ای در شبهه محصوره وغیر محصوره .

نسخه بخط مؤلف در نزد حجه الاسلام زاده شفتی .

۱۶ - شرح زیارت عاشوراء .

مرحوم علامه طهرانی در الذریعه (ص ۳۰۷ سیزدهم) می نویسد :

مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی بید آبادی فرمود که نسخه در اصفهان در کتابخانه من موجود است. نویسنده گوید ظاهراً پس از وفات مشار الیه و تقسیم و فروش کتابها و کتابخانه این کتاب و صدها کتاب نفیس دیگر که در آن کتابخانه بوده از تصرف آنان خارج گردیده و اکنون سرنوشت آن معلوم نیست.

۱۷ - شرح شرایع الاسلام.

کتاب «شرایع الاسلام» از کتب بسیار معتبر فقهی شیعه و از تألیفات مرحوم شیخ ابو القاسم نجم الدین جعفر بن الحسن معروف به محقق حلی و محقق اول متوفی بسال ۶۷۶هجری می باشد و از هنگام تألیف تاکنون مورد نظر و توجه علماء و مجتهدین بزرگوار بوده و بر آن حواشی و شروح بسیاری نوشته اند که از آنجمله

است شرح مرحوم حاج سید اسد الله در چندین مجلد بشرح زیر می باشد :

۱- کتاب الطهاره

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والسلام علی سید الاولین والآخرین محمد و آله الطاهرین وعلی الله التوکل و به الاعتصام . قوله : کتاب الطهاره . الکتاب اما مصدر او اسم مصدر .....

انجام : و الحمد لله علی ما وفقنی بکرمه و احسانه با تمام هذا المجلد الحقیر من العبد الذلیل فی یوم الخمیس الثالث والعشرین من شهر ربیع الاول سنه ۱۲۵۸ فله الحمد اولا وآخراً و ظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد و آله اجمعین .

۲ - در احکام نجاسات .

آغاز: قال (ره) الرکن الرابع فی النجاسات واحکامها. القول فی النجاسات وهی عشره انواع الاول و الثانی: البول والغائط مما لایؤکل لحمه اذا کان ذانفس سائله مما لا خلاف فیه بل علیه الاجماع محققه و محکیه ...

انجام : قال (ره) و یکره بول البغال و الحمیر والدواب قد تقدم الکلام فیه فلا حاجه الی الاعاده الیه وقد وقع الفراغ منه فی الساعه الرابعه من لیله الثالث والعشرین من شهر جمادی الثانیه سنه ۱۲۸۷ حامداً مصلیاً علی محمد و آله الطاهرین .

۳- در احکام وضو .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد و آله سادات الخلق اجمعین. قوله (ره) الثالث فی کیفیه الوضوء وفروضه خمسه . الفرض فی اللغه بمعنی التقدیر قال الله تعالی : « فنصف ما فرضتم » ای قدرتم وفی الاصطلاح بمعنی الواجب والمحتوم کما صرح به فی المدارک ...

انجام: ونأتی بغیر ذلک مما یتعلق بالمقام فان الخاطر حشوش و القلب ملول حتی ان من العجب اشتغالی با لفقه او الاصول والحمد لله علی ما وفقنی بکرمه

ص: ۲۷۳

و احسانه با تمام هـذا المجلد الحقیر من العبد الدلیل الفقیر فی یوم الخمیس الثالث والعشـرین من شـهر ربیع الاول سـنته ۱۲۵۸ فله الحمد اولا و آخراً و ظاهراً وباطناً وصلی الله علی محمد و آله اجمعین .

نسخه بخط محمد حسن بن محمد تقی خونساری می باشد .

۴ – در احکام شک و سهو .

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم و به ثقتی ورجـائی الحمـد لله رب العالمین والصـلوه علی محمـد و آله اجمعین قوله (ره) الرکن الرابع فی التوابع وفیه فصول الفصل الاول فی الخلل الواقع فی الصـلوه وهو اما من عمـد او سـهو اوشک . اعلم ان العمـداتیان الشـیء او ترکه مع القصد والتذکر والالتفات ...

انجام : والظاهرانه عین القول باعتبار سـهوه و الصلوه علی محمد و آله و الحمد الله علی مننه وافضاله وقد وقع الفراغ منه عند یوم السبت الخامس او السادس من شهر رجب الاصم سنه ۱۲۵۶.

۵ – در احکام جماعت .

آغـاز : بسم الله الرحمن الرحیم والصـلوه والسـلام علی محمـد و آله الطاهرین قال رحمه الله الفصل الثالث فی الجماعه والنظر فی اطراف . الاول الجماعه مسـتحبه فی الفرائض کلها وتتأکد فی الصـلوه المرتبه ولا یجب الا فی الجمعه والعیدین ولا یجوز فی شـیء من النوافل عدا الاستسقاء و العیـدین مع اختلاـف شـرائط الوجوب اعلم انه تنقسم الجمـاعه باختلاـف مواردهـا الی الاقسـام الاربعه او الخمسه من حیث الحکم الشـرعی فقد تکون واجبه وقد تکون محرمه وقد تکون مستحبه وقد تکون مکروهه ومباحه ...

انجام : ولنقطع الکلام من هذا المقام حامداً مصـلیاً مسـلماً فی لیله الثلثاء وقد تعدی منها خمس ساعات الرابع من شـهر رجب المرجب سـنه اثنین وسبعین بعد

ص: ۲۷۴

المأتین و الالف

در آخر نسخه نوشته شده است که : لقد حصل الفراغ من مقابلته مع نسخه الاصل التی کانت بخط المصنف اعلی الله مقامه وانا الراجی الی عفور به اقل الطلبه عباس بن احمد الخونساری فی شهر ذی الحجه الحرام ۱۲۹۲ سجع مهر: الراجی عباس بن احمد

کاتب نسخه : محمد حسن بن محمد تقی الخونساری فی یوم السبت التاسع من شهر رجب المرجب فی سنه ۱۲۹۲

۶ – در احکام حج

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم قال رحمه الله کتاب الحج وهو یعتمد علی ثلاثه ارکان : الاول فی المقدمات وی اربعه المقدمه الاولی و ان کان فی اللغه کل القصد فقد صار فی الشرع اسماً لمجموع...

انجام: ولنقطع الکلام فی المقام و الحمد لله علی فضله واحسانه و الصلوه علی محمد خیر خلقه و آله فی خامس شهر شوال المکرم من سنه تسع وستین ومأتین بعد الالف فی جوار امیر المؤمنین علیه السلام ۱۲۶۹ .

رساله فوق بخط مصنف مرحوم حاج سید اسد الله می باشد

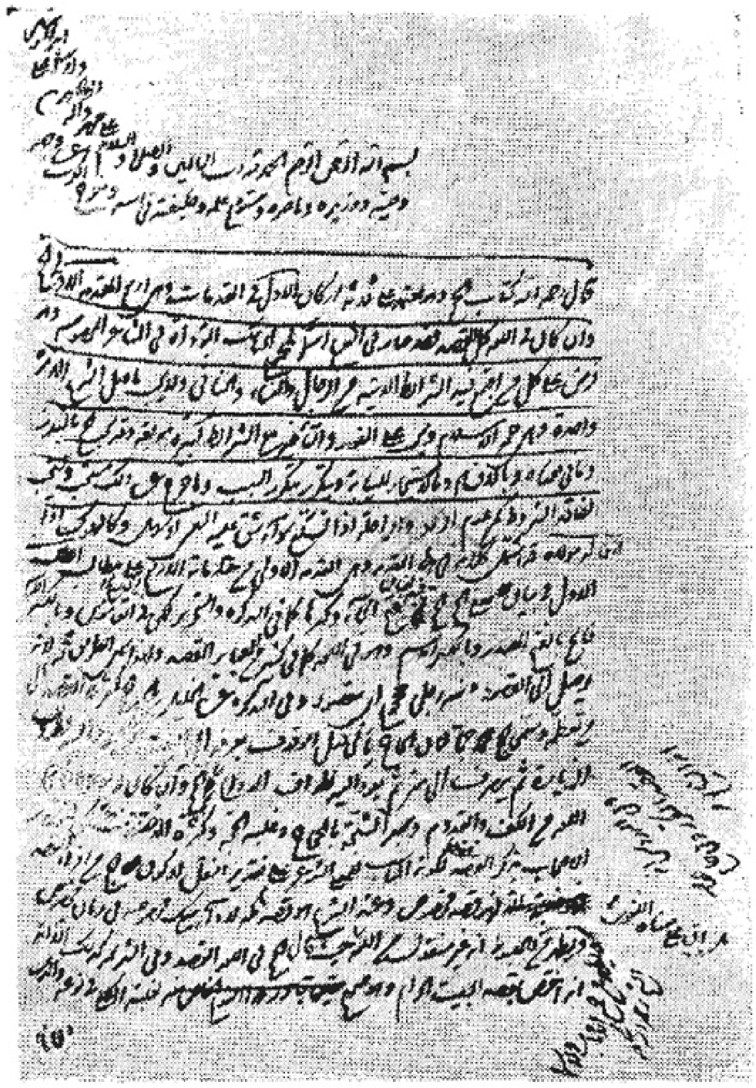
۷– کتاب المیراث .

نسخه در کتابخانه آیت الله گلپایگانی در قم بشماره (۱۲۶)

نویسنده فهرست دانشمند بزرگوار محقق متتبع اقای حاج سید احمد حسینی اشکوری درباره این کتاب می نویسد : (فقه – عربی)

شرح استدلالی مفصلی است بعنوان «قال – قال» و نام مؤلف از یادداشتی است که روی برگ اول آمده است . این نسخه دارای کتاب الفرائض (ارث) می باشد در پاورقی می نویسد شاید مؤلف فرزند سید محمد باقر حجه الاسلام شفتی باشد.

تصویر



تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله ابن سید محمد باقر

کتاب الحج ـ شرایع الاسلام

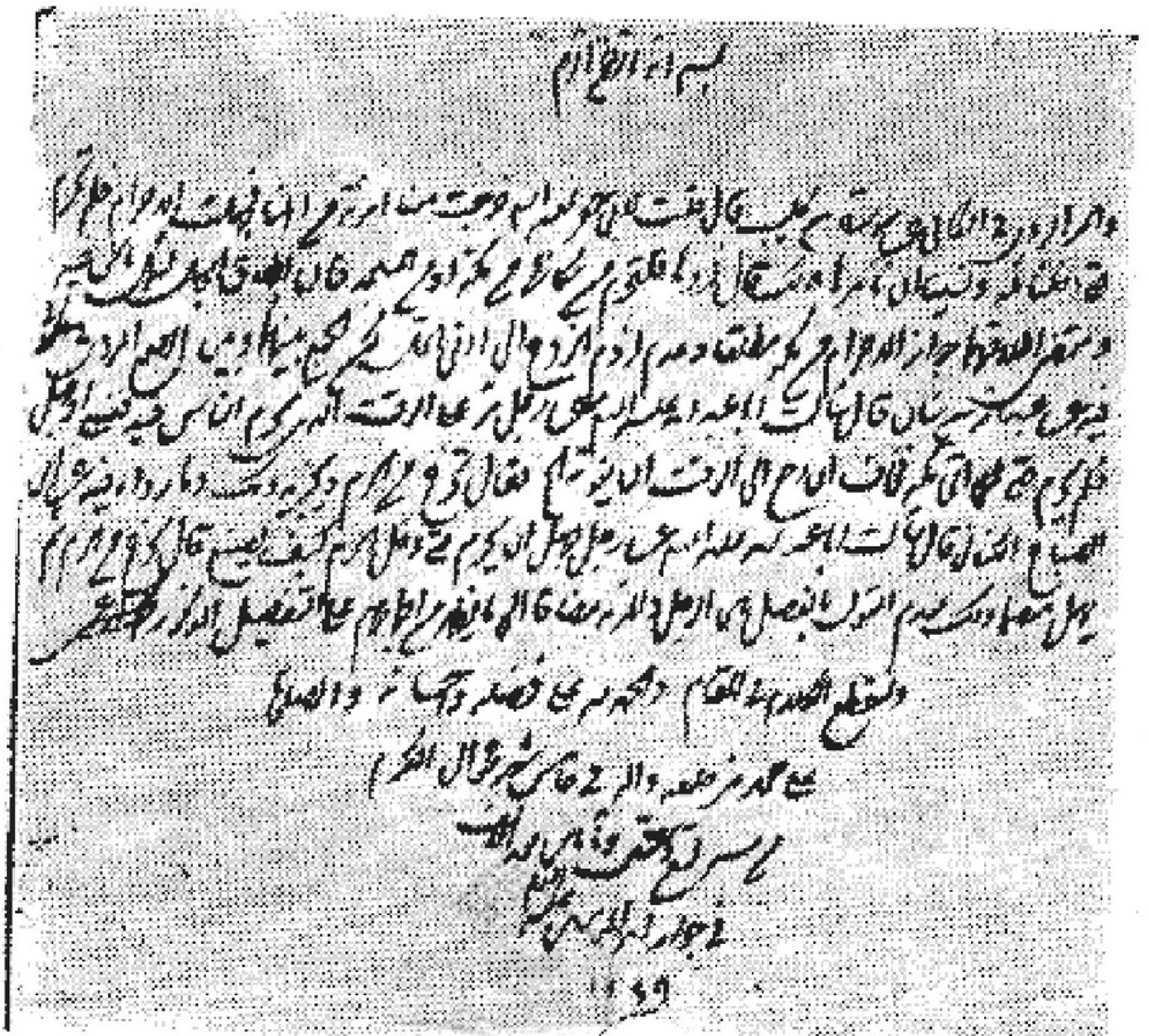
- ۲۷۶ -

تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله ابن سید محمد باقر

کتاب الحج - شرایع الاسلام

ص: ۲۷۶

تصویر



آغاز : الحمد لله رب العالمین قال (ره) کتاب الفرائض . الفرائض فی الاصل جمع الفرض بمعنی التقدیر ...

در معرفی نسخه می نویسد : بخط نسخ زیبا متن باشنگرف نشانی دارد . عناوین در حاشیه مشکی در حاشیه تصحیح شده است. علی میرزا اصفهانی در صفحه آخر می نویسد که کتاب را با سید عبد العظیم با نسخه مؤلف مقابله کرده و این کار بسال ۱۲۹۴ پایان یافته است . مهر بیضوی این دو نفر : عبده الراجی « علی میرزا » و عبده «عبد العظیم بن حسن الموسوی» نیز دیده میشود (ص ۱۲۰ یکم فهرست کتابخانه)

فائده : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۹ ششم) در ضمن بیان حواشی که بر کتاب معالم الاصول نوشته شده است می نویسد : حاشیه مولی علی میرزا

ص: ۲۷۷

بر آن بطوریکه سید محمد باقر معروف به حاج آقا سبط سید حجه الاسلام اصفهانی ذکر نمود و میفرمود که در کتابخانه ما در اصفهان موجود است .

از حالات این ملاعلی میرزا تاکنون بیشتر از این اطلاع نداریم و احتمال اینکه وی مرحوم ملا علی میرزا کتابفروش و مؤذن مسجد سید باشد و تا بعد از سال ۱۳۲۷ زنده بوده بعید بنظر میرسد و الله اعلم بحقایق الامور .

۸ - در امر بمعروف و نهی از منکر .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین الحمد لله رب العالمین والصلوه والسلام علی محمد و آله الطاهرین . کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر قال (ره) المعروف هو کل فعل حسن اختص بوصف زاید علی حسنه اذا عرف فاعله ذلک اودل علیه والمنکر کل فعل قبیح عرف فاعله قبحه او دل علیه المراد بالفعل الحسن فی تعریف المعروف کما صرح فی المسالک الجائز بالمعنی الاعم

انجام : و لکن الکلام هنا فی امور محلوا کتاب المکاسب وقد تعرضوا لها هناک .

از این هشت کتاب بغیر از کتاب هفتم (کتاب المیراث) بقیه در سه مجلد بزرگ و در کتابخانه حجه الاسلام زاده محترم اقای حاج آقا مهدی شفتی موجود است .

تا این جا راجع به شرح کتاب شرایع بود ۱۸

۱۸ - رساله عصیریه

رساله در حرمت عصیر زبیبی پس از جوشیدن (زبیب یعنی مویز و انجیر)

نسخه اصلی این رساله بخط مؤلف بزرگوار در کتابخانه علامه مفضال اقای حاج سید محمد علی روضاتی در اصفهان موجود است

۱۹ – رساله عملیه (ص ۲۱۲ یازدهم الذریعه)

در این رساله مؤلف از وظایف قلبی و اعتقادی یاد کرده است تاریخ تألیف ۱۲۷۳: نسخه ای از آن با حواشی منه در کتابخانه جامع گوهرشاد در مشهد مقدس موجود است (ص ۳۰۳ فهرست کتابخانه مسجد گوهر شاد).

۲۰- کتاب الغیبه فی حکم الاغتیاب

ص ۷۰ شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی میفرماید که نسخه ای در کتابخانه فرزندش حاج سید محمد باقر دوم موجود بوده است

۲۱- کتاب الفقه الاستدلالی

در چندین مجلد (ص۲۸۳ شانزدهم الذریعه) علامه طهرانی می نویسد نسخه ای از آن بشماره (۳۶۰۳) در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (ص ۲۹۱۰ دوازدهم) مرحوم حاج سید اسد الله کتاب را در شب ۲۸ ذی الحجه سال ۱۲۹۷ تألیفه فرموده و تاریخ نسخه موجود ۳ شنبه ۱۰ رمضان المبار ۱۲۷۳ در روستای

امریکا در سال اهر می باشد

۲۲- مستخرجات الطرائف .

آغاز : الباب الأول فی المستخرجات من الطرایف وفیه ثمانیه وعشرین عنوانا

بسم الله الرحمن الرحیم فی الأخبار الداله علی أن الائمه اثنی عشر باسمائهم فی الطرائف فمن ذلک روی البخاری فی صحیحه فی الجزء الثالث من اجزاء ثمانیه ...

انجام : قال عثمان فی المسجد بعد الفراغ من صلوته الجماعه مقبلا علی الناس أن هاتین مشیراً بها الی عایشه و حفصه لفتانتان یحل فی سبهما وانا باصلهما عالم

ص: ۲۷۹

نویسنده گوید این کتاب جزئی است از کتاب مناقب الائمه که بعدا بأن اشاره خواهیم کرد.

۲۳ - رساله فی معرفه التکالیف

از کتب فقهی شامل مباحث طهارت - قبله صلوه بر راحله صلوه در سفینه - لباس نماز گزار - زکوه - صوم

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین والصلوه والسلام علی اشرف خلقه و آله الطاهرین تفکر ایها العبد المخلوق فی خلقک ...

انجام : و منها انه لا یجوز لمن علیه قضاء شهر رمضان أن یتطوع بالصوم حتی یقضی شهر رمضان تاریخ کتابت (یا تألیف) سنه ۱۲۷۳ .

۲۶ - مناسک حج

رساله مختصری است در اعمال حج بفارسی (ص ۲۰۰ بیست و دوم الذریعه) |

نسخه ای از این رساله در نزد نویسنده موجود است که در بالای صفحه اول قبل از شروع کتاب در لوحه ای نوشته شده است :

هو العلی الأکبر. مناسک حج من تألیفات مولانا وسیدنا الأعظم الاکرم الافخم العالم العامل الفاضل الکامل وحید عصره وفرید دهره حجه الاسلام الحاج سید اسد الله الموسوی دام ظله العالی

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوه علی محمد و آله الطاهرین و بعد چنین گوید بنده خاطی راجی اسد الله الموسوی که این مختصریست در واجبات حج تمتع ...

انجام : و چون از اعمال حج فارغ شد عمره مفرده بعمل آورد . در زیر این قسمت مرحوم حاج سید جعفر بیدآبادی فرزند مرحوم سید

حجه الاسلام (برادر کوچک مؤلف) نوشته اند انشاء الله صحیح خواهد بود والتماس چنین است این مقصر درگاه خداوند را از دعا فراموش نکرده باشد . صاحب این کتاب مستطاب فی ۱۳ شهر جمادی الأولی سنه ۱۲۸۶

• مهر : عبده محمد جعفر بن محمد باقر الموسوی

۲۰ - مناقب الائمه علیهم السلام

و آنرا کتاب « امامت » و « منتخب المناقب » نیز گفته اند (ص ۶۴۹ بیست ودوم الذریعه) . علامه طهرانی میفرماید : کتاب بزرگی است در حدود دوازده هزار بیت و آنرا مؤلف بزرگوار از کتب چندی انتخاب فرموده است مانند :

کتاب طرائف تألیف ابن طاووس و شرح نهج البلاغه تألیف ابن أبی الحدید وصواعق تألیف ابن حجر عسقلانی و صحیحین یعنی صحیح مسلم و صحیح بخاری وغیرها

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق الافلاک والأبراج وقدر فیها الشمس و القمر کالسراج در میان کار پ ر

ستاری نسخه ای از این کتاب که در سال ۱۲۹۰ یعنی سال وفات مؤلف از روی نسخه خط مصنف نوشته شده است در قم در کتابخانه شیخ رجبعلی نیشابوری بوده است (ص ۳۲۱ بیست و دوم الذریعه)

(تذکر) : علامه طهرانی نوشته اند که مناقب الائمه نام دیگر کتاب امامت است باید تذکر داده شود که کتاب امامت که قبلا نام بردیم غیر از کتاب مناقب الائمه یا منتخب المناقب می باشد .

۲۶ - منتخب رساله عملیه

از طهارت تا صوم بطور اختصار و آنرا یکی از شاگردانش بنام سید علی در زمان حیات آن مرحوم انتخاب نموده و نوشته است و از مرحوم حاج سید اسدالله

به شیخنا وسیدنا ومولانا دام ظله تعبیر می کند. نسخه آن در نزد اقا میرزا محمد علی اصفهانی در نجف موجود بوده است (ص ۰۷ بیست و دوم الذریعه)

۲۷ - رساله در میراث .

آغاز : بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین کتاب المیراث وهو لغه اسم بمعنی الارث کما یتصرح من الصحاح والقاموس والمجمع فسر منها الأرث بالمیراث ومقتضاه ذلک ...

انجام : والصور الاثنی عشریاتی تمامها فی هذا القلم وامثلتها سهله بعد مراجعه ما ذکرناه من القواعد والأمثله و کذلک لو کانت الأعداد بعد مراعاه النسبه مختلفه

(تذکر) :

آقای حاج اقا مهدی شفتی حجه الاسلام زاده محترم در پایان فهرست تألیفات مرحوم حاج سید اسد الله می نویسند :

رساله های مخالفی در موضوعات زیر بخط مؤلف میباشد (غیر از آنچه سابقا ذکر نمودیم) رات اور میرا این

رساله در احکام تکلیفیه - صحت و بطلان - لوادعت المرأه علی الزوج النفقه وادعی هو علیها النشوز - فی المحرمات و اسبابها النسب والرضاع و ... . فی بعض مسائل الوکاله - ملاقی متنجس نجاست میته ذی النفس - الواجبات المالیه تؤخذ من أصل المال بخلاف ... ولایت پدر و جد در بخشیدن مدت عقد منقطع رساله فی الهبه و چندین رساله دیگر در موضوعات مختلف که ممکن است همه آنها جزو کتاب : الفقه الاستدلالی باشند . والله تعالی اعلم

دو نظریه مختلف در باره دو کتاب

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۲۹ بکم) در ضمن شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بید آبادی می نویسد :

محدث نوری مرحوم حاج میرزا حسین نوری (۱۳۲۰ - ۱۲۵۶) نورالله

مرقده میفرمود که :

سید حجه الاسلام به رجال ابو علی وحدائق شیخ یوسف بحرانی اعتنائی نداشته است اما فرزند ارجمندش مرحوم حاج سید اسد الله در تصانیف فقهیه خود از حدائق گاهی بقدر نصف صفحه و گاهی کمتر و یا بیشتر از این مقدار نقل می کند . می کند .

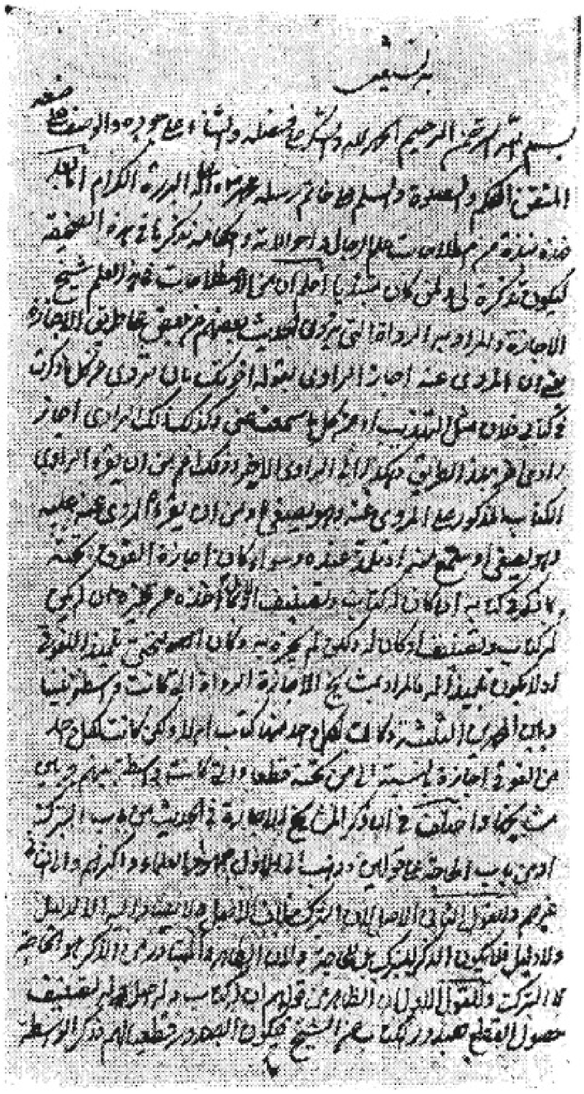
از این بیـان بنظر میرسـد که حـاجی نوری تألیفـات سـید ثانی را دیـده است (انتهی) وهمچنین معلوم میشود که کتب فقهی مرحوم سـید حجه الاسلام را نیز دیده و یا مطلب فوق یعنی عدم توجه و عنایت آن مرحوم را نسبت به آندو کتاب از شاگردان آن بزرگوار شنیده است و الله اعلم .

قبلا نیز در ضمن بیان شرح حال مرحوم حجه الاسلام گفتیم که :

مرحوم حجه الاسـلام مناجات خمسه عشـر را در حفظ داشت و بقراءت او مداومت میفرمود لکن فرزند ارجمندش بدلیل کافی نبودن سـند این مناجات بأن عنایتی نداشت.

ص: ۲۸۳

تصویر



تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله

تصویر خط مرحوم حاج سید اسد الله

فصل پنجم: (آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

(آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی)

از مرحوم حاج سید اسدالله معروف به حجه الاسلام ثانی آثار و باقیات الصالحات چندی بجای مانده است که از آن جمله است :

- اجرای آب فرات در نجف اشرف ساری

۲ - بنای غسالخانه در شهر نجف (ص ۱۳۶ ماضی النجف وحاضرها جلد یکم)

۳- تألیف کتب علمی که شرح آن قبلا گفته شد . ۴ - تعمیر مسجد سهله (ص ۴۳ یکم فوائد الرضویه) - تعمیرات مدرسه با قریه اصفهان معروف به مدربه در کوشک .

- تعلیم شاگردان که قبلا به نام عده ای از آنها اشاره گردید . ۷- وقف نمودن مسجد سید ۸ - تکمیل بنا و ساختمان مسجد سید و غیره الف :

آب نجف

ص: ۲۸۵

تاریخچه آن از قبل از اسلام تاکنون :

یکی از عواملی که در تمام ادوار موجب ناراحتی ساکنین شهر مقدس نجف اشرف بوده است موضوع نبودن و کم بودن آب شیرین و قابل شرب در این شهر بوده که همیشه مردم آنجا از این بابت رنج میبردهاند

در طول تاریخ چندین مرتبه از طرف بزرگان و سلاطین و علماء و تجار شیعه واحیانا از طرف حکام عراق اقدام به حفر قنات و نهر جهت آوردن آب از شط فرات بداخل نجف گردیده و موفقیت هائی نیز نصیب آنان شده است لکن این اقدامات بعلل چندی که از آن جمله است :

۱- مجاری تهیه شده عموما بر اساس اصول علمی و قواعد ریاضی مهندسی نقشه کشی نشده است .

۲- بلند بودن شهر نجف از کوفه و بالاخره از نهر فرات (شهر نجف تقریبا ۳۵ متر از کوفه مرتفعتر است . در بسیاری

۳- مراقبت و مواظبت ننمودن از مجاری و انهار تهیه شده که گاهی عمد یا بوسیله دشمنان و یا افراد بی اطلاع عمدا آنها را خراب و پر کرده اند . .

۴ - بارندگی ها و جریان سیل ها و همچنین وزش بادهای شدید نیز موجب شده که مجاری از شن و گل و لای پر شود و چون دیگران خود را موظف در ترمیم خرابیها و تنقیه قنوات ولای روبی انهار نمیدانسته اند خواه و ناخواه پس از مدت زمانی که گاهی اند یعنی در فاصله چند سال از حفر قنوات و نهر گذشته مجری پر شده و آب قطع میشده است .

اینک جهت اگهی خوانندگان فهرست اجمالی از تاریخ مجاری آب و بانیان آن در طول تاریخ را بنا بنقل : اعیان الشیعه (ص۱۱۳ یازدهم) تاریخ الکوفه

ص: ۲۸۶

(ص ۱۷۱) عنوان الشرف (ص ۱۴) ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۲۳ یکم) میپردازیم . .

۱ – نهر حیره – نهر خورنق بوسیله حارث بن عمرو در قبل از اسلام . ۲ – سلیمان بن اعین برادر جناب زراره بن اعین متوفی بسال ۲۵۰هجری .

۳– عضد الدوله دیلمی در سال ۳۹۹ (به قنات آل بویه و یا نهر عضدالدوله شهرت یافته) ،

۴ – سلطان سنجر فرزند ملکشاه سلجوقی (۵۰۱ – ۴۷۹) لکن توفیق اتمام آنرا نیافت .

* در تاریخ بیهق ص ۵۸ گوید : اول کسیکه نهری از فرات جهت شهر کوفه (نجف اشرف) حفر نمود جناب ابو القاسم علی بن زید حسینی از آل زباره (باء موحده) متوفی بسال ۲۳ه‍ میباشد .

پدرش ابو یعلی زید بن علی از سادات بنی الأخطس و از آل زباره در ساله ۴۴۷ در اصفهان وفات یافته و احتمالا مقبره معروف به شاه زید در مشرق خیابان بزرگمهر منسوب بدانجناب است و العلم عند الله تبارک وتعالی .

و – خواجه علاء الدین عطا ملك صاحب دیوان جوینی (۱۸۳ – ۱۲۳) تاریخ اتمام آن رجب ۹۷۹ مشهورترین قناتهای نجف و در این راه صد هزار دینار طلا خرج نمود . چون متصدی امور حفر نهر مزبور خواجه تاج الدین علی بن امین الدین معروف به « دلقندی » از سادات بزرگوار و اعتاب حضرت سجاد علیه السلام بوده بنهر تاجیه شهرت یافته و نهر تا مسجد کوفه میرسید . دیگر از آثار او برادرش خواجه شمس الدین ساختن ضریح جهت مرقد حضرت مسلم بن عقیل علیه السلام در سال ۹۸۱ می باشد (ص ۱۷۷ تاریخ الکوفه).

– شاه اسماعیل صفوی (۹۳۰ – ۸۹۲) در سال ۹۹۶ دستور حفر آنراداد

(نهر شاه) در زمان محاصره نجف بوسیله عثمانیها این شهر پر شد با پر کردند

در زمان شاه سلطان سلیم عثمانی . . ۷- شاه طهماسب صفوی (فوت ۹۸۴) در زمان وی حفر نهر با تمام نرسید این نهر به طهماسیه و یا طهمازیه معروف است. تاریخ حفر نهر ۹۸۰ هجری .

۸- شاه عباس کبیر صفوی (۱۰۲۷ - ۹۷۹) در سال ۱۰۳۲ حفر نهر با تمام رسید و آب به قسمت شرقی نجف رسید این نهر به « نهر المکریه » شهرت دارد و آنرا نهر شاه گفته اند .

۹- شاه صفی صفوی (فوت ۱۰۵۲) در سال ۱۰۶۲ موفق به زیارت مراقد مقدسه ائمه عراق علیهم السلام گردیده و دستود به تجدید قبه منوره و توسیع حرم مطهر وهمچنین امر به احداث نهر عمیقی از حوالی حله تا مسجد کوفه و از آنجا به خورنق نمود و آنرا به بحر نجف بوسیله قنات متصل گردانیدند .

۱۰- یحیی خان آصف الدوله نیشابوری لک�نوی هندی متوفی بسال ۱۲۲۰ وزیر محمد شاه هندی در سال ۱۲۰۸ با مخارج زیاد نهری از مسیب از شط فرات منشعب نموده و تا نجف آنرا امتداد دارد و هر کجا به نقطه مرتفعی میرسد از وسط آن نهر را میگذرانید تا آنکه آب به نهر رسید . این نهر زیر نظر علامه مرحوم اقا سید علی طباطبائی مؤلف ریاض المسائل حفر گردید و به نهر هندیه شهرت دارد . ماده تاریخ آن : صدقه جاریه ۱۲۰۸ می باشد .

۱۱- امین الدوله مرحوم عبدالله خان فرزند حاج محمد حسین خان صدر اعظم اصفهانی خرج کردن معادل پنجاه هزار تومان قنات نجف را (شاید قنات آصف الدوله باشد) اصلاح ولایروبی کرد لکن بعلت باران و سیل مجرای آن مجددا خواب گردید .

۱۲- علامه مرحوم آقا شیخ محمد حسن اصفهان مؤلف جواهر الکلام (متوفی

در غره شعبان ۱۲۶۶) اقدام به تعمیر و اصلاح قنات آصف الدوله نموده و معادل هشتاد هزار تومان در آن صرف نمود که بوسیله محمد امجد علیشاه هندی (فوت ۱۲۹۳) بوسیله علامه سید حسین بن سید دلدار علی نقوی لک□نوی هندوی معروف به سید العلماء (۱۲۷۳ - ۱۲۱۱) پرداخت گردید و قبل از اتمام عمل علامه مرقوم وفات یافت این نهر انشعابی به : کری (چری) الشیخ معروف گردید .

۱۳ - مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی (شرح آن بعدا نوشته میشود).

۱۴ - نهر عبد الغنی در سال ۱۳۰۵ در زمان حکومت علیرضا پاشا و دستور مشار الیه و نظارت عبدالغنی افندی حاکم شهر و سعی و کوشش سید جلیل سید هادی بن سید محمد آل زوین در مدت چهل و شش روز احداث گردید ماده تاریخ آن را شیخ عباس اعسم ضمن قطعه ای (شرب العذب ۱۳۰۵) گفته است . این نهر به نهر عبدالغنی شهرت داشته است و تا سال ۱۳۰۸ باقی بوده است.

۱۰ - نهر حمیدیه در زمان سلطنت سلطان عبدالحمید نیز بحکم او نهری احداث گردید و تاریخ وصول آب به نجف دهه اول شعبان سال ۱۳۱۰ بوده و به نهر حیدریه نیز معروف و مشهور می باشد .

۱۶ - در عنوان الشرف (ص ۶۷) پس از ذکر نهر عبد الغنی می گوید :

وشق اخرأ علی بن الحسن بجنبه فجاء یجری فی سنن فاستعذبوا السقیا به واشر با وار خوا (جاء الفرات عذبه)

(۱۳۱۲)

۱۷ - در سال ۱۳۱۹ علامه مرحوم حاج میرزا حسین فرزند حاج میرزا خلیل طهرانی اقدام به اصلاح ولای روبی قنات نجف نموده و در سال ۱۳۲۷ فراغت حاصل نموده لکن آبهای این مجری بعللی قابل شرب نبود (ص ۱۱۵ یازدهم اعیان الشیعه) .

۱۸- در سال ۱۳۶۲ حاج محمد علی شوشتری معروف به رئیس التجار جهت آب آشامیدنی شهر نجف اقداماتی نمود (در زمان ملک فیصل پادشاه عراق)

۱۹- در سال ۱۳۶۹ حاج اقا محمد بوشهری معروف به معین التجار جهت آب وروشنائی شهر مقدس نجف اقدامات اساسی انجام داد . ماده تاریخ آنرا مرحوم سید مهدی اعرجی نجفی چنین گوید :

ارخ « فیا بشری لک الیوم قد جاءک بالماء المعین المعین »

(۱۹۸۱)

و در عنوان الشرف (ص ۹۸) تاریخ آنرا : « بالماء ساغری » می نویسد:

۲۰ - در زمان ولایت عهدی ملک غازی پادشاه عراق در سال ۱۳۵۰ نیز جهت آب شهر نجف اقداماتی انجام گردیده است ماده تاریخ آنرا در عنوان الشرف حی الامیر غار با» می نویسد. وسید مهدی اعرجی شاعر و ادیب معروف نجفی گوید: لئن طغت میاهه فبالندی ا

رخست « مدها الأمیر غازی » ۲۱ - از سال ۱۳۵۷ شهرداری نجف در امر آب این شهر مستقیما دخالت نموده و اقداماتی انجام داده است .

نهر احداثی حاج سید اسدالله بید آبادی :

اکنون که بطور اجمال از تاریخچه آب در نهر نجف آگهی یافتیم بذکر اقدامات حاج سید اسدالله شفتی میپردازیم.

در سالیکه مرحوم حاج سید اسدالله پس از وفات استاد بزرگوارش مرحوم اقا شیخ محمد حسن اصفهانی به نجف اشرف مشرف گردیده و عده ای از علماء و ساکنین آن شهر مقدس از کمبود آب و ناراحتی مردم از این بابت به ایشان شکایت نمودند مرحوم حاج سید اسدالله تصمیم به اقدام اساسی در این کار گرفتند و پس از برگشت به اصفهان عده ای مهندس و کار گرفنی به نجف گسیل فرمودند.

در مرحله اول تصـمیم گرفتنـد دنباله دار مرحوم اقا شـیخ محمد حسن رابگیرند بعد از این اندیشه منصـرف گردیده و بر آن شدند که از وسـط نهری که مرحوم شیخ احداث نمودهاند مجرای زیرزمینی (قناتی مستقیم تا شهر نجف تهیه کنند و در سال ۱۲۸۲ شروع به این عمل فرموده و تا سال ۱۲۸۸ مشغول بودند و در این سال آب به نجف رسید و مردم شهر بدین جهت خوشحال و مسرور شدند .

مخـارج احـداث این قنات و رسانیـدن آب به شـهر نجف را معادل سـی هزار تومان و از ثلث تر که مرحوم سـردار محمـد اسـماعیل خان نوری وکیل الملک نوشـته اند (شـرح حال سردار محمد اسماعیل خان وکیل الملک نوری حکمران کرمان در کتاب : شرح حال رجال ایران صفحه ۲۹۷ سوم بطور اجمال مذکور است مشار الیه در ۱۹ جمادی الثانیه سال ۱۲۸۶ در کرمان وفات یافته است).

علامه ادیب شاعر شیخ محمد بن شیخ کاظم جزائری نجفی متوفی بسال ۱۳۰۲ قصیده ای در

ماده تاریخ

احداث این نهر سروده است مطلع آن : الوکیل الملک اید طوقتنا بالهبات رسان

و قد سرت فی الناس أمثال النجوم السائرات وجرت کالبحر الا انها عذب فرات

فهو بالشکر حقیق فی الملا و الخلوات تا آنجا که می گوید : شربوا الماء زلالا بعد شرب الاجنات

فاشـرب المـاء وارخ : لاـ اشـرب الماء الفرات» و میرزا محمـد بن عبـدالوهاب بن داود همـدانی معروف به امام الحرمین مؤلف نصوص الیواقیت متوفی بسال ۱۳۰۴ در تاریخ احداث این نهر گوید :

مد اسد الله الهمام السری سلیل ساقی الناس من کوثر

اجری الی الغری ماء مری قد اخوه « جاء ماء الغری » ۱۲۸۸ ب :

غسالخانه در نجف اشرف :

یکی دیگر از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی ساختمان غسالخانه موجود در شهر مقدس نجف اشرف می باشد .

مرحوم آقا شیخ جعفر آل محبوبه نجفی در ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۳۶) در ضمن بیان شرح قنات آب احدائی بوسیله مرحوم سیدحجه الاسلام ثانی می نویسد :

در سال ۱۳۰۷ تگرگ شدیدی بارید که در اثر آن زراعتها از بین رفت و در اثر این بارندگی مجرای قنات خراب گردید و متصدیان امر در اصلاح آن اقدام نکردند و شهر مقدس نجف دیگر بار گرفتار کم آبی گردید.

این قنات تاکنون موجود است و آب شور در آن جریان دارد که بمصرف آبیاری در برخی از باغات نزدیک میرسد .

و بر روی این قنات غسالخانه موجود ساخته شده که آنهم از آثار مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی میباشد .

ج : تعمیرات مسجد سهله :

محدث قمی رضوان الله علیه در فوائد الرضویه (ص ۴۳ بکم) در ضمن بیان شرح حال مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی به تعمیرات در مسجد سهله بوسیله ایشان اشاره میفرماید .

بی مناسبت نیست برای آگاهی خوانندگان محترم و اطلاع از عظمت و اهمیت مسجد سهله چند جمله بطور اختصار از مآخذ معتبره نقل کنیم .

(اهمیت مسجد سهله) :

یکی از مساجد متبرکه و شریفه کوفه مسجد سهله است بزرگان محدثین در کتب خود در فضیلت این مسجد و نماز و دعای در آن

و اینکه بعـد از مسـجد بزرگ کوفه در این شـهر هیـچ مسـجدی شـریفتر از آن نیست روایات و احادیث زیادی نقل فرموده انـد و مورخ محقق جلیل مرحوم سـید حسین بن سید احمد حسنی براقی نجفی (۱۳۲۲ – ۱۳۹۱) در کتاب تاریخ الکوفه بسـیاری از آنها را (ص) نقل نموده است همچنین محدث قمی در مفاتیح الجنان و علامه مجلسی در بحار الانوار و دیگران در کتابهای خود بآن اشاره نموده اند.

سید حسون براقی) در تاریخ الکوفه بحذف اسناد می نویسد :

خصوصیات مسجد سهله:

۱– مسجد سهله و در آن است خانه حضرت ادریس علیه السلام که خیاطی

مینموده است

۲– در مسجد سهله خانه حضرت ابراهیم علیه السلام است که از آنجا به جنگ عمالقه رفت.

۳– مسـجد سـهله جایگاه حضـرت خضـر علیه السـلام است در احادیث انحضـرت را (راکب) خوانـده انـد . اس دوران بارداری ساری ۴ – از مسجد سهله حضرت داود به جنگ طالوت رفت .

و خداوند متعال هیچ پیغمبری را برسالت نفرستاده است مگر آنکه آن پیغمبر در این مسجد نماز خوانده .

– حضرت صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند : اگر عمویم زید در موقع خروج به این مسجد آمده بود و در آن نماز خوانده بود و از خداوند امان خواسته بود خداوند تبارک و تعالی و پرا بیست سال امان میداد .

– حضـرت صـادق علیه السـلام به ابوبصـیر فرمودنـد : اگر من نزدیک شـما بودم (یعنی در کوفه ساکن بودم) تمام نمازهایم را در این مسـجد میخواندم .

) برای شرح حال سید حسون براقی به نقباء البشر صفحه ۲۳ه دوم مراجعه شود .

ص: ۲۹۳

– امام ششم علیه السلام فرمودند : ما این مسجد را : « مسجد البری »

می نامیم.

– در این مسجد سنگ سبزی است که بر آن صورت تمام انبیاء و اوصیاء) علیهم السلام نقش بسته است . ۱۰ – از زیر این سنگ گل و طینت همه پیغمبران گرفته شده است .

۱۱ – حضرت صادق علیه السلام فرمودند : می بینم که قائم ما (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با عیال و فرزندان در این مسجد فرود آمدند . راوی پرسید که منزل حضرت مهدی علیه السلام در این مسجد است فرمودند : آری.

۱۲– کسیکه در این مسجد ساکن باشد همچون کسی است که در خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ساکن باشد .

۱۳– هیچ مؤمن ومؤمنه ای نیست مگر آنکه قلبش متوجه این مسجد است.

۱۴– چون حضرت مهدی علیه السلام قیام کند بخاطر رضای خدا و پیغمبر وما (از دشمنان ما) انتقام خواهد کشید . بازی

۱۰– در هیچ شب و روزی نیست مگر آنکه فرشتگان رحمت در این مسجد نزول کنند و به نماز و عبادت مشغول شوند.

۱۹– کسی که در بین نماز مغرب و عشاء در این مسجد نماز بخواند ودعا کند خداوند متعال باو گشایش عنایت فرماید .

۱۷– کسیکه در این مسجد (از روی حقیقت و اخلاص) نماز بخواند و بهر چه دلخواه اوست دعا کند خداوند تبارک و تعالی دعایش را مستجاب گرداند و در روز رستاخیز مقام او را بلند گرداند و بدرجه حضرت ادریس علیه السلام رساند و او را از ناراحتیهای دنیا و کید و مکر دشمنان در امان دارد.

۱۸ جناب سید بن طاووس علیه الرحمه در مصباح الزائر فرموده که بهترین

ص: ۲۹۴

وقت برای نماز و دعا در مسجد سهله فاصله بین مغرب و عشاء شب چهارشنبه است

۱۹- در بین علماء و مقدسین نجف اشرف بتواتر رسیده و به تجربه رسیده است که :

هر کس چهل شب چهار شنبه در مسجد سهله به نماز و عبادت پیوته کند بزرگترین توقیعات حضرت حق جل وعلایعنی شرفیابی به محضر مقدس حضرت ولی الله الاعظم امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نصیب وی گردد .

به کتاب نجم الثاقب تألیف محدث نوری و دار السلام تألیف آقاشیخ محمود میثمی عراقی و کتابهای دیگر در این موضوع مراجعه شود. اللهم أرنا الطلعه الرشیده والغره الحمیده وعجل فی فرجه و ظهوره بحقه و بحق آبائه علیهم الصلوه والسلام.

د:

تعمیرات مدرسه با قربه

یکی از مدارس دینی اصفهان که اساسی برای آن ظاهره مربوط به قبل از دوران صفویه بوده و احتمالا در انوقت تکیه و مقبره بوده است و در قرن دهم بصورت مدرسه در آمده است مدرسه باقریه یا مدرسه در کوشک (بمناسبت وقوع آن در محله در کوشک) می باشد این مدرسه گاهی مدرسه باب القصر وزمانی مدرسه پای شیر در کوشک نیز خوانده اند . بانی و مؤسس این مدرسه و شاید یکی از مدرسین بنام آنجا میرزا باقر نام داشته و بهمین مناسبت مدرسه بنام باقریه شهرت یافته است و احتمال اینکه میرزا باقر نامبرده همان بانی مسجد و حمام و بازارچه میرزا باقر معروف واقع در محله بیدآباد باشد بعللی بعید بنظر میرسد .

این مدرسه دارای تزئیناتی از نوع کاشی معرق بوده(ص ۳۰۸ گنجینه آثار تاریخی اصفهان) لکن در طول زمان از بین رفته است و در حال حاضر هیچگونه تزئیناتی و کاشیکاری ندارد تنها نشانه قدمت آن بقعه ای است در قسمت شمال غربی مدرسه در دالان سر چاه آب که ظاهراً قبر یکی از بزرگان قرن هشتم یا نهم بوده و فعلا

قبر از بین رفته لکن داخل بقعه قسمتهائی از کاشیکاری هنوز موجود و نام صاحب قبر غیر معلوم است و در موقعیکه مقبره بصورت مدرسه در آمده است برای سر در آن کتیبهای تهیه کرده اند که متأسفانه از بین رفته و احتمالاـ آنها را جهت تعمیرات برچیده اند وبعدأ بجای خود گذاشته نشده است .

قدیمی ترین تاریخی که فعلا از این مدرسه در دست می باشد مربوط به قرن یازدهم هجری و بشرح زیر می باشد :

ر ا در کتابخانه فرهنگ اصفهان نسخه ای از کتاب کافی است بشماره ( ) که آنرا علی مازندرانی در سال ۱۰۱۸ وقف بر کتابخانه مدرسه باقر به نموده و تولیت آنرا به آقا سید کاظم بن سید سلطان حسین حسینی واگذار نموده است . این موضوع میرساند که در قرن یازدهم مدرسه باقریه معمور و دارای کتابخانه بوده و احتمالا مرحوم آقا سید کاظم حسینی متولی و یا مدرس مدرسه نامبرده بوده است کار در ساری

۲ - در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : اتولوجیا بشماره (۱۹۲۱) می باشد که کتابت آنرا محمد جعفر بن مختار مازندرانی در روز شنبه صفر ۱۰۸۸ در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص ۳۳ه نهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران) .

۳- همچنین در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نسخه ای از کتاب : سفینه النجاه تألیف فاضل سراب موجود است که کتابت آنرا أبو الحسن بن میر یحیی سکری در روز چهارشنبه ۲۹ ربیع الثانی سال ۱۱۰۳ در این مدرسه بپایان رسانیده است (ص ۱۰۹۱ دهم فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه) ... ۴- در کتابخانه مدرسه فیضیه قم مجموعه ای است بشماره (۱۱۰۷) که

عماد بن میر حیدر حسینی در شوال سال ۱۹۱۱ و یک شنبه ۴ ذی حجه ۱۹۱۱ بخط نستعلیق دو مدرسه باب القصر نوشته است

این مجموعه شامل کتاب : ۱- رساله در جفر ۲- حاشیه بیرجندی بر شرح الملخص قاضی زاده رومی ۳ - تشریح الأفلاک تألیف شیخ بهائی ۴ - شرح بر شرح چغمینی می باشد (ص ۶۱ بخش سوم جلد دوم) .

- علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۱۳۰ دوم) و در شرح حال شیخ محمد صادق بن ابی الفتح اصفهانی می نویسد که وی کتاب مغنی اللبیب را در سال ۱۳۰۹ در مدرسه باقریه نوشته است .

- علامه طهرانی در نقباء البشر (ص ۳۷۹) در ضمن شرح حال مولی محمد حسین بن اسماعیل بسطامی گوید : مشار الیه در سال ۱۲۱۷ کتاب مبدأ ومعاد تألیف آخوند ملا صدرا را در مدرسه باب القصر کتابت نموده است .

مدرسه در کوشک (باقریه) در زمان مرحوم حاج سید اسد الله احتیاج به تعمیراتی داشته که بوسیله ایشان کلیه تعمیرات لازمه به بهترین صورت انجام می شود و چون متولی منصوص (ظاهره) نداشته بر حسب نظریه ایشان امور مربوط به مدرسه و نظارت در موقوفات و غیره به مرحوم حاج میرزا عبد الرزاق رشتی واگذار میشود که تاکنون امور تولیت و نظارت در اعقاب آن مرحوم است .

در سالهائیکه از طرف حکومت بعنوان قانون اتحاد شکل لباس برای علماء و طلاب مشکلاتی ایجاد کرده بودند و از هر جهت مزاحم آنان بودندمدرسه از طلبه خالی شد و مدت چندین سال عده ای افغانی را که ظاهرا تبعیدی بودند در آنجا منزل داده بودند بعد از قضایای شهریور ۱۳۲۰ مدرسه مجددا بتصرف وقف در آمده و اکنون بحمد الله طلبه نشین و جزو مدارس معمول می باشد.

در سالهای اخیر مدرسه احتیاج به تعمیرات اساسی و کلی داشت که بوسیله

دانشـمند محترم حجه الاسـلام اقـای حاج میرزا محمـد حسـین رشتی نجل جلیل مرحوم حاج میرزا قوام الـدین بن حاج میرزا عبـد الرزاق رشتی متولی مدرسه به بهترین صورت انجام گردید

مرحوم حاج میر سـید علی جناب در کتاب : الأصـفهان می نویسـد طول مدرسه دو متر و عرض آن ۲۰ متر و دارای ۱۸ حجره و تعداد طلبه آن در زمان تألیف کتاب ۲۰ نفر بوده است .

(وقف کردن مسجد سید):

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردیده است وقف کردن مسجد سید می باشد .

چون ساختمان مسـجد سید در زمان مرحوم حجه الاسلام به اتمام نرسیده بود (البته آنچه از ساختمان باقیمانده بود تزئینات و کاشیکاری بود و الااصول ساختمان تمام بوده است) آن مرحوم شخصا اقدام به وقف نمودن و اجرای صیغه وقف نگردید . پس از وفات ایشان و ریاست مرحوم حاج سید اسد الله این کار بوسیله ایشان انجام گرفت بدین کیفیت :

۱- قسـمت جنوبی مسـجد (چهلسـتون وزیر گنبد) و شبسـتانها و مهتابیها و قسـمت زیر گلدسـته و ایران مقابل بقعه را بعنوان مسـجد بودن وقف نمود .

(حسن سلیقه):

۲- چون مسـجد دارای درهای متعدد بود و مردم از آنها عبور و مرور مینمودند و ممکن بود بعضی از آنها دارای عذر شرعی باشند که عبور و یا توقف آنها در مسجد کراهت داشته و یا حرام باشد علیهذا راهروهای مسجد و صحن مسجد

غیر از مهتابیها) را وقف بر مسجد نمودند نه بعنوان مسجد بودن که احکام مسجد از جنبه طهارت و غیره در آن جاری باشد .

۳- از زمان مرحوم سید حجه الاسلام تا این اواخر در دالان مسجد (درب زنجیر) و فضای مقابل مقبره عده ای از بزازها دکان داشتند و روزها بکار و کسب مشغول بودند و هنگام شب اجناس خود را در قسمتی از آخر شبستان کو چک مسجد (بنام شله) می گذاردند این قسمت را نیز وقفه بر مسجد کردند و جزو مسجد نبود که احکام مسجد در آن جاری باشد .

} . قسمتی از برف انداز جنوب شرقی مسجد جنب دالان دری که بسمت کوچه حمام دوقلی و کوچه مشایخ بید آباد باز میشود (دومین در مسجد) و قسمتی از داخل مسجد واقع در زاویه شمال غربی نیز جزو مسجد نبوده و وقف بر مسجد بود و در آنجاها قهوه خانه دار بود که تا سالهای اخیر این دو قهوه خانه با یک قهوه خانه دیگر واقع در زاویه شمال شرقی جنب در مقبره برقرار بود که از نار شرعی چون از زمان واقف اولیه دائر بوده هیچگونه اشکال شرعی نداشت لکن از نظر عرفی در این اواخر آنها را تعطیل کردند همچنانکه روزها در قبل ظهر در مسجد را بستند و حال آنکه در خانه خدا در تمام مواقع باید بروی بندگان خدا باز باشد

و در روی طاق شبستانها اطاقهائی جهت سکونت طلاب و دانشجویان ساختند که در این اواخر در برخی از آنها مکتب خانه دار بود و عده زیادی اطفال و جوانهای کم سن جهت تحصیل در نزد اساتید مجرب و آزموده مشغول تحصیل بودند .

در زمان حکومت سابق به عناوین مختلف طلبه ها را از حجرات اخراج نموده و مکتب خانه ها را تعطیل کرده و قهوه خانه ها را بستند و کسبه داخل مسجد ورواق مقابل مقبره را بیرون نمودند این عمل گر چه از نظر ظاهر کاری عوام پسند بود و عده ای از مردم نا آگاه آنرا کاری شایسته و حتی خدا پسند تعریف نمودند. منطق ابنان آن بود که بک عده بیکار در قهوه خانه جمع میشوند و حرف

دنیا میزنند اما اینها کسانی را که در گوشه و کنار مسجد ودر چهلستون به نماز ودعا و زیارت و قراءت قرآن اشتغال داشتند را نمی دیدند . در مکتب خانه ها که قران و دعا و خواندن و نوشتن می آموختند را ملاحظه نمی کردند. درست است که در مسجد نباید حرف دنیا زد اما مثلی است معروف که : بخاطر یک بی نماز که در مسجد را نمی بندند . بهتر آنست که دنباله این سخن را رها کنیم و گرنه گفتنی بسیار است.

(فائده)

: موقوفه زینبیه اصفهان) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۳۲۹) در ضمن بیان امامزاده زینبیه منسوب به علیاجناب زینب دختر حضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام واقع در ارزنان یک فرسنگی اصفهان از بلوک جی می نویسد :

این ایام سواد مرقومه ای از مرحوم آقای حاج میرزا حسن امام جمعه اصفهان مدفون در مقبره سر قبر آقا (متوفی در دوم محرم سال ۱۲۶۸) با امضای مرحوم اقای حاج سید اسد الله به بنده نمایاندند که دو محل قلعه زینبی کر ارج و سوراچی را وقف بر بقعه بی بی زینب دانسته اند از اوایل عهد صفویه و بعد . .

نویسنده گوید : متأسفانه مرحوم انصاری در کتاب خود نوشته اند که این سواد مرقومه در نزد چه کسی بوده که بتوان به آن مراجعه نموده شاید اطلاعات ذی قیمتی از آن بدست آید. و آنچه از این مرقومه مستفاد میشود آنکه این مقبره در اوایل عهد صفویه بهمین نام و شهرت موجود بوده است و قدمت آن مسلم می شود.

ص: ۳۰۰

فصل ششم: (شورش مردم اصفهان)

(شورش مردم اصفهان)

(و قیام آنان علیه دستگاه حکومت در سالهای ۱۲۶۶ - ۱۲۶۵)

یکی از پیش آمدهای مهم تاریخی در ابتدای سلطنت ناصر الدین شاه قاجار و صدارت میرزا تقی خان امیر کبیر موضوع شورش و قیام مردم غیور اصفهانست علیه دستگاه حکومت جبار و ستمگر قاجار

مؤلفین کتب تاریخ هر کدام آن را بگونه ای شرح کرده اند. لکن هیچکدام نخواسته اند و یا نتوانسته اند علت واقعی آنرا بیان کنند بدین جهت اصل موضوع با همه اهمیت آن تا کنون مجهول و تاریک مانده است. نویسندگان تاریخ در همه زمانها اگر مردمانی متملق و چاپلوس نبودند لااقل افرادی ترسو و محتاط و با

ظاهر بین بودند و آنان که در زمانهای بعد میخواستند در موضوعی بررسی کنند مأخذی جز همین نوشته های چاپلوسانه و یا محتاطانه نداشتند . یکی از آن موارد همین شورش اصفهانیانست که در تواریخ عهد قاجار به بخلاصه می نویسنده :

مابین دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومت بر سر مقام وزارت اصفهان

ص: ۳۰۱

اختلاف شد این اختلاف موجب گردید که تقریبا مدت دو سال شهری به آتش وخون کشیده شد و جمعی کثیر از مردم بی گناه کشته و خانه ها خراب گردید سر انجام دو لتیان بر آنها غلبه کرده و آنان را از بین بردند .

آیـا حقیقت قضایا همین بوده و بس یا در پس این پرده غم انگیز و محنتزا مطالب دیگری نیز بوده است که بر ما مجهول است خداونـد تبارک و تعالی دانای بهمه امور است.

اینک با مراجعه به روضه الصـفای ناصـری و ناسـخ التواریـخ و تواریـخ سه گانه مرحوم حاج میرزا حسن خان شـیخ جابری انصاری (۱- اگهی شهان از کار جهان ۲- تاریخ اصفهان ۳- تاریخ اصفهان وری وهمه جهان) بشرح قضایا بطور اجمال میپردازیم .

مقدمه :

ما

با

محمد شاه در شب ۳ شنبه ششم شوال المکرام سال ۱۲۶۶ مرد و سلطنت ایران به ناصر الدینشاه رسید در دو سه سال اول سلطنت او در بیشتر از شهرهای ایران اختلافات و شورشـهائی بوقوع پیوست که موجب خونریزیها و کشت و کشـتارها وغارتها و خرابیهای زیاد گردیـد . علت اصـلی این جنگ و جدالها چند امر بود :

۱- صدارت و وزارت چندین ساله حاج میرزا آقاسی و نارضایتی عموم طبقات مردم از شخص صدر اعظم و از تمام حکام دست نشانده او

۲- ارادت و ایمان زائد از حد شخص محمد شاه به صدر اعظم وواگذار کردن کلیه امور مملکت بنظر به او .

۳- استبداد رأی و عدم توجه صدر اعظم به شکایات مردم و رسیدگی نکردن به ظلم و بیداد حکام .

س آشنا نبودن صدر اعلم برموز مملکت داری و خود خواهی وخود پسندی او .

و – داعیه های برخی از شاهزادگان و رؤسای قبائل که بخیال واهی اندیشه سلطنت در مغز خود میپرورانیدند .

این فهرست برخی از این سوانح بدون رعایت ترتیب وقوع آنها :

– اختلاف درباریان در طهران و مخالفت با حاج میرزا آقاسی .

۲– مخالفت سیف الملوک میرزا پسر ظل السلطان (علیشاه بن فتح علیشاه) در قزوین .

۳– شورش مردم بروجرد • ۴ – شورش مردم کرمانشاه . و اختلاف داخلی کردستان .

– شورش مردم شیراز و

کار ایران سانگ

۷– جنگ و نزاع در کرمان . ۸– آشفتگی شهر یزد و طغیان مردم آنجاء ۹– جنگ و خونریزیهای خراسان که تقریبا بمدت دو سال بطول انجامید . ۱۰ – ابتدای قضایای اصفهان در سال ۱۲۹۶. را به فتنه قره العین . ۱۲ – قضایای بروجرد و الوار ، ۱۳ – شورش افواج دولتی علیه میرزا تقی خان امیر کبیر . ۱۴ – قضایای مازندران و قلعه شیخ طبرسی در سال ۰۱۲۹۰ ۱۹ – قضایای زنجان در سال ۱۲۹۰.

۱۹ – قضایای تبریز و اختلاف بر سر موضوع تکفیر شیخ احمد احسائی در سال ۱۲۹۰.

۱۷ – منتهای شورش و انقلاب مردم اصفهان در سال ۱۲۹۰ ۱۸ – یاغیگری خوانین بختیاری در سال ۱۲۹۰ .| ۱۹ – فتنه و آشوب در بندر بوشهر در سالهای ۱۲۹۰ و ۱۲۹۱ – ۲۰– قضایای نیریز و سید یحیی دارایی در سال ۱۲۹۹

شرح این فتنه و آشوبها و جنگ و خونریزیها را سپهر در ناسخ التواریخ وهدایت در روضه الصفای ناصری و دیگران بطور تفصیل و اجمال در کتابهای خود نوشته اند طالبین بدان کتابها مراجعه نمایند .

واما

قضایای اصفهان

دو نفر از کارگردانان دستگاه حکومتی اصفهان در زمان حکومت محمدنبی خان بنامهای : سید عبدالوهاب گلستانه شهشهانی پیشکار و میرزا عبدالحسین فرزند میرزا محمد علی شمس آبادی وزیر اصفهان هر کدام بر سر وزارت اصفهان با یکدیگر رقابت داشتند. سرانجام این رقابت به عداوت و دشمنی کشیده شد وهر یک از اندو در محلات خود به سنگر بندی و جمع آوری قشون و طرفدار پرداختند .

سید عبد الوهاب مسجد جامع را مرکز خود قرار داده و میرزا عبد الحسین محله شمس آباد را سنگر بندی نموده مردم شهر نیز از کلیه طبقات از عوام وخواص سه تاجر و کاسب – کشاورز و کارگر و حتی علماء و اعیان شهر بدو دسته تقسیم شدند نیمی بطرفداری گلستانه و نیم دیگر بهواخواهی شمس آبادی برخاستند اقا میر سید محمد امام جمعه از طرفداران سید عبد الوهاب و نوابان صفوی از اعیان و متنفذین اصفهان جزو باران میرزا عبدالحسین بودند . جنگ و جدال در شهر

شروع گردیـد مردم دهات نیز بطرفـداری اندو بشـهر آمدند. بازارها بسـته شد و کارها تعطیل گشت و مقدمات فتنه و آشوب کلی از هر جهت مهیا گردید .

در سال ۱۲۹۰ حکومت اصـفهان را به سلیمان خان معروف به خان خانان دانی ناصر الدینشاه واگذار کردند در زمان حکومت او کار اختلاف اندو نفر شدت یافت.

اولین اشتباه و توضیح:

اولین اشتباه :

خان خانان حاکم اصـفهان جزو طرفـداران میرزا عبد الحسـین شـمس آبادی بود و از او جانب داری میکرد و در مقابل آقا میر سـید محمد امام جمعه مقتـدر و متنفـذ اصـفهان نیز از سـید عبـد الوهـاب طرفـداری میکرد شایـد علت موافقت حاکم با میرزا عبـد الحسـین علاوه بر کاردانی و کفـایت شـخص اور مخـالفت بـا امام جمعه و شکسـتن قـدرت او بوده است. این اولین اشـتباه دسـتگاه حاکمه بود که نمی بایست خود موجب تشدیـد اختلاف وزیادتی ماده عناد و دشـمنی گردد . با این کیفیت اختلاف نیشـکار وزارت و وزیر به اختلاف ما بین حکمران اصـفهان و امام جمعه تبـدیل گردیـد . سـلیمان خـان در کلیه امور بـا میرزا عبـد الحسـین مشورت میکرد و او گرچه حکم وزارت نـداشت لکن در تمام کارها دخالت مینمود .

(توضیح) : بعد از جنگ ایران و روس و فتوای تاریخی مرحوم آقا سید محمد مجاهد جهت جهاد با روسیه گرچه ظاهرا جنگ بضرر ایران تمام شد اما یک نکته بر دسـتگاه حکومت و خارجیان مسـلم گردید و آن قدرت معنوی روحانیون و نفوذ آنان در بین مردم شـیعه میباشد از این رو سیـاست کلی آنـان مبارزه با این قـدرت و از بین بردن آن بود بهر صورت که ممکن شود . در زمان سـلطنت فتـح علیشاه این سیاست خیلی با احتیاط وزیر کی انجام میشد ولی پس از مرگ او

و روی کار آمـدن محمـد شاه و وزیر صوفی او این سـیاست بشـدت اجرا میشد . در عهد ناصـر الدینشاه و وزیر تازه کار او میرزا تقی خان امیر همین روش به سخت ترین کیفیت مورد عمل قرار میگرفت و برای آن نمونه های زیادی در تاریخ سراغ داریم .

(خطای دیگر) :

وقتی خبر مخالفت دو نویسنده و دبیر دستگاه حکومتی اصفهان و دسته بندی کردن آنها بطهران رسید جهت رسیدگی باین کار چراغعلی

خان کرمانشاهی مأمور رسـیدگی و رفع اختلاف میشود بدینگونه که : سـید عبد الوهاب را در مقام وزارت ثابت نموده و میرزا عبد الحسـین را بطهران بیرد لکن چون وی باصفهان می آید روی مصالحی بر عکس عمل نموده و می گوید که :

مأمورم سـید عبـدالوهاب را بطهران برده و میرزا عبد الحسـین را در مقام خود مسـتقل گردانم و بدین ترتیب ظاهرأ فتنه آرام میشود و بازارهای بسته باز میگردد وبقول هدایت در روضه الصفا (ص ۴۹۰ دهم) اجماع عام بتفرقه تبدیل می یابد و اهالی بلوکات بمواطن خود باز می گردند و میرزا عبد الوهاب با چراغعلی خان بطهران روانه شده در آنجا ساکن می شود . د

نتیجه این تدبیر مخالفت با امام جمعه طرفدار گلستانه و تقویت سلیمان خان حاکم مخالف امام جمعه بود .

حکومت یافتن سپهدار

بعد از این جریان خان خانان بطهران احضار شده و بجای او غلامحسین خان فرزند یوسف خان سپهدار مأمور حکمرانی اصفهان می شود. وی درغره مـاه رمضان المبارك سال ۱۳۹۶ وار اصـفهان گردید، مردم اصـفهان عموما و کارمندان دسـتگاه حکومتی بخصوص با سـپهدار مخالف بودند امام جمعه نیز طرفدار مردم و مخالف

حاکم بود میرزاعبدالحسین همچنان در مقام وزارت باقی بود و در کارها دخالت میکرد . میکرد.

اختلاف ما بین گلستانه و شمس آبادی ظاهرا خاتمه یافته بود و طرفدارانشان پراکنده شده بودند لکن ماده و اساسی اختلاف همچنان برقرار بود و شهر اصفهان همچون مخزن باروتی بود که احتیاج به کوچکترین جرقه ای داشت تا یک پارچه محترف شده و آتش گرفته و خشک و تر را یکجا بسوزاند .

اولین جرقه

در یکی از روزهای جمعه از ماه شوال سال **۱۲۹۹** که مرحوم آقا میر سید محمد ابراهیم امام جمعه مانند همیشه برای ادای نماز بسمت مسجد شاه میرفت نوکرهای ایشان در وسط میدان مشاهده می کنند که سربازی خلج بزنی آویخته وتصدر بودن او نموده که او را بداخل اطاق خود بکشاند (در آن ایام سربازان در اطاقهای اطراف میدان نقش جهان با میدان شاه منزل داشتند) در روضه الصفای ناصری (ص ۴۹۰ جلد دهم) می نویسد

یکی از سربازان با زنی ملاعبه و مطایبه بی سابقه ولاحقه خواسته ووی فحاشی کرد . نوکران اقای امام جمعه که وضع را اینگونه مشاهده می کنند سرباز را مانع گردیده ودفع شر او می کنند و زن را از دست وی نجات میدهند . گفتگو و کشمکش مابین نوکران اقای امام و سربازان شروع میشود مردم بکمک نوکران اقای امام جمعه و سربازان دیگر بیاری سرباز متجاوز می شتابند و زد و خورد شروع میشود .

پس از آنکه اقای امام جمعه نماز جمعه و عصرر الداء می کنند و قصد مراجعت داشتند در موقع عبور از میدان شاه سربازان نسبت به ایشان اهانت و توهین نموده

ص: ۳۰۷

وحتی بسوی وی سنگ می اندازد اقای امام جمعه مستقیما به مسجد جمعه رفته و در اطاق روی حوض (کلاه فرنگی) می نشینند و مردم شهر از جریان آگهی یافته در مسجد و اطراف اجتماع می کنند و تقاضای مجازات سریع سر باز متجاوز و سربازان توهین کننده را از حاکم شهر یعنی سپهدار می کنند .

غلامحسین خان سپهدار (که همه جا در روضه الصفا ویرا به کثیر الاقتدار یا با اقتدار می ستاید) محمد حسین خان خلج نایب الحکومه اصفهان را جهت عذر خواهی به مسجد جمعه نزد اقای امام جمعه میفرستد .

سه تن از توابان صفوی اقایان احمد میرزا و حیدر میرزا و میرزا محمد علی پسران اسحق میرزا خلیفه سلطانی که هر یک صاحب داعیه ای بودند و ظاهر أخیالاتی در سر می پرورانیدند و با حکومت اختلاف نظر داشتند و اینک جزو مردم در اطراف امام جمعه حاضر بودند وقت را مغتنم شمرده نایب الحکومه را از اطاق مزبور گرفته در حوض آب انداخته و یکی از طرفدارانشان با قمه ویرا چندین زخم زده که در اثر آن همان روز یا فردای آن روز وی میمیرد.

سپهدار با میرزا عبدالحسین وزیر خود برای غائله مشورت می کند و چون خاطر او را متوجه شورشیان و اعیان شهر درک می کند قصد گرفتن و زندانی کردنش را می نماید ولی بلطائف الحیل خود را نجات داده و از جان خود میترسید و به مسجد سید پناه میبرد و در آنجا در ظل حمایت مرحوم آقا میرزا زین العابدین فرزند ارشد مرحوم سید حجه الاسلام در خانه خدا بست می نشیند . باران و اطرافیانش نیز جمعی متفرق گشته و عده ای باو پیوسته و هر روز جمعیت بسیان در اثر ظلم و تعدی بمال و جان و ناموس مردم از طرف حکومت سپهدار زیاد می شود که در بین آنها عده ای از علما و بزرگان و اعیان و تجار و محترمین شهر (و بقول دو لتیان اشرار) و همچنین نوابان صفوی نیز بوده اند .

طرز برخورد امام جمعه با شورشیان

مرحوم آقا میر سید محمد امام جمعه که اصل قضیه و ابتدای کار ظاهرا بخاطر اهانتی بود که بمقام ایشان شده بود و همچنین کشته شدن محمد حسین خان خلج نایب الحکومه اصفهان در حضور ایشان انجام یافته بود به عاقبت کارها اندیشید و صلاح کار خود را در کنار بودن از معرکه دانست از اینرو شورشیان را به مسجد سید هدایت مینود (و آنها را از شورش و پلوامنع نمیکرد) و بدین کیفیت خود را از غوغا دور گردانید بنابراین قسمت عمده بست نشستن میرزا عبدالحسین شمس آبادی و نوابان احمد آبادی و دیگران به اشاره و راهنمائی امام جمعه انجام گردیده است .

اولین خطای سپهدار

غلامحسین خان سپهدار چون از بست نشینی میرزاعبدالحسین ونوابان واعیان و بزرگان شهر در مسجد سید آگهی یافت از روی غرور ریاست و کم تجربگی بفکر شکستن بست مسجد سید و گرفتن بستیان بوسیله قوه قهریه می افتد و شروع به اقداماتی در این زمینه می کند از آنطرف نیز حامیان ووابستگان آنها نیز از اهل شهر ودهات مجاور با وسائل دفاعی در گرداگرد مسجد سید اجتماع نموده وبحفظ و حراست اینان میپردازند و بدینوسیله سپهدار نه تنها کاری نمیتواند انجام دهد بلکه ماده فتنه و آشوب را غلیظ تر کرده و بلوای عام برپا میشود .

مسافرت مرحوم حاج سید اسدالله به عتبات

مرحوم حاج سید اسدالله که در زهد و تقوی و اعراض از دنیا و مردم آن ریاضتها

ص: ۳۰۹

کشیده بودیمقاماتی معنوی و روحانی نائل گردیده بودنمیخواست در این جریانات یعنی اختلاف دسته ای از مردم با دو لتیان شرکت داشته باشد و خود را آلوده اینگونه کارها نماید علیهذا بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان خارج گردید تا از این جریانات برکنار بماند . .

برگشت دادن مرحوم حاج سید اسدالله

چون مرحوم حاج سید اسدالله به گلپایگان رسید مأمورین دولتی که از اصفهان وطهران آمده بودند ایشان را ملاقات نموده و با اصرار تمام از ایشان خواهش کردند که برای رفع غائله و برای جلوگیری از بزرگتر شدن فتنه و آشوب و حفظ جان و مال مسلمین باصفهان مراجعت نمایند و از قدرت و نفوذ خود در بین مردم استفاده کرده فتنه بیدار گشته را بخوابانند و هر چه در باره اصفهان و اصفهانیان و شورشیان نظر بدهند دولت بدون چون و چرا بپذیرد و اجراء نماید . مرحوم سید بزرگوار نیز بامید اصلاح کار مسلمانها و جلو گیری از قتل نفوس وغارت اموال وحفظ نوامیس مردم به اصفهان مراجعت فرمودند .

بی سیاستی سپهدار

غلامحسین خان سپهدار حاکم نالایق اصفهان پس از این ماجرا بخیال خام خود خواست قدرت نمائی کرده و ضرب شستی به شورشیان نشان دهد برخلاف عهده و میثاقیکه با مرحوم حاج سید اسد الله در گلپایگان دولتیان بستند عده ای از سربازان را مأمور کرد که به محله احمد آباد محله سکونت اقایان نواب صفوی رفته و پس از غارت کردن خانه های نوابان انجا را خراب کنند و آنان نیز چنین

کردند .

ص: ۳۱۰

. این عمل ناشیانه و خارج از عقل و تدبیر سپهدار موجب گردید که همه اصفهانیان تعصب کنند و به حمایت از نوابان برخیزند .

عکس العمل و خطای سپهدار:

عکس العمل مردم

روضه الصفای ناصری (ص ۴۱۱ دهم) پس از شرح خراب کردن و غارت خانه ی مردم احمد آبادونو ابان بوسیله سربازان مأمور از طرف سپهدار می نویسد:

و زرد: دوله بیدآباد با تفنگچی و استعداد تمام حرکت کردند و به اطراف میدان شاه امن دین - الاماره سپهدار را محاصره کردند و با سر بازر تفنگچی دولتی چندین روز جنگ می نمودند و عده زیادی از طرفین کشته شدند.

خطای دیگر در پی دار د

غلامحسین سپهدار حاکم محور اصفهان برای نجات خود از این مهلکه عده ای را مأمور کرد که به محله شمس آباد رفته و خانه میرزا عبدالحسین راغارت نموده و بعد خراب کرده و آتش بزنند .

مأمورین سپهدار مطابق دستور او به محله شمس آباد هجوم آورده و خانه های میرزا عبد الحسین و همسایگانش را غارت نموده و بعدأ خراب کرده و سوختند و باین کیفیت در محله از محلات شهر بامر سپهدار حاکم اصفهان خراب و غارت گردید و سرمایه مادی و خانه و کاشانه عده زیادی از بین رفته بی خانمان شدند و این هم در اثر بی سیاسی شخص حاکم و اطرافیان غیر صالح او بود .

عکس العمل میرزا عبدالحسین

چون خبر این تجاوز در مسجد سید به میرزاعبدالحسین رسید عده اید امأمور

کرد که از راهی دیگر و از کوچه ها از پشت سر به مامورین دولتی حمله کردند و عده زیادی از سربازان و فرماندهانشان را ببدترین وضع کشتند عده مقتولین در این حمله را از سر باز و غیره حدود یکهزار نفر می نویسند و خدا داناست که از مردم شهر و اطراف و حامیان میرزا عبدالحسین و نوابان چقدر کشته شده اند و معلوم نیست که از اموال مردم بیچاره و غیره چقدر بغارت رفته و یا سوخته شده است همانگونه که بارها گفته شد همه این خسارات جانی و مالی که مردم این شهر و دو لتیان وارد شده است در اثر سوء تدبیر حکومت خود سرو مستبد سپهدار بوده است تا اقای مهدی بامداد چگونه قضاوت کند.

رسید کمک به قوای دولتی

نمیدانم سپهدار حکمران اصفهان اوضاع این شهر و علل شورش مردم را چگونه گزارش کرده است در هر صورت از طهران به حکام ولایات اطراف اصفهان که هر گونه که ممکن باشد به حاکم اصفهان کمک کنند و شورش رابهر نحو و کیفیت که ممکن شود بخوابانند .

سیل سر بازو کمک از طرف ولایات بسوی اصفهان روان میشود و با این وضع دولتیان پیروز میشوند وزعمای شورش و انقلاب هر یک بگوشه ای فرار می کنند و مردم دیگر در شهر باقی می مانند نوابان بقم رفتند و میرزا عبدالحسین بسوی نطنز وقمصر گریخته در منزل یکی از آشنایان خود مخفی میشود .

نظر خواهی از علماء اصفهان

سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۴ سوم قاجاریه) می نویسد : در اول انقلاب اصفهان سپهدار جمعی از علمای اصفهان از آنجمله اقایان

حاج سید اسد الله وانا میر سید محمد امام جمعه و اقا محمد مهدی کلباسی را در منزل خود دعوت کرده و از ایشان خواست که در باره اعمال مردم اظهار نظر کنند آنان نیز طبق دلخواه او حکم کرده و امضاء کردند .

نویسنده گوید : در این جملات ابهامات چندی وجود دارد که مهمتر از همه دلخواه حاکم است که چه بوده ؟ اگر نظم شهر و آرامش آن منظور بوده است که مسلما مورد تأیید همگان از علماء و غیر بوده و اگر قصاص قاتلین نایب الحکومه است که آنهم مطابق حکم شرع مطهر خواسته أی مشروع است و اگر تقاضای دیگری بوده است آن دلخواه و خواسته چه بوده است . علماء اسلام در تمام ادوار نظرشان قرآن کریم و اجرای احکام آن بوده و میباشد و آیه کریمه در الفتنه اشد من القتل » را نصب العین خود قرار داده اطفاء نائره نفاق که بین دو نفر کارگزار دولت بالنتیجه به مردم یک شهر سرایت کرده را مورد توجه و عنایت قرار داده اند و نمیخواستند برای خاطر دو نفر عده زیادی کشته و خاندانهائی بر بادرود

کار را برای ارسباران

بیانات امام جمعه

در روز اربعین که ظاهرا مصادف با جمعه و مراسم نماز جمعه در مسجد شاه بود و چندین روز از جنگ و کشتار بین مردم و قوای دولتی که نویسندگان در باری قاجار به مردم شهر وعلماء و تجار و کسبه و محترمین را اشرار می نویسند و این خود یکی از قوانین کلی است که همیشه دولتها مخالفین خود را هر کس و از هر طبقه و دسته و در هر مقام باشد و مخالفت آنان به عنوان و دلیل باشد را اشرار می خوانده و در کتابهای روضه الصفای ناصری و ناسخ التواریخ مکرر نوشته است (اعیان اصفهان و اشرار در روز اربعین آقای امام جمعه منبر رفته و در ضمن سخنان خود که

مردم را به آرامش دعوت و از مخالفت با دولت بر حذر داشت گفت :

هر کس پیرو این اشرار باشد در دنیا عرصه شمشیر آبدار و در عنبی ساکن درار البوار نخواهد

اما آیا اقای امام جمعه به سپهدار هم راجع به مدارا کردن با مردم و کمتر مزاحمت نمودن و فرمان کشت و کشتار وغارت نمودن و آتش زدن خانه های مردم ستمدیده موعظتی فرموده اند یا خیر چیزی ننوشته اند .

شفاعت کردن آقا محمد مهدی کلباسی

سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۶ سوم قاجاریه) دنباله مطالب فوق می نویسد : پس از چندین ماه جنگ و جدال و کشته شدن عده زیادی از طرفین سرکردگان شورش بنزد آقا محمد مهدی کلباسی رفته و از او خواستند که در این کار میانجیگری نموده کار را خاتمه دهد. ایشان در ابتدا فرمودند :

این نیز از خدعه های شماست که مرا نیز در این کار وارد کرده و آلوده سازید سرانجام در اثر اصرار آنان حاضر شدند که نزد سپهدار رفته و بهرگونه

که شده کار را تمام کنند . احمد میرزا نواب و میرزا عبدالحسین نزد مرحوم حاج سید اسد الله رفته و ایشان را نیز در جلسه حاضر کردند .

تقاضای وساطت

پس از آنکه قوای دولتی بر شورشیان غالب شدند و رؤسای شورش هر یک بگوشه ای فرار کرده و مخفی کشتند سپهدار و مأمورین دولتی در صدد اذیت و آزار مردم که هر یک بنوعی در این جریانات شرکت داشتند و با منهم بشرکت داشتن بودند بر آمدند (یعنی بازار را بسته بودند و به بست نشینان کمک نموده

بودنـد و آنهـا را گرفته و با حبس وزجر و مصادره اموال وحتی تجاوز به أعراض و نوامیس آنان تشـفی خاطر می جسـتند مردم بجان آمدنـد و بمرگ راضی بودند.

بزرگـان شـهر و اعیـان و محترمین وعـده ای از علماء و رهبران شورش بنزد مرحوم حاج سـید اسـد الله رفته و با اصـرار والحاج از ایشان تقاضـا کردنـد که واسـطه بین مردم و دسـتگاه و دولت شـده عرایض اصـفهانیان را بگوش اولیاء دولت در طهران برسانند و از مقصـرین حتی المقدور شفاعت کنند. شاید دو لتیان بپاس مقام والای ایشان توجهی کرده غائله بطور آبرومندانه فیصله یابد .

قرار داد متارکه

پس از چندین جلسه که بین علماء اعلام و سپهدار و مأمورین دولتی منقعد گردید و بالاخره قرار بر این شد که :

سران مخـالفین سـپهدار باتفاق مرحوم حاج سـید اسـد الله در مـدت پنـج روز از تاریـخ امضاء قرار داد بطهران رفته و در آنجا مطالب خود را با اولیاء دولت حضورا مطرح نمایند و هر چه را که اولیای امور در پای تخت در این مورد نظر دهند مورد قبول طرفین بوده و اجرا کنند .

نفاق کردن سپهدار

سپهـدار حـاکم منـافق و دوروی اصـفهان که بـاطن در صـدد گرفتـار کردن مخالفین خود و کشـتن آنان بود و در شـهر قـدرت بر گرفتن آنان نـداشت ظاهرا از روی تفاق با این قرار داد موافقت کرد و باطنه قصـد او آن بود که آنها را از طرفـداران و یارانشان جدا ساخته سـپس یکایک آنها را به چنگ آورده و بکشد و اموالشان آنچه باقی مانده است را ضبط کند.

ص: ۳۱۵

پیام سپهدار به شورشیان و مردم اصفهان

پس از این قرار داد سپهدار بوسیله آقا محمد مهدی و حاج کیکاووس میرزا به میرزا عبد الحسین و یارانش پیغام فرستاد که اگر راست می گوئید و بر سر عهد و پیمان خود هستید ، مردم اطراف خودرا پراکنده کرده و در مدت پنج روز مهلت مقرر با تفاق آقا سید اسد الله رهسپار طهران شوید.

اینان به عهد و پیمان خود عمل کردند و در خدمت مرحوم حاج سید اسد الله با جمعی از علماء و سادات و طلاب و عده ای از محترمین شهر و تجار بسمت طهران حرکت نمودند.

از شورشیان میرزا محمد علی خان به منزل مرحوم امام جمعه پناهنده شد و میرزا مرتضی شخصأ نزد سپهدار رفته وطلب عفو و پوزش کرد .

نام برخی از علماء مهاجر

را در ساری

مرحوم حاج سید اسد الله که از ابتدای کار مخالف بود و در تمام موارد از روی اکراه و اضطراب و اجبار برای حفظ جان و مال و ناموس مسلمین که خون آنان هدر نرود با شورشیان همراهی میکرد این دفعه نیز با عده ای از علماء این شهر مانند :

آقا میرزا زین العابدین برادر خود .

اقا میرزا ابوالفضل معروف به اقا جان فرزند آقا میرزا زین العابدین برادر زاده خود .

حکیم و فیلسوف میرزا حسن نوری فرزند حکیم بزرگوار آخوند ملا علی

عالم فاضل آقا میرزا محمد نواب لاهیجی اصفهانی (با تفاق فرزندش اقا میرزا محمد باقر که او نیز از علماء محسوب بوده است)

میرزا امین و سی نفر از علماء و فضلاء و طلبه وسادات جهت شفاعت و بیان تقاضای مردم اصفهان بهمراه جمعیت رهسپار طهران شدند.

حاجی میرزا محمد نواب لاهیجی

یکی از علماء بزرگوار اصـفهان که چنانکه مقام والای اوست تا کنون شـناخته نشده است مرحوم حاج میرزا محمد نواب لاهیجی فرزند حکیم و فقیه و مفسر بزرگوار مرحوم آقا میرزا محمد باقر نواب لاهیجی اصـفهانی طهرانی است مرحوم نواب لاهیجی مؤلف تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه در ۳ شعبان ۱۲۹۸ وفات یافته است (ص ۹۷ سـیزدهم فهرست کتابخانه مجلسـی) و فرزند پسر منحصر او مرحوم حاج میرزا محمد بوده است (ص ۱۲۲۳ چهارم مکارم

الاثار)

مرحوم حاج میرزا محمد در نزد پدر وعلماء اصـفهان تلمذ نموده و احتمالا پدرم مرحوم سـید حجه الاسلام حاضر میشده و در مسجد ذو الفقار امامت مینوده و مورد احترام ووثوق عموم طبقات بالاخص مقدسـین و علماء بوده و در سـفر طهران با مرحوم حاج سید اسد الله همفسر و همراه بوده است و ظاهرا پس از این سـفر در اثر رنـج و زحمتهائیکه از مأمورین دولت دیـده بیمار و رنجور گشـته و در همان سالها یعنی حدود سال ۱۲۹۹ وفات یافته در لسان الارض در جنب اطاقیکه قبر جناب یوشع از پیغمبران بنی اسرائیل در آنست در اطاقی مدفون گردید و بر قبر اوسنگ مرمری نصب کرده بودنـد . که چهار سـطر شـعر بر آن منقور بود (متأسـفانه اخیرا کلیه این آثار و حتی قبر جناب یوشع نبی را خراب کردنـد و فعلا مانند قبور قبرستان بقیع فقط چند قطعه سنگ و کلوخ بجای آنها میباشد « فاعتبروایا

ص: ۳۱۷

أولی الأبصار ».

کتب زیر از اثار مرحوم حاج میرزا محمد نوای لاهیجی اصفهانی است که در مجموعه ای به شماره (۱۸۲) در کتابخانه ملی طهران موجود است .

- المغازلات ۲- لغز ۳ - الحکمه الیمانی فی شرح الفصل الثانی در کلام و تصوف ۴ - اسرار القلوب فی اوصاف المحبوب در تفسیر ۵ - شرح الفصل فی

حقیقه عالم الوصل در عرفان ۱ - تفسیر آیه : و بشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات سه کتاب اخیر را بنام حاج میرزا آقاسی در سالهای ۱۲۰۹ و ۱۲۹۳ تألیف نموده است (ص ۲۰۲ بیست و دوم الذریعه)

(فائده) لسان الأرض : حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (ص ۴۰) در وجه تسمیه لسان الأرض پس از ذکر سند روایت گوید : حماد بن سلمه در تفسیر قول خداوند عزوجل که به آسمانها و زمین خطاب فرمود:

« ائتیا طوعا او کرها قالتا اتینا طائعین » گوید زمین اصفهان این جواب را داد و اصفهان دهان و زبان دنیا می باشد (وزمین لسان الارض موفق بعرض جواب گردید و این افتخار برای همیشه نصیبه شهر اصفهان و در نتیجه مردم این سامان گردید).

حضرت یوشع

- وهم در آن کتاست که (ص ۳۹) مار بین را یوشع بن نون بنا کرده است و این بدان جهت است که وی در گرد شهرها می گشت به اصفهان وارد شده و به موضوع مار بین در آمد و آنجارا بدان علت مار بین گویند که همچون مار دیده میشود از زمین اطراف بلندتر است به یوشع گفته شد که مار بین یعنی به زمین های اطراف نگاه کن بدین جهت آنجا را ماربین خواندند. (در کتب قدما از اینگونه وجه تسمیه های افسانه مانند وخرافی زیاد دیده میشود)

ص: ۳۱۸

جلوگیری کردن سپهدار از مرحوم حاج سید اسد الله وهمراهان

موقعیکه سپهدار یقین حاصل کرد که رؤساء نهضت از شهر خارج شده اند و حامیان آنها نیز متفرق گشته اند عده ای از اراذل و اوباش دولتی و جمعی از لشکریان ترک ولر وفارس را بسر کردگی کیکاووس میرزا جهت جلوگیری از مسافرت بزرگان و علماء وسادات اصفهان بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله و گرفتار کردن عده ای از سرکردگان انقلاب به دنبال آنها میفرستد .

مقصود اصلی از این عمل سپهدار علاوه بر گرفتار ساختن مخالفین خود و کشتن آنان ظاهر آن بود که آقایان علماء بطهران تروند و حقایق امور را بمتصدیان و کارگردانان دولت و شخص شاه جوان کم تجربه و وزیر نگویند و او همچنان بر سر کار خود بود به ظلم وستم و تعدی و اجحاف و دیگر مظالم خود ادامه دهد و کسیرا قدرت بر مخالفت با او نباشد.

برخورد دولتیان با مهاجرین

قشون دولتی و اشرار بر یاست کیکاوس میرزا به تعجیل از اصفهان با وسائل و تجهیزات کاملی حرکت نموده در منزل مورچه خورت به مهاجرین که آسوده و مطئمن خوابیده بودند میرسند و آنان را محاصره کرده و بدانها با توپ و تفنگ حمله می کنند .

رؤساء شورش و آنها که قدرت بر فرار داشتند بهر کیفیت بود خود را از مهلکه بدر برده و فرار می کنند و آقایان علماء و اعزه و سادات و محتر مین و تجار که از یک طرف قدرت و وسیله فرار نداشتند و از سوی دیگر خویشتن را مقصر نمیدانستند که موجبی و سبی برای فرار آنها باشد باقی ماندند و گرفتار آن قوم

از خدا بی خبر شدند .

بیان مؤلف روضه الصفا

رضا قلی خان هدایت در کتاب روضه الصفای ناصری (ص ۴۹۲ دهم) پس از شرحی که راجع به قسرار مسافرت مخالفین سپهدار بطهران و همراهی جناب حاج سید اسد الله بملاحظه صلاح مسلمین ورفع غائله می نویسد گوید :

مهاجرین به مورچه خورت رسیدند و بیارمیدند علی الصباح به اشارت سپهدار جماعتی از افواج خلج و سدر بندی و پانصد سوار مشکین و خلخالی وعراده چند توپ در خدمت نواب شاهزاده حاج کیکاوم میرزا که در آن ایام در اصفهان بودند بر سر مهاجرین رسیدند بعضی فرار اختیار کردند جماعتی که مصلح خیر اندیش و اهل دستار و طیلسان بودند تسلیم شدند ایشان را بر داشته به اصفهان آوردند .

بیان سپهر در ناسخ التواریخ

ارسال

مرحوم سپهر در ناسخ التواریخ (ص ۱۰۳ تا ۱۰۰ سوم قاجاریه) شرح قضایای شورش مردم اصفهان را مفصلتر بیان کرده و جریان کشت و کشتار و جنگ و نزاع مردم شهر و قوای دولتی را در ماههای محرم و صفر سال ۱۲۹۹ می نویسد.

در باره مسافرت مرحوم حاج سید اسد الله وجلو گیری کردن مأمورین سپهدار بطور خلاصه می نویسد :

الشکریان به اسر و تهب مشغول شدند و بسیار کس از اشرار (قبلا گفتیم که مخالف سپهدار هر که بوده از عالم و تاجر و کاسب و زارع و غیره بزعم دو لتیان جزو اشرار است) را دستگیر ساخته در بند ور نجیر کشیدند .

کیکاوس میرزا در میانه از غایت غضب (بلکه از نهایت خبث باطن و بی دیانتی وردالت ذاتی بعقیده نویسنده سطور) رعایت ادب نکرده و از اقا سید اسد الله اسب و سلب خاص را بگرفت و او را رنجیده خاطر ساخت (این نویسنده و مورخ متملق در باری دیگر ننوشته است چه اذیت و آزاری بدان سید بزرگوار و ذریه رسولخدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد آورده است. ای کاش این شاهزاده رعایت مقام شخصی مرحوم حاج سید اسد الله را نمیکرد اقلاـ رعایت سیادت ایشانرا مینمود) و پسر برادرش را زحمت فراوان کرد و دست بگردن بر بست و سر و روی میرزا محمد حسن را با چوب و سیلی در هم شکست و استر سواری و بند و آغروی او را مضبوط ساخت برجمله برعارف وعامی رحم نیاورد (مگر قشون عبید الله بن زیاد در کربلا با خاندان و عترت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جز این رفتار کردند - نویسنده) و استرحام و استغاثت هیچ کس را نشنود پس اموال منهوبه و غارت شده و احمل ذاده و بستگان را با کند و زنجیر بشهر در آوردند (ناسخ التواریخ ص ۱۰۸ سوم قاجاریه). در این بار در ساری

بیان مرحوم انصاری

مرحوم حاج میرزا حسن خان شیخ جابری انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۹۳) و دیگر تألیفاتش (اگهی شهان از کار جهان) داستان شورش مردم اصفهان و جریانات آنر اگاهی نقل نموده سپس از قول مرحوم حاج سید اسد الله می نویسد که ایشان فرموده بودند؛

آنجا (یعنی مورچه خورت) کربلای من بود .

ص: ۳۲۱

برگشت به اصفهان

پس از آنکه قوای دولتی علماء و تجار و بزرگان و بقول نویسندگان درباری آن زمان اشرار را اسیر کرده و اموالشان را غارت کردند و آنان را با کند و زنجیر بسته گوئیا به جنگ کفار رفته و عده ای از متجاوزین به سرحدات مملکت اسلامی را اسیر گرفته اند با کمال خفت و ذلت و خواری بشهر وارد کرده و بنزد حاکم بر دند.

سپهدار عده زیادی از این مردم در بندکشیده را حکم به حبس و زندان نمود و جمعی را فرمان قتل داد اما از ترس آنکه مبادا خبر بی احترامی شاهزاده بیدین نسبت بعموم علماء بالاخص مرحوم حاج سید اسد الله گوشزد مردم اصفهان و بویژه ساکنین بید آباد و محلات مجاور که از جان و دل دوستدار وهوا خواه آن مرحوم بودند برسد و باین مناسبت شورشی از نو ایجاد گردد بر حسب ظاهر به فرمانده اشرار دولتی یعنی کیکاوس میرزا خطاب کرده و گفت :

کارداران دولت در کسر حشمت علماء خاصه اقا سید اسد الله هرگز فرمان نکنند و این جسارت که از شما رفته است نیکو نیفتاده وحکم داد که بندو آغروق علماء را که غارت کرده بودند بحضرت ایشان مسترد سازند و عذر این جسارت و جنایت بازجویند .

رفتار اولیای دولت با کیکاوس میرزا مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص۲۹۳) پس از شرح این قضایا

می نویسد :

پس از این واقعه کیکاوس میرزا را در طهران چوب زیاد زدند و حقوقش را قطع کردند و مقام مرحوم سید نزد شاه بسیار بلند شد. اما مرحوم انصاری

نمی نویسد که چوب خوردن شاهزاده بدستور چه کسی بوده است آیا بدستور شخص شاه بوده یا به امر امیر کبیر در هر حال :

نظر نویسنده سطور در این مورد آنست که : با توجه به موقعیت زمان و شخصیت کیکاوس میرزا بسیار بعید بلکه ظاهرأ محال بنظر میرسد که او را چوب زده باشند لکن قطع حقوق او موقتا ممکن است واقع شده باشد زیرا ناصر الدینشاه پادشاه جوان و کم تجربه و مقهور دست امیر کبیر و مهد علیا با داشتن مخالفین از خاندان خود راضی نمی شد که عموی او که مخالفت با او نمی کند باین مناسبت موردشکنجه و آزار قرار گیرد وشخص امیر کبیر نیز ذاتا مخالف قدرت هر صاحب قدرتی در مملکت بود بخصوص قدرت علماء که میخواست بهر گونه ممکن باشد از نفوذ و قدرت آن بکاهد و از دخالتشان در امور اجتماعی سخت ممانعت میکرد و او می گفت آنها منحصرا به کار روحانیت خود بپردازند و کارهای سیاسی و اجتماعی را به دو لتیان واگذارند . (این همان دسته بیگانگان بود که بوسیله او در شرف انجام بود.

عاقبت کار شورشیان

پس از این جریان و فرار رؤسای نهضت و شورش هر یک بگوشه و کناری:

پسر حسین خان خلج نایب الحکومه مقتول اصفهان در صحن مقدس قم نواب احمد میرزا را بضرب گلوله کشت

میرزا عبد الحسین پس از دو ماه در بدری بالاخره گرفتار شده و در اصفهان

کشته شد.

دیگران نیز هر کدام بنوعی گرفتار شدند مطالبین به ناسخ التواریخ ودیگر کتب مراجعه نمایند .

ص: ۳۲۳

کیکاوس میرزا کیست

کیکاوس میرزا بیست و هشتمین پسر فتح علیشاه از شاه پسند خانم است (ص ۳۲۱ و ۳۳۳ یکم ناسخ التواریخ قاجاریه) وی برادر کیقبا و میرزا و کیخسرو میرزا می باشد و در روز جمعه هیجدهم شوال سال ۱۲۲۲ متولد شده و در موسیقی هنری بسزا داشته است . .. در تاریخ عضدی (ص .) می نویسد : آغا باخی دختر ابراهیم خان شیشه ای یکی از قرفان محترم فتح علیشاه اولاد نداشت و در اواخر عمر ساکن قم گردید . کیکاوس میرزا مرضع خانم را برسم پسری و دختری باو دادند و دختر فرخی بیک شاهسون ساریخان بیکلو خواهر زاده آغا باخی را نیز برسم زنی به او دادند (ص ۲۷ تاریخ عضدی)

مهدی بامداد در کتاب شرح حال رجال ایران (ص جلد) شرح حال او را بطور اختصار نوشته و گوید سالها حکومت قم با او بود.

مهاجرت حاج سید اسد الله به عتبات

پس از این قضایا مرحوم حاج سید اسد الله به اعتاب مقدسه مهاجرت فرموده وظاهرآ مدت دو یا سه سال در نجف اشرف مجاورت اختیار نموده و بعدا باصرار مردم اصفهان بخصوص علماء این سامان به اصفهان مراجعت کرده است .

تألیف برخی از مجلدات شرح شرایع در سال ۱۲۹۷ در شهر نجف اشرف در جوار مرقد منور مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بوده است .

مهاجرت آقا میرزا محمد حسن نوری

مرحوم آقا میرزا حسن نوری پس از این جریان دیگر در اصفهان باقی نمانده

ص: ۳۲۴

و به طهران مهاجرت کرده و در آنجا در مدرسه خان مری تدریس میکرده است

در المآثر والاثار (ص ۲۰۰ ستون اول) می نویسد :

میرزا حسن اصفهانی خلف وافر الشرف ملاـ علی نوری طیب الله تعالی تربته از فحول جامعین بین المنقول والمعقول بود در صدارت عظمی میرزا آقا خان از اصفهان بطهران آمد و تشریفات فوق الوصف بدید .....

علامه طهرانی در الکرام البرره (ص ۳۶۲) می فرماید :|

از شاگردان پدر خود و ظاهرا در کربلا از شاگردان آقا سید ابراهیم قزوینی بوده و به امر این استاد نام فرزند خود راعبدالحسین نهاده و بر برخی از کتب حکمت و معقول حواشی دارد .

بان نویسنده با ارتباطی که بین پدر آنجناب و مرحومین حاجی کلباسی و سید حجه الاسلام شفتی بوده احتمال شاگردی مشار الیه نزد آندو بسیار است موضوع قابل تحقیق و بررسی است و این موضوع احتمالی بیش نمیباشد .

حواشی او بر شرح : الهدایه الأثیر به از آخوند ملا صدرا بچاب رسیده است (ص ۱۳۸ ششم الذریعه) در سال تألیف المآثر والاثار (۱۳۰۹) وفات یافته بوده است .

مسافرت ناصر الدین شاه به اصفهان

پس از آنکه شورش اصفهان بپایان رسید و سرکردگان هر یک بنوعی گرفتار شده و کشته شدند بطوریکه در المآثر والآثار (ص ۱۳۳) می نویسد :

ناصرالدین شاه در غره رجب سال ۱۲۹۷ به سمت اصفهان حرکت نموده و تا ذی الحجه همین سال در اصفهان میبود

(فائده) : مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۱۰۱ پاورقی) در ضمن

وقایع سال ۱۲۹۷ می نویسد :

در عراق صفحه از آهن ساختند که گلوله بدان اثر نمیکرد (ضد گلوله) مطلع قصیده : قدم زروی ادب نه در این خجسته مقام

که جایگـاه کرم است و قبله گاه انسام جمعه نوزده بیت . ۴ - دو ماده تاریخ از کفاش شاعر اصـفهانی مطلع اول (هشت سـطر) دلا بخلد برین خواهی ار گذاری گام

قدم گذار بدرگاه حجه الاسلام مطلع دوم (هشت سطر): ولا قدم چو گذاری در بن بلند مقام

بکن سلام نخستین به حجه الاسلام اشعار فوق در طرف شمال و جنوب گوشواره غربی بخط نستعلیق طلائی رنگ بر زمینه سفید گچ بری شده است .

علی المشهور کتیبه ها بخط مرحوم حاج سید اسد الله میباشد .

و - در بالاـی در ورودی مقبره (در داخل مقبره) پنجره زیبائی نصب گردیـده است و در بالای آن بخط نسـتعلیق جمله : أنا مـدینه العلم وعلی بابها ۱۲۷۲ هجری قمری گچبری شده و در زیر آن جمله :

با امام حسـین ادرکنی درگاه تو قبله گاه جان است محراب زمین و آسـمانست نوشـته شـده است . توضـیح) : از دو تاریخی که در مقبره دیده میشود معلوم می گردد که گچ

ص: ۳۲۶

بری و تزئینات داخلی بقعه مرحوم حجه الاسلام در سال ۱۲۷۲ هجری قمری در زمان تولیت و ریاست مرحوم حاج سید اسد الله انجام گردیده است .

ه . تکمیل بنای مسجد سید

یکی از کارهای اساسی که بوسیله مرحوم حاج سید اسد الله در مسجد سید انجام گردید تکمیل ساختمان و تزئینات مسجد می باشد و آنها عبارتست از :

الف – تزئینات داخلی مقبره مرحوم سید حجه الاسلام علیه الرحمه والرضوان. ب – کاشیکاری داخل گنبد جنوبی

الف : این شرح اجمالی بقعه مرحوم سید حجه الاسلام

۱– کتیبه داخل بقعه بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی آیاتی از قرآن مجید است : بعد از قال الله تعالی آیات ۲۹ تا ۴۹ سوره ص گچ بری شده و در آخر آن سال ۱۲۷۲ هجری نوشته شده است .

۲– کتیبه قسمت فوقانی سه گوشواره (سه غرفه) شرقی و غربی و جنوبی بخط ثلث بر جسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی عبارات زیر گچ بری شده

بنبی عربی ورسول مدنی و اخیه اسد الله مسمی بعلی و بزهراء بتول وبأم ولدتها و بسبطیه وشبیلهها نجل زکی و بسجاد وبالباقر والصادق حقاً وبموسی وعلی وتقی ونقی و بذی العسکر و الحجه القائم بالحق الذی بضرب بالسیف بحکم ازلی و علیهم صلواتی و سلامی مأه ألفا بلیال و نهار وغدو و عشی

۳– اشعار فارسی (قصیده هما شیرازی به خط نستعلیق سفید بر زمینه لاجوردی

روی کاشیهای خشتی

ب : کتیبه های داخلی گنبد جنوبی :

چون اساسی و شالوده مسجد سید بدست توانای مرحوم سید حجه الاسلام بنا نهاده شد و پس از گذشت تقریبا پانزده سال ساختمان آن به اتمام رسید اقدام به کاشیکاری و تزئینات آن فرمود.

در این زمان خطاط معروف اصفهال مرحوم آقا محمد باقر شریف شیرازی که او را گاهی اقا محمد باقر سموری نیز گفته اند (احتمال تعدد نیز میرود و نیاز به تحقیق بیشتری دارد) شهرت و عنوان داشت. مرحوم سید حجه الاسلام نوشتن کتیبه ها را باو رجوع فرمودند .

تاریخ کتیبه ها و نوشته های موجود در مسجد سید از سال ۱۲۶۹ (کتیبه سنگاب واقع در رواق بقعه سید حجه الاسلام) شروع گردیده و تا سال ۱۳۷۷ (کتیبه سردرب زنجیر در اصلی مسجد سید) ادامه می یابد و ظاهرا کتیبه هائی که بخط محمد باقر شیرازی (یا شریف شیرازی) است گر چه عموما تاریخ آن مربوط به زمان حیات مرحوم سید حجه الاسلام می باشد (۱۲۰۰ و ۱۲۰۹) لکن نصبه آن مربوط به زمان مرحوم حاج سید اسدالله می باشد .

لکن کتیبه داخل گنبد بخط ثلث سفید بر زمینه کاشی خشت لاجوردی رنگ شامل سوره (الجمعه) و به جمله : کتبه محمد باقر الشیرازی ۱۲۸۸ ختم میشود در زمان مرحوم سید ثانی تهیه و نصب گردیده است . (ص ۷۹۹ گنجینه آثار تاریخی اصفهان).

برای آگهی بیشتر از وضع بنا و تاریخ کتیبه ها و همچنین خطاطین و نویسندگان آن طالبین به کتاب نفیس : گنجینه آثار تاریخی اصفهان مراجعه فرمایند .

ص: ۳۲۸

فصل هفتم: (عبادت – زهد – کرامات)

عبادت و زهد مرحوم حاج سید اسدالله

هر کجا نامی از مرحوم حاج سید اسدالله بیدآبادی برده شده است و یسرا بعابد زاهد ستوده اند بلکه او را اعبد وازهد و اتقی خوانده اند .

در فصص العلماء (ص ۱۲۲) می نویسد :

در اخلاق و تقاوت وفقاهت وزهادت و عبادت اوحد اهل عصر ... و عادت موروثه از اسلاف و اشراف و اباء و اجدادش اینکه هر شب از نصف شب تا صبح در امکنه خالیه فارغه بدعاء و مناجات و گریه و عبادت اشتغال دارد و در ابکاه از خوف حضرت قهار ما ننـدی برای او نیست .

کرامتی از حجه الاسلام ثانی

در کتاب گنجینه دانشمندان (ص

۱۷۲ پنجم) می نویسد :

ص: ۳۲۹

از بعضی از دانشمندان موثق شنیدم در هنگامیکه مرحوم حاج سید اسدالله نجف مشرف بودند شب چهارشنبه (یا شب جمعه) مردم جهت دعا و عبادت در مسجد سهله بودند در این موقع شبها از ترس سارقین و اشرار وحیوانات درب مسجد را می بستند وقت صبح که خادم جهت باز کردن در مسجد میرود مشاهده می کند که شیر نر گرسنه ای پشت در خوابیده است جر أت باز کردن در را نمی کند با مردم روی بام مسجد رفته فریاد و غوغا برمی آورند که شیر تحت تاثیر صداها واقع شده و برود لکن او همچنان خوابیده بود در این هنگام متوجه میشوند که شخصی عبابر کشیده از جانب مسجد کوفه بسمت مسجد سهله می آید مردم فریاد می کنند : الحذر الحذر سبع سبع ، نیا نیا حیوان درنده این جاست او همچنان بی اعتنا بسمت مسجد سهله می آمده و هرچه فریاد اینان بیشتر می شود او ابدأ اعتناء نمی کند .)

شخص عبا بر سر کشیده به درب مسجد میرسد و گوشهای شیر را گرفته و می گوید (تلح) ای شیر دور شو مردم مشاهده می کنند که آن حیوان برخاسته و با کمال ادب و سرعت از مسجد دور میشود . مردم تعجب می کنند که آیا این اقای محترم کیست آیا حضرت بقیه الله الاعظم امام زمان علیه السلام می باشند یا... در مسجد را باز می کنند و مشاهده می کنند که او مرحوم حاج سید اسد الله می باشد اعتقاد آنان نسبت به ایشان زیادتر میشود . (نقل از گنجینه دانشمندان با اندکی تغییر).

دانشمند فرزانه حجه الاسلام حاج شیخ مهدی فقیه ایمانی مؤلف کتاب : مهدی منتظر را بشناسید و غیره از قول پدر بزرگوار خود مرحوم عالم جلیل زاهد اقا شیخ محمد باقر بن حسینعلی طهرانی اصفهانی مؤلف : فوز الاکبر مطبوع متوفای شب جمعه ۲۰ ذی القعده سال ۱۳۷۱ مدفون در اطاق تکیه کازرونی

در تخت فولاد این کرامت را از قول مرحوم اقا نجفی (حاج شیخ محمد نقی) نقل نمودند که ظاهرا مرحوم آقا نجفی جزو حاضرین در مسجد بوده

کرامتی دیگر از حاج سید اسدالله : مرحوم اقا شیخ محمود عراقی مؤلف کتاب دار السلام (۱۳۰۸

۱۲۶۰) در کتاب نامبرده در فصل سوم درذکر کسانیکه در بیداری موفق بزیارت حضرت بقیه الله الاعظم امام العصر و الزمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند (ص ۳۱۳ چاپ کتابفروشی اسلامیه) حکایت دهم شخص فلاح یزدی رانوشته در آنجا بخلاصه گوید :

حاج ملا باقر بهبهانی مؤلف کتاب : الدمعه الساکبه در کنار نهر هندیه باغی احداث نموده بود و آنراصاحبیه (منتسب به حضرت صاحب الزمان علیه السلام) نامیده بود . در اواخر کار بعلت مخارج زیاد و عیالمندی و ضعف کسبه (شغل او کتابفروشی و محل آن در زاویه صحن مطهر علوی بوده) مدیون و پریشان حال شده بود تا وقتی در نجف اشرف مشهور شد که حضرت امام زمان علیه السلام خریدار باغ صاحبیه ملکی و احداثی حاج ملا باقر شده است و پس از مدتی شهرت یافت که آنحضرت بوسیله حاج سید اسدالله رشتی اصفهانی قرضهای حاج ملا باقر را اداء فرموده است.

مرحوم عراقی سپس شرح جریان را از قول خود حاج ملا باقر مفصلا بیان فرموده به خلاصه اینکه :

جهت رفع گرفتاری و قرض و پریشانی به حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل شدم وراه نجات را از ایشان خواستم . در یکی از روزها هنگام صبح پیر مرد باغیان یزدی که مردی صالح بوده و در باغ صاحبیه کار میکرده

در مسجد سهله در صف وسط مسجد نشسته و مشغول ترتیب ودعا خواندن بوده که شخص محترم و بزرگواری را می بیند که به او میفرمایند :

حاج ملا باقر این باغ را نمیفروشد ؟ گفتم تمام باغ رانه ولی چون مقروض است بعضی از آنرا شاید بفروشد .

فرمود : تو نصف این باغ را از طرف او بمن به مبلغ یکصد تومان بفروش و پول آنرا بگیرد و به او برسان .

گفتم : من در این مورد از او اجازه ور کالت ندارم.

فرمود : بفروش و پولش را بگیر اگر قبول نکرد و اجازه نداد پولش را پس بیاور .

گفتم : در این باب احتیاج به سند و شاهد دارد و تا آنکه خود او نباشد ممکن نیست .

فرمود: میان من و او سند و شاهد لازم نیست . هر قدر که آن شخص اصرار فرمود من قبول نکردم .

فرمود : من پول را بتو میدهم ببر و تورادر معامله وکیل خود می کنم اگر فروخت از برای من خریداری کن و پولش را بده و اگر قبول نکرد پول را

L

بیاور .

پیر مرد یزدی باغبان می گوید : با خود اندیشیدم پول مردم راگرفتن و بردن هزار نوع زحمت و درد سر دارد قبول نکردم و به او گفتم که :

من تمام روزها صبح برای نماز این محل هستم از او میپرسم وجواب آنرا بتو میرسانم چون این بشنید بر خاسته و از مسجد بیرون رفت .

حاج ملا باقر می گوید چون پیرمرد باغبان این جریان را گفت باو گفتم چرا نفروختی و تو که خود میدانی من به تنهائی از عهده مخارج این باغ بر نمی آیم و علاوه بر آن مقروض نیز هستم از این گذشته امروز تمام این باغ راکسی باین

قیمت نمی خرد.

باغبان گفت که من اذن نداشتم و نمی توانستم بدون اجازه مالک باغ آنرا معامله کنم ، اکنون که به این معامله راضی هستی چون وعده کرده ام که فردا

جواب باو بدهم شاید فردا بیاید حاجی ملا باقر باو می گوید بهر طور شده است معامله را انجام بده .

فردا صبح از آن شخص بزرگوار خبری نشد حاجی بهبهانی به باغبان می گوید هر طور شده است او را در نجف و یا کوفه و باغات اطراف پیدا کرده و معامله را انجام میدهد. هر چه میپرسد و از هر کس سؤال می کند ان شخص را با آن نشانها ندیده و نمی شناختند . حاجی مأیوس و متحیر می شود .

پس از مدتی در یکی از شبها که حاجی بابت قروض خود و پریشانی حال و گرفتاری و عیالمندی و ترس از رسوائی می اندیشیده بخواب میرود در عالم رؤیا شرفیاب محضر مقدس منور حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده انحضرت میفرمایند : در ایران در ساری

حاج ملا باقر پول باغ در نزد حاج سید اسدالله میباشد برو از او بگیر این بفرمود من از خواب بیدار شدم و بسیار خوشحال و مسرور بودم لکن پس از اندکی تأمل با خود اندیشیدم که : شاید این خواب بقیه خیال اول شب بوده است که « النوم بقیه الخیال » وشاید اظهار آن به سید موجب بدخیالی او در باره من شود و تصور کنند که من بدروغ می گوید و میخواهم بدین وسیله چیزی از او بگیرم.

در هر حال با خود گفتم که : سید مرد بزرگی است و مرا هم می شناسد و میداند که اهل اینگونه حرفها نیستم و بیان خواب نیز اگر نفع نداشته باشد ضرر هم نخواهد داشت ضمن دروغ هم نگفته ام که عند الله مؤاخذ باشم .

مسیح بعد از اداء نماز صبح که عازم رفتن بصحن مطهر و حجره کتابفروشی

بودم چون بدرخانه سید که در مسیر من بود رسیدم توقف کرده و اهسته حلقه در را حرکت دادم بلافاصله صدای سید از بالاخانه بلند شد که : حاج ملا باقر هستی توقف کن که آمدم . چون مرا باسم صدا زد با خود گفتم شاید مرا از دور که می آمده ام دیده است . سید فورا از پله ها پائین آمد با شب کلاه و لباس خلوت در را گشوده و کیسه پولی بدست من نهاد و گفت کسی ندانـد و در را بست و رفت بدون آنکه دیگر سخنی بگوید چون بیاوردم و شماره کردم یکصد تومان بود و تا زمانیکه سید حیات داشت من این واقعه را بکسی نگفتم . لکن مردم از تقسیم آن پول در بین المباران و بعضی قرائن دیگر از آن قضیه فی الجمله آگاه شدند و مختلف برای هم نقل میکردند .

کرامتی دیگر از مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی :

مرحوم آقا شیخ محمود عراقی در دار السلام (ص ۳۱۹) پس از نقل قضیه ملا محمد باقر دهدشتی می نویسد :

مؤلف گوید : در زمان حیات حاج سید اسد الله با او معاشرت و امیزش نداشتم تا آنکه آب فرات را به نجف آورد ... در مسافرت به عتبات در بین راه وفات یافته در باب قبله صحن مطهر مقابل مقبره شیخ مرتضی انصاری دفن نمودند . حقیر در موقع تشرف جهت شیخ که استادم بود و در وقت برگشتن جهت ایشان بخاطر حق تشریب فاتحه می خوانـدم وقتی چنین اتفاق افتاد که در امر معاش شدتی عارض شد و کلیه راههای تـدبیر مسدود. شبی در وقت خروج از صحن مطهر که نوبت فاتحه برای سید بودم متذکر شدم که کفایت این امر را از سید بخواهم و با خود گفتم اگر کفایت ننمود دیگر فاتحه نباید خواند .

اول شب بود که این فکر را نمودم در همان شب در عالم رویا چنین بنظرم رسید که شخصی آمد و پولی بمن داد و گفت این را سید جهت شما فرستاده

است ، پس از بیداری شخصی آمد و مبلغی پول بقدر حاجت بمن داد و دانسته شد از خواب خودم وسؤال از او که این پول را آن بزرگوار حواله فرموده است. پس حسن ظن من نسبت با بشان زیاد شد وتا در نجف اشرف بودم قرائت فاتحه را ترک ننمودم

کرامت دیگری رانقل نمود واعظ خبیر بصیر اقای حاج اقا رضا مظاهری فرزند عالم جلیل زاهد متقی مرحوم آخوند ملا محمد حسین مظاهری کرونی که سفری به عتبات مشرف شدم و بهمراه من یکی از آشنایان بود که بدون تذکره و از راه قاچاق می آمد و آنکس که مأمور آوردن او بود دیر کرده بود و از این حیث بسیار نگران بودم . در حین تشرف به محض ورود به صحن مطهر مقابل قبرسید ثانی ایستاده فاتحه خواندم و عرض حاجت کرده و او را وسیله استجابت دعای خود قرار دادم و ضمن گفتم : اگر این شخص بهمین زودی نباید دیگر برای شما فاتحه نخواهم خواند.

در موقع خروج از حرم مطهر به یکی از آشنایان برخورد کرده و اظهار نگرانی نمودم او گفت همین جا در جنب صحن مطهر خانه ای است که زوار قاچاق را به آنجا وارد می کنند بیا برویم آنجا سراغ بگیریم . با همدیگر به آنان خانه رفته اتفاقا رفیق اصفهانی خود را که چندین روز بود منتظر او بودیم مشاهده نمودیم که تازه وارد شده بوده بسیار خوشحال شده با تفاق او بیرون آمده و اعتقادم نسبت به مرحوم حاج سید اسدالله خیلی زیادتر از آنچه بود گردید رحمه الله علیه وعلی جمیع علمائنا العاملین .

اشعار در مدح و ستایش

مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی

عده ای از شعراء و گویندگان اصفهان و عراق بعربی و فارسی قصایدی در ستایش

انجناب سروده اند که از آنجمله است :

مرحوم هما شیرازی اصفهانی. در نعت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ومدیحه حاج سید اسدالله بیدآبادی (نقل از دیوان اشعار هما) :

پرده بر افتد گر از جمال محمد ص خیره شود عقل در جلال محمد ص ما از خورشید نورگیر دو خورشید ، کسب کند نور از جمال محمد ص مقصد واجب زافرینش امکان غیر محمد نبود و آل محمد ص

پس از ده سطر : کی بود آنجا که ذو الجلال ثنا گفت مدح هما در خور جلال محمد ص عقل فروغیست از جمال محمد ص عرش مثالیست از جلال محمد ص نورمه از مه طلب نسیم گل از گل زال محمد بجو خصال محمدص أول عنوان قلم که لسوح بیاد است نام محمد نوشت و آل محمد ص جز ببدن نیست اتصال روان راب جز بعلی نیست اتصال محمدص گرچه بصورت دو اند لیک بمعنی هست جمال علی جمال محمد ص بود بهر وقت د􏰀ر مقام و بهر جا وصف علی بهترین مقال محمد ص در کف حیدر سپرد خاتم دولت چون زجهان آمد انتقال محمد ص همچو هما خواهی ار مراد دو عالم مدح محمد بگوی و آل محمد ص می نشود گلشن وجود تو خرم تا نکنی مدح نو نهال محمد ص حجه الاسلام و شمع دین اسد الله آنکه از او تازه شد خصال محمدص

این قصیده جمعه ۲۴ بیت است . باز در قصیده دیگری دنباله مدح و مرثیه مرحوم سید حجه الاسلام گوید : هما بیار بشکرانه مطلع دیگر

که یافت بار دگر زیب و خرمی ایام

ص: ۳۳۶

ژبعد حجه الاسلام باره اسلام :|

گرفت از اسد الله ثانی استحکام بلی زماه منور جهان شود روشن

چو افتاب کند رخ نهان بپرده شام پناه دین اسدالله ثانی آنکه دهد

زبعد عقل نخستین به نه سپهر نظام فرید در کم و کیف و نجوم وحکمت و نحو .

: وحید در همه فن اصول و فقه و کلام بگرد خرمن فضلش کز و ست حاصل دهر

در خوشه چین شب وروزند جاحظ ونظام به حکم وهمت و تقوی و مردمی وهنر . .

. جز او قرین پدر کس نشد ز نسل کرام اگر فرین پدر شد بهر صفت نه عجب ساری

فان شبل الأسد کالاسد بای مقام عجب مدار که دلهای مرده زنده شود

که زنده شد بجهان باز حجه اگر بخواهی سلمان بینی وبوذر

بعلم و تقوی او را ببین در این ایام اگر بصورت و معنی پسر بود چو پدر

هم او بود که بمعنی وصور تست زدل زدایدانده بتن فزاید جان

کفش بگاه عطا و لبش بوقت کلام

ص: ۳۳۷

زبازوی کرم او گرفت نام سخا

از نیروی قلم او فزود شرع نظام بقوت اسد اللهی و عنایت حق

شکست چون أسد الله شو کت اصنام بخلق و خلق جز او کس نشد ترین پدر

تبارك الله از این خلق و خلق وعز ومقام زمام بخت چو یزدان نهاد در کف او

نهاد در کف او بخنی سپهر زمام سزد که دمر ببالد از این خجسته پسر

که نام نیک پدر زنده کرد در ایام زبعد صادر اول که بود عقل نخست

چو مصدر آمده اصل کلام تم کلام چو نظم بافت زاحکام او شریعت و دین

ولا یزال علی الـدهر نافذ الأحکام (تذکر) : در کتاب : آتشکده اردستان (ص) اشعاری از گفته های یموت شاعر زواره ای در باره مرحوم سید ثانی نقل می کند که قابل نوشتن و یاد آوری نمی باشد و این تذکر بخاطر آنست که بدانیم : لکل موسی فرعون .

ا

مرحوم حاج سید اسد الله وشعر

بطوریکه در برخی از کتب در ضمن بیان شرح حال مرحوم سید ثانی نوشته اند وی شعر میگفته و در سرودن آن قدرتی داشته است (ص ۱۳۹ المآثر والاثار) لکن تاکنون نمونه ای از اشعار انجناب بنظر نویسنده به طور نرسیده است .

ص: ۳۳۸

تصویر



مرحوم سید اسدالله و خط

مرحوم حاج سید اسدالله جامع فضائل صوری و معنوی بوده و از جمله مزایای او حسن خط است که حقا باید و در یکی از خوشنویسان قرن سیز هم هجری در اصفهان دانست. مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۸۳۹ سوم) در باره او می نویسد :

در علم و عمل وزهد و تقوی و فطانت و کیاست و شهرت و ریاست بدرجه اعلی رسیده چندانکه در بعضی مراتب و مقامات از پدر بزرگوار در گذشته و نظم شعر وحسن خط مزید بر مزایا و معالی او گشته ...

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان وری (ص ۲۸۰ پاورقی) می نویسد : مرحوم سید در حسن خط هم مرتبه اعلی را دارا بود.

بطوریکه معروفست کتیبه داخلی در بقعه مرحوم سید حجه الاسلام بخط ثلث برجسته طلایی رنگ بر زمینه لاجوردی نوشته شده و بعد از جمله قال الله تعالی آیه ۲۹ تا ۴۶ سوره مبارکه (ص) گچ بری گردیده و تاریخ آن ۱۲۷۲ می باشد خط مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی می باشد .

همچنین دوازده امام منظوم (بنبی عربی و رسول مدنی ..) که آنهم بخط ثلث برجسته طلائی رنگ بر زمینه لاجوردی و در قسمت فوقانی سه گوشوار، شرقی و غربی و جنوبی بقعه می باشد بخط مبارک مرحوم حاج سید اسدالله میباشد.

برخی اشعار قصیده هما را که بخط نستعلیق در اطراف بقعه کتیبه شده است را نیز از آثار آن مرحوم می دانند

مقبولیت عامه

أن الذین آمنوا وعملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودأ (قران مجید

حدیث و تفسیر:

سوره مریم آیه ۹۹) .

عن النبی صلی الله علیه واله وسلم : ما اقبل عبد بقلبه الی الله الأأقبل الله بقلوب المؤمنین الیه حتی یرزقه مودتهم ورحمتهم ومحبتهم .

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمودند : هیچ بندهای بالب خود متوجه خدای تبارك و تعالی نشد جز آنکه خداوند عزوجل قلوب مؤمنین را متوجه او گردانید تا دوستی و رحمت و عطوفت آنان را روزی وی گرداند .

مفسرین بزرگراز در تفسیر آیه فوق از قول بزرگان دین چندین قول نقل نموده اند از آنجمله :|

ا– ایه در شأن حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است (بروایت شیعه وسنی).

۲– آیه درباره حضرت امیرالمؤمنین و استجابت دعای انحضرت است که پیغمبر اکرم به او دستور فرموده بودند (بروایت شیعه و سنی). ۳– خداوند هر کس که مؤمن و نیکو کار باشد را دوست دارد .

۴ – تمام مردم مؤمنین و نیکوکاران را دوست دارند حتی مردم کافر و فاسق نیز نیکوکاران را دوست دارند .

د خداوند مؤمنین را دوست یکدیگر قرار دارد تا بتوانند به کمك و معاونت و معاضدت یکدیگر بر مشکلات فائق شوند .

– ایه مربوط به روز رستاخیز است که در آن روز همه مؤمنین و اهل ایمان با یکدیگر دوست و یکدل باشند و تفسیرهای دیگری (علی بن ابراهیم ابو الفتوح – مجمع البیان – مخزن العرفان – منهج الصادقین – المیزان).

اما معنی ظاهری آیه شریفه :

کسانی که ایمان آوردند و کار نیک انجام دادند زود باشد که خداوند رحمن برای آنان دوستانی قرار دهد بنابر این هر کس مؤمن بود و کار نیک انجام داد خداوند محبت او را در قلوب مؤمنین قرار میدهد که همه او را دوست دارند.

علامه طباطبائی در المیزان (ص ۱۷۳ بیست و هفتم ترجمه) در ذیل این آیه شریفه میفرماید :

در این آیه شریفه وعده جمیلی از ناحیه خدایتعالی آمده که بزودی برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح می کنند مودتی در دلها قرار میدهد .

دیگر مقید نکرده بکدام دلها ، آیا دلهای خودشان یا دلهای دیگران ؟ آیا در دنیا و یا در آخرت و بهشت؟

یکی از مصادیق این آیه شریفه مرحوم حاج سید اسد الله بیدآبادی می باشد.

وی چون حقاً عابد و زاهد و متقی و خداجوی و نیکوکار بود مردم نیز او را از جان و دل دوست میداشتند و بخصوص پس از فضاهای مورچه خورت و اعمال غیر انسانی و خلاف شرع و قانون عرف کیکاوس میرزا عزت و احترام آن مرحوم در نزد عموم طبقات بیشتر شده و حتی دو لتیان وشاه نیز از ارادتمندان او شدند و کلیه مسببین آن واقعه هریک به بلیهای گرفتار و مایه عبرت مردم روزگار کشتند فاعتبروا با اولی الابصار .

مرحوم حاج میرزا حسن خان جابری انصاری در کتاب تاریخ اصفهان (ص ۳۳ جلد سوم) در ضمن بیان شرح حال آن بزرگوار می نویسد :

احترامش راهمه کس ملحوظ داشتند جز کیکاوس میرزا قاجار که در مورچه خورت اندکی بی ادبی کرده و بزودی قهر الهی بچوب شاهنشاهی ادب شده (انتهی)

عموم طبق اب مردم اصفهان بخصوص علماء و بزرگان اولا بخاطر شخصیت علمی و زهد و تقوی او وثانیه بعلت حقوقیکه از مرحوم سید حجه الاسلام بر ذمه

آنـان بـود و پرا بیش از حـد احـترام میکردنـد . همه برادران و برادر زادگـان و بنی اعمـام ایشـان ویرا بعنـوان بزرگ خانـدان انتخـاب نمـوده و بطوریکه شـهرت دارد حتی اقا میرزا زین العابدین و اقا میرزا ابوالقاسم که هر دو از نظر سن از ایشان بزرگتر بودند در برابر ایشان می ایسـتادند و تا اجازه نمیفرمود نمی نشستند .

امامت جماعت

مرحوم حـاج سـید اسـد الله صـبح هـا در مسـجد سـیدامامت میفرمود و ظاهر أنمازهای ظهر و عصـر و مغرب و عشا را برادران دیگر ایشان اقامه مینمودند.

مرحوم انصاری در تاریخ اصفهان (ص ۳۳ سوم) در ضمن شرح حال ایشان می نویسد :

در نماز صبحش در اول فجر (اقامه) میشد از محلات دور ودهات نزدیک شهر اجتماع مأمومین فضای مسجد سید را فرا گرفته .

(شرح یک نماز جماعت) :

نقـل نمود واعـظ بصـیر و محادث خبیر مرحوم آقا شـیخ محمـد رضا حسام الواعظین (۱۳۸۹ - ۱۳۰۱) فرزنـد مرحوم واعـظ معروف حاج میرزا محمد علی بن ملا اسماعیل بن جعفر بن حسن اصفهانی در بالای منبر در مسجد سید از قول پدرش که ایشان گفته بود؛

در یکی از شـبهای زمستان که چندین شب متوالی برف باریده بود و هوا بشدت سرد بود بقصد شرکت در نماز جماعت مرحوم حاج سید اسد الله که در اول طلـوع فجر اقـامه میفرمود از محله پـاقلعه حرکت کردم (بایـد توجه داشت که در آن سالهـا وضع کوچه هـا از نظر گـل و لای و یخبندان و برف چه حالتی داشـته و مسلمانهای آن زمان برای درک فیض نماز جماعت چه همتی داشته اند که یک ساعت قبل از طلوع فجر از محله پاقلعه حرکت کنند تا بتوانند در اول وقت در مسجد سید

حاضـر باشـند فطوبی لهم ثم طوبی لهم وحسن مآب) و با خود می اندیشـیدم که امشب با این سـردی هو او برف و یخبندان مسجد سید خلوت است و من میتوانم جـای منـاسبی برای اقتـداء پیـدا کنم . حـدود یک ساعت به اذان حرکت کردم نزدیک به اذن به مسـجد رسـیدم وقتی وارد شبسـتان بزرگ مسـجد سـید شـدم مشاهـده نمودم که جمعیت نماز گزاران تمام شبسـتان را پر کرده و جای خالی وجود ندارد بالاخره نزدیک درب آخر شبستان جائی پیدا کرده و بفیض نماز جماعت رسیدم.

این موضوع را چنـدین نفر دیگر نیز از پیر مردان که بـا خود در اوائـل جوانی با پـدرانشان به مسـجد رفته بودنـد و یا از آنان شـنیده بودنـد نقل کردند و بحد تواتر رسیده و از موضوعهای قطعی و یقینی است و در صحت آن شکی نیست .

مقایسه دو عان مقایسه دو زمان

از زمان فوت مرحوم حاج سـید اسد الله بید آبادی تا هنگام نوشـتن و پاکنویس این سـطور یکصد و چهارده سال می گذرد. در آن موقع وضع مردم و مساجد چنین بود که شـرح آن داده شد لکن در زمان حاضـر در موقع صبح در بیشتر مساجد اقامه نماز جماعت نمیشود و در مساجدی که نماز جماعت منعقد میگردد عموما تعداد مأمومین انگشت شمار است مگر تعداد بسیار کمی از مساجد .

(تذکر) :

تا زمان حیات مرحوم حاج سـید محمد رضا شـفتی نواده مرحوم حاج سـید اسدالله این سنت سنیه یعنی اقامه نماز جماعت در اول اذان صبح در مسـجد ادامه داشت لکن پس از فوت آن مرحوم نمـاز جمـاعت صـبح مسـجد نیز تعطیـل گردیـد. امیـد است که حجه الاسـلام زاده عزیز مـا یا خودشخصأصبح به مسجد تشریف ببرند و یا آنکه دیگری را به نیابت خود در مسجد قرار دهند انشاء الله مأجور خواهند بود .

ص: ۳۴۴

فصل هشتم: (خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)

(خانواده و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله)

.

در فصلی که مربوط به اولاد مرحوم سید حجه الاسلام بود بطوریکه تفصیل و اجمالی اسامی و شرح حال اولاد و اعقاب مرحوم حاج سید اسدالله را ذکر نمودیم در این جا نیازی به تکرار نیست . در این جا فقط گوئیم :

مرحوم حاج ملاعلی خلیلی پدرزن مرحوم سید ثانی داماد عالم وفقیه دیگری نیز بنام سید محمد علی شاه عبدالعظیمی داشته است.

مرحوم حاج سید محمد علی بن محمد بن هدایه الله مشهور به میرزاجان حسینی عالم فاضلی فقیه زاهد مؤلف کتب عدیده از آنجمله : ۱- الایقاظ ۲- حلیه الزائر

- مسلك الذهاب - منتخب التفاسیر - وسیله الرضوان ۶- وفاه الزهراء علیها سلام الله و غیره در ۱۲۰۸ متولد و در ۱۳۳۶ وفات یافته است .

اعقاب و اولاد مرحوم حاج سید اسدالله منحصرا از یگانه فرزند پسر ایشان مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی معروف به حاج آقا با سید حاج اقا می باشند

ص: ۳۴۵

که در زمان حاضر برخی از آنان متصدی مشاغل عالیه در دستگاه حکومت می باشند و فقهم الله بصالح الأعمال و یکی دو نفر نیز در لباس روحانیت و از فضلاء محسوبند.

وامانواده دختری آن مرحوم بشرحی که قبلاـ نوشته شده عده آنها بسیار و جمعی از آنان از اهل علم و فضل و روحانیت و عده ای نیز در مشاغل دولتی و ملی بخدمتگزاری اشتغال دارند و عموما مردانی صالح ودیندار می باشند .

مسافرت به عتبات ووفات در بین راه

مرحوم حاج سید اسدالله در سال ۱۲۹۰ بقصد زیارت اعتاب مقدسه ائمه عراق علیهم السلام از اصفهان حرکت نموده و در بین راه بیمار گشته و سرانجام در شب یک شنبه سلخ جمادی الثانیه سال مرقوم (۱۳۹۰) در منزل گرند از توابع کردستان وفات یافته نعش او را از آنجا تا نجف اشرف با احترام شایسته از طرف دولت و ملت بر سر دست و دوش مردم حرکت داده و در آن ارض مقدس بخاک سپردند .

(رفع اشتباه) : علامه طهرانی در الذریعه (ص ۲۰۶ بیست و دوم) در ضمن بیان مناسک حج وفات مرحوم سید ثانی را در ماه صفر می نویسد که اشتباه می باشد.

در کتاب : ماضی النجف وحاضرها (ص ۱۳۲ یکم) وفات مرحوم حاج سید اسدالله را در سال ۱۲۹۲ می نویسد که یقینا اشتباه و سهوالقلم از طرف مؤلف مرحوم آن کتاب می باشد .

محل دفن

مرحوم حاج سید اسدالله را در اطاق سمت راست وارد شونده بصحن مطهر از درب قبله مقابل قبر علامه فقیه زاهد مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری (اطاق سمت چپ وارد شونده) دفن نمودند و اندو بزرگوار همچنانکه در زمان حیات حامل علوم و احادیث اهل بیت وحضرت باب الائمه علیهم السلام بودند. پس از وفات نیز دربان روضه مقدسه و صحن هنور گردیدند رحمه الله علیهما وعلی جمیع علمائنا .

ماده تاریخ وفات

پس از وفات مرحوم حاج سید اسد الله عده ای از شعراء و گویندگان عربی و فارسی مرثیه و ماده تاریخهائی در آن مورد سروده اند که از آن جمله است : ۱- مرحوم سید جعفر حلی (۱۳۱۰- ۱۲۷۷) مؤلف سحر بابل و سجع البلابل در ضمن قصیده ای گوید :

اسدالله بمثوی اسدالله توسد (۱۲۹۰)

۲- میرزا محمد همدانی معروف به ام الحرمین متوفی بسال ۱۳۰۲ مؤلف فصوص الیواقیت در ضمن قصیده ای گوید :

ویوم جاؤوا بنعشه امم ضجت فاضحی تاریخه : صرخت

یکی دیگر از مرثیه ها و ماده تاریخهائیکه در وفات آن مرحوم گفته شده است قصیده ای است که ادیب شاعر مرحوم آقا شیخ مهدی بن شیخ صالح بن قاسم مشهور به حجی نجفی صاحب دیوان اشعار مخطوط متوفی در طاعون سال ۱۲۹۸

در نجف اشرف گفته است (پدرش نیز ادیب و شاعر و فقیه بوده و در سال ۱۳۷۰ وفات یافته است).

خطب الم بر کن الدین فانهدما لوقعه بکت السبع الشداد وما رمی الرشاد یعین الرشد فادحه فاستشعرت عنده عین الرشاد عمی امی یمین فریش الفضل حلفتها من کان بینهم دون الوری قسما رمی الیمین فیا مثلت انامله فی الدهر شل یمین الدین حین رمی فیا إماما شأی وادی الحمی فکبا به القضا فالحمی اضحی بغیر حمی مذ قام فیک مهنی الذین قام له ناعیک ینعی فاشجی العرب والعجما وحین اصبح فیک المجد مبتهجه امسی له الوجد یرری جنبه ضرما یا صفقه الدین لما خاب من امل لم یحس فیک به حتی عذا ألما فان بکی قد بکاء الدین مکتبئا فطالما کان فیک الدین مبتسما الله یومک ولایام معوله و آوالدی ذا وذا یا کافلی رحما وللارامل من حول السریر بکا بمدمع مزجت منه الفرات دما فجرت من کبدالصم الفرات لهم والیوم فجر ست دمعا فی الخدود هما فیا فقیدأ بکت عین العلوم له وکابدت کمدأ اخوانه العلما تدعوک یا اسدالله الذی نشرت للدین کفاه بعد المرتضی علما إلی آخر القصیده (ص ۱۰۷ سوم معارف الرجال) .

بعضی از مدفونین در حجره

: در حجره ای که قبر مرحوم حاج سید اسدالله بید آبادی واقع شده است چند نفر دیگر نیز مدفون می باشند از آنجمله : -- ا- حاج سید علی شوشتری (ص۶۳ یکم فوائد الرضویه) فوت ۱۲۸۳ه. ق.

۲- حاج آقا کمال الدین شریعتمدار فرزند آقا شیخ محمد تقی أقا نجفی اصفهانی (۱۳۵۲ – ۱۳۸۳). | و از اولاد و اعقاب مرحوم سید حجه الاسلام :

- حاج سید محمد جعفر فرزند سید حجه الاسلام. ۲- آقا سید هاشم فرزند حاج سید جعفر فرزند سید حجه الاسلام . واما مدفونین در حجره مقابل یعنی طرف چپ وارد شونده :

- سید آفا یزدی (ص ۷۲ه دوم الکرام البرره) . ۲- شیخ محسن خنفر (ص ۹۸ یکم معارف الرجال) . ۳- شیخ اجل افقه مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری علیه الرحمه والرضوان.

ابواب صحن مطهر علوی

(فائده) : درب قبلی صحن مطهر نجف اشرف : صحن مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دارای پنج درب می باشد بدین شرح :

۱- درب شرقی – درب بزرگ صحن – در ساعت مقابل ایوان طلا و اول بازار بزرگ نجف. برای ایشان را بازسازی

۲- درب شمالی – باب طوسی که به مسجد و قبر شیخ الطائفه شیخ ابو جعفر محمد بن حسن طوسی منتهی میگردد .

۳- درب غربی – باب سلطانی و پسه باب الفرج نیز معروف میباشد .

۴ – در سمت مشرق به سمت محل خیاطها (از درهای عمومی صحن شریف نمی باشد) در سمت راست درب ساعت .

ه – درب جنوبی – درب قبله از قدیمی ترین درهای صحن مطهر می باشد.

در کتاب ماضی النجف وحاضرها (ص ۶۳ یکم) در ضمن بیان ابواب صحن شریف می نویسد:

سوم (بنا بر تقسیم و ترتیب کتاب نامبرده) در قبلی است و در قدیم کوچک

ص: ۳۴۹

و کوتـاه و از چوب خرمـا ساخته شـده بود در اواخر قرن سـیزدهم در زمان شـبلی پاشا (یکی از حکام بغـداد) بدسـتور دخترش بنام فاطمه این درب تجدید گردید .

دیگر از آثار این بانوی نیکو کار ساختمان حوض آبی در صـحن شریف مقابل ایوان بزرگی که در آن قبر علامه ادیب شاعر سید محمد سعید حبوبی فقیه مجاهد (۱۳۳۳ - ۱۲۹۹) قرار دارد می باشد این حوض آب را در سالهای اخیر خراب کردند.

عده ای از شعراء معروف نجف جهت تجدید این درب صحن اشعار و ماده تاریخهائی گفته اند که از آنجمله است :

۱- سـید ابراهیم آل بحر العلوم (فرزنـد اقا سـید حسـین بن علامه اقا سـید رضا بن بحر العلوم طباطبائی) متولد در سال ۱۲۶۸ متوفی بسال ۱۳۱۹ قصیده ای سروده که مطلع آن چنین است

لقد فتح الشـبلی للمرتضـی بابا علا بعلی ذروه العرش اعتابا تا آنجا که گوید : در این کار در اداران بسـیاری | وقد وقع الشـبلی فی باب حیدر ، وجیز خطاب قد تضمن اطنا با ترصع بالسبع السواری فارخوا « نعم فتح الشبلی لحیدره بابا » نعم فتح لحیدره

(۱۲۸۹ مساوی ۷ بعلاوه ۱۲۸۲) ۲ مرحوم شیخ احمد قفطان (۱۲۹۳ - ۱۲۱۷) شاعر ادیب مؤلف القوافی الشبلیه در مدایح شبلی پاشا .

ماده تاریخی که مرحوم شیخ احمد قفطان گفته است بر سر درب قسمت خارج صحن بر کاشی نوشته شده است :

ان هذا الباب قد جدده ملک الدهر السری ابن السری تا آنجا که می گوید : .

انت یا شبلی ارخه « وقال

باب شبلی لمثوی حیدر »

(۱۲۸۹)

(تذکر) :

هر دو ماده تاریخ ۱۲۹۱ میشود لکن در ماضی النجف وحاضرها سال ۱۳۸۹ نوشته است و ما نیز بمتابعت آنجا در زیر اشعار همان سال را نوشتیم .

ص: ۳۵۱

تذکر وتنبیه

در خاتمه کتاب لازم است به چند نکته زیر با کمال دقت توجه شود :

۱- در کتاب حاضر بنام صدها نفر از مشهورترین علماء و دانشمندان نا گمنام ترین دانشجویان و طالبان علم اشاره شده است ممکن است پس از انتشار و مطالعه اهل تحقیق درباره آنها با نظرات متفاوت قضاوت و داوری گردد .

برخی از خوانندگان بقول یکی از بزرگـان و دانشـمندان که پس از تألیف و چاپ کتاب : « شـعرای معاصـر اصـفهان » تألیف نویسـنده این اثر فرموده بود: غث و سمین شده است

و یا بقول یکی دیگر از ادباء و نویسندگان معروف که در یکی از آثار خود در باره این تذکره نوشته بود به کمیت بیشتر از کیفیت توجه شده است .

اکنون نیز گفته شود : همه را بـا هم ذکر کرده انـد . اینان معتقدنـد که فقط مشاهیر علماء و ادباء و حکماء قابل ذکر می باشـند و دیگران چنین قـابلیتی و شایسـتگی ندارنـد بـدان دلیل که احتمال دارد که پس از گـذشت سالها نویسـنده ای ومؤلفی فرد گمنامی که فقط چنـد صـباحی در محضر مجتهدی بزرگوار و یا حکیمی عالیمقدار

حضور یـافته و از خـدمت او اسـتفاده علمی برده (یـا نبرده) باشـد را ویـا کـاتب و نویسـنده ای مجهول راکه فقـط فن او کتـابت بوده و از علم ودانش بهره چنـدانی نداشـته اسـت را در ردیـف علمـاء و بزرگـان ذکر کنـد و به او عـالم جلیـل وفقیه کامـل و اینگـونه القـاب علمی بدهـد (همانگونه که در برخی از کتب معاصـرین مشاهده شده است) بنا بر این نباید از افراد گمنام و غیر مشـهور نامی برد و آنها را باید برای همیشـه فراموش کرد..

برحسب نظر به اینان باید پس از سعدی و نظامی و فردوسی و چند شاعرانگشت شمار دیگر همه را فراموش کنیم و آنان نیز خود از شعر گفتن دم فرو بندند و گرد آن نگردند و یا از شـیخ طوسـی و شـیخ مفید و خواجه نصـیر الدین طوسـی و علامه حلی و شـهیدین وشیخ بهائی و علامه مجلسـی و عده ای دیگر از مجتهدین بزرگوار وحکماء و فلاسـفه و مفسـرین که بگذریم بدور دیگران خط بطلان کشـیده و فراموششان کنیم. آیـا این منطق صـحیح است و این گفته درست، آیـا آنـان در بـازار ادب متاعی قابل عرضه ندارنـد و اینان عمر گرانبهای خود را در راه اعلای کلمه حق و ترویج شریعت و علم صرف ننموده اند ؟

نوشتن کتاب در شرح حال مشاهیر علماء و دانشمندان بدون توجه بدیگران . کار آسانی است. اما باید متوجه بود که ممکن است در بین همین افراد عامل الذکر و گمنام مؤلفینی با مؤلفاتی گرانمایه باشند که دنیای علم و معرفت نیازمند به تحقیقات علمی آنان باشد .

با مراجعه به کتابخانه های معروف داخلی و خارجی و فهرست کتابهای آنها بنام بسـیاری از دانشـمندان بر خورد می کنیم که هیچگونه آگهی از دوران زندگانی آنها نداریم . نه از اساتیدشان خبر داریم و نه از میلاد ووفات آنها و علت این مجهولات عدم توجه نویسـندگان کتب تراجم رجال از معاصر ینشان

و کسانی است که بعدا کتاب نوشته اند که نخواسته اند غیر از مشاهیر علماء از دیگران نامی ببرند .

نمونه

بطور نمونه : مینویسند قریب هزار نفر یا بیشتر از محضر پر برکت علامه مجلسی رضوان الله علیه بهره علمی یافته اند اما اسامی اینها چه بوده و اهل کجا و در چه زمان وچه محلی بدنیا آمده و یا مردهاند – مؤلفاتی داشته اند یا نه – از علامه مجلسی و دیگران اجازه داشته اند یا خبر این سؤالات و دهها سؤال دیگر همه مجهول است که باید جواب آنها را پیدا کرد .

همین حالت را دارد شاگردان مرحوم سید حجه الاسلام و مجازین از ایشان وهمچنین شاگردان فرزند بزرگوارش مرحوم حاج سید اسد الله که یقینا عده آنها زیاد بوده است اما متأسفانه اسامی عموم آنها غیر معلوم است. "

عدم ذکر نام عده ای از علماء درجه دوم و سوم و حتی مقامات نازلتر باین دلیل که : تألیف و تصنیفی از آنها مشهور نیست و یا تاریخ تولد و وفاتشان ثبت نشده است و یا ما نمیدانیم منطقی بنظر نمیرسد باید از کلیه کسانیکه در راه تحصیل علم و دانش رنج برده اند و در ترویج دین و شریعت متحمل زحمت شده و بوظائف دینی خود از امر بمعروف و نهی از منکر ورفع ظلم ستمگران و قطع ایادی بیدادگران و دیگر شئون روحانیت اقدام نموده اند علی قدر مراتبهم تجلیل و تکریم و قدردانی نمود و نامشان را بخوبی یاد کرد و ذکر خیرشان را برای ابد محفوظ و مضبوط نگه داشت .

نویسنده کتاب با عدم بضاعت علمی و با نبودن وسائل و کتب لازم برای تحقیق تا آنجا که مقدور بوده است کوشش خود را بکار برده و اسامی اینگونه دانشمندان را از لابلای کتابها و نوشته ها بدست آورده و خوانندگان عزیز و اهل تحقیق و تمیز خود بهتر میدانند که اینان همگان در یک پایه و مقام علمی نبوده اند همچنانکه

در حوزه های درس امروز نیز از مجتهد و متجزی و قریب الاجتهاد شرکت می کنند تا مبتدیان و سطح خوانان و کسانیکه تازه به حوزه های درس خارج میروند . برخی صاحب نظر و مؤلفند و مصنفند و جمعی سیاهی لشکر .

کاتبین نسخهها که از آنان نیز نام برده شده است جمعی خود از علماء بزرگوار و صاحب نظر و مجتهد صاحب فتوی و عده ای نیز صرفا نویسنده و کاتب و جز آن هنری ندارند و اکثر طبقه ما بین این دو دسته اما در هر حال همگی خدمتگزار علم و دانش بوده و باید در حد خدمتی که انجام داده اند از آنها سپاسگزاری نمود .

من در این کتابد و دیگر کتابهایم کوشیده ام که :

مجتهد وعالم وصاحب تألیف وادیب وحکیم وواعظ وشاعر و دیگران را آنچنانکه شایسته مقام علمی و اجتماعی آنها بوده معرفی کنم (تا چقدر موفق شده باشم؟) کاتبین نسخه ها را با قید کلمه (کاتب) معرفی کرده ام تا بین عالم فقیه و کاتب فرقی نهاده باشم . تحقیق بیشتر در احوال این بزرگان وظیفه خوانندگان و محققین وطالبین اینگونه مطالب است .

۲- در ضمن مطالب کتاب به موضوع هائی اشاره شده است که در وهله اول ممکن است بنظر برخی از خوانندگان زائد و یا خارج از موضوع باشد . مانند : شورشهای اصفهان در سالهای ۱۲۰۹ و ۱۲۹۹ و تاریخچه محله بید آباد - تاریخچه شفت - تاریخچه آب شهر نجف ودمها مطالب دیگر

اما خوانندگان و مطالعه کنندگان کتاب با اندکی تأمل و دقت متوجه میشوند که نقل این گونه مطالب جهت تنوع موضوع وعدم یک نواخت بودن کتاب ورفع خستگی خوانندگان عزیز است .

ثانیا هر یک از این مطالب از جهتی با کتاب ارتباط داشته و توضیحی بر

مطالب آن می افزاید که مورد استفاده اهل تحقیق و نویسندگان کتب رجال و تاریخ در زمانهای بعد خواهد بود .

۳. بطوریکه قبلا نیز تذکر داده ایم کلیه تاریخهای این کتاب هجری قمری است مگر آنکه قید شده باشد هجری شمسی .

۴- کلیه مطالبی که از کتب مختلفه نقل گردیده در همان محل به کتاب منقول عنه و صفحه آن اشاره شده و دیگر مجدد نیازی به ذکر مآخذ و مصادر ندارد.

ه - بدینوسیله از کلیه کسانیکه به نحوی از انحاء در تألیف این کتاب مرا یار و مدد کار بوده اند تشکر نموده و اجر و پاداش همگان از خداوند قادر متعال خواهانم که « ان الله لا یضیع أجر المحسنین » .

دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

رات

کو میرا

وصلی الله علی محمد وآله اجمعین سید مصلح الدین مهدوی شعبان المعظم ۱۴۰۵

ص: ۳۵۶

استدراک ج ۱ درباره مرحوم سید حجه الاسلام شفتی بید آبادی

در کتابهای مختلف و متعدد مطالبی نقل شده که عموما از قصص العلماء نقلی گردیده ، و هر نویسنده و مؤلفی مطالب منقوله را بطوری که نظر خاص او بوده تجزیه و تحلیل نموده است از آنجمله : - قرر کیا اور زرداری س اری -

حامد الگار در کتاب : « نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت» درباره قدرت مرحوم حجه الاسلام شفتی و مرگ فتح علیشاه بنفرین انجناب و علل و موجبات اختلاف محمد شاه با آن مرحوم و مسافرت فتح علیشاه و محمد شاه با صفهان وحکومت خسرو گرجی و معتمد الدوله گرجی باصفهان بطور پراکنده و ناقص مطالبی می نویسد که در آنها مطلب و موضوع تازه ای جز آنچه ما نیز آنها را نوشته ایم ندارد .

می نویسد : در شورش مردم تبریز بعلت کمبود نان و گرانی شاه دستورداد یکی از علماء آنجا را گرفته و در حضور مردم و یرا بدار آویختند (ص ۱۰۹ نقش روحانیت) لکن نام این عالم را ذکر نمی کنند .

علت مخالفت شاه با سید حجه الاسلام را حمایت ایشان از عبدالله خان امین الدوله که مخالف سلطنت محمد شاه و طرفدار حسینعلی میرزا فرمانفرما حکمران فارس که ادعای سلطنت کرده بود می نویسد (ص ۱۰۹ بعد).

مرحوم سید حجه الاسلام راجاه طلب و مایل بقدرت شخصی می نویسد و گوید که با لوطیها ارتباط داشته است (ص ۱۰۸) و می نویسد که لوطیها در موقع مرگ فتح علیشاه اصفهان را غارت کردند و غنائم خود را در مسجد جمعه انبار کردند.

نویسنده گوید : اگر چنین باشد بنابراین باید لوطیان وابسته به دستگاه امام جمعه باشند که قدرتی در برابر قدرت مرحوم سید حجه الاسلام بوده و دولت آنرا تقویت مینموده است می نویسد که بدستور شاه نیمی از اصفهان تا حدود نیم آورد را جزو بست مرحوم امام جمعه قرار داده بودند .

پس از نقل غارت اصفهان بوسیله لوطیان می نویسد :

سند دخالت حاج سید محمد باقر در این فعالیتها متناقض است بدین معنی که: فریزر مدعی است او لوطیها را تشویق میکرده در حالیکه در آن تار نو» می نویسد به عکس سید کوشید تا از لوطیها جلوگیری کند بنا بنوشته ناسخ التواریخ امین الدوله به علماء پیامی فرستاد و ضمن یاد آوری حرمتی که علماء در زمان فتحعلیشاه داشتند از آن خواست که بنشانه حق شناسی از غارت بی حساب لوطبان جلوگیری کنند حاج سید محمد باقر و میر محمد مهدی امام جمعه دستور دادند تا جماعتی از لوطیان به سلطان محمد میرزا (سیف الدوله حاکم اصفهان) تحویل شوند و دست و پایشان قطع شود (ص ۱۰۸)

بعد از نقل مطالب بالا بتوجیه مطلب پرداخته و می نویسد : مرحوم سید حجه الاسلام و امین الدوله قدرت و قوای لوطبان را منحصرا تا آنجا که با مقاصد آنان مطابقت داشت میخواستند و به غارت اموال مردم و دزدی و دیگر اعمالیکه به آنها

نسبت می دهند راضی نبودند) .

حکومت و قدرت یافتن منوچهر خان معتمدالدوله گرجیر ابر اصفهان بپایمردی افسران انگلیسی می نویسد (ص ۱۰۹) و می نویسد : مقاومت حاج سید محمد باقر در برابر دستورهای قدرت دنیوی بقرار سابق ادامه یافت و از قدرت و نفوذ آن مرحوم کاسته نشد).

شرحی از پناهندگی و بست نشینی امین الدوله در منزل سید حجه الاسلام نوشته و مسافرت و یرا به اعتاب مقدسه نقل نموده و گوید که در شوال ۱۲۰۱ محمد شاه یکی از پیش خدمتهای مخصوص خود را جهت دستگیری لوطیان باصفهان فرستاد و او جمعی را گرفته عده ای را تبعید ویا زندانی کنند.

شورشی مردم اصفهان در سال ۱۲۰۳را مربوط به مرحوم سید حجه الاسلام و امام جمعه می نویسد و علت آنراجلوگیری از مداخله علماء در امور شهر می نویسد (از عدم کفایت و ظلم و بیداد حاکم ذکری نمی کند)...

علت نا امنی شهر را نفوذ علماء بخصو ص مرحوم سید حجه الاسلام می دانـدن و می گوید : لوطیان شبها از بست خارج شده و به دزدی و کشتار وهتک ناموس میپرداختند و هنگام صبح شمشیرهایشان را در حوض مساجد میشستند.

این نویسنده که مطالب خود را از تواریخ دو لتیان وقت گرفته نمی خواهد اقرار کند که : حاکم ظالم و ستمگر شاه غافل و نالایق وزیر مستبد و صوفی ودست بهم داده و مردم را تحت فشار قرار داده اند و فقط علمانه که ریاست آنها را مرحوم سید حجه الاسلام دارد در مقابل مظالم آنان ایستاده اند . هرچه و هر کس مخالف حکومت باشد : لوطی و شورش طلب ورجاله می نویسنده این خویشتن نگری و کوچک شمردن ملت و مردم بود که موجب این پیش آمدها میشد . علماء بزرگوار بمردم تکیه داشتند و برای آنان ارزش قائل بودند و بخاطر آنان سعی و کوشش

ص: ۳۵۹

میکردند اما دولتیان فقط خود را می دیدند و به شخص شاه توجه داشتند و انچه نزد آنها ارزش و مقام نداشت مردم بود .

مسافرت محمدشاه به اصفهان را نوشته و گوید : شاه بالشکری کامل باصفهان آمد تا قدرت سید را در هم شکند و مجموعه اتباع و انصار او بزور متفرق شده بودند لکن او همچنان می توانست با نخوت و تحقیری شرعی بمحمد شاه بنگرد

معنی نخوت و تحقیر شرعی را نمیدانیم و مقصود نویسنده را از این جمله نمیدانیم اگر کوچک شمردن شاه و دو لتیان جنبه شرعی و دینی دارد دیگر نخوت و تکبر مفهومی ندارد). ..

دیدار مرحوم سید حجه الاسلام از محمد شاه را همانگونه که ما نیز از قمص العلماء نقل کردیم بیان می کند. (ص ۱۹۲) بعد از قول یک نفر سیاح که در سال ۱۸۶۰ میلادی (۱۲۰۹ قمری) باصفهان آمده می نویسد که : قدرت لوطیان درهم شکسته شده و محله بید آباد دیگر از خاصیت بسته بودن بر خوردار نیست . . . برای این کار در ساری

مسافرت محمد شاه را باصفهان در سال ۱۲۹۸ شرح داده که قبلا از قصص العلماء و دیگر مآخذ شرح آنرا نوشته ایم .....

توضیح و تذکر :

در پاورقی کتاب نامبرده (ص ۱۹۲) ضمن شرح مسافرت محمد شاه باصفهان در سال ۱۲۵۸ می نویسد. بنا بروایت گوبینو در این هنگام محمد شاه مجتهدی را از اصفهان تبعید کرد. از قرار معلوم منظور گوبینو حاجی سید محمد باقر است . سپس شرحی در مستبعد .بودن این قول وعدم ذکر آن در مآخذ ایرانی بیان داشته است

نویسنده گوید همچنان که قبلا گفتیم (ص۲۷۷ جلد اول) این مجتهد بزرگوار عالم جلیل ملا محمد تقی اردکانی است .

در دنباله مطالب یاد شده نویسنده کتاب : نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت (ص ۱۹۳) می نویسد :

بدین سان روزگار حاج سید محمد باقر بسر رسید . روزگاری که آشکارا نمایشگر قدرتی بی قید و شرط در وجود یک مجتهد است . اگر در حقیقت همچنان که در پیش اشارت رفت ، در اغراض او تغییر یا گسترشی پدید آمد و دلبستگی او بقدرت شخصی برای نفس قدرت بیشتر از دلبستگی او بانجام وظیفه مذهبی شد با وجود این بدیهی است که از این جهت بهیچ وجه به آوازه نیکنامی او نقصانی راه نیافت ، حتی هنگامی که خونریزی و غارت را نادیده می انگاشت همچنان مورد احترام بود .

نویسنده گوید : اگر رفتار علماء اسلام و شیعه و مرحوم سید حجه الاسلام و دیگر مجتهدینی که همچون او رفتار می کردند ر ادلبستگی بقدرت بخوانیم باید گفت این قدرت جهت اجرای احکام اسلام و مقررات شریعت بوده و آنان هیچگاه قدرت را بخاطر نفس قدرت نمی خواستند این حکام و سلاطین بودند که قدرت را بخاطر قدرت میخواستند و منظور آنان از قدرت یافتن تسلط بر جان و مال واعراض مردم بوده است .

اگر مرحوم سید حجه الاسلام از قدرت و نفوذ خود در مسیری غیر از اسلام و مذهب استفاده میکرد مردم آن زمان در برابر او ساکت و آرام نمی نشستند و بمخالفت او برمی خاستند. او اگر مخالف و دشمنی داشدشاه و اطرافیان او می باشند نه اجتماع مسلمین .

آقا محمد بید آبادی :

در (صفحه ۱۰۷ جلد یکم) اسامی برخی از رسائل و مؤلفات مرحوم آقا محمد بیدآبادی را ذکر نمودیم اکنون گوئیم :

۱۲ - حواشی بر کتاب قره العیون در تعریف ماهیت ووجود از مؤلفات مولی مهدی نراقی شاگرد مرحوم بید آبادی مختصر و در حواشی رساله (ص ۷۰ هفدهم الذریعه)

از آثار مرحوم آقا محمد بیدآبادی یک رساله و دو نامه بطبع رسیده و نزد نویسنده موجود است

- رساله در سیر و سلوك ۲ - رساله در آداب سلوك و اوراد و اذکار

این دو رساله بخط شکسته نستعلیق مرحوم حاج میرزا هاشم فرزند علامه جلیل حاج میرزا یحیی بن حاج میرزا شفیع مستوفی در یك مجلد دره ۱ صفحه رقعی بچاپ رسیده است متصدیان چاپ برادر زادگان مرحوم حاج میرزا هاشم آقایان: حاج میرزا ابوالقاسم و حاج میرزا محمود شفیعی می باشند تاریخ کتابت نسخه دو شنبه ۳ جمادی الثانی سال ۱۳۹۱ می باشد

۳- پیام آقا محمد بید آبادی از صفحه ۲۰۰ تا صفحه ۲۱۰ کتاب تذکره المتقین چاپ نور فاطمه

آغاز : بسمله : یا اخی وحبیبی ان کنت عبد الله فارفع همتك ...

انجام: و از فساد آن بقا به بقای قیوم کل و تحقق به انیت او کرامت گردد وذلك هو الفوز الأكبر

سفر حج مرحوم سید حجه الاسلام ص ۱۲۰ یکم :

میرزا حسین فراهانی در سفرنامه خود که در سال ۱۳۰۲ و ۱۳۰۳ به مکه معظمه مشرف گردیده می نویسد :

از منی تا عرفات با شتر و شفاف چهار ساعت راه است . و بجهت حد عرفات این طرف و آن طرف راه دو میل سه ذرعی از گچ و آجر

ساخته اند

عجمها گفتند مرحوم حاجی سید محمد باقر اصفهانی در سفری که به بیت الله آمده عرفات را تحدید نموده و بجهت علامت حدود آن این دو میل را ساخته

است. انتهی

ثروتمند (صفحه ۱۲۹ یکم):

یکی از معروفترین ثروتمندان در اسلام خلیفه سوم یعنی عثمان بن عفان است .

وقتی که او کشته شد سه زن و بروایتی چهار زن در خانه داشت. میراث هر کدام از آنان از یک هشتم دارای او معادل ۸۳ هزار دینار گردید یعنی جمعه ۸۳ضر بدر ۴ می شود ۳۳۲ هزار که سهمیه زنان او شد و با توجه به اینکه آنان جمع ثمن (یکهشتم) از تمام ثروت او ارث برده اند (مطابق عقیده شیعه یک هشتم از شوهر ارث میبرند) بنابر این جمع مبلغ ارثیه او ۳۳۲ ضربدر ۸ میشود ۲۹۵۲ هزار دینار یعنی دو ملیون و ششصد و پنجاه و شش هزار دینار (این بوده است وضع خلیفه مسلمین علت نارضایتی عموم مسلمانها را از او و عمالش در اینگونه موارد باید تحقیق نمود) ص ه تتمه المنتهی به حاج شیخ عباس محدث قمی)

امین الدوله ص ۲۲۷ یکم :

از کتاب قصص العلماء نقل کردیم که در سالی که مرحوم سید حجه الاسلام در آن وفات یافت عبدالله خان امین الدوله مطالبه مبلغ هشت هزار تومان از مرحوم سید نمود آن مرحوم فرمودند تو این پول را جهت امور خیریه دادی و من نیز در همان راه مصرف کردم و او می گفت بعنوان امانت داده بودم سید فرمودند مانعی ندارم آنچه پرداخته ام بحساب خودم باشد و معادل بیست هزار تومان وصیت کردند که و ارث به امین الدوله بپردازند .

این پول در زمان حیات امین الدوله پرداخت نشده بود .

در فوائد البهائیه (ص ۳۸) در باره امین الدوله می نویسد : روش امین الدوله آن بود که ذمه خود را اصلا مشغول نمی گذاشتند و اول اشتغال و تکلیف کـار سـازی میداشـتند. بلکه قبل از تکلیف بسادات و مسـتحقین بر حسب اجازات و فرمایش علماء و مجتهـدین مبلغی خطیر قرض داده بودند که بعد از اشتغال ذمه خود بحقوق مرقومه احتساب فرمایند ولی وفات آنجناب رضوان مآب بحقوق مرصوهه اشتغال ذمه بهم نرسانید که از آن وجوه محسوب گردیده شود چنانچه در وصیت نامه موجود باین معنی خود تصریح فرموده (انتهی)

احتمالا مبلغ بیست هزار تومان ادعائی امین الدوله از همین قبیل وجوه بوده است .

پس از فوت امین الدوله ورثه أو مبلغ نامبرده را از مرحوم حاج سید اسد الله مطالبه میکردند .

در فوائـد البهائیه (ص ۱۴) نامه ای را که میرزا علی محمـد خان نظام الـدوله ( ) فرزنـد امین الـدوله به آنجناب مرقوم داشته است را نقل نموده طالبین مراجعه کنند.

چهارسو (چهارسوق) ص ۲۷۳ یکم :

محل تقاطع در کوچه و با دو شارع را که از چهار طرف راد گذر دارد را چهار سو گویند و محل تقاطع در بازار یا در بازار چه را که راه گذر از چهار طرف داشته باشد را چهارسوق (چهار بازار) گویند و گاهی سه راه در بازار و بازارچه را نیز تسامحا چهار سوق گفته اند .

چهـارسو شـیرازیها یـا چهـار سوق شـیرازیها بـاین تعبیرات که ذکر شـد هر دو صـحیح است و از دو قسـمت تشـکیل یافته : چهارسو شـیر از بها وچهارسو کوچک

نسبت بچهارسوی اولی معمولاـ چهارسوقها دارای گنبدی آجری یا خشتی بودد است مانند چهارسو علی قلی آقا که آجری است . گنبد چهارسو شیر از یها در تعریض خیابان خشک (خیابان خوش - خیابان شاه - خیابان طالقانی) خراب شد .

در کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۶۰۳) می نویسد :

گنبد چهارسو شیرازیها از آثار قطب الدین علی باب الدشتی و مورخ بسال ۹۵۰ می باشد . در کتاب نامبرده اسامی ۳۱ چهارسو و یا چهار سوق را ذکر نموده طالبین مراجعه کنند .

این امر قطب الدین علی باب الدشتی بانی ساختمان مسجد قطبیه واقع در ضلع شمالی همین خیابان می باشد سال بنای مسجد ۹۰۰ هجری می باشد .

مسجد مصلی (مصلی) صفحه ۲۷۶ یکم سطر ۲۲:

صحیح آنست که گفته و نوشته شود: «مصلی» و کلمه مسجد در مسجد مصلی اضافه وزائد است اما چونکه همیشه و همه جا در بین اجتماع از فضلاء و جز آنان این چنین تلفظ شده و می نویسند ما نیز بمتابعت آنان : مسجد مصلی نوشتیم و ضمنا کلمه مسجد در این مورد : حشو ملیح است کما لا یخفی.

تألیفات مرحوم حاج محمد جعفر آبادهای ص ۲۹۲ یکم :

در کتاب حاضر اسامی ۱۰ کتاب و رساله از تألیفات مرحوم آباده ای را با ذکر مأخذ بیان داشتیم اکنون گوئیم :۱۹- تحفه المیتین در احکام مردگان فارسی نسخه ای از آن بشماره (۱۲۹۹) در کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی در قم موجود

آغاز : بعد حمد مخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی ... این کلمات متعلقه به بعضی احکام میت را بعد از التماس بعضی از مومنین ... نسخه ناقص: انجام : در افضلیت ترک رفع یدین در غیر تکبیره اولی اجماعی

است چنانچه استحباب رفع

بیدگل

ص ۲۹۹ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی بیدگل و بیگدل ص ۳۰۷ یکم :

در تعلیقات کتاب تاریخ کاشان تألیف عبدالرحیم کلانتر ضرابی نقل از کتاب چراغان تألیف محمد رضا وصاف بیدگلی می نویسد :

بیدگل قربه ایست از قراء قشلاقیه بلده کاشان وواقع در یک فرسخی آن...

بنیاد آبادانی او را بی بی گل نامی از دختران او کتاقا آن بسن چنگیز خان نهاده ...

مقبره حاج سلیمان (صباحی) بیدگلی در محله درب ریگ از محلات دوازده گانه واقع گردیده است (ص ۴۹۴ تاریخ کاشان)

واما بیگدل که مرحوم حاج اطفعلی خان (۱۱۳۶ - ۱۱۹۰) مؤلف تذکره آتشکده منسوب بدانست د

اران برداری ساری مرحوم معلم حبیب آبادی در مکارم الاثار (ص ۴۰ یکم) می نویسد :

بیگدل نام طایفه ای است از اترا از نژاد بیگدل خان بسن ایلد گزها فی آغور خان که در زمان هلاکو با مروی از ترکستان بشام آمده و بعد از آن در زمان امیر تیمور هم بفرمان وی از آنجا به ایران آمده اند باید توجه داشت که این دو کلمه که اولی نام قریه ودومین نام قبیله ای است اشتباه نشود.

شاگردان سید

شاگردان و مجازین از سید حجه الاسلام صفحه ۳۹۰ یکم :

در کتاب اسامی ۱۶۸ نفر از شاگردان و مجازین از مرحوم سید حجه الاسلام را با ذکر مأخذ بترتیب حروف ذکر کردیم این گوئیم :

۱۴۹ - محمد کاظم بن آقا احمد در تاریخ پنج شنبه سلخ رجب سال ۱۲۶۱

در اصفهان از کتابت نسخه ای از کتاب تحفه الأبرار بخط نستعلیق فراغت یافته

نسخه بشماره (۹۲۳۸) در کتابخانه آیت الله مرعشی در قم موجود است.

ص ۲۲۹ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی ان قوی وی نیز از محضر مرحوم سید حجه الاسلام بهره علمی یافته است العلم عند الله تبارک وتعالی .

تین نکاتی برای بازسازی

ص: ۳۶۷

استدراک ج ۲ تحفه الأبرار ص ۳۹ جلد دوم :

کتاب تحفه الأبرار اخیرا بهمت حجه الاسلام زاده محترم و فاضل گرامی آقای حاج آقا مهدی شفتی در دو جلد بچاپ رسیده است

کتاب نامبرده با تحقیقات و اشاره به مآخذ و مصادر احادیث منقوله در کتاب زیر نظر دانشمند بزرگوار حجه الاسلام آقای آقا سید مهدی رجائی نجل جلیل عالم جلیل حجه الاسلام آقای حاج آقا محمد رجائی فرزند گرامی حضرت آیت الله آقای حاج آقا باقر رجائی موسوی اصفهانی ایدهم الله تبارک و تعالی در قم بچاپ رسیده است .

در مقدمه جلد دوم رساله مختصری در شرح حال خاندان جلیل آل رسول اصفهانی (شهید اصفهانی) بقلم نویسنده اضافه شده است که اداءحقی از مرحوم حجه الاسلام آقای حاج آقا رضا آل رسول شمس آبادی بانی طبع کتاب شده باشد.

رجال سید حجه الاسلام (صفحه ۷۳ – دوم):

علم رجال یعنی علم شناسائی احوال رواه احادیث . این علم یکی از امهات

ص: ۳۶۸

علوم و از پـایه های اساسـی اجتهاد است که بـدون دارا بودن این علم مجتهـد نمیتوانـد درباره مسائل فقهی و عقیـدتی اظهار نظر نموده و فتوی دهد .

در موضوع علم رجال و اهمیت آن و همچنین در ایه الحـدیث از طرف علماء بزرگوار از قدماء ومتأخرین وعلماء عصـر حاضـر کتابهای زیادی تألیف شده و هچنین درباه شـرح حال علماء وحکماء وادباء و فلاسفه وشعراء ومؤلفین و مصنفین و ذکر تألیفات و آثار آنان نیز کتابهای زیادی تألیف شده است. در بسیاری از این کتابها رجال بمعنی الأخص (یعنی رواق شیعه - علماء شیعه) مورد نظر بوده و نامی از سنیان برده نشده و اگر ذکری از مخالفین شده بطور ندرت می باشد مانند : رجال طوسی- رجال کشی - رجال نجاشی - فهرست طوسی- معالم العلماء و بالاخره مجمع الرجال قهپائی و دهها کتاب دیگر .

در قرن ۱۱ هجری عالم محقق جلیل مرحوم میرزا عبد الله افندی اصـفهانی کتاب: ریاض العلماء رادرده مجلد تألیف نمود در دو قسمت مجزا از یکـدیگر پنـج جلـد مر بوط بعلمای بزرگوارشـیعه و پنج جلد دیگر راجع به دانشـمندان سـنی و ظاهر آ این اولین کتابی است از شـیعیان که نام صـدها نفر عالم سـنی را ذکر نموده است در قرن ۱۳ مرحوم سـید حجه الاسـلام شـرح حال عده ای از رواه احادیث را جدا از هم بطور تفصیل مرقوم فرمود که ذکرش در کتاب حاضر شده است (قبلا نیز عدهای از علماء در این باره کتابها نوشته بودند) در اواخر همین قرن علامه جلیل عالم عامل زاهد متقی محقق متتبع مرحوم آقا میرزا محمد باقر چهارسوقی کتاب روضات الجنات برادره مجلد در شـرح حال صدها نفر شـیعه و سنی جـدا از هم مرقوم فرموده کتـاب روضـات الجنات از اصول کتب رجالیه بوده و از زمان تألیف تاکنون یکی از مراجع معتبر در شـرح حال علماء شـیعه و سـنی میباشد و تا کنون چندین بار بچاپ رسـیده است، در باره شرح حال علماء بزرگوار در قرن ۱۳ و ۱۶ کتابهای زیادی تألیف شده

هر یک بگونه ای مورد نظر قرار گرفته است .

ص: ۳۶۹

کتابهای : رجال ممقانی – قاموس الرجال – معجم رجال الحدیث – اعیان الشیعه – طبقات اعلام الشیعه – الذریعه الی تصانیف الشیعه – فوائد الرضویه و دهها کتاب دیگر همگان در شرح حال علمای بزرگوار شیعه

کتاب: الکنی والألقاب – ریحانه الادب – مکارم الاثار و چندین کتاب دیگر در شرح حال علمای شیعه و سنی و غیره

واما کتاب روضات الجنات را گفتیم که چاپهای متعددی از آن شده چاپ دوم زیر نظر علامه محقق متتبع جناب حاج سید محمدعلی روضاتی انجام گرفته و از هر جهت بر چاپ اول امتیاز دارد .

حضرت آقای روضاتی یعنی حجه الاسلام و المسلمین عالم جلیل دانشمند بزرگوار محقق متتبع صدیقنا المعظم جناب آقای حاج سید محمد علی سلمه الله تعالی اقدام بطبع روضات با تحقیقات و تتبعات و حواشی بسیار سودمند فرمودند وجلد اول نیز بطبع رسید لکن متأسفانه بقیه مجلدات آن بچاپ نرسید امید از لطف حضرت حق جل وعلا آنکه وسائل چاپ و انتشار بقیه مجلدات این اثر نفیس را فراهم فرموده و چشم عموم دوستداران کتاب و تحقیق علمی را بدیدار آن روشن فرماید بمنه وکرمه .

مطالع الأنوار – مجلد دوم (ص ۷۹ جلد دوم):

مرحوم سیدحجه الاسلام در مقدمه جلد دوم بعنوان براعت و استهلال نام ۱۱ کتب از کتب فقهی مشهور را باین شرح ذکر نموده است:
استبصار – ارشاد – تذکره – تهذیب س ذکری – شرایع – قواعد – لمعه – مدارک – مسالک مطالع الأنوار .

و در مقدمه مجلد چهارم نیز بهمین مناسبت نام سیزده کتاب باین شرح راذکر فرموده است :

ص: ۳۷۰

ارشاد – استبصار تذکره – تهذیب – سرائر شرایع – قواعد – مدارک – مسالک – مطالع الانوار – معالم – مفاتیح – منتهی .

بقیه تألیفات : ص ۸۲ دوم:

در کتاب اسامی ۲۰ عدد کتاب و رساله از تألیفات مرحوم سید حجه الاسلام را نام بردیم وشرح لازم درباره هر کدام داده شد اینک گوئیم :

۹۱ – حواشی بر کتاب : الفهرست تألیف شیخ طوسی غیر مدون و مختصر در حاشیه نسخه ای از کتاب الفهرست ضمن مجموعه شماره (۲۰۰۸) در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در قم (ص ۹۰ شانزدهم فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی) .

نقل داستانی از قول سید حجه الاسلام شفتی :

دنباله صفحه ۸۲ دوم :۱– در کتاب: علمای بزرگ شیعه (ص ۱۰۶ کتاب بنام از کلینی تا خمینی نوشته شده است) می نویسد :

حجه الاسلام شفتی اصفهانی گوید : مرحوم ملا خلیل استعمال دخانیات را حرام میدانست و رسانه ای در این خصوص تصنیف نمود و نسخه ای از آنراحضور علامه مجلسی (علیه الرحمه) فرستاد . علامه پس از مطالعه دلائل او را کافی ندانست آنرا (دستمالی را که مرحوم ملا خلیل قزوینی کتا برا در آن قرار داده بود) پر از تنباکو کرد بحضور ملا (خلیل) عودت داد . (انتهی)

بقیه تالیفات

مؤلف کتاب نمی نویسد که مرحوم حجه الاسلام این داستان را در کدام یک از مؤلفائش ذکر فرموده است .

نقل داستان

۲ – شرفیابی خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف :

مرحوم حاج شیخ علی اکبر نهاوندی در کتاب: المسک الأذفر (عبقری الحسان) داستانی از شرفیابی مرحوم سید حجه الاسلام نقل می کند که چون در موقع پاکنویس کتاب حاضر دسترسی به کتاب : المسک الأذفر نداشتم به همین اشاره

اکتفاء شد (ص ۱۲۷).

محمد باقر شیرازی خطاط ص ۱۰۲ دوم :

اسامی چهار نفر خطاط بنام محمد باقر که آثار آنها از سال ۱۳۱۰ تا ۱۲۰۹ بخط نسخ و نستعلیق آثاری دارند را از کتاب : خط و خطان مرحوم ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی نقالی کردیم و گفتیم هیچکدام اینان شیرازی نیستند اینک جهت تکمیل مطلب گوئیم :

مرحوم رفیعی مهر آبادی علیه الرحمه در پاورقی کتاب : آثار ملی اصفهان (ص ۱۳۱) ذکری از محمد باقر شریف شیرازی نموده و آثار او را از سال ۱۲۰۱ تا سال ۱۳۱۲ ذکر می کند (که یقینا سالهای آخر از روی کتیبه های قبل گرده برداری شده و او تا این تاریخ زنده نبوده است)

مرحوم دکتر بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۱۹۰۱) از خطاطی بنام: محمد باقر شیرازی نام میبرد و قرآنی بخط نسخ و آخر آن رقاع مورخ سال ۱۲۶۸ یاد می کند که احتمالا همین محمد باقر شیرازی صاحب عنوان است .

آن مرحوم در کتاب خود جمعه از ۳۰ نفر بنام محمد باقریاد می کند و هیچکدام را بعنوان شریف آتشی شیرازی ذکر نمی کند . و آقا محمد باقر سموری مرحوم دکتر بیانی در کتاب خود در دو جا نام او را ذکر نموده است :

۱- محمد باقر سموری (ص ۹۵۰) ۲ - محمد نور اسکانی (ص ۱۱۰۱)

تاریخ وفاتش را از قول سپهر در سال ۱۲۳۳ می نویسد و خود گوید که یقینا اشتباه است زیرا یک نسخه از: کتاب کلمات قصار حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بخط او در کتابخانه سلطنتی طهران مورخ به ربیع الاول سال ۱۲۹۷

ص: ۳۷۲

موجود است .

فرزندان مرحوم حاج محمد باقر ثانی بیدآبادی

صفحه ۱۷۷ دوم؛نوشتیم که آن مرحوم دارای چهار فرزند پسر و یک دختر داشته اینک توضیحاً گوئیم :

مرحوم حاج سید محمد باقر دارای هفت فرزند پسر و دو دختر از زنهای خود داشته است باین شرح داشته است

۱- مرحوم حاج سید محمد جعفر علم الهدی فاضل بزرگوار ۲ - مرحوم حجه الاسلام والمسلمین حاج سید محمد رضا شفتی علیه الرحمه

۳- مرحوم آقا سید عبدالکریم ساکن تهران و مدفون در گورستان بهشت زهراء

۴ - مرحوم آقا سید محمد علی ساکن اصفهان مدفون در تکیه مرحوم بروجردی (در بکوشکی)

- مرحوم سید احمد ایت کاری برای سری : مرحوم سید عبدالرضا ۷- مرحوم سید هادی

سه نفر اخیر بدون اولاد وفات یافته اند و فرزندان سه پسر دیگر در طهران ساکن وبخدمات دولتی اشتغال دارند و برخی از آنان از مصادر امور و در مقامات حساس کشور قرار دارند و فرزندان مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی را نیز بیان داشته ایم

و اما دختران : ۱ دختری که شوهر نکرده و وفات یافته است .

۲- علویه حاجیه زهرا خانم زوجه مرحوم حاج آقا جلال الدین کلیشادی فرزند آقای سید محمد رضا حسینی رحمه الله علیهما .

اولاد مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی

صفحه ۱۹۰ دوم :

گفتم که مرحوم شفتی از سه زوجه خود سه فرزند پسر و چندین دختر یافت و اسامی پسران را نوشتیم اکنون گوئیم که :

یکی از دامادهای آن مرحوم حاج سید آقا رضا ابو البرکات دیباجی سدهی فرزند حجه الاسلام آقا سید محمد علیه الرحمه بود که تحصیلات علوم جدید و قدیم را هر دو آموخته و علاوه بر مسجد و محراب و منبر در دبیرستانها بشغل دبیری و بعنوان استاد دانشگاه در اهواز و اصفهان انجام وظیفه مینمود . عالمی خلیق و فاضلی مهربان و در مسجد و دبیرستان و دانشگاه متعهد و معتقد به شغل خود و کوشا در انجام وظائف دینی و اجتماعی بودخدایش رحمت کند (رجب ۱۳۰۰۱۴۰۱ ذی الحجه الحرام) پس از فوت در سده (خمینی شهر) مدفون گردید. ویرا تألیفاتی است که هیچکدام بچاپ نرسیده است .

داماد دیگر ایشان فاضل مکرم و واعظ محترم جناب آقای حاج سید محسن افضل نژاد هرندی فرزند مرحوم حجه الاسلام آقای حاج سید محمد جواد افضل نژاد هرندی رحمه الله علیه میباشند، عکس ص ۱۹۲ دوم متعلق است به مرحوم حاج سید محمد منجم باشی پدر یکی از ازواج مرحوم حاج سید محمد باقر ثانی مادر مرحوم حاج سید محمد رضا شفتی رحمه الله علیه .

سید محمد جواد شفتی

صفحه ۱۹۳ دوم :

حجه الاسلام سید محمد جواد شفتی فرزند ارشد و اکبر مرحوم حجه الاسلام سید محمد رضا شفتی در سال ۱۱ / ۹ / ۱۳۰۸ متولد و در ضمن تحصیلات جدید تا دانشگاه به حوزه وارد و بعد از فراغت از سطوح در اصفهان به نجف اشرف مشرف وحدود یازده سال اشتغال بتحصیل داشتند .

تصویر



حجة الاسلام سید محمد جواد شفتی

باب کوشك صفحه ۲۱۱ دوم سطر ۱۳ :

در آنجا نوشتیم که باب کوشك را باب القصر گویند وسپس اظهار داشتیم
که محله دربکوشك ازمحلات تابع بیدآباد همان باب کوشك است اینك جهت
توضیح ورفع اشتباه واصلاح مطلب گوئیم :

- ۳۷۵ -

شماره ۱

حجه الاسلام سید محمد جواد شفتی باب کوشک

صفحه ۲۱۱ دوم سطر ۱۳:

در آنجا نوشتیم که باب کوشک را باب القصر گویند و سپس اظهار داشتیم که محله در بکوشک از محلات تابع بید آباد همان باب کوشک است اینک جهت توضیح ورفع اشتباه و اصلاح مطلب گوئیم :

محله در بکوشک و محله باب کوشک دو محله می باشد اولی از توابع محله بید آباد و دومی جزو بیهودیه بوده است .

حافظ ابو نعیم اصفهانی در کتاب : ذکر اخبار اصفهان (صفحه ۲۱۲ دوم) در ضمن شرح حال محمد بن حسن بن سعید اصفهانی گوید :

در پهودیه در محله با بکوشک حدیث می گفته .

واز معروفین این محله است : أحمد بن ابراهیم با بکوشکی متوفی بسال ۲۷۸ ه. ق (صفحه ۹۸ یکم ذکر اخبار اصفهان).

مدارس دینی در محنه بید آباد

ص ۲۱۹ دوم :

گفتیم که در این محله چندین مدرسه جهت تحصیل علوم دینی از طرف بزرگان بنا گردیده است از آنجمله است :

۲ – مدرسه میرزا مهدی ...

مرحوم میرزا مهدی اشتهاردی از منشیان او اخر صفویه ودوره نادر شاه در محله بید آباد ساکن بوده و از آثار او: ۱- آسیای اشتهاردیها ۲- کوچه میرزاها وخاندان معروف میرزاهای چهارسوق علی قلی آقا که نام خانوادگی آنان: تابش می باشد و عموم آنان افرادی تحصیل کرده و متدین و خدمتگزار بدین وجامعه می باشند .

مدرسه میرزا مهدی در سال ۱۹۰۸ بوسیله شهرداری بعنوان ساختن پارکینگ و پناهگاه و تعریض خیابان خراب شد و اکنون نام او و اثر او از بین رفته و فقط اطاقهای شرقی آن باقیست .

این مدرسه علاوه بر حجرات و سکونت طلاب در آن جنبه مسجدی نیز داشت و در این اواخر جنبه مسجد بودن آن بر مدرسه بودن غلبه داشت.

تولیت مدرسه از طرف واقف مربوط به آقایان میر محمد صادقی اعقاب

ص: ۳۷۶

مرحوم میر محمد اسماعیل مدرس میر محمد صادقی بوده و ائمه جماعت آنجا در زمان نویسنده عبارت بودند از :

۱ - عالم جلیل فقیه کامل عابد زاهد مرحوم آقا شیخ احمد بید آبادی معروف به حسین آبادی

۲- عـالم جلیل مرحوم حاج ملا اسـد الله فاضل بیـد آبادی ۳- عالم جلیل مرحوم حاج آقا محمـد مقـدم بیـد آبادی ۴ - عـالم جلیل مرحوم آقا حبیب مقدس بید آبادی ه - حجه الاسلام آقای حاج سید عباس فقیه احمد آبادی سلمه الله . . قدمگاه ص ۲۱۸ دوم:|

از این نوع قـدمگاهها که برخی آنرا جـای پـای بزرگـان و ائمه دین علیهم السـلام میداننـد و عـده ای معتقدنـد که کسـی یکی از آنـان در این جایگـاه بخواب دیـده و بعـدا این جا را برای تـذکار خواب خود ساخته و پرداخته در بعضـی دیگر از شـهرهای ایران نیز آثاری نمودار است از آنجمله در شهر کاشان :

- قدمگاه حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام در شهر کاشان نزدیک

دروازه عطا

۲- قدمگاه صالح آباد خارج از دروازه حاجی جمال معروف به قدمگاه

۲ - قدمگاه علی در قریه کله ، جای پنجه های حضرت

- قدمگاه در کوه قریه کله

در هر چهار موضع قدمگاهها دارای صحن و بقعه بوده و مردم بزیارت آنجا میرفته اند

ص ۴۴۲ تاریخ کاشان تألیف سهیل کاشانی

ص: ۳۷۷

آنچه مسلم است اینکه عموم این قدمگاهها برای توجه مردم مسلمان و شیعه به موالیان عظام و ائمه طاهرین بوده و انتساب آنها بحضرات معصومین بدون دلیل و خالی از اعتبار است و ممکن است که جهت یاد آوری رؤیای مؤمنی از یکی از بزرگان دین باشد.

خراب کردن افاغنه محله بیدآباد

را (ص ۲۲۸ دوم): آنچه معروفست و در افواه مردم مذکور آنکه :

مردم اصفهان در برابر حمله و هجوم وحشیانه عده از افاغنه بریاست محمود از خود حرکتی نشان ندادند و همگان چشم بسته تسلیم حوادث گردیدند اما با مراجعه به تواریخ و نوشته های مورخین و مطلعین از ایرانیان و غربیان که در آن دوره بحرانی و یا پس از آن رویداد تاریخی که حق آنرا باید : فاجعه تاریخی نامید نوشته اند معلوم میشود که مردم این شهر محله به محله و مردم دهات و روستاها قریه بقریه مقاومت نموده اند و در حد توان خود مقاومت نموده اند و جهت حفظ شهر و دیار خود وجان و مال و ناموس و شرافت خود کو ششها نموده اند لکن بعلل و موجباتی که مهمتر از همه آنها نداشتن فرماندهان کاردان و دلسوز وشاید خیانت برخی دیگر از سران مملکت نتوانسته اند کاری از پیش ببرند .

ذیلا توجه خوانندگان را بمطلب زیر معطوف میدارد :

دکتر و یلم فلور در کتاب : بر افتادن صفویان و بر آمدن محمود افغان که بوسیله دوست دانشمند و مترجم بزرگوار فاضل ادیب شاعر جناب آقای دکتر سید ابوالقاسم سری فرزند برومند شاعر فرزانه و ادیب گرانمایه مرحوم آقا سید ابراهیم بن ابو القاسم موسوی پودهای متخلص به : سری که خود از طرف مادر بخاندان جلیل سید حجه الاسلام نسب میرساند ترجمه گردیده است بخلاصه می نویسد :

چهارم آوریل ۱۷۲۱ - بامداد پگاه در دمیدن آفتاب آگاه شدیم که افغانان

ص: ۳۷۸

با سیصد مرد به محله بیدآباد در شمال شهر تاخته بیشتر خانهها را ویران ساخته اند و از آنجا کوشیده اند به عباس آباد که در باختر آنست بتازند اما بیاری خدا و مردانگی خواجه احمد آغا که به شتاب جلو آنها را گرفته پس رانده شده و دو از ده کشته داده اند و از ایرانیان ۲۶ تن کشته شده است (ص ۱۳۹ بر افتادن صفویان بر آمدن محمود افغان)

چهارم اوت ۱۷۲۱ – افغانان سخت به محله بیدآباد تاختند اما به علت وجود توپخانه هیچ نتیجه ای نتوانستند بگیرند (ص ۱۹۹ بر افتادن صفویان ،...

سید حسن شفتی

(صفحه ۲۳ دوم):

علامه طهرانی رحمه الله علیه ویرا در کتاب : طبقات اعلام الشیعه : أحیاء الدائر فی القرن العاشر (ص ۵۴) عنوان نموده و گوید :

از شاگردان شهید ثانی و از علماء قرن دهم هجری است . ساختمان روی حوض مسجد جامع –

کلاه فرنگی

صفحه ۳۰۸ دوم :

گفتیم که در روی حوض مسجد جامع که در وسط صحن قرار دارد (مسجد جامع یک حوض آب دیگر نیز جلوی ایوان شمالی دارد) بر دو جرز آجری آن دو لوحه سنگی از سنگ مرمر هر یک بطول ۵۷ و عرض ۵۰ سانتیمتر نصب گردیده ومضمون یکی از اندو آنکه در زمان سلطان محمد خدابنده در سال ۹۸۰ ساخته شده و بر دیگری چهار سطر شعر است شعر بر این اینکه یوسف آقا در زمان غیاث الدین میر میران تالار روی حوض را در سال ۹۸۰ هجری بنا کرده است. نویسنده کتیبهها صحیفی خطاط است .

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۳۲۷ یکم) نام او را ذکر کرده و ماده تاریخ وفاتش را از حکیم شفائی نقل نموده که سال ۱۰۲۲ میشود (رفت ملا صحیفی از دنیا) و از قول تذکره میخانه گوید که

وی اصلا شیرازی است .

در کتاب رجال اصفهان (ص) قبر او را در جنب قبر امامزاده سه تن مجاور مسجد آقانور در محله در دشت می نویسد .

ظاهرا علت بنای آن جهت أعیاد فطر واضحی و روزهای جمعه در نماز جمعه بوده که مؤذن در آنجا تکبیرات نماز را بصدای بلند می گفته که تمام جمعیت حاضر در مسجد بشنوند (مؤذن اولی در زیر گنبد محل اقامه جماعت و محراب امام جماعت بوده و در اینجا تکبیرات را تکرار میکرده اند . این نظریه ای است که فعلا میتوان جهت ساختمان آن بیان کرد تا بعدا تحقیق بیشتری بشود.

اصلاح صفحه بندی

صفحات ۳۲۹ و ۳۲۷ و ۳۲۸ دوم :

متأسفانه در صفحه بندی صفحات یاد شده از طرف ... اشتباهی شده که اینک اصلاح می شود :) |

صفحه ۳۲۷ سطر سوم : هی : تکمیل بنای مسجد سید

صفحه ۳۲۸ سطر دوم : مطلع قصیده از صفحه ۳۲۱ تا دو سطر از صفحه

بنابراین ترتیب مطالب صفحات نام برده باین طریق است : تکمیل بنای مسجد سید صفحه ۳۲۷ وسطر اول صفحه ۳۲۸ مطلع قصیده صفحه ۳۲۹ تا دو سطر از صفحه ۳۲۷ کتیبه های داخلی صفحه ۳۲۸ سطر دوم تا آخر صفحه علیهذا مطالب دو صفحه اول (۳۲۹ و ۳۲۷) باید جابجا شود .

حاج سید اسد الله بید آبادی و خط

صفحه ۳۶۰ دوم :

مرحوم دکتر مهدی بیانی در کتاب : احوال و آثار خوشنویسان (ص ۹۹ یکم) می نویسد :

قطعه ای بخط نستعلیق چهار دانک خوش دارم که سید علی اکبر گلستانه در پشت آن نوشته است :

خط مرحوم خلد آشتیان حجه الاسلام سید اسدالله خلف مرحوم حجه الاسلام حاجی سید محمد باقر رشتی که در اصفهان ساکن بوده و مرحوم شده و کتیبه دور مقبره مرحوم حجه الاسلام هم تماما خط آن مرحوم است که در محله بید آباد اصفهان است (انتهی)

سید علی اکبر گلستانه فرزند حاج میرزا محمدابراهیم گلستانه ملقب به احتشام السادات (۱۲۷۶ - ۱۳۱۹) از خطاطان معروف ودر نستعلیق و شکسته استاد مسلم زمان بوده است. وی در اصفهان متولد و پس از تکمیل مراتب علمی و خط مسافرت‌هائی به شهرهای مختلف نموده و سپس در تهران ساکن شده و پس از وفات که در جوانی رویداد جنازه او بقم منتقل و در آن ارض مقدس مدفون گردید (ص ۶۳۷ - احوال و آثار خوشنویسان). ل

انتقاد صحیح

غیر از عیب جوئی است : رسانی | از امثال سائره است که : من صنف قد استهدف و گفته اند که :

وما احد یکون له مقال فیسلم من ملام او ملوم آنچه مسلم است انکه یکی از راههای اصلاح فرد و جامعه انتقاد است بشرط آنکه آلوده به اغراض و نظرات شخصی نباشد.

پس از چاپ و انتشار بعضی از آثار نویسنده یکی از آشنایان کتاب را ورق زده و بدون آنکه حتی یک سطر آنرا بخواند یکی از عکسهای کتاب رادیده و تبسمی زهرآگین بر لبهایش ظاهر شد و شروع به عیبجوئی از آن شخص در کتاب نموده و گفت : موضوع کتاب روشن شد . ظاهرا او مایل بود که از کسانیکه وی با آنها نظر خصوصی دارد نامی برده نشود .

ص: ۳۸۱

در چند سال قبل دیگری کتاب: گنجینه دانشمندان را ورق میزد و نمیخواند بنام یکی از اهل منبر طهران بر خورد کرد و فورا کتاب را بر زمین نهاده و گفت اینهم که شرح حال روضه خوانهاست . او ظاهرا اهل منبر را قابل ذکر نمیدانست غافل از آنکه خدمتی که این طبقه از روحانیون به اسلام و شیعه نموده اند و مینمایند از حد وصف افزون است و شاید او خیال میکرد که منبریان عموماً فضل ودانشی ندارند و نمیدانست که در بین سلسله اهل منبر کسانی همچون شیخ جعفر شوشتری - آیت الله حاج میر سید علی مجتهد نجف آبادی - حاج میرزا علی هسته ای - مرحوم حاج شیخ مرتضی مطهری و مرحوم حاج شیخ حسینعلی راشد و دهها بلکه صدها دانشمند و فقیه و حکیم دیگر بوده و میباشند .

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شارع وواضع احکام حلال وحرام و ائمه طاهرین علیهم السلام مبین آنها و در زمان غیبت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مجتهدین بزرگوار وظیفه حفظ و نگاهداری و بیان احکام و استنباط آن از مصادر بوده و همین اهل منبر بوددو میباشند که وسیله ابلاغ احکام خداوند تبارک و تعالی به مردم را داشته و دارند و الحق و الانصاف بوظیفه خود بهترین وجه عمل نموده اند و باید گفت وجود مذهب شیعه و رواج آن فقط و فقط بوسیله همین افراد یعنی بقول آن گوینده بی اطلاع روضه خوانها میباشند. اگر اینان نبودند نام شیعه و نام مبارک حضرت سید الشهداء علیه السلام و داستان جانسوز کربلا فراموش میشد. این روضه خوانها بودند که در طول تاریخ این مشعل فروزان هدایت را روشن نگاه داشتند .

و در اینجا متذکر میشوم که هیچ نویسنده ای تا کنون مدعی نشده است که آنچه را که نوشته ام خالی از عیب و نقص می باشد البته اهل مطالعه و تحقیق وظیفه دارند که اشتباهات و نقایص را تذکر دهند تا مؤلفین کتب در اصلاح آن بکوشند

ص: ۳۸۲

اما نباید که این تذکرات جنبه شخصی و فردی داشته و بعنوان عیب یاد آوری شود

در هر حال نویسـنده در کلیه موارد آماده شـنیدن نواقص و اشـتباهات مؤلفات خود بوده و در صدد اصلاح آنها در موقع مقتضی با تذکر به نام بزرگانیکه مرا به اشتباهم واقف فرموده اند بر خواهد آمد و در اینجا از لطف آنان نسبت بخود تشکر و سپاسگزاری می کنم .

ص: ۳۸۳

فهرست مطالب

فهرست مصادر

در کتـاب حاضـر علاـوه بر اطلاعـات شخصـی و آنچه از افراد مورد اعتمـاد ووثوق شـنیده ام و نقـل شـده از کتابها - مجله ها - رسائل زیر نیز استفاده شده است:

* . قرآن مجید : کلام الله المجید ۱، آتشکده اردستان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ۲. آثار عجم : فرصت الدوله شیرازی ۳. آثار ملی اصفهان : ابوالقاسم رفیعی

۴، آداب الجمعات : سـید محمـد تقی فقیه احمد آبادی ۵، آشـنائی با چند نسخه خطی ۶، آگهی شـهان از کـار جهان : حاج میرزا حسن خان انصاری

۷،احسن الودیعه : سید محمد مهدی موسوی ۸، احوال و آثار خوشنویسان ، دکتر مهدی بیانی ۹، احیاء الدائر فی القرن العاشر : شیخ آغا بزرگ طهرانی

ص: ۴۰۲

۱۰. از کلینی تـا خمینی : سـید محمـد گلپایگانی ۱۱. اسـلام در ۱۴ قرن : سـید محمـود خیری ۱۲. اسـناد المصـفی : حاج شیخ آغا بزرگ ۱۳ . الأصـفهان : حاج میر سید علی جناب ۱۴. اصـلاح الوجوه والنظائر : دامغانی ۱۵. اصول کافی : محمـد بن یعقوب کلینی ۱۶، اعلاط در انساب : سیـد عبد الحجت بلاغی ۱۷ ، اعیـان الشیعه : سـید محسن امین عاملی ۱۸. امالی : شـیخ صدوق ۱۹ - امیر شـو کت الملـک علم : محمـد علی منصف ۲۰. انجـم فروزان : حـاج میرزا عبـاس فیض ۲۱. ایران و مســئله ایران : لرد گرزنـا ۲۲. بحـار الانوار : علامه مجلسـی سادگی ۲۳. بدایع الانساب : میرزا مهـدیخان بـدایع نگار ۲۴ ، البـدر التمـام : حاج میرزا ابو الهـدی کلباسـی ۲۵، بزرگان رامسـر : شـیخ محمد سمامی ۲۶. بستان السـیاحه : حاج میرزا زین العابدین شیروانی ۲۷. بلوای اصـفهان : حاج شـیخ محمد باقر الفت (نسخه خطی) ۲۸ . بهارسـتان : حاج شیخ محمد حسین آیتی ۲۹. پیشگوئی پیشریان : بحاج احمد آقا سیاح ۳۰. تاریخ ابنیه تاریخی اصفهان ۳۱. تاریخ ادبیات ایران : ادوارد برون

ص: ۴۰۳

۳۲ . تاریخ اصفهان : جابری انصاری ۳۳ . تاریخ اصفهان وری : جابری انصاری ۳۴ به تاریخ بیهق ۳۵ . تاریخ تذکره های فارسی ۳۶ . تاریخ جرائد ومجلات : سید محمد صدر هاشمی ۳۷. تاریخ زنجان : حاج سید محمد ابراهیم زنجانی ۳۸ . تاریخ شعراء و علماء گیلان : شیخ حسن شمس گیلانی ۳۹. تاریخ عضدی .۴ . تاریخ علمای خراسانی: میرزا عبدالرحمن مدرس (تعلیقات وحواشی حاج شیخ محمد باقر ساعدی) ۴۱ . تاریخ قم : ناصر الشریعه ۴۲ . تاریخ الکوفه ؛ سید حسون براقی ۴۳ . تاریخ نائین : سید عبد الحجت بلاغی ۴۴، تاریخ و جغرافیای چهار محال : سید کریم نیک زاد حسینی ۴۵ . تبصره المعاریف : سید عزیز الله امامت ۴۶. تحفه الأحباب : آقا طه بهشتی ۴۷ . تذکره اختر ۴۸. تذکره الأطباب : محمد حسن رجائی زفره ای ۴۹ ، تذکره الانساب : میرزا حیدر علی مجلسی ۵۰. تذکره خوشنویسان معاصر ؛ علی راه جیری .. ۵۱ . تذکره العارفین ۵۲ . تذکره القبور : ملا عبدالکریم گزی

ص: ۴۰۴

۵۳ . تذکره الملوک ۵۴ . تذکره نصر آبادی : میرزا طاهر نصر آبادی ۵۵، تراجم الرجال : سید احمد حسینی ۵۶. ترجمه روضات الجنات : شیخ محمد باقر ساعدی

۵۷، ترجمه بها سن اصفهان ۵۸ . تفسیر ابوالفتح : ابوالفتح رازی ۵۹ ، تفسیر جامع : حاج سید ابراهیم بروجردی ۶۰، تفسیر شریف : محمد بن شیخ علی لاهیجی ۶۱. تفسیر قمی : علی بن ابراهیم ۶۲. تفسیر منهج الصادقین : ملا فتح الله کاشانی ۶۳ ، تفسیر المیزان : علامه طباطبائی ۶۴. تقویم تطبیقی ۱۵۰۰ سالها ۶۵، تکمله امل الأمل : سید حسن صدر کاظمینی ۶۶. تکمله نجوم السماء : میرزا محمد مهدی لکهنوی ۶۷. الثقات العیون : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۶۸. جغرافیای اصفهان : دکتر سیروس شفقی ۶۹، جغرافیا و تاریخ چهار محال : کریم نیک زاد حسینی ۷۰ حقایق اسرار ناصری ۷۱. خط و خطاطان : ابوالقاسم رفیعی مهر آبادی ۷۲. خلد برین : حاج شیخ احمد بیان ۷۳. دار السلام : شیخ محمود عراقی ۷۴. داستانهائی از ۵۰ سال : سید معز الدین مهدوی .

ص: ۴۰۵

۷۵. دانشمندان و بزرگان اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی ۷۶. دائره المعارف دانش بشر ۷۶. الدر المنثور : شیخ علی سبط شهید ۷۷. دیوان هما : رضا قلیخان همای شیرزای ۷۸. الذریعه : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۷۹. ذکر اخبار اصفهان : حافظ ابو نعیم اصفهانی ۸۰. رجال اصفهان : سید مصلح الدین مهدوی ۸۱ رجال سید : سید محمد باقر حجه الاسلام ۸۲ رجال نجاشی ، ابو العباس احمد بن علی ۸۳ رستم التواریخ : محمد هاشم رستم الحکماء ۸۴ . روضات الجنات : میرزا محمد باقر چهارسوقی ۸۵. روضه البهیه : حاج سید شفیع جاپلقی ۸۶. روضه الصفا : رضا قلی خان هدایت اله ۸۷ . ریحانه الادب : میرزا محمد علی مدرس تبریزی ۸۸ . زاد المعاد : علامه مجلسی . ۸۹. زندگینامه آیت الله بهبهانی : حاج شیخ علی دوانی ۹۰. زندگینامه آیت الله چهارسوقی : حاج سید محمد علی روضانی ۹۱ . زندگینامه علامه مجلسی : سید مصلح الدین مهدوی ۹۲، سرچشمه تصوف : سعید نفیسی . . ۹۳ – سفرنامه : رضا قلی میرزا ۹۴ – سفرنامه حج : میرزا حسین خان فراهانی ۹۵ سفر نامه شاردن : ترجمه حسین عریضی و ترجمه محمد عباسی

۹۶، سفینه البحار : حاج شیخ عباس قمی ۹۷ . سؤال وجواب : سید حجه الاسلام ۹۸. شخصیت و زندگانی شیخ انصاری : حاج شیخ مرتضی انصاری ۹۹، شرح حال حاجی کلباسی : محمد علی معلم حبیب آبادی (نسخه خطی) ۱۰۰. شرح حال رجال ایران : مهدی بامداد ۱۰۱ شرح حال شیخ زاهد گیلانی : محمد علی گیلک ۱۰۲. شناسنامه جغرافیائی ایران ۱۰۳. شیخ آقا بزرگ طهرانی : محمد رضا حکیمی ۱۰۴، صحیفه سجادیه : حضرت سجاد علیه السلام ۱۰۵ .. صدر التواریخ ۱۰۶ صفات الشیعه : شیخ صدوق ۱۰۷. ضیاء الدرایه : حاج سید ضیاء الدین علامه ۱۰۸. طرائق الحقایق : معصومعلیشاه ساری ۱۰۹. عالم آراء عباسی ، اسکندر بیک منشی ۱۱۰. علماء معاصرین : حاج ملا علی خیابانی ۱۱۱. عمده الطالب ۱۱۲. عنوان الشرف : شیخ محمد سماوی ۱۱۳ . عیون اخبار الرضا علیه السلام : شیخ صدوق ۱۱۴. الفخری : عز الدین ابی طالب ازورقانی ۱۱۵ – الفرق بین الفریضه و النافله : حاج آقا منیر الدین بروجردی ۱۱۶. فوائد البهائیه : بهاء الدین محمد صدری ۱۱۷ ، فوائد الرضویه : محدث قمی

ص: ۴۰۷

۱۱۸ . فهرست کتابخانه الهیات مشهد ۱۱۹. فهرست کتابخانه جامع یزد ۱۲۰ . فهرست کتابخانه دانشکده حقوق ۱۲۱. فهرست کتابخانه دانشگاه . ۱۲۲. فهرست کتابخانه رضویه آستان قدس ۱۲۳ ، فهرست کتابخانه عمومی اصفهان : محمد جواد مقصود ۱۲۴. فهرست کتابخانه فیضیه قم : حاج شیخ رضا استادی ۱۲۵ . فهرست کتابخانه آیت الله گلپایگانی ۱۲۶ ۰ فهرست کتابخانه جامع گوهر شاد ۱۲۷ . فهرست کتابخانه مجلس شورای اسلامی ۱۲۸. فهرست کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی : سید احمد حسینی ۱۲۹ . فهرست کتابخانه ملی طهران ۱۳۰ . فهرست کتب خطی : احمد منزوی سواری ۱۳۱. فهرست مشاهیر علمای زنجان : شیخ موسی زنجانی ۱۳۲ ، فهرست مؤلفین کتب چاپی : خانبا با مشار ۱۳۳. قصص العلماء : میرزا محمد تنکابنی ۱۳۴ . قصه قصه ها : محمد علی جمال زاده

، کافی یا اصول کافی : محمد بن یعقوب کلینی ۱۳۵ • کامل الزیارات : محمد بن قولویه قمی ۱۳۶ - الکرام البرره : حاج شیخ آغا بزرگ طهرانی ۱۳۷. الکنی والألقاب : حاج شیخ عباس قمی ۱۳۸ . گنج شایگان : میرزا طاهر شعری

ص: ۴۰۸

۱۳۹، گنجینه آثار تاریخی اصفهان : دکتر لطف الله هنرفر ۱۴۰. گنجینه دانشمندان : حاج شیخ محمد شریف رازی ۱۴۱. لباب الالقاب : ملا حبیب الله کاشانی ۱۴۲ . اللوامع المحمدیه : سید مصطفی موسوی ۱۴۳. لؤلؤه البحرین : حاج شیخ یوسف بحرینی ۱۴۴. الثانی الأخبار : شیخ عبد النبی تویسرکانی ۱۴۵. المآثر والاثار : محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۱۴۶ . ماضی النجف وحاضرها : شیخ جعفر آل محبوبه نجفی ۱۴۷، مجالس المؤمنین : قاضی نورالله شوشتری ۱۴۸، المجدی : ابوالحسن علی بن محمد عمری ۱۴۹ . مجله یادگار : عباس اقبال آشتیانی ۱۵۰ . مجمع الرجال : مولی عنایت الله قهپایی ۱۵۱. مجمع العضماء : رضا قلیخان هدایت ۱۵۲ ، مجموعه تاج : شیخ مهدی تاج لنگرودی ۱۵۳. محاسن اصفهان : مفضل بن سعد ما فروخی ۱۵۴ . مرآت القاسان : عبدالرحیم کلانتر ضرابی بنام : تاریخ کاشان بچاپ رسیده است)

۱۵۵ . مستدرک سفینه البحار : حاج شیخ علی نمازی ۱۵۶. مستدرک الوسائل : حاج میرزا حسین نوری ۱۵۷ . مصباح الزائر : حاج شیخ عباس قمی ۱۵۸. مطالع الأنوار : سید حجه الاسلام شفتی ۱۰۹ . مطالع الشمس : محمد حسن خان صنیع الدوله

ص: ۴۰۹

۱۶۰ . معادن الافادات : حاج میرزا حبیب الله نیر ۱۶۱ . معارف الرجال : شیخ محمد حرز الدین نجفی ۱۶۲ . معانی الاخبار : شیخ صدوق ۱۶۳ . معجم رجال الحدیث : آیت الله خوئی ۱۶۴ . معجم رجال الفکر والأدب : شیخ محمد هادی امینی ۱۶۵ . معرفه القبله : میرزا عبد الرزاق خان بغایری ۱۶۶. مفاتیح الجنان : محدث قمی ۱۶۷. مفردات : راغب اصفهانی ۱۶۸. مقدمه ترجمه رساله قشیریه : بدیع الزمان فروزانفر ۱۶۹، مقدمه ترجمه قرآن : زین العابدین رهنما ۱۷۰. مقدمه دیوان طرب : استاد جلال الدین همائی ۱۷۱. مقدمه دیوان عبرت ۱۷۲. مقدمه لطائف غیبیه : حاج سید جمال الدین میر دامادی ۱۷۳. مقدمه مقتضب الأثر ۱۷۴. مقدمه مناهج المعارف : حاج میر سید احمد روضاتی ۱۷۵. مکارم الاثار : محمد علی معلم حبیب آبادی ۱۷۶. منتخب التواریخ : حاج ملا هاشم خراسانی ۱۷۷. منتخب الدعاء : شیخ محمد باقر شریعتی دهاقانی ۱۷۸ . منتظم ناصری : محمد حسن خان اعتماد السلطنه ۱۷۹. منتقله الطالبیه : ابراهیم بن ناصر طباطبائی ۱۸۰ . منتهی الامال : حاج شیخ عباس قمی (وتتمه المنتهی) *. منهج الصادقین : ملا فتح الله کاشانی

۱۸۱ ، موسوعه العتبات : جعفر خلیلی ۱۸۲ . میرزای شیرزای : ترجمه هدیه الرازی تألیف حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی۱۸۳ . نابغه فقه و حدیث : حاج سید محمد شیرازی ۱۸۴ ، ناسخ التواریخ : سپهر ۱۸۵ . نامه سخنوران سپاهان : نشریه اداره فرهنگ و هنر ۱۸۶ . نجم الثاقب : حاج میرزا حسین نوری ۱۸۷. نخبه المقال : سید حسین بروجردی ۱۸۸ . نصف جهان فی تعریف اصفهان : آقا محمد مهدی ارباب ۱۸۹. نقباء البشر : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۹۰: نقش روحانیت پیشرو : حامد آلگار ۱۹۱ ، نمونه مختصر المکارم : معلم حبیب آباد (نسخه خطی) ۱۹۲ ، نمونه معارف اسلام : علی فصیحی ساری ۱۹۳ . نهج البلاغه : گرد آوری : سید رضی ۱۹۴ . نهج الفصاحه : گردآوری : ابوالقاسم پاینده ۱۹۵ . نوابغ الرواه : حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی ۱۹۶ ، وجوه قرآن ۱۹۷ ، وحید بهبهانی ، شیخ علی دوانی ۱۹۸ ، وسائل الشیعه : شیخ حر عاملی ۱۹۹ . وفیات العلماء : شیخ حسین جلالی شاهرودی ۲۰۰. وقایع السنین والاعوام : سید عبدالحسین خاتون آبادی ۲۰۱. هدایه الأنام : حاج شیخ عباس قمی

۲۰۲ . هدایه السالکین : آقا محمد عماد الإسـلام ۲۰۳ . هدیه الأحباب : حاج شیخ عباس قمی ۲۰۴. هدیه الزائرین : حاج شیخ عباس قمی ۲۰۵. هدیه العارفین : اسماعیل پاشا بغدادی

غلط نامه

ص: ۴۱۳

اسامی مولفات نویسنده

اسامی بعضی از آثار چاپ شده نویسنده:

۱- ارمغان اصفهان : شرح حال آیت الله حاج سید علی بهبهانی

۲- بیان المفاخر : کتاب حاضر (۲ جلد)

۳- تاریخ مختصر سامراء

۴ - تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان : شرح حال خاندانهای علمی وابسته مسجد شاه (۳ جلد)

۵- تاریخچه محله خواجو

۶- تاریخچه مدارس دینی اصفهان : ضمیمه : محیط ادب

۷- دانشمندان و بزرگان اصفهان

۸- رجال اصفهان: حواشی و تعلیقات بر : تذکره القبور

۹- زندگانی حضرت عسکری علیه السلام : ضمیمه تاریخچه سامراء

۱۰- زندگانی حضرت هادی علیه السلام: ضمیمه تاریخچه سامراء

۱۱- زندگینامه علامه مجلسی (۲ جلد)

۱۲ - شرح حال آیت الله بروجردی

۱۳ - شرح حال آیت الله آقا شیخ محمد رضا مسجد شاهی: مطبوع در مجله نور علم - قم

۱۴ - شرح حال سه نفر از خاندان کلباسی : مطبوع در مقدمه : حقوق زن

۱۵ - شرح حال شهید اصفهانی (آل رسول): مطبوع در مقدمه: تحفه الأبرار

۱۶ - شعرای معاصر اصفهان : از ۱۳۵۰ قمری به بعد تا موقع چاپ

۱۷ - عطیه الجواد علیه السلام: زندگانی و سخنان آنحضرت

۱۸ - غایه الأمال و الأماني: شرح حال سید هاشم بحرانی (مطبوع در مقدمه : اللوامع النورانیه).

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹